فتاوی دار العلوم دیوبند فارسی

مدلل و مکمل



تألیف

مفتی اعظم العارف باللہ حضرت مولانا الشیخ
عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

پنهم

تصیح ترجمه و ترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد احمد الحقانی الأفغانی غفر اللہ



مکتبہ حنفیہ کانسی روڈ، کوئٹہ، فون ۲۶۶۲۵۱۰

فتاوی دار العلوم دیوبند

مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد أحمد الحقانی الأفغانی غفر الله له

جلد پنجم (۵)

مکتبه حنفیه

کاسی روڈ ، کوئٹه . فون: 081-2662510

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah	مکتبۂ حنفیہ
Publishing Organization	مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers	العلم کمپیوترز
Composing Organization	کمپوزنگ اداره

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 کاسی رود، حاجی غیبی چوک، کوئته ، شمارهٔ تلیفون:

AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 العلم کمپیوترز ، کوئته ، پاکستان ، شمارهٔ تلیفون:

فهرست فتاوی دار العلوم دیوبند جلد پنجم

بسم اللہ الرحمن الرحیم

پیشگفتار

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى.

در حالیکه جلد پنجم این فتاوی را برای اهل علم وعامه مسلمانان تقدیم می دارم قلبم از حمد وشکر خداوند لبریز وپیشانی من در محضر خداوندی که این توفیق را به من اعطا کرده تا این خدمت بزرگ را انجام دهم خمیده است زیرا غیر از عنایت او تعالی هرگز این تصور ممکن نیست که انسان ظلوم وجهولی چون من یک لک وبیست پنج هزار مساله متفرق را از ریکارد غیر مرتب هزده ساله دار العلوم با ذهن اگاه مطالعه نموده وسپس آنرا به ترتیب فقهی موجود مطابق به ایجابات علمی آراسته ومرتب نموده ودر اینکار موفق گردد.

فضل خداوند متعال است که در این جلد (کتاب الصلوة) تکمیل گردید وبدین ترتیب چهار هزار مسئله در اختیار شما قرار گرفته است.

خداوند عز وجل آن روز را به خیر بیاورد که بخش های باقی مانده این سلسله را نیز من حقیر خدمت شما تقدیم کنم شادم از زندگی خویش که کاری کردم دراینجا فریضه خود می دانم که از نگران کار خویش سر پرست شعبه حکیم الاسلام حضرت مولانا قاری محمد طیب صاحب دامت برکاتهم مهتمم دارالعلوم دیوبند اظهار تشکر وامتنان نمایم زیرا ایشان از ابتدا تا اکنون قدم به قدم مرا تشویق نموده وخصوصاً در انجام این خدمت مرا معاونت کرد حتی از این خدمت تمجید نموده علاقه به کار دلچسپی وحوصلۀ مرا افزوده اند همچنان خدمت استادان بزرگوار ومهربان خویش سر پرست شعبه وبزرگانی که به اساس دعاهای قلبی وکلمات تشویق کننده ایشان تمام این کار وجد وجهد من باقی بوده وبه سوی پیشرفت در حرکت است مراتب احترام خویش را تقدیم می دارم.

به حضور خداوند متعال دعا می نمایمکه از مهربانی ها الطاف فیوض وبرکات خویش پیوسته آن حضرات را مستفید گرداند.

ذکر این نکته را نیز ناگزیر می دانم که در بعضی مسائل خاص مربوط به نماز که عوام وخواص مردم بیشتر در آن واقع می شوند. گاه گاه به اساس فرق نوعیت سوال وجواب تکرار باقی گذاشته شده است اما در آینده اراه باقی ماندن این تکرار تام نهاد را نیز ندارم.

در اخیر دعامی نمایم که پرور دگار عالمیان خدمت ناچیز یک بنده بیچاره را قبول فرموده واین خدمت را برای او زا د آخرت ووسیله کامیابی دنیا وآخرت گرداند،

ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم

طالب دعا

محمد ظفیر الدین غفرله

مرتب فتاوی دارالعلوم دیوبند

۱۲ ربیع الاول ۱۳۸۵هـ ق



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العٰلمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله واصحابه اجمعين.

فصل پانزدهم : نماز جمعه

مسائل نماز جمعه

قریه ای که نفوس آن ۱۲۵ خانه باشد نماز جمعه وعید درآن درست نیست: سوال:
در قریه ای که ۱۲۵ خانه وجود دارد آیا درآنجا نماز جمعه وعید درست است یانه؟

جواب: آن قریه کوچک است لهذا نماز جمعه وعید درآن صحیح نمی باشد [1].

درحدود قصبه نماز جمعه درست است: سوال: ۲ اگر در نواحی قصبه ای کسی نماز جمعه را بخواند آیا درست یانه؟

جواب: اگر در حدود قصبه ای نماز جمعه خوانده شود درست است اما در قریه های که متصل قصبه مذکور است صحیح نمی باشد وهدف از حدود قصبه فنای شهر است که در آن کار وبار قصبه انجام می گیرد مانند رکض خیل وغیره [2].

درجای که علاقه دار وجود داشته ونفوس آن دو هزار نفر باشد نماز جمعه جائز است:
سوال: ۳ در جایی که تحصیلدار وغیره وجود داشته وبه اساس نفوس شماری دوهزار یا نزدیک به آن نفوس داشته باشد آیا می توان آنرا مصر گفت یانه؟ وآیا در نواح می توان نماز جمعه را اداء کرد یا نه؟

---

(۱) وفيما ذكرنا اشارة الى انه لاتجوز فى الصغيرة التى ليس فيها قاض ومنبر وخطيب (ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص۷٤۸. ط. س. ج. ۲ ص ۱۳۸). ظفير

(۲) ويشترط لصحتها المصر الخ اوفناء وهوما حوله اتصل به اولا لا جل مصالحه كدفن الموتى وركضُ الخيل (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷٤۷ - ۷٤۹. ط، س، ج ۲ ص ۱۳۸). ظفير

جواب: فقهاء تصریح کرده اند که درقریه بزرگ یا قصبه جمعه واجب الاداء می باشد پس چنان به نظر می آید که منطقه مذکور در قریه بزرگ داخل بوده لهذا جمعه در آن ودر فنای آن جائز می باشد [۱].

فنای مصر: **سوال**: ٤ تا چند میل فنای مصر گفته می شود؟

جواب: برای فنای مصر تعداد میل است انجار ندارد بلکه فنای مصر آن است که برای مصالح وکارهای مصرمیا باشد که دفن الموتی ورکض الخیل والدواب وجمع العساکر والخروج للرمی وغیر ذلک دلیل آن است شامی [۲].

در هندوستان نماز جمعه صحیح است: **سوال**: ۵ عده ای مردم را از نماز جمعه باز داشته ومی گویند که شرایط اقامه نماز جمعه در هندوستان وجود ندارد لذا در شهر ودر قصبهٔ آن نماز جمعه درست نیست.

جواب: در قصبه شهر وقریهٔ بزرگ هندوستان بدون هیچگونه تردیدی نماز جمعه اداء می شود ومانعین ومنکرین جمعه در غلط واقع شده وتارک فرض اند در ردالمحتار است: وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق، وکمی پیشتر از آن آمده: وبهذا ظهر جهل من یقول لا تصح الجمعة فی ایام الفتنة مع انها تصبح فی البلاد التی استولی علیها الکفار کما سنذکره [۳].

به جای خطبه قرائت یک رکوع قرآن کفایت می کند: **سوال**: ٦ اگر کسی به جای خطبه یک رکوع قرآن مجید را قرائت کند نماز جمعه صحیح می شود یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده است که: وکفت تحمیدة او تهلیلة او تسبحیة یعنی برای خطبه

---

(۱) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷٤۸. ط. س. ج ۲ ص ۱۳۸). ظفیر

(۲) وفناءه ما اتصل به لاجل مصالحه کدفن الموتی ورکض الخیل (درمختار) اعلم ان بعض المحققین اهل الترجیح اطلق الفناءِ عن تقدیره بمسافة وکذا محرر المذهب الامام محمد رحمه الله وبعضهم قدره بها (رد المحتار ج ۱ ص ۷٤۹. ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷٤۸. ط. س. ج ۲ ص ۱۳۸. ظفیر

کفایت [۱] می کند گفتن یک مرتبه الحمدلله یا لا اله الا الله یا سبحان الله از اینجا معلوم می گردد که با قرائت یک رکوع خطبه فرض اداء می شود اما اکتفا به آن خلاف سنت می باشد سنت آن است که دوخطبه خوانده شود ویسن خطبتان [۲].

درقریه ای که سه صد الی چهار صد نفر نفوس دارد نماز جمعه صحیح نیست: سوال: ۷ در قریه ما تخمیناً سه صد الی چهار صد نفر زندگی می کنند اما اشیای ضروری درآن یافت نمی شود آیا در چنین قریه ای نزد احناف نماز جمعه واجب بوده واداء می گردد یانه؟ واین سخن که حد ناقص بزرگترین مساجد وغیره نزد محققین صحیح ومزیف ومنقوض است یانه؟

جواب: در چنین قریه ای به اساس مذهب حنفی نماز جمعه وعیدین صحیح نمی باشد طوریکه در شامی آمده است: وفیما ذکرنا اشارة الی انه تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض وکمی پیشتر از آن گوید وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الخ رد المحتار جلد اول [۳] وعدم وسعت بزرگترین مساجد منقوض ومزیف می باشد طوریکه در شرح منیه آمده است: فکل تفسیر لایصدق علی احدهما فهو غیر معتبر حتی التعریف الذی اختاره جماعة من المتاخرین کصاحب المختار والوقایه وغیرهما وهو مالو اجتمع اهله فی اکبر مساجده لایسعهم فانه منقوض بهما اذ مسجد کل منهما یسع اهله وزیادة الی ان قال فلا یعتبر هذا التعریف [٤].

اینکه موذن بعضی جملات را گفته وعصا را به خطیب بدهد درست نیست: سوال: ۸ در بعضی از مناطق مدراس از گذشته ها عادت چنان است که مؤذن در روز جمعه قبل از خطبه عصا را به دست گرفته این کلمات را می گوید: الجمعة عید للفقراء والمساکین قال النبی ﷺ اذا

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷۵۸. ط. س. ج ۲ ص ۱٤۸. ظفیر

(۲) ایضا ط.س. ج۲ ص۱٤۸. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷٤۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر

(٤) غنیة المستملی. باب الجمعة ص ۵۱۱. ظفیر

صعد الخطیب المنبر فلا صلاة ولا کلام والغی بعد از آن مؤذن عصا را به دست خطیب می دهد. عده ای از علماء از این کار منع نمود وآنرا بدعت سئیه می دانند وتعدادی دیگر آنرا جائز ومستحب می شمارند مسئله را واضح سازید خداوند ﷻ شما را اجر بدهد.

جواب: در این مورد علامه شامی در اخیر می نگارد اقول کون ذلک متعارفاً لایقتضی جوازه عند الامام القائل بحرمة الکلام ولو امراً بمعروف او رد سلام استدلالاً بما امر ولاعبرة بالعرف الحادث اذا خالف النص [1]. از اینجا معلوم می شود که ممانعت ارجح می باشد پس قول مانعین درست است. فقط

هنگام تکبیر به جهر درود گفتن ثابت است: **سوال**: ۹ من مؤذن هستم عده ای مرا قبل از تکبیر واقامت از دورد خواندن به جهر منع می کنند وتعداد دیگری آنرا مستحب قرار می دهند کدام یک از این دو قول صحیح است؟

جواب: در شامی در مورد مواضع استحباب دورد شریف نوشته شده: وعند الاقامة [2] یعنی در وقت تکبیر گفتن نیز درود شریف مستحب است، اما در آن قید جهر وجود ندارد وجهر را فقهاء غیر ازمواضعی که درآن جهر وارد شده منع کرده اند پس بهتراست درود را آهسته بخوانید [3].

درجایی که نماز جمعه جائز نیست اگر خوانده شود گناه می باشد: **سوال**: ۱۰ در قریه که تخمیناً دو هزار انسان زندگی می کنند آیا نماز جمعه وعیدین جایز است یانه؟ ودر جایی که شرعاً جمعه وعیدین جایز نیست اگر در آنجا نماز های جمعه وعیدین خوانده شود مردم مذکور گهنگار می شوند یانه؟ برای پایی نماز جمعه وعیدین چه تعداد مردم ضرور است وفقها این شرط

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۹ مطلب فی حکم المرقی بین یدی الخطیب، ط.س. ج۲ ص ۱٦۰ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوٰة فصل فی تالیف الصلوٰة مطلب نص العلماء علی استحباب الصلوٰة علی النبی ﷺ فی مواضع ص ٤٨٣. ظفیر الدین غفر الله له

(۳) ومستحبة فی کل اوقات الامکان الخ وازعاج الاعضاء برفع الصوت جهل وانما هی دعاء له والدعاء یکون بین الجهر والمخافتة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ایضا ج ۱ ص ٤٨٣ – ٤٨٥ ، ط.س. ج۲ ص ....). ظفیر

را به چه اساسی گذاشته اند که برای نماز جمعه وعیدین وجود سه نفر مزید بر امام لازم می باشد در حالیکه برای جمعه وعیدین جماعت شرط است وبرای جماعت دو نفر کافی می باشد در کتاب نیل الاوطار آمده است: اما الاثنان فبانضمام احدهما الی آلاخر یحصل الاجتماع وقد اطلق الشارع علیها اسم الجماعة فقال الاثنان فما فوقهما جماعة جواب این حدیث چیست؟

جواب: درکتاب الدر المختار آمده است: وتقع فرضاً القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الی ان قال وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض شامی [۱] از این عبارت ثابت می گردد که جمعه در قصبات وقریه های بزرگی که در آن بازار وجود داشته باشد اداء می شود نه در قریه های کوچک همچنان در کتاب الدر المختار باب العیدین آمده است:

فی القنیة صلوة العید فی القری تکره تحریماً ای لانه اشتغال بما لایصح لان المصر شرط الصحة صلوة العید ومثله الجمعه [۲] از این عبارت معلوم می شود که اگر در قریه ای که شروط صحت نماز جمعه در آن وجود ندارد نماز جمعه خوانده شود مردم مذکور گنهگار می شوند.

اما در مورد آنکه اگر نفوس یک قریه دو هزار نفر باشد آیا قریه مذکور قریه بزرگ است یا قریه کوچک باید گفت که آشکارا قریه بزرگ می باشد واگر در آن دوکان ها وبازارها وجود داشته باشد درآن جمعه اداء می شود ودر غیر آن نه.

از روایات صحیح تعداد نفوس ثابت نیست بلکه قریه ای که عرفاً قریه کبیره گفته شود قریه کبیره می باشد واگر صغیره گفته شود قریه صغیره است.

ودر الدر المختار آمده است: والسادس الجماعة واقلها ثلاثة رجال الخ سوی الامام بالنص لانه لا بد من الذکر وهو الخطیب وثلاثة سواه بنص ما سعوا الی ذکر الله [۱] به اساس این عبارت برای

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵ ، ط.س. ج۲ ص ۱٦۷ . ظفیر

جماعت جمعه وجود سه نفر بدون امام از نص ثابت است یعنی از آیت فاسعوا الی ذکرالله وطوریکه در نیل الاوطار آمده واین مذهب صاحبان امام ابو یوسف وامام محمد بن حن شیبانی می باشد مگر امام صاحب به جهت احتیاط غرض رعایت نص قرانی سه نفر را شرط دانسته است.

درخطبه جمعه وعظ درست است یانه: سوال: ۱۱ در خطبه جمعه وعظ قرآن مجید شریف جایز است یانه؟ ودر زمان پیامبر ﷺ وصحابه کرام چه معمول بود؟

جواب در خطبه جمعه وعظ گفتن طریفه صحابه (رض) نبوده یعنی خطبه غیر از زبان عربی در زبان دیگری داخل نیست لذا خواندن خطبه به فارسی وارد ومکروه می باشد [۲].

آیا در هندوستان نماز های جمعه وعیدین درست است: سوال: ۱۲ در هندوستان نمازهای جمعه وعیدین جایز است یانه؟

جواب: درشهرها وقصبه ها وقریه های بزرگ هندوستان جمعه صحیح بوده ودر قریه های کوچک درست نیست [۳].

آیا درهندوستان احتیاط ظهر وجود دارد: سوال: ۱۳ ایا در هندوستان بعد از نماز جمعه احتیاطا نماز ظهور خوانده شود یانه؟

جواب: این احتیاط درشهر ها وجاهایی که نماز جمعه اداء می شود وجود ندارد ودر قریه صغیره نماز جمعه اداء نگردیده پس باید نماز ظهر با جماعت خوانده شود.

ایا بعد از آذان اول جمعه خرید وفروش جایز است یانه: سوال: ۱٤ اکنون برای نماز جمعه دو اذان داده مي شود یکی نخست ودیگری قبل از آغاز خطبه پسی بعد ازکدام اذان خرید

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦۰ ۷٦۱- ، ط.س. ج۲ ص ۱٥۱ . ظفیر

(۲) فلو الولاة كفارا یجوز للمسلمین اقامة الجمعة (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٥٤، ط. س. ج۲ ص ۱٤٤. ظفیر

(۳) فلو الولاة كفارا یجوز للمسلمین اقامة الجمعة (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٥٤، ط. س. ج۲ ص ۱٤٤. ظفیر

وفروش نا جایز است؟

جواب: در کتاب الدر المختار آمده است: (ووجب السعی الیها وترک البیع ولومع السعی وفی المسجد اعظم وزراً با لا ذان الاول فی الاصح) ودر کتاب شامی آمده است: (قلت وسیذکر الشارح فی آخر البیع الفاسد انه لاباس به ای بالبیع لتعلیل النهی بالاخلال بالسعی فاذا انتفی انتفی الخ [1] از عبارت مذکور جواب هر دو سوال روشن گردیده که پس از همان اذان اول سعی به سوی نماز جمعه واجب بوده وبیع ممنوع می باشد واگر سعی به سوی نماز جمعه فوت نگردد بیع جایز است.

درقریه ای که پنجصد نفر یایک ونیم هزار نفر نفوس دارد نماز جمعه صحیح است یانه:

سوال: ۱۵ درقریه ای پنجصد نفر وجود دارد آیا در این قریه نماز جمعه صحیح است یانه اگر درقریه دیگری یک ونیم هزار نفر وجود داشته باشد آیا درآن قریه نماز جمعه درست است یانه؟ درمیان این دو قریه خانقاه یکی از بزرگان آیا درآنجا نماز صحیح می باشد؟ با چه تعداد نفوس نماز جمعه درست می شود؟

جواب: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق فیما ذکرنا اشارة الی انه لا تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض [2]) شامی جلد اول باب الجمعة.

از این عبارت معلوم می گردد که نزد احناف درقریه بزرگ نماز جمعه اداء می شود زیرا در آن بازار ها ودکان ها وجود دارد ودر قریه کوچک جمعه صحیح نیست پسی با اسایس این قاعده فقهی در هر دو قریه مذکور نماز جمعه صحیح نیست همچنان در مزار شخص بزرگی که میان دوقریه قرار دارد نماز جمعه صحیح نمی باشد.

---

(۱) وفی البحر وقد افتیت مرارا بعدم صلاة الاربع بعدها بنیة اخر ظهر خوف اعتقاد عدم فرضیة الجمعة وهو الاحتیاط فی زماننا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۷ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۷). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر

مکرراً واضح می نمایم که نفوس قصبه کم از کم چهار پنج هزار نفر می باشد پس قریه ای که چنین باشد درآن نماز جمعه صحیح است.

آیا درجایی درگذشته شهر بوده واکنون ویران گردیده وچهار صد نفر نقوس دارد نماز جمعه جایز است: **سوال**: ۱۶ شیخپوره که زمانی شهر بزرگی بوده توسط سک ها ویران گردید طوریکه اکنون در آن فقط چهار صد وپنجا نفر زندهٔ گی می کنند ودرآن دو دوکان پرچون فروش وجود داشته وبازاری ندارد واشیای ضروری در آن پیدا نمی شود زمیندارن آن مسلمان هستند وبه اساس آنکه در نزدیکی دریا قرار دارد مردگان چندین قریه که در دریا انداخته شده اند به آنجا می آید آیا در چنین جایی شُرعاً جمعه جایز است یانه شرایط جمعه مثلاً سلطان ونائب سلطان وغیره در هندوستان وجود ندارد لذا آیا در هیچ جای هندوستان نماز جمعه جایز است یانه؟

جواب: اکنون که نفوس قریه شیخپوره چهار صد وپنجا نفر ویا فرض کنید کمی از این بیشتر است ودر آن بازار وغیره وجود ندارد واشیای ضروری نیز در آن یافت نمی شود پس یقیناً قریه صغیره می باشد که فقها خواندن جمعه را درآن چا مکروه تحریمی می دانند در کتاب شامی آمده است: (وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض) [1].

ودر الدر المختار در باب العیدین آمده است: (صلوة العید فی القری تکره تحریماً) ودر کتاب شامی آمده است (ومثله الجمعة) [2]. اینکهٔ محلی در گذشته شهر ویا قصبه بوده وآیا اینکه مردگان کفار ومسلمان مناطق نزدیک در آنجا افگنده شده ویا دفن می گردند دلیل شهر بودن ویا جایز بودن نماز جمعه درآنجا نمی باشد واین سخن که افکندن ویا دفن کردن مرده های مناطق مجاور در آنجا دلیل جواز نماز جمعه درآن باشد سخن نا درست بوده واساسی در شریعت

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر
(۲) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷ . ظفیر

برای آن وجود ندارد در مورد این نکته که در سوال آمده است که چون در هندوستان از جمله شرایط جمعه سلطان ویا نائب سلطان وجود ندارد پس نماز در آنجا درست نمی باشد باید گفت که غلط بوده وعلت عدم اگاهی از عبارات وتصریحات کتب فقه می باشد زیرا این شرط در جایی است که در آنجا حکمران مسلمان وجود داشته باشد که یا باید خود در جمعه امامت کند ویا نائب او ویا کسی را که اجازه داده باشد اما در جایی که حکمران مسلمان نیسبث در آنجا مسأله با تراضی مسلمانان مربوط است که هر کسی را که بخواهند امام جمعه مقرر نمایند او امام جمعه خواهد بود ودر آنجا نماز جمعه واجب واداء می باشد در الدر المختار آمده: (ونصب العامة الخطیب غیر معتبر مع وجود ذکر امام عدمهم فیجوز للضرورة) ودر شامی آمده (فلو الولاة الکفاراً یجوز للمسلمین اقامة الجمعه ویصیر القافی قاضیاً بتراضی المسلمین [۱])

در شهرها وقصبات ضرورت احتیاط الظفر نیست: سوال: ۱۷ در بلاد وقصبات پس نماز جمعه از روی احتیاط نماز ظهر خوانده شود یانه؟

جواب: چون دربلاد وقصبات نماز جمعه بدون شبه وتردد درست می باشد لذا بعد از جمعه نباید احتیاط الظهر خوانده شود چنانچه الدر المختار این فتواي مولف بحر را نقل کرده که گفته است (وفی البحر وقد افتیت مراراً بعدم صلواة الاربع بعد ها بنیة آخر ظهر خوف اعتقاد عدم فرضیة الجمعة وهو الاحتیاط فی زماننا [۲]).

در نماز جمعه تعجیل مطلوب است: سوال: ۱۸ مسجدی زیر اهتمام انجمن اسلامی انباله وجود دارد وامامی از طرف انجمن درآن مقرر است چند مرتبه به او گفته شد که از روی استجاب در نماز جمعه تعجیل نکند وبه موجب احکام فقه حنفی بعد از انتظار کافی نماز جمعه را اداء نماید تعجیل امام مذکور در نماز جمعه چطور است؟

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵٤.

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۷ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر

جواب: نزد احناف مطابق قول جمهور ابراد یعنی تاخیر در نماز جمعه مشروع نیست بلکه خواندن نماز جمعه به زودی بعد از زوال بهتر است در شامی آمده است: (لکن جزم فی الاشباه من فن الاحکام انه لا یسن لها الابراد [۱]) پس معلوم گردید که عمل امام مذکور که در اداء نماز جمعه تعجیل می کند موافق شریعت می باشد لهذا انجمن ودیگران این حق را ندارند که امام را از تعجیل جمعه منع نمایند.

وقت مستحب برای نماز جمعه:

سوال: ۱۹ به موجب عقاید حنفی در این روزگار وقت مستحب برای نماز جمعه کدام است؟

جواب: مذهب صحیح حنفی آن است که در جمعه تعجیل مستحب می باشد وابراد یعنی تاخیر که در نماز ظهر در موسم گرما مستحب می باشد در جمعه وجود ندارد بلکه به تعجیل اداء کردن جمعه مستحب می باشد واز احادیث نیز همان تعجیل جمعه ثابت است پس بعد از زوال مثلاً ساعت ۱۲:۳۰ باید آذان جمعه داده شود سپس ده پانزده دقیقه خطبه وپس از آن نماز جمعه خوانده شود مثلاً تا ساعت یک تمام این امور انجام گیرد یا انده کی کم وبیش در رد لمحتار آمده است: (لکن جزم فی الاشباه من فن الاحکام انه لایسن لها الابراد الخ ثم قال وقال جمهور لیس بمشروع لانها تقام بجمع عظیم فتاخیره مفض الی الحرج [۲]) شامی جلد اول حه ۲٤۵.

فتن قعده جمعه نماز جمعه اداء شود:

سوال: ۲۰ شخصی در قعده نماز جمعه شریک آیا نماز جمعه او اداء شده است؟

نماز جمعه او اداء شده است.

---

(۱) کتاب الصلوٰة ج۱ ص ۳٤۰ . ظفیر

(۲) ناب الصلوٰة مطبوعة درسعادت ص ۳٤۰ – ۳٤۱ ، ط.س. ج۲ ص ۳٦۷ . ظفیر

بعد از اذان دوم نه به زبان دعا خوانده شود ونه جواب داده شود: سوال: ۲۱ بعد از اذان خطبه جمعه خواندن دعا ودادن جواب آذان جایز است یانه؟

جواب: فقهاء نوشته اند که دادن جواب اذان خطبه وخواندن دعا وسیله مکروه می باشد در الدر المختار آمده است: (قال وینبغی ان لا یجب بلسانه اتفاقاً الاذان بین یدی الخطیب [1]) .

نماز جمعه در قریه ها: سوال: ۲۲ در این روزگار در مورد جواز وعدم جواز نماز جمعه در قریه ها رأی علمای احناف مختلف است عده ای به این نظر اند که در قریه ها باید نماز جمعه خوانده شود وتعداد دیگری با این نظر مخالف می باشند وتعریف مصر مسأله مختلف فیه به نظر می آید.

گروه اول که به جواز نماز جمعه در قریه ها حکم می کنند در تعریف مصر می گویند که عبارت از محلی مي باشد که دارای دو هزار نفر نفوس بوده واهالی آن در بزرگترین مسجد آن نیز نگنجند. گروه دوم گوید که مصر عبارت از محلی است که دارای بازار بوده ودر آن اشیای ضروری یافت شود.

شروط مذکور مطابق مذهب امام ابوحنیفه بوده که مصداق نمی یابد لهذا اگر در محلی که صفات متذکره گروه اول وجود نداشته باشد آیا جایز است که مردم به مذهب ائمه ثلاثه عمل کنند یانه؟ زیرا در این روزگار در بسیاری از مسائل به غرض رفع فتنه به تقلید از مذهب امام شافعی حکم می شود مثلاً در مسأله مفقود اگر در این موضوع نیز به مسلک گروه اول عمل شود طوری که در قریه ها هند معمول است آیا جایز می باشد یانه ودر جایی که این شرایط وجود ندارد اگر به مطابق مذهب شافعی جمعه خوانده شود جایز خواهد بود یانه؟

جواب: قریه دونوع می باشد یکی قریه بزرگ ودیگری قریه کوچک قریه بزرگ در حکم قصب

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص ۳۷۱ ط. س. ج۲ ص۳۹۹. ظفیر

وشهر بوده وفقها به وجوب جمعه در آن فتوی داده اند طوریکه در شامی آمده است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق [۱]) ص ۵۳۷ ج ۱.

اما درقریه صغیره به اتفاق فقهای حنفی جمعه صحیح نیست طوریکه در شامی آمده است: (وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة [۲]) ودر الدر المختار باب العیدین آمده است: (وفی القنیة صلوة العید فی القری تکره تحریماً ای لانه اشتغال بما لا یصح لان المصر شرط الصحة [۳]) ودر کتاب شامی آمده است (قوله صلوة العید ومثله الجمعه [٤]) اکنون می پردازیم به این نکته که اگر قریه ای دو هزار نفر نفوس داشته ودارای دوکان ها نیز باشد قریه کبیره دانستن آن بعید نیست واگر سه چهار هزار نفر نفوس داشته باشد بدون تردید قریه بزرگ است اما اینکه مکلفین در بزرگترین مسجد آن نگنجند ضعیف است طوریکه شارح منیه گوید این تعریف بر مکه معظمه ومدینه منوره صادق نمی باشد ودر این مسأله اجازه پیروی از مذهب دیگری وجود ندارد که فقها به این تعریف اجازه نداده اند وما به این مسأله پابند هستیم که در موضوعی که فقهای ما به مذهب دیگری فتوٰی داده اند به آن عمل شود ودر غیر آن نه طوریکه در موضوع (زوجه مفقود الخبر فقهای حنفی به مذهب امام مالک فتوی داده اند به آن عمل می شود به همین ترتیب در مسأله ای که فقها تصریح کرده اند می توان به مذهب دیگری عمل کرد ودر جایی که تصریح نکرده اند نمی توان به مذهب دیگری عمل نمود والله تعالی اعلم.

تعوذ وتسمیه در آغاز خطبه جمعه: سوال: ۲۳ درآغاز خطبه (اعوذ بالله) و(بسم الله) را به جهر خواندن درست یا نه؟

جواب: در آغاز خطبه جمعه (اعوذ بالله) و(بسم الله) را به جهر نخوانید. [۵]

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة مطبوعه درسعادت ج۱ ص۷٤۸ ط.س. ج۲ ص۱۳۸). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة مطبوعه درسعادت ج۱ ص۷٤۸ ط.س. ج۲ ص۱۳۸). ظفیر

(۳) ردالمحتار ج۱ ص ۷۷۵ ط. س. ج ۲ ص۱٦۷. ظفیر

(٤) ردالمحتار ج۱ ص ۷۷۵ ط. س. ج ۲ ص۱٦۷. ظفیر

نماز جمعه براهالی قریه فرض است یانه: سوال: ٢٤ ای علمای کرام وای احناف بزرگوار آآیا نماز جمعه بر اهالی قریه واجب است یانه؟

جواب: کافی بدهید خداوند شما را اجر عظیم بدهد.

جواب: نماز جمعه بر اهالی قریه ها واجب نیست به دلیل قول پیامبر (ﷺ) که فرموده است: (لا جمعة ولاتشریق ولاصلواة فطر ولا اضحی الا فی مصر جامع اومدینة عظیمة) ودر فتح القدیر آمده است: (ان قوله تعالی فاسعوا الی ذکرالله لیس علی اطلاقه اتفاقاً بین الائمه اذ لایجوز اقامتها فی البوادی اجماعاً ولافی کل قریة عند الشافعی فکان خصوص المکان مراداء بالاجماع فقدر الشافعی القریة الخاصة وقدرنا المصر وهوا لاولی)

به دلیل آنکه اگر عمل علی (رضی الله عنه) با عمل صحابی دیگری مخالف باشد به عمل علی (رضی الله عنه) عمل می شود پس در حالیکه هیچگونه معارضی وبه اثبات نرسیده است به همین جهت از صحابه (رضی) روایت نشده زیرا هنگامی که کشور ها را فتح کرده اند به نصب منبر در شهر ها پرداخته اند نه در قریه ها اگر ایشان در قریه ها نیز چنین می کردند ولوبه خبر واحد نقل می شد همچنان باید دانست که جمعه بر پیامبر ﷺ زمانی فرض گردید که هنوز از مکه هجرت نکرده بود طوریکه طبرانی از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت می کند: (فلم یکن اقامتها من اجل الکفار فلما هاجر النبی (ﷺ) وهاجر معه من اصحابه الی المدینه بعث رسول الله (ﷺ) فی بنی عمرو بن عوف بضع اربعة عشر ایام ولم یصل الجمعة) پس این است دلیل عدم فرضیت جمعه در قریه ها واگر چنین نمی بود پیامبر (ﷺ) در آنجا جمعه را می خواند در حالیکه بخاری در صحیح خود روایت کرده است: لاکان الناس یتنا وبون الجمعه من منازلهم والعوالی فیاتون فی الغبار فیصبهم الغبار ویخرج من العرق).

در کتاب قدوری آمده است: (صحیح نیست نماز جمعه مگر در مصر جامع ویا در محل نماز مصر وجایز نیست در قریه ومولانا بحرالعلوم در (ارکان) در مورد این فرموده خداوند متعال (یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعه) گوید: مراد از (وذروالبیع) حرام بودن بیع می

باشد وواجب سعی به نماز جمعه پس از شنیدن آذان چون در بیع سخن به درازا می کشد پس خطبه وجمعه فوت می گردد چون تاجران در این روز گار نفع خویش را ترک نمی کنند لذا منع از همان آذان اول می باشد همچنان گوید: ومکروه است برای مریض ودیگران معذوران خواندن نماز ظهر به جماعت وبرای اهالی قریه ها این ممانعت وجود ندارد زیرا جمعه جامع جماعات در مصر می باشد پس دانسته شد که مصر شرط وجوب نماز جمعه می باشد زیرا چنین چیزی به توارث از زمان پیامبر (ﷺ) تا اکنون به ما رسیده که اهالی بادیه ها وقریه ها نماز جمعه را نمی خوانند پس بر مقلدین لازم است که به قول مولف قدوری عمل کنند زیرا مطابق مذهب حنفی می باشد وفقها محقق نیز از آن پیروی نموده وآنرا ترجیح داده اند وهیچیک از علمای حنفی آنرا رد نکرده است طوریکه در ردالمحتار آمده است پس بر ما لازم است که چیزی که آنرا ترجیح داده وبه آن نصیحت کرده اند عمل کنیم ومقلدی که با آن مخالفت می کند حکمش غیر جایز می باشد طوریکه در الدر المختار آمده است پس شرط مصر برای وجوب جمعه نزد جمهور احناف بدون انکار احدی ثابت می باشد اما در مورد تعریف مصر میان ایشان اختلاف است امام شافعی رح گوید: مصر آنست که در آن عمارات غیر قابل انتقال وجود داشته باشد وتعداد مکلفین در آن چهل نفر باشد پس در چنین جایی نماز جمعه لازم است در مذهب ما روایات مختلف وجود داود وظاهر روایت آن است عبارت از محلی است که امام وقاضی داشته باشد وبرای اقامه حدود مساعد باشد.

ودر فتح القدیر آمده است: (قال الامام ابوحنیفه بلدة فیها سکک واسواق ووال ینتصف المظلوم من الظالم وعالم یرجع الیه من الحوادث) ودر روایتی از امام ابو یوسف آمده است (المصر موضع یبلغ المقیمون فیه عدداً لایسع اکبر مساجد ایاهم) در هدایه که بلخی آنرا اختیار نموده واکثر مشایخ به آن فتوی داده اند چنین آمده است: (لما راء فساد اهل الزمان والولاة) وهمچنان در کتاب مذکور آمده: (کل موضع فیه یسکن عشرة آلاف رجل) وهمچنان گوید (کل موضع له امیر

وقاض ینفذ الاحکام ویقیم الحدود) که کرخی آنرا اختیار نموده همچنان در هدایه آمده است: (وقال بعضهم هو ان یعیش کل محترف بحرفة من سنة الی سنة من غیر ان یحتاج الیه حرفة اخری وقال بعضهم هو ان یکون بحال لوقصدهم عدد یمکنهم دفعه وقال بعضهم ان یولد فیه کل یوم ویموت فیه انسان وقال بعضهمْ هو ان لایصرف عدد اهله الابکلفة ومشقة) واختیار اکثر رعایت ضرورت زمان مامی باشد واکثر متاخرین در موضوع مصر به روایتی فتوٰی داده اند که بلخی آنرا اختیار نموده وآن اینکه بزرگترین مسجد آنجا گنجایش مکلفین آنرا نداشته باشد وابو شجاع گوید: این بهترین سخنی می باشد که در این مورد گفته شده است واین قول در الولواجي آمده است ورروایت صحیح (بحر) نیز همین بوده ودر الوقایه ومتن المختار وشرح ودر متن (الدرر) بر قول دیگر مقدم ذکر گردیده که ظاهر ترجیح او می باشد وصدر الشریعه نیز آنرا با این قول خود تائید نموده (لظهور التوانی فی احکام الشرع سیما فی اقامة الحدود فی الامصار فکل موضع یصدق علیه تعریف المذکور فهو مصر تجب الجمعة علی اهله والا فلا تجب سوا ذلک الموضع یتعارف بقریة او دونها غیر المصر فا لان هی لاحقة فی حکم المصر شرعاً لاعرفاً لتبطیق تعریف المتاخرین وهذا احسن وما لایصدق علیه التعریف المذکور فهو لیس بمصر شرعاً لا عرفاً ففی لفظ القریة اعتبار ان شرعاً بحیث ترسم به وبحیث لا ترسم ففی الاول الجمعة وهی مدینة عظیمة او قریة کبیرة وفی الثانی لاتصح الجمعة وهی قریة صغیرة ومفازه ومثلها) طوریکه عبارت قهستانی به آن دلالت می کند که گوید: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق) ودر (بحر) آمده است: (لاتصح فی قریة ولا مفازة لقول علی (رضی الله عنه) لاجمعه ولاتشریق ولاصلوة فطر ولا اضحی الا فی مصر جامع او مدینة عظیمة) سپس گوید: (ولاتجب علی غیر اهل المصر) همچنان در طحاوی نیز چنین چیزی آمده است پس عموم وخصوص را واضح ساخته اندُ لذا با دلائل مذکور خاص بودن فرضیت جمعه به اجماع ثابت گردید پس اگر اهل قریه الی که شرعاً مصر گفته نمی شود ظهر از ذمه ایشان ساقط نمی گردد واگر ظهر را انفرادی بخوانند مرتکب

گناه کبیره شده اند زیرا جماعت ظهر را که واجب می باشد باساس جماعت نفلی ترک کرده اند و این قباحت بزرگی می باشد زیرا نماز جمعه جامع جماعات می باشد و در اداء ظهر به جماعت تفریق جماعت از جمعه می باشد و حد اقل در مورد ایشان مانند سائر ا یام جواز اداء ظهر با جماعت بدون کراهیت خواهد بود.

پس قول کسی که می گوید فرق میان جمعه وظهر غیر از دوخطبه چیست وجمعه بدون کراهیت در هر محلی مانند ظهر صحیح می باشد خواه محل مذکور مصر باشد یا قریه وغیره وتارک ان بدون عذر فاسق وعاصی است مردود می باشد وگوینده گمراه و گمراه کننده بوده و از جمله مقلدین به حساب نمی رود و بر مقلدین لازم است که از چنین اقوال وافعال اجتناب نموده و باچنین اشخاصی مصاحبت ننمایند. والله اعلم وعلمه اتم واحکم، العبد ابو الفیض محمد حبیب الرحمٰن غفر له.

جواب دوم: از حضرت مولانا مفتی عزیز الرحمٰن صاحب:

بدون شک در قریه صغیره نزد احناف نماز جمعه صحیح نیست وکسی که در قریه صغیره نماز جمعه را می خواند مرتکب امر مکروه وممنوع می گردد و در قریه کبیره قصبات جمع صحیح است طوریکه در ردالمحتار از قهستانی نقل گردیده که گوید: (و تقع فرضاً فی القصبات و القری الکبیرة انتی فیها اسواق الی ان قال وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر [۱]).

همچنان در الدر المختار باب العیدین آمده است: (صلوة العید فی القری تکره تحریما) و شامی گوید: (قوله صلوة العید ومثله الجمعة [۲])

---

(۵) ویبدا بالتعوذ سرا (درمختار) ای قبل الخطبة الاولی بالتعوذ سرائم بحمدالله تعالی والثناء علیه (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۹ ط. س. ج۲ ص ۱٤۹). ظفیر

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر

جواب سوم از حضرت علامه محمد انور شاه صاحب مدرس دار العلوم:

عبارت اصحاب در تفسیر مصر همه در معنی با یکدیگر موافق بوده و در تعبیرات والفاظ مختلف مي باشند پس شرط وجود قاضی در ظاهر روایت بدانجهت است که در مصر نفاذ قضا شرط می باشد طوریکه درکتاب التنویر در باب قضا آمده است و تعریف متاخرین مبنی بر تعدد مساجد در آنجا به اساس کثرت عمارات در قریه کبیره می باشد طوریکه زیادت ایشان موجب گردد که در بزرگترین مسجد نگنجند عمارات مسجد جامع برای ایشان ضرور گردد وحاصل سخن آن است که تعریف مصر مربوط به عرف ولسان می باشد.

اذان دوم نزدیک منبر داده شود: سوال: ۲۵ اذان جمعه نزدیک منبر داده شود یا در دروازه مسجد یا خارج مسجد اگر می گویید نزدیک منبر داده شود سند آن چیست؟ در حالیکه از حدیث ابوداود ثابت می گردد که در دوران پیامبر (ﷺ) این اذان در دروازه مسجد داده می شد و مولانا صاحب عبدالحی در فتاوی خود صفحه ۱۹۴ در نهایت ثابت کرده است که آذان دوم باید خارج از مسجد داده شود مسأله را واضح سازید خداوند شما را اجر دهد.

جواب: نزد احناف دادن آذان دوم نزدیک منبر است وهمین امر سلسله به سلسله از زمان پیامبر (ﷺ) وصحابه به ما رسیده طوریکه در شرح هدایه این موضوع به طور کامل ثابت ومحقق گردیده وتحت عنوان (تاویل ابوداود وجواب احناف) به طور مفصل انتشار یافته ودر بسیاری از فتاوی وسائل به طور مفصل نگاشته شده شمامی توانید فتاوی در رساله های مذکور را به دست آورده مطالعه کنید زیرا من فرصت نقل آنها را ندارم نزد احناف در این مسأله گنجایش چون وچرا نیست زیرا در تمام کتب فقه نگاشته شده که این آذان باید نزدیک منبر ورو به روی خطیب داده شود [1].

---

(۲) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵ ط.س. ج۲ ص ۱۶۷. ظفیر

(۱) ویؤذن ثاینا بین یدیه ای الخطیب (الدر المختار) قوله ویؤذن ثانیا بین یدیه ای علی سبیل السنیة کما یظهر من کلامهم (رد المحتار باب الجمعة ج۱ =

دومسجد که باهم نزدیک باشند درهردو نماز جمعه درست است: سوال: ۲۶ دومسجد متصل ونزدیک به یکدیگر واقع شده اند آیا در هر دو نماز جمعه درست است یانه؟

جواب: طوریکه در الدر المختار آمده در هر دو نماز جمعه صحیح است [۱].

قصبه وقریه بزرگ: سوال: ۲۷ از این عبارت قهستانی که گوید (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة فیها اسواق) معلوم می شود که نماز جمعه در قریه صغیره نزد احناف درست نیست وچون قریه کبیره در تعریف مصر داخل می شود لذا قریه صغیره وکبیره را به دلائل بیان می کند وبرای انکه یک قریه قریه کبیره گفته شود باید تعداد مکلفین در آن چقدر باشد وطوریکه احناف به ضرورت در مسأله مفقود به مذهب امام مالک فتوٰی داده اند آیا می تبران در مسأله نماز جمعه مذهب امام شافعی را اختیار کرد؟

جواب: عبارت مذکور قهستانی که درشامی نقل گردیده پس از آن این عبارت نقل شد است: (وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیره التی فیها قاض ومنبر وخطیب کما فی المضمرات والظاهر انه یرید به کراهة النفل بالجماعة الاتری فی الجواهر لو صلوا فی القرای کز مهم اداء الظهر [۲]). ودر الدر المختار باب العیدین آمده است: (وفی قنیة صلوة العید فی القری تکره تحریماً ای لانه اشتغال بما لا یصح لان المصر شرطاً لصحة) ودر شامی آمده است: (قوله صلوة العید ومثله الجمعه) ص ۵۵۵ ج ۱ شامی.

از این عبارات معلوم می گردد که نماز جمعه در قریه صغیره صحیح نیست واینکه برای قریه کبیره تعریفی نیامده ودرضمن قصبه بیان گردیده به این معنی اشاره می نماید که مدار آن برعرف

= ص۷۷۰ ، ط.س. ج۲ ص۱۶۱). ظفیر

(۱) وتؤدی (ای الجمعة) فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقا علی المذهب وعلیه الفتوٰی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة) ج۱ ص۷۵۵ ط.س. ج۲ ص ۱۴۴. ظفیر

(۲) شامی باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر

می باشد واهل عرف فرق قریه صغیره وقریه کبیره رامی ادانند وآن اینکه قریه کبیره باید مثل قصبه باشد بدین جهت علمای محقق گفته اند که جایی که به اعتبار نفوس به قصبه صغیره نزدیک باشد نمازجمعه آنجا صحیح است وقصبه آن است که داراي سه چهار هزار نفر یا اندکی کم از آن نفوس داشته باشد وتعریف (ما لایسع) در حقیقت حد حقیقی نیست واگر منقوض بودن ان آشکار است زیرا بعضاً بر کوچکترین قریه صدق می کند وگاهگاهی بر بزرگترین شهر صدق نمی کند طوریکه درمورد خود مساجد حرمین شریفین تطبیق نمی گردد چنانچه مسجد حرام با تمام اهل مکه چه کسانی که از جاهای دیگر می آیند نیز هر گز کاملاً مملو نمی شود وجاهای خالي در آن باقی می ماند این عیب تعریف مذکور را شارح (غنیة) نیز بیان نموده پس معلوم گردید که تعریف مذکور تعریف حقیقی مصر نبوده بلکه نشانه مصربه اعتبار غالب است زیرا در شهر های بزرگ که تعداد نفوس بسیار زیاد می باشد بزرگترین مسجد آنجا نمی تواند تمام مکلفین را در خود بگنجاند پس ثابت گردید که تعریف مذکور تعریف عام نیست. اکنون این موضوع باقی ماند که آیا می توان در این مسأله به مذهب امام شافعی عمل کرد ومطابق مسلک او در قریه کوچک نماز جمعه را اداء نمود یانه؟ من در این مورد تصریح فقها را ندیده ام وبه مذهب دیگری عمل کردن درمسأله ای برای ما درست است که فقهای ما تصریح کرده باشند.

جواب صحیح: از بعضی عبارات فتاوی آشکار می گردد که نماز جمعه در قریه صغیره نزد احناف مجتهد فیه نیست پس اگر کسی دعوای توفر شرایط را بنماید دعوای مذکور نه مجتهد فیه می باشد نه مبنی بر فتوی ودیانت.

خطبه به زبان اردو خلاف احتیاط است: سوال: ۲۸ یکی دوباره شما را در مورد نظم وغیره به زبان اردو در خطبه به تکلیف ساخته ام وقتی این سخن به عده ای گفته شده ایشان گفتند که علمای بزرگ خود چنین می کنند بلکه می گویند که در حدیث نبوی (یقر القران یذکر الناس) ودر کتاب مظاهر حق که ترجمه مشکوٰة در ترجمه وشرح آن واضحاً نگاشته شده که در خطبه

ونصحیت به غیر زبان عربی درست است ودر حکم خطبه عیدین می باشد که احکام قربانی وعید الفطر درآنها تفهیم می گردد واین کاربه غیر از زبان هر کشوری امکان ندارد.

جواب: چون به غیر زبان عربی به زبان دیگری خطبه جمعه از سلف ثابت نیست بدینجهت محققین آنرا به زبان دیگری مکروه وبدعت می دانند وچون در عید فطر وعید الاضحی مقصود بیان احکام می باشد سخنانی که در موارد مذکور گفته می شود خارج از خطبه حساب می گردد یعنی خطبه علیحده به زبان عربی گفته می شود واحکام علیحده بیان می گردد ودر خطبة جمعه حیثیت نماز نیز مدنظر می باشد وترجمه قرآن در نماز در مذهب معتبر وقول راجح درست نیست وقول ضعیف ومرجوح اعتباری ندارد. بهر حال احتیاط در آن است که در امور مختلف فیه از این قبیل احتیاط صورت گیرد وغیر زبان عربی ترک گردد واگر کشی به زبان دیکیری خطبه بگوید رااى او برای دیگران جهت نیست) [1] البته درهر دو صورت نماز صحیح می باشد)

در رمضان جمعة الوداع ثابت نیست: سوال: ۲۹ خواندن خطبه وداع در جمعه اخیر رمضان چطور است؟

جواب: خطبه الوداع در اخیر رمضان المبارک ثابت نیست پس خواندن آن مناسب نمی باشد.

اگر درخطبه ازصحابه ذکر نشود باز خطبه درست است: سوال: ۳۰ یک امام جمعه در خطبه اول حمد وثنای باری تعالی ودر خطبه آخر آیات قرانی ودرود شریف را خواند وذکری از آل بیت پیامبر ﷺ وصحابه کرام ننمود آیا در چنین حالتی نماز جایز است یانه؟

جواب: ذکر خلفای راشدین وآل بیت پیامبر (ﷺ) در خطبه مستحب است پس با ترک آن خطبه صحیح است اما مستحبی ترک می گردد بهتر است از خلفای راشدین وآل بیت پیامبر

---

(۱) ولا يشترط كونها بالعربية فلو خطب بالفارسية اوبغيرها جاز كذا قالوا ، والمراد بالجواز هو الجواز فى حق الصلاة بمعنى انه يكفى لاداء الشرطية وتصح بها الصلاة ، لا الجواز بمعنى الاباحة المطلقة فانه لا شك فى ان الخطبة بغير العربية خالف السنة المتوارثة من النبى ﷺ والصحابة رضي الله عنهم . (عمده الرعاية على حاشية شرح الوقايه باب الجمعة ج۱ ص۳۴۲). ظفير

ذکری شود درکتاب الدر المختار آمده است: (ویندب ذکر خلفای راشد ین والعمین [1])

جواب آذان خطبه به زبان صحیح نیست: **سوال**: ۳۱ جواب دادن به اذان خطبه وغرض دعا در آن وقت دست بلند کردن چطور است؟

جواب: جواب دادن به آذان دوم جمعه وجهت دعا دست بلند نمودن طوریکه در کتاب الدر المختار آمده است ممنوع می باشد.

نماز جمعه در قریه ای که ۱۲۵۴ نفر نفوس دارد: **سوال**: ۳۲ نفوس یک قریه بزرگ ١٢٥٤ نفر بوده ودارای مساجد ومدرسه نیز می باشد ومردم گرد ونواح از گذشته آنرا قریه بزرگ می شمارند آیا جمعه درآن جایز است یانه؟

جواب: علامه شامی تصریح نموده که جمعه در قریه کبیره فرض واداء باشد که عبارت آن چنین است: (وتقع فرضاً في القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق) تا جایی که گوید: (وفیما ذکرنا اشارة علی انها لاتجوز فی الصغیرة [2]) از این عبارت فرق میان قریه صغیره وکبیره واضح گردید که در قریه کبیره جمعه اداء بوده ودر صغیره اداء نمی باشد وهر قریه ای را که در عرف کبیره بدانند کبیره به حساب می رود وقریه ای که در عرف صغیره گفته شود صغیره دانسته می شود.

درحضور افضل دیگری را امام ساختن: [3] **سوال**: ۳۳ چند مقتدیان جهال بر امام مسجد که عالم است عداوتی دنیاوی گرفته بجای او بغیر اذنش منشی دیگر که از علم دین چندان خبردار نیست؟ مقررکرده نماز عیدین اداء می نمایند امامتش شرعاً چه حکم دارد بوجه فسادٍ دنیاوی در مسجد دیگر جمعه ونماز پیجگانه چه حکم دارد؟

جواب: در کتب فقه مسطور است: (والاحق بالامامة الاعلم باحکام الصلوت) پس باوجود موجود

---

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص٧٥٩ ط. س. ج٢ ص ١٤٩. ظفیر

(٢) ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص ٧٤٨ ط. س. ج٢ ص١٣٨. ظفیر

(٣) این سوال وجواب آن دراصل کتاب به زبان دری نگاشته ومادر الفاظ آن تصرفی نکردیم (مترجم). ظفیر

بودن [1] عالم به مسائل نماز دیگری را که نه چنان باشد امام مقرر کردن ترک فضیلت است وتعدد در جمعه در مصر واحد جائز است پس اگر آن بلده که در آن بازار است مصر یا قصبه یا قریه کبیره است که حکم مصر را دارد نماز جمعه وعیدین درآن اداء می شود وتعدد جمعه هم رواست نماز جمعه در هر دو مسجد اداء می شود اما نفسانیت در باره نماز قبیح است ضد ونفسانیت را بکذارند وخالصاً لله نماز در هر دو مسجد اداء کنند والله تعالی الموفق والمعین وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العٰلمین.

ایا برای پنجا نفر نماز جمعه درست است یانه: سوال: ٣٤ آیا قول حضرت شاه ولی الله قدس سره که در حجة الله البالغه آمده است وگفته که در قریه ای که پنجا نفر مرد مسلمان وجود داشته نماز جمعه درست است صحیح می باشد یانه؟

جواب: مذهب حنفی چنین نیست احناف باید مطابق احکام کتب فقهی خود عمل نمایند نباید از اقوال علمای محقق دلیل بیاورند.

نماز جمعه درقریه کوچک مکروه تحریمی می باشد: سوال: ٣٥ اگر کسی قبول نکند ودر قریه صغیره نماز بخواند چه اشکالی دارد؟

جواب: در الدر المختار وشامی نماز جمعه را در قریه صغیره مکروه تحریمی نوشته اند [2].

در وقت ضرورت صفوف را دریدن وپیش رفتن درست است: سوال: ٣٦ اگر امام وموذن مسجد جامع وعیدگاه به اساس مسائل ضروری مربوط به نماز نتوانند در اول وقت خود را به منبر ومحل نماز برسانند بعد از آنکه مردم برای نماز جمع گردیدند صفوف ایشان را دریدن وخود را به منبر ومحل نماز رسانیدن درست یا نه؟

---

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج١ ص٥٢٠ ، ط. س. ج١ ص٥٥٧. ظفير

(٢) صلاة العيد فی القری تكره تحر يما ای لانه اشتغال بما لا يصح (در المختار) ومثله الجمعة (رد المحتار باب صلوٰة العيد ج ١ ص ٧٧٥ ، ط. س. ج ٢ ص ١٦٧. ظفير

جواب: در الدر المختار آمده است: (لاباس بالتخطی مالم یاخذ الامام بالخطبة ولم یؤذ احداً [1]) از این روایت معلوم گردید که اگر به کسی اذیتی نرسد تخطی درست است خصوصاً در صورتی که ضرورت مذکور وجود داشته باشد برای امام وموذن درست که صفوف را دریده وپیش روند (الا ان لایجد الافرجة امامه فتخطی الیها للضرورة [2]).

صدا کردن برای درست نمودن صف صحیح است: سوال: ۳۷ بعد از خطبه جمعه قبل از تکبیر تحریمه زید صدا کرد که صفوف خود را راست نمایید بکر گفت که نماز زید نشد آیا برای درست نمودن صف صدا کردن درست ومستحب است وآیا نماز زید شد یانه؟

جواب: صدا کردن برای درست نمودن صف درست ومستحب ومسنون می باشد قول بکر غلط بوده [3]) ونماز اداء شده است.

نماز جمعه درجای که دو هزار نفر نفوذ دارد: سوال: ۳۸ درمنطقه (کیره) دو مسجد وجود د ارد ومیان منطقه (دندولی) و(کیره) فاصله کمی وجود دارد مسلمانان (دندولی) برای نماز خواندن به کیره می آیند به اساس نفوس شماری نفوس هر دو منطقه دو هزار نفر می باشد نزد احناف نماز جمعه د رآنجا جائز است یانه؟

جواب: اگر دو قریه در عرف یکی بوده ویک قریه شمرده شوند ونفوس مجموعیٔ هردو قریه دو هزار نفر باشد قریه بزرگ شمرده شده ونماز جمعه در آن صحیح است طوریکه در شامی آمده است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق [4]).

نماز جمعه در قریه: سوال: ۳۹ درقریه ما سه مسجد وجود دارد دو مسجد از احناف ویک

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ص ۷۷۲ ط. س. ج ۲ ص ۱٦۳. ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ص ۷۷۲ ط. س. ج ۲ ص ۱٦۳. ظفیر

(۳) وینبغی ان یامرهم بان یتواصوا ویسدوا الخلل ویسووا مناکبهم (الدر المختار علی هامش رد المحتار ج ۱ ص ۵۳۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵٦۸). ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

مسجد از اهل حدیث درمسجد اهل حدیث نماز جمعه خوانده می شود اما احناف نماز جمعه را نمی خوانند؟ آیا برای احناف جایز است که نماز جمعه را با اهل حدیث بخوانند یانه؟

جواب: اگر آن قریه بزرگ بوده ودر آن بازار وغیره باشد طوریکه مانند قصبه به نظر آید نزد احناف نیز در انجا جمعه صحیح بوده [۱]) وچند جا جمعه خواندن نیز جایز است پس اگر در آن قریه مطابق فقه حنفی نماز جمد جایز وصحیح باشد بر احناف لازم است که درمسجد خود وبه صورت علیحده نماز جمعه را بخوانند وبا غیر مقلدین یکجا نشوند واگر آن قریه کوچک بوده پس نماز جمعه در آن نزد احناف دُرست نیست پس باید در آنجا جمعه خوانده نشود نه در مسجد خود ایشان ونه درمسجد غیر مقلدین. شامی نوشته است که در قصبه وقریه بزرگ که دارای بازار ودوکان ها باشد جمعه اداء بوده ودر کوچک اداء نمی باشد [۲].

دریک منطقه خواندن نماز جمعه به تناوب در چند مسجد: در قصبه ما سه مسجد وجود دارد ودر هر یک از این مساجد نماز به صورت جداگانه خوانده می شد چند ماه قبل مردم درمیان خویش مشوره نمودند که یک جمعه دریک مسجد وجمعه دیگر در مسجد دیگر خوانده شود واکنون اینکار به تناوب صورت می گیرد آیا چنین شکلی جایز است؟

جواب: جمعه در هر یک از این مساجد صحیح است وشکلی که در سوال درگردیده که یک جمعه دریک مسجد وجمعه دیگر در مسجد دیگر وجمعه سومی در مسجد سوم نیز در اصل درست است اما بهتر آن است که دایم د رمسجدی که بزرگ ویا قدیمی است خوانده شود زیرا شکل تناوب که در سوال درج گردیده بسندیده نبوده واز آن بوی نفسانیت می آید: [۳] (وافاد ان

---

(۱) وتقع فرض فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

(۲) وتقع فرض فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (الی قوله) فیما ذکرنا اشارة الی انه لا تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

المساجد تعلق یوم الجمعه الا الجامع) الدر المختار. از این جا معلوم می شود که بهتر است برای نماز جمعه مسجد جامع خاص گردد هر چند در دیگر مساجد نیز جمعه صحیح می باشد.

نماز جمعه در منطقه جنگلی درست نیست: سوال: ۴۱ در یک منطقه جنگلی تقریباً بیست وپنج الی سی نفر مسلمان که هر یک برای کار خاص می آیند حدود پنج الی شش ماه جمع می باشند در منطقه مذکور نه مردم سکونت دارند ودرآنجا مسجدی وجود دارد مسلمانان مذکور از مدتی به شکل منظم ترتیبات نماز جمعه را گرفته اند تعداد مذکور که گاهی کمی بیش وگاهی چیزی کم می گردد در چند جمعه نماز جمعه را اداء نمودند وبرای مسلمانان نا آگاه مسائل شرعی نیز تعلیم داده می شد دیروز یک شخص تازه وارد گفت که نماز جمعه در اینجا جایز نبوده وخود در جماعت جمعه شرکت نکرد سخن اوصحیح است یانه؟

جواب: به اساس روایات کتب فقه نماز جمعه در منطقه مذکور جایز نیست برای وجوب نماز جمعه مصر (شهر) قصبه ویا قریه کبیره شرط می باشد پس در منطقه مذکور به جای نماز جمعه نماز ظهر را به جماعت بخوانید وبه تعلیم مسائل شرعی بپردازید. در الدر المختار وشامی آمده است که نماز جمعه وعیدین در قریه صغیره مکروه تحریمی می باشد [۱]) وجایی که اصلاً نفوسی نداشته وبه کدام شهر وآبادی بزرگ نزدیک هم نباشد درآنجا به اتفاق جمعه صحیح نیست[۲])

درجایی که دو هزار نفر نفوس داشته باشد جمعه جائز است: سوال: ۴۲ در منطقه پلبری حدود چهل خانواده مسلمان وزیاده ازصد خانواده هندو سکونت دارند هفته دومرتبه روز بازار می باشد سه نفر دوکاندار همیشه اشیای مورد ضرورت را به فروش می رسانند ودارای دو مسجد ویک عیدگاه می باشد در این منطقه حکم نماز جمعه چیست؟ نماز جمعه را بخوانیم یا ظهر را اکثر اینجا پس از نماز جمعه نماز ظهر را نیز می خوانند.

---

(۱) وتکره تحریما صلاة العید فی القرٰی الصغیرة (درمختار) ومثله الجمعة (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵، ط.س. ج۲ ص۱۶۷. ظ
ولاجمعة بعرفات فی قولهم جمیعا لانها فضاء (هدایه باب الجمعة ج۱ ص۱۵۱. ظفیر

جواب: مذهب احناف در مورد نماز جمعه آن است که نماز جمعه در قریه صغیره صحیح نیست ودر قریه کبیره وقصبه جمعه واجب وادا بازار می باشد: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فهیا اسواق [١]) ومنطقه مذکور طوریکه در سوال آمده قریه کبیره بود ودر انجا نماز جمعه صحیح می باشد وضرورتی به احتیاط ظهر نیست.

دلیل آنکه پیامبر ﷺ درعرفات نمازجمعه را نخواند: **سوال**: ٤٣ مولوی محمد اسماعیل که اهل حدیث است می گوید که پیامبر (ﷺ) در حجة الوداع به علت خطبه حج نماز جمعه را اداء ننمود وفتح الدین حنفی گوید که پیامبر (ﷺ) وصحابه به دلیل آنکه عرفات از سکنه خالی است نماز جمعه را نخواندند کدام یک از این دو قول صحیح است؟

جواب: طوریکه فقها تصریح کرده اند [٢] قول فتح الدین حنفی صحیح می باشد.

دعا بعد از اذان دوم نماز جمعه: **سوال**: ٤٤ دعا بعد از آذان دوم نماز جمعه جایز است یانه؟

جواب: نزد امام ابو حنیفه (رح) جواب اذان دوم جمعه ودعا پس از آن درست نیست به دلیل قول پیامبر (ﷺ) که فرموده است: (اذا خرج الامام فلاصلاة ولا کلام) همچنان در (هدایه) و(الدر المختار) آمده است: (وینبغی ان لا یجب بلسانه اتفاقاً فی الاذان بین یدی الخطیب [٣])

دعا میان دوخطبه: **سوال**: ٤٥ دعا میان دو خطبه برای سامعین چه حکم دارد؟

جواب: به زبان دعا نکنند اگر دعا می نمایند این کار را در دل انجام دهند [٤]).

اگر در قریه اواز اذان شهر برسد باز هم جمعه بر ایشان فرض نیست: **سوال**: ٤٦ قریه ای یک میل یا چیزی بیشتر از یک میل از شهر فاصله دارد وصدای آذان شهر درآنجا شنیده می

---

(١) ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص ٧٤٨ ، ط. س. ج٢ ص ١٣٨. ظفیر

(٢) ولاجمعة بعرفات فی قولهم جمیعا لانها فضاء (هدایه باب الجمعة ج١ص١٥١. ظفیر

(٣) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج١ ص ١٧١

(٤) اذا خرج الامام فلا صلاة ولاکلام الی تمامها (درمختار) الی تمامها ای الخطبة (ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص ٧٦٨ ، ط. س. ج٢ ص١٦١). ظفیر

شود آیا رفتن به شهر وخواندن نماز جمعه براهالی قریه مذکور فرض است یانه؟

جواب: نماز جمعه برمردم قریه مذکور فرض نیست هر چند به شهر نزدیک بوده وصدای آذان شهر نیز در آن شنیده شود [۱]

درباغ وجنگل شهر نماز جمعه صحیح است: **سوال**: ٤٧ در جنگل ویا باغ آیا سه نفر می توانند نماز جمعه را بخوانند یانه؟

جواب: اگر جنگل میدان وباغ به شهر تعلق داشته ویا متصل باشد طوریکه در فنای آن داخل باشد نماز جمعه در آنجا صحیح است ونزد امام ابوحنیفه (رح) بدون امام وجود سه نفر دیگر برای جماعت جمعه ضرور می باشد [۲]

اختلاف درمورد خطبه به زبان غیر عربی: **سوال**: ٤٨ یک شخصیت بزرگ می گوید که در خطبه معنی آیت وحدیث را بیان کردن وآنوا به مردم فهماندن درست است فتاوی جناب شما رانیز به او نشان دادم مگر او می گوید که مسوی مصفی شرح موطا کتاب حدیث بوده ما حواله ای از کتب فقه می خواهیم در (شامی) وغیره جواز آن نوشته شده چنانچه درشامی جلد اول صفحه ۳۵۷ به حواله (الدر المختار) چنین آمده است: (وعلی هذا الخلاف الخطبه وجمیع اذکار الصلوة) وخطبه نزد امام اعظم صاحب به هر زبانی (بدون عجز) جایز است بر خلاف دو یارش وشامی می گوید: (بل سیاتی ما یفید الاتفاق علی ان العجز غیر شرط) مطلب این فقره چیست ودر عجم به چه زبانی باید باشد؟

جواب: درترجمه خطبه باید متوجه بود که اگر ترجمه نشود به اتفاق در آن شبهی باقی نمی ماند

(۱) ومن کان مقیما بموضع بینه وبین المصر فرجة من المزارع والمراعی نحو والقلع ببخارا، لا جمعة علی اهل ذلک المواضع وان کان النداء یبلغهم (عالمکیری کشوری باب الجمعة ج۱ ص۱٤۳ ط. م. ج۱ ص ۱٤٥). ظفیر

(۲) وکما یجوز اداء الجمعة فی المصر یجوز اداءها فی فناء المصر (عالمکیری کشوری باب الجمعة ج۱ ص٤۳ ، ط. ماجدید ج۱ ص۱٤٥) . ظفیر الدین غفر الله له

ودر صورت ترجمه کردن اختلاف آشکار می باشد ما از سخنان فقها به کراهیت آن پی برده ایم وهر کاری را که خلاف عمل صحابه باشد بدعت می دانیم اما در این روزگار عده ای آنرا قبول ندارند مطلب عبارات (وعلی هذا الخلاف الخطبة) آن است که این موضوع خلاف صحت وعدم صحت می باشد نه کراهیت وعدم کراهیت چنانچه شامی در حالیکه به صحت آن تصریح می کند کراهیت آنرا نیز آشکارا بیان می نماید: (وعلی هذا الخلاف لوسبح بالفارسية في الصلوة او دعا او اثنی علی الله تعالی الی ان قال ای یصح عنده لکن سیاتی کراهة الدعا بالاعجمية [1]) صفحه ۳۲۵ ج اول ودرجای دیگری آشکارامی گوید: (والظاهر ان الصحة عنده لاتنفی الکراهة) صفحه ۳۵۰ جلد اول به طور خلاصیه اگرغور شود وتجسس صورت گیرد ازکلام فقها کراهیت ترجمه فارسی وارد وثابت می گردد وگرنه برای ما فقط نوشته حضرت شاه ولی الله نیز کفایت می کند اگر کسی قبول نمی کند به خودش مربوط است اما این نکته را اهمگان می دانند که در خطبه به زبان عربی هیچ شبه اختلاف وکراهیتی وجود ندارد در حالیکه در ترجمه شبه کراهیت موجود می باشد پس بهتر است که به آن چه کراهیت ندارد عمل شود امابه هر صورت در صحت خطبه شکی نخواهد بود.

نماز جمعه درسر زمین کفار: سوال: ٤٩ امیدوارم به سوالات ذیل پاسخ دهید: درجایی که من زنده گی می کنم حکومت کفار است ومردم آن نیز کافر می باشند اما تعدادی از مسلمان شافعی مذهب نیز وجود دارد باقی مسلمانان تاجران هندی می باشند اما فی المجموع تعداد مسلمانان نظر به کافران بسیار کم است در مورد قریه نمی توانم بگویم اما در شهر های آن تخميناً به تعداد ذیل مسلمانان وجود دارند در جایی ده، بیست، در جایی دیگری سی، چهل به استثنای یک شهر که به گمان من تعداد مسلمانان در آن به چهار صد پنجصد نفر خواهد رسید وضع مساجد چنان است که گاهی خانه ای را برای نماز جمعه ویا عید به کرایه می گیرند در

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوٰة (تحت قول وجميع اذكار الصلوٰة) ج۱ ص ٤٥١ ط. س. ج۲ ص٤٨٤ . ظفير

محلی مسجد وجود دارد اما به سبب قلت تعداد مسلمانان پر نمی شود در جایی دیگری سه مسجد وجود دارد وجماعت بزرگی که از پنجصد نفر کم نمی باشد برپامی شود.

نماز جمعه وعید در هر جایی خوانده می شود هنگام عید مسلمانانی که در قریه ها زندگی به شهر آمده ودر جماعت شریک گردیده وموجب افزایش تعداد می شوند به نظر من هیچ وقتی در اینجا حکومت اسلامی نبوده وهیچ حکم شرعی از طرف حکام جاری نمی شود اما مانع نماز جمعه وعید نیز نمی گردند در جایی که این نامه نوشته شده نیز یکی از شهر های همین کشور می باشد ویک مسجد نیز دارد وتعداد مسلمانان در آن از شصت الی هفتاد نفر است امیدوارم در روشنی آنچه گفتیم به سوالات ذیل جواب دهید.

سوال: ۵۰ (۱) برای اداء نماز جمعه شهر شرط است یانه؟

۵۱ (۲) نام شهر بر چه جایی اطلاق می گردد وتعریف بزرگترین مسجد روایت مذهب است یانه؟

۵۲ (۳) چون قدرت اجرای حدود شرط بوده امابالفعل ضرور نمی باشد آیا صحیح است که به دلیل توالیت تعریف مذکور اختیار شده وظاهر مذهب ترک گردد؟

۵۳ (٤) وبه دلیل اختلاف علمای حنفی احتیاط تجویز شده اما در جایی که مطابق حنفی شروط تحقیق نیابد ومطابق مذاهب دیگر متحقق باشد آنجا چرا جایز است علت خروج عن الاختلاف در هر دو جا موجود است یعنی انجا نیز جمعه وعیدین از روی احتیاط خوانده شود.

٥٤ (٥) از عبارت (کل موضع له امیر وقاض) آیا می توان به عدم جواز جمعه در دار الحرب استدلال نمود.

۵۵ (٦) به اساس کیفیت مذکور نماز جمعه در چه محلی نجایز ودر چه محلی ناجایز می باشد.

۵٦ (۷) در جایی که جایز نیست باید منع صورت گیرد یانه ودرآنجا نماز ظهر چه حکم دارد؟

۵۷ (۸) جایی که بادشاه مسلمان نباشد د، ـا جمعه چه حکم دارد ودر حکومت کفار چطور نماز جمعه جایز است؟

۵۸ (۹) این کشور دارالحرب است یانه.

۵۹ (۱۰) تعریف دار الحرب چیست ودار الحرب چطور به دار الاسلام مبدل ودار الاسلام چطور به دار الحرب تبدیل می گردد؟

٦۰ (۱۱) جایی که شروط نماز جمعه موجود نباشد درآنجا عید چه حکمی دارد اگر جایز نیست باخواندن آن چه مشکلی پیش می آید اگر در مذهب خود ما جایز نباشد درمذهب دیگری مثلاً مذهب شافعی (رح) واجب بوده وموجب خروج از اختلاف خواهد شد.

٦۱ (۱۲) منطقه مانیز شهر شمرده می شود ویک مسجد نیز دارد اما توسط نماز گزاران مملو نمی شود در اینجا نماز جمعه چه حکم دارد؟

جواب: در ردالمحتار آمده است: (مع انها تصح فی البلاد التي استولی علیها الکفار کما سنذکره [۱]) ص ۵۳۷ ج ۱.

ودر صفحه ۵٤۱ آمده است: (ولو الولاة الکفار یجوز للمسلمین اقامة الجمعه ویصیر القاضی بتراضی المسلمین [۲])

وهمچنان در آن آمده است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق [۳]) وفیما ذکرنا اشارة الی انها تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر [۱]) ودر (الدر المختار) باب

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة مطبوعة درسعادت ج۱ ص۷٤۸ ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة مطبوعة درسعادت ج۱ ص۷٤۸ ط. س. ج۲ ص ۷۵٤

(۳) ردالمحتار باب الجمعة مطبوعة درسعادت ج۱ ص ۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر =

العیدین آمده است: (تجب صلاتها فی الاصح علی من تجب علیه الجمعة بشرائطها المتقدمة سوٰی الخطبة فانها سنة بعدها وفی القنیة صلوة العید فی القری تکره تحریماً ای لانه اشتعال بما لایصح لان المصر شرط الصحة [٢]).

ودر شامی آمده است: (قوله صلوة العید ومثله الجمعة [٣]) از روایت سوم وچهارم ردالمحتار واضح گردید که درشهر قصبه وقریه کبیره نماز جمعه اداء می باشد ومسأله به عرف مفوض است واهل عرف می دانند که شهر ویا قصبه کدام است وفرق میان قریه کبیره وصغیره چه می باشد وبه اساس روایت پنجم الدر المختار از شامی معلوم می شود که در قریہ صغیره جمعه وعیدینِ مکروه تحریمی است که در آن ترک جماعت فرض ظهر وارتکاب جماعت نفل نهفته می باشد وبه اساس روایت اول ودوم معلوم گردید که در شر زمینی که کفار مسلط اند نماز حمعه بدون نردیدی لازم می باشد وچون مسلمانان از میان خویش کسی را امام بسازند نماز جمعه صحیح می شود.

در مورد احتیاط ظهر مولف (الدر المختار) این فتوی مولف (بحر) را نقل می نماید: (وقد افتیت مراراً بعدم صلاة الاربع بعدها بنیة آخر ظهر خوف اعتقاد عدم فرضیة الجمعة وهو الاحتیاط فی زماننا واما من لایخاف علیه مفسده فالاولی ان تکون فی بیته خفیة [٤] اکنون شماره وار به جواب سوالات شما می پرد ازیم:

١: برای اداء نماز جمعه مصر شرط بوده وشهر وقصبه وقریه کبیره در حکم مصر می باشد.

٢ — ٣ : شهر عرفاً معلوم بوده وفقها نیز در این مورد تفصیلاتی داده اند که در کتب فقه موجود

---

(١) ردالمحتار باب الجمعة مطبوعة درسعادت ج١ ص ٧٤٨ ، ط. س. ج٢ ص١٣٨. ظفیر

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج١ ص٧٧٤ — ٧٧٥ ، ط. س. ج٢ ص١٦٦. ظفیر

(٣) ردالمحتار باب العیدین ج١ ص ٧٧٥ ، ط. س. ج ٢ ص ١٦٧ . ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص ٧٤٧ ، ط. س. ج ٢ ص ١٣٧ . ظفیر

می باشد، تعریف بزرگترین مسجد در (منیه) آمده است.

٤: چون با اساس مذهب خود ما جمعه در قریه مکروه تحریمی می باشد طوریکه در روایت پنجم ذکر شد احتیاط ظهر با خواندن نماز جمعه نمی تواند آنرا جبران کند در آنجا باید ظهر به جماعت خوانده شود وجمعه ترک گردد واگر نه مرتکب مکروه تحریمی خواهند شد.

٥ — ١٠: صحیح بودن نماز جمعه در سرزمین کفار به اساس روایات واضح گردید پس درشهر ها قصبات وقریه های بزرگ سرزمین کفار بدون تردد درست بوده وضرورتی به احتیاط الظهر نیست ودر قریه کوچک جمعه صحیح نبوده وباید ظهر به جماعت خوانده شود خلاصه مسأله نماز جمعهٖ در سر زمین کفار فرقی با سر زمین های مسلمانان ندارد.

رساله (اوثر العري) تالیف حضرت مولانا رشید احمد قدس سره ارسال گردید با مطالعه آن تمام مسائل مربوط به جمعه واضح می گردد.

١١: شروط جمعه وعیدین بدون خطبه یکسان است پس در جایی که نماز عیدین صحیح نباشد در آنجا جمعه نیز صحیح نیست ودر جایی که نماز جمعه صحیح نباشد درآنجا نماز عیدین نیز صحیح نمی باشد.

١٢: جایی که شهر شمرده می شود درآنجا بلا شبه نماز جمعه صحیح می باشد یک منطقه با اساس کثرت نفوذ به شهر مبدل می شود هر چند در انجا بعداد کفار زیاد وتعداد مسلمانان کم باشد.

عصا گرفتن خطیب هنگام خطبه: سوال: ٦٢ عصا گرفتن خطیب هنگام خطبه چطور است بعضی آنرا مکروه می دانند ودر حدیث آمده که سنت می باشد جواب باید به استناد کتاب باشد.

جواب: درالدرالمختار آمده است: (ویکره ان یتکئ علی قوس اوعصا) ودرشامی به اساس حدیث

تکیه بر عصا یا قوس ثابت می باشد. همچنان قهستانی از محیط نقل می کند که عصا گرفتن سنت است پس شاید بتوان انرا چنین تطبیق کرد که در جایی که ضرورت باشد عصا گرفتن مانعی ندارد واگر ضرورتی نباشد نباید آنرا بگیرد.

درجایی که سه هزار نفر نفوس داشته باشد جمعه صحیح است: **سوال**: ٦٣ منطقه سوجرو که مربوط ولسوالي مظفر آباد است به اساس نفوس شماری حدود سه هزار نفر یا چیزی کمتر از آن نفوس دارد بازاری درآن وجود نداشته وهیچ نوع جنسی از قبیل لباس وغیره درآن به فروش نمی رسد آیا دراین محله جمعه جایز است یا نه؟

جواب: در شامی تصریح شده که نماز جمعه در قصبه وقریه کبیره صحیح است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة [1]) پس قریه مذکور کبیره است زیرا سه هزار نفر یا چیزی کمتر از آن نفوس دارد لذا نماز جمعه در آن واجب وصحیح می باشد.

قبل از خطبه وعظ وقبل از وعظ درود به اواز بلند: **سوال**: ٦٤ (الف) در روز جمعه قبل از خطبه عربی وعظ وقبل از وعظ به آواز بلند همراه سامعین به صورت مداوم درود شریف را خواندن چه حکمی دارد؟

سوال: ٦٥ (ب) در خطبه هنگامی که اسم گرامی پیامبر (ﷺ) بیاید (ﷺ) گفتن خطیب چه حکمی دارد.

جواب: (۱) درمیان خطبه وعظ به اردو ویا ترجمه خطبه به زبان اردو مکروه است همچنان در این هنگام التزام به درود به جهر ثابت نمی باشد طریقه مسنونه آن است که وقتی خطیب به منبر برود وموذن آذان بدهد باختم اذاني خطیب خطبه عربی را شروع کند ودرخطبه غیر اززبان عربی

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸

نظم ونثر اردو وفارسی را نخواند [۱].

جواب: (۲) جایی که نام پیامبر (ﷺ) بیاید خطیب درود شریف را بخواند وسامعین در دل درود بگویند طریقه شرعی همین است.

درود خواندن دسته جمعیٔ مرد قبل ازخطبه به آواز بلند ثابت نیست: سوال: ٦٦ یک مولوی صاحب در روز جمعه وقتی از نماز فارغ شد بر منبر خود درود شریف را به آواز بلند می خواند وسامعین نیز درود می خوانند سپس خطیب ایستاده می شود ووعظ می کند بعد از آن موذن آذان می دهد ومولوی صاحب به زبان عربی خطبه می گوید وسپس نماز جماعت اداء می گردد. سوال صرف آن است که قبل از وعظ درود شریف که یازده مرتبه گفته می شود چطور است یک مولوی صاحب گفت که اینکار ممنوع است اما به نظرمن ممانعتی ندارد شما بفرمایید که مسأله چطور است؟

جواب: آنچه قبلاً نگاشته ایم بدان علت بود که اکثر مردم در خطبه به شیوه وعظ عمل می کنند وترجمه خطبه را به نظم ونثر می خوانند که مکروه می باشد در مورد مسأله ای که شما پرسیده اید که قبل از خطبه وقبل از آذان دوم وعظ می شود ممانعتی برای آن وجود ندارد وبرای درود خواندن قبل از آغاز وعظ نیز اصلاً ممانعتی نیست اما اینکه خطیب وسامعین جبراً و به صورت مداوم درود خوانده وبه آن التزام نمایند به اساس قواعد شرعی مکروه وبدعت می باشد زیرا لازمی ساختن امر غیر لازم بوده وباعث آن می شود که التزام به آن برای سامعین ضروری معلوم شود که چنین چیزی به هیچ صورت جایز نیست [۲].

اقامت پیامبر (ﷺ) درقبا وبحث نماز جمعه: سوال: ٦٧ جناب مولانا رشید احمد گنگوهی

---

(۱) فانه لاشک فی ان الخطبة بغیر العربیه خلاف السنة المتواتر من النبی (ﷺ) والصحابة فیکون مکروهاً تحریما وکذا قراة الاشعار الفارسیة والهندیة فیها (عمدة الرعایة حاشیة شرح وقایه ج اص ۲۴۲)

(۲) پیامبر ﷺ فرموده است: (من احدث فی امرنا هذا مالیس منه فهو رد) مشکوة ۲۷ ج ۱

(رح) در رساله (اوثق العری فی تحقیق الجمعة فی القری) نوشته پیامبر (ﷺ) نخست در قبا منزل کرد وچهارده روز در آنجا باقی ماند اما در قبا به اقامه نماز جمعه نپرداخت) اما مولانا صاحب هیچ دلیلی برای عدم اقامه نماز جمعه در قبا ذکر ننموده ودر رساله (احسن القری) نیز در این مورد توضیحی نیامده است که در تاریخ خمین شرح مواهب لدنیه وتفسیر وغیره آمده است که پیامبر (ﷺ) در قبا نماز جمعه را خوانده ودر هیچ کتابی نخواندن آن نیامده است وبدین ترتیب بر مولانا صاحب زبان درازی می نمایند خواهشمندم شما دلیل نخواندن نماز جمعه هنگام هجرت در قبا را همراه با صفحه وسطر تحریر فرمایید.

جواب: این سخن کاملاً غلط است که مولانا صاحب دلیل عدم اقامه نماز جمعه در قبا را ذکر نکرده همچنان این مسأله نیز غلط است که مولف (احسن القری) در این مورد توضیحی نداده مولانا صاحب خود در (اوثق العری) برای این امر حدیث ۱۲۲ جلد بخاری را نقل می کند ومولف (احسن القری) نیز به توضیح آن پرداخته صفحه نهم (احسن القری) را ملاحظه فرمایید: (مگر جناب پیامبر ﷺ درقبا به اقامه جمعه نپرداخت ونه اهل قبا را به اقامه جمعه امر نمود نه ایشان را سرزنش نمود که در مدینه نماز جمعه خوانده می شود شما چرا تا اکنون به اقامه آن نپر داخته اید در حالیکه در قبا وگرد ونواح آن مسلمانان به کثرت وجود داشتند چنانچه در صفحه ۱۲۲ جلد اول بخاری ودیگر کتب حدیث روایت شده (عن ابن عباس ان اول جمعة جمعت فی الاسلام بعد جمعة فی مسجد رسول الله (ﷺ) بالمدینة لجمعة جمعت بجواثی قریة من قری البحرین) از این روایت صحیحه آشکارا معلوم می شود که نماز جمعه در عوالی ومنازل خوانده نمی شود واگر اولیت جمعه در (جواثی) در روایت مذکور آمده غلط خواهد شد) واین موضوع را صاحب (احسن القری) به عبارت خود از (اوثق العری) خلاصه نموده است.

به صورت مختصر آنکه از این روایت صحیحه ثابت می گردد که بعد از مسجد نبوی نخستین

جمعه در اسلام درمنطقه (جواثی) خوانده شده است پس چطور می توان گفت که پیامبر (ﷺ) قبل از آن در قبا به اقامه جمعه پرداخته است واز این روایت صحیح وصریح بخاری وابو داود چه دلیل بزرگتری می خواهند که اهل حدیث می گویند که مولانا صاحب دلیل نیاورده است.

باقی ماند این نکته که در تفسیر طبری وتاریخ الخمیس وشرح مواهب اللدنیه اقامه جمعه توسط پیامبر (ﷺ) در قبا روایت شده نخستین جواب آنها این است که ایشان باید خجالت بکشند که با روایت تاریخ الخیمن ودیگر کتب سیر به مقابله روایت صحیح بخاری برمی خیزند کجا بخاری وکجا روایات غیر معتبر کتب سیر.

اگر بالفرض تمام کتب سیر در مخالفت با روایت بخاری متفق شوند باز هم بر مسلمانان لازم است درمقابل روایت بخاری پیروی آن کتب را نکند چه رسد به آنکه کتب سیر وتاریخ نیز متفقاً با بخاری همنوامی باشند وهمه آنرا تصریح می نمایند که پیامبر (ﷺ) در قبا به اقامه جمعه پرداخته است بلکه از آنجا در روز چهار دهم حرکت نموده در نزدیکی مدینه در (بنی سالم) آمده ونماز جمعه را اداء نمودند برای ثبوت این امر (فتح الباری) (سیرت ابن هشام) تاریخ طبری وغیره را ملاحظه فرمایید.

اکنون باقی ماند این نکته که درسه کتاب (تفسیر طبری) (تاریخ الخمین) و (شرح مواهب لدنیه) اقامه جمعه در قبا نقل شده است دراین مورد بایدگفت که تفسیر طبری به این مسأله تماسی نگرفته واگر کسی دعوایی دارد شماره صفحه را بنویسد پس معلوم نیست که چطور بر تاریخ طبری بهتان می بندند در تفسیر طبری وا قعه تشریف بردن پیامبر (ﷺ) به قبا بیان گردیده اما در آن به جای روایت اقامه جمعه انکار آن روایت گردیده صفحه ۱۲۵۵ جلد دوم تاریخ طبری را ملاحظه کنید که در آن چنین آمده است: (فمن ذلک تجمعه (ﷺ) باصحابه الجمعة فی الیوم الذی ارتحل فیه من قبا وذلک ان ارتحاله عنها کان یوم الجمعة عامداً الی المدینة فادرکته

الصلوة صلوة الجمعة فی بنی سالم بن عوف ببطق وادلهم قد اتخذ الیوم فی ذلک الموضع مسجداً فیما بلغنی وکانت هذا الجمعة اول جمعة جمعها رسول ﷺ فی الاسلام) خلاصه این روایت آن است که پیامبر (ﷺ) روز چهار دهم از قبا حرکت نمود وبه اقامه جمعه در بنی سالم پرداخت واین اولین جمعه ای است که در اسلام خوانده شد نتیجه آنکه آنچه می گوییم همان چیز در تاریخ طبری نیز نقل شده است که کاملاً مخالف قول ایشان می باشد.

بلی درشرح مواهب لدنیه معروف به (زرقانی) یک روایت ضعیف وجود دارد که پیامبر (ﷺ) درمدت اقامت خود در قبا نماز جمعه را اداء نمود که ضعیف بودن آن از قول زرقانی آشکار می باشد چونکه گفته است: (قیل کان یصلی الجمعة فی مسجد قبامدة اقامته) لفظ (قیل) خود به طرف ضعف اشاره می نماید بر علاوه جواب آنرا حضرت مولانا ظله العالی در (احسن القری) با تفصیل تمام نگاشته است صفحه ۸۸ احسن القری را ملاحظه فرمایید.

به هر صورت با قطع نظر ازاین خرافات وسخنان بیهوده به عرض می رسانم که این عبارت زرقانی (قیل کان یصلی الجمعة) اولاً به هیچ ترتیبی قابل استناد وشایسته اعتبار نیست حتی این نکته معلوم نیست که گوینده آن چه کسی می باشد ومحل آن کجا است؟ گوینده چه نوع شخصی می باشد قابل اعتبار یا غیر قابل اعتبار وغیره نشانه ای از سند درآن دیده نمی شود که متصل است یا منقطع صحیح است یا ضعیف معتبر است یاغیر معتبر از سوی دیگر این قول شاذ با جمیع روایات معتبره واتفاق اهل سیر که نقل گردیده صریحاً مخالف ومعارض می باشد در تمام روایات این مساله ذکر گردیده که پیامبر (ﷺ) هنگام هجرت جمعه را در (بنی سالم) یعنی (حره بنی بیاضه) اقامه نمود حتی در روایاتی که اهل تفسیر واهل سیر نقل نموده اند این روایت صریحاً آمده است: (فمر علی بنی سالم فصلی فیهم الجمعة ببنی سالم وهو اول جمعة صلاها رسول ﷺ) بر علاوه از این ما درفوق به اثبات رسانیدیم که حسب ارشادات اکابر وتصریحات معتد

به امر محقق ان است که در عوالی هیچگاهی نماز جمعه خوانده نشده اکنون چطور می توان به اساس این روایت شاذ مجهول این قصه را کاملاً وارونه نمود وقبول کرد که درعوالی نماز جمعه خوانده شده است.

اگر خطبه یکی بدهد وامامت دیگری کند درست است: سوال: ٦٨ امام در روز جمعه احتراما خطبه را به شخصی دیگری واگذار شد بعد از خطبه در نماز جمعه امام امامت نمود نماز جمعه با کراهیت اداء شده ویا بدون کراهیت؟

جواب: در الدر المختار آمده است: (لاینبغی ان یصلی غیر الخطب لانها کشئی واحد فان فعل جاز قوله لانها ای الخطبة والصلوة کشی واحد لکونها شرطاً ومشروطاً ولا تحقق للمشروط بدون شرطه فالمناسب ان یکون فاعلها واحد [1] شامی) پس معلوم گردید که بهتر آن است که خطبه ونماز توسط یک شخص خوانده شود اما اگر خطبه را یکی بخواند وامامت دیگری کند نیز درست بوده ودر آن کراهیتی وجود ندارد اما بدون ضرورت غیر اولی می باشد.

بحث در مورد جواب اذان دوم نماز جمعه: سوال: ٦٩ جواب دادن به آذانی که روز جمعه در نزدیکی از منبر داده می شود بنابر مذهب برای مقتدیان جائز است یانه؟ اگر جائز است پس (اذا خرج الامام فلا صلاة ولاکلام) ومعنی حکم با کراهیت علامه شامی چیست که آنرا مطابق مذهب حنفی می داند؟ همچنان منظور دراز کلام سخنان دنیایی می باشد یا دینی؟ اگر جواب دادن جائز نیست مطلب حدیث معاویه چیست که بخاری در بخش (کتاب الجمعة باب یجیب الامام بلسانه) روایت کرده که درآن جواب دادن به این آذان صریحاً مذکور می باشد پس چرا باید آنرا مکروه دانست بر علاوه کدام روایت صریح وصحیح خاص کننده نیز وجود ندارد که به اساس آن عموم احادیث خاص گردد وجواب آذان منبری مستثنی شود از طرف دیگر احناف

---

(١) رد المحتار باب الجمعة ج١ ص ٧٧١. ظفیر

به وجوب اجابت آذان قائل می باشند برعلاوه (اذا خرج) قول امام زهری بوده لذا نمی تواند احادیث متصل الاسناد را خاص نماید ویا معارض آن قرار گیرد تا جایی که همه را باطل نماید که منطوق صریح احادیث می باشد از سوی دیگر (کنا نتحدث) وغیره الفاظ نیز روایت گردیده که نشان می دهد که بعد از خروج امام وقبل از خطبه سخن گفتن وجود داشته است.

جواب: جواب دادن به آذان دوم نماز جمعه بنا بر مذهب راجح احوط واصح درست نبوده بلکه مکروه می باشد طوریکه در (الدر المختار) آمده است: (وینبغی ان لا یحب اتفاقاً فی الاذان بین یدی الخطیب [1]) ودر رد المحتار باب الجمعة آمده است: (واجابة الاذان حینئذٍ مکروهة [2]) وحکم را عام نگهداشتن احوط است طوریکه ازعلی ابن عباس وابن عمر [3] (رضی الله عنهم) نقل شده است ومقتضای احادیث صحیحه نیز همین می باشد مثلاً کتب شش گانه احادیث از ابو هریرة (رضي الله عنه) نقل نموده اند که گفت پیامبر (صلى الله عليه وسلم) فرمود: (اذا قلت لصاحبک یوم الجمعة انصت والامام یخطب فقد لغوت) این حدیث نشان می دهد که با وصف آنکه امر بالمعروف ونهی عن المنکر واجب مي باشد در آن وقت جایز نیست که این نکته خود به منع نماز نفل قراءت واذکار دلالت می نماید زیرا در صورتیکه واجب منع گردد نفل به منع اولی تر می باشد واین روایت بر سائر روایاتی که به جواز تحیة المسجد ومباح بودن سخن گفتن دلالت می نماید راجح می باشد زیرا آنچه به حرمت دلات کند بر روایتی که به اباحت دلالت می نماید راجح می باشد [4] واگر چه درآن قید (والامام تخطب) وجود دارد اما قبل از شروع خطبه وبعد از صعود منبر نیز در همین حکم می باشد (لان الکلام یمتد ولان الکلام یجر الی الکلام [5]) درشرح منیه

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ص ۳۷۱ ج۱. ظفیر

(۲) رد المحتار باب الجمعة مطلب فی حکم المرقی جلد اول ص ۷۶۹. ظفیر

(۳) واخرج ابن ابی شیبه فی مصنفه عن علی وابن عباس وابن عمر رضي الله عنهم کانوا یکرهون الصلوٰة والکلام بعد خروج الامام (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۷ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۵۸). ظفیر

(٤) غنیة المستملی باب الجمعة البحث الثانی ص ۵۱۹ — ۵۲۰ . ظفیر

(۵) ایضا ص ۵۲۰. ظفیر

آمده است: (اذا صعد الامام علی المنبر تجب علی الناس ترک الصلوة النافله لما تقدم من کراهتها عند الخطبة ویجب ترک الکلام ایضا عند ابی حنیفه (رضی) وقالا یباح الکلام حتی یشرع فی الخطبة [١]) والخلاف فی الکلام یتطق بالاخرة اما غیره فیکره اجماعاً [٢]) ولابی حنیفة ما ذکر ابن ابی شیبة فی مصنفه عن علی وابن عباس وابن عمر کانوا یکرهون الصلوة والکلام بعد خروج الامام ولان الکلام ایضاً قد یمتد طبعاً فان الکلام یجر الی الکلام فکان المنع احوط) صفحه ٥١٩ شرح منیة الکبیر.

وجواب حدیث معاویه (رضی الله عنه) آن است که او اجابت این اذان را به اجابت سائر آذان ها قیاس نموده چنانکه فرموده است: (یا ایها الناس انی سمعت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) علی هذا المجلس حین اذن الموذن یقول ماسمعتم منی من مقالتی [٣] اذان دیگر اوقات را ذکر می کند بر علاوه صحابه جلیل القدری چون علی ابن عباس وابن عمر (رضی الله عنهم) برخلاف قول معاویه عمل می نمودند ودر وقت صعود امام بر منبر مطلقاً سخن ونماز را مکروه می دانستند پس عمل آن صحابه کبار راجح می باشد برعلاوه هر گاه حرمت واباحت درتعارض قرار گیرد حرمت راجح شمرده می شود وجوابی که به این عمل معاویة (رضی الله عنه) داده می شود به سائر روایاتی که به استحباب اجابت دلالت می نمایند داده می شود واحناف وجوب یا اباحت جواب را در اینجا مستثنی قرار می دهند. در فوق معلوم گردید که (اذا خرج الامام) تنها قول زهری نیست بلکه از صحابه کبار نیز منقول می باشد وقول صحابی در چنین موضعی حکم مرفوع را دارد وقول بعضی که (کنا نتحدث) برقول حضرت علی وابن عباس وابن عمر راجح نمی باشد.

خلاصه مطلب احوط خاموشی است طوریکه الزیلعی گوید: (ان الاحوط الانصات [٤]).

---

(١) ایضا ص ٥١٩. ظفیر

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة مطلب فی حکم المرقی الخ ج١ ص ٧٦٩ ، ط. س. ج٢ ص١٦٠. ظفیر

(٣) بخاری کتاب الجمعة باب یجیب الامام بلسانه . ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الجمعة تحت قوله ولا کلام ج١ ص ٧٦٨ ، ط. س. ج٢ ص١٥٨. ظفیر

هنگام بارش خواندن نماز جمعه به جماعت در خانه درست است: سوال: ٧٠ در ایام باران به وجه کثرت بارش وآب فراوان راه ها دشوار گذار می شود ومسجد هم قدری از مسکن دور است در آن هنگام اداء صلوة جمعه را شرعاً چه حکم دارد آیا در آن هنگام تکلیف مالا نهایت کشیده برای صلوة جمعه به مسجد رفتن ضرور باشد یا خواندن صلوة به مکان کافی یانه؟

جواب: تعدد صلوة جمعه علی القول مفتی به صحیح است پس اگر به عذر مطر به مسجد رفتن دشوار باشد به جای دیگر نماز جمعه را [۱] گزاردن به جماعت مشروعه (وآن سه مرد است علاوه امام الدر المختار) صحیح است [۲].

کسانی که نمازهای پنجگانه را نمی خوانند نماز جمعه ایشان درست است: سوال: ٧١ کسانی که نمازهای پنجگانه را نمی خوانند وصرف نماز جمعه را اداء می کنند نماز جمعه ایشان صحیح است یانه؟

جواب: نماز جمعه بدون شک صحیح است هر چند آن شخص گنهکار بزرگ می باشد [۳].

بیشتر شدن ثواب درمسجد تنها مربوط به نماز فرض است: سوال: ٧٢ در رساله مجموعه خطب نوشته شدی که ثواب یک رکعت نماز در مسجد برابر به پنجصد رکعت است این ثواب تنها مخصوص نماز فرض درجماعت اول می باشد یاسنت ونفل نیز اگر در مسجد جامع خوانده شوند چنین ثوابی دارند؟

جواب: این ثواب مخصوص نماز فرض درجماعت اول است نه مربوط به نماز های سنت ونفل افضل آن است که نماز های مذکور در خانه خوانده شود وروش وحکم دائمی پیامبر (ﷺ) نیز

---

(۱) این سوال وجواب آن در اصل کتاب به زبان دری بوده وباوجود ضعف عبارات مادر آن دخل وتصرفی نکردیم.

(۲) وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقا علی المذهب وعلیه الفتوٰی دفعا للحرج. (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص ٧٥٥ ، ط. س. ج٢ ص١٤٤. ظفیر

(۳) وان فاتته اکثر من صلوات یوم ولیلة اجزاته التی بدا بها (هدایه باب قضاء الفوائت ج١ ص١٣٨). ظفیر

چنین بود اگر نوافل نیز چنین ثواب گر انقدری می داشتند پیامبر (ﷺ) آنها را در خانه نمی خواند ونه چنین حکمی می نمود وآنچه گفتیم مضمون حدیث است [۱]).

منتظر ماندن خطیب برای کسانی که سنت می خوانند ضرور نیست: سوال، ٦٧٣ وقتی نماز جمعه فرا می رسد تصادفاً سه چهار نفری که ناوقت آمده اند به طرف راست ویا چپ منبر مصروف خواندن نماز سنت می شوند در این هنگام اغاز کردن خطبه چه حکمی دارد وشخصی که خطبه درآن وقت را حرام می داند در مورد اوچه حکمی است؟

جواب: بر خطیب لازم نیست که انتظار کسانی را بکشد که نماز سنت را می خوانند وهمین که وقت خطبه فرا رسد خطیب می تواند برای خواندن خطبه ایستاده شود بر او هیچ مؤاخذه وگناهی نیست زیرا خطیب متبوع می باشد نه تابع اصولاً بر مقتدیان حکم است که هنگامی که خطیب غرض خطبه بر منبر بالاشود نماز ها سنن ونفل را نخوانند اما هر گز بر خطیب حکم نشده است که انتظار بکشد واگر سه چهار دقیقه ای منتظر بماند نیز ممانعتی نیست اما درصورت انتظار نکشیدن گنهگار نمی شود ودرحدیث صحیح آمده است: (انما جعل الامام لیؤتم به [۲]) وصاحب الدر المختار گوید: (فاذا خرج الامام فلاصلاة ولا کلام [۳]) پس شخصی که خطبه خواندن در حالت مذکور را حرام می داند درخطا بوده واز مسائل شرعی واقف نیست پس به سخن او نباید توجه نمود.

روز جمعه قبل از اذان اول وبعد ازنماز تجارت صحیح است: سوال: ٧٤ آیا در روز جمعه جائز است که تاجر ودوکاندار مسلمان دوکان خودرا باز نماید یانه؟ اگر دوکانداران وپیشه وران

---

(۱) والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل الا لخوف شغل عنها (الدر المختار) قوله والافضل شمل مابعد الفریضة وما قبلها لحدیث الصحیحین علیکم بالصلٰوة فی بیوتکم فان خیر صلاة المرء فی بیته الا المکتوبة الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٣٨ ، ط. س. ج۲ ص۲۲). ظفیر

(۲) مشکوٰة باب ماعلی الماموم من المتابعة وحکم المسبوق فصل اول ص ۱۰۱ . ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة جلد اول ص ٧٦٧ ، ط. س. ج۲ ص۱٥٨. ظفیر

حق دارند در روز جمعه کار کنند از چه وقت تا چه وقت این اجازه را دارند؟

جواب: روز جمعه تمام انواع کار وبار وخرید وفروش تا آذان اول جائز می باشد وبعد از آن مکروه تحریمی است در تنویر الابصار آمده: (وکره البیع عند آذان الاول) پس به مجرد اذان باید تمام کار وبار را ترک گفته وبرای نماز جمعه حاضر شود [1] وقبل از آذان اول درکار وبار وخرید وفروش برای کسبه کاران ودوکانداران ممانعتی وجود ندارد همچنان بعد از فراغت از نماز جمعه نیز می توانند به خرید وفروش بپردازند زیرا خداوند عزوجل فرموده است: (فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله). فقط

به اندازه ضرورت عربی گفتن وسپس وعظ به اردو خلاف سنت است: سوال: ٧٥ خطبه جمعه را مختصراً به عربی خواندن وسپس وعظ به اردو یا یک زبان دیگری کشوری چه حکمی دارد؟ اکثر علمای حنفی در میان خطبه به وعظ می پردازند.

جواب: به عربی بودن تمام خطبه سنت است واینکه کمی عربی گفته شود وسپس به طریقه وعظ چیزی به زبان اردو گفته شود خلاف سنت می باشد وچنین چیزی از سلف ثابت نیست. حضرت شاه ولی الله در (مصصفی شرح موطا) نوشته است که با وجود آنکه صحابه بلاد عجم تشریف بردند مگر خطبه را به غیر از زبان عربی برای تفهیم مخاطبین نخواندند پس عمل مستمر صحابه دلیل آن است که خطبه باید به زبان عربی باشد [2]).

در آبادی بزرگ جمعه واجب الاداء می باشد: سوال: ٦٧٦ یک قریه بزرگ است که سه هزار ودو صد نفر نفوس داشته وچند دوکان نیز دارد پس به اساس مذهب حنفی وکتب فقه نماز جمعه دو آنجا می شود یانه؟

---

(١) ووجب سعی الیها وترک البیع الخ بالاذان الاول فی الاصح وان لم یکن فی زمن الرسول بل فی زمن عثمان وافاد فی البحر اطلاق الحرمة علی المکروه تحریماً (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص ٧٧٠ ، ط. س. ج ٢ ص ١٦١) . ظفیر

(٢) ایضا. ظفیر الدین غفر الله له

جواب: نزد احناف در چنین قریه ای نماز جمعه صحیح است واجب واداء می باشد زیرا چنین قریه قریه کبیره بوده ودر قریه کبیره موافق تصریح شامی نماز جمعه صحیح می باشد چنانچه در (رد المحتار) آمده است: (و تقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (١)).

در قریه کوچک هر چند دارای دوکان ها باشد نماز جمعه صحیح نیست: سوال: ٧٧ قریه ای که دارای چهار صد مرد (برعلاوه زنان واطفال) بوده وچهار پنج دوکان نیز داشته باشد، در آنجا نماز جمعه خوانده می شود یا نماز ظهر؟

جواب: درمورد چنین قریه تعریف شهر وقصبه تطبیق نمی شود ودر قریه صغیره نماز جمعه جائز نمی باشد لذا باید در آنجا نماز ظهر به جماعت خوانده شود ترک ظهر دز آنجا حرام ومعصیت می باشد (٢)).

ممانعت از نماز جمه در صورتیکه شرایط آن موجود نباشد: سوال: ٧٨ روز جمعه در مسجد جامع نماز جمعه اقامه گردید در این هنگام یک مولوی صاحب آنجا امده به آواز بلند خطاب به نماز گزاران گفت که ای احناف نیت نماز را بشکنید واگر نه کافر می شود، زیرا در اینجا نماز جمعه جائز نیست وخواندن آن گناه کبیره می باشد.

سوال: آن است که در چه جاهایی وبه کدام شرایط نماز جمعه جائز است ودر کجا ناجائز؟ اگر کسی در جایی که تمام شرایط جمعه موجود نباشد آنرا بخواند آیا موجب گناه وکفر خواهد شد؟ وآیا برای مولوی صاحب جائز بود که مردم را بشکستن نماز واداء رد یانه؟ اگر جائز نبود او مرتکب چه گناهی شده است؟

جواب: مذهب احناف درمورد نماز جمعه آن است که در شهر قصبه وقریه کبیره که دوالی چهار

---

(١) ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص٧٤٨ ، ط. س. ج٢ ص ١٣٨. ظفیر

(٢) صلاة العید فی القری تکره تحریما (در مختار) ومثله الجمعة (ردالمحتار باب العیدین ج١ ص ٧٧٥ ، ط. س. ج٢ ص١٦٧) . ظفیر

هزار نفر نفوس داشته واشیای مورد ضرورت در آن یادنت ودارای دوکان ها باشد نماز جمعه واجب واداء می باشد البته در قریه صغیره که جمعه صحیح نیست خواندن آن مکروه تحریمی است [۱] اما موجب کفر نمی گردد پس اگر در منطقه ای که در آن نماز جمعه خوانده می شد قصبه یا قریه بزرگ باشد پس نماز جمعه درآن واجب وصحیح بود وشکستاندن آن حرام بوده ومولوی صاحب غلط گرده است که باید توبه کند اما اگر منطقه مذکور قریۀ کوچکی باشد خواندن جمعه در آن مکروه تحریمی می باشد که شکستاندن آن واجب بوده وخوب است که شکستانده شد. پس باید در این سوال نگاشته می شد که منطقه مذکور چه نوع می باشد قریه بزرگ است یا قریه کوچک نفوس آنجا به چه اندازه است بازار ودوکان دارد یانه در کتاب شامی در باب الجمعة آمده است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الی وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة [۲]).

گرفتن ناخن قبل از نماز جمعه: سوال: شارح درشرح حدیث صحیح البخاری در کتاب الجمعة که از سلمان (رضی الله عنه) روایت شده (یتطهر ما استطاع) اصلاح موی را نیز شامل می داند وحدیث ابو هریره که بزار طبرانی وبیهقی آنرا روایت کرده وسیوطی آنرا در (الدر المنثور) صفحه ۱۲ ج ۱حسن دانسته وعبارت آن چنین است: (کان یقلم اظفاره ویقص شاربه یوم الجمعة قبل ان یخرج الی الصلوة) صریحاً دلالت بر آن دارد که قبل از نماز جمعه اصلاح موی مسنون می باشد دوحالیکه در سند آن ابراهیم بن قدامه قرار داشته که در (میزان الاعتدال) درمورد او (لایعرف) گفته شده ودر فتح الباری در بارۀ این حدیث گفته شده که سند آن ضعیف است وسیوطی خود درجامع الصغیر آنرا ضعیف دانسته است اما مولف فتح در (لسان المیزان) وحافظ هیثمی در (مجموع الزواید) درمورد ابراهیم مذکور نوشته (ذکره ابن حبان فی الثقات) در (الدر

(۱) صلاة العید فی القری تکره تحریما (درمختار) ومثله الجمعة (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸. ظفیر

المختار) وغیره اصلاح موی بعد از نماز جمعه افضل نوشته شده واسطی آنرا به (احرام) مشابه دانسته ودر (غنیة) شرح (منیة) به نقل از (سروجی) قبل از نماز جمعه مستحب خوانده شده است وشامی اصلاح موی بعد از نماز را خلاف حدیث ابوهریره دانسته حدیثی که سیوطی آنرا حسن دانسته در حقیقت صحیح است یانه ونشان صحت وضعف که در جامع صغیر براین حدیث گذاشته شده؟ کار چه کسی است واصلاح موی قبل از نماز جمعه افضل می باشد یا بعد از آن وکسانی که به عدیت قائل اند دلیل ایشان چیست؟

جواب: از قول شامی ترجیح معلوم می شود که تقلیم اظفار وغیره باید قبل از نماز جمعه باشد تا با حدیث موافقت صورت گیرد زیرا مسنون بودن غسل نیز آنرا اقتضاء می کند وآنعده از فقها که آنرا بعد از نماز جمعه افضل دانسته اند بر این نظر داشته اند که درآن معنی حج می باشد ویا به این قول (لینا له برکة الجمعة) اما آشکار است که قواعد دین وعملگر دپیامبر (ﷺ) قبل از نماز جمعه بودن آنرا اقتضاء می نماید وعمل مشایخ ما چون علامه محقق گنگوی قدس سره وغیره محققین نیز برآن بوده وفقها ومحدثین به این نظر اند که در فضائل اعمال عمل به حدیث ضعیف نیز صحیح است در حالیکه محدثین در ضعیف این حدیث محدثین اتفاق نداشته وعده ای آنرا حسن دانسته وتعداد دیگری ضعیف گفته اند.

تعریف فنای مصر: **سوال**: ۸۰ قریه ای از شهر یک میل فاصله داشته واز فنای شهر کاملاً جدا است آنعده از فقها که تعریف فنا را معتبر می دانند نزد ایشان در آن قریه نماز جمعه واجب نیست مگر کسانی که فنا را به مسافه اندازه می کنند مطابق قول ایشان جمعه در آنجا واجب می باشد زیرا قریه مذکور در داخل مسافه یک فرسخ واقع شده آیا جمعه درآن قریه واجب است یا نه؟

جواب: اندازه گیری به فرسخ معتبر نیست بلکه اعتبار فنای مصر مربوط به آن است که منطقه

مذکور برالی مصالح شهر است یا منطقه جداگانه می باشد اگر برای مصالح شهر نباشد منطقه جداگانه بوده وحکم ان در مورد جمعه مستقل است یعنی اگر قریه کبیره باشد جمعه درآن واجب بوده ودر غیر آن نه شامی گوید: (والتعریف احسن من التحدید [۱])

دریک مسجد تعدد جمعه مکروه است: سوال: ۸۱ در یک مسجد دوباره نماز جمعه جائز است یانه؟

جواب: تعدد جمعه در یک شهر در دو یا چند مسجد نزد احناف درست می باشد طوریکه در (الدر المختار) آمده است: (وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقاً علی المذهب) ودر (رد المحتار) آمده است: (قوله مطلقاً ای سواء کان المصر کبیراً اولا وسواء کان تعدد فی مسجدین او اکثر [۲]) اما در یک مسجد تعدد جماعت مکروه است پس جماعت دوم برای نماز جمعه مکروه می باشد طوریکه براي سائر نمازها جماعت دوم در مسجدی که برای آن امام وموذن مقرر بوده مکروه است شامی گوید: (والظاهر انه یعلق ایضاً بعد اقامة الجمعة لئلا یجتمع به احد بعدها [۳]).

اذان دوم در داخل مسجد درست است: سوال: ۸۲ در روز جمعه اذان دوم در کجا باید داده شود یکی از علما به این جا تشریف آورد وگفت که اذان دوم در نزدیکی منبر نا جائز است وگفت که باید این آذان در نزدیکی دروازه مسجد یعنی کناره حویلی روبه روی خطیب داده شود

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۹. ظفیر عبارت مکمل آن چنین است: او فناء وهو ما حوله اتصل به لاجل مصالحه کدفن الموتٰی ورکض الخیل والمختار للفتوی تقدیره بفرسخ ذکره الولوالجی (درمختار) اعلم ان بعض المحققین اهل الترجیح اطلق الفناء عن تقدیره بمسافة وکذا محرر المذهب الامام محمد رحمه الله وبعضهم قدره بها وجملة اقوالهم فی تقدیره ثمانیة اقوا ل اوتسعة غلوة، میل، میلان، ثلثة، فرسخ، فرسخان، ثلاثة، سماع الصوت، سماع الاذان، والتعریف احسن من التحدید لانه لا یوجد ذلک فی کل مصر وانما هو بحسب کبر المصر وصغره الخ فالقول بالتحدید بمسافة یخالف التعریف المتفق علی ما صدق علیه بانه المعد لمصالح المصر الخ (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸ – ۱۳۹). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۵ ط. س. ج۲ ص ۱٤٤. ظفیر

(۳) ایضا ط. س. ج۲ ص۱۵۲. ظفیر

آیا سخن او درست است؟

جواب: اذان دوم در داخل مسجد پیشروی خطیب معروف ومسنون است وعلما وفقها همیشه به آن عمل کرده ودرکتب فقه به آن تصریح نموده اند لذا منع کردن درآنجا صحیح نیست چنانچه در بسیاری از رسائل وکتب در مورد آن تحقیق شده است در هدایه والدر المختار این مسأله موجود است آنرا مطالعه کنید.

روز جمعه نماز ظهر در شهر: سوال: ۸۳ در شهر اگر چند نفر نتوانند نماز جمعه را بخوانند برای نماز ظهر جماعت کنند یا آنرا جدا گانه بخوانند؟

جواب: نماز ظهر را علیحده بخوانند وبرای آن جماعت نکنند چنانچه در (الدر المختار) وشامی چنین آمده است [۱].

کسی که خطبه را یاد ندارد وکتاب نیست چه کند؟ سوال: ٨٤ اگر کسی خطبه یاد ندارد وکتاب هم نباشد بدون خطبه نماز جمعه خوانده شود ویا به جای آن نماز ظهر را بخوانند؟

جواب: فرض خطبه با گفتن یکبار (سبحان الله) یا (الحمدلله) ویا (الله اکبر) اداء می شود ونزد صاحبان خطبه باید به اندازه سه آیت ویا به اندازه تشهد باشد پس اگر خطبه معروفی را یاد نداشته باشد به اندازه مذکور اکتفا کرده نماز جمعه را اداء نماید [۲].

هنگام رسیدن به مسجد نماز سنت خوانده شود: سوال: ۸۵ در روز جمعه هنگامی که شخص به مسجد می رود در وقت رسیدن به مسجد نماز سنت را بخوانند یا مدتی انتظار بکشد وسپس نماز سنت را اداء کند؟

---

(۱) وكذا اهل مصر فاتتهم الجمعة فانهم يصلون الظهر بغير اذان ولا اقامة ولا جماعة (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ..... ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۲) . ظفير

(۲) الشرط الرابع الخطبة وعليه الجمهور وركنها مطلق ذكر الله تعالى بينهما عند ابى حنيفة رحمه الله وعندهما ذكر طويل يسمى خطبة وسنتها كونها خطبتين بجلسة بينهما تشتمل كل منهما على الحمد والتشهد والصلاة على النبى ﷺ والاولى تلاوة اية وعلى الوعظ ايضاً الخ (غنية المستملى ص ٥١٥). ظفير

جواب: در حدیث شریف آمده است: (اذا دخل احدکم المسجد فلیرکع رکعتین قبل ان یجلس [۱]) یعنی وقتی یکی از شما به مسجد داخل شود قبل از نشستن دو رکعت نماز بخواند این دو رکعت تحیة المسجد می باشد که به هر حال مستحب است از اینجا معلوم می شود که به مجرد رسیدن به مسجد باید نوافل وسنن خوانده شود که مسلک فقها نیز چنین می باشد.

در قصبات نماز جمعه درست است: **سوال**: ۸۶ در یک منطقه نفوس مسلمانان آنقدر است که وقتی به مسجد آنجا داخل می شوند همه در آن نمی گنجند فی الجموع ۲۵۰ منزل مسکونی وجود دارد که از آن جمله ۹۵ منزل آن مسلمان بوده ودرآن هفده دوکان وجود دارد که در آنها لباس ظروف شیرینی ودیگر اشیای ضروری به فروش می رسد آیا در آنجا نماز جمعه جائز است یانه؟

جواب: در شامی آمده است که در قصبه ها وقریه های بزرگ نماز جمعه اداء می باشد پس اگر نفوس این قریه به اندازه یک قصبه کوچک مثلاً سه چهار هزار نفر بوده ودارای بازار نیز باشد جمعه در آنجا واجب واداء می باشد ودر غیر آن نه وتعریف (مالایسع اکبر مساجد اهله المکلفین) تعریف حقیقی وکلی نیست که جایی که تعریف مذکور صدق کند جمعه درآنجا واجب باشد (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق وفیما ذکرنا اشارة الی انها تجوز فی الصغیرة [۲]).

درجایی که نماز جمعه جائز است در آنجا غیر از مسجددر دیگر جاها نیز نماز جمعه صحیح است: **سوال**: ۸۷ دریک شهر در چند مسجد نماز جمعه جائز می باشد پس اگر در کار خانه ویا منزلی عده ای جمع شده ونماز جمعه را بخوانند صحیح است یانه ویا اینکه برای نماز جمعه مسجد ضروری می باشد؟

---

(۱) مشکوٰة باب المساجد ومواضع الصلوٰة فصل اول ص ٦٨. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸. ظفیر

جواب: درشهر ها وقصبات جمعه اداء می باشد وبر اداء شدن مسجد شرط نیست بر علاوه از مسجد می توان آنرا درمنازل کار خانه ومیدان ها نیز اداء نمود طوریکه در الدر المختار آمده است: (وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیره مطلقاً علی المذهب وعلیه الفتوی [۱]).

هنگام خطبه به اواز بلند دعا ودرود خوانده نشود: سوال: ۸۸ در خطبه آیت (ان الله وملائکة یصلون علی النبی) را هنگامی که مقتدیان می شوند درود می خوانند وچون نام ابوبکر (رضی الله عنه) را می شنوند به آواز بلند یا آهسته (رضی الله عنه) می گویند بر علاوه دعا هایی چون (اللهم اید الاسلام) وغیره را شنیده بلند یا آهسته آمین می گویند این کار ها جائز است یانه؟ همچنان بگوید که دستمال سرخ را چه ابریشمی باشد یانه بر سر چون دستار بستن وبا آن نماز خواندن جائز می باشد یانه؟

جواب: فقهاء نوشته اند که هنگامی که خطیب آیت (ان الله وملائکة یصلون علی النبی) را می خواند سامعین در دل درود بگویند وبه زبان آنرا نخوانند در شامی آمده است: (وکذلک اذا ذکر النبی (صلی الله علیه وسلم) لایجوز ان یصلی علیه بالجهر بل بالقلب وعلیه الفتوی [۲]) ودر الدر المختار امده است: (والصواب انه یصلی علی النبی (صلی الله علیه وسلم) عند سماع اسمه فی نفسه [۳]) پس غیر از خواندن درود شریف به کیفیت مذکور سامعین باید هیچ چیزی نگویند و(رضی الله عنه) آمین وغیره را نه به جهر بگویند ونه به زبان واگر در دل بگویند ممانعتی نیست با دستار یا دستمال ابریشمی نماز خواندن مکروه می باشد [۴].

اختلاف درتعریف فنای شهر وقول راجح: سوال: ۸۹ مرحوم مولوی عبدالجبار در صفحه ۶۱ فتاوی خود در مورد فی القری مذهب حنفی را شرح نموده که موضعی که مسافت آن از- ۴۸-

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۵ ، ط. س. ج۲ ص۱۴۴. ظفیر

(۲) رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۹. ظفیر

(۴) لان الصلٰوة فی الحریر مکروهة للرجال (شرح الحموی علی الاشباه والنظائر ص ۱۹۷). ظفیر

میل کم باشد اگر چه آن قریه کوچک باشد در حکم مصر می رود. درمواهب الرحمن وشرح آن (برهان) نوشته شده است: (ویوجبها ابو یوسف علی من کان داخل حد الاقامة الذی فارقه یصیر مسارفاً ومن وصل الیها یصیر مقیماً وهو الاصح) ودر عمدة حاشیه شرح وقایه آمده است: (قال فی معراج الدرایة انه اصح ما قیل فیه) آیا معنی ومقصود آن نیز همان چیزی است که مولوی صاحب نگاشته یا چیز دیگری؟ لطفاً معنی ومطلب آنرا به طور واضح بنویسید.

جواب: این روایت نزد محقیقن حنفی صحیح ومختار نیست شامی گوید: (ان بعض المحقیقن اهل الترجیح اطلق الفناء عن تقدیره بمسافة وکذا محرر المذهب الامام محمد رحمه الله وبعضهم قدره بها وجملة اقوالهم فی تقدیره ثمانیة اقوال او تسعه غلوة، میل، میلان، ثلاثه، فرسخ، فرسخان، ثلاثه، سماع الصوت، سماع الاذان والتعریف احسن من التحدید [1]) از اینجا معلوم می شود که محققین مسافه را معیار قرار نداده اند وتعریف نسبت به تحدید برترمی باشد وتعریف فنای مصر آن است که برای مصالح شهر چون دفن موتی ورکض خیل وغیره به کار رود.

در صورتییکه هندوستان دار الحرب باشد نیز جمعه درآن جائز است: **سوال**: ۹۰ اگر هندوستان دار الحرب فرار د اده شود آیا جمعه درآن فرض است یانه؟ وجواب شرط وجود پادشاه مسلمان چیست؟

جواب: باز هم جمعه فرض است ووجود پادشاه مسلمان برای آن شرط نیست در شامی آمده است: (فلوالولاة کفاراً یجوز للمسلمین اقامة الجمعة ویصیرالقاضی قاضیاً بتراضی المسلمین [2]).

قلعه ای که در فنای مصر باشد نماز جمعه درآن درست است: **سوال**: ۹۱ قریه ای است که در آن ۵۰۰ نفر زنده گی می کنند دارای شفاخانه دولتی ویک دوکان بوده وهمه اشیای

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۹. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٥٤ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٤. ظفیر

ضروری درآن پیدا نمی شود این قریه از یک قصبه بزرگ یک ونیم میل فاصله دارد نظامیان اجازه ندارند که به قصبه رفته ونماز جمعه را بخوانند آیا خواندن نماز جمعه در داخل قلعه جائز است یا نه؟

جواب: قلعه مذکور درفنای آن قصبه شامل است پس نماز جمعه درآن صحیح می باشد کما فی عامة کتب الفقه من جواز الجمعة فی المصر وفناء الممبر [1]).

در شهر تعدد جمعه جائز است: سوال: ۹۲ در یک شهر درمسجد جامع یک عالم امام وحافظ قرآن موجود است زید حافظی را برای تعلیم اطفال مقرر کرده واز مسجد وقوم جدا شده ودر مسجد دیگری که یک فاحشه آباد کرده است عقب حافظ مذکور نماز جمعه وتراویح را بخواند ودرمسجد جامع آمده وبرای نماز گذاران بگوید که به آن مسجد بیائید حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: مذهب صحیح ومفتی به مذهب حنفی آن است که در یک شهر در چند محل نماز جمعه صحیح می باشد طوریکه در الدر المختار آمده است: (وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقاً علی المذهب وعلیه الفتوی [2]) واین نیز حکم شرعیت است که مسجدی که آباد ووقف گردید آباد نگهداشتن آن بر مسلمانان لازم می باشد [3]) واین مسأله نیز ثابت است که مصرف مال غیر طیب در مسجد می مکروه می باشد [4]) اما گناه آن بر کسی است که مال غیر طیب را درآن به مصرف رسانیده وملاجب از میان رفتن مقام مسجد نمی گردد پس باید از مال

---

(۱) ویشترط لصحتها الخ المصر الخ او فناءه وهو ما جوله اتصل به اولا الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۹ ، ط. س. ج۲ ج ۱۳۷ – ۱۳۸ . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۵ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٤ . ظفیر

(۳) لولم یکن لمسجد منزله مؤذن فانه یذهب الیه ویؤذن فیه ویصلی ولو کان وحده لان له حقا علیه فیؤدیه (رد المحتار ، مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص ۲۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۹). ظفیر

(٤) قال تاج الشریعة اما لو انفق فی ذلک مالا خبیثا او مالا سببه الخبیث والطیب فیکره لان الله تعالی لا یقبل الا الطیب فیکره تلویث بیته بما لایقبله (ردالمحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها، مطلب احکام المسجد ج۱ ص٦١٦). ظفیر

حلال معاوضه پولی غیر طیبی را که به مصرف وسیده به صاحب آن پرداخت تا که آن مسجد از مال غیر طیب پاک شود ومسجدی را که توسط مسلمانان اعمار گردیده نباید مسجد ضرار خواند زیرا مسجد ضرار توسط منافقین کافر ساخته شده ونیت ایشان نیز خراب بود در مورد مسلمانان باید حسن ظن داشت وبدگمانی نباید کرد خداوند متعال فرموده است: (یا ایهأ الذین أمنوا اجتنبو کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم [۱]).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان پرهیز کنید به تحقیق که بعضی از گمان ها گناه است. همچنان پیامبر (ﷺ) فرموده است: (فان الظن اکذب الحدیث [۲]).

ترجمه: به تحقیق که بد گمانی دروغ ترین سخن است. همچنان فرموده است: (انما الأعمال بالنیات ولکل امر مانوی [۳]). ترجمه: به تحقیق که مدار اعمال بر نیت بوده وبرای هر شخصی همان است که نیت کرده باشد.

پس اگر درهر دو مسجد نماز جمعه خوانده شود هر دو صحیح است بر هیچ کس نباید بدگمانی کرد ویا او را طعنه داد ومسلمانان باید به اتفاق به سر برده ودر هر دو مسجد نماز های پنجگانه را اداء نمایند زیرا هیچ مسجدی را نباید متروک نگهداشت همچنان برپایی جماعت تراویح در هردو مسجد بهتر می باشد اما اینکه به نماز گزاران مسجد دیگر گفته شود که به این مسجد بیایید که آن مسجد متروک گردد کاملاً غلط است به مسلمانان باید گفت که هر دو مسجد را آباد وپر رونق نگهدارید عده ای درآنجا نماز بخوانند وتعدادی در مسجد دیگر خلاصه آنکه اتفاق واتحاد محمود برده واختلاف وافتراق قبیح ومذموم می باشد خداوند متعال فرموده است: (وعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا [٤]).

---

(۱) سورة الحجرات
(۲) مشکوٰة شریف.
(۳) مشکوٰة قبیل کتاب الایمان. ظفیر
(٤) سورة النساء. ظفیر

درصورت اتکا به عصا خطبه مکروه نیست: سوال: ۹۳ گرفتن عصا دروقت خطبه برای خطیب مسنون است یا مکروه زیرا الدر المختار آنرا مکروه نوشته وبه اساس حدیث شریف سنت معلرم می شود چگونه می توان این دورا تطبیق نمود؟

جواب: در الدر المختار از خلاصه عبارت: (کراهة اتکا علی القدس العصا) بقل شده اما در (حلیه) به دلیل مخالفت آن باحدیث رد شده است وقهستانی از محیط نقل کرده (ان اخذ العصاسنة کا لقیام [۱]) پس از تحقیق شامی وغیره معلوم می گردد که عصا گرفتن را نباید مکروه گفت وتطبیق آن به این شکل نیز شده می تواند که در سوال از علامه مجدالدین فیروز آبادی نقل شده وآن اینکه عصا گرفتن قبل از آنکه منبر ساخته شود ثابت بوده وبعد از آن ترک شده پس بدین اساس عدٰه ای از فقها آنرا مکروه دانسته اند.

درجایی که گاو قربانی نشود نیز نماز جمعه وعیدین صحیح است: سوال: ۹٤ درکشور نیپال که قربانی گاو به حکم پادشاه آنجا ممنوع است نماز جمعه وعیدین می شود یانه؟

جواب: نماز جمعه درآنجا صحیح بوده واداء می باشد [۲].

خواندن نماز سنت هنگام خطبه درست نیست: سوال: ۹۵ شخصی هنگام خطبه نماز جمعه دو رکعت نماز سنت را می خواند وشخص دیگری او را منع می کند کسی که نماز سنت را می خواند به حدیث پیامبر (ﷺ) استناد می کند که شیخین روایت کرده اند که به شخصی که هنگام خطبه به مسجد آمد فرمود که برخیز و دو رکعت نماز بگذار.

حدیث دیگری نیز روایت گردیده که پیامبر (ﷺ) فرموده که شخصی که هنگام خطبه خواندن امام به مسجد بیاید بر او لازم است که دو رکعت نماز بگذارد درمقابل شخص منع کننده این

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۱٦۳. ظفیر

(۲) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳۸) . ظفیر

آیت قرآن مجید را می خواند: (واذا قری القران فاستمعوا له وانصتوا [۱]) ومی گوید که شنیدن خطبه فرض است پس هنگام خطبه خواندن سنت درست است یانه؟

جواب: مذهب امام ابوحنیفه آن است که شنیدن خطبه فرض می باشد وهنگام خطبه خواندن نماز نفل وغیره ممنوع است زیرا خداوند متعال فرموده است: (و اذا قری القران فاستمعوا له وانصتوا) ونزول این آیت یا در مورد نماز است یا در مورد خطبه که محققین ومفسرین هر دو قول رانقل کرده اند صاحب (جلالین) نزول این آیت را درباره خطبه می داند وصاحب (کمالین) سند آنرا به ابن عباس (رضی الله عنه) رسانیده ودر دیگر روایات آمده که این آیت در مورد (صلاة) می باشد وبهر حال خطبه نیز در آن شامل می باشد وصاحب کبیری ممنوعیت نماز هنگام خطبه وبه اساس احادیث وروایات ثابت ساخته ومی نویسد: (ولا بی حنیفة ماذکر ابن ابی شیبه فی مصنفة عن علی وابن عباس وابن عمر کانوا یکرهون الصلوة والکلاهم بعد خروج الامام (الی ان قال) اخرج الستة عن ابی هریرة قال قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اذا قلت لصاحبک انصت فقد لغوت وهذا یفید بعبارته منع امربالمعروف مع انه واجب وبدلالته ممنع الصلوة النفل والقراة والاذکار لانه اذا منع الواجب فالنفل اولی بالمنع ویرجع علی سائر الاحادیث الدالة علی جواز تحیة المسجد او اباحة الکلام لانه محرم والمحرم مرجع علی المبیح [۲]).

از این عبارت واضح گشت که حدیث منع بر حدیث جواز به این دلیل راجح می باشد که بر منع دلالت دارد وحرمت براباحت راجح می باشد همچنان علماء محقق حدیث جواز را چنین نیز جواب داده اند که از خصوصیات پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می باشد که به شخص خاصی به دلیل خاصی اجازه داده وحکم عام همان ممانعت است که از احادیث ونصوص ثابت می باشد.

خطبه به زبان عربی نزد امام ابوحنیفه: سوال: ۹۶ امام اعظم (رح) که خطبه را به زبان غیر

---

(۱) الاعراف : ۱٤. ظفیر

(۲) غنیة المستملی المعروف بالکبیری باب الجمعة البحث الثانی ص ۵۱۹ – ۵۲۰ . ظفیر

عربی بدون عذر را جائز دانسته باحدیث مخالف می باشد مطلب آن چیست؟

جواب: منظور امام صاحب جواز با کراهیت می باشد طوریکه فقها به آن تصریح کرده اند.

درجمعه اخر رمضان (الوداع والفراق) ثابت نیست: سوال: ۹۷ درخطبه جمعه اخیر رمضان المبارک کلمات حسرت آمیزی که گفته می شود از قبیل (الوداع والفراق) از حد یث ثابت می باشد یانه؟

جواب: ثابت نیست.

درقلعه ای که اجازه رفت وآمد عام نباشد نماز جمعه درست نیست: دریک قلعه اجازه رفت وآمد عام نیست بدین جهت گفته می شود که در در قلعه مذکور نماز جمعه جائز نبوده وبرون ازآن جائزمی باشد تاعامه مردم نیز توانند درآن شریک شوند این مسأله ازچه قرار است؟

جواب: بدون شک اذن عامه از جمله شرائط صحت جمعه می باشد پس چون در این قلعه علامه نماز گزاران اجازه دخول ندارند پس نماز جمعه درآنجا صحیح نیست چنانچه در (الدر المختار) شامی وغیره این مسأله آمده است [1].

برای نماز جمعه وجود چند نفر ضرور است: سوال: ۹۹ نماز جمعه دریک مسجد در تمام سال ساعت دو خوانده می شود وتعداد کثیری نماز گزاران در آن شریک می شوند اما جمعه گذشته چون وقت نماز فرار سیده تعداد نماز گزاران به شمول امام چهار نفر بود در چنین حالتی نماز خوانده ویا اینکه تعداد خاصی وجود دارد که باید درنماز جمعه شریک شوند تا نماز اداء شود یعنی درحالیکه فقط درمسجد چهار نفر حضور داشته باشند خطیب برای خطبه خواندن ایستاده شود یا اینکه برای پوره شدن هفت نفر انتظار بکشند؟

---

(۱) والسابع الاذن العام من الامام وهو یحصل بفتح ابواب ..... دین لخ فلو دخل امیر حصنا او قصره واغلق بابه وصلی باصحابه لم تنعقد ولو فتحه واذن الناس بالدخول جاز (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص۷٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۱) . ظفیر

جواب: برای جماعت جمعه وجود سه نفر مقتدی ضرور می باشد پس اگر سه نفر نماز گزار بدون امام موجود باشد امام خطبه را شروع نموده ونماز جمعه را اداء کند نماز صحیح است چنانچه درالدر المختار آمده است: (والسادس الجماعة واقلها ثلاثه رجالی ولوغیر الذین حضروا الخطبة سوی الامام [۱]) در الدر المختار وشامی نیز مسأله وجمود دارد.

درقریه کوچک وجنگل جمعه درست نیست: سوال: ۱۰۰ ده بیست نفر به جایی سفر می کنند اماسفر ایشان شرعی نیست یا اینکه ده دوازده نفر برای آوردن عروس می روند آیا در راه ایشان می توانند نماز جمعه را بخوانند ویا اینکه باید به قریه ای که نماز جمعه درآن خوانده نمی شود رفته ونماز جمعه را اداء نمایند؟

جواب: نماز جمعه در جنگل وقریه کوچک درست نیست جمعه در جایی صحیح می باشد که شرائط صحت وجود داشته باشد یعنی شهریا قصبه یا قریه کبیره باشد طوریکه در شامی آمده است: (تقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة [۲]). فقط

در جمعه باید خطبه مختصر وقرائت مسنون باشد: سوال: ۱۰۱ در روز جمعه قرائت باید طویل باشد یا خطبه؟

جواب: خطبه باید مختصر وقرائت مطابق سنت باشد مانند خواندن سوره (سبح اسم ربک الاعلی وغیره [۳]).

امام برای خواندن جمعه جای دیگری برود ویانماز ظهر را امامت کند: سوال: ۱۰۲ امام

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۱ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸. ظفیر

(۳) ویسن خطبتان خفیفتان وتکره زیادتهما علی قدر سورة من طوال المفصل (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۴۸). ظفیر

قریه کوچک روز جمعه برای خواندن نماز جمعه به شهر یا قصبه ای می رود آیا برای امام مذکور بهتر است که نماز ظهر را به جماعت در قریه خود اداء کند واینکه در جایی دیکری رفته ونماز جمعه را بخواند درکتاب های دینیات نوشته شده که کسی که سه یا چهار جمعٔه را ترک گفت مانند آن است که اسلام را ترک گفت هدف از آن چیست؟

جواب: حدیث شریفی که در آن وعید در مورد ترک جمعه آمده مطلب آن این است که در جایی فرض باشد وباز شخصی بدون عذر جمعه را ترک کند دراین وعید شامل می شود ودرقریه صغیره جایی که نماز جمعه فرض نیست انجا نماز جمعه اداء نمی شود پس در حکم این وعید شامل نمی گردد بلکه برای ایشان حکم آن است که در قریه خود نماز ظهر را به جماعت اداء کنند اما اگر کسی به شهر ویا قصبه رفته ونماز جمعه را بخواند باعث ثواب فراوان خواهد شد اما کسی به شهر وقصبه نرفته ودر قریه نماز ظهر را بخواند به اساس نخواندن نماز جمعه گنهگار نمی شود [۱].

درخطبه چه چیزها باید خوانده شود: سوال: ۱۰۳ درخطبه نماز پس از جلسه استراحت به چه اندازه خطبه باید خوانده شود ودر خطبه مذکور چه مضامینی باید داشبته باشد آیا با چند کلمه در حمد خداوند وخواندن یک آیت قرانی خطبه دوم تکمیل گردیده وترک نعت پیامبر (ﷺ) وذکر خلفای کبار واهل بیت کرام رضوان الله علیهم اجمعین ودعا مومنین موجب نقصان در آن نمی شود؟

جواب: درشامی آمده است که در خطبه اول حمد وثنا وشهادتین ودرود شریف ووعظ ونصیحت وغیره باشد سپس می نویسد که خطبه دوم نیز مانند خطبه اول است یعنی آنچه ذکر گردید در این خطبه نیز باید باشد اما اگربه جای وعظ وتذکیربرای مسلمانان دعا شود وذکرخلفای راشدین

---

(۱) ومن لاتجب علیهم المجمعة من اهل القرٰی والبوادی، لهم ان یصلوا الظهر بجماعة یوم الجمعة باذان واقامة (عالمکیری مصری الباب السادس عشر فی الجمعة ج۱ ص۱۳٦ ، ط. ماجدیه ج۲ ص۱٤٥). ظفیر

نیز مستحب می باشد.

ترک نماز جمعه گناه است: سوال: ۱۰۴ اگر شخصی کارکن پسته خانه باشد وبه علت وظیفه نتواند نماز جمعه را بخواند هر چند به مسجد نزدیک باشد آیا به دلیل ترک نماز جمعه گنهگار می شود یانه؟

جواب: در حالی که جمعه فرض باشد ترک آن گناه کبیره وبزرگ است ودر احادیث در مورد ترک جمعه وعید شدید آمده که مضمون آنها این است که کسانی که نماز جمعه را ترک می کند از ترک آن منصرف شوند واگر نه خداوند بر دل های ایشان مهر خواهد زد پس از جمله غافلین خواهند شد پس باید کمپانیکه در شهر ویا قصبه زنده گی می کنند حتی الوسع بکوشند که جمعه را ترک کنند واگر گاهی به اساس تصاوف ومجبوریت جمعه ترک شد نماز ظهر را اداء نموده واز ترک جمعه توبه نمایند [1]

اگر امام هنگام خطبه کسی را تعظیم کند واو را برفراز منبر بیارد آیا نماز شود یانه؟

سوال: ۱۰۵ اگر امام هنگام خطبه خطبه را توقف داده کسی را تعظیم نموده واو را بر بالای منبر بیارد وسپس باقی مانده خطبه را بخواند آیا نماز صحیح می شود یانه؟

جواب: نماز می شود اما درآینده نباید چنین کند [2].

نام گرفتن از پادشاه ودعا برای اوچه حکم دارد: سوال: ۱۰۶: در خطبه جمعه وعیدین نام بردن از پادشاه وبرای صلاح ترقی وپیروزی او بر دشمنان دعا کردن جائز است یانه؟

جواب: در الدرالمختار آمده است: (ویندب ذکرالخلفا الراشدین والعمین لاالدعا للسلطان وجوز

---

(۱) عن ابن عمر وأبي هريرة أنهما قالا: سمعنا رسول الله ﷺ يقول على أعواد منبره: لينتهين أقوام عن ودعهم الجمعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن من الغافلين. رواه مسلم

(۲) كفت تحميدة اوتهليلة اوتسبيحة للخطبة المفروضة مع الكراهة، وقالا لابد من ذكر طويل الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۴۸ – ۱۴۹). ظفير

القهستانی ویکره تحریماً وصفه بما لیس فیه) ودر شامی آمده است: (بل لامانع من استحبابه فیها کما یدعی لعموم المسلمین فان صلاحه صلاح العالم [۱]) از اینجا معلوم می شود که دعای مذکور جائز بلکه مستحب می باشد.

در منطقه (کالا پانی) نماز جمعه جائز است: سوال: ۱۰۷ من به اساس وظیفه رسمی در این ایام در منطقه ای هستم که در هندوستان به نام (کالا پانی) یاد می شود در اینجا تقریباً دوازده هزار زندانی ودوهزار نفر اشخاص آزاد زندگی می کنند وتعداد مسلمانان کمتر از پنجصد نفر است در اینجا بازار وجود داشته اشیای ضروری خوردنی وپوشیدنی دستیاب می باشد آیا در اینجا نماز جمعه جائز است یانه؟ باید بگویم که در بعضی از مساجد اینجا زندانی امام می باشد آیا نماز اشخاص آزاد در عقب زندانی صحیح است یانه؟

جواب: نماز جمعه در منطقه مذکور جائز بوده وباید خوانده شود [۲] وعقب امام زندانی نماز خواندن اشخاص آزاد صحیح است [۳].

هرچند مصلحتی نهفته باشد درقریه کوچک نماز جمعه صحیح نیست: سوال: ۱۰۸ در یک قریه فرقه احمدی شعبه ای از قادیانی ها بسیار نیرومند بود من درآنجا یک سال به دعوت اسلامی پرداختم در این مدت تمام مردم به راه راست آمدند به استثنای همت هشت نفر که در این راه به محکم هستند چون اکثریت مردم به راه راست آمدند مسجد به تصرف ما در آمد واکنون آنها را در مسجد جای نمی دهیم چون قریه مذکور کوچک است شرائط نماز جمعه در

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۹ ، ط. س. ج۲ ص ۱۴۸ – ۱۴۹. ظفیر

(۲) وتقع فرضا في القصبات والقرى الكبيرة التى فيها اسواق (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳۸) . ظفیر
(۳)۱۳۸) . ظفیر

(۳) وشرط لافتراضها اقامة بمصر وعدم حبس ان اختار العزيمة وصلاها وهو مكلف وقعت فرضا عن الوقت ويصلح للامامة فيها من صلح لغيرها فجازت لمسافر وعبد ومريض (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۲ و ۷۶۴ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۳ او۱۵۴) . ظفیر

آنجا وجود ندارد اگر برای دور کردن طرف مقابل برای یک مدت کوتاه نماز جمعه خوانده شود از نظر شریعت چه حکم دارد واگر شما کدام طریقه ای را تجویز فرمائید که ایشان بدانند.

جواب: در قریه کوچک به اساس مذهب امام ابو حنیفه نماز جمعه جائز نبوده واداء نمی شود بلکه مکروه می باشد [۱] پس به اساس مصلحتی فعل مکروه را اختیار کردن وجماعت فرض ظهر را ترک کردن شائسته نیست لذا مردم مذکور را به طریقه دیگری بیفهمانید وگاه گاه گردهم آیی ها تشکیل دهید یا به روز جمعه جمع گردیده ونماز ظهر را به جماعت خوانده وبه طریقه ایشان را بفهمانید ومسائل را بیان کنید.

خواندن الوداع وغیره از جمله شعارهای روافض است: **سوال**: ۱۰۹ در جمعه اخیر ماه رمضان خواندن خطبه ای که در آن الفاظ الفراق الوداع یا شهر رمضان باشد جائز است یانه؟

جواب: خواندن چنین خطبه ای جائز نیست وعلما از آن منع فرموده وآنرا از جمله شعارهای روافض دانسته اند [۲].

برای اهالی قریه ضرور نیست که به شهر رفته ونماز جمعه را اداء کنند: **سوال**: ۱۱۰ آیا در حدیث این حکم آمده است که اهالی به آنقدر فاصله دور برای ادائی نماز جمعه بروند که تا شام دوباره به خانه های خود برسند واگرنه گنهگار خواهند شد ما مردم زراعت پیشه هستیم گاهی فرصت می یابیم گاهی نه آیا ما گنهگار هستیم؟

جواب: برای مردم قریه ضرور نیست که به شهر رفته ونماز جمعه را بخوانند هر چند شهر نزدیک باشد بلی اگر کسی به آسانی می تواند به شهر برود ونماز جمعه را بخواند مستحق ثواب فراوان می گردد واگر نرود گنهگار نمی شود چنانچه در حدیث شریف آمده است که

---

(۱) صلوٰة العید فی القریٰ تکره تحریما (درمختار) ومثله الجمعة (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷). ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهورد، رواه مسلم (مشکوٰة ص ۲۷). ظفیر

مردم قریه های اطراف مدینه به صورت مداوم به مسجد نبوی غرض ادائی نماز جمعه نمی آمدند بلکه گاهی تعدادی وگاهی تعداد دیگری می آمدند یعنی هر کسی فرصت می یافت ودلش می خواست می آمد وکسی که فرصت نمی یافت نمی آمد پس اکنون نیز همین حکم است [۱].

درکار خانه نماز جمعه جائز است: سوال: ۱۱۱ من در کارخانه کمپنی موتر کار می کنم بعد از ظهر صرف یک ساعت برای طعام برای ما وقت می دهند در حالیکه مسجد جامع در فاصله دوری واقع شده طوریکه ممکن نیست در مدت یک ساعت هم طعام بخوریم وهم به مسجد جامع غرض ادائی نماز جمعه برویم پس اگر درهمین کارخانه ای که کار می کنم نماز جمعه را بخوانم جائز است یانه؟

جواب: اگر آن کارخانه موتر از جمله متعلقات شهر می باشد که مسجد جامع درآن قرار دارد یعنی در فنای شهر قرار داشته باشد طوریکه عمارات آن از جمله متعلقات شهر باشد پس چند نفر می توانند باهم یکجا گردیده او نماز جمعه را اداء کنند زیرا نماز جمعه طوریکه درشهر صحیح است در متعلقات آن نیز صحیح می باشد [۲].

آیت جمعه قطعی الدلالت است: سوال: ۱۱۲ (یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة) آیا این آیت کریمه مطلق است یا مقید قطعی است یا ظنی؟

جواب: این آیت در مورد فرضیت جمعه قطعی الدلالت است [۳] اما به اتفاق ائمه مجتهدین عام ومطلق نمی باشد بلکه مخصوص ومقید بوده ومشروط به هفت شرط می باشد که تفصیل آن در

---

(۱) ومن لا تجب علیهم الجمعة من اهل القری والبوادی لهم ان یصلوا الظهر بجماعة یوم الجمعة باذان واقامة (عالمکیری مصری الباب السادس عشر فی الجمعة ج۱ ص۱۳۶ ، ط. س. ج۲ ص ۱٤٥). ظفیر

(۲) وکما یجوز اداء الجمعة فی المصر یجوز اداءها فی فناء المصر وهو الموضع المعد لمصالح المصر متصلا بالمصر (عالمکیری مصری باب الجمعة ج۱ ص ۱۳٥ ، ط. س. ج۲ ص ۱٤٥). ظفیر

(۳) (ای الجمعة) فرض عین یکفر جاحده لثبوتها بالدلیل القطعی (درمختار) وهو قوله تعالٰی یا ایها الذین اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۷ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳٦). ظفیر

کتب فقه چون هدایه الدر المختار وغیره درج است [۱].

نیت جمعه: سوال: ۱۱۳ نیت نماز جمعه این طور درست است یانه (نویت ان اصلی لله تعالی رکعتی الجمعة فرض الله تعالی متوجهاً الی جهة الکعبه الشریفه الله اکبر.

جواب: نیت نماز جمعه به کیفیت مذکور صحیح است.

نماز جمعه درحویلی منزل: سوال: ۱۱٤ درمنطقه ما اکثر مردم در حویلی منزل خویش سه چهار متر ساحه را بدون دیوار به نام خانه خدا یا مسجد مسمی نموده ودر آن به صورت پابند نماز نیز نمی خوانند وگاهی عند الضرورت جای آنرا تغیر نیز می دهند سوال آن است که در چنین مساجد عرفی که مردم جمع می شوند وواعظ نیز می آید ونماز جمعه را اداء می کنند آیا نزد احناف کسانی که چنین می کنند مصیب اند یا مخطی؟

جواب: اگر قریه ای که منزل احاطه ومسجد مذکور در آن واقع شده شهر یا قصبه یا قریه کبیره باشد نماز جمعه نزد احناف درآن واجب واداء می باشد مشروط به آنکه در وقت نماز جمعه دروازه احاطه را باز بگذارند واذن عام باشد که هر کس بخواهد درآن داخل شده بتواند [۲].

وعظ قبل ازخطبه درست است: سوال: ۱۱۵ درمسجد جامع قریه وعظ قبل از خطبه مکروه است یانه؟ ومنظور از (ان لایتحلق الناس یوم الجمعة قبل الصلوة فی المسجد) چیست؟

جواب: اگر وقت گنجایش داشته وضرورتی باشد قبل از نماز جمعه مکروه نیست ومنظور از این حدیث شریف آن است که مردم قبل ازنماز جمعه درمسجد حلقه نزده وبنشینند ووقتی که خطبه آغاز گردید آنرا بشنوند. فقط

---

(۱) ویشترط بصحتها سبعة اشیاء المصر الخ (ایضا ج۱ ص ۷٤۷ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۷). ظفیر

(۲) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (ردالمحتار باب الجمة ج۱ ص ۷٤۸) والسابع الاذن العام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

درجای که نماز جمعه نزد شوافع جائز است آیا حنفی می تواند به مذهب امام شافعی عمل کند: سوال: ۱۱۶ در قریه ای که نزد امام ابوحنیفه نماز جمعه جائز نیست نزد امام شافعی نماز جمعه جائز است پس در قریه ای که چهل نماز گزار وجود داشته باشد آیا احناف می توانند به مذهب امام شافعی عمل کند؟

جواب: در این مسأله برای احناف عمل به مذهب امام شافعی جائز نست زیرا احناف تصریح نموده اند که در قریه کوچک نماز جمعه وعیدین جائز نمی باشد حتی در الدر المختار وشامی از (قنیه) نقل کرده اندکه درقریه کوچک خواندن نمازجمعه وعیدین مکروه تحریمی می باشد [۱].

هنگام خطبه در دروازه ایستادن خلاف سنت است: سوال: ۱۱۷ اگر خطیب در دروازه مسجد ایستاده شده خطبه دهد طوریکه مقتدیان وشنوندگان پشت سر او باشند جائز است یانه؟

جواب: اینکار خلاف سنت است زیرا حکم چنان است که مقتدیان هنگام خطبه روبه روی خطیب باشند [۲]. فقط

کار در اطراف شهر عذری برای ترک جمعه نیست: سوال: ۱۱۸ اگر دهقانان وکارکنان به اندازه یک ونیم میل برای قلبه وآبیاری از آبادی دور بروند وبدین جهت در نماز جمعه شریک نشوند که آمدن از این فاصله موجب بندش کار ایشان خواهد شد آیا این عذر معتبر است یانه؟

جواب: برای دهقانان وکار گرانی که در شهر زندگی می کنند در اراضی به کار زراعت مشغول بودن عذری برای ترک جمعه نیست [۳].

---

(۱) صلاة العید فی القری تکره تحریماً (درمختار) ومثله الجمعة (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۶۷). ظفیر

(۲) عن ابن عمر قال: کان النبي ﷺ یخطب خطبتین کان یجلس إذا صعد المنبر وعن عبد الله بن مسعود قا ل کان النبی ﷺ اذا استوٰی علی المنبر استقبلناه بوجوهنا رواه الترمذی (مشکوٰة باب الخطبة ص ۱۲٤). ظفیر

(۳) بان وجوبها مختص باهل المصر والخارج عن هذا الحد لیس اهله، قلت: وهو ظاهر المتون وفی المعراج انه اصح ماقیل (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۲ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۲). ظفیر، والاصح وجوبها علی مکاتب ومبعض واجیر ویسقط من الاجر بحسابه لو بعیداً والا لا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۲). ظفیر

اگر درمسجد جامع گنجایش نباشد آیا میتوان درعیدگاه نماز جمعه را اداء نمود:

سوال: ۱۱۹ چون تعداد نماز گزاران زیاد است مسجد جامع گنجایش تمام نماز گزاران را ندارد پس اگر در عیدگاه نماز جمعه خوانده شود جائز است یانه؟

جواب: دراین صورت نماز جمعه در عیدگاه صحیح است واین مسأله را نیز باید تذکر داد که در یک شهر در چند مسجد خواندن نماز جمعه صحیح می باشد [۱].

خواندن نماز جمعه به یک وقت درچند مسجد صحیح است: سوال: ۱۲۰ هنگامی که در مسجد جامع شهر نماز جمعه خوانده می شود در عین همان وقت نمازجمعه در دیگر مساجد جائز است یانه؟

جواب: در مذهب فتوی بدان است که در عین وقت در سائر مساجد نماز جمعه صحیح می باشد. فقط

منبر را درمیان صفوف گذاشتن درست است یانه: سوال: ۱۲۱ در مسجدی که ما نماز می خوانیم به دلیل آنکه تعداد نماز گزاران زیاد بوده ومسجد تنگ می باشد وهم غرض آنکه آواز به همگان برسد منبر را از کنار دیواری که بطرف قبله است برداشته ودر وسط مسجد می گذارند بدین ترتیب تعدادی از صفوف پشت سر خطیب قرار می گیرد چنین صورتی جائز است یا نه؟

جواب: سنت آن است که در روز جمعه منبر نزدیک محراب باشد وخطیب بر آن ایستاده شده وخطبه دهد ومقتدیان رو به روی او باشند طوریکه در کتاب (بدائع) آمده است: [۲] (من السنة

---

(۱) وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقا علی المذهب وعلیه الفتوٰی (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٤). ظفیر

(۲) بدائع الصنائع فصل فی الجمعة ج۱ ص ۲٦۳، اذاجلس علی المنبر (درمختار) ومن السنة ان یخطب علیه اقتداء به ﷺ بحر، وان یکون علی یساره المحراب قهستانی (باب الجمعة ج۱ ص ۷۷۰). ظفیر

آن یستقبل الناس بوجهه ویستدبر القبلة) پس به دلیل شنوانیدن خطبه به مردم نباید این سنت را ترک کرد باید دانست که شنواندن به همان ضرور نیست واصولا در صورت کثرت نماز گزاران شنواندن همه دشوار می باشد.

اختلاف در تعریف مصر: سوال: ۱۲۲ مولوی صاحب عبد الشکور در رساله خود (علم فقه) نوشته است که مقامات معروفه ذیل مصر می باشند:

۱. منطقه ای که از یک مصر آنقدر فاصله داشته باشد که شخصی که از آنجا برای ادائی نماز جمعه به مصر برود در جریان روز وقبل از انکه شب شود دوباره به منزل خود برسد پس منطقه مذکور نیز مصر است (از شرح سفر السعادة).

۲- آن منطقه مصر است که تعداد مردان مکلف در آن به اندازه ای باشد که در بزرگترین مسجد آنجا نگنجند این تعریف صحیح است یانه؟

جواب: این قول مذهب مفتی به احناف نیست گویا مولف بعضی اقوال را نقل کرده است بدانجهت که چنین قولی نیز موجود می باشد وشاید نزد مولیف (سفر السعادة) همین قول راجح باشد اما معتمد به احناف نیست طوریکه ازکتب فقه آشکار می باشد.

این تعریف مصر منقوض می باشد طوریکه در شرح منیه [1] بدان تصریح شده است در اینجا نیز مولف صاحب مذهب راجح را گذاشته وبعضی روایات را اختیار کرده است.

---

(۱) والفصل فی ذلک ان مکة والمدینة مصران تقام بهما الجمعة من زمنه ﷺ الی الیوم فکل موضع کان مثل احدهما فهو مصر (غنیة المستملی ص ۵۱۱) بعد از آن به رد قول کسانی می پردازد که مصر را باعدم گنجایش مسجد بزرگ تعریف می نمایند ومی گوید: (فکل تفسیر لایصدق علی احدهما فهوغیرمعتبر حتی التعریف الذی اختاره جماعة من المتاخرین کصاحب المختار والوقایة وغیرهما وهو ما لو اجتمع اهله فی اکبر مساجده لا یسعهم فانه منقوض بهما اذ کل مسجد منهما یسع اهله وزیادة (ایضا) پس به تائید تعریفی که مولف هدایة نموده پرداخته ومی گوید: والحد الصحیح ما اختار صاحب الهدایة انه الذی له امیر وقاض ینفذ الاحکام ویقیم الحدود الخ (ایضا) کتاب تحفه الفقها تعریف امام صاحب را نقل می کند: عن ابی حنیفة رحمه الله انه بلدة کبیرة فیها سکک واسواق ولها رساتیق وفیها وال یقدر علی انصاف المظلوم من الظالم بحشمته وعلمه اوعلم غیره یرجع الناس الیه فیما یقع من الحوادث هذا هو الاصح (ایضاً). ظفیر

هنگام خطبه جمعه پکه کردن وسر برهنه نشستن چه حکم دارد؟ سوال: ۱۲۳ هنگام خطبه جمعه پکه کردن وسر برهنه نشستن درست است یانه؟

جواب: چنین کارهایی خوب نیست [۱].

نماز جمعه در قریه که در فنای مصر باشد: سوال: ۱۴۲ قریه ای به فاصله نیم میل از شهر واقع شده ومیان شهر وقریه باغ نهر وطویله اسپ ها واقع شده است آیا در این قریه کوچک نماز جمعه جائز است وتعریف صحیح مصر وفنای مصر چگونه می باشد؟

جواب: در تعریف مصر اختلاف است اما در ظاهر مدار آن بر عرف می باشد جایی که عرفاً شهر وقصبه بوده نفوس زیاد داشته ودارای بازار ها وکوچه ها بوده واشیای مورد ضرورت در آن دستیاب باشد مصر گفته می شود [۲]. فنای مصر جایی است که به شهر متصل بوده وبرای ضروریات شهر ازقبیل رکض خیل وغیره به کار رود [۳]. درقریه کوچکی که درسوال ذکر گردیده نزد احناف جمعه صحیح نیست وآن طویله اسپها اگر مربوط به شهر باشد فنای مصر است ودر گرد ونواح آن که خانه کار گران طویله مذکور باشد در آنها نماز جمعه صحیح است.

در خطبه گرفتن نام پادشاه بزرگ درست است: سوال: ۱۲۵ یک امام مسجد در خطبه دوم جمعه نام خلیفه را نگرفته وناحق با ما مشاجره می کند ومی گوید که دراین وقت خلیفه وجود ندارد ما را در این مورد از حکم شرعیت مطلع فرمایید.

---

(۱) وکل ما حرم فی الصلاة حرم فیها ای فی الخطبة (خلاصه) وغیرها فیحرم اکل وشرب وکلام ولو تسبیحاً او رد سلام او امراً بمعروف بل یجب علیه ان یستمع علیه ویسکت بلا فرق بین قریب وبعید (در مختار) ظاهره انه یکره الاشتغال بما یفوت السماع وان لم یکن کلاما (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۸ ، ط.س. ج۲ ص۱۵۹). ظفیر

(۲) فی التحفة عن ابی حنیفة رحمه الله ان انه بلدة کبیرة فیها سکک واسواق ولها رساتیق وفیها وال یقدر علی انصاف المظلوم من الظالم بحشمته وعلمه اوعلم غیره یرجع الناس الیه فیما یقع من الحوادث وهذا هو الاصح (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۷). ظفیر

(۳) اوفناءه وهو ماحوله اتصل به اولا، لاجل مصالحه کدفن الموتی ورکض الخیل (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۹ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

جواب: باید در خطبه نام خلیفه المسلمین یعنی پادشاه معظم گرفته شده وبرای او دعای نصرت وکامیابی صورت گیرد چنین کاری بدون شک خدمت اسلامی است همچنان باید برای نصرت وکامیابی تمام عساکر اسلام دعا شود وبر مسلمانان لازم است که سلطان معظم را خلیفه خود بدانند [۱] واین سخن که اکنون خلیفه ای وجود ندارد غلط می باشد گفتن سخنانی از این قبیل وانجام کارهای خلاف اسلام وبا کفار ونصاری اختلاط وموالات حرام می باشد وترک موالات با ایشان ضروری لازمی وفریضه دینی است [۲].

اهمیت خطبه در نماز جمعه: **سوال**: ۱۲۶ در نماز جمعه خطبه فرض است یا واجب یاسنت؟

جواب: خطبه در روز جمعه فرض است.

با غلط شد خطبه درنماز نقصی رونما نمی گردد: **سوال**: ۱۲۷ با غلط شدن خطبه چه نقصی در نماز به میان می آید؟

جواب: در صورت غلط شدن خطبه هیچ خللی درنماز روی نمی دهد [۳].

منکر فرضیت نماز جمعه کافر است: **سوال**: ۱۲۸ زید گوید که آیت جمعه ظنی بوده بدین جهت نماز جمعه فرض نمی باشد منکر فرضیت چه حکمی دارد؟

جواب: منکر فرضیت نمازجمعه کافراست آیت جمعه قطعی بوده وشروط ظنی بودن درآن وجود ندارد. فقط

---

(۱) اما ما اعتید فی زماننا من الدعاء للسلاطین العثمانیة ایدهم الله تعالی کسلطان البرین والبحرین وخادم الحرمین الشریفین فلا مانع منه (رد المحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷٦۰ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۵۰). ظفیر

(۲) این قول مربوط به سال ۱۳٤۰ هجری می باشد درآن وقت خلیفة المسلمین در ترکیه بود اکنون خلیفه المسلمین وجود ندارد زیرا پس سلطان عبد الحمید هیچ کسی به حیث خلیفة المسلمین جانشین او نگردید لذا اکنون به نام گرفتن ضرورت نیست البته اگر وقتی خلیفة المسلمین انتخاب گردد باید در خطبه نام او گرفته شود.

(۳) ویشترط لصحتها سبعة اشیاء الاول المصر الخ والرابع الخطبة فیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۷). ظفیر

تاویل در فرضیت جمعه غلط است: سوال: ۱۲۹ زید می گوید که در قرآن ظن باقی می باشد ومنظور از نماز جمعه در قرآن اولیه صرف جمع کردن مردم برای جهاد بود پس این نماز فرض نیست.

جواب: قول زید غلط است وقبلاً نوشتیم که منکر جمعه کافر می باشد البته نماز جمعه در شهر ها قصبات وقریه های کبیره فرض بوده ودر قریه ها کوچک به فرض بوده ونه اداء می باشد چنانکه این موضوع در کتب فقه آمده است [1].

درقلعه ای که اجازه دخول نیست نماز جمعه جائزباشد یانه؟ سوال: ۱۳۰ در قلعه میگزین نماز جمعه جائز است یانه اگر جائز است به چه دلیل زیرا هیچ کسی در این قلعه بدون اجازه داخل شده نمی تواند مرا از حکمی که دراین مورد نزد امام ابوحنیفه (رح) است مطلع فرمایید.

جواب: با طلب توفیق از خداوند به جواب می پردازم روایت متعلق به این مسأله در الدر المختار ورد المحتار آمده است: (والسابع الاذن العام من الامام ويحصل بفتح ابواب الجامع للواردين كافي ولايضر غلق باب القلعة لعدد او بعادة قديمه لان الاذن العام مقرر لاهله وغلقه لمنع العدو لا المصلى نعم لو لم يغلق لكان احسن كمافى جمع الانهار معز يالشرح عيون المذاهب قال وهذا اولى فمافى البحر والمنع فليحفظ فلودخل امير حصناً اوقصره واغلق بابه وصلى باصحابه لم تنعقد ولو فتحه واذن الناس بالدخول جاز وكره (الدر المختار) قوله الاذن العام اى ان ياذن الناس اذنا عاماً بان لا يمنع احداً ممن تصح منه الجمعة عن الدخول الموضع الذى تصلى فيه وهذا مراد فن فسر الاذن العالم لاشتهار (الى ان قال) واعلم ان هذا الشرط يذكر فى الظاهر الرواية ولذا لم يذكره فى الهدايه بل هو مذكور فى النوادر ومشى عليه فهى الكنز والوقاية والنقاية والملتقى وكثير من المعتبرات قوله اولى مما فى البحر والمنع وهو ما فرعه فى المتن بقوله رفلو دخل امير

(۱) وتقع فرضاً فى القصبات والقرى الكبيرة التى فيها اسواق الخ تجوز فى الصغيرة التى ليس فيها قاض ومنبر الخ ولو صلوا فى القرى لزمهم اداء الظهر (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳۸). ظفير

حصناً ای انه اولی من الجزم بعدم الانعقاد قوله او قصره قلت وینبغی ان یکون محل النزاع ما اذا کانت لاتقام الا فی محل واحد اما لو تعددت فلا لانه لا یتححقق التفویت کما افادة التعلیل تامل وقال قبیله وفی الکافی التعبیر بالدار حیث قال ولاذن العام وهو ان تفتح ابواب الجامع ویوذن للناس حتی لو اجتمعت جماعة فی الجامع واغلقو الابواب وجمعوا لم یجز وکذا السلطان اذا اراد ان یصلی بحشمه فی داره فان فتح بابها واذن للناس اذنا عاماً جازت صلوته شهدتها العامة اولا وان لم یفتح ابوابَ الدار واغلق الابواب واجلس البوابین لیمنعوا عن الدخول لم تجز لان اشتراط السلطان للتحرز عن تفویتها علی الناس ولذا لایحصل الاباذن العالم قلت وینبغی ان یکون محل النزاع ما اذا کانت لاتقام الا فی محل واحد شامی [1]. به اساس روایت مذکور برای شخص صاحب بصیرت معلوم می گردد که اگر دروازه قلعه به سبب عادت قدیمی بند نگهداشته شود وکسانی که در داخل قلعه هستند في صورت عام اجازه شرکت در نماز جمعه را داشته باشند نماز جمعه در داخل قلعه صحیح است خصوصاً که علت عدم جواز نماز جمعه در قلعه که عبارت فوت جمعه از مردم بیرون قلعه است وجود نداشته باشد زیرا بیرون از قلعه در چندین محل شهر نماز جمعه بولا می شود طوریکه در سوال سابق تصریح شده است وبه اساس روایت مفتی بها در یک شهر در چند محل نماز جمعه درست است طوریکه در الدر المختار ودیگر کتب آمده است: وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقاً علی المذهب وعلیه الفتوی [2]) پس چون در صورت مذکوره علت عدم جواز موجود نیست وبه اساس حکم جواز مردم داخل قلعه نیز می توانند فضلت نماز جمعه را حاصل نمایند ودر آن سهوات وجود داشته ومطلوب دین می باشد طوریکه خداوند متعال فرموده است: (یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر [3]) ودر حدیث آمده است (الدین یسر) پس اگرحسب تصریح الدرالمختار وشامی در قلعه مذکور به جواز جمعه

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص ۷۶۱ – ۷۶۲ ، باب الجمعة، ط. س. ج۲ ص ۱۵۲. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۵ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٤. ظفیر

(۳) سورة البقرة رکوع ۲۳. ظفیر

[1] فتوی داده شود درآن حرجی نبوده وروایات شرط بودن اذن عام با آن منافی نخواهد بود زیرا دلیل شرط مذکور این است که مردم از نماز باز داشته نشوند تا نماز جمعه از ایشان فوت نگردد پس در صورتی که این وجه موجود نباشد ترددی در مورد صحت جمعه وجود نخواهد داشت واز این جمله که گفته است: (ولو دخل امیر حصناً او قصره) نیز کاملاً آشکار می گردد که دلیل آن فوت نماز جمعه از مردم می باشد زیرا معلوم است که در صورتی که امیر در آنجا موجود باشد ومردمانی را که از بیرون می آیند اجازه دخول ندهند جمعه از ایشان فوت می گردد پس علت مانع از جواز همین است لذا در صورتیکه این خوف باقی نماند ودرصورت اقامهِ نماز جمعه در قلعه فوت آن از دیگر مردم متصور نباشد پس مطابق تصریح شامی در مورد جواز نماز جمعه در قلعه مذکور هیچگونه ترددی باقی نمی ماند: (قلت وینبغی ان یکون محل النزاع ما اذا کانت لاتقامُ الا في محل واحد امالو تعددت فلا لانه یتحقق التفویت -کما افاده التعلیل تامل [2]) قوله لم تنعقد یحمل علی ما اذا منع الناس فلا یضر اغلاقه لمنع عدو أو لعاده کمامر قلت ویویده قول الکافی واجلس البوابین الخ فتأمل [3]) چون در این مسأله ضرورت غور وتفکر وجود داشت لذا به تعمق امر کرده است وفقها حنفی نیز تصریح نموده اند که قوت دلیل مرجح بیشتر است با این همه مسدود نکردن دروازه بهتر واحوط می باشد طوریکه در الدر المختار آمده است: (نعم لولم یغلق لکان احسن الخ لکونه ابعد عن الخلاف) اما تردیدی در مورد جواز جمعه وجود ندارد زیرا روایات تعلیلی که گفتیم ثابت می باشد [4].

---

(۱) بخاری. باب الدین یسر ج۱ ص ...... ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۲ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۲. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۲ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۲. ظفیر

(٤) سه سال گذشت واز کلکته فقط یک سوال به این محتوی رسید که درآن پرسیده شده بود که آیا درداخل کارخانه ها که اذن عام نیست جمعه جائز می باشد یانه؟ بعضی علما ناجائز می گویند در حالیکه ما از مدت طولانی چنین می کنیم وما به اساس مجبوریت این کار را انجام می دهیم زیرا به غیر از آن چاره نیست من به جواز فتوی دادم اما دراینجا در دار الافتا عده ای دچار تذبذب بودند زیرا ایشان ناجائز بودن را ترجیح می دادند مگر من ابه اساس چنین دلایلی جواز آنرا ثابت کردم والحمد لله که بعد از بحث زیاد حضرت مفتی العلام نیز آنرا تائید نمودند. ظفیر

این ادعا غلط است که صحابه مردم را از نماز باز داشته اند: سوال: ۱۳۱ چند نفر به اساس جهالت خویش می گویند که نماز جمعه فقط در عصر پیامبر (ﷺ) خوانده شده وصحابه آنرا نخوانده وحتی عده ای از صحابه مردم را از آن باز داشته اند در مورد کسانی که چنین می گویند شرعاً چه حکمی وجود دارد؟

جواب: این قول آن اشخاص غلط است نماز جمعه را پیامبر (ﷺ) نیز اداء نموده وصحابه نیز اداء کرده اند وفرضیت نماز جمعه نزد مسلمانان به نص قطعی ثابت می باشد وشروط فرضیت نماز جمعه درکتب فقه بیان شده است.

نماز جمعه در زندان جهت اعلای کلمة الله: سوال: ۱۳۲ آیا کسانی که جهت اعلای کلمة الله خالص لله تلاش می کنند واسیر می شوند در جهاد شامل می باشند یانه؟ آیا نماز جمعه در داخل زندان فرض است؟ واگر فرض نباشد آیا با خواندان ظهر ساقط می شود یانه؟

جواب: تلاش جهت اعلای کلمة الله واسیر شدن در راه آن موجب ثواب است وکوشش غرض اقامه خلافت اسلامی نوعی جهاد می باشد. نماز جمعه بر زندانی اسیر فرض نیست اما اگر موقع بیاید ودر نماز جمعه شرکت ورزد نماز ظهر از ذمه او ساقط می شود برای فرضیت نماز جمعه شروطی از قبیل عقل بلوغ، صحت، آزادی، بینا بودن، زندانی نبودن وغیره وجود دارد، پس اگر شخصی اسیر بوده واز جمعه باز داشته شود جمعه بر او فرض نیست [۱].

دعا بعد از نماز جمعه طویل باشد یا مختصر: سوال: ۱۳۳ امام بعد از نماز جمعه باید مختصر دعا کند یا طویل؟

جواب: نباید دعا را زیاده طولانی سازد [۲].

---

(۱) وشرط لافتراضها تسعة تختص بها اقامة بمصر الخ وصحة الخ وحرية الخ وذكورة الخ ووجود بصر الخ وعدم حبس الخ ان اختار العزيمة وصلاها وهو مكلف بالغ عاقل وقعت فرضا عن الوقت (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۲ – ۷٦۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۳). ظفير

امامت نابینا در نماز جمعه: سوال: ۱۳٤ عقب نابینا نماز جمعه صحیح است یانه؟ زیرا نماز جمعه بر او فرض نمی باشد.

جواب: نماز جمعه عقب نابینا صحیح می باشد در هدایه آمده است: (لاتجب الجمعة على المسافر ولا اعمى فان حضروا فصلوا مع الناس اجزاهم عن فرض الوقت ويجوز للمسافر ان يوم في الجمعة [۱]). فقط

درمنطقه پرنفوس اگر تعداد مسلمانان کم هم باشد جمعه فرض است: سوال: ۱۳۵ جایي که ما زندگی می کنیم بسو تولیند نام دارد ومردم آن عیسوی می باشند در جنگل مسجدی وجود دارد که جمعه وعیدین درآن اداء می شود آیا نماز جمعه وعیدین در اینجا صحیح است در نماز جمعه فقط ده دوازده نفر حاضر می باشند.

جواب: جایی که شما زندگی می کنید اگر پر نفوس بوده وبه منزله شهر وقصبه باشد اگر چه تعداد مسلمانان در آن بسیار کم باشد در آنجا نماز جمعه وعیدین صحیح است واداء می شود اگر چه در جماعت فقط ده، دوازده نفر حاضر باشند نزد امام ابو حنیفه (رح) اگر در نماز جمعه بدون امام سه نفر دیگر حضور داشته باشند جمعه جائز می باشد البته این نکته ضرور است که جایی که نماز جمعه خوانده می شود مربوط قصبه ویا قریه کبیره باشد زیرا در جنگل شهر قصبه وقریه کبیره نیز جمعه وعیدین صحیح می باشد [۲].

در خطبه جمعه دعا برای والی ولایتی درست نیست: سوال: ۱۳٦ والی ولایتی که پابند نماز وروزه نیست اگر بخواهد در خطبه نماز جمعه به جای نام خليفة المسلين نام خود را بخواند آیا اینکار جائز است یانه؟

---

(۲) ویکره تاخیر السنة الا بقدر اللهم انت السلام الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة ج۱ ص٤٩٤ ، ط. س. ج۲ ص۵۳۰). ظفیر

(۱) هدایه باب الجمعة ج۱ ص۱۵۲. ظفیر

(۲) وتقع فرضا فى القصبات والقرى الكبيرة التى فيها اسواق الخ (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸). ظفیر

جواب: فقها نوشته اند که برای سلطان اسلام وخلیفة المسلمین دعا شود اما آنچه در این سوال نگاشته شده که برای والی ولایتی دعا شود جائز نمی باشد اما اگر کسی چنین کند باز هم خطبه ونماز اداء می شود.[۱]

در داخل کار خانه نماز جمعه جائز است: سوال: ۱۳۷ یک کارخانه ریل از (هوره) دو میل فاصله داشته ودرآن حدود هشتاد الی نود هزار نفر کار می کنند در آنجا هیچ مسجدی وجود ندارد اما اگر کسی بخواهد در هر منطقه آن می تواند نماز های پنجگانه را اداء کند اما نماز جمعه را تعداد کثیری دریک میدان اداء می کنند آمرین کار خانه از اینکار منع نمی نمایند زیرا درخواست داده شده واین اجازه از ایشان گرفته شده است آیا در چنین محلی نماز جمعه جائز می باشد یانه؟ زید می گوید که جائز نیست زیرا در آنجا اذن عام نمی باشد آمرین کارخانه اجازه خواندن نماز ظهر را داده اند دراین صورت نماز ظهر درآنجا اداء می باشد یانه ونماز جمعه چه حکم دارد؟

جواب: نماز جمعه در آنجا صحیح بوده واذن آمرین کارخانه کافی می باشد وکارکنان می توانند درآنجا نماز جمعه را اداء کنند. برای نماز های پنجگانه اجازه کسی ضرور نمی باشد لذا نماز ظهر هر شخصی اداء می شود.

نماز جمعه عقب امام فاسد: سوال: ۱۳۸ یک امام فاسد مسجد مطلقه ثلاثه را بدون حلاله نکاح کرد وگفت که طلاق مذکور نزد من طلاق واحده رجعیه است برای فهمانیدن او شرح وقایه را برایش نشان دادیم اما آنرا روی مسجد افگند بر علاوه در خطبه نیز نوشته های اخباری رامی خواند در این صورت در مسجد دیگری خواندن نماز جمعه به طور جداگانه جائز است یانه؟ عده ای از مردم می خواهند کما فی السابق دنبال او نماز بخوانند.

---

(۱) ویندب ذکر الخلفاء الراشدین والعمین لا الدعاء لالسلطان وجوزه القهستانی ویکره تحریماً وصفه بمالیس فیه (درمختار) قوله وجوزه القهستانی الخ وعبارته ثم یدعو لسلطان الزمان بالعدل والاحسان الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۵۹، ط. س. ج۲ ص۱۴۹). ظفیر

جواب: خواندن نماز جمعه به صورت جدّاگانه نیز جائز است واگر در همان مسجد وعقب همان امام نماز خوانده شود نیز درست است، مختصر آنکه اگر این امام شخص فاسد باشد وجدا شدن از او موجب فتنه گردد پس عقب او نماز خوانده شود نماز درست است واگر در جدا شدن از امام اول فتنه نباشد واو آشکار توبه ننماید پس باید بر کنار گردیده وشخص دیگری به جایش تعیین گردد (۱).

امیر اگر جایی را مصر بسازد جمعه در آنجا درست است: **سوال**: ۱۳۹ آیا (ربذة) قریه بود یا چیز دیگری نماز جمعه خواندن حضرت ابوذر غفاری (رضی) درآنجا وعدم انکار خلیفه ثالث ودیگر صحابه بر او ثابت است یا نه؟

جواب: در مورد (ربذة) در شرح منیه آمده است: (وعن محمد ان کل موضع مصره الامام فهو مصر حتی لو انه بعث الی قریة نائباً لاقامة الحدود والقصاص تصیر مصراً فاداء عزله تلخق بالقری ووجه ذلک ماصح انه کان لعثمان عبداً اسود امیر علی ربذه یصلی خلفه ابو ذر وعشرة من الصحابة الجمعة وغیرها ذکره ابن حزم فی المحلی (۲)).

روز جمعه نیز هنگام زوال نماز درست نیست: **سوال**: ۱٤۰ عده ای از مردم روز جمعه عین وقت زوال دو رکعت نماز تحیة الوضو می خوانند که روز جمعه هنگام زوال این دو رکعت مکروه نمی باشد آیا این قول صحیح است یانه؟

جواب: قول صحیح آن است که هنگام زوال هیچ نمازی درست نیست چه فرض باشد چه واجب وچه سنت وچه نفل در این وقت مکروه تحریمی می باشد. البته از امام ابویوسف مانند امام شافعی جواز روایت شده است اما آشکار می باشد در چنین اموری حرمت راجع است لان

---

(۱) قال اصحابنا لا ینبغی ان یقتدی بالفاسق الا فی الجمعة لانه فی غیرها یجد اما ما غیره اهـ قال فی الفتح وعلیه فیکره فی الجمعة اذا تعددت اقامتها فی المصر علی قول محمد المفتی به لانه بسبیل الی التحول (رد المحتار باب الامامة ج۱ ص۵۲۳ ، ط. س. ج ۲ ص۵۶۰). ظفیر
(۲) غنیة المستملی بحث شروط جمعه ص ۵۱۲. ظفیر

المحرم مقدم علی المبیح [۱].

درآغاز خطبه وعیدین (بسم الله) به جهر خوانده شود: **سوال:** ۱٤۱ در آغاز خطبه جمعه وعیدین به آواز بلند گفتن (بسم الله) چه حکم دارد؟

جواب: قبل از هیچ خطبه ای (بسم الله) به آواز بلند خوانده نشود نزد احناف آهسته خواندن آن سنت بوده وجهر نمودن خلاف سنت است [۲].

در خطبه جمعه وعیدین دعا برای مصطفی کمال وامیر امان الله درست است یانه:

سوال: ۱٤۲ در خطبه جمعه وعیدین نام بردن از پادشاه افغانستان مصطفی کمال وغیره ودعا کردن درحق ایشان چه حکم دارد؟

جواب: در خطبه نام بردن از سلطان معظم مصطفی کمال وامیر امان الله صاحب ودعا در حق ایشان درست ومستحب می باشد [۳].

نماز جمعه خارج از فنای مصر صحیح نیست: **سوال:** ۱٤۳ یک قریه از قصبه (سیوهاره) یک صد وبیست وپنج قدم فاصله دارد وعیدگاه این قصبه به فاصله دو چند از آنچه گفتیم از این قریه پیشتر است وچوکیدار هر یک علیحده می باشد آیا در این قریه نماز جمعه جائز است یانه؟

جواب: چونکه آن محل قریه علیحده حساب می شود نام آن نیز جدا بوده وچوکیدار آن نیز

---

(۱) وکره تحریماً الخ صلاة مطلقا ولو قضاء او واجبة او نفلا الخ مع شروق الخ واستواء الا یوم الجمعة علی قول الثانی المصحح المعتمد کذا فی الاشباه ونقل الحلبی عن الحاوی انه علیه الفتوٰی (درمختار) لکن لم یعول علیه فی شرح المنیة والامداد علی ان هذا لیس من المواضع التی حمل فیها المطلق علی المقید کما یعلم من کتب الاصول وایضاً فان حدیث النهی صحیح رواه مسلم وغیره فیقدم بصحة واتفاق الائمة علی العمل به وکونه حاظرا ولذا منع علماءنا عن سنة الوضوء وتحیة المسجد ورکعتی الطواف ونحو ذلک فان الحاظر مقدم علی المبیح (ردالمحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳٤۳ – ۳٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۰). ظفیر

(۲) فیبدأ بالتعوذ سرا (درمختار) ای قبل الخطبة الاولی بالتعوذ سرائم بحمدالله تعالٰی (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۵۹ ، ط. س. ج۲ ص۱٤۹). ظفیر

(۳) ویندب ذکر الخلفاء الراشدین والعمین لا الدعاء لالسلطان وجوزه القهستانی ویکره تحریمًا وصفه بمالیس فیه (درمختار) قوله وجوزه القهستانی الخ وعبارته ثم یدعو لسلطان الزمان بالعدل والاحسان متجنبا فی مدحه عما قالو الخ (رد المحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷۵۹ ، ط. س. ج۲ ص۱٤۹). ظفیر

علیحده می باشد پس در فنای مصر داخل نبوده وجمعه درآنجا صحیح نمی باشد [۱].

قبل از آذان جمعه به اواز بلند الصلوة (والسلام گفتن درست نیست: سوال: ۱۴۴ قبل از آذان جمعه دست ها را برگوش نهادن و(الصلوة والسلام علیکم یا رسول الله الصلوة والسلام علیک یا ادم صفی الله) به آواز بلند گفتن وآنرا ضروری دانستن چه حکم دارد؟

جواب: برای اینکار هیچ اصلی در شریعت وجود ندارد پس التزام به آن ضروری دانستن آن ناجائز وخلاف قواعد فقه است [۲].

دراذان دو جمعه هنگام (حی علی الفلاح) گفتن تمام بدن را به سوی شمال دور دادن ثابت نیست: سوال: ۱۴۵ در وقت آذان دوم جمعه هنگام (حی علی الصلوة) پای چپ را پیش نهادن وتمام بدن را به طرف شمال دور دادن وچنین کاری را هنگام (حی علی الفلاح) کردن جائز است یا ناجائز؟

جواب: هیچ ثبوتی برای آن در حدیث وفقه وجود ندارد [۳].

آیا درجمعه خطبه برمنبر ضروری می باشد: سوال: ۱۴۶ اگر خطبه به علت ازدحام در اصل منبر خوانده نشود بلکه امام بر منبری از چوب وغیره ایستاده شده وخطبه جمعه ویا عیدین را بخواند آیا بلا کراهیت جائز است یانه؟

جواب: در شامی در شرح این قول الدر المختار: (و اذا جلس علی المنبر) آمده است: (ومن السنة ان یخطب علیه اقتدا به (ﷺ) وان یکون علی یسار المحراب [۴]) از اینجا معلوم می

---

(۱) لا تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر الخ ولو صلوا فی القری لزمهم اداء الظهر (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ من احدث فی امرنا هذا مالیس منه فهورد (مشکوٰة باب الاعتصام ص ۲۷) . ظفیر

(۳) لذا اجتناب از این کار ضروری می باشد، هنگام اذان باید رو به طرف قبله باشد: ویستقبل بهما (ای الاذان والاقامة) القبلة ولوترک الاستقبال جازویکره واذا انتهی الی الصلاة والفلاح حول وجهه یمینا وشمالا وقدماه مکانهما (عالمگیری کشوری باب الاذان ج۱ ص۵۴) از اینجا معلوم می شود که پارا بلند نمودن وخود را دور دادن خلاف سنت است.

(۴) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۷۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۱). ظفیر

شودکه سنت آن است که بر منبری که عادتاً به طرف چپ محراب است ایستاده شده وخطبه را بخواند واگر بر چوب وغیره ایستاده شود خلاف سنت است از سوی دیگر مراعات ازدحام تا چه حدی ممکن خواهد بود زیرا شنوانیدن همه دشوار می باشد.

آذان دو جمعه ثابت است: سوال: ۱۴۷ آذ ان دوم که هنگام خطبه رو به روی خطیب داده می شود آیا در وقت پیامبر (ﷺ) وخلفا (رض) به همین طریقه بود یانه؟

جواب: بلی به همین ترتیب عمل می شد (ویوذن ثانیاً بین یدیه) الدر المختار ای علی سبیل السنة شامی از لفظ (علی سبیل السنة) معلوم می شود که این روش مطابق سنت بوده ودر دوران خلفای راشدین به آن عمل می شد [۱].

اشتراک زنان درنماز جمعه مکروه است: سوال: ۱۴۸ آیا زنان می توانند درمسجد جامع شهر با مراضات حجاب وستر نماز جمعه را اداء کنند زیرا بدین ترتیب می توانند به وعظ ونصیحت نیز گوش فرا دهند.

جواب: برای زنان ضرورت احتیاط غرض ستر وحجاب بیشتر ودفع ضرر بر جلب منفعت مقدم می باشد بدین جهت فقها اشتراک زنان را در نماز جمعه عیدین ومجالس وعظ مکروه گفته اند در الدر المختار آمده است: (ویکره حضورهن الجماعة ولو لجمعة ووعظ مطلقاً علی المذهب المفتی به لفساد الزمان [۲])

پس از یک سلام گشتاندن شرکت درنماز جمعه درست نیست: سوال: ۱۴۹ بعد از یک سلام گشتاندن امام با شرکت در نماز جمعه نماز جمعه صحیح می شود یانه؟

جواب: نماز جمعه صحیح نمی شود شخص مذکور باید نماز ظهر را بخواند [۳].

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۷۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۱). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۵۲۹ ، ط. س. ج۲ ص ۵۶۶. ظفیر

(۳) وتنقطع التحریمة بتسلیمة واحدة برهان وقدمر (درمختار) ای فی الواجبات حیث قال وتنقضی قدوة بالاول قبل علیکم علی المشهود =

دروقت خطبه کسی نماز نفل وسنت رانخواند: سوال: ۱۵۰ اگر کسی هنگامی که خطیب خطبه را می خواند بیاید وخطیب برای بگوید دو رکعت نماز بخوان جائز است یانه؟

جواب: هیچ کسی هنگام خطبه نماز نخواند وخطیب به هیچ کسی نگوید که دو رکعت نماز بخوان زیرا (اذا خرج الامام فلاصلاة ولاکلام) یعنی وقتی که امام برای خطبه ایستاده شده وبرمنبر برود در این وقت نماز وسخن گفتن ممنوع می باشد [1].

وقتی خطیب به منبر برود می تواند به مردم بگوید که درداخل بنشینند: سوال: ۱۵۱ اینکه خطیب قبل از آنکه به خطبه آغاز کند در حالیکه بر منبر باشد به مردم بگوید درصف اول بیائید جائز است یانا جائز؟

جواب: طوریکه در شامی آمده هیچ حرجی در آن نیست [2].

خطیب می تواند بر هر پته منبر ایستاده شده وخطبه دهد: سوال: ۱۵۲ خطیب بر کدام پته منبر ایستاده شده وخطبه دهد آیا در ایستاده شدن در کدام پته منبر دُر مقابل کسی بی ادبی است یا نه؟

جواب: دراین مورد در شریعت هیچ محدودیتی وجود ندارد ودر هر پته ای که ایستاده شود جائز است وسنت صعود برمنبر به جای می شود درشامی آمده است: (ومن السنة ان یخطب علیه اقتداً به (ﷺ) وبحث بعضهم ما اعتید الان من النزول فی الخطبة الثانیة الی درجة [3] مصلی ثم العود

= عندنا خلافا للتکملة اهـ فلا یصح الاقتداء به بعدها لانقضاء حکم الصلاة (ردالمحتار باب صفة لا صلاة بعد الفصل ج۱ ص ۴۹۰ ، ط. س. ج۲ ص ۵۲۵). ظفیر الصدیقی

(۱) اذا خرج الامام من الحجرة ان کان، والا فقیامه للصعود فلا صلاة ولا کلام الی اتمامها (درمختار) قوله فلا صلاة شمل السنة وتحیة المسجد، بحر (ردالمحتار باب الجمعه ج۱ ص ۷۶۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸). ظفیر

(۲) وکل ما حرم فی الصلاة حرم فی الخطبة ؒ فیحرم اکل وشرب وکلام ولو تسبیحا او رد سلام اوامرا بمعروف (درمختار) الا اذا کان من الخطیب کما قدمه الشارح (ردالمحتار الجمعة ج۱ ص۷۶۸) ویکره تکلمه فیها الا لامر

(۳) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۷۰ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۶۱. ظفیر

بدعة قبیحة شنیعة) پس اضافه از این در شریعت برای آن قیدی وجود ندارد اگر در پته دوم
ویاسوم ایستاده شود درست بوده وهیچ بی ادبی در مقابل هیچ کسی نیست.

کارکنان کارخانه می توانند دریک اتاق جمع شده نماز جمعه را بخوانند: سوال: ۱۵۳
ما کارکنان کارخانه دریک اتاق جمع شده ونماز جمعه را اداء می کنیم چونکه مسجد جامع از
ما یک میل فاصله داشته وبه علت نوکری نمی توانیم آنجا برویم لذا آیا مامی توانیم در داخل
اتاقی نماز جمعه را بخوانیم یانه؟

جواب: نماز جمعه وجماعت درآن اتاق صحیح است.

برای نماز جمعه مسجد شرط نیست: سوال: ۱۵۴ آیا برای نماز جمعه مسجد شرط است
یانه واتاقی که در آن نماز جمعه وغیره خرانده شود حکم مسجد را دارد یانه؟

جواب: آن اتاق حکم مسجد را ندارد لیکن نماز جمعه وجماعت در آن صحیح است زیرا برای
جمعه وجماعت مسجد شرط نمی باشد [1].

ثبوت اذان دوم نماز جمعه: سوال: ۱۵۵ آذان دوم که در داخل مسجد رو به روی خطیب
داده می شود سند آن چیست زیرا از حدیث ابو داود ثابت می شود که این آذان در دوران پیامبر
(ﷺ) در دروازه مسجد داده می شد.

جواب: در هدایه آمده است: (واذا صعد الامام المنبر جلس واذن الموذن بین یدی المنبر بذلک
جری التوارث [2]) وعن السائب بن یزید قال کان النداء یوم الجمعة اوله اذا جلس الامام علی
المنبر علی عهد رسول الله (ﷺ) وابی بکر وعمر فلما کان عثمان وکثرا الناس زاد الندا الثالث

---

(۱) ویشترط لصحتها سبعة اشیاء الاول المصر الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۷). په دی کی یې جومات په شرائطوکی نه دی شمار کړی. والله اعلم، ظفیر

(۲) هدایه باب الجمعة جمعة ج۱ ص۱۵٤. ظفیر

علی الزوراء) رواه البخاری [۱] منظور از دروازه مسجد می تواند نزدیک دروازه مسجد باشد که منافی درداخل مسجدن بودن ورو به روی منبر بودن نمی باشد تحقیق این مساله در کتب مطول موجود است. فقط

درصورت وجوب جمعه ترک آن حرام است: **سوال**: ۱۵۶ در شهری که هزاران نفر زندگی می کنند ودارای چهار پنج بازار بوده وتمام اشیای ضروری درآن دستیاب است اگر کسی قصداً جمعه را ترک کند آیا فاسق ویا گنهگار می شود؟

جواب: اگر آن منطقه طوریست که در آن هزاران نفر زندگی می کنند آشکارا یک شهر بزرگ می باشد زیرا این قدر نفوس در شهر ها بزرگ می توانند به سر برند پس در آنجا جمعه فرض بوده وترددی درآن وجود ندارد پس ترک جمعه در آنجا حرام بوده وتارک آن فاسق می باشد [۲]. فقط

فرض جمعه ونماز های سنت: **سوال**: ۱۷۵ نماز جمعه (فرض وسنن) مجموعاً چند رکعت است وآیا بعد از جمعه چهار رکعت فرض است یانه؟

جواب: کیفیت نماز جمعه طوریست که نخست چهار رکعت سنت خوانده شود باز دو رکعت فرض جمعه به متابعت امام سپس چهار رکعت سنت واگر بعد از آن دو رکعت سنت دیگر خوانده شود که مجموعاً شش رکعت پس از فرض جمعه شود بهتر می باشد طوریکه در بعضی از روایات آمده است وبعد از فرض جمعه چهار رکعت ظهر فرض نیست پس آنرا نباید خواند چنانچه این موضوع در الدر المختار به نقل از بحر آمده است [۳].

---

(۱) حاشیه هدایه باب الجمعة ج۱ ص۱٥٤، مولانا عبد الحی صاحب لکهنوی رحمه الله لیکی: وفی روایة البخاری، النداء الثانی وزاد ابن ماجة علی دار فی السوق یقال له الزوراء وسمیت ثالثا لان الاقامة تسمی اذا ناله. فتح القدیر (ایضا). ظفیر

(۲) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ٧٤٨ ، ط. س. ج ۲ ص ١٤٨). ظفیر

(۳) وفی البحر وقد افتیت مرارا بعدم صلاة الاربع بعدها بنیة آخر ظهر خوف اعتقاد عدم فرضیة الجمعة وهو الاحتیاط فی زماننا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ٧٤٧ ط.س. ج ۲ ص ۱۳۷).ظفیر

خطبه به زبان بنگالی مکروه است: سوال: ۱۵۸ عده ای از حکام مسلمان در بنگال خطبه را به زبان بنگالی انتشار داده وگاهی خطیب را کنار زده وخود را امام ساخته وخطبه را به زبان بنگالی می خوانند در این صورت غیر از آنکه این عمل خلاف سنت است آیا از لحاظ مصالح دینی موجب چیزی خرابی می شود؟

جواب: اگر تمام خطبه به زبان بنگالی خواند شود نزد امام ابو حنیفه مکروه بوده ونزد صاحبان بدون عجز خطبه صحیح نمی شود چون خطبه صحیح نشد پس نماز جمعه نیز صحیح نمی شود زیرا خطبه از جمله شروط نماز جمعه می باشد واگر اصل خطبه به عربی بوده وآنرا خوانده وبه بنگالی ترجمه شود نیز خلاف سنت ومکروه است کما حققه الشیخ ولی الله الدهلوی فی المسوی والمصفی شرح موطا در الدر المختار آمده است: وشرطا عجزه وعلی هذا الخلاف الخطبة وجمیع اذکار الصلوة) ودر ردالمحتار آمده است: (وعلی هذه الخلاف سبح بالفارسیة فی الصلوة او دعا ای یصح عنده لکن سیاتی کراهة الدعا بالاعجمیة [۱]).

شروط جمعه: سوال: ۱۵۹ در یک اعلان نوشته شده بود که شروط صحت جمعه شش بوده از آنجمله چهار فرض است: وقت ظهر جماعت خطبه اذن عام ودو واجب می باشد که عبارت انداز مصر وسلطان در اشتهار مذکور به فتاوی عالمگیری حواله داده شده آیا چنین سخنی صحیح است یانه؟

جواب: چنین تفریقی در شروط جمعه غلط است که بگوئیم چهار شرط فرض ودو شرط واجب می باشد زیرا همه شُروط موقوف علیه است چنانچه فقها نگاشته اند که فرض داخلی به نام رکن وفرض خارجی به نام شرط یاد می شود لذا این تفریق که بعضی از شروط فرض وتعدادی واجب اند کاملاً مهمل وغلط می باشد در کتاب عالمگیری وهیچ کتابی چنین چیزی نیست ونمی

---

(۱) ردالمحتار صفة الصلوة فصل فی تالیف الصلوة ج۱ ص ٤٥١ ، ط. س. ج۲ ص ٤٨٤). ظفیر

تواند باشد.[۱]

اذان دوم باید به روی خطیب داده شود: سوال: ۱۶۰ در تمام سر زمین هند آذان دوم در داخل منبر ودر نزدیکی منبر داده می شود در مورد کشورهای عربی معلوماتی ندارم قاضی خان این کار را مکروه دانسته وثبوت اذان در داخل مسجد به الفاظ صریح در هیچ جایی به نظر نمی آید.

جواب: الدر المختار آمده است (ویوذن ثانیاً بین یدیه [۲]) همچنین این موضوع در هدایه وسائر کتب فقه نیز آمده وعلامه شامی نگاشته (وقوله یوذن ثانیاً بین یدیه ای علی سبیل السنة [۳]) پس معلوم گردید که سنت آذان دوم جمعه آن است که روبه روی خطیب باشد واین امر در بلاد عرب وعجم سلفاً وخلفاً معمول است وما راه المسلمون حسناً فهو عندالله حسن واینکه آذان اول جمعه وآذان نماز های پنجگانه را برون از مسجد مستحب نوشته اند دلیل آن این نیست که آذان در داخل مسجد مکروه می باشد بلکه دلیل آن این است که آذان در جای بلند داده شود که آواز تاجاهای دور برسد وهیچ وجهی وجود ندارد که کلمات آذان در داخل مسجد کراهیت داشته باشد زیرا تمام کلماتی به در آذان است در اقامت نیز وجود دارد پس چون اقامت در داخل مسجد مکروه نیست لذا آذان چگونه مکروه شده می تواند همچنان کلمات مذکور ذکر الله بوده ومساجد برای نماز وذکر الله اعمار گردیده اند پس چون در اذان خطبه فقط اعلام حاضرین مقصود می باشد زیرا اعلام قبلاً با آذان اول عملی شده لذا اذان دوم در داخل مسجد ورو به روی خطیب بهتر وواجب می باشد وبه اساس تصریح شامی سنت بوذن آن معلوم می شود ومنظور از متبادر بین یدیه آن است که نزد یک خطیب وروبه روی او داده شود.

---

(۱) ویشترط لحصتها سبعة اشياء المصر ﷺ والثانی السلطان ﷺ والثالث وقت الظهر ﷺ والرابع الخطبة فيه ﷺ والخامس كونها قبلها ﷺ والسادس الجماعة ﷺ والسابع الاذن العام ﷺ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۷ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۷). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۷۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۱. ظفير

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۷۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۱. ظفير

هنگام خطبه جمع آوری خیرات (چنده) درست نیست: سوال: ۱۶۱ هنگام خطبه با قطی آهنی که آواز آن موجب پریشانی ذهن مردم می شود جمع آوری پول غرض مصارف مسجد شرعاً چه حکم دارد؟

جواب: طوریکه در حدیث شریف آمده است هنگام خطبه از نماز ودرود شریف نیز مصانعت می باشد پس در این وقت جمع آوری وقطی را به هر طرف گشتاندن ونماز گزاران را مشغول نمودن به درجه اول ممنوع است [۱].

نماز جمعه فرض عین است: سوال: ۱۶۲ نماز جمعه فرض عین است یا فرض کفایی؟

جواب: جمعه فرض عین است طوریکه در حدیث شریف آمده است: (الجمعة واجبة على كل محتلم [۲]).

درقریه ای که نزدیک قصبه باشد نماز جمعه صحیح نیست: سوال: ۱۶۳ متصل قصبه رضاگنج قریه ای وجود دارد به نام حسن گنج که از حدود قصبه مذکور جدا ومستقل می باشد اما پسته خانه وآخور حیوانات قصبهٔ رضا گنج در حدود قریه حسن گنج واقع شده آیا با وجود جدایی این دومنطقه می توان حسن گنج را فنای رضا گنج قرار دادکه نماز جمعه درآن اداء شود.

جواب: چون حسن گنج قریه مستقل وجداگانه بوده وقریه صغیره می باشد لذا مطابق بصریحات فقها نمازجمعه درآن صحیح نیست طوریکه صریحاً درشامی آمده است: وتقع فرضاً فی القصبات والقرى الكبيرة التی فیها اسواق (الى ان قال) وفيما ذكرنا اشارة الى انها لاتجوز فی الصغيرة [۳])

---

(۱) اذا خرج الامامة فلا صلاة ولاكلام الى تمامها الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸). ظفير

(۲) عن طارق بن شهاب قال قال رسول الله ﷺ: الجمعة واجبة على كل مسلم فی جماعة رواه ابوداود (مشكوٰة باب وجوبها ص ۱۲۱) هی (ای الجمعة) فرض عين يكفر جاحدها لثبوتها بالدليل القطعی كما حققه الكمال (در مختار) قوله بالدليل القطعی وهو قوله تعالى: يا ايها الذين امنوا اذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا، الآية ،وبالسنة، والاجماع (ردالمحتارباب الجمعة ج۱ ص۷٤۷، ط.س. ج۲ ص۱۳٦). ظ

(۳) ردالمحتار باب العيدين ج۱ ص۷٤۸ ط. س. ج۲ ص ۱۳۸. ظفير

ودر الدر المختار باب العیدین آمده است: (وتکره صلوة العیدین فی القری تحریماً وقال الشامی ومثله الجمعة [۱]) واز عبارت سوال آشکار است که قریه حسن گنج فنای رضا گنج نمی باشد که به دلیل فنای مصر بودن نماز جمعه درآن صحیح شود.

فرضیت نماز جمعه در هندوستان: سوال: ۱٦٤ به اساس کدام یک از تعریفاتی که فقها از مصر نموده اند نماز جمعه در هندوستان فرض است؟ در اینجا در جاهایی که نماز جمعه خوانده می شود مردم پس از آن ظهر را طور احتیاطی می خوانند.

جواب: خواندن نماز جمعه در هندوستان ووجوب از آن عبارت فقها فهمیده می شود که در مورد فرضیت جمعه در دار الحرب نوشته اند مثلاً در شامی آمده است: فلو الولاة کفاراً بجوز للمسلمین اقامة الجمعة ویصیر القاضی قاضیاً بتراضی المسلمین [۲]) وپیشتر از آن آمده: (وبهذا ظهر جهل من یقول لاتصح الجمعة فی ایام الفتنة مع انها تصح فی البلاد التی استولی علیها الکفار [۳]) وعبارت قهستانی این است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة [٤]) پس معلوم گردید که مدار صحت وعدم صحت جمعه پر نفوس بودن وکم نفوس بودن می باشد وجایی که عرفاً شهر وقصبه گفته شود مصر بوده وتعریفات در شرح لوازمات شهر اند که عرفاً آن امور در شهر لازم می باشند یعنی اصل در این مسأله شهر بودن است وچون در شهر قصبات وقریه های بزرگ بدون شبه جمعه صحیح می پس به موجب روایت بحر: (وقد افتیت مراراً بعدم صلوة الاربع بعدها بنیة آخر ظهر خوف عدم اعتقاد فرضیة الجمعة وهو الاحتیاط فی زماننا) پس خواندن احتیاط الظهر درهندوستان خلاف احتیاط است. فقط

---

(۱) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ط. س. ج۲ ص ۱٦۷. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵٤ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٤. ظفیر

(۳) ایضاً ج۱ ص ۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

خواندن نماز جمعه اخیر رمضان در مسجد جامع دهلی رواج است نه ثواب: سوال: ۱٦۵ عامه مردم درجمعه اخیر رمضآن مسجد قریه خود را گذاشته وجهت ادائی نماز جمعه به مسجد جامع دهلی می روند آیا ثواب آن بیشتر است؟

جواب: هیچ ضرورتی به اینکار وجود ندارد واگر ثواب نماز در مسجد جامع بیشتر است اما مسجد محله وقریه نیز حق دارد که باید ترک نگردد [۱].

توجه سامعین هنگام خطبه: سوال: ۱٦٦ هنگام خطبه جمعه چار زانو نشستن وپکه زدن سامعین درست است یانه؟

جواب: چنین کاری خوب نیست هنگام خطبه نباید به کار دیگری غیر از شنیدن خطبه مشغول شد [۲].

درفنای شهر درداخل کشتزار نیز نماز جمعه صحیح است: سوال: ۱٦۷ در داخل کشتزار وغیره جاها در شهر ودر موجودیت سه نفر نماز جمعه جائز است یانه؟

جواب: دو جنگل متصل شهر اگر نماز جمعه خوانده شود وبدون امام سه نفر مقتدی وجود داشته باشد نزد احناف نماز جمعه صحیح است [۳].

دو قریه جداگانه حکم یک قریه را ندارد: سوال: ۱٦۸ یک آبادی بزرگ در ولسوالی کمرلا وجود دارد که دو حصه بوده وهر یک از این دوبخش به نام علیحده ای شهرت دارد وهر دو باهم متصل بوده وبه جز راه حد فاصل میان آن دو وجود ندارد ومجموعه نفوس هر دو بخش

---

(۱) ومسجد حیه وان قل جمعه (افضل من الجامع وان کثر جمعه اهـ (رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها، مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص ٦۱۷). ظفیر

(۲) واذا خرج الامام الخ فلا صلاة ولا کلام الی تمامها الخ وکل ما حرم فی الصلاة حرم فیها ای فی الخطبة خلاصه وغیرها فی حرم اکل وشرب وکلام الخ (ایضا باب الجمعة ج۱ ص ۷٦۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۷). ظفیر

(۳) ویشترط لصحتها الخ المصر الخ اوفناءه وهو ماحوله (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۷ وج۱ ص ۷٤۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۷). ظفیر

ان چهار پنج هزار نفر می باشد واز طرف دولت مولوی درآن مقرر بوده ومردم خوب وبد در آن زندگی می کنند خانه های دو قریه نیز طوری باهم متصل اند که بدون اتلاف وقت به طور پیاده از یکی به دیگری می توان رفت ودرآن کوچه ها وراه بزرگ نیز وجود دارد واحکام شرعی تحت نظر حکومت اجرا می شود واشیای مورد ضرورت نیز هر وقت در آن دستیاب می باشد وبه فاصله یک بر چهارم یک میل از این آبادي یک بازار بزرگ وجود دارد که درآن هر جنس مؤرد ضرورت فروخته می شود در همین بازار ماموریت پولیس قاضی شفاخانه پسته خانه وغیره همه موجود می باشد وبر علاوه مساجد آن دو آبادی چنان هفت مسجدی وجود دارد که در آن ها نماز جمعه خوانده می شود وهنگام نماز جمعه تمام آن مساجد از نماز گزاران مملومی گردد در این آبادی نیز از گذشته ها نماز جمعه خوانده می شود اکنون یک مولوی صاحب می گوید که در اینجا نماز جمعه صحیح نیست لطفاً به حواله کتب تحریر فرمائید که در اینجا نماز جمعه درست است یانه؟

جواب اول: اشکار است که مدار نماز جمعه وعدم صحت ان بر وجؤد شروط وعدم وجود آنها استوار می باشد پس در صورتیکه سوال شده دو قریه هر یک نام جداگانه داشته وهر یک به همان نام خود مشهور می باشد وبه صورت انفرادی یکی از آن دو نیز صلاحیت صحت نماز جمعه را ندارند پس هیچ دلیلی وجود ندارد که خواهی نخواهی هر دو را یکی فرض نموده وبه لزوم جمعه حکم شود زیرا در این مسأله پیچیده کی وجود ندارد که حضرات فقها مدرا صحت نماز جمعه وعدم آنرا در دو قریه مستقل بر فاصله داشتن وفاصله نداشتن ننهاده اند بلکه مدار آن صلاحیت هر یک از آن دوقریه برای صحت نماز جمعه می باشد. یعنی اگر در یکی از آن دو قریه شروط صحت نماز جمعه وجود داشته باشد نماز جمعه در همان قریه صحیح خواهد بود ودر غیرآن نه. درحقیقت این یک غلطی بسیار بزرگ اصولی است که صرف به شوق نماز جمعه تلاش صورت گیرد که دوقریه علیحده یکی فرض شود.

اصل مسأله آن است که وقتی که دو قریه به نام های مستقل موسوم باشند پس در احکام شرعی نیز علیحده بودن هر یک مد نظر خواهد بود.

البته اگر واقعاً دو قریه جداگانه وجود نداشته بلکه هر دو بخشی از یکدیگر بوده وبه طور مجموعی نام مشترکی داشته باشند پس در آنصورت فاصل بودن راه ها نیز محل صحت جمعه در آن نخواهد اما اگر اینطور نباشد چنانچه در شکلی که سوال شده نیست پس یقیناً در چنین قریه ها نماز جمعه صحیح نیست وضرورتی وجود ندارد که حامیان فرضیت جمعه به صورتی غیر شرعی وبی جا بر آن پافشاری کنند. (عتیق الرحمان عثمانی)

جواب دوم: اصل آن است که نماز جمعه نزد احناف دو جایی فرض وصحیح است که شهر قصبه ویا چنان قریه کبیره باشد که دارای بازار بوده واشیای مورد ضرورت در آن دستیاب گردد در ردالمحتار به نقل از قهستانی آمده است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق وفیما ذکرنا اشارة الی انها لا تجوز فی الصغیرة [1]) ودر الدر المختار آمده است: (صلوة العید فی القری تکره تحریماً ومثله الجمعة [2]) پس چونکه یکی از دو قریه به اندازه بزرگ نمی باشد که شروط صحت جمعه در آن متحقق شود لذا با فرض کردن هر دو قریه به حیث قریه نماز جمعه صحیح نخواهد شد پس جواب اول صحیح است، عزیز الرحمن مفتی دارالعلوم.

<u>برای صحت نماز جمعه به چه اندازه نفوس ضرور است</u>: سوال: ۱۶۹ در قریه ای که نزد احناف نماز جمعه در آن صحیح است کم از کم باید چقدر نفوس داشته باشد.

جواب: حدود سه هزار نفر چهار هزار نفر باید نفوس داشته باشد.

<u>درجای یک هزارو سیصد نفرنفوس دارد واشیای موردضرورت یافت می شود نماز جمعه</u>

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷. ظفیر

صحیح است: سوال: ۱۷۰ منطقه قحن پور که نفوس آن مجموعاً یک هزار وسیصد نفر است در آن همه اشیای مورد ضرورت یافت می شود ودارای دو مسجد مي باشد آیا نماز جمعه درآن جائز است یانه؟

جواب: چون منطقه مذکور در شمار قریه کبیره می آید ودارای دوکان ها وبازار می باشد لذا خواندن نماز جمعه در آن صحیح معلوم می شود [۱].

گفتن بسم الله درشروع خطبه: سوال:۱۷۱ در روز جمعه بر بالای منبر اعوذ بالله وبسم الله را به آواز بلند گفتن چطور است؟

جواب: قبل از خطبه اعوذ بالله وبسم الله به جهر گفته نشود زیرا منقول ومعمول نیست، در الدر المختار آمده است: (ویبدا بالتعوذ سراً).

خطبه بر فراز منبر سنت است: سوال: ۱۷۲ الف: آیا ضرور است که خطبه بر فراز خوانده منبر شود .ب. در صورتیکه ضروری باشد اگر کسی خلاف آن کند موجب نقصانی در خطبه ونماز می گردد یانه؟ آیا میتوان برکسی که خلاف آن نماید اعتراض کرد یانه؟ د: پیامبر (ﷺ) پس از ساخته شدن منبر در مسجد نبوی گاهی دور از منبر خطبه خوانده است یانه؟

جواب: خواندن خطبه بر منبر سنت بوده وفرض یا واجب نمی باشد اگر خطیب از منبر پائین شده وخطب بخواند خلاف سنت نموده وبه دلیل ترک سنت مستوجب ملامت است، طور یکه در الدر المختار آمده: (وحکمها السنة ما یوجر علی فعله ویلام علی ترکه [۲]) اما خطبه ونماز صحیح خواهد بود واگر به علت عذری نتواند خطبه را بر فراز منبر نخواند بلکه در پائین آنرا بخواند ملامتی بر او نیست طوریکه در رد المحتار آمده است: (وفی التحریر ان تارکها یستوجب

---

(۱) فقها تعداد مشخص نفوس را ذکر نکرده اند بلکه گفته اند که شهر ویا آبادی بزرگ باشد که در آن اشیای مورد ضرورت یافت شود.وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸)

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۴۹. ظفیر

التضلیل واللوم والمراد الترک بلا عذر علی سبیل الاصرار [۱]) ودر صفحه ۷۱ جلد اول شامی آمده است: (ومن السنة ان یخطب علیه اقتداءاً به (ﷺ) (وان یکون علی یسار المحراب) قهستانی (ومنبره (ﷺ) کان ثلاث درج) رد المحتار [۲].

هنگام خطبه درود دردل گفته شود: سوال: ۱۷۳ درکتاب قاضیخان جلد اول صفحه (۸۸) آمده است: (و اذ قال الخطیب فی الخطبة یا ایها الذین امنوا صلوا علیه آلایة یصلی علی النبی (ﷺ) فی نفسه ودرصفحه ۱۰۱ جلد اول هدایة آمده است: (الا ان یقرأ لخطیب قوله تعالی: یا ایها الذین امنوا صلوا علیه آلایة یصلی السامع فی نفسه سراً) قول اصح ومفتی به کدام است یعنی هنگامی که خطیب این آیت را بخواند درود آهسته خوانده شود یا در دل وآهسته خواندن آن به زبان جائز است یانه؟

جواب: به زبان خوانده نشود بلکه در دل خوانده شود زیرا حق همین بوده ومفهوم نهایی همه آن عبارات همین است [۳].

شنیدن خطبه جمعه واجب است: سوال: ۱۷٤ شنیدن خطبه جمعه فرض است یا واجب زید خطبه را نشنیده ودر نماز شرکت ورزید به همین ترتیب آیا جواب آذان واجب است زید جواب اذان را نداده اکنون چه کند؟

جواب: خطبه جمعه فرض است ومعنی آن این می باشد که باید قبل از نماز جمعه خطبه ضرورا وجود داشته باشد وشنیدن خطبه بر کسانی که هنگام خطبه حاضر می باشند واجب است [٤] پس

---

(۱) ردالمحتار کتاب الطهارت مطلب فی السنة وتعریفهما ج۱ ص ۹٦ ، ط. س. ج۲ ص۱٦۱. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۷۰. ظفیر

(۳) والصواب انه یصلی علی النبی ﷺ عند سماع اسمه فی نفسه (درمختار) وکذلک اذا ذکر النبی ﷺ لا یجوز ان یصلوا علیه بالجهر بل بالقلب وعلیه الفتوٰی رملی ؒ قوله فی نفسه بان یسمع نفسه او یصح الحروف فافهم فسروه به وعن ابی یوسف قلبا امتثالا لامری الانصات والصلاة علیه ﷺ کما فی الکرمانی ؒ (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۱). ظفیر

(٤) وکل ما حرم فی الصلاة حرم فیها ای فی الخطبة ؒ بل یجب علیه ان یستمع ویسکت ؒ وکذا یجب الاستماع لسائر الخطب (الدر =

اگر شخصی پس از اتمام خطبه بیاید ودر جماعت شریک شود نمازش اداء گردیده وبه دلیل حاضر نشدن ونشنیدن خطبه از او کوتاهی وتاخیر سرزده که باید استغفار وتوبه کند ودر آینده احتیاط نماید. جواب آذان بنا بر قول صحیح مستحب بوده ومردمی که به وجوب [1] قائل اند مطابق قول ایشان ترک جواب اذان گناه است که باید برای آن توبه واستغفار نماید.

درجای که مردم عربی ندانند خطبه به اردو جائز است یانه: سوال: ۱۷۵ خلاصه سوال آن است که چون مردم در هندوستان زبان عربی را نمی دانند اگر خطبه جمعه به اردو خوانده شود چطور است وچون نظم نسبت به نثر بیشتر موثر است خطبه به نظم مناسب تر به نظر می آید این امور شرعاً جائز است یانه؟

جواب: خطبه جمعه شرطی از شروط نماز جمعه است که دارای احکام خاص لوازم خاص وشروط خاص بوده ومانند سائر وعظ ها وتقریر ها نمی باشد که به هر زبانی وبر طوریکه بخواهند گفته شود بلکه درمورد خصوصیت آن در شریعت علامات قطعی وجود دارد حضرات فقها فیصله کرده اند که افعال وحرکاتی که در حالت نماز ممنوع می باشد در خطبه نیز حرام است برای شنوندگان خطبه در آن وقت خوردن نوشیدن سخن گفتن وحتی جواب سلام وتسبیح گفتن نیز ناجائز می باشد وکل ما حرم فی الصلوة حرم فیها ای فی الخطبة (خلاصه وغیرها) فیحرم اکل وشرب وکلام ولو تسبیحاً او رد سلام قیوداتی از این قبیل نشان می دهد که مجلس خطبه فقط مجلس وعظ وتذکیر نیست بلکه از نظر خصوصیات خود مانند نماز میّ باشد پس امکان ندارد که شرط نماز به طریقه جدید وغیر زبان عربی اداء شود چون مردم حجاز عرب بودند لذا از خطبه برای وعظ وتذکیر نیز کار گرفته می شد اما غیر عرب که عربی نمی داند نمی شود که به خاطر آنها زبان شرعی خطبه ترک گردد، وعظ، نصیحت، وتفهیم غیر از خطبه

= المختار علی هامش رد المحتار، باب الجمعة ج۱ ص ۷٦۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۱). ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦۸.

در اوقات دیگر نیز امکان دارد صحابه کرام وارد سر زمین های عجم گردیدند مگر حتی یک واقعه هم ثابت نشده که ایشان به خاطر عجمی ها زبان خطبه را تبدیل کرده باشند حضرت شاه ولی الله با درک این حقیقت می فرماید: (که عربی بودن نیز به جهت عمل مستمر در مشارق ومغارب با وجود آنکه دربسیار از اقالیم مخاطبان عجمی بودند مسوی مصفی شرح موطای امام مالک [۱]) به همین دلیل از جمله خصوصیات خطبه یکی هم اختصار می باشد در احادیث مختلف به صراحت بیان گردیده که خطبه تا جایی امکان دارد مختصر باشد اگر وسعت موجوده نظم ونثر قبول شود پس این شرط نماز در حقیقت چیزی غیر از یک محفل یک ساعته یا دو ساعته گرم چیزی دیگری نخواهد بود لهذا خطبه باید به زبان عربی ومختصر وجامع باشد اگر می خواهند به اردو یا زبان دیگری چیزی بگویند بعد از فراغت از نماز بگویند زیرا سخنرانی یا تشریحات میان خطبه ونماز باعث فصل وخلاف سنت است.

این سخن غلط است که امامت امامی که تنخواه ندارد درست نیست: سوال: ۱۷۶ ما در قریه خود عقب حافظ قران نماز می خواندیم امسال یک مولوی صاحب تشریف آورد وگفت که مسأله اداء نماز جمعه آن است که مسلمانان امام جمعه خود را مقرر کنند در آنصورت نماز جمعه اداء می شود امام مذکور بدون تنخوا در نماز های پنجگانه ونماز جمعه امامت می نمود اکنون از یک ماه بدینطرف مولوی مذکور نماز جمعه را بند نموده که تا وقتی که در مسجد امام تنخواه دار مقرر نشود نماز جمعه اداء نمی گردد سوال آن است که عقب امامی که بدون تنخواه نماز می داد نماز اداء وصحیح می شود یانه؟

جواب: مقصد از امام مقرر کردن آن است که به کسی که گفته شود ذر نماز جمعه امامت کند امامت کرده بتواند ونمازجمعه عقب اوصحیح است پس حافظ صاحبی که در نمازهای پنجو قتی

---

(۱) مسوی مصفی ج۱ ص۱۵٤. ظفیر

وجمعه امامت می نمود عقب او نماز جمعه صحیح است تنخواه دار بودن امام ضروری نیست خلاصه آنکه طوریکه در سائر نمازها حکم است که شخصی که اهل امامت است امامت کند نماز اداء می شود در مورد نماز جمعه نیز همان حکم می باشد.

خواندن سورهٔ کهف به آواز بلند قبل از خطبه جمعه: **سوال**: ۱۷۷ قبل از خطبه جمعه خواندن سورهٔ کهف به آواز بلند چطور است؟

جواب: خواندن سوره کهف در روز جمعه مستحب می باشد اما نباید چنان جهر شود که برای سائر کسانی که آنرا می خوانند مزاحمت صورت گیرد به همین دلیل فقها از اینکه چند نفر در یک جا قران را جهراً بخوانند منع کرده اند [۱] زیرا با آیه مبارکه (واذا قری القران فاستمعوا له وانصتوا) منافی می باشد.

ترک جمعه به دلیل نوکری درست نیست: **سوال**: ۱۷۸ کار مند پسته خانه که تنها می باشد ونمی تواند که بدون آنکه دفتر را به دیگری بسپارد برود نماز جمعه را چطور کند یا اینکه نماز ظهر را بخواند.

جواب: ترک جمعه به دلیل نوکری جائز نیست [۲] واگر جمعه را نخواند پس معلوم است که باید نماز ظهر را بخواند [۳].

هنگام خطبه از منبر پائین شدن ودوباره بالاشدن چه حکم دارد: **سوال**: ۱۷۹ هنگام خواندن (اللهم اعزالاسلام) ازمنبر پائین شدن وهنگام خواندن (اللهم انصر) دوباره برمنبر بالاشدن

---

(۱) یکره للقوم ان یقرءوا القرآن جملة لتضمنها ترک الاستماع والانصات المامور بهما کذا فی القنیة (عالمکیری مصری کتاب الکراهیة باب رابع ج۵ ص ۳۲۹ ، ط. م. ج۲ ص۳۱۷). ظفیر

(۲) هی فرض عین یکفر جاحدها لثبوتها بالدلیل القطعی کما حققه الکمال (درمختار) بالدلیل القطعی وهو قوله تعالٰی: یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا، الایة وبالسنة وبالاجماع ﴿ قول القدوری ومن صلی الظهر یوم الجمعة فی منزله ولا عذر له کره وجازت صلاته (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۷ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۶). ظفیر

(۳) وحرم لمن لا عذر له صلاة الظهر قبلها اما بعدها فلا یکره فی یومها بمصر لکونه سببا لتفویت الجمعة وهو حرام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۵ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۵). ظفیر

جائز است یا ناجائز؟

جواب: هیچ اصلی برای اینکار وجود ندارد.

هنگامی که درنمازجمعه امام وخطیب نیاید دیگری را امام ساختن درست است: سوال:

۱۸۰ الف: اگر خطیب صاحب ونائب خطیب به وقت نماز جمعه نیاید پس از نیم ساعت انتظار آیا متولی می تواند به دیگری حکم کند که درنماز جمعه امامت نماید.

ب: شخص دیگری می تواند امامت کند وآن نماز صحیح می شود یانه؟

ج: عقب خطیبی که اکثراً پنج وقت غیر حاضر بوده وبه تجارت مشغول می باشد نماز صحیح است یانه؟

جواب: (الف- ب) می تواند حکم کند وشخص دیگری می تواند امامت کند ونماز صحیح می شود.

ج: نماز درست است.

برای تارکین جمعه جماعت ظهر جائز نیست: سوال: ۱۸۱ چند شخص که نتوانسته اند در نماز جمعه شریک شوند آیا می توانند در همین مسجد نمام ظهر را به جماعت بخوانند؟

جواب: در الدر المختار آمده است: (و كذا اهل مصر فاتتهم الجمعة فانهم يصلون الظهر بغير آذان ولا اقامة ولا جماعة...) ودر شامی آمده است: (قال فی الولوالجية ولا يصلی يوم الجمعة جماعة بمصر [1]) پس معلوم گردیدکه ازمردمی که نمازجمعه فوت گردد باید برای ظهر جماعت نکنند بلکه آنرا تنها تنها بخوانند.

در یک مسجد دوباره نماز جمعه خواندن مکروه است: سوال: ۱۸۲ نماز جمعه به امامت

---

(۱) رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦٦ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۷. ظفير

امام یا شخص دیگری خوانده شود سپس پنج، شش نفر بیایند اکنون ایشان نماز جمعه را بخوانند یا نماز ظهر را؟ واگر ظهر را بخوانند در همین مسجد بخوانند یا در مسجدی دیگری جماعت بخوانند یا انفرادی؟ واگر نماز جمعه را در منزلی یا میدانی بخوانند درست است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده است که روز جمعه اداء ظهر به جماعت مکروه تحریمی می باشد [۱] ودر همین مسجد یعنی مسجدی که نماز جمعه خوانده شده دوباره نماز جمعه را نخوانند [۲] بلکه اگر در جای دیگری نماز جمعه خوانده شود درآن شرکت کنند ونماز جمعه را اداء نمایند واگر ظهر را به صورت انفرادی بخوانند، برای نماز جمعه مسجد شرط نیست بلکه در منزل ویا میدان شهر نیز اداء می شود [۳].

در نماز جمعه نیز فتحه دادن وفتح گرفتن درست است: **سوال**: ۱۸۳ امام در رکعت اول در میان سه آیت چیزی را فراموش کرد ومقتدی او را فتحه داد وامام فتحه را گرفت ودر اخیر سجده سهو نمود باز گرداندن نماز لازم است یانه؟

جواب: نماز صحیح شده وضرورتی به اعاده آن نیست وضرورتی به سجده سهو نیز نبوده زیرا فتحه دادن وفتحه گرفتن مفسد نماز نیست [۴].

کسی که درتشهد شریک گردد نماز جمعه را بخواند: **سوال**: ۱۸٤ دو نفر نماز گزار در قعده نماز جمعه شریک شدند وپس از سلام گشتاندن امام دو رکعت جمعه را خواندند این کار ایشان صحیح است یا اینکه باید ظهر را می خواندند؟

---

(۱) وکره تحریما لمعذورین ومسجون ومسافر اداء ظهر بجماعة فی مصر قبل الجمعة وبعدها الخ وکذا اهل مصر اذا فاتهم الجمعة فانهم یصلون الظهر بغیر اذن ولا اقامة ولا جماعة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦٦ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۷). ظفیر

(۲) والظاهر انه یغلق ایضا بعد اقامة الجمعة لئلا یجتمع فیه احد بعدها (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦٦، ط. س. ج۲ ص۱۵۲). ظفیر

(۳) وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقا علی المذهب وعلیه الفتوٰی (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۵ ، ط. س. ج ص۱٤٤). ظفیر

(٤) بخلاف فتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقا لفاتح واخذ بکل حال (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۲۲). ظفیر

جواب: صحیح همین است که کسانی که در تشهد جمعه شریک می شوند باید نماز جمعه را پوره کنند ونماز ظهر را نخوانند پس نماز آن دو شخص صحیح شده است [۱].

مسبوق چگونه نماز جمعه را تکمیل کند: سوال: ۱۸۵ شخصی در رکعت دوم شامل گردید، سپس وضوی او شکست وچون وضو کرد ودوباره آمد امام سلام گشتاند وی نماز خود را چگونه تکمیل کند؟

جواب: اگر آن شخص یک رکعت باقی مانده جمعه را پوره کرده وقعده نماید وسلام بگرداند نماز جمعه او اداء می شود زیرا درالدر المختار وشامی چنین آمده است [۲]،

حکم پکه کردن بعد از آغاز خطبه: سوال: ۱۸۶ بعد از آغاز خطبه جمعه پکه کردن جائز است یا نا جائز؟

جواب: هنگام خطبه خاموش بودن وشنیدن آن ضرور می باشد، در حدیث شریف آمده است: (من مس الحصا فقد لغا) یعنی کسی که به سنگریزه ها دست زد مرتکب لغو شده واز ثواب محروم گردیده است پس هنگام خطبه پکه به همین دلیل ممنوع می باشد ودر الدر المختار آمده است: (وکل ما حرم فی الصلوٰة حرم فیها) یعنی هر چیزی که در نماز حرام باشد در خطبه نیز حرام است.

نماز جمعه درسه مسجد یک شهر: سوال: ۱۸۷ دریک شهر سه مسجد وجود دارد که از یکدیگر یک یک میل فاصله دارند ودر هر سه نماز جمعه خوانده می شود صحیح است یانه؟

مسجد جامع کوچک بود به همین دلیل آنرا شهید نموده ومسجد را وسیع ساختند عده ای می گویند که جمعه باید دریک مسجد خوانده شود وتعداد دیگری می گویند که در هر سه مسجد

---

(۱) ومن ادرکها فی التشهد اوسجود سهو علی القول به فیها یتمها جمعة الخ کما یتم فی العید الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۷ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۷). ظفیر

(۲) ومن سبقه الحدث فی الصلٰوة انصرف الخ وتوضا وبنی الخ (هدایه باب الحدث فی الصلٰوة ج۱ ص ۱۱۵). ظفیر

خوانده شود در این صورت چه باید کرد؟

جواب: نماز جمعه در هر جایی درست بوده ودر هرسه مسجد اداء می شود [۱] اما بهتر آن است که نماز جمعه در یک مسجد جامع (بزرگ) خوانده شود.

تمام نماز گزاران درمسجد جامع گنجند چه باید کرد: سوال: ۱۸۸ تمام نماز گزاران در مسجد جامع نمی گنجند چه باید کرد؟

جواب: اگر تعداد نماز گزاران زیاد بوده وتمام نماز گزاران دریک مسجد نگنجند در مسجد دیگری نیز نماز جمعه را اداء کنند.

کارمندی که به مسجد جامع رفته نمی تواند در مسجد دیگری نماز جمعه را بخواند:

سوال: ۱۸۹ اکثر مردم به دلیل نوکری نمی توانند به مسجد جامع بروند امامی توانند در مسجد نزدیکی گردهم آیند برای این نوع مردم چه هدایت می فرمائید؟

جواب: چنین مردمی در مسجدی که نزدیک است نماز جمعه را بخوانند زیرا نماز جمعه دریک شهر یا قصبه در چند مَحل جائز می باشد اما بهتر همان است که اگر تکلیفی نباشد همه دریک جا بخوانند [۲].

نماز جمعه درجایی که دو هزار نفر نفوس دارد: سوال: ۱۹۰ منطقه پلواره دوهزار نفر نفوس دارد ودرمنطقه مخمد پورکه به پلواره ملحق می باشد یک هزار نفر زندگی می کنند ودوکان های بزازی وعطاری وجود دارد پس بدین ترتیب درهردو منطقه نماز جمعه صحیح است

---

(۱) وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷۵۵ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٤) به شامی کی دی: دفعًا للحرج ای لان فی الزام اتحاد المواضع حرجا بینا لاستدعائه طویل المسافة الخ (ردالمحتار ج۱ ص ۷۵۵ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٥). ظفیر

(۲) ولاجل ان الجمعة جامعة للجماعات قال الامام ابو یوسف لا یجوز تعدد الجمع فی مصر واحد (الی قوله) وقال الامام محمد ورواه عن الامام ابی حنیفة رحمه الله وهذاه الروایة هی المختارة وعلیه الفتوی انه یجوز تعدد الجمعة مطلقا (رسائل الارکان ص ۱۱۸). ظفیر

یا دریک منطقه؟

جواب: از عبارت سوال چنان معلوم می شود که پلواره قریه بزرگ بوده اما محمد پور چنان نیست پس بهتر چنان به نظر می آید که صرف در پلواره نماز جمعه خوانده شود البته اگر این هر دو قریه در شمار یکی باشند در آنصورت در هر دو نماز جمعه صحیح است [۱].

هنگام خطبه به امام پول دادن وبه سوی او پول انداختن درست نیست: سوال: ۱۹۱ هنگامی که امام مصروف خواندن خطبه می باشد بعضی بر منبر برای او پول سیاه می اندازند اینکار جائز است یانه وبرای امام گرفتن آن جائز می باشد یانه؟

جواب: هنگام خطبه اینکار نا جائز است ومنع ایشان از این حرکت لازم می باشد [۲] اما برای امام گرفتن آن جائز است.

نماز جمعه درجایی که سه هزار نفر نفوس دارد: سوال: ۱۹۲ در میان دوقریه به اندازه رسیدن آواز دهل فاصله است، قریه اول سه هزار نفر نفوس داشته ودر قریه دوم مسجد وجود دارد که در آنها نماز جمعه خوانده می شود، در قریه اولی ودومی جمعه فرض است یانه؟

جواب: قریه اولی قریه بزرگ می باشد پس جمعه در آن فرض است واگر قریه دومی نیز مانند قریه اولی باشد، نماز جمعه درآن نیز فرض خواهد بود [۳].

سنت های بعد از نماز جمعه: سوال: ۱۹۳ شش رکعت سنتی که بعد از نماز جمعه خوانده می شود سنت های ظهر است یاسنت های جمعه؟

جواب: سنت های جمعه می باشد [۱].

---

(۱) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (ردالمحتار ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

(۲) در حدیث شریف آمده است: ((من مس الحصا فقد لغا) اوپه درمختار کی دی وکل ماحرم فی الصلوة حرم فیها ای فی الخطبة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۹). ظفیر

(۳) وتقع فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (ردالمحتار ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۱ ص ۱۳۸). ظفیر

=

<u>تسمیه درخطبه جمعه وعیدین</u>: سوال: ۱۹٤ در آغاز خطبه جمعه وعیدین (بسم الله) به جهر خوانده شود یا به سر؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ویبداء بالتعوذ سراً [۲]) ودر شامی آمده: (ای قبل الخطبة الاولی بالتعوذ سراً ثم بحمدالله والثناعلیه..) بدین ترتیب جهر به (بسم الله) ثابت نیست پس نباید به جهر خوانده شود.

<u>در روز جمعه نماز جمعه فرض است یا ظهر</u>: سوال: ۱۹۵ در روز جمعه نماز جمعه فرض است یا ظهر وآیا جمعه قصر ظهر می باشد؟

جواب: صحیح آن است که فرض وقت ظهر بوده وجمعه بدل می باشد چنانچه در جلد اول شامی در بحث نیت آمده است: (لان الوقت عندنا الظهر لا الجمعة...) جمعه قصر نبوده بلکه فرض مستقل بوده وظهر توسط آن ساقط می شود.

<u>شروط نماز جمعه</u>: سوال: ۱۹٦ نماز جمعه نزد احناف مطلقاً در هر جا فرض است یا به شروطی مقید می باشد؟

جواب: به شروطی مقید است [۳].

<u>اگر درقریه کوچک نماز جمعه خوانده شود ظهر ساقط نمی گردد</u>: سوال: ۱۹۷ در قریه ای که هیچ یک از تعریف های مصر بر آن صدق نمی کند آیا نزد امام صاحب خواندن نماز جمعه نماز ظهر را ساقط می کند یا نه؟

جواب: نه.

---

(۱) والسنة قبل الجمعة اربع وبعدها اربع وعند ابی یوسف رحمه الله السنة بعد الجمعة ست رکعات والافضل ان یصلی اربعا ثم رکعتین للخروج عن الخلاف (غنیة المستملی ص ۳۷۲). ظفیر

(۲) ردالمحتار ج۱ ص ۷۵۹. ظفیر

(۳) ویشترط لصحتها سبعة اشیاء الاول المصر الخ (درمختار باب الجمعة ط. س. ج۲ ص ۱۳۷). ظفیر

<u>شرط وجود سلطان برای نماز جمعه</u>: سوال: ۱۹۸ اینکه اصحاب متون وجود سلطان را شرط صحت نوشته اند مذهب امام ابوحنیفه است یانه؟

جواب: ازکتب فقه معلوم می گردد که در صورتیکه سلطان موجود باشد اذن او ضرور است واگر سلطان نباشد هر کسی را که امام جمعه مقرر کنند جمعه صحیح می شود [۱].

<u>حکم نماز جمعه در صورت نبودن سلطان</u>: سوال: ۱۹۹ آیا کدام تصریحی از امام صاحب وجود دارد که در جایی که سلطان نباشد هم جمعه را بخوانید وظهر را ترک کنید؟

جواب: وقتی فقهاء امری را مفتی به مذهب قرار داند برای ما ضرور نیست که بدانیم که این مسأله صراحتاً از امام صاحب نقل گردیده یانه (اما نحن فعلینا اتباع ما رجحوه وصححوه) (الد المختار) ودر شامی آمده است: (قوله واما نحن یعنی اهل الطبقه السابعة وهذا مع السوال والجواب ماخوذ من تصحیح الشیخ قاسم قوله کما لو افتو فی حیاتهم کما نتبعهم لو کانوا احیا وافتونا بذلک فانه لایسعنا مخالفتهم [۲]...) ودر معراج الدرایة از مبسوط نقل شده است که: (فلو الولاة کفاراً یجوز للمسلمین اقامة الجمعة ویصیر القاضی قاضیاً بتراضی المسلمین ویجب علیهم ان یلتمسوا والیاً مسلماً [۳]) ودر الدر المختار آمده است: (ونصب العامة الخطیب غیر معتبر مع وجود من ذکر امامع عدمهم فیجوز للضرورة) [٤].

<u>عمل برقول متأخرین</u>: سوال: ۲۰۰ کسی که بر قول متاخرین عمل کند آیا مقلد امام ابو حنیفه باقی می ماند یانه؟

جواب: بلی باقی می ماند. فقط

---

(۱) واذن السلطان اومأموره باقامتها (درمختار) واما فی بلاد علیها ولاة کفار فیجوز للمسلمین اقامة الجمعة والاعیاد ویصیر القاضی قاضیا بتراضی المسلمین ویجب علیهم طلب وال مسلم آهـ (ردالمحتار باب القضا ج ۳ ص ۳۵۰ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۷۵). ظفیر

(۲) ردالمحتار مقدمة مطلب فی طبقات الفقهاء ج۱ ص ۷۲ ، ط. س. ج۱ ص ۷۷. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٥٤ ، ط. س. ج۲ ص١٤٤. ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٥٤ ، ط. س. ج۲ ص ١٤٣. ظفیر

آیا وکیل گذر قائم مقام قاضی است یانه: سوال: ۲۰۱ آیا وجود وکیل گذر، چوکیداران واامامان مساجد برای تکمیل شدن شرط مصر یا سلطان کافی می باشد؟

جواب: تنها این امور کافی نیست بلکه باید آن منطقه شهر قصبه ویا قریه کبیره بوده ودرآن بازار ودوکان ها وجود داشته واشیای مورد ضرورت در آن دستیاب گردد طوریکه درشامی بدان تصریح شده است.

احتیاط الظهر: سوال: ۲۰۲ اگر کدام حنفی مذهب به دلیل تعدد جمعه یا اشتباه فی المصر بعد از نماز جمعه ظهر را بخواند آیا از مذهب خارج می شود؟

جواب: از مذهب خارج نمی شود.

نماز ظهر پس از نماز جمعه: سوال: ۲۰۳ آیا در کدام کتاب معتبر فقه نوشته شده که در صورت اشتباه فی المصر نیز خواندن نماز ظهر پس از نماز جمعه منع است؟

جواب: وقتی منطقه ای مطابق کدام قول مفتی به به حیث منطقه ای شناخته شد که درآن جمعه اداء می گردد پس در آنجا بعد نماز جمعه خواندن نماز ظهر مانند آن است که شخص به دلیل مخالفت با تعدد جمعه نماز ظهر را احتیاطی بخواند وچون اینکار منع است آن نیز منع می باشد.

علیحده بودن خطبه جمعه در هر ماه ضروری نیست: سوال: ۲۰۴ علیحده بودن خطبه جمعه در هر ماه ضرور است یانه؟

جواب: علیحده بودن خطبه هر ماه ضرور نیست [1].

اذان دوم جمعه: سوال: ۲۰۵ در مورد اینکه اذان دوم جمعه در داخل مسجد باشد چه حکمی وجود دارد؟ آیا مکروه است؟ در فتوای بریلی از آن ممانعت به عمل آمده وبه حدیث ابو داود استدلال شده است.

---

(۱) کما روت ام هشام اخذت ق والقرآن المجید من فیّ رسول الله ﷺ یقرأ بها کل جمعة ، رواه مسلم ، قا ل شراح الحدیث کان سورة ق فی مدة کانت ام هشام حاضرة ولم یکن دائما (رسائل الارکان ص ۱۱۶). ظفیر

جواب: جواب های متعدد این فتوی بریلی انتشار یافته ومدرسه مظاهر علوم سهارنپور جواب مکمل را طبع ونشر نموده جواب مذکور را از مدرسه مطالبه نموده ومطالعه کنید.

نتیجه تحقیق در این مساله آن است که اذان دوم در داخل مسجد مکروه نمی باشد واین عبارت کتب فقه که: (لایوذن فی المسجد) در باره اذان دوم جمعه نمی باشد بلکه منظور از آن اذان نماز های پنجگانه است که غرض آن اعلام می باشد پس جای بلندی چون مناره وغیره برای آن مسنون می باشد ومنظور از این عبارت آن است که اذان نمازهای پنجگانه نباید در مسجد طوری داده شود که اعلام صورت نگیرد مثلاً اذان در منزل پائین مسجد خلاف سنت است بهر حال اذان دوم جمعه دراین حکم داخل نمی باشد، زیرا فقها بر خلاف آن تصریحاتی دارند [1] وحدیث ابوداود در مورد خارج بودن آن از مسجد نص نمی باشد زیرا درآن نیز این احتمال وجود دارد که هدف (علی قرب باب المسجد) باشد ودر مورد ثبوت آن نیز گفتگو شده است.

حدیث لاصلاة ولاکلام: سوال: ۲۰۶ منظور از حدیث:. (اذا خرج الامام فلا صلاة ولا کلام) مطلق کلام است یا کلام دنیایی؟ از عبارت فقها چنان به نظر می آید که منظور سخن دنیایی باشد که قبل از آغاز خطبه سخنان دنیایی منع می باشد اما تسبیح اذکار وغیره ممنوع نیست پس جواب اذان خطبه ویا خواندن دعای وسیله جائز خواهد بود چنانچه از بعضی عبارات واضحاً آشکار می باشد مثلاً: (و اما الکلام فانما یکره منه قبل شروع الخطبه الدنیوی لا الدینی کالاذکار والتسبیح وبعد شروع فیها یکره مطلقاً هذا هو الاصح کما فی النهایه وغیره فلا تکره اجابة الاذان الذی یوذن بین یدی الخطیب وقد ثبت ذلک من فعل معاویة (رضی) فی صحیح البخاری ولادعا الوسیلة الماثوره بعد ذلک الاذان هذا عندابی حنیفة وعندهما لاباس بالکلام ای الدنیوی اذا خرج

---

(۱) ویؤذن ثانیا بین یدیه ای الخطیب (الی قوله) اذاجلس علی المنبر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۷۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۶۱) قوله ویؤذن ثانیا بین یدیه ای علی سبیل السنیة کما یظهر من کلامهم (ردالمحتار ج۱ ص ۷۷۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۶۱). ظفیر

الامام قبل ان یشرع في الخطبة ما ذا نزل قبل یکبر لان الکراهة للاخلال بالاستماع ولا استماع ههنا بخلاف الصلاة فانها قد تمتد) هدایه پس قول مفتی به وصحیح کدام است جائز می باشد یا مکروه؟

جواب: در مورد حدیث (اذا خرج الامام فلاصلاة ولاکلام) مسلک حضرات فقهای ما عام نگهداشتن آن است طوریکه از اطلاق حدیث آشکار می باشد واینکه آنرا به نماز ضم کرده اند موید آن است واختلاف صاحبین (قبل شروع فی الخطبة) مشهور می باشد وبعضی از فقها نوشته اند که نزد امام صاحب نیز سخنان دینی بعد از خروج امام وقبل از آغاز خطبه جائز می باشد اما مذهب مشهور امام صاحب همین است که بعد از خروج امام کلام مطلقاً ممنوع می باشد چه کلام دینی باشد وچه دنیایی ونصوص زیادی از فقها بر آن دلالت دارد که امام صاحب از کلام معنی عام آنرا می گیرد پس اگر بعضی از فقها کلام دینی قبل از خطبه را جائز می دانند وآنرا اصح می شمارند طوریکه از (عنایة وبنایة منقول است ایشان مذهب صاحبان را اختیار فرموده اند اما مذهب امام اعظم همین است که کلام مطلقا مکروه بوده وجواب اذان بین یدی الخطیب نیز مکروه می باشد.

مرحوم مولانا عبدالحی که صاحب مختار را تخطیه نموده صحیح نمی باشد وعباراتی که شما از مولانا موصوف نقل کرده اید ودر آخر آن کذا فی الهدایة نوشته شده بعد از مطالعه هدایة معلوم می گردد که حواله صحیح نیست واین امر بر کسانی که هدایه را مطالعه نموده اند پوشیده نمی باشد. اکنون من حقیر بعضی از عباراتی را می نویسم که از روی آنها معلوم می گردد که هدف از امام صاحب مطلق کلام می باشد چه دنیایی باشد وچه دینی وامام بعد از خروج امام مطلق کلام را منع فرموده است ونیز این مسأله که اجابت اذان دوم مکروه می باشد در الدر المختار در باب جمعه آمده است: (وقالا لاباس بالکلام قبل الخطبة وبعد ها اذا جلس عندالثانی والخلاف فی الکلام یتعلق بالاخرة اما غیره فیکره اجماعاً وعلی هذا فالترقیة المتعارفة فی زماننا تکره عنده لا

عندهما واما مایفعله الموذنون حال الخطبة من الترضی ونحوه فمکروه اتفاقاً وتمامة فی البحر والعجب ان المرقی ینهی من المعروف بمقتضی حدیثه ثم یقول انصتوا رحمکم الله قلت الا ان یحمل علی قولهما فنیة [۱]) ودر ردالمحتار آمده است: (الا ان یحمل علی قولهما لانه یقول ذلک قبل الخطبة وهما یحملان قوله (ﷺ) والامام یخطب علی شروع فیها حقیقة فحینذ لا یکون المرقی مخالفاً لحدیثه بقوله انصتوا اما علی قول الامام من حمل قوله یخطب علی الخروج للخطبة بقرینة ما روی اذا خرج الامام فلا صلاة ولاکلام فیکون مخالفاً لحدیثه الذی یرویه ویکره [۲]) ودر شامی آمده است: (والظاهر ان مثل ذلک یقال ایضاً فی تلقین المرقی الاذان للموذن الظاهر ان یکون الکراهة علی الموذن دون المرقی لان سنة الاذان الذی بین یدی الخطیب تحصل با ذان المرقی واجابة الاذان حینذ مکروهة) آشکار می گردد که این کراهیت نزد احناف چنان مسلم ومشهور می باشد که در آن هیچ کسی محلی برای دقت واختلاف نمی بیند پس از این سخن صحت قول صاحب الدر المختار درباب الاذان واضح می گردد که می گوید: (وینبغی ان لایجیب بلسانه اتفاقاً فی الاذان بین یدی الخطیب) البته از کلمه (اتفاقاً) این شبه پدید می آید که این کراهیت نه مطابق قاعده امام صاحب است ونه موافق قول صاحبان مگر جواب آن این است که هدف صاحب الدر المختار آن است که مشایخ به اتفاق در این مورد قول امام صاحب را اختیار فرموده اند وبه اتفاق فتوٰی داده اند که جواب اذان دوم جمعه مکروه می باشد.

ثانیاً اگر چه قاعده صاحبان مقتضی جواز آن است اما تصریح جواز آن از ایشان نقل نگردیده بلکه امکان دارد که کراهیت منقول باشد ومی توان در این مورد قول صاحب الدر المختار را صحت دانست زیرا به مذهب اصحاب اعلم است پس در این صورت معنای اتفاق اتفاق نظر امام صاحب وصاحبان می باشد وچون چنین شخصیت بزرگی این اتفاق را نقل می کند پس برای ما

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۹ ، ط. س. ج۲ ص ۱۶۱-۱۶۰-۱۵۹. ظفیر

(۲) ایضاً حوالۂ بالا . ظفیر

شایسته است که فقط به خاطر آنکه من حقیر می گویم که مقتضای قول صاحبان نیز کراهیت این اجابت می باشد زیرا اجابت آخرین کلمه اذان بعد از ختم اذان می باشد که وقت شروع خطبه بوده وبه اتفاق وقت کراهیت کلام دینی ودنیایی است واینکه گفته شود که امام نیز اذان را اجابت می کند ودعای وسیله را می خواند پس خطبه شروع نگردیده محل تامل است زیرا آغاز خطبه پس از ختم اذان متوارث می باشد ودعوای اجابت امام خود فرع ثبوت است حالانکة تصریح فقها بر خلاف آن می باشد.

خلاصه آنکه قول تخطیه کشده (الدر المختار) بسیار عجیب بوده واز تصریح علامه سامی آشکار می گردد که کراهیت اجابت اذان بین یدی الخطیب یک امر مسلم می باشد طوریکه سیاق عبارت آنرا نشان می دهد. در آخر این نکته را به عرض می رسانم که به علت اختلاف نیز ترک اجابت احوط می باشد.

<u>نماز جمعه درجایی که یک هزار وسیصد نفر نفوس دارد</u>: سوال: ۲۰۷ یک منطقه یک هزار ودوصد الی یک هزار سیصد نفر نفوس دارد ودوکان ها نیز در وجود داشته واشیای مورد ضرورت نیز در آن دستیاب می باشد وهمیشه در آن نمازهای جمعه وعیدین خوانده می شود نماز جمعه وعیدین در این قریه چه حکم دارد؟

جواب: قریه مذکور قریه کبیره بوده ونماز های جمعه وعیدین در آن واجب واداء می باشد درشامی امده است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق قال ابو القاسم هذا بلا خلاف اذا اذن الوالی والقاضی ببنا المسجد الجامع واداء الجمعة [1])

<u>خطبه به زبان غیر عربی خلاف سنت است</u>: سوال: ۲۰۸ بادلائل تحریر فرمائید که در خطبه نظم یانثر به زبان یگری غیر از عربی جائز است یا ناجائز؟

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸). ظفیر

جواب: از آنجائیکه هدف خطبه ذکر خداوند متعال می باشد نه وعظ بلکه وعظ یک چیز ضمنی است به این دلیل مذهب امام ابوحنیفه آن است که اگر در خطبه فقط ذکر خداوند صورت گیرد وپنده وغیره نباشد نیز جائز است (ولنا ان الخطبة ذکر والمحدث والجنب لا یمفان [۱]) ودر هدایة آمده است: (فان اقتصر علی ذکر الله تعالی جاز عند ابی حنیفة [۲]) ودر بعض ازکتب فقه نیز می خوانیم که (یصح الاقتصار فی الخطبة ذکر خالص لله تعالی عند ابی حنیفة رح) از عباراتی که نقل کردیم مضمون فوق به اثبات می رسد پس چون خطبه در اصل فقط نام ذکر است پس ضرورتی به آن باقی نمی ماند که خطیب به خاطر بعضی از سامعین زبان قران پیامبر وجنت را گذاشته وبه اردو، انگلیسی، جاپانی، فارسی وپشتو خطبه بخواند تعامل سلف صالحین صحابه وتابعین وائمه نیز چنین بوده زیرا با وجود آنکه صحابه (رضی) به سر زمین فارس تشریف آوردند اما خطبه را به فارسی نخواندند بلکه به عربی می خواندند طوریکه این مسأله را شاه ولی دهلوی نقل کرده است [۳] این عملکرد صحابه دلالت بر آن دارد که خطبه باید به عربی باشد اما به زبان غیر عربی چون فارسی یا اردو جائز مگر خلاف سنت پیامبر (ﷺ) ومخالف تعامل صحابه تابعین وائمه مجتهدین می باشد. مولانا صاحب عبد الحی لکهنوی در عمدة الرعایة حاشیه شرح وقایه در باب الجمعة تحریر فرموده اند که خطبه به نظم ونثر اردو جائز اما مکروه تحریمی است. [۴]

اجتماع عید وجمعه: سوال: ۲۰۹ در صورتیکه عید وجمعه در یک روز واقع شوند عده ای از مردم می گویند که نماز جمعه خوانده نشود وبه روایت صحیح مسلم استدلال می نمایند این

---

(۱) مبسوط ج۲ ص۲۶. ظفیر

(۲) هدایه ص ۱۵۱ ج۱. ظفیر

(۳) مصفی مسوی ج۱ ص ۱۵۳. ظفیر

(٤) فلوخطب بالفارسیة اوبغیرها جاز کذا قالوا والمراد بالجواز هو الجواز فی حق الصلاة بمعنی انه یکفی لاداء الشرطیة وتصح بها الصلاة لا الجواز بمعنی الاباحة المطلقة فانه لا شک فی ان الخطبة بغیر العربیة خلاف السنة المتوارثة من النبی ﷺ والصحابة رضی الله عنهم فیکون مکروها تحریما وکذا قراءة الاشعار الفارسیة والهندیه فیها (حاشیه وقایه ج۱ ص۲٤۲). ظفیر

سخن تاچه اندازه ای صحت دارد وآیا نماز جمعه خوانده شود یانه؟

جواب: درمسلم شریف به جستجوی این حدیث پرداختیم مگر از آن اثری ندیدم اما در ابو داود فعل عبدالله بن زبیر نقل گردیده مگر چون غور صورت گیرد می دانیم که به دلیل یک صحابی قول وفعل پیامبر (ﷺ) را ترک کردن خلاف انصاف است در زمان پیامبر (ﷺ) نیز چنین تصادفی واقع شده بود اما پیامبر (ﷺ) جمعه را اداء نمود وبه مردم قریه گفت که اگر شما می خواهید می توانید بروید مگر ما نماز جمعه را اداء می کنیم که این مسأله در ابو داود وغیره کتب موجود است. باید یاد اور شد که علما فعل عبدالله بن زبیر را تاویل کرده اند نکته دیگر آن است که نماز جمعه به آیت قرانی ثابت می باشد که ترک ویا تخصیص آن به اساس فعل یک صحابی با عقل سلیم موافق نمی نماید.

نماز جمعه درقریه: سوال: ۲۱۰ نماز جمعه در قریه جائز است یانه واینکه در حدیث شریف از حضرت علی (رضي الله عنه) روایت گردیده که (لاجمعة ولاتشریق) عمل به ان ضرور است یانه؟

جواب: در قریهٔ کوچک نماز جمعه درست نیست وعمل به حدیث حضرت علی (رضي الله عنه) نزد احناف لازم بوده ومصر شرط وجوب واداء نماز جمعه می باشد [۱].

مناجات پس از اذان دوم: سوال: ۲۱۱ در روز جمعه بعد از اذان دوم مناجات کردن چطور است؟

جواب: مکروه وممنوع می باشد زیرا در الدر المختار آمده: (وینبغی ان لا یجیب بلسانه اتفاقا فی الاذان بین یدی الخطیب [۲] ودر شامی آمده: (واجابة الاذان حینئذ مکروهة [۳] ودر کتب [۴]

---

(۱) الدر المختار باب الجمعة. ظفیر

(۲) الدر المختار باب الاذان ج۱ ص ۶۵. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۹ ، مطلب فی حکم المرقی بین یدی الخطیب. ظفیر

(۴) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸. ظفیر

حدیث روایت گردیده (اذا خرج الامام فلاصلاة ولاکلام) پس آشکار گردید که باید پس از اذان دوم جمعه به زبان دعا ومناجات نشود. فقط

کار دیگری هنگام خطبه: سوال: ۲۱۲ پیامبر (ﷺ) در حالیکه خطبه می خواند دید که امام حسن وامام حسین (رضی) افتادند پس خطبه را قطع کرد وآنها را بلند نمود پس اکنون اینکاز جائز است یانه؟

جواب: این خصوصیت پیامبر (ﷺ) است ویا اینکه اندیشه از آن باشد که طفل زخمی خواهد شد درچنان حالتی اکنون نیز خطیب می تواند خطبه راقطع کند طوریکه در الدرالمختار در بعضی مواضع حکم قطع کردن نماز آمده است: (ویجب القطع لنحو انجا غریق او حریق [۱]).

نماز جمعه درصورتیکه پادشاه مسلمان نباشد: سوال: ۲۱۳ جایی که پادشاه مسلمان نباشد در آنجا نماز جمعه صحیح نمی شود آیا این سخن صحیح است یانه؟

جواب: این تصور غلط است که جایی که پادشاه اسلام نباشد در آنجا جمعه اداء نمی شود در شامی تصریح این مسأله موجود است [۲].

نماز جمعه در قریه: سوال:۲۱٤ در یک قریه با وجود عدم جواز اکثر مردم بدانجهت نماز جمعه را می خوانند که از گذشته ها در آنجا جمعه خوانده می شود در این صورت چنین کسانی شرعاً ماخوذ هستند یا نه؟

جواب: در قریه ای که به علت کوچکی نماز جمعه درآن نزد احناف درست نیست درآنجا نباید به هیچ تصوری نمازجمعه خوانده شود درکتب فقه نوشته اند که درچنین جایی خواندن جمعه گناه

(۱) ویباح قطعها لنحو قتل حیة (الی قوله) ویجب لاغاثة ملهوف وغریق وحریق الخ (الدر المختار باب مایفسد الصلوٰة ج۱ ص۹۳). ظفیر

(۲) والسلطان (الی قوله) والاطلاق مشعر بان الاسلام لیس بشرط وهذا اذا امکن استیذانه والا فالسلطان لیس بشرط فلو اجتمعوا علی رجل وصلوا جاز (جامع الرموز باب الجمعة ج۱ ص۱۱٦) معه انها تصح (ای الجمعة) فی البلاد التی استولی علیها الکفار کما سنذکره (ردالمحتار باب الجمعة ط. س. ج۲ ص۱۳۸) فلو الولاة کفارا یجوز للمسلمین اقامة الجمعة ویصیر القاضی قاضیا بتراضی المسلمین ویجب علیهم ان یلتمسو والیا مسلما (ایضا ج۱ ص۷٥٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱٤٤). ظفیر

بوده وبر علاوه گناه ترک جماعت ظهر نیز برگردن ایشان می افتد [۱] بهتر آن است که به قصبه ای رفته ونماز جمعه را اداء کنند که باعث ثواب می شود ودر حدیث شریف آمده است که مردم قریه ها به مدینه آمده ونماز جمعه را اداء می نمودند.

نماز جمعه مولانا نانوتوی (رح) درقریه ها: سوال: ۲۱۵ اکثر مردم اعتراض می نمایند که مولانا محمد قاسم وحضرت حاجی امداد الله نماز جمعه را در قریه ها اداء نموده اند اگر نماز جمعه در قریه ها جائز نباشد پس ایشان چرا اینکار را می کردند؟

جواب: اصل آن است که در کتب معتبر فقه مثل هداية وشرح وقاية والدر المختار وشامی ثابت می باشد که برای اداء جمعه ووجوب آن مصر شرط می باشد وشامی نقل می نماید که در قصبه وقریهٔ کبیرة نیز جمعه اداء می شود زیرا این دو نیز در حکم مصر می باشند [۲].

در الدر المختار وشامی این نکته نیز نقل گردیده که در قریهٔ کوچک جمعه درست نبوده بلکه مکروه تحریمی می باشد [۳] پس اگر حضرت حاجی شاه امداد الله (قدس سره) یا حضرت مولانا محمد قاسم صاحب (قدس سره) در قریه ها نماز خوانده اند آن قریه ها قریه های کبیره بوده اند زیرا بدون هیچگونه بحثی ناگفته پیداست که حضرت مولانا گنگوی که خلیفه حضرت حاجی صاحب (قدس سره) می باشد از کارهای پیر وبرادر خویش بهتر اگاه بود وشما فتوای او را شاید دیده وشنیده باشید که به چه شدتی ازنماز جمعه در قریه ها منع می کرد ودر این مورد کتاب نیز نوشته است اگر قبول کنیم که دراین مورد علما اختلاف دارند باز هم احتیاط ترک جمعه درقریه های کوچک می باشد زیرا اجتناب از امر مکروه نسبت به عمل برسنت یا مستحب مقدم است.

(۱) وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب کما فی المضمرات والظاهر انه ارید به الکراهة لکراهة النفل بالجماعة الا ترٰی انّ فی الجواهر لو صلوا فی القرٰی لزمهم اداء الظهر (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸، ط.س. ج۲ ص۱۳۸). ظ

(۲) تقع فرضا فی القصبات والقرٰی الکبیرة التی فیها اسواق (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸). ظفیر

(۳) وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب الخ والظاهر انه ارید به الکراهة لکراهة النفل بالجماعة الا ترٰی انّ فی الجواهر لو صلوا فی القرٰی لزمهم اداء الظهر (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸). ظفیر

برای نماز جمعه وجود مسجد جامع شرط نیست: سوال: ۲۱۶ شخصی درکتاب خویش نوشته که وجود مسجد جامع برای اداء نماز جمعه شرط نمی باشد مسأله چطور است؟

جواب: در مورد این مسأله باید گفت که بلی برای نماز جمعه مسجد جامع شرط نمی باشد در سائر مساجد شهر ویا میدان نیز اداء می شود که برای آن این شرط وجودب دارد که در جایی که خوانده می شود باید شهر یا قصبه یاقریهٔ کبیره باشد در قریه صغیره جمعه نزد احناف درست نمی باشد [1] در حدیث از عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه) روایت گردیده که: (لا جمعة ولاتشریق الا فی مصر جامع). فقط

نماز جمعه شخص ضعیف: سوال: ۲۱۷ شخصی که ضعیف است ونمی تواند فاصله تا مسجد جامع را طی کند ویا مسجد جامع در جایی بلندی واقع باشد ونتواند به آنجا بالاشود نماز جمعه را کجا اداء نماید؟

جواب: درهر مسجدی که جمعه اداء شود می تواند نماز جمعه را بخواند رفتن به مسجد جامع ضرور نیست. فقط

نمازهای سنت هنگام خطبه: سوال: ۲۱۸ هنگام خطبه خواندن نمازهای سنت چه حکم دارد؟

جواب: هنگام خطبه نمازهای سنت درست نیست از وقتیکه امام بر منبرْ بالاشود وبه خطبه شروع کند ازهمان وقت نماز وغیره ممنوع می باشد زیرا پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: (اذا خرج الامام فلا صلاة ولا کلام [2]). فقط

دریک شهر درچند محل نماز جمعه درست یانه وچند سوال دیگر: سوال: ۲۱۹ اینکه دریک منطقه درچند محل نماز جمعه خوانده شود آیا درثواب آن چیزی کمی نمی اید؟ امردی

---

(۱) وتقع فرضا فی القصبات والقرٰی الکبیرة التی فیها اسواق (الی قوله) وفیما ذکرنا اشارة ان لا تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ط.س. ج۲ ص۱۳۸). ظفیر

(۲) الدر المختار باب الجمعة ص ۱۱۳ ج۱. ظفیر

که تنها باشد از شرکت او در جماعت چیزی نقصان پیش نمی شود؟ درتعلیم علوم دینی قید گیری مانند مدارس امروزی جائز است یانه؟ قانون جریمه مدرسین را بصورت مستدل شرح فرمائید معاش گرفتن مدرسین به شکل تعیین شده ماهوار درست است یانه؟

جواب: الف: دریک شهر درچند محل جمعه درست بوده وبدین ترتیب در ثواب نماز جمعه نقصان واقع نمی شود در الدر المختار آمده است: وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقاً علی المذهب وعلیه الفتوی. (۱)

ب: شریک شدن امرد در جماعت درست است واگر امرد تنها ونابالغ باشد باز هم شریک کردن أو در جماعت جائز می باشد چنانچه این مسأله در شامی آمده است (۲).

ج: اگر در مدارس دینی نظم تقسیم اوقات وغیره مانند مکاتب عصری باشد حرجی نیست وجریمه مالی در شریعت دوست نبوده اما معاش استاداءن وکارمندان مطابق قواعد وضع شده می تواندباشد عیدی گرفتن مدرسین از اطفال مطابق عرف درست می باشد. نماز عقب عالم دین افضل بوده وعالم دین باید متعصب باشد ومنظور از متعصب پختگی در دین است.

آیا برای مکبر اجازه امام ضرور است: سوال: ۲۲۰ اگر در نماز جمعه وعیدین بدون اجازه امام کسی تکبیرات رکوع وسجده را به آواز بلند بخواند تا برای سائر نماز گزران سهولت پیش آید، آیا جائز است یانه؟ یکی از علما می گفت که اگر کسی بی اجازه امام چنین کند نمازش صحیح نمی شود آیا این سخن درست است یا غلط؟

جواب: برای سهولت واطلاع نماز گزاران تکبیرات به رابه آواز بلند گفتن جائز بوده واجازه امام برای آن ضرور نیست، این که اگر مقتدی بدون اجازه امام چنین کند جائز نبوده ونمازش فاسد

---

(۱) وتؤدی فی مصر واحد بمواضع کثیرة مطلقاً علی المذهب وعلیه الفتوی (الدر المختار ص ۷۵۵ ج۱).

(۲) یصف الخ الرجال الخ ثم الصبیان ظاهره تعددهم فلو واحد دخل الصف (درمختار مختصر) وکذا لوکان المقتدی رجلا وصبیا یصفهما لحدیث انس الخ (ردالمحتار ج۱ ص ۵۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۵٦۸ – ۵۷۱). ظفیر

می گردد غلط است. فقط

در قصبه ای که۲۵۰۰ نفر نفوس دارد نماز جمعه جائز است: سوال: ۲۲۱ منطقه ای است که درگذشته هشت الی نه هزار نفر نفوس داشت ودارای ولسوالی وقوماندانی امنیه نیز بود اما بعداً ولسوالی منحل گشت ورفته رفته به اثر حوادث روزگار نفوس آن کم شد اکنون حدود ۲۵۰۰ نفر نفوس دارد واشیای مورد ضرورت اکنون نیز در آن پیدا می شود دارای یازده مسجد بوده وهفته یکبار روز بازار می باشد واکنون مسجد جامع در حال اعمار است ایا درآنجا نماز جمعه جائز می باشد یانه؟

جواب: در منطقه ای که در سوال تذکر رفته جمعه واجب واداء بوده وباید نماز جمعه خوانده شود، زیرا در حقیقت قصبه می باشد اگر چه حوادث روزگار نفوس آنرا کم ساخته واکنون هم با قریه کبیره برابر است، در شامی آمده که در قصبات وقریه های کبیره نزد احناف نماز جمعه اداء می باشد لذا باید در این منطقه نماز جمعه خوانده شود [1].

وقت نماز جمعه: سوال: ۲۲۲ در الدر المختار نقل گردیده که از وقت نماز جمعه هیچ کسی اگاهی ندارد اما علما به این نکته اتفاق کرده که در وقت نماز ظهر خوانده شود وقت نماز جمعه چه وقت است؟

جواب: عبارت الدر المختار چنین است: (وجمعة کظهر اصلاً واستحباباً) معنی این سخن آن است که وقت جمعه همان وقت ظهر می باشد [2] اینکه پرسنده می گوید که الدر المختار نوشته که هیچ کسی از وقت جمعه اگاهی ندارد کاملاً غلط بوده ودر هیچ جایی از الدر المختار چنین نیامده است. فقط

---

(۱) وتقع (الجمعة) فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸).
ظفیر الدین غفر الله له

(۲) والثالث وقت الظهر فتبطل الجمعة بخروجه مطلقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۷). ظفیر

نماز جمعه درچه جایی جائز است: سوال: ۲۲۳ پنج یا ده نفر با هم یکجا غرض انجام کاری به جایی می روند که از محل سکونت ده دوازده چند رسیدن آواز دهل فاصله دارد ودراین مدت روز جمعه فرا می رسد آیا ایشان باید کماز جمعه را بخوانند یانه واضح سازید خداوند شما را اجر دهد؟

جواب: برای وجوب واداء جمعه نیز مصر یا فنای آن شرط است یعنی نماز جمعه دو شهر، قصبه ویا قریه کبیره اداء می شود، در قریه کوچک ویا سرزمین خالی از سکنه نماز جمعه اداء نمی گردد اما اگر جنگل یا منطقه خالی سکنه قریب شهر بوده ودر فنای آن شامل باشد در آنجا نیز می توان نماز جمعه را اداء نمود [۱].

بعد از نماز جمعه چند رکعت سنت وجود دارد وبه چه ترتیب: سوال: ۲۲٤ بعد از فرض نماز جمعه چهار رکعت سنت خوانده شود یاشش، اگر شش خوانده اول چهار رکعت خوانده شود یا دو رکعت؟

جواب: شش رکعت بهتر است اول چهار رکعت وسپس دو رکعت [۲].

اگر در قریه صغیره نماز جمعه خوانده شود نماز ظهر از ذمه ایشان ساقط نمی گردد:

سوال: ۲۲۵ اگر شخصی در قریه نماز جمعه را اداء کند آیا نماز ظهر از ذمه او ساقط می گردد ویانه وآیا گنهگارمی شود یانه؟

جواب: اگر کسی در قریهٔ صغیره نماز جمعه را بخواند نماز ظهر از ذمه او ساقط نمی گردد ودر

---

(۱) ویشترط لصحتها المصر الخ او فناءه (درمختار ط. س. ج۲ ص۱۳۷) وتقع (الجمعة) فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الخ وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب (ردالمحتار ص ۷٤۸ باب الجمعة ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر الدین غفر الله له

(۲) وسن مؤکداً اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة واربع بتسلیمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب النوافل ج۱ ص۶۲۰) وذکر فی الاصل واربع قبل الجمعة واربع بعدها الخ وذکر الطحاوی عن ابی یوسف" انه قال یصلی بعدها ستا الخ ینبغی ان یصلی اربعا ثم رکعتین (بدائع الصنائع ج۱ ص ۲۸۵). ظفیر

الدر المختار آمده که چنین کاری مکروه تحریمی می باشد [۱].

دربزرگی قریه مسلمان وکافر حساب می گردد: سوال: ۲۲۴ قریه (سرسولی) از شهر هفده میل فاصله دارد به اساس نفوس شماری تعداد مسلمانان در این قریه به شمول زنان واطفال ۳۰۰ نفر می باشد، در این قریه مسجد وجود داشته ونماز های جمعه وعیدین همیشه در آن خوانده می شود دارای مدرسه دولتی وپسته خانه نیز بوده هفته دو روز روز بازار بود وبر علاوه بیست بیست وپنج دوکان نیز دارد، دوازده قریه دیگر نیز به آن متعلق است که آن قریه ها جمعاً سه هزار نفر نفوس دارند ونفوس خود این قریه به شمول مسلمانان وغیر مسلمانان ۱۵۰۰ نفر می باشد نماز جمعه در این قریه درست است یانه؟

جواب: درکوچکی وبزرگی تمام مردم (مسلمان وغیر مسلمان) حساب می گردد پس قریه ای که به اعتبار تمام نفوس خود قریه کبیره باشد نماز جمعه درآن واجب واداء است، چنانچه تصریح این مسأله در شامی آمده است، پس اگر آن قریه قریه کبیره شمرده می شود مطابق تصریحات فقها نماز های جمعه وعیدین درآن درست است [۲].

درجایی که بیش ازهزار نفر نفوس دارد نماز جمعه درست است: سوال: ۲۲۷ منطقه سلیم پور از قصبه سهنپور که در آن جمعه واجب است یک میل فاصله داشته ومتصل سلیم پور قریه (گدهی) قرار داشته ودرمیان سلیم پور وگدهی یک باغ واقع شده که از آن پنج وقت آواز اذان می آید، نفوس این منطقه جمعاً ۴۵۰۰ نفر بوده، سلیم پور ۲۳۰۰ نفر وگدهی ۲۲۰۰ نفر نفوس دارد، سلیم پور در گذشته ها ولسوالی بود وحدود هفت هزار نفر نفوس داشت اما به علت انقلاب وحوادث روزگار نفوس آن کم شد اما کنون هم تمام اشیای مورد ضرورت در آن

---

(۱) وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز (الجمعة) فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب الخ الا تری ان فی الجواهر لو صلوا فی القری الصغیرة لزمهم الظهر (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳۸) وفی القنیة صلاة العید فی القری تکره تحریما لانه اشتغال بما لایصح (درمختار) قوله صلاة العید ومثله الجمعة (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۷). ظفیر

(۲) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظفیر

دستیاب می باشد آیا نماز های جمعه وعیدین درآن واجب است یانه؟

جواب: سلیم پور اکنون هم قریه کبیره بوده ودرقریه کبیره جمعه واجب واداء می باشد طوریکه در شامی بدان تصریح کرده است، پس باید درسلیم پور نماز جمعه خوانده شود وهم چنین در (گدهی) جمعه اداء می باشد.

جایی که یک هزار وسیصد نفرنفوس داشته و دارای بازار باشد نماز جمعه درآن جائز است:

سوال: ۲۲۸ جایی که من اکنون در.آن مقرر شده ام قبلاً قریه یا شهر نبوده بلکه به دلیل آنکه ایستگاه قطار آهن می باشد گدام در آن قرار دارد وقطار های اهن از سه جهت بد آنجا آمده ورد وبدل می گردند بیست، بیست ودوسال قبل در مقابل ایستگاه قطار آهن درسرک لاهور پیشاور چند دوکان ساخته شد وسپس طوری به مندوی تبدیل شد که فروشندگان اجناس خود از قبیل روغن، برنج وگندم را از مناطق دور دست غرض فروش می آوردند، اکنون در اینجا منازل پخته کاری آباد گردیده وحدود ۱۳۰۰ نفر نفوس دارد تمام اشیای مورد ضرورت در آن دستیاب بوده ودارای ماموریت پولیس ومکتب دولتی نیز می باشد ونفوس آن روز به روز زیاد تر شده می رود در نماز جمعه بیست الی بیست وپنج حاضر می باشد، نماز جمعه درآن خوانده شود یانه؟

جواب: در منطقه ای که در این سوال از آن یاد شده، نماز جمعه در واجب واداء می باشد، پس باید نماز جمعه درآن خوانده شود.

در خانه های که از قریه دور واقع شده اند جماعت می شود یانه؟

سوال: ۲۲۹ مردمی که خانه های شان از مسجد ۴۰۰- ۵۰۰ متر فاصله دارد وآواز آذان به ایشان نمی رسد اگر به جای مسجد حصه ای را در خانه برای نماز جماعت مخصوص گردانند وشش هفت نفر نماز با جماعت بخوانند آیا آن حصه خانه حکم مسجد را پیدا می کند یانه؟

جواب: آن حصه مخصوص خانه در حکم مسجد نمی آید [۱] اما اگر درآنجا نماز با جماعت خوانده شود، ثواب جماعت حاصل می گردد.

نخست شهر بود واکنون دو دونیم هزار نفر نفوس دارد نماز جمعه درآن جائز است یا نه: **سوال:** ۲۳۰ منطقه ای که قبلاً شهر بوده واکنون نفوس آن کم گردیده ودوالی دونیم هزار نفر نفوس دارد نماز جمعه در آن جائز است یانه، اگر جائز است به حساب وضیعت کنونی آن جائز می باشد یا وضیعت سابقه اش؟

جواب: قریه کبیره که دارای بازار باشد مانند قصبه است وعلایم شهر بودن در آن دیده می شود پس جایی که قبلاً شهر بزرگی بوده واکنون دو دونیم هزار نفر نفوس دارد ودارای دوکان بازار وغیره باشد در حقیقت مصر بوده ودر ادای نماز جمعه درآن ترددی نیست ونشانه قریه کبیره آن است که مانند قصبه به نظر آید [۲].

خطبه جمعه فرض است یاسنت: **سوال:** ۲۳۱ (الف) خطبه جمعه فرض است یاسنت؟

هنگام خطبه ذکر جائز است یانه: **سوال:** ۲۳۲ (ب) هنگام خطبه کدام نوع ذکر جائز است یا باید خاموش بود؟

جواب: درخطبه فرض [۳] فرض مطلق ذکر است تا جایی که اگر فقط (الحمدالله) یا (سبحان الله) بگوید فرض خطبه اداء می شود اما سنت ان است که دو خطبه باشد، طوریکه در الدر المختار ودیگر کتب آمده: (وکفت محمیده وتهلیلة اوتسبحیة للخطبة المفروضة مع الکراهة... [۴] ویسن

(۱) ولا یکره ما ذکر فوق بیت جعل فیه مسجد بل ولا فی فیه لانه لیس بمسجد شرعا (الدرالمختار علی هامش رد المحتار، مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص ۶۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۶۵۷). ظفیر

(۲) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الخ (ردالمحتار ص ۷۴۸ ج۱ ط. س. ج۲ ص ۱۳۸). ظ

(۳) خطبه دجمعی داداء دصحیح کیدلو دپاره شرط ده (یشترط لصحتها سبعة اشیاء الاول المصر الخ والرابع الخطیب فیه (الدر المختار باب الجمعه. ط. س. ج۲ ص۱۳۷). ظفیر

(۴) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۵۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۴۸). ظفیر

خطبتان.

ب: وهنگام خطبه باید خاموش بود وآنرا شنید، هیچ نوع نماز ذکر تسبیح وغیره نباید در این وقت صورت گیرد چنانچه تفصیل این موضوع در کتب فقه آمده کسی می خواهد به مراجعه کند. فقط

کسی که سنت قبل از نماز جمعه را قبل از خطبه نخوانده چه کند: سوال: ۲۳۳ چهار رکعت سنت قبل از نماز جمعه از شخصی مانده واکنون خطبه شروع گردیده آن چهار رکعت را چه وقت بخواند؟

جواب: هنگام خواندن خطبه باید خاموش بود وبه آن گوش فرا داد نباید هیچ نوع ذکر، تسبیح نماز وغیره راخواند، چنانچه این موضوع در کتب فقه آمده است [1] بعد از شروع خطبه سنت را نخوانید بلکه آنرا بعد از نماز جمعه بخوانید ودر وقت خطبه دیگری نیز نباید آنرا بخوانید.

احاطه ای در فاصله یک میل از شهر قرار دارد نماز جمعه درآن جائز است یانه: سوال: ۲۳٤ یک احاطه که دوازده میل مساحت دارد از شهر به فاصله یک میل واقع شده، نماز جمعه درآن درست است یانه؟

جواب: اگر آن احاطه در شمار فنای شهر باشد نماز جمعه در آن صحیح است [2].

در قریه های ایالت بنگال نماز جمعه جائز است یانه: سوال: ۲۳۵ ما قولکم رحمکم الله در این مسأله که فی در ایالت بنگال جم غفیر در دهات نماز جمعه اداء می کنند به این دلیل که

---

(۱) اذا خرج الامام من الحجرة ان كان والا فقيامه للصعود فلا صلاة ولاكلام الى تمامها (درمختار) قوله فلا صلاة شمل السنة وتحية المسجد الخ قوله لا كلام اى من جنس كلام الناس اما التسبيح ونحوه فلا يكره وهو الاصح كما فى النهايه والعنايه وذكر الزيلعى ان الاحوط الانصات ومحل الخلاف قبل الشروع اما بعده فالكلام مكروه تحريما باقسامه كما فى البدائع وقال البقالى فى مختصره واذا شرع فى الدعاء لا يجوز للقوم رفع اليدين ولا تامين باللسان جهرا فان فعلوا ذلک الموا وقيل اساءوا، ولا اثم عليهم والصحيح هو الاول وعليه الفتوى (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸). ظفير

(۲) ويشترط لصحتها المصر او فناءه. (درمختار باب الجمعة ط. س. ج۲ ص۱۳۷). ظفير

مردم از گذشته در چنین قریه ها نماز جمعه را اداء کرده اند گروهی از علمای حنیفه آن دیار می گویند اگر چه نزد امام ابوحنیفه دردهات جمعه روا نیست مگر دراین مسأله به تقلید ازامام شافعی در قریه نماز جمعه را اداء می کنیم، این سخن ایشان چطور است ونماز ایشان اداء می گردد یانه مطابق به مذهب حنفی جواب مدلل تحریر فرمائید.

جواب: نماز جمعه به اتفاق احناف مخصوص مصر بوده ودر قری جائز نیست، طوریکه در هدایه آمده: (صلوة الجمعة لاتصح الافی مصر جامع) وهمچنان: (مصلی المصر ولاتجوز فی القری [1]) ودرموضوع مصر ازامام ابوحنیفه منقول است که دارای بازارها کوچه ها وحاکم نافذ کننده حدود باشد، چنانچه این موضوع در مواهب طرابلسی نقل گردیده اما اگر کفار غلبه کردند وحکومت اسلامی از میان رفت وتحقق شرط حاکم نافذ کننده مفقود گشت پس اگر قریه هایی که شما در مورد آنما پرسیده اید دارای بازارها کوچه ها باشند پس به موجب روایت مذکور نماز های جمعه وعیدین در آنها بدون شبه رواست ودر غیر نه، طوریکه در (الشمنی) آمده است: (فلا یؤدی فی مفازة لما روی البیهقی فی المعرفة وعبد الرزاق وابن ابی شیبة فی مصنفیهما عن علی انه قال لا جمعة ولا تشریق ولا صلوة الفطر ولا اضحی الافی مصر جامع او المدینة ولانه کان المدینة النبی (ﷺ) فی کثیرة ولم ینقل عنه علیه السلام انه امر باقامة الجمعة فیها...) وکسانی که در قریه ها به تقلید امام شافعی نماز جمعه را می خوانند درنماز های پنجگانه ومسائل متعدد دیگر بر مسلک شافعی عمل نمی کنند اینکار ایشان تلفیق گفته می شود وتلفیق نزد فقها باطل است پس قول عده ای از علمای حنفی در بارۀ جواز نماز جمعه در دهات هرگز درست زیرا بر خلاف ظاهر مذهب ومخالف قول مفتی به می باشد ونماز ایشان نه نزد احناف صحیح می شود ونه نزد شوافع پس گناه ترک نماز ظهر وقیام جمعه در حالیکه جائز نمی باشد بر گردن ایشان است والله تعالی اعلم. فقط

(۱) هدایه باب صلوة الجمعة ج۱ ص۱۵۰). ظفیر

درېنگال جایی که قراء متصل یکدیگر اند نماز جمعه جائز نیست: **سوال**: ۲۳٦ دربنگال بعضی از قراء متصل یکدیگر واقع شده اند ومردم از گذشته ها در آن مناطق نماز جمعه نمی خوانند اکنون بعضی از علمای بنگال می گویند که در این جاها بدون هیچگونه شکی نماز جمعه روا می باشد مردم منتظر فتوای شما هستند.

جواب: درقریه نماز جمعه نزد احناف واجب نبوده واداء نمی باشد طوریکه در الدر المختار مشهور به شامی آمده است: (وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قافي ومنبر خطیب کما فی المضمرات والظاهر انه یرید به الکراهة النفل بالجماعة الاتری ان فی الجواهر لو صلوا فی لقری لز مهم اداء الظهر [۱]) قوله صلوة العید ومثله الجمعة [۲] از این روایت معلوم می گردد که در قریه های صغیره نماز جمعه صحیح نبوده وادای نماز ظهر لازم است وخواندن نماز جمعه در قره صغیرة مکروه تحریمی می باشد ودهات بنگال تا جایی که معلومات بدست امده قریه های صغیره هستند پس به هیچ وجه نماز جمعه درآنها صحیح نیست.

درمیان دوخطبه دست بلند نمودن ودعا کردن چه حکم دارد: **سوال**: ۲۳۷ در میان دو خطبه جمعه دست بلند کردن ودعا نمودن درست است یانه؟

جواب: در میان دو خطبه اگر کسی دعا می نماید باید در دل دعا کند دست بلند کردن ودعا نمودن در این هنگام درست نیست [۳].

قبل از خطبه وعظ کردن چطور است: **سوال**: ۲۳۸ یک مولوی صاحب قبل از خطبه هنگامی که مردم نماز سنت را می خوانند وعظ می کند وبدین ترتیب کسانی که نمازسنت را می خوانند دچار مشکل می شوند درچنین حالتی باید نماز سنت راخواند یابه وعظ گوش فرا داد؟

---

(۱) شامی باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷. ظفیر

(۳) واذا خرج الامام فلا صلاة ولاکلام الی تمامها الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص ۷٦۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸). ظفیر

جواب: در وقتی که در نماز نماز گزاران خلل واقع گردد ونماز سنت از عده ای بماند نباید وعظ کرد زیرا فقها تصریح فرموده اند که در صورتیکه ذکر بالجهر ویا تلاوت قران به جهر باعث خلل درنماز نماز گزاران گردد باید چنین ذکر وچنین قرائتی صورت نگیرد پس وعظ به این جمع اولی تر می باشد، لذا باید در چنین وقتی وعظ نشود واگر مولوی صاحب مذکور وعظ را نمی گذارد چون سنت قبل از نماز جمعه سنت موکد می باشد لذا آنرا ترک ننموده وحتماً بخوانید [۱]

نماز جمعه فرض است یانه وخطبه آن چه حکم دارد: سوال: ۲۳۹ دو رکعت نماز جمعه فرض است یانه وخطبه اول ودوم فرض می باشد یانه وآیا شنیدن خطبه واجب است یانه وهنگام خطبه صحبت کردن ونماز خواندن چه حکم دارد؟

جواب: دو رکعت نماز جمعه فرض است [۲] وخطبه فرض بوده [۳] ودو خطبه سنت [٤] می باشد وشنیدن همه خطبه ها فرض است. [٥] در هنگام خطبه صحبت کردن ونماز خواندن درست نیست زیرا در حدیث روایت شده: اذا خرج الامام فلا صلوة ولا کلام... [٦].

اذان دوم رو به روی منبر داخل مسجد باشد یا برون از آن: سول: ۲٤۰ اذان دوم جمعه در داخل مسجد در نزدیکی منبر است یابرون از مسجد در دروازه مسجد. ومراد ازلفظ علی باب المسجد در حدیث ابو داؤد چیست؟

---

(۱) وسن مؤکدا اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة (درمختار) ولهٰذا کانت السنة المؤکدة قریبة من الواجب فی لحوق الاثم ویستوجب تارکها التضلیل واللوم (ردالمحتار مطلب فی السنن النوافل ج۱ ص۶۳۰ ط. س. ج۲ ص۱۲).

(۲) هی فرض عین یکفر جاحدها لثبوتها بالدلیل القطعی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۷ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۶). ظفیر

(۳) ویشترط لصحتها الخ الخطبة فیه (ایضا ج۱ ص ۷۵۷ ، ط. س. ج۲ ص۱٤۷، باب الجمعة). ظفیر

(٤) ویسن خطبتان بجلسة بینهما (ایضا ج۱ ص۸۵۸ ، ط. س. ج۲ ص۱٤۸). ظفیر

(٥) یجب علیه ان یستمع (درمختار) حیث قال اذا الاستماع فرض کما فی المحیط اوواجب الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۹). ظفیر

(۶) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸. ظفیر

جواب: آذان دوم در داخل مسجد وروبه روی منبر مسنون است [1] تفصیل این مسأله وتاویل حدیث ابو داود در رساله هایی که در این باره منتشر گشته موجود است آنرا مطالعه نمائید.

نماز جمعه به همین ترتیب درست است یانه: سوال: ۲٤۱ من که به این نتیجه رسیده ام که نماز جمعه در دار الحرب جائز می باشد نماز جمعه رابه ترتیب ذیل می خوانم: قبل ازخطبه چهار رکعت سنت بعد از خط دو رکعت فرض با جماعت وپس از آن چهار رکعت سنت اما اگر وقتی به مسجد برسم که خطیب مصروف خواندن خطبه باشد خطبه را می شنوم وپس از آنکه فرض را با جماعت خواندم، اول چهار رکعت سنت قبل از فرض وبعد چهار رکعت سنت پس از فرض را می خوانم، آیا این ترتیب صحیح است یانه؟

جواب: بلی درست است باید همین ترتیب خوانده شود، اما اگر بعد از فرض جمعه شش رکعت سنت بخوانید بهتر است.

تعریف صحیح مصر چیست: سوال: ۲٤۲ یقیناً که نزد احناف برای وجوب جمعه مصر شرط می باشد اما چون در تعریف مصر اختلاف زیاد وجود دارد لذا می خواهیم این مسأله را بدانیم که تعریف معتبر ومفتی به کدام بوده وماخذ آن چیست که امید واریم این موضوع را به شکل مستدل بیان فرمائید قریه ای که تخمیناً ۱۲۰۰ نفر نفوس داشته ودارای پنج مسجد نیز می باشد وتمام هوائج اهل قریه در همانجا دستیاب می باشد ومصداق کامل این قول صاحب هدایه است که گوید: (انهم اذا اجتمعوا فی اکبر مساجد هم لم یسعهم) ونیز با این قول صاحب شرح وقایه منطبق است که گوید: (ولا یسع اکبر مساجده اهل مصر) بر علاوه چون در قریه مذکور مردم شریف اهل علم سکونت دارند مردم از قریه های گرد ونواح نیز برای شرکت در نماز جمعه آنجا می آیند که جمعیت بزرگی تشکیل می گردد لذا بیان فرمائید که درقریه مذکور بنابر تعریف

---

(۱) ویؤذن ثانیا بین یدیه ای الخطیب الخ اذا جلس علی المنبر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص ۷۷۰ ، ط. س. ج۲ ص۱٦۱، باب الجمعة). ظفیر

صاحب هدایه وشرح وقایه جمعه جائز است یانه؟ در صورتیکه نا جائز باشد دلیل اعراض از این دو تعریف ومأخذ قول مفتی به را تحریر فرمائید خداوند شما را اجر دهد ومردم از شما مشکور باشد. فقط

جواب: این تعریف مصر (وهو ما لایسع اکبر مساجد المکلفین بها) منقوض می باشد صحیح آن است که جایی که عرفاً شهر، قصبه ویا قریه کبیره گفته شود وضروریات مردم آن همانجا دست یاب باشد در حکم مصر است در شامی آمده: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق... وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاضی ومنبر وخطیب [1]) ودر الدر المختار در باب العیدین آمده: (صلاة العید فی القری تکره تحریما ای لانه اشتغال بما لایصح لان المصر شرط الصحة [2]) ودر شامی آمده: (مثله الجمعة [3]) پس معلوم گردید که در قریه صغیره جمعه درست نبوده در حالیکه تعریف: (ما لایسع اکبر مساجد...) بربسیاری از قریه ها صدق می کند به همین جهت شامی در ذیل این تعریف می گوید: (قوله وما لایسع هذا یصدق علی کثیر من القری...) بر علاوه بر تعریف مذکور این اعتراض نیز گرفته شده که مسجد حرام در مکه مکرمه ومسجد نبوی در مدینه منوره از آن خارج می گردند زیرا مالا یسع در مورد ایشان صدق نمی کند بلکه آن دو مسجد زیادتر از اهالی مکلف آن دو شهر گنجایش دارند چنانچه این موضوع در شرح منیه آمده است [4].

مولانا محمد قاسم ونمازجمعه: **سوال**: ۲٤۳ حضرت مولانا محمد قاسم در مورد جواز صلوة الجمعة فی القری تحقیقاتی دارند آنرا ملاحظه کنید وی در بخشی گوید: (واگر کسی در دهی

(۱) رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط.س. ج۲ ص ۱۳۸ . ظفیر
(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷٥ ، ط. س. ج۲ ص۱٦۷). ظفیر
(۳) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷٥ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦٥. ظفیر
(٤) والفصل فی ذلک ان مکة والمدینة مصران تقام بهما الجمعة من زمنه ﷺ الی الیوم فکل موضع کان مثل احدهما فهو مصر الخ حتی التعریف الذی اختاره جماعة من المتاخرین کصاحب المختار والوقایة وغیرهما وهو ما لو اجتمع اهله فی اکبر مساجده لا یسعهم فانه منقوض بهما اذ کل مسجد منهما یسع اهله وزیادة الخ (غنیة المستملی ٥۱۱). ظفیر

جمعه قایم کند دست گریبانش نزنند که اول این شرط مصر بودن ظنی.....) در حالیکه این قول او خلاف جمهور است به چه ترتیب می توان قول او را با نظر جمهور تطبیق کرد.

جواب: مذهب احناف معلوم ومشهور است که درقریهٔ صغیره جمعه درست نمی باشد زیرا ایشان برای ادای جمعه مصر شرط می دانند وتحقیق این مسأله با دلائل قوی در اوثق العری واحسن القری موجود است کتاب های مذکور را ملاحظه کنید اما اینکه حضرت مولانا نانوتوی (رح) فرموده است: (دست وگریبانش نزنند...) بدان جهت است که این مسأله ائمه اختلافی بوده وبر دلائل ظنی مبنی می باشد، لذا باکسانی که در قریه ها نماز جمعه را می خوانند جنگ وطعن نباید کرد زیرا در مسائل اختلافی مسلک محققین چنین است که نزاع وجدال در آن مناسب نمی باشد. فقط

جایی که چهار هزار نفر نفوس دارد نماز جمعه درآن جائز است: سوال: ۲٤٤ جایی که چهار هزار نفر نفوس داشته ودر فاصله یک میل از آن ایستگاه قطار آهن قرار دارد لذا بازار نیز در آنجا به وجود آمده ودر بازار مذکور ماموریت پولیس ومکتب نیز وجود دارد ونفوس در آن بازار سه هزار نفر می باشد وجمعاً نفوس خود قریه ایستگاه قطار آهن به هفت هزار نفر می رسد، در منطقه مذکور نماز های جمعه وعیدین صحیح است یانه؟

جواب: در قریه مذکور نماز های جمعه وعیدین واجب واداء می باشد، زیرا در شامی تصریح اگردیده که درقصبه وقریه کبیره جمعه فرض می باشد وقریه مذکور به اساس آنچه در سوال آمده. به ظاهر قریه کبیره است [1].

در قریه صغیره نماز جمعه جائز نیست: سوال: ۲٤٥: در قریه (هندواره) نود خانه زمینداران قرار دارد در چنین قریه نماز جمعه ممنوع است یا نه؟

---

(۱) وتقع فرض فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الخ (شامی باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۳۸). ظفیر

جواب: شامی از قهستانی نقل کرده: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب [1]) از این عبارت واضح می گردد که در قریه مذکور که نود خانه دارد جمعه اداء نمی شود زیرا قریۀ صغیره می باشد. فقط

در قصبه بزرگ نماز جمعه جائز است: سوال: ۲۴۶ در ولسوالی هزاره منطقه ای قرار دارد به نام (شنکباری) که دارای چهار مسجد بوده ودر بازار آن هشتاد دوکان می باشد ماموریت پولیس، پسته خانه وادارات دولتی دیگر نیز دارد دو گاهگاه کارمندان عالیرتبه دولتی به آنجا می آیند ودر آنجا نماز جمعه خوانده می شود اما اکنون شخصیتی از نماز جمعه در آنجا مانع می شود در قریه مذکور نماز جمعه چه حکم دارد؟

جواب: فقها تصریح کرده اند که درقصبات وقریه ها کبیره جمعه فرض بوده واداء می باشد واین را نیز واضح نموده اند که به اتفاق علمای حنفی در قریۀ صغیره نماز جمعه اداء نمی شود بلکه جماعت جمعه در قریۀ صغیره بدان معناست که کسی نماز نفل را به جماعت بخواند که به اتفاق علما مکروه می باشد، بزرگی وکوچکی قریه به مشاهده وتعداد نفوس معلوم می گردد در قریه ای که سه الی چهار هزار نفر نفوس دارد آشکارا قریۀ کبیره بوده ودر حکم قصبه می باشد وجایی که نفوس آن کمتر باشد.قریۀ صغیره گفته می شود شامی از قهستانی نقل کرده است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیره التی فیها اسواق... وفیما ذکرنا اشارة الی انها لا تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب...[2]) ودر الدر المختار آمده: (صلاة العید فی القری تکره تحریماً ای لانه اشتغال بما لایصح) قال فی الشامی: (قوله صلاة العید ومثله الجمعة [3]).

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۷. ظفیر

جایی که دو نیم هزار نفر نفوس دارد نماز جمعه درآن جائز است یانه: سوال: ۲۴۷ در منطقه (راکیره) تعداد مسلمانان دو نیم هزار نفر می باشد ودارای چهار مسجد بوده وهمچنان بازار ودوکان های عطاری زیاد نیز دارد وهمیشه نماز جمعه در آن خوانده می شود آیا نماز جمعه در ان جائز است یانه؟

جواب: قریه مذکور ظاهراً قریهٔ کبیره بوده ودر قریهٔ کبیره نزد احناف جمعه واجب واداء می باشد، طوریکه در شامی آمده: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة ... [۱]).

نماز جمعه در قریه های مستقلی که در نزدیکی بازار قرار دارند جائز است یانه: سوال: ۲۴۸ منطقه (چوتا) متصل بازار (کمتول) واقع بوده ونفوس بازار از سه چهار هزار نفر کم نیست وتمام اشیای ضروری درآن دستیاب می باشند آیا می توان منطقه مذکور را فنای مصر قرار داد مسلمانان به بازار مذکور رفته ونماز جمعه را بخوانند ویا نماز جمعه را در منطقهٔ خود قائم کنند یا نه؟

جواب: در حالیکه قریهٔ مذکور به نام مستقل مشهور بوده وبرای اغراض شهر نیست در حساب فنای مصر نمی آید (فالقول بالتحدید بمسافة یخالف التعریف المتفق علی ماصدق علیه بانه المعد لمصالح المصر فقدنص الائمة علی ان الفنا ما اعد لدفن الموتی ولحوائج المصر کرکض الخیل والدواب وجمع العساکر والخروج للرمی وغیر ذلک [۲]) پس مردم قریه های کوچک که در گرد نواح آن بازار وجود دارند در همان قریه های خویش نماز ظهر را بخوانند زیرا نماز جمعه در آنجا ها درست نیست [۳] اما اگر به شهر بروند درآنجا نماز جمعه را بخوانند [۱].

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۹. ظفیر

(۳) وفیما ذکرنا اشارة الی انه لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر الخ الا ترٰی ان فی الجواهر لو صلوا فی القری لزمهم اداء الظهر (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۷ – ۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸) وفی الخانیة المقیم فی موضع من اطراف المصر ان کان بینه وبین عمران المصر فرجة من مزارع لا جمعة علیه وان بلغه النداء ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۲ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۳). ظفیر =

آیا برای مرد قراء رفتن به شهر جهت ادای نماز جمعه ضرور است: سوال: ۲۴۹ آیا برای مردم قراء ضرور است که غرض ادای نماز جمعه به شهر بروند یانه واگر نروند آیا گنهگار می شوند یانه؟

جواب: برای مردم قریه های گرد ونواح رفتن به شهر جهت اداء نماز جمعه ضرور نیست ونه به اساس نرفتن گنهگار می شوند.

مقصد این عبارات چیست: سوال: ۲۵۰ اختلفو فی تفسیر المصر قال فی النهایة اختلفو فیه فعن ابی حنیفة هو ما یجتمع فیه مرافق اهله) همچنان: (وعن ابی حنیفة هو بلدة کبیرة فیها سکک واسواق ولها رساتیق) مقصد این دو عبارت چیست؟

جواب: عبارات مختلفی که در تعریف مصر وارد شده مقصد همه آنها فقط این است که مصر شهر بزرگی می باشد که دارای دوکانها وبازارها بوده واشیای مورد ضرورت درآن دستیاب باشد. فقط

آیا درقریه کوچک به اساس مصلحتی نماز جمعه جائز است: سوال: ۲۵۱ در یک قریه مردم خیلی ها علاقمند نماز جمعه هستند اما به اساس مذهب امام اعظم مانند دیگر ایام نمام ظهر را فرض عین دانسته وآنرا به جماعت اداء می کنند اکنون این خیال به وجود آمده که در روز جمعه برای جماعت جمع گردیده وبه شنیدن مسائل دینی پرداخته واز آن فیض برند، آیا به دلیل مفاد دینی که از این کار متصور است اگر نماز جمعه را اداء نمایند، آیا نماز ظهر از ذمه ایشان ساقط می گردد؟ باید یاد آوری کنیم که قریه مذکور چهار صد نفر نفوس داشته ومتصل آن قریه دیگری است که دو هزار نفر نفوس دارد.

---

(۱) وشرط لافتراضها (ای الجمعة) اقامة بمصر (درمختار) (قوله اقامة) خرج به المسافر وقوله بمصر اخرج الاقامة فی غیره الا ما استثنی بقوله فان کان یسمع النداء الخ ثم ظاهر روایة اصحابنا لا تجب الا علی من یسکن المصر او ما یتصل به فلا تجب علی اهل السواد ولو قریبا وهذا اصح ما قیل فیه (رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۲ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۳). ظفیر

جواب: احناف باید از امام ابوحنیفه تقلید کنند ومطابق مذهب خویش در قریهٔ صغیره نماز نخوانند بلکه نماز ظهر را با جماعت اداء نمایند اینکه قریه دیگری است که دو هزار نفر نفوس دارد ایم قریه را به قریه کبیره تبدیل نمی کند در شامی جلد اول در باب الجمعة آمده است: (وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب کما فی المضمرات [1]).

تعریف مفتی به مصر چیست ودر هندوستان نماز جمعه جائز است یانه: **سوال**: ۲۵۲ نماز های جمعه وعیدین در قریه جائز است یانه وتعریف مفتی به مصر چیست ودر مورد شرط وجود والی یا قاضی مسلمانان چه فتوایی وجود دارد ودر سرزمین هندوستان نماز جمعه واجب است یانه في جایی که هشت هزار خانه دارد قریه است یا شهر؟ اگر حکم جواز جمعه باشد احتیاط الظهر ضرور است یانه؟

جواب: اگر قریه بزرگ بوده ومانند قصبه دارای بازار ودوکان ها باشد نزد احناف نماز های، جمعه وعیدین در آن فرض است واگر قریهٔ کوچک باشد نمازهای جمعه وعیدین در آن درسیت، نیست، طوریکه در شامی در باب الجمعة آمده: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق... وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة ... [2]) در تعریف مصر اختلاف بوده وموضوع مذکور در کتب فقه آمده اما فیصله درمورد آن نیز در همین عبارت شامی صورت می گیرد واینکه قصبه وقریه بزرگ شرعاً مصر می باشد وقریهٔ کوچک مصر نیست تفصیلات بیشتر در مورد مصر را در کتب فقه ملاحظه فرمائید. در شامی تصریح گردیده که در سرزمین هایی که کفار برآنها مسلط شده نماز جمعه صحیح است ونبودن امام مسلمانان باعث عدم جواز جمعه نمی گردد، بلکه باید مسلمانان آن دیاربرای خود امامی تعیین نموده وعقب اونماز بخوانند

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۸ مطبوعه درسعادت ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۴۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

(۱) قریه ای که هشت هزار خانه ویا هشت هزار نفوس داشنه باشد قصبه ویا شهر بوده ودر آنجا بدون هیچگونه تردیدی نماز جمعه اداء می شود، لذا به احتیاط الظهر ضرورتی نیست.

این تعریف مصر که شرح وقایه وعده دیگری نقل کرده اند که: (انهم اذا اجتمعوا فی اکبر مساجد هم لم یسعهم) یا (مالا یسع فی اکبر مساجده اهل مصر) صحیح نیست وعلامه شامی آنرا واضح ساخته وگوید: (قوله ما لایسع هذا یصدق علی کثیر من القری [۲]) یعنی اگر تعریف مذکور را صحیح قبول کنیم، تعریف مذکور بر بسیاری از قریه های کوچک صدق خواهد کرد در حالیکه در آن قریه ها جمعه درست نیست سپس این نکته هم گفته شده که به این اساس مسجد حرام ومسجد نبوی در حرمین شریفین از این تعریف خارج می گردند زیرا در آنجا (مالایسع) یعنی که تمام نماز گزاران آن شهر در بزرگترین مسجد آنجا نگجند صادق نمی باشد، زیرا آن دو مسجد بیشتر از ساکنان نماز گزار آن دو شهر گنجایش دارند در شرح منیه آمده است: (حتی التعریف الذی اختاره جماعة من المتأخرین کصاحب المختار والوقایة وغیر هما وهو مالو اجتمع اهله فی اکبر مسأجده لایسعهم فانه منقوض بهما اذ مسجد کل منهما یسع اهله وزیادة...) غنیة المستملی ص ۵۱۱. لذا تعریف متأخرین را نمی توان درست دانست [۳] زیرا تعریف باید چنان جامع باشد نه به هر ترتیبی تطبیق گردد. فقط

قریه ای که یک هزار دو صد نفر نفوس دارد نماز جمعه در آن جائز است یانه: سوال:

۲۵۳ در این قریه ای وجود دارد به نام (سمیرا) که یک هزار ودوصد نفر نفوس داشته اما همه ایشان مسلمان نیستند بلکه حدود هشت صد الی نه صد نفر آنان مسلمان می باشند در اینجا نه

---

(۱) فلو الولاة کفارا یجوز للمسلمین اقامة الجمعة ویصیر القاضی قاضیا بتراضی المسلمین ویجب علیهم ان یلتمسوا والیا مسلما آهـ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۵٤ ، ط. س. ج۲ ص۱٤٤). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۷.

(۳) صاحب الدر المختار پس از نقل اقوال متاخرین می نویسد: (وظاهر المذهب انه کل موضع له امیر وقاض یقدر علی اقامة الحدود کما حررناه فیما علقنا علی الملتقی (درمختار) قوله ظاهر المذهب الخ قا ل فی شرح المنیة والحد الصحیح ما اختاره صاحب الهدایة انه الذی له امیر وقاض ینفذ الاحکام ویقیم الحدود الخ (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۷). ظفیر

بازاری وجود دارد ونه پسته خانه ای ونه محکمه ای ومواد مورد ضرورت نیز هر وقت در آن دستیاب نمی باشد اماشش هفت دوکان کم سرمایه دارد که یکی از آنها بزازی بوده وتکه های ار زان قیمت را می فروشد ودریک دوکان دیگر حلوا فروخته می شود وفقط یک مسجد دارد که روز جمعه حدود شانزده هفده نفر درآن جمع می شوند، البته این قریه مدرسه ای نیز دارد که - ۸۵- شاگرد درآن به سر می برند، در این قریه نماز جمعه باید خوانده شد یانه؟ زید می گوید که در اینجا از گذشته نماز جمعه خوانده شده اکنون چگونه می توان آنرا ترک کرد؟

جواب: آشکار است که موضع مذکورکه نفوس نزدیک یک هزار ودو صد نفر می باشد. قریهٔ کبیره نبوده بلکه قریه صغیره می باشد پس به اساس قواعد فقهی وتصریحات فقها در منطقهٔ (سمریا) باید نماز ظهر به جماعت خوانده شود طوریکه در ردالمحتار آمده: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیره التی فیها اسواق وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیره).

در جای که دو هزار هشتصد نفر نفوذ دارد نماز جمعه جائز است: سوال: ۲۵٤ منطقه (رابدنه) دوهزار وهشتصد نفر نفوس داشته وهر چند تمام اشیای مورد ضرورت در آن دستیاب نمی شود اما مواد خوراکی ازقبیل مرچ، نمک، ترکاری، برنج، دال وغیره در آن به فروش می رسد مجموعاً شانزده دوکان دارد که شکل بازار را نداشته ودور از هم واقع شده اند جمعاً چهار مسجد دارد که از آنجمله در دو مسجد نماز خوانده می شود لطف نموده بفرمائید که آیا قریه مذکور حکم قصبه را دارد یا قریه صغیره را همچنان بگوئید که نماز احناف عقب غیر مقلدین درست است یانه؟

جواب: از نامه شما معلوم گردید که قریه (رابدنه) تقریباً سه هزار نفر نفوس دارد که به نظر من قریه بزرگ است ودر شامی نوشته شده که در قریهٔ کبیره نماز جمعه واجب واداء می باشد که عبارت آن این است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیره التی فیها اسواق....) اگرچه منطقه

مذکور بازار ندارد امابه اعتبار نفوس می توان آنرا به قصبه ملحق دانست. [۱] نماز احناف عقب غیر مقلدین می شود مگر احتیاط بهتر بوده وتاجایی که ممکن باشد کوشش شود که چنین شخصی امام تعیین نگردند [۲].

حکم نماز جمعه درجایی که یک ونیم هزار نفر نفوس دارد: سوال: ۲۵۵ قریه ای که مجموع نفوس آن مسلمان وهندو جمعاً یک هزار وپنجصد نفر می شود ودارای سه مسجد ومنازل پخته کاری می باشد وهفته یکبار در آن روز بازار می شود وحدود ده دوکان کم سرمایه نیز دارد که اکثر اشیا چون غله جات، تکه، ادویه در آنها به فروش می رسد نماز جمعه درآن اداء می گردد یانه؟

جواب: مدار وجوب وعدم وجوب نماز جمعه را فقها بزرگی وکوچکی قریه نوشته اند وقریهٔ کبیره آن است که مانند قصبه بوده وسه الی چهار هزار نفرنفوس داشته باشد پس قریهٔ مذکور به اعتبار نفوس قریه کبیره به نظر نمی آید لذا ضرور است که در آنجا نماز ظهر به جماعت خوانده شود [۳]. فقط

بعد از فرض نماز جمعه چند رکعت سنت است: سوال: ۲۵۶ بعد از فرض نماز جمعه چند رکعت سنت وجود دارد؟

جواب: فقها حنفی نوشته اند که بعد از نماز جمعه چهار رکعت سنت مؤکد وجود دارد ودر بعضی روایات آمده که شش رکعت سنت می باشد لهذا احتیاط آن است که شش رکعت [٤]

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸) . ظفیر

(۲) ومخالفا کشافعی لکن فی وتر البحر ان یتقن المراعات لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ٥۲٦ ، ط. س. ج۱ ص ٥٦۲ – ٥٦۳). ظفیر

(۳) وتقع فرضا فی القصبات والقری الکبیره التی فیها اسواق (الی قوله) وفیما ذکرنا اشارة الی انها لا تجوز فی الصغیرة (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸) . ظفیر

(٤) وسن الخ قبل الظهر والجمعه وبعدها اربعة بتسلیمة (شرح وقایه باب الوتر والنوافل ج۱ ص ۲۰۰) . ظفیر

خوانده شود واگر نه خواندن چهار رکعت حتمی است.

منظور از نفوس برای قریه کبیره چیست: سوال: ۲۵۷ نوشته شده که قریهٔ کبیره باید چهار هزار نفوس داشته باشد منظور تعداد خانه ها است یا تعداد افراد؟

جواب: منظور تعداد افراد می باشد یعنی هر انسانی که در قریه زندگی می کند چه بزرگ باشد چه کوچک چه مرد باشد چه زن، چه مسلمان باشد چه هندو، اگر مجموع همه آنها به سه چهار هزار نفر برسد قریهٔ مذکور قریه کبیره بوده وفقها نوشته اند که در قریهٔ کبیره جمعه فرض می باشد طوریکه در شامی آمده: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة... [1]).

درخطبه هنگام ذکر نام پیامبر (ﷺ) باید درود خواند یانه؟ سوال: ۲۵۸ وقتی در خطبه نام گرامی پیامبر (ﷺ)، برده شود، سامعین درود بخوانند یانه؟ خفیه بخوانند یا جهر یا قطعاً هیچ نخوانند؟

جواب: در الدر المختار آمده است: (والصواب انه یصلی علی النبی (ﷺ) عند سماع اسمه فی نفسه) ودر شامی آمده: (کذا اذا ذکرالنبی (ﷺ) لایجوز ان یصلی علیه بالجهر بل بالقلب وعلیه الفتوی....) مفهوم این هر دو عبارت آن است که وقتی نام پیامبر (ﷺ) در خطبه شنیده شود در دل درود بخواند وبه جهر نخوانده وآهسته به زبان نیز نخواند بلکه در دل آنرا تصور کند.

جواب دوم: از عبارت حاشیه شامی این مسأله واضح می گردد که اگر دعا می کند به زبان ننماید اما در شرح منیه آمده: (اذا قرأ الامام ان الله وملائکته یصلون علی النبی..... لایة فعن ابی حنیفة ومحمد رحمهما الله انه ینعت عن ابی یوسف رحمه الله انه یصلی سراً وبه اخذ بعض المشائخ) از اینجا معلوم می شود که مسلک هر دو طرفت خاموش بودن می باشد وقول امام ابو

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ص ۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۳۸. ظفیر

یوسف آن است که آهسته درود بخواند وشامی از معراج نقل کرده است که در دل دعا کند ونتیجه این همه عبارت آن می باشد که منظور از سر آن است که لفظ به زبان آهسته تلفظ شود لهذا اگر کسی آهسته به زبان درود بخواند نباید آنرا بد انگاشت زیرا امام ابو یوسف وبعضی از مشائخ آنرا اجازه داده اند اما در عبادات بهتر آن است که مسلک امام مراعات گردد پس سکوت ترجیح دارد.

دعا مقتدی درمیان دوخطبه: سوال: ۲۵۹ وقتی امام یک خطبه را بخواند وبنشیند مقتدی دست ها را بلند کرده دعا کند یا در دل دعا نماید یا هیچ دعا نکند؟

جواب: وقتی که خطیب برای جلسه درمیانی بنشیند سامعین به زبان دعا نکنند اگر دعا می کنند باید در دل باشد.

بحث درمورد أذان دوم نماز جمعه: سوال: ۲۶۰ اینکه در تمام مساجد قبل از خطبه اذان دوم داده می شود نزد محدثین مکروه به نظر می آید وکتاب (المدخل) آنرا با شد فراوان مکروه نوشته ومن هیچمدان نیز هیچ جاهی ندیده ام که فقها به تصریح نوشته باشند که حتماً نزدیک منبر باشد بلکه لفظ (بین یدیه) نوشته که می توان مطلب از آنرا رو به روی مسجد یا مناره مسجد گرفت واذان داد چه حرجی دارد؟

جواب: در کتب فقه در این مورد ارشاد فرموده اند: (ویوذن ثانیاً بین یدیه ای الخطیب) ودر الدر المختار آمده: (قوله ویوذن ثانیاً بین یدیه اي علی سبیل السنة مأ یظهر من کلامهم) پس چون فقهای حنفی می فرمایند که این اذان روبه روی خطیب سنت است پس به اساس نوشته مردم غیر مذهبی تذبذب درست نیست ولفظ (بین یدیه) آن وقت صدق می کند که مؤذن رو به روی امام آذان دهد که توارث نیز بر این است. فقط

تصفیه دوگرو درمورد نماز جمعه: سوال: ۲۶۱ کسانی که بعد ازنماز جمعه احتیاط الظهر می

خوانند دو گروه هستند یکی از این دو گروه نماز جمعه را فرض ندانسته وفقط آنرا از جمله شعائر اسلام می دانند، گروه دیگر آنرا فرض می دانند اما باز هم احتیاط الظهر می خوانند می خواهیم این مسأله رابدانیم که نماز کسی که نماز جمعه را فرض می داند واحتیاط الظهر نمی خواند عقب ایشان درست است یانه؟ اینکه کدام یک از آن دوگروه می شود وعقب گدام یک از دو گروه نمی گردد اقتدای قوی بر ضعیف در صورت اقتدا عقب هریک از دو گروه لازم می آید یا یکی از ایشان؟ واضح سازید خداوند شما را اجر دهد.

جواب: گروهی که جمعه را فرض نمی داند آشکارا غلط می کند، در الدر المختار آمده است: (فرض عین یکفر جاحدها لثبوتها بالدلیل االقطعی کما حققه الکمال) یعنی نماز جمعه فرض عین بوده ومنکر فرضیت آن کافر می باشد زیرا فرضیت آن به دلیل قطعی ثابت گردیده چنانچه شیخ کمال الدین ابن همام (رح) آنرا به اثبات رسانیده وشامی این قول ابن همام رانقل می کند که ما برای ثبوت فرضیت جمعه بدانجهت این قدر بحث طولانی نموذیم که عده ای از جاهلان می گویند که مذهب حنفی عدم فرضیت نماز جمعه می باشد. ببینید که علامه موصوف شخصی را که به فرضیت نماز جمعه قابل نیست جاهل می خواند واین قول منکر فرضیت نماز جمعه که می گوید چون پادشاه مسلمان نیست، لذا نماز جمعه فرض نمی باشد نیز جهل وبی خبری از مذهب حنفی می باشد، زیرا در الدر المختار تصریح گردیده که درصورت نبودن پادشاه مسلمان کسی را که عامه اهل اسلام امام جمعه مقرر کنند کفایت می کند عبارت مذکور این است: (اما مع عدمهم فیجوز للضرورة) ودر شامی آمده: (فلو الولاة کفاراً یجوز للمسلمین اقامة الجمعة ویصیر القاضی قاضیاً بتراضی المسلمین [1]).

خلاصه آنکه عقب کسی که به فرضیت جمعه قائل نباشد نماز صحیح نمی شود وعقب کسی که به فرضیت جمعه قائل است اما احتیاط الظهر می خواند نماز درست است اگر چه حق آن است

---

(۱) ایضا حواله بالا . ظفیر

که درشهر ها قصبات وقریه های کبیره نماز جمعه صحیح بوده وبه احتیاط الظهر ضرورتی نیست زیرا در کتب فقهی نوشته شده که در چاهایی که نماز جمعه جائز می باشد نباید احتیاط الظهر خواند که در ذهن کسی این شبه وخیال خطور نکند که نماز جمعه فرض نمی باشد الدر المختار این فتوی صاحب بحر نقل می کند: (قد افتیت مراراً بعدم صلوة الاربع بعدها بنية آخر ظهر خوف اعتقاد فرضية الجمعة وهو الاحتياط فی زماننا [1]) اما با این همه اگر شخصی به فرضیت نماز جمعه قائل باشداما احتیاط الظهر هم بخواند عقب او نماز صحیح است.

در قریه نماز جمعه جائز است یانه: سوال: ۲۶۲ نماز جمعه در قریه جائز است یانه؟ شروط جواز وعدم جواز چیست؟ در قریه ای که نماز عید جائز باشد نماز جمعه جائز است یانه؟ در شروط نماز جمعه وعید فرقی وجود دارد یا ندارد واگر فرقی وجود داشته باشد چیست؟ قریه ای که ۴۵۰ نفر نفوس داشته واکثریت مردم آن مسلمان باشند واشیای ضروری همه در آن دستیاب گردد نماز جمعه در آن جائز است یا نه؟ مطابق آیات قرانی واحادیث نبوی جواب دهید مصر به چه جایی گفته می شود وباید چقدر نفوس داشته باشد وشروط مصر چیست به صورت مفصل تحریر فرمائید.

جواب: در قریهٔ کوچک که یک هزار، دوهزار نفر هم نفوس نداشته باشد نزد احناف نماز جمعه جائز نیست، برای وجوب واداى نماز جمعه نزد احناف مصر شرط می باشد ومصر به شهر وقصبه گفته می شود که دارای کوچه ها وبازارها باشد وهر قسم دوکان درآن وجود داشته باشد وقریهٔ کبیره نیز در حکم مصر می باشد مگر قریه ای که از آن سوال شده فقط ۴۵۰ نفر نفوس دارد لذاقریه صغیره بوده ونماز جمعه دار آن درست نیست ودرقریه ای که نماز جمعه نباشد نماز عید نیز صحیح نیست.

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۴۶. ظفير

شروط وجوب واداى نماز جمعه ونماز عید طوریکه در الدر المختار وسائر کتب آمده ازهم فرقی ندارند پس باید درآن گریه نه نماز عید خوانده شود ونه نماز جمعه، بلکه باید نماز ظهر به جماعت خوانده شود، مذهب حنفی چنین بوده ودر تمام کتب فقه ذکر گردیده است علامه شامی به نقل از قهستانی گفته است: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق... وفیما ذکرنا اشارة الی انها لا تجوز فی الصغیرة....) ودر الدر المختار آمده است: (تجب صلوتهما فی الاصح بشر ائطها المتقدمة [1]).

نماز جمعه در قریه ها: **سوال**: ۲٦۳ در قریه صغیره نماز نجمعه جائز است یانه وهمچنان بگوئید که در جایی که سلطان یا نائب سلطان نباشد نماز جمعه رواست یانه؟

جواب: در قریه صغیره به اساس مذهب امام ابو حنیفه نماز جمعه درست نیست وتحقیق وتفصیل آن در کتب فقه به شکل مفصل آمده آنها را مطالعه نمائید اما در قریهٔ کبیره که دارای کوچه ها وبازار باشد طوریکه شامی تصریح نموده نماز جمعه اداء می شود ودر تعریف همان قول معتبر است که دارای کوچه ها وبازار ها ومقامگاه حاکمان باشد ودر حقیقت تعریف شهر وقریه ضرورتی به وضوح ندارد، زیرا جایی که آنرا عرفاً شهر گویند شهر است وجایی را که قریه گویند قریه است، اما این نکته را باید متوجه بود که قصبه وقریه کبیره هم حکم مصر را دارد واقامه نماز جمعه در آن جائز است در صورت عدم وجود سلطان ونائب او باز هم نماز جمعه در مصر واجب بوده طوریکه در شامی بدان تصریح کرده است، در آنجا چون مسلمانان امامی را معین مقرر نمایند کفایت می کند. در شهر ها قصبات وقریه های کبیره که اقامت نماز جمعه در آنها واجب است، ضرورتی به احتیاط الظهر نیست والدرالمختار از بحر فتوای عدم جواز احتیاط الظهر رانقل نموده که احوط همان است، والله اعلم.

---

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار ص ۷۷٤ ج۱. ظفیر

بحث در نماز جمعه: سوال: ۲٦٤ علمای دین در این مسأله چه می فرمایند که سمت غرب وجنوب ولسوالی ارکان یک اداره بوده وبخش شرقی وشمال آن اداره دیگر می باشد که کوه بلندی در آن وجود دارد وتمام قریه ها طوری واقع شده اند که کم وپیش از یکی دیگر فاصله دارند وبعضا میان دو قریه باغ ها واقع شده، هر قریه مطابق نفوس شماری دو دونیم هزار نفر وکم وپیش نفوس دارد ودر بعضی حصص پسته خانه، بازار، مدرسه ومکتب دولتي وجود دارد مگر بازار آن دائمی نیست، اکنون می خواهیم بدانیم که آیا می توانیم به اساس آنکه تمام این قریه ها بخشی از یک واحد اداری هستند، آنها را متحد بدانیم واگر متحد باشند نماز جمعه در همه آنها جائز خواهد بود یا در بخشی از آنها؟ اگر جائز نباشد دلیل عدم جواز چیست زیرا تعریفی را که صاحب الدر المختار از مصر نموده به اینجا کاملاً صدق می کند واگر این تعریف قبول نشود دلیل پذیرفتن تعریفی که شامی ودیگران از مصر نموده اند چیست وآیا حنفی مذهب می توان به اساس ضرورت در مورد جواز نماز جمعه به مذهب ائمه ثلاثه فتوی دهد یانه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق مذهب حنفی در مورد نماز جمعه آن است که در مصر واجب شده ودرقریهٔ غیره واجب نمی باشد اما قصبه وقریه کبیره که دارای دوکان ها بازار وغیره باشد نیز درحکم مصر بوده ودر آنها نیز طوریکه شامی تصریح نموده نماز جمعه درست است، پس قریه های جداگانه ای که درمیان آنها باغ وعیره بوده صغیره هستند ونماز جمعه در آن ها درست نیست اما اگر در آن میان قریه ای وجود داشته باشد که نفوس آن کم از کم از دو هزار نفر کم نبوده ودارای دوکان ها بازار ها وغیره باشد وعرفاً شهر قصبه ویا قریه بزرگ پنداشته شود نماز جمعه در آن صحیح است. این تعریف مولف الدر المختار که گوید: (ما لایسع اکبر مساجده اهل المکلفین بها) تعریف نسبتاً خوبی بوده وبدین جهت شامی گوید: (هذا صدق علی کثیر من القری) اما این تعریق با ظاهر روایت مخالف بوده ومخدوش نیز می باشد، زیرا گاهی بر قریهٔ صغیره صدق نموده وگاهی بر بزرگترین شهر صدق نمی کند زیرا در آنها (لا یسع) اطلاق نمی

گردد چنانچه در شرح منیه آمده که این تعریف بر حرمین شریفین صدق نمی نماید زیرا همیشه در مساجد حرمین شریفین جای خالی باقی می ماند یعنی بهر صورت این تعریف بر هر جایی تطبیق نمی گردد اما اگر در جایی تعریف مذکور صادق آید مطابق فتوای تعداد از فقها اگر در آنجا نماز جمعه خوانده شود گنجایش آن وجود دارد.

بعد ازخطبه سنت ها را باید خواند یانه: سوال: ۲۶۵بعد از آغاز خطبه خواندن نماز سنت چه حکم دارد؟

جواب: بعد از آغاز خطبه نباید نماز های سنت راخواند نه هنگام خطبه اول ونه هنگام خطبه دوم زیرا طبرانی در معجم خود از ابن عمر (رضی) مرفوعاً روایت کرده است: (اذا خرج الامام فلاصلاة ولا کلام [1]).

هنگام قرائت آیت (صلوا علیه وسلموا) درخطبه درود به آواز چه حکم دارد: سوال: ۲۶۶ در اینجا میان مسلمانان رواج است که وقتی در خطبه امام آیت: (یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما) را می خواند مقتدیان همه به آواز بلند درود می گویند اینکار جائز است یانه؟

جواب: جائز نیست زیرا در کتب فقه نوشته شه که در این وقت باید درود در دل خوانده شود نه در زبان. فقط

جواب اذان خطبه ودعای پس از آن: سوال: ۲۶۷ من به اذان خطبه جواب می دهم وپس از آن دعا می کنم آیا این کار جائز است یانه؟

جواب: در کتاب شامی در صفحه ۸۵۷ آمده است؟ (لا یصلوا علیه بالجهر بل بالقلب [2] ودر

---

(۱) ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۶۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۵۸. ظفیر

(۲) وکذالک اذا ذکر النبی ﷺ لا یجوز ان یصلی علیه بالجهر بل بالقلب وعلیه الفتوی رملی (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۶۸، =

الدر المختار آمده: وینبغی ان لایجب بلسانه اتفاقاً فی الاذان بین یدی الخطیب [1].

دعای اجتماعی بعد از نماز سنت بدعت است: سوال: ٢٦٨ بعد از پایان نماز وقتی که امام از نمازهای سنت فارغ گشت به آواز بلند دعا می کند ومقتدیان که سنتها را خوانده می باشند با او در دعا شرکت می ورزند واین دعا دور ودراز بوده وآنرا ضروری می پندارند امور مذکور چه حکم دارد؟

جواب: این امر ازسنت ثابت نیست لهذا بدعت بوده وباید ترک گردد درمذمت بدعت احادیث زیادی وارد شده وقباحت آن آشکار می باشد، برعلاوه فقهای از کاری که موجب خلل در نماز نماز گزاران گردد منع نموده اند پس اینکار پافشاری بر بدعت بوده ونهایت مذموم می باشد، پیامبر (ﷺ) فرموده است: (کل بدعة ضلالة) وهمچنان فرموده است: (من احدث فی امرنا هذا مالیس منه فهو رد).

نماز جمعه در دهات: سوال: ٢٦٩ اکثراً مسلمانان این دیار در قریه ها سکونت دارند ونفوس هر قریه دو الی سه هزار نفر می باشد مگر در هر مسجد جامع بیشتر از بیست وپنج نفر حاضر نمی باشد، زیرا در یک قریه چند مسجد جامع وجود دارد در چنین قریه ها نماز جمعه خوانده شود یانه؟ احتیاط الظهر بخوانم یانه؟ اکثر قریه ها طوری متصل اند که اگر نام جداگانه نمیداشتند یک قریه گفته می شد پس چنین قریه هامتصل یک قریه شمرده می شوند ایا متعدد؟

= ط.س. ج٢ ص١٥٨) . ظفیر

(١) ولا تلتفت الی ما فی باب الجمعة من عمدة الرعایة وحاشیة الهدایة للفاضل اللکهنوی من قوله فلا تکره اجابة الاذان الذی یؤذن بین یدی الخطیب وقد ثبت ذلک من فعل معاویة رضی الله عنه فی صحیح البخاری رح فان الطبرانی فی معجمه کما فی فتح الباری روی عن ابن عمر رضی الله عنه مرفوعا اذا خرج الامام فلا صلاة ولا کلام الحدیث والکلام بعمومه لکونه نکرة واقعة تحت النفی شامل لاجابة الاذان بین یدی الخطیب ایضا ولا یعارضه فعل معاویة رضی الله عنه لانه کان اماما کما فی البخاری ایضا وجاز للامام ان یجیب.بلسانه وحدیث ابن عمر رضی الله عنه ورد فی حق المؤتمین ومنعوا عن الکلام عند خروج الامام من المنزل او المقصورة فخروجه مانع للسامعین عن الکلام لا الامام فانه المتکلم علی المنبر وهو خارج عن حدیث ابن عمر رضی الله عنه وداخل فی حکم حدیث معاویة رضی الله عنه فلا تعارض کما لا یخفی، والفرق بین ابن عمر وبین معاویة رضی الله عنه معلوم مثبت فی موضعه. هذا، وللتفصیل موضع أخر.

جواب: اگر قریه کبیره باشد نماز جمعه در آن درست است، زیرا شامی از قهستانی نقل نموده: (وتقع فرضاً فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق) واحتیاط الظهر در آنجا جائز نیست واگر قریه صغیره باشد نماز جمعه در آن درست نیست ونماز ظهر با جماعت خوانده شود هر جایی که نام علیحده ای داشته باشد، قریه جداگانه شمرده می شود.

بعد ازبه وجود آمدن منبر چرا عصا گرفتن هنگام خطبه سنت است: سوال: ۲۷۰ چون بعد از به وجود آمدن منبر عصا گرفتن هنگام خطبه منقول نیست پس چطور سنت است؟

جواب: چون پیامبر (ﷺ) بر عصا تکیه نموده وخطبه خوانده این کار سنت است زیرا برای سنت شدن امری مد اومت پیامبر (ﷺ) بران ضرور نیست وسنتی که بر آن مداومت کرده باشد سنت مؤکد گفته می شود.

هنگام خطبه اذان گفتن این کلمات چه حکم دارد: سوال: ۲۷۱ قبل از خطبه اذان گفتن این کلمات (واستووا رحمکم الله) چه حکم دارد؟

جواب: قبل از آذانی که پیش از خطبه رو به روی خطیب داده می شود به گفتن این کلمات ضرورت نیست اما اگر امام قبل از تکبیر تحریمه چنین گوید ممانعتی ندارد.

نماز جمعه درکجا جائز است تعریف مصر چیست ونماز جمعه چه حکم دارد: سوال: ۲۷۲ به اساس مذهب حنفی نماز جمعه در کجا جائز است مصر به چه جایی گفته می شود وچه شروطی دارد؟ جایی که مجدد الف ثانی (رح) مدفون می باشد درآنجا نماز جمعه جائز است یانه؟

جواب: مذهب حنفی که در تمام کتب فقهی مذکور می باشد آن است که برای اداء ووجوب نماز جمعه مصر شرط است ومصر به شهر وقصبه گفته شده وقریهٔ کبیر نیز همان حکم را دارد طوریکه در شامی چنین آمده پس به صورت مختصر در قریه صغیره نماز جمعه اداء نمی شود، در آنجا باید نمار ظهر را با جماعت خواند ودر قریه کبیره قصبه شهر ومربوطات شهر باید نماز

جمعه خوانده شود ودرآنجا به احتیاط الظهر ضرورتی نیست. جایی که مقبره حضرت مجدد الف ثانی قرار دارد متعلق به شهر سر هند می باشد که در انجا نماز جمعها درست است اگر قریه کوچک بوده ودارای بازار ودوکان ها نباشد باید نماز جمعه در آن خوانده نشود واگر دارای بازار ها ودوکان ها باشد باید نماز جمعه را در آن اداء نمود به صورت مکرر باید به عرض برسانم که اگر حضرت مجدد صاحب به تصریح وتخصیص در منطقهٔ مذکور نماز جمعه را جائز گفته باشد باید در آنجا نماز جمعه خوانده شود، زیرا حتماً در آنوقت در منطقه مذکور شروط وجوب جمعه وجود داشته پس اکنون هیچ دلیلی برای ترک نماز جمعه وجود ندارد.

<u>هنگام خطبه چرا تعوذ وتسمیه آهسته خوانده می شود</u>: سوال: ۲۷۳ در آغاز خطبه چرا اعوذ بالله وبسم الله آهسته خوانده می شود؟

جواب: چون در اینجا خواندن اعوذ بالله وبسم الله به جهر ثابت نیست [1] والله تعالی اعلم.

<u>بحث در مورد احتیاط الظهر</u>: سوال: ۲۷۴ خواندن احتیاط الظهر درست است یانه؟ اگر درست نیست اینکه مولانا صاحب اشرف علی تهانوی در صفحه-۱۰۳- کتاب (بهشتی زیور) این را نگاشته چه معنی دارد؟ عده ای از مردم بعد از نماز جمعه احتیاط نماز ظهر را نیز می خوانند چون به اساس اینکار عقیده مردم درمورد نماز جمعه دچار تذبذب شده است باید مطلقا از آن منع نمود البته اگر شخصی که صاحب علم است آنرا می خواند کسی را از آن مطلع نسازد.

جواب: در مورد احتیاط الظهر مسأله همان است که مولانا صاحب اشرف علی تهانوی در کتاب بهشتی زیور نوشته اند والله تعالی اعلم. فقط

<u>به جای مسجد جامع خواندن نماز جمعه در مسجد محل چه حکم دارد</u> : سوال: ۲۷۵

---

(۱) ویبدا بالتعوذ سرا قال الشامی ای قبل الخطبة الاولی الخ (شامی ج۱ ص۷۴۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۴۹). جمیل نعم ان ادی الی مفسدة لا تفعل جهارا والکلام عند عدمها ولذا قال المقدسی نحن لا نامر بذلک امثال العوام بل ندل علیه الخواص (شامی جلد اول ص ۷۵۴ ، باب الجمعة تحت قول صاحب الدر المختار: فصلی بعدها اخر ظهر ﷺ). ظفیر

عده ای از مردم مسجد جامع را گذاشته ونماز جمعه را در مسجد محل اداء می کنند اینکار چه حکم دارد؟

جواب: در یک شهر در چند محل مطابق مذهب صحیح خواندن نماز جمعه درست بوده واین در الدر المختار [۱] نیز آمده اما بدون دلیل مسجد جامع را گذاشتن کار پسندیده نیست اگر خوف وغیره باشد باکی نیست واگر نه پسندیده آن است که حتی الوسع کوشش شود که نماز جمعه دریک جا ودر مسجد جامع خوانده شود.

اگر در قریه نماز جمعه خوانده آیا نماز ظهر از ذمه ساقط می گردد یانه: سوال: ۲۷٦ نزد احناف نماز جمعه در قریه جائز است یانه واگر در قریه صغیره نماز جمعه خوانده شود آیا نماز ظهر از ذمه ایشان ساقط می گردد یانه؟

جواب: در رد المحتار آمده است: (وفیما ذکرنا اشارة الی انها لاتجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر وخطیب.... والظاهر انه یرید به الکراهة لکراهة النفل بالجماعة الا تری ان فی الجواهر لو صلوا فی القری لزمهم اداء الظهر شامی ص ٥۳۷ باب الجمعة ودر کتاب الدر المختار در باب العیدین آمده: (وفی القنیة صلوة العید فی القری تکره تحریما ای لانه اشتغال بما لا یصح لان المصر شرط لصحة قوله صلوة العید ومثله الجمعة [۲]) از این عبارات واضح می گردد که درقریه صغیره جمعه صحیح نبوده واداء نمی باشد واگر کسی آنرا بخواند نماز ظهر از ذمه او ساقط نمی گردد.

وعظ هنگام نماز سنت: سوال: ۲۷۷ قبل از نماز وقبل از خطبه یک واعظ درمسجد جامع همیشه وعظ می کند ومردم هیمشه در آن وقت نماز های سنت را می خوانند وگاهی هم به اطفال درس قرآن شریف داده می شود بدین ترتیب در نماز نماز گزاران خلل واقع می گردد، در

---

(۱) تؤدی بمصر واحدبمواضع کثیرة اتفاقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة العیدین ج۱ ص ۱۸۳). ظفیر
(۲) ایضا. ظفیر

چنین مواقع وعظ وخواندن قران شریف چه حکم دارد؟

جواب: فقها تصریح کرده اند که رفع صوت به ذکر که بواسطه آن در نماز نماز گزاران خلل واقع شود ویا موجب اذیت کسانی که در خواب اند گردد، ممنوع می باشد ودر شامی آمده است: (ولایعارض ذلک حدیث خیر الذکر الخفی لانه حیث خیف الریاء وتاذی المصلین او النیام فان خلا مما ذکر فقال بعض اهل العلم ان الجهر افضل (شامی ص ٤٩١ ج ١) پس چون به علت تکلیف نماز گزاران از ذکر الله به جهر منع گردیده لذا منع از وعظ به درجه اولی می باشد به همین ترتیب درس دادن قران شریف به جهر هنگامی که نماز گزاران نماز می خوانند وخواندن قران شریف شریف به آواز بلند که موجب خلل در نماز نماز گزاران می گردد، ممنوع می باشد.

دعا بین الخطبتین: سوال: ۲۷۸ در مورد دعا همراه با بلند کردن دست ها در جلسه خفیفه میان دو خطبه روز جمعه چه میگوئید آیا ثبوتی در این مورد از پیامبر (ﷺ) وجود دارد وآیا اتباع در انجام آن است یا در تبرک آن وآیا جائز است یا مکروه اگر مکروه است آیا مکروه تنزیهی می باشد یا مکروه تحریمی؟ به نقل صریح ما را اگاه سازید خداوند بر شما رحم کند.

جواب: طوریکه محدث دهلوی در شرح سفر السعادت وشرح مشکوٰة تصریح نموده خود دعا با صرف نظر از بلند کردن دست ها در این جلسه از پیامبر (ﷺ) ثابت نیست چنانچه گوید: **(آنحضرت ﷺ) در میان دو خطبه بنشستی وخاموش بودی ودعا از آنحضرت (ﷺ) در این وقت به ثبوت نرسیده است، طحاوی گوید که در این جلسه هیچ دعایی از آنحضرت (ﷺ) ثابت نمی باشد مولانا صاحب عبدالحی در فتاوی خویش گوید که در این وقت خود دعا نقل نگردیده تا چه جایی که بلند کردن دست ها روایت شده باشد پس اتباع در ترک آن است در** کتاب غاية الاوطار شرح الدر المختار آمده است که دست بلند کردن غرض دعا میان دوخطبه غیر مشروع است ودر جامع الخطب آمده است که دست بلند کردن میان دو خطبه غرض دعا

حرام می باشد پس از اقوال مذکور فهمیده شد که بلند کردن دست ها غرض دعا در جلسه مذکور غیر مشروع ومکروه تحریمی می باشد پس بر ما لازم است که از چیزی که به آن تصریح نموده وفتوی داده اند پیروی کنیم وشاید اصل دراین موضوع حدیثی باشد که ترمذی در صحیح خود روایت نموده وگوید: (حدثنا احمد بن منیع حدثنا حصین قالی سمعت عمارة بن رویبة وبشر بن مروان یخطب فرفع یدیه فی الدعا فقال عمارة قبح الله هاتین الیدین القصرتین لقدر رایت رسول الله (ﷺ) وما یزید علی ان یقول هکذا واشار هیثم بالسبابة قال ابو عیسی هذا حدیث حسن صحیح قالي ابو الطیب فی شرح هذا الحدیث واشارته (ﷺ) لعلها کانت وقت التشهد ای التوبة والله تعالی اعلم قال النووی فیه ان السنة ان لاترفع الید فی الخطبة وهو قول مالک (رح) واصحابنا وغیر هم وحکی القاضی عن بعض السلف وبعض المالکیة اباحته لان النبی (ﷺ) رفع یدیه فی خطبة الجمعة حین استسقی واجاب الاولون بان هذا الرفع کان لعارض ففی التحریر المختار لردالمحتار علی قوله قلت وقد صرح به فی الدرر ایضاً من کتاب صفة الصلوة بعد کلام ان ترک السنة الموکدة قریب من الحرام وان تارکها یستوجب التضلیل واللوم فکما ان بشیر بن مروان ارتکب امراً مکروهاً حتی التحق اللوم والدعا علیه بقوله قبح الله هاتین الیدین القصیرتین بسبب اتیانه فعلاً فی الخطبة لم یفعله (ﷺ) وترک السنة النبوبة (ﷺ) من یرفع یدیه فی الجلسة الخفیفة بین الخطبتین للدعا یستحق ان یدعی علیه ویقال فی حقه قبح الله هاتین الیدین لانه (ﷺ) لم یفعله فهو تارک للسنة النبویة (ﷺ) ومرتکب امراً مکروهاً تحریماً اذا لالوم علی الفعل المباح والمکروه تنزیهاً الذی مرجعه خلاف الاولی.

فصل شانزدهم : نماز عیدین

<u>در عید گاه به آواز بلند تکبیر گفته نشود</u>: سوال: ۲۷۹ در اکثر مناطق در عیدگاه قبل از نماز عید باربار به آواز بلند تکبیر می گویند تا که مردم آنرا از دور شنیده وبه زودی بیایند آیا این شکل خواستن مردم جائز است؟

جواب: قال عطا اخبرنی جابر بن عبدالله ان الاذان للصلاة یوم الفطر حین یخرج الامام ولا بعد ما یخرج ولا اقامه ولانداء..... [۱]) رواه مسلم، از این حدیث معلوم می شود که در هر عید در عیدگاه باید هیچ آوازی غرض خواستن مردم گفته نشود.

كسانی كه جماعت را جدامی كنند آیا نماز ایشان می شود یانه: سوال: ۲۸۰ در اینجا مردم شخصی را برای نمازهای عید وجمعه به حیث خطیب وامام مقرر کرده اند وهمه مردم از این امام خوش می باشند اکنون یکی از روی فساد دعوی نموده که من امامت می کنم مردم او را مانع شدند وچون هیچ کاری نتوانست سه چهار نفر را با خود گرفته وبه فاصله کمی جماعت دیگر را شروع نمود واکنون همراه با ایشان علیحده نماز جماعت می خواند امید است تحریر فرمائید که نماز آن مفسدان می شود یانه؟

جواب: نماز این مدعی امامت ومقتدیان او [۲] می شود مگر به دلیل تفرقه وفساد گناهگار می شوند. فقط

اگر یكی خطبه بخواند ودیگری نماز دهد باز نماز می شود: سوال: ۲۸۱ درنماز عید شخصی امامت نمود وخطبه را شخص دیگری خواند آیا این صورت نماز درست است یانه؟

جواب: نماز می شود اما بهتر ومناسب آن است که خطبه ونماز را یک شخص بخواند در الدر المختار آمده: (لاینبغی ان یصلی غیر الخطیب فان فعل جاز .... [۳]).

اگر در روز اول عید فطر به علت بارش نماز خوانده نشد روز دوم بخوانند: سوال: ۲۸۲ نماز عید فطر امروز به علت باران خوانده نشد آیا می توان آنرا در روز دوم خواند یانه؟

جواب: جائز است که د ر روز دوم خوانده شود.

(۱) مشکوٰة باب العیدین فصل ثالث ص ۱۲۷. ظفیر

(۲) تؤدی بمصر واحدبمواضع کثیرة اتفاقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة العیدین ج۱ ص ۱۸۳). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۱٦۲. ظفیر

اگر دوگروه دردو جا نماز عید بخوانند بازهم نماز درست است: سوال: ۲۸۳ یک گروه نماز عید را در عید گاه شهر می خواند وگروه دیگر از روی فساد برون شهر علیحده می خواند آیا این کار جائز است یانه؟

جواب: خواندن نماز عید برون از شهر در عیدگاه مستحب است اگر دو گروه در دو جای جداگانه نماز عید را بخوانند نماز هر دو گروه اداء می شود.

تعداد تکبیرات زوائد در عیدین: سوال: ۲۸٤ خواندن نماز عید با دوازده تکبیرات جائز است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ویصلی بهم الامام رکعتین مثنیاً قبل الزوائد وهی ثلاث تکبیرات فی کل رکعة...) ودر شامی آمده: (فا لعمل الان بما هو المذهب عندنا کذا فی شرح المنیة [1]) از اینجا معلوم می شود که باید احناف در هر رکعت مطابق مذهب بر سه تکبیر اکتفا نموده وزیاده از آن نگویند.

برون شدن برای نماز عید سنت است: سوال: ۲۸۵ ای علمای کرام خداوند بر شما رحم کند چه می گوئید در مورد خروج به عیدگاه در روز عیدالفطر وعید قربان که آیا مستحب است یاسنت موکد وشروط عیدگاه وحکم آن چه بوده وشروط اداء نماز عیدین چه می باشد واینکه پیامبر (ﷺ) در مدت عمر شریف خویش نماز های عیدین را درکجا اداء نموده است؟ امید واریم این پنج سوال را به عبارات واضح وبه حواله کتاب جواب دهید از خداوند عزیز وهاب برای شما اجر جزیل می خواهم.

جواب: خروج به سوی عیدگاه مطابق قول معتبر وصحیح نزد عامه فقها مستحب بلکه سنت مؤکد می باشد هرچند عده ای آنرا مستحب می دانند اما قول معتبر وصحیح آن است که خروج

---

(۱) شامی جلد اول باب العیدین. ظفیر

به سوی عیدگاه درهر دوعید سنت مؤکد می باشد طوریکه این موضوع را علامه مولانا عبدالحی در کتاب خویش موسوم به (مجموعة الفتاوی) طی سوال وجواب در شماره ۱۸۷ در صفحات ۳۷۵و۳۷٦ به عبارت آتی که واقعاً درست می باشد محقق وبیان نموده است: بعضی فقهاء قائل به استحباب آن شده اند لیکن صحیح ومعتبر نزد ایشان بودنش سنت مؤکده است در بحر الرائق از تجنیس نقل می سازد (والخروج الی الحبانه سنة صلوة العید وان کان یسعهم المسجد الجامع عند عامة المشائخ وهو الصحیح) وهمچنین است در بزازیه وجامع الرموز ومخ الغفار وشرح تنویر الانصار وغیره و از کتب احادیث وسیر ثابت است که آنحضرت (ﷺ) دایماً برای نماز عیدین به صحرا تشریف می بردند وفی عمره به جز یک مرتبه به عذر بارش که از اماکن به درجه ها افضل است نماز عیدین را اداء نفرموده اند وخلفای راشدین هم بر این کار مواظبت فرموده اند نه بر سبیل عادت بود ونه به وجه ضرورتً بلکه بر سبیل عبادت بود تا به وجه کثرت جمیعت تزاید ثواب گردد وشوکت اسلام ظاهر شود واین نشانه تأکید است برسنت بودن آن ودر قسمت دیگر این کتاب به شکل سوال وجواب درشماره ۹٤ در صفحات ۳۸۵ و۳۸٦ بدین ترتیب به جواب خروج پرداخته است: (خروج برای نماز عیدین سنت مؤکده است چنانچه محشی شرح وقایه مولوی عبدالحی دام فضله بر حاشیه شرح وقایه عمدة الرعاية تحریر فرموده اند قال فی شرح حبب یوم الفطر ان یاکل قبل صلوة ویستاک ویغتسل ویتطیب ویلبس احسن ثباته ویودی فطرته ویخرج الی المصلی غیر مکبر جهراً فی طریقه... انتهی

قوله: حُبِّبَ بصیغة المجهول من التحبیب والمراد به اعم من السنة المؤکدة والمستحب فان یعض الامور المذکورة عدوه من السنن المؤکدة وغیر قوله یستاک هذا من السنن العامه عندکل وضوء ومستحب عندکل صلوة فیکون مستحباً وسنة ایضاً فی العیدین بطریق الاولی قوله ویؤدی فطرته بالکسر ای صدقه الفطر وهو ان کان اداء ئها واجباً لکن اداء ئها قبل الخروج الی المصلی مسنون وهو منقول عن ابن عمر رضی الله عنهما قال امرنا رسول الله (ﷺ) یوم الفطر ان تؤدیها قبل خروج الناس

الی الصلوة اخرجه البخاری ومسلم قوله ویخرج الی المصلی بصیغة المفعول وهو موضع فی الصحراء یصلی فیه صلوة العیدین ویقال له الجبانة ومطلق الخروج من بیته الي الصلوة وان کان واجباً بناءاً علی ما یتم به الواجب واجب لکن الخروج الی الجبانة سنة مؤکدة وان وسعهم المسجد الجامع فان صلوا فی مساجد المصر من غیر عذر جازت صلواتهم وترکوا السنة هذا هو الصحیح کما فی الظهیریة وفی الخلاصه والخانیة السنة ان یخرج الامام الی الجبانة ویستخلف غیره لیصلی فی المصر بالضعفاء بناءً علی ان صلوة العیدین فی موضعین جائزه بالاتفاق (انتهی) والاصل فیه ان النبی (صلی الله وعلیه وسلم) کان یضرج الی المصلی ولم یصل صلوة العیدین فی مسمجده مع شرفه ا، مرة بعذر المطر کما بسطه ابن القیم فی زاد المعاد والقسطلانی فی مواهب اللدنیة وغیر هما والاحادیث فی هذا الباب مخرجة فی کتب السنن وغیرها وقد وقع النزاع بین العلما فی عصرنا فی ان الخروج الی المصلی سنة ام مستحب فافتی اکثر هم بانه سنة مؤکدة وهذا هو القول المنصور الموافق للکتب الاصول والفروغ المطابق کا علیه الجمهور وقیل انه مستحب وهو قول باطل لا وجه له وافرط بعضهم فقال انه واجب وهو قول مردود ولا عبرة به وللتفصیل مقام آخر (انتهی) ودر الدر المختار آمده: وندب یوم الفطر اکله الی قوله واداء فطرته صح عطفه علی اکله لان الکلام کله قبل الخروج ومن ثم اتی بکلمة ثم خروجه لیفید تراخیة عن جمیع ما مر ماشیاً الی الجبانة وهی المصلی العام والواجب مطلق التوجه والخروج الیها ای الی الجبانة لصلوة العید سنة وان یسعهم المسجد الجامع وهو الصحیح.

جواب دهنده مصیب بوده ومطابق سنت جواب داده است.

جواب صحیح ورای درست که هیچ سهوی درآن وجود ندارد ومقتضی دلائل شرعی می باشد این است که خروج به سوی عیدگاه سنت مؤکد می باشد وقول به مستحب بودن نزد خردمندان معتبر نیست (محمد عبدالحی) تعریف مصلی در ضمن این جواب گذشت اما حکم عیدگاه مانند حکم سائر مساجد بوده وشروط اداء ووجوب نماز های عیدین همان شروط وجوب واداء نماز

جمعه می باشد به استثنای خطبه چنانچه در شرح وقایه آمده که شروط وجوب واداء آن شروط نماز جمعه است مگر خطبه.

جایی که پیامبر (ﷺ) درآن نماز عیدین را می خواند منطقه ای است در صحرا خارج مدینه منوره به سمت غربی مسجد نبوی (ﷺ) وفاصله آنرا محمد عبدالحی در کتاب مذکور خود در جلد سوم صفحه ٦٦ چنین نوشته است: (از عادات نبوی (ﷺ) آن بود که به طرف مصلی تشریف می بردند وآن مکانی است بیرون مدینه منوره جانب غربی مسجد شریف ومیان وی ومسجد شریف صوریکه ابن حجر گفته هزار ذراع است والله اعلم بالصواب.

دعا بعد ازنماز عیدین: سوال: ۲۸٦ پیامبر (ﷺ) بعد از نماز عیدین دعا می نمود یانه؟

جواب: به صورت عام بعد از نماز دعا نمودن روایت شده لهذا بعد از نماز عیدین نیز دعا کردن مسنون ومستحب می باشد.

حکم سجده سهو در نماز عیدین وباز گشت از فرض به سوی واجب: سوال: ۲۸۷ امام در نماز صعید بعضی از تکبیرات واجبه را فراموش نموده به رکوع رفت سپس بعد از رکوع به قومه آمده وتکبیرات را گفت ودوباره به رکوع رفت در این صورت نماز صحیح شده یا اعاده آن واجب است یاسجده سهوه لازم می باشد واگر تکبیرات فراموش گردد چه حکم دارد ودر مورد کردن ونه کردن سجده سهو در نمازهای جمعه وعیدین معمول چیست وبازگشت از فرض به سوی واجب فاسد کننده نماز است یانه واگر سجده سهو لازم نگردید مگر شک وجود داشت که ممکن سهوی واقع شده باشد حکم آن چیست؟

جواب: هر چند چنین کاری نباید می شد اما نماز اداء می گردد، در الدر المختار آمده: (کمالو رکع الامام قبل ان یکبر فان الامام یکبر فی الرکوع ولا یعود الی القام لیکبر فی ظاهر الروایة فلو عاد ینبغی الفساد) شامی در این مورد گوید (وقد علمت ان العود روایة النوادر علی انه یقال علیه

ما قاله ابن الهمام فی ترجیح القول بعدم الفساد فیما لو عاد الی القعود الاول بعدما استتم قائماً بان فیه رفض الفرض لاجل الواجب وهو وان لم یحل فهو بالصحة لا یخل [۱]) شامی صفحه ۵٦۱ جلد اول.

تکبیرات را کاملاً فراموش کردن ویا آنها را در قومه گفتن به اعتبار ترک واجب برابر می باشند ودرهرصورت نماز می شود: در ترک چنین اموری در اصل سجده سهو لازم می باشد وبه واسطه سجده سهو جبران می گردند امافقها در نماز های جمعه وعیدین ترک سجده سهو را اختیار کرده اند طوریکه در الدر المختار آمده: (والسهو فی صلاة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتأخرین عدمه فی الاولین لدفع الفتنة [۲]) همچنان مشابه به این عبارت در شامي نیز آمده است. از تحقیق ابن همام ثابت می گردد که بازگشت از فرض به سوی واجب فاسد کننده نماز نیست ودر صورتیکه سجده سهو لازم نباشد وغلطي وشبه صورت گیرد نماز می شود.

<u>دعا بعد از نماز عید ومسلک اکابر در این مورد</u>: سوال: ۲۸۸ نشریه الرشید شماره اول ماه رجب ۱۳۳۵ هجری قمری جلد چهارم جواب سوالی را به حواله شامی حصن حصین وغیره طوری نوشته که اتباع پیامبر (ﷺ) در دعا کردن بعد از نماز عیدین می باشد نه در ترک وپس از خطبه سنت دعا نکردن است.

در مجموعه فتاوی مولانا عبدالحی یک استفتابه همین مضمون است که جواب آنرا خود مولانا نوشته وگفته است که از روایات حدیث این قدر معلوم می گردد که پیامبر (ﷺ) پس از فراغت از نماز عید خطبه می خواند وپس از آن بازگشت می فرمود ودعا کردن پس از نماز یا پس از خطبه از او (ﷺ) ثابت نیست به همین ترتیب ثبوت آن از صحابه کرام وتابعین عظام به

(۱) ردالمحتار باب العیدین ج ۱ ص ۷۸۲ مطبوعه درسعادت ، ط. س. ج۲ ص۱۷٤. ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵، ط. س. ج۲ ص۹۲. ظفیر

نظر نرسیده است، در کتاب (گوهر بهشتی) در بیان نماز عید نوشته شده: (دعا بعد از نماز عیدین یابعد از خطبه از پیامبر (ﷺ) وصحابه وتابعین منقول نیست واگر ایشان در این وقت گاهی دعامی کردند حتماً نقل می شد پس به غرض اتباع دعا نکردن از دعا کردن بهتر می باشد) در چنین حالتی برای ما واجب العمل چیست؟

جواب: معمول بزرگان واکابر ما چون حضرت مولانا صاحب رشید احمد گنگوهی قدس سره حضرت مولانا صاحب قاسم نانوتوی (رح) ودیگر حضرات اساتذه مانند حضرت مولانا محمد یعقوب صاحب رئیس مدرسین سابق مدرسه هذا (دار العلوم دیوبند وحضرت مولانا محمد حسن رئیس این مدرسه (دار العلوم دیوبند) وغیره چنان است که بعد از نماز عیدین نیز مانند سائر نمازها دست بلند نموده ودعا می کردند واز احادیث نیز مطلقاً بعد از نمازها ثابت بوده که درآن نماز عیدین نیز داخل می باشد لهذا راجح نزد ما این است که بعد از نماز عیدین نیز دعا مستحب می باشد فتوی مولانا صاحب عبدالحی را من نیز دیده امام فقط که بعد از نماز عیدین ذکر دعا نیامده که از آن دعا نکردن معلوم نمی گردد اما از دیگر احادیث بعد از همه نماز ها دعا ثابت می باشد پس می توان نماز عیدین را نیز بر آن محمول داشت زیرا چون استحباب دعا پس از بعضی از نماز ها ثابت شد پس دیگر ضرور نمی باشد که بعد از هر نمازی تصریح وارد شود ودر کتاب (گوهر بهشتی) نیز به پیروی از فتوای مولانا صاحب عبدالحی چنین چیزی نوشته شده که نزد من مسلم نمی باشد.

آغاز خطبه عیدین با تکبیر مستحب می باشد: سوال: ۲۸۹ مسنون آغاز خطبه عیدین با تکبیر مسنون می باشد این تکبیرات به جهر گفته شود یا آهسته وبعد از آن خطبه شروع گردد؟

جواب: پیش از خطبه مستحب است که ۹ مرتبه به جهر وبه صورت متواتر تکبیر گفته شود وپیش ازخطبه دوم هفت مرتبه تکبیر به جهر گفته می شود درالدر المختار آمده است: (ویستحب

ان یستفتح الاولی بتسع تکبیرات تتری ای متتابعات والثانیة بسبع هو السنة [۱]).

نماز عید به اساس شهادت گواهان عادل: سوال: ۲۹۰ عده ای از مردم روز پنجشنبه وعده ای روز جمعه نماز عید الاضحی را اداء نمودند در این زمانه که صفت عادل بودن مفقود می باشد شرط عادل بودن وغیره برای گواهان رویت هلال ضروری است یا بعد از خواندن کلمه شهادت مقصود صحیح می شود وکسانی که روز پنجشنبه نماز عید را خوانده اند نماز ایشان شده یانه وکسانی که روز جمعه نماز خوانده اند نماز ایشان درست است یانه ویا در روز یازدهم ودوازدهم هم نماز عید اضحی اداء می گردد یانه؟

جواب: عدالت شاهدان برای ثبوت روئت هلال ضرور می باشد ودر صورتیکه شاهدان عادل نبوده باشند نباید به شهادت ایشان اعتماد می شد پس روز پنجشنبه باید نماز خوانده نمی شد لذا آن نماز نشده است [۲] کسانی که روز جمعه نماز عید را خوانده اند بر حق می باشند وصحیح آن است که نماز عید اضحی را می توان به علت عذر در روز یازدهم ودوازدهم ذی الحجه نیز خواند [۳]. فقط

خطبه عیدین درکجا خوانده شود: سوال: ۲۹۱ هنگام خطبه عیدین امام در کجا ایستاده شده وخطبه دهد عده ای از مولوی صاحبان می گویند که امام در جایی که نماز خوانده می شود بآید در همانجا خطبه را بخواند در جای دیگری خواندن آن جائز نیست؟

جواب: بعد از نماز عیدین امام بر منبر ایستاده شده وخطبه بخواند زیرا سنت همین است، نماز وخطبه در یکجا امکان ندارد برای نماز دادن امام پائین می ایستد وبرای خطبه خواندن برمنبر بالا

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۸۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۵. ظفیر

(۲) للصوم مع غیم وغبار خبر عدل اومستور الخ لا فاسق اتفاقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم ج۱ ص ۱۲۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵). ظفیر

(۳) لکن هنا یجوز تأخیرها (ای فی صلاة الاضحی) الی اخر ثالث ایام النحر بلا عذر مع الکراهة وبه ای بالعذر بدونها. (الدر المختار باب العیدین ج۱ ص ۷۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۵). ظفیر

می شود. فقط

به اساس شهادت دو شاهد عادل رویت ثابت می شود: سوال: ۲۹۲ زید وعمرو که به ظاهر فاسق نیستند هلال ذی الحجه را در روز بیست ونهم ذیقعده دیدند وبه نزد قاضی رفته وشهادت دادند وقاضی شهادت ایشان را قبول نمود وبه اساس آن حکم کرد یک گروه به حساب سی رور بودن ذیقعده عید نمودند وگروه دیگر به بیست ونه بودن آن تعدادی از مردم در هر دو روز نماز عید را خواندند در اینصورت برای قاضی گروه مذکور وشاهدان چه حکمی وجود دارد؟

جواب: اگر دوشاهد عادل به رویت هلال شهادت دهند رویت ثابت می گردد پس همه باید مطابق آن نماز عید را بخوانند وکسانی که به اساس شهادت شاهدان عادل عمل نکرده اند غلطی نموده اند اما اگر شاهدان مطابق قواعد شرعی عادل ومتقی نبوده اند پس کسانیکه مطابق شهادت ایشان عمل نکرده اند بر حق اند باید واضح ساخت که قاضی شرعی این روزگار طوری نیست که باوجود حکم او عادل وثقه نبودن گواهان را نافذ دانست [1].

دریوم النحر رعایت تمام شروط صوم مستحب است: سوال: ۲۹۳ در یوم النحر یعنی دهم ذی الحجه قبل ازنمازفقط نخوردن وننوشیدن مستحب است یارعایت جمله شروط صوم ضروری می باشد وآیا باید از جماع نیز اجتناب نمود یانه؟

جواب: رعایت جمله شروط صوم قبل از قربانی مستحب می باشد ودر الدر المختار آمده که قبل از قربانی نخوردن مستحب است هر چند شخصی قربانی نکند واگرّ بخورد کراهیتی وجود ندارد [2] ودرشامی آمده که اجتناب ازاموری که باعث شکستن روزه روزه دار می گردد مستحب است

---

(۱) ولو کانوا ببلدة لا حاکم فیها صاموا بقول ثقة وافطروا باخبار عدلین مع العلة للضرورة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار، کتاب الصوم ج۲ ص۱۲۵ ، ط. س. ج۲ ص۳۸۶). ظفیر

(۲) ویندب تاخیر اکله عنها وان لم یصح فی الاصح ولو اکل لم یکره ای تحریما (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلوٰة العیدین ج۱ ص ۷۸٤ ، ط. س. ج۲ ص۱۷٦ – ۱۷۷). ظفیر

چنانچه گوید: (یندب الامساک عما یفطر الصائم [۱]).

خطبه عید باید مختصر باشد وشنیدن آن واجب است: سوال: ۲۹۴ زید در عید خطبه مولانا عبدالحی را خواند که طول هر دو خطبه آن مجموعاً شش صفحه می شود عمرو بر او اعتراض نموده گفت که هیچ ضرورتی برای شنیدن این خطبه طولانی وجود ندارد فوراً باید باز گشت آیا شرعاً حکم شنیدن خطبه طولانی مانند خطبه مختصر نیست؟

جواب: در المختار آمده: (وتکره زیادتهما علی قدر سورة من طوال المفصل) ودر شامی آمده: (قوله ونکره ..... عبارة القهستانی وزیادة التطویل مکروهة [۲]) ودر مشکوة شریف این حدیث روایت گردیده: (وعن عمارة قال سمعت رسول الله (ﷺ) یقول ان طول صلوة الرجل وقصر خطبته مئنة من فقهه فاطیلوا الصلوة واقصروا الخطبة وان من البیان لسحرا) رواه مسلم [۳]. لذا معلوم گردید که زیاد دراز کردن خطبه مکروه می باشد اما هر قدر باشد گوش دادن به ان ضرور است وکراهیت برای کسی می باشد که خطبه را دراز کرده است اما برای سامعین شنیدن تمام خطبه واجب می باشد در الدر المختار آمده: (وکذا یجب الاستماع لسائر الخطب کخطبة نکاح وخطبة عید وختم علی المعتمد [۴]). فقط

بهتر است که خطیب وامام یک شخص باشد: سوال: ۲۹۵ در عیدین دو شخص علیحده به حیث امام وخطیب مقرر شده اند یعنی یک شخص امامت می کند وخطبه را شخص دیگر می خواند آیا این کار جائز است وآیا در زمان پیامبر (ﷺ) وصحابه (رضی) چنین چیزی به نظر می رسد؟

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة العیدین ج۱ ص۷۸٤ ، ط. س. ج۲ ص۱۷٦. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة (ج۱ ص ۷۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱٤۸). ظفیر

(۳) مشکوٰة باب الخطبه والصلوٰة فصل اول ص ۱۳۳. ظفیر

(٤) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷٦۹. ظفیر

جواب: بلی جائزاست که یک شخص امام باشد ودیگری خطیب اما بهتر آن است که شخصی که امامت می کند خطبه را نیز بخواند، چنانچه این موضوع در الدر المختار آمده است [۱].

ثبوت شش تکبیر زائد در نماز عیدین: سوال: ۲۹۶ آیا از پیامبر (ﷺ) ثابت است که به شش تکبیر نماز عیدین را خوانده باشد وآیا چنین حکمی فرموده اند؟

جواب: در شرح منیه آمده است که در هر رکعت نماز عیدین سه تکبیر پر علاوه تکبیر افتتاح از تعداد زیادی از صحابه جلیل القدر ثابت بوده واز پیامبر (ﷺ) منقول می باشد که تحقیق آن در کتب مطول موجود است [۲].

عیدگاهی که به اساس وسیع شدن شهر داخل شهر گردد، حکم صحرا را ندارد: سوال: ۲۹۷ عیدگاه سابقه به علت وسیع شدن آبادی در داخل آبادی قرار گرفته واکنون نمازهای پنجگانه به اذان وجماعت در آن اداء می شود اکنون چند نفر تحت عنوان اتباع سنت خواندن نماز عید را در صحرا تجویز می نمایند در این صورت حکم شرعی چیست؟

جواب: برای نماز عیدین طریقه مسنونه آن است که در صحرا وبرون از آبادی خوانده شود کسانی که این تجویز را نموده اند که نماز عیدین برون از آبادی در صحرا خوانده شود بر حق اند زیرا عیدگاه قدم که اکنون که نماز های پنجگانه در آن خوانده می شود ودر داخل ابادی قرار گرفته حکم صحرا را ندارد [۳]. فقط

خورد سالان در نماز عیدین در کجا ایستاده شوند: سوال: ۲۹۸ در ایستاده شدن خورد

---

(۱) ولا ینبغی ان یصلی غیر الخطیب لانها کشیئ واحد فان فعل بان خطب صبی باذن سلطان وصلی بالغ جاز هوالمختار (درمختار) ولاینبغی انْ یصلی غیر الخطیب لان الجمعة مع الخطبة کشیئ واحد فلا ینبغی ان یقیمها اثنان وان فعل جاز (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۵۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۲). ظفیر

(۲) غنیة المستملی باب العیدین . ظفیر

(۳) والخروج الیها ای الجبانة لصلٰوة العیدین سنة وان وسعهم المسجد الجامع هو الصحیح (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۶ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۹). ظفیر

سالان در عیدگاه در داخل جماعت یا نشستن ایشان پیش روی نماز گزاران ویا در ایستاده کردن پسران نابالغ در راست وچپ امام چه نقصی وجود دارد؟

جواب: برای نابالغان حکم آن است که اگر در جماعت شرکت می کنند در عقب صف بزرگان ایستاده شوند خواه جماعت عیدین باشد یا نماز های دیگر اگر به اساس مجبوریت طوریکه درعیدگاه پیش می آید پسران خورد سال در داخل جماعت ایستاده شوند یا پیشروی نماز گزاران بنشینند یا به طرف راست وچپ بایستند نماز اداء می شود اما خلاف سنت ومکروه تنزیهی می باشد [1].

جماعت زنان در نماز عیدین مکروه می باشد: **سوال**: ۲۹۹ آیا زنان گوشه نشین می توانند نماز عیدین را در خانه اداء کنند وآیا جائز است که زنان مانند مردان نماز را به جماعت اداء کنند یانه؟ اگر جائز است آیا زن امام شده می قواند یانه؟ اگر می تواند زنی که امام است درصف با دیگر زنان ایستاده شود یا مانند امام مردان بایستد؟

جواب: درالدر المختار آمده: (ویکره تحریما جماعة النساء [2]) ازاینجا معلوم گردید که جماعت زنان مکروه تحریمی است چه نماز فرض باشد چه واجب چه سنت وچه نفل زیرا در شامی چنین آمدها ست اما اگر زنان با وجود کراهیت تحریمی جماعت نمایند امام در وسط صف یکجا با مقتدیان ایستاده شود طوریکه در الدر المختار آمده: (فان فعلن تقف الامام وسطهن فلو تقدمت اثمت [3]) وسپس می نویسد که آمدن زنان وشرکت ایشان همراه با مردان در نماز های جمعه وعیدین نیز مکروه می باشد [4]. فقط

---

(۱) ویصف الخ ثم الصبیان ظاهره تعددهم فلو واحد دخل الصف (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۵٦۸ – ۵۷۱). ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۸ ، ط. س. ج۱ ص ۵٦۵. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۹ ، ط. س. ج۱ ص ۵٦۵. ظفیر

(٤) ویکره حضورهن الجماعة ولو لجمعة وعید (ایضا ط. س. ج۲ ص۵٦٦). ظفیر

نماز عید در قبرستان در حالیکه نماز رو به روی قبر نباشد: سوال: ۳۰۰ در یک منطقه نماز عید در قبرستان اداء گردید طوریکه تنها پیشروی امام دیوار قرار داشت نه پیشروی مقتدیان آیا ستره امام برای مقتدیان کافی شمرده می شود طوریکه در مرور پیشروی نماز گزار می باشد یا نه؟

جواب: اگر پیشروی نماز گزاران قبر باشد در نماز کراهیت واقع می شود، درشامی آمده: (لا باس با لصلوة فیها اذا کان فیها موضع اعد للصلوة ولیس فیه قبر ولانجاسة کما فی الخانیة ولا قبلة الی قبر [1]. فقط

تکبیرات تشریق برای زنان نیست: سوال: ۳۰۱ تکبیرات تشریق برای زنان درست است یانه؟

جواب: در مذهب امام صاحب برای زنان تکبیرات تشریق نیست [2].

سوال: بعد از باز گشت از نماز عید به خانه خواندن نوافل جائز است یانه؟

جواب: بعد از باز گشت به خانه خواندن نوافل درست است، طوریکه در الدر المختار آمده: (وان تنفل بعد ها فی البیت جاز [3]). فقط

گفتن تکبیرات زوائد پس ازبرخاستن از رکوع: سوال: ۳۰۲ امام در رکعت دوم نماز عید اضحی تکبیرات زوائد را فراموش کرد وبه رکوع رفت دو صف اولی در رکوع شریک شدند اما صفوف بعدی وکسانیکه در حویلی ملحق به مسجد ایستاده بودند به سبب بی خبری تکبیر رکوع وقیام راتکبیرات زوائد پنداشته تکبیر گفتند امام از رکوع سر بلند نمود ودر قیام تکبیرات زوائد را گفت مقتدیان نیز همراه او تکبیر او گفتند سپس امام دوباره رکوع نمود که در این

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۵۳ قبیل مطلب تکره الصلوٰة فی الکنیسة ط. س. ج۱ ص ۳۸۰. ظفیر

(۲) ویجب تکبیر التشریق ﷺ عقب کل فرض ادی بجماعة ﷺ مستحبة خرج جماعة النساء والغزاة لا العبید (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین، مطلب فی تکبیر التشریق ج۱ ص۷٤٤ وص ۷۸٦، ط. س. ج۲ ص۱۷۷). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۸. ظفیر

رکوع تمام مقتدیان شرکت کردند امام مطابق مذهب متاخريني سجده سهو ننمود آیا اگر در اینصورت نماز دوباره خوانده شود کراهیتی نخواهد داشت؟

جواب: در صورت وقوع چنین امری علامه شامی تصریح نموده که نماز فاسد نگردیده بلکه باز گشت به قیام را از جمله روایت نادره نوشته وبدائع آنرا اختیار نموده اما ظاهر روایت آن است که امام در چنین حالتی به قیام بر نگردد بهرحال نماز به چنین حالتی می شود ومطابق فتوای متأخرین در نماز عیدین سجده سهو نیست لهذا می توان حکم کرد که نماز شده وبه اعاده آن ضرورتی نیست زیرا اعاده باعث تشویش وتفرق در جماعت می گردد پس به دلیلی که سجده سهو ساقط گردیده به همان دلیل نمی توان به اعاده حکم کرد [۱].

بدون عذر خواندن نماز در دروازه چه حکم دارد: سوال: ۳۰۳ خواندن نماز عید بدون عذر در بازار مسجد یا بر درخانه جائز است یانه اگر جائز نیست مکروه تحریمی است یا مکروه تنزیهی با دلائل صریح وحواله کتب تحریر فرمائید؟

جواب: در الدر المختار آمده: (والخروج الیها ای الجبانة لصلاة العید سنة وان وسعهم المسجد الجامع وهو الصحیح.... [۲]) ودر شرح منیه آمده: (الخروج الی المصلی وهی الجبانة سنة وان کان یسعهم الجامع وعلیه عامة المشائخ لما ثبت انه (ﷺ) کان یخرج یوم الفطر ویوم الاضحی الی المصلی [۳]) از این عبارت معلوم می گردد که بر آمدن به سوی عیدگاه در نماز عیدین سنت می باشد پس بدون عذر ترک آن مکروه تحریمی می باشد ودر شامی از بحر نقل گردیده که ترک سنت مؤکد مکروه تحریمی می باشد: (الحاصل ان السنة ان کانت موکدة قویة لا یبعد [۴]

---

(۱) وقد عملت ان العود روایة النوادر علی انه یقال علیه ما قاله ابن الهمام فی ترجیح القول بعدم الفساد فیما لو عاد الی القعود الاول بعد ما استتم قائما الخ (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۸۲ ، تحت قوله: فلو عاد ینبغی الفساد ، ط. س. ج ۲ ص ۱۷٤). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷٦، ط. س. ج۲ ص۱٦۹. ظفیر

(۳) غنیة المستملی باب العید ص ۵۲۹ . ظفیر

(٤) ردالمحتار باب مایفسد الصلوة ومایکره فیها مطلب فی بیان السنة والمستحب ج۱ ص ٦۲۲، ط. س. ج۲ ص٦۵۳. ظفیر

کون ترکها مکروها تحریما وان کانت غیر مؤکدة فترکها مکروه تنزیها).

ضرورت دلیل برای مکروه تحریمی: سوال: ۳۰۴ آیا برای ثبوت مکروه تحریمی به نص ضرورت است یانه؟

جواب: برای ثبوت مکروه تحریمی وحتی تنزیهی به نص ضرورت می باشد در شامی آمده:

(اقول لکن صرح فی البحر فی صلاة العید عند مسئلة الاکل بانه لایلزم من ترک المستحب ثبوت الکراهة اذ لابد لها من دلیل خاص [1]).

با نواختن باجه خانه به عید گاه رفتن وبر سر امام با چتری سایه کردن: سوال: ۳۰۵ رفتن نماز گزاران همراه با امام با نواختن باجه خانه به سوی عیدگاه وپس از نماز عیدین هنگام خطبه بر سر امام با چتری سایه کردن چه حکم دارد؟

جواب: نواختن باچه خانه وغیره حرام است کسانیکه چنین می کنند خاطی وگنهگار می باشنده وهنگام خطبه بر سر خطیب نا چتر سایه کردن نیز درست نبوده وخلاف اداب خطبه واستماع خطبه می باشد.

کسی که قربانی نمی کند می تواند قبلاً موی خود را اصلاح نماید: سوال: ۳۰۶ بر کسی که قربانی واجب نیست برای او اصلاح موی چه وقتی مستحب است پیش از قربانی یا بعد از آن؟

جواب: در صحیح مسلم این حدیث روایت گردیده: ([2] قال رسول الله (ﷺ) اذا دخل العشر واراد بعضکم ان یضحی فلا یاخذن شعرا ولا یقلمن ظفراً فهذا محمول علی الندب) [3] شامی ودر

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب فی بیان السنة والمستحب والمندوب ج۱ ص۶۱۱، ط.س. ج۲ ص۶۵۳. ظ

(۲) مشکوٰة باب الاضحیة ص ۱۲۷. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۸۱. ظفیر

روایت دیگری چنین آمده: (من رأی هلال ذی الحجة واراد ان یضحی فلا یأخذ من شعره ولا من اظفاره) رواه مسلم. نتیجه این روایات آن است که شخصی که اراده قربانی دارد مستحب آن می باشد که بعد از نماز عید قربانی کرده وسپس ناخن های خود را گرفته وموی های خود را اصلاح نماید وکسی که اراده قربانی ندارد برای او چنین چیزی مستحب نیست واو می تواند قبل از نماز نیز موی های خود را اصلاح کند.

بازار درحکم صحرا نیست: سوال: ۳۰۷ آیا با زار را می توان جبانه قرار داد؟

جواب: در ردالمحتار آمده: (ثم خروجه ماشیاً الی الجبانة وهی المصلی العام ای فی الصحرا) [۱] لذا معلوم گردید که جبانه مصلی عام بوده که درصحرا قرار داشته پس بازار در حکم جبانه نیست. فقط

نماز عید در بازار: سوال: ۳۰۸ نماز عیدین در بازار بدون کراهیت درست است یانه؟

جواب: اگر در بازار مسجد یا محلی وجود داشته باشد که درمعرض عبور ومرور مردم نبوده واز شور وغالمغال خالی باشد اداء نماز در آنجا کراهیتی ندارد.

نماز عید در بازار درمقابل سرک عمومی: سوال: ۳۰۹ در بازاری که نماز عیدین خوانده می شود اگر مقابل سرک عمومی قرار داشته باشد درآنجا نماز جائز است یانه؟

جواب: اگر رو به روی سرک عمومی دیوار وغیره نباشد نماز در آنجا مکروه است چنانچه در شرح منیه آمده: (وتکره الصلوة فی طریق العامة [۲]) مگر نماز اداء می شود.

نماز عید در راه: سوال: ۳۱۰ اگر بازار در میان راه قرار داشته باشد نماز عید در آن بازار درست یانه؟

---

(۱) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۶ ، ط. س. ج۲ ص۱۶۸. ظفیر

(۲) غنیة المستملی ص ۳۴۹. ظفیر

جواب: جواب این سوال در ضمن جواب به سوال ۳۰۹ گذشت.

نماز عید دردهلیز: **سوال**: ۳۱۱ اگرصحرانباشد آیانمازعید بدون کراهیت دردهلیزجائز است؟

جواب: بد ون کراهیت درست است.

نماز عید درفنای مسجد: **سوال**: ۳۱۲ اگر صحرا نباشد خواندن نماز عید در مسجد یا فنای مسجد بدون کراهیت درست است یانه؟

جواب: بدون کراهیت درست است [۱].

عرفه به روز نهم ذی الحجه گفته می شود: **سوال**: ۳۱۳ روز های عرفه چند است ودر کدام ماه ودر کتاب تاریخ قرار دارند؟

جواب: عرفه یک روز است که روز نهم ماه ذی الحجه می باشد [۲].

گفتن تکبیرات زوائد بعد از سوره فاتحه وپس از آن قرائت: **سوال**: ۳۱٤ امام در نماز عید پس ازتکبیر تحریمه به خواندن سوره فاتحه آغاز کرد وگفت (الحمدلله رب العٰلمین) وسپس با یاد آوری مقتدی تکبیرات ثلاثه را گفت ودوباره به قرابت.. آغاز کرد دراینصورت نماز می شود یانه؟

جواب: طوریکه در شامی آمده در چنین صورتی نماز می شود [۳].

دعا بعد ازنماز عید بدعت نیست: **سوال**: ۳۱۵ دعای بعد ازنماز عیدرا عده ای مکروه گویند

(۱) الخروج الی المصلی وهی الجبانة سنة الخ فان ضعف القوم عن الخروج امر الامام من یصلی بهم فی المسجد (غنیة المستملی ص ۵۳۹ ، ردالمحتار ط. س. ج۲ ص ۱۲۹). ظفیر

(۲) خطب الامام سابع ذی الحجة الخ ثم التاسع بعرفات (شرح وقایه کتاب الحج ج۱ ص۳۳۳) قوله ثم التاسع ای ثم یخطب فی یوم عرفة (عمدة الرعایه فی حل شرح وقایه ج۱ ص ۳۳۳، کتاب الحج). ظفیر

(۳) کما لو رکع الامام قبل ان یکبر فان الامام یکبر فی الرکوع ولایعود الی القیام لیکبر فی ظاهر الروایة فلوعاد ینبغی الفساد (درمختار) وقد علمت ان العود روایة النوادر علی انه یقال علیه ما قاله ابن الهمام فی ترجیح القول بعدم الفساد فیما لوعاد الی القعود الاول بعد ان استتم قائما بان فیه رفض الفرض لاجل الواجب وهو وان لم یحل فهو بالصحة لا یخل (ردالمحتارباب العیدین ج۱ ص۷۸۲ ، ط.س. ج۲ ص۱۷٤). ظ

وعده ای بدعت وعده ای مستحب کدام یک از این اقوال درست است؟

جواب: دعا بعد از تمام نماز های مسنون ومستحب است ودر احادیث وارد شده طوریکه در حصن حصین وغیره کتب نقل گردیده پس در این حکم نماز عیدین هم داخل وشامل است؟ بدعت گفتن آنرا صحیح نیست واکابر است مانند حضرت مولانا رشید احمد محدث وفقیه گنگوی وجمیع اکابر واساتذه ما بعد از نماز عیدین مانند نماز های مکتوبه دعا می فرمودند پس هر کسی که آنرا بدعت گفته صحیح نیست [۱].

خواندن نماز نفل درعید گاه پیش از نماز عید یا بعد از آن چه حکم دارد: سوال: ۳۱۶ خواندن نماز نفل در عیدگاه پیش از نماز عید یا پس از آن نزد علمای حنفی روا است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ولاینتفل فیها مطلقاً وکذا لاینتفل بعد ها فی مصلیها [۲] شامی گوید: (قوله وکذا لاینتفل.... لما فی الکتب السنة عن ابن عباس انه (ﷺ) خرج فصلی بهم یوم العید لم یصل قبلها ولابعدها وهذا النفی بعدها محمول علیه فی المصلی [۳]).

درصورت قرائت مفسد صلوة می توانند جماعت دیگری بکنند: سوال: ۳۱۷ اگر امام عیدین غلط قرائت کند امامت او جائز است یانه وامام دیگری نمی توان تعیین کرد زیرا عوام الناس نمی خواهند پس در چنین حالتی خواندن نماز عید درمساجد شهر چه حکم دارد؟

جواب: نماز عیدین در مساجد نیز صحیح می باشد [۴] اگر امام عید در قرائت چنان غلطی کند که موجب فاسد شدن نماز گردد پس در مسجد می توان علیحده جماعت نمود [۱] واگر چنان

---

(۱) ویدعوا ویختم بسبحان ربک الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص ۵۹۵ ، ط. س. ج۲ ص ۵۳۰) عن ام عطیة قالت امرنا ان نخرج الحیض یوم العیدین وذوات الخدور فیشهدن جماعة المسلمین ودعوتهم وتعتزل الحیض (مشکوٰة باب العیدین ص ۱۲۵). ظفیر

(۲) الدر المختار باب العیدین ج۱ ص۱۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۹ – ۱۷۰). ظفیر

(۳) وتؤدی بمصر واحد بمواضع کثیرة اتفاقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸۳، ط.س. ج۲ ص۱۷٦). ظفیر

(٤) الفاسق اذا کان یؤم یوم الجمعة وعجز القوم عن منعه قال بعضهم یقتدی به فی لا جمعة ولا تترک الجمعة بامامة وفی غیر الجمعة یجوز ان یتحول الی مسجد اخر ولا یاثم به (عالمگیری مصری فی الامامة ج۱ ص۸۱ ، ط. م. ج۱ ص ۸٦). ظفیر

=

غلطی کند که مفسد صلاة نبوده وعلیحده شدن موجب فتنه باشد در آنصورت عقب همین امام نماز خوانده شود.

تکبیرات تشریق پس از نماز عیدین صرف یک مرتبه است: سوال: ۳۱۸: در ایام تشریق پس از هر نماز فرض تکبیر تشریق بهفته می شود زید می گوید که گفتن این تکبیرات یک مرتبه واجب است وعمرو می گوید که سه مرتبه کدام یک از این دو بر حق اند؟

جواب: گفتن تکبیر تشریق یک مرتبه واجب بوده وزیاده واجب نیست والدر المختار از عینی نقل کرده است که در زیاده گفتن آن ثواب بوده وحرجی نیست اما شامی از ابو السعود نقل می نماید که زیاده از یک مرتبه گفتن خلاف سنت می باشد پس بهتر آن است که به همان یک مرتبه اکتفا شود عبارت شامی چنین است (ان الاتیان به مرتین خلاف السنة [۲]).

نماز عیدین با دوازده تکبیر درست است یانه: سوال: ۳۱۹ اگر احناف با دوازده تکبیر نماز عیدین را بخوانند نماز می شود یانه؟

جواب: تعداد تکبیرات زوائد نزد احناف شش است پس باید دوازده تکبیر نگویند اما به هر حال نماز صحیح است.

اعاده جماعت به دلیل ترک تکبیرات زوائد: سوال: ۳۲۰ زید در نماز عید امامت نمود اما تکبیرات زوائد را فراموش کرد وچون سلام گشتاند مقتدیان گفتند که نماز نشد لذا زید دوباره نماز داد از آن دو نماز کدام یک اداء شده است این نماز در مسجدی خوانده شده که آواز امام تاصف آخری می رسید.

---

(۱) ولا یجوز امامة الالثغ الذی لا یقدر علی التکلم ببعض الحروف الا لمثله اذا لم یکن من یقدر علی التکلم بتلک الحروف، فاما اذاکان فی القوم من یقدرعلی التکلم بها فسدت صلاته وصلاة القوم (خ) ایضا ج۱ ص۸۰. ظفیر

(۲) ویصلی الامام بهم رکعتین مثنیا قبل الزوائد وهی ثلاث تکبیرات فی کل رکعة ولو زاد تابعه الی ستة عشر لانه مأثور (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۲). ظفیر

جواب: نماز اول شده بود اما به علت ترک واجب ناقص بود که سجده سهو می توانست آنرا جبران کند وچون از سوال معلوم می گردد که تعداد مردم در این جماعت زیاد نبود که در چنین وضعیتی در نماز عیدین نیز می توان سجده سهو نمود اما چون سجده سهو ننمود اعاده لازم بود که انجام گرفت پس بعد از اعاده نماز هیچ نقصانی در آن باقی نماند وجماعت دوم متمم ومکمل نماز اول گردید [۱].

انتظار مقتدیان در نماز عید: **سوال**: ۳۲۱ در نماز عیدین تا چه وقتی باید برای مقتدیان انتظار نمود؟

جواب: وقت نماز عید قبل از زوال می باشد یعنی در انتظار قبل زوال حرجی نیست امابعد از آن نمی توان انتظار کرد [۲].

تعداد تکبیرات زوائد در نماز عیدین نزد احناف شش است: **سوال**: ۳۲۲ امام سابق قلعه لاهوری فرمود که صحیح بخاری تعداد تکبیرات زوائد را در نماز عیدین دوازده نوشته است یعنی در هر رکعت شش تکبیر، حکم صحیح در این مورد چیست؟

جواب: تعداد تکبیرات زوائد در نماز عیدین نزد احناف شش است یعنی در هر رکعت سه سه تکبیر واین امر از حدیث ابو داود ثابت می باشد: (وعن سعیدبن العاص قال سألت ابا موسی وحذیفه کیف کان رسول الله (ﷺ) یکبر فی الاضحی والفطر فقال ابو موسی کان یکبر اربعاً (فی رکعة الاولی مع تکبیرة الاحرام وفی الثانیة مع تکبیرة الرکوع) تکبیرة علی الجنائز فقال حذیفة دق) رواه ابو داود. فقط

---

(۱) والسهو فی صلاة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتاخرین عدمه فی الاولین لدفع الفتنة کما فی جمعة البحر واقره المصنف وبه جزم فی الدر (درمختار) لکنه قیده محشیها الوافی بما اذا حضر جمع کثیر والا فلا داعی الی الترک (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۵). ظفیر

(۲) ووقتها من الارتفاع قدر رمح فلا تصح قبله ای الی الزوال باسقاط الغایة (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۱). ظفیر

در نماز عید نقاره جائز است یانه: سوال: ۳۲۳ برای نماز عید نقاره زدن جائز است یانه؟

جواب: اگر به قصد تفاخر باشد ممنوع است واگر به نیت اگاهی باشد جائز است، طوریکه در الدر المختار آمده: (ومن ذلک ضرب التوبة للتفاخر فلو لتنبیه فلا باس به [۱]).

بحث تکبیرات زوائد در نماز عیدین: سوال: ۳۲٤ در بخاری ترمذی ومشکوٰة ثابت است که در نماز عیدین دوازده تکبیر می باشد یعنی در رکعت اول هفت پیش از قرائت ودر رکعت دوم پنج بعد از قرائت همچنان در ترمذی حدیثی از ابن مسعود (رضی الله عنه) روایت گردیده که در آن نه تکبیر آمده یعنی دررکعت اول پنج تکبیر پیش از قرائت ودر رکعت دوم چهار تکبیر بعد از قرائت مگر اکنون دستور العمل آن است که نماز عیدین را باشش تکبیر می خوانند که سراسر با احادیث مذکور مخالف می باشد، آیا کدام حدیثی افضل وبهتر روایت شده که به اساس آن شش تکبیر به ثبوت رسیده باشد وحکم احایث مذکور چیست؟

جواب: دلیل احناف این حدیث می باشد: (عن سعید بن العاص انه سأل ابا موسی اشعری وحذیفه بن الیمان کیف کان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) یکبر فی الاضحی والفطر فقال ابوموسی کان یکبر اربعاً فی الرکعة الاولی مع تکبیرة الاحرام وفی الثانیة مع تکبیرة الرکوع تکبیرة علی الجنائز فقال حذیفه صدق (رواه ابو داود [۲]) تفصیل آن در کتب فقه موجود است ودر روایتی که نه تکبیر وارد شده مقصد از آن نیز شش تکبیر می باشد، زیرا در رکعت اولی تکبیر تحریمه وتکبیر رکوع نیز حساب گردیده ودر رکعت دوم تکبیر رکوع با آن حساب شده است.

تکبیرات تشریق قضایی ندارد: سوال: ۳۲۵ اگر تکبیرات تشریق قضا گیردد باید آنرا اداء کرد یا اینکه بر تارک آن مواخذه ای نیست؟

---

(۱) برای دانستن تفصیل غنیة المستملی باب العیدین ص ۵۲۷. ظفیر.

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة قبل فصل فی اللبس ص ۳۰۶ ج۵. ظفیر

جواب: تکبیرات تشریق اگر در وقت خود تری گردد قضایی ندارد وبا توبه کردن گناه آن عفو خواهد شد. [۱]

اگر در عیدگاه اول غیر مقلدین نماز بخوانند اعتبار ندارد: سوال: ۳۲۶ اگر بدون اجازه حنفی از روی عناد گروه غیر مقلدین در عیدگاه احناف پیش از امام حنفی نماز عید را بخوانند در فضیلت نماز جماعت امام تعیین شده کاهش رخ نخواهد داد؟

جواب: برای غیر مقلدین انجام این کار جائز نیست وجماعت آنها اعتباری ندارد وجماعت احناف که صورت که بعداً صورت گرفته اعتبار دارد ودر ثواب وفضیلت آن کاهشی رخ نمی دهد.

ساختن عیدگاه جدید: سوال: ۳۲۷ ازمدت طولانی عیدگاه در زمین یک هندو قرار دارد که او ازحق ملکیت خویش صرف نظر نموده عیدگاه مذکور از آبادی یک میل فاصله داشته وبر علاوه در وقت باران راه ان دشوار می گردد اکنون برای مسلمانان ساختن عیدگاه دیگر در زمین مسلمانان در قصبه جدید جائز است یانه وآیا می توان عیدگاه سابقه را ویران نمود واز مواد آن درساختن عیدگاه جدید کار گرفت یانه؟ وبعد از ساختن عیدگاه جدید آیا باید عیدگاه سابقه را به مالکش مسترد نمود یا مسلمانان آنرا در قبضه خود نگهدارند؟

جواب: اگر هندو از ملکیت خویش صرف نظر نموده وآن زمین را غرض عیدگاه به مسلمانان داده باشد زمین مذکوره وقف گردیده به کار بردن مواد آن در عیدگاه جدید ومسترد کردن آن به هندو جائز نیست. فقط

دو عید گاه دریک شهر: سوال: ۳۲۸ اگر در یک شهر دو عیدگاه باشد ودر هر دو نماز عید

---

(۱) عقب کل فرض بلا فصل الخ (درمختار) فلو خرج من المسجد اوتکلم عامدا اوساهیًا اوحدث عامدا سقط عنه التکبیر (رد المحتار باب العیدین مطلب فی تکبیر التشریق ج۱ ص ۷۸۶ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۷ – ۱۷۹). ظفیر

خوانده شود چه حکم دارد؟

جواب: در بودن دو عیدگاه در یک شهر واینکه در هر کدام به صورتي جداگانه نماز عید خوانده شود حرجی نیست [۱].

نماز عید در عیدگاه بیرون آبادی افضل است: سوال: ۳۲۹: یک عیدگاه برون شهر است وعیدگاه دیگر در داخل شهر خواندن نماز عید در کدام یک از این دوعیدگاه افضل است؟

جواب: مطابق طریقه سنت اداء نماز عید برون از شهر نسبت به داخل شهر فضیلت دارد [۲].

نماز در عیدگاهی که قصاب ها ساخته اند درست است: سوال: ۳۳۰ در اینجا قصاب ها عیدگاهی ساخته اند، آیا نماز عید کسانی که قصاب نیستند در آن جائز است یانه؟ آیا عیدگاه به شکلی که اکنون ساخته می شود در زمان پیامبر (ﷺ) نیز چنین بود؟

جواب: نماز کساني که قصاب نیستند در عیدگاه قصاب ها درست است وپیامبر (ﷺ) نماز عیدین را بیرون از شهر در صحرا اداء می فرمود وطریقه سنت همین است [۳].

تکبیرات تشریق بعد از نماز جماعت بوده وبر تنها گزار نیست: سوال: ۳۳۱ زید در تکبیرات ایام تشریق که پس از هر نماز واجب است فراموش می کند او تنها نماز می خواند آیا به علیت تکبیر نگفتن در نماز وی نقصان روی می دهد یانه؟

جواب: تکبیرات ایام تشریق بر مردمانی واجب است که نماز را به جماعت می خوانند واگر شخصی تنها نماز بخواند گفتن تکبیرات تشریق بر او واجب نیست ودر نماز او به اساس تکبیر نگفتن هیچ نقصانی روی نمی دهد [۱].

---

(۱) وتؤدی بمصر واحد بمواضع کثیرة اتفاقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۶). ظفیر

(۲) ثم خروجه ﷺ ماشیا الی الجبانة وهی المصلی العام والخروج الیها ای الی الجبانة لصلاة العید سنة (در مختار) ای فی الصحراء (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷٦ ، ط. س. ج۲ ص۱٦۸). ظفیر

(۳) والخروج الیها ای الجبانة لصلاة العید سنة وان وسعهم المسجد الجامع هو الصحیح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷٦ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۹). ظفیر

در نماز عیدین پس ازتکبیرات زوائد بدون ارسال دست ها بسته می شود: سوال: ۳۳۲
در نماز عیدین پس از تکبیرات ثلاثه زواید بعد از گفتن هر یک دست ها را ارسال کرده وبعد از تکبیر سوم نخست ارسال نموده وبعد دست ها را ببندیم یا مستقیماً پس از تکبیر دست ها را بسته کنیم.

جواب: درنماز عیدین در رکعت اول در دو تکبیر نخسین ارسال کنید وپس از تکبیر سوم ارسال ننموده مستقیماً دست ها رابسته نمائید زیرا که این وقت، وقت قرائت می باشد ودر رکعت دوم پس از تکبیر سوم ارسال کنید وسپس تکبیر گفته وبه رکوع بروید [۲].

اگر تعدادی ازمردم به دلیل عذری در مسجد نماز عید را بخوانند درست است: سوال:
۳۳۳ یک قاضی صاحب که امام مسجد عیدگاه است همراه با باجه خانه به عیدگاه می رود، تعدادی از مردم او را منع کردند اما او قبول نکرد لذا ایشان به عیدگاه نرفته ودر جماعت شرکت نکردند بلکه در مسجد کسی را امام تعیین نموده ونماز عید را اداء نمودند آیا شرعاً ایشان می توانستند در مسجد نماز عید را بخوانند یا نه؟

جواب: نماز مردمی که با قاضی مذکور به عیدگاه نرفته ودر جماعت با او شریک نشدند ودر مسجد کسی را امام نموده ونماز عید را اداء نمودند صحیح است زیرا نماز عید در مسجد نیز اداء می گردد مگر سنت آن است به نماز عیدین برون از آبادی ودر صحرا خوانده شود طوریکه درالدر المختارآمده: (والخروج الیها ای الجبانة لصلوة العید سنة وانا وسعهم المسجد

---

(۱) ویجب تکبیر التشریق مره الخ عقب کل فرض بلا فصل ادی بجماعة مستحبة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۸٤ وص۷۸٦ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۷ وص ۱۷۹). ظفیر

(۲) ووضع الرجل یمینه علی یساره تحت سرته الخ کما فرغ عن التکبیر بلا ارسال فی الاصح وهو سنة قیام الخ له قرار فیه ذکر مسنون فیضع حالة الثناء وفی القنوت وتکبیرات الجنازة لایسن فی قیام بین رکوع وسجود لعدم القرار لا بین تکبیرات العید لعدم الذکر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة، فصل تالیف الصلاة ج۱ ص ٤٥٥ ، ط. س. ج۲ ص٤٨٦ – ٤٨٧) ویرفع یدیه فی الزوائد الخ ولیس بین تکبیراته ذکر مسنون ولذا یرسل یدیه (درمختار) ای فی اثناء التکبیرات ویضعهما بعد الثالثة الخ (باب العیدین ج۱ ص۷۸۲ ، ط. س. ج۲ ص١٧٤). ظفیر

الجامع .... وفی الشامی تحت قوله ای الجبانة وهو المصلی العام ای فی الصحرا بحر عن المغرب [۱] شامی).

چگونگی قبول زمین هندو برای عیدگاه: سوال: ۳۳٤ وسیع کردن عیدگاه قصبه (سیانه) ضرور گردیده در اطراف آن زمین یک ثروتمند هندو قرار دارد (و اوعده دادن مقداری زمین را کرده است آیا می توان عطیه زمین او را برای عیدگاه قبول کرد؟

جواب: شکل جواز بلا اختلاف آن این است که آن ثروتمند هندو زمینی را که ضرورت است جدا نموده، نشانی نموده وملکیت مسلمانی سازد سپس آن مسلمان اراضی مذکور را وقف کند، زیرا در وقف کردن خود آن ثروتمند هندو حسب روایات فقهی تردد است.

هیچ بخشی از وقف عیدگاه را به کسی نمی توان داد: سوال: ۳۳۵ در سمتی که آن ثروتمند هندو می خواهد زمین خود را به صحن عیدگاه بدهد برأی درست کردن دیوار آن سمت به سوی قبله یک گوشۂ مثلث شکل از عیدگاه سابقه جدامی گردد وآن ثروتمند هندو می خواهد آنرا در اراضی خود داخل سازد آیا دادن این گوشه برای او جائز است؟

جواب: دادن هیچ حصۂ موقوفه عیله گاه به کسی درست نیست، زیرا در وقف هیچگونه تصرفی از قبیل هبه بیع یا مبادله درست نمی باشد [۲].

پای پیاده رفتن به عیدگاه سنت بوده وپول انداختن درست نیست: سوال: ۳۳٦ رفت وآمد سواره به عیدگاه وبر خود پول وغیره چیز ها را انداختن جائز است یانه؟

جواب: سنت رفتن پای پیاده به عیدگاه می باشد وسواره رفتن خلاف سنت است واگر سواره باز

---

(۱) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷٦ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۵) مگر رفتن همراه باجه گناه است ومردمی که چنین می کنند باید از آن توبه نمانند. ظفیر

(۲) فاذا اتم الوقف ولزمه لایملک ولا یملک ولایعار ولایرهن (درمختار) لایملک ای لایکون مملوکه لصاحبه ولا یملک ای لایقبل التملیک لغیره بالبیع ونحوه (ردالمحتار الوقف ج۱ ص۵۰۷ ، ط.س. ج۲ ص۳۵۲-۳۹۱). ظفیر

گردد جائز می باشد، زیرا در (الدر المختار) چنین آمده است [۱] وپول انداختن بر خود نیز درست نیست.

نماز عید در زندان: سوال: ۳۳۷ نماز عیدین در زندان می شود یانه؟

جواب: نماز های جمعه وعیدین در زندان واجب نبوده [۲] ودر اداء شدن آنها در زندان هم اختلاف است [۳].

بعد از زوال نماز عید درست نیست به علت عذر می توان آنرا در روز دوم خواند:

سوال: ۳۳۸ به علت بارش نماز عید اضحی در وقت معین خوانده نشد که دراینصورت باید آنرا در روز دوم باسوم خواند اما عده ای از مردم بی خبر وناداءن در همان روز اول ساعت دو یاسه بعد از ظفر آنرا اداء نمودند نماز شده است یا باید آنرا اعاده نمود؟

جواب: در الدر المختار آمده است: (وتوخر بعذر کمطر الی الزوال من الغد فقط فوقتها من الثانی کالاول وتکون قضا لا اداء ...) ودرشامی آمده: (قوله فقط راجع الی قوله بعذر فلا تؤخر من غیر عذر والی قوله الی الزوال فلا تصح بعده والی قوله من الغد فلا تصح فیما بعد غد ولو بعذر [٤]) پس واضح گردید که آن نماز عید اضحی که بعد از ظهر خوانده شده درست نیست بلکه باید در روز بعد قبل از زوال قضائی آن خوانده می شد وبعد از آن قضایی خواندن آن نیز جائز نمی باشد.

---

(۱) ثم خروجه الخ ماشیا الی الجبانة الخ ولا یعوده راکبًا (الدر المختار علی هامش ردالمختار باب العیدین ج۱ ص ۷۷٦ – ۷۷۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۸). ظفیر

(۲) وشرط لافتراضها تسعة تختص بها اقامة بمصر الخ وصحة الخ وعدم حبس الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٦٤ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۲). ظفیر

(۳) چون شرط اذن عام در آن وجود ندارد لذا بعضی از مردم عدم جواز را رجحان می دهند، اما ترجیح من خاکسار به سوی جواز است در عصر حاضر چون فتوی وعمل هر دو به تعدد جمعه دریک شهر می باشد شرط اذن محض لغو است از بحثی که در این مورد در الدر المختار وشامی وجود دارد نیز جواز ثابت می گردد، علامه شامی وقتی بحث اذن عام را ختم می کند چنین می نویسد قلت وینبغی ان یکون محل النزاع ما اذا کانت لا تقام الا فی محل واحد، اما لو تعدد فلا لانه لا یتحقق التفویت کما افاده التعلیل تامل (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص۷۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۱۵۲). ظفیر

(٤) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸۳. ظفیر

نماز عیدین وتکبیرات زوائد هر دو واجب است: سوال: ۳۳۹ در نماز عیدین شش تکبیر واجب می باشد یا دو رکعت نماز نیز واجب است اگر امامی چنین نیت کند که دو رکعت نماز نفل عید اضحی باشش تکبیر واجب، چون لفظ نفل استعمال گردید آیا نماز مذکور درست است یانه؟

جواب: نماز عیدین نیز واجب بوده وتکبیرات زوائد نیز واجب می باشد [1] در آینده در نیت نباید نماز نفل گفت ودر دل نیز نباید چنین خیال کرد اما به هر حال نماز شده است زیرا با گفتن لفظ نفل نماز فاسد نشده است [2].

سنت صرف یک مرتبه گفتن تکبیرات تشریق است: سوال: ۳۴۰ تکبیرات تشریق را بیش از یک مرتبه گفتن جائز است یانه؟

جواب: حکم یک مرتبه گفتن بوده وبیشتر گفتن خلاف سنت است.

مقصد حدیث دعوت درعید چیست: سوال: ۳۴۱ (وعن ام عطیه قالت امرنا ان نخرج الحیض یوم العیدین وذوات الخدور فیشهدن جماعة المسلمین ودعوتهم وتعتزل الحیض علی المصلی) منظور از لفظ (دعوتهم) چیست؟ عده ای می گویند که این حدیث منسوخ است.

جواب: لفظ دعوتهم عام است که دعای بعد از نماز نیز در آن شامل خواهد بود لذا منسوخ گفتن آن غلط است.

درعید بعد ازخطبه دعا نیست: سوال: ۳۴۳ عیدگاه بادشاهی که دارای زمین انعامی می باشد وبرای خطیب دولتی بر علاوه زمین انعامی خلعت عیدین نیز داده می شود عیدگاه مذکور پیش

---

(۱) تجب صلاتهما فی الاصح علی من تجب علیه الجمعة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷٤ ، ط. س. ج۲ ص۱٦٦). ظفیر

(۲) ولو علم ولم یمیز الفرض من غیره ان نوی الفرض فی الکل جاز (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلاة ج۱ ص ۳۸۸ ، ط. س. ج۱ ص ٤۱۸). ظفیر

روی آبادی شهر قرار دارد اما تا کنون نماز عیدین درآن خوانده می شود زمین عیدگاه کاملاً خالی بوده ودر آن هیچ ساختمانی وجود ندارد، اکنون اگر در عمارت مذکور ساختمانی بناگردد حیثیت آن منجیث عیدگاه از میان خواهد رفت؟ آیا اعمار بنایی در آن جائز است یانه باید تذکر دهم که در صورت اعمار ساختمانی امکان ضبط زمین انعامی وجود دارد؟

جواب: عیدگاه مذکور وقف بوده ودر آن هیچ نوع تصرف وتعمیر منزل درست نیست [۱] اما اگر برای آرامش نماز گزاران ومحافظت آنها از افتاب وبارش سقفی مانند مسجد اعمار گردد ممانعتی نیست.

درتعمیر عیدگاه مصرف کردن پول هندو جائز است: **سوال**: ۳۴۴ در تعمیر عیدگاه مصرف کردن پول هندو جائز است یانه؟

جواب: جائز است.

زمین عیدگاه را نمی توان فروخت: **سوال**: ۳۴۵ الفت: در قریه کندوه در نزدیکی عیدگاه محلی قرار دارد که از آن سنگ می برند که در گذشته فاصله آن زیاد بود مگر اکنون به اندازه گردیده که وقتی در سنگ سرنگ پرانده می شود، دیوار های عیدگاه به شدت می لرزد که بدین جهت احتمال افتادن آن وجود دارد، لذا اگر دولت معاوضه زمین وتعمیر عیدگاه را بدهد آیا می توان در جای دیگری عیدگاه ساخت وآیا عیدگاه موجود را دولت برای کار های خویش به کار برده می تواند یانه؟

ب: عیدگاه در حکم مسجد است یانه؟

جواب: (الف وب) عیدگاه وقف بوده ودر حکم مسجد می باشد وچنین تصرفاتی درآن درست نیست [۲].

---

(۱) فاذا تم الوقف ولزم لایملک ولا یملّک ولایعار ولایرهن (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الوقف ج۱ ص۵۰۷ ، ط. س. ج۲ ص۳۵۱ – ۳۵۲). ظفیر

(۲) اذا تم الوقف ولزم لایملک ولا یملّک ولایعار ولا یرهن (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الوقف ج۱ ص۵۰۷ ، ط. س. =

تماشا بازی در عیدگاه درست نیست: سوال: ۳۵٦ در داخل عیدگاه با اعلان عام کارهای چون تماشا وبازی وهار مونیه یا باجه نواختن بدون اجازه متولی عیدگاه شرعاً جائز است یانه؟

جواب: عیدگاه در بسیاری از امور حکم مسجد را دارد، لذا در عیدگاه تماشا وبازی هار مونیه وباجه وآواز خوانی جمله ناجائز می باشد ومتولی عیدگاه نمی تواند هر گز به چنین کسی اجازه بدهد وبه اجازه متولی ویابدون اجازه او انجام اینکار درعیدگاه درست نمی باشد چنانچه این مسأله در الدر المختار وشامی نیز آمده است [1].

تعداد تکبیرات زوائد در نماز عیدین ونتایج اختلاف درآن: سوال: ۳٤۷ هنگام نماز عید امام صاحب به جای شش تکبیر نیت نه تکبیر را بست وهنگام نماز صرف هفت تکبیر خواند، نماز درست شد یانه افضل در نماز عیدین شش تکبیر است یا بیش از آن؟

جواب: نماز اداء شده وتعداد تکبیرات زوائد در هر رکعت سه تکبیر می باشد که جمعاً شش وتکبیر می شود، زیاده بر این مذهب حنفی نیست [2].

درخطبه عید خواندن نور نامه وغیره درست نیست: سوال: ۳٤۸ امام پس از خواندن نماز عید به خطبه شروع نمود وخطبه را بسیار طولانی ساخت، در حالیکه مقتدیان در آفتاب ایستاده بودند، او نور نامه ووفات نامه را خواند اینکار چه حکم دارد؟

جواب: برای خطیب چنین کاری مکروه بوده وخطبه باید مختصر باشد خصوصاً دروقتی که مردم به تکلیف می شوند خواندن وفات نامه، نور نامه درست نیست. فقط

= ج۲ ص ۳۵۱ – ۳۵۲). ظفیر

(۱) اما المتخذ لصلاة جنازة اوعید فهو مسجد فی حق جواز الاقتداء الخ لا فی حق غیر به یفتی، نهایه، فحل دخوله لجنب وحائض کفناء مسجد الخ (درمختار) قال فی البحر ظاهره انه یجوز الوطؤ والبول والتخلی فیه، ولا یخفی ما فیه فان البانی لم یعده لذالک فینبغی ان لا یجوز (ردالمحتار باب مایفسد الصلاة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص۱٦۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۵۷). ظفیر

(۲) وهی ثلاث تکبیرات فی کل رکعة ولو زاد تابعه الی ستة عشر لانه ماثور (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۹ – ۷۸۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۲) . ظفیر

کسانی که در نماز عید رکوع نگرده اند نماز ایشان نشده است: سوال: ۳۴۹ در رکعت دوم نماز عید فطر امام تکبیرات زوائد را فراموش کرده وبه رکوع رفت ومقتدیان ایستاده بودند پس از آن امام به سجده رفت ومقتدیان نیز سجده کردند در حالیکه اکثریت ایشان رکوع ننموده بودند، پس از نماز امام سجده سهو کرد این نماز امام ومقتدیان شده است یانه اگر نشده چه وقت قضایی آنرا به جا آرند؟

جواب: در اینصورت نماز امام وآنعده مقتدیان که رکوع کرده اند شده است وکسانیکه رکوع نکرده اند، ایشان بعداً دو رکعت نماز بخوانند [۱].

در قریه می توان تکبیرات تشریق راگفت. سوال: ۳۵۰ در قریه باید تکبیرات تشریق راگفت یانه علمای کشمیر در این مورد اختلاف دارند کدام قول صحیح است؟

جواب: امام ابو حنیفه تکبیرات تشریق را بر مردم قریه ها واجب نمی داند وصاحبان آنرا بر مردم قریه ها نیز واجب می شمارند، در (الدر المختار) آمده: (ویجب تکبیر التشریق علی امام مقیم بمصر وعلی مقتد مسافر او قروی .... وقالابوجبه فور کل فرض مطلقاً ولو منفرداً او مسافراً او مراعةً لانه تبع المکتوبة.... وعلیه الاعتماد... وعلیه الاعتماد والعمل والفتوی فی عامة الامصار بحر کافة الاعصار .... (قوله مقیم بمصر) فلایجب علی قروی ولامسافر..... علی الاصح بحر عن البدائع الاصح علی قول الامام..... قوله وعلیه الاعتماد... هذا بناء علی انه اذا اختلف الامام وصاحباه فالعبرة بقوة الدلیل وهو الاصح [۲] شامی) از این عبارت معلوم می گردید که معتمد واحوط در این باره قول صا حبان است که بر اهل قریه تکبیر تشریق واجب می باشد.

خطبه عید در حالیکه منبر درمیان صفوف گذاشته شده باشد درست است یا نه: سوال:

---

(۱) کما لو رکع امامه فرکع معه مقارنا اومعاقبا وشارکه فیه فلولم یرکع اصلا الخ بطلت صلاته (ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ، مهم متابعة الامام ج۱ ص ۴۳۹ ، ط. س. ج ۲ ص ۴۷۱). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۷-اوص۱۸۰. ظفیر

۳۵۱ اگر در خطبه عیدین به دلیل کثرت نماز گزاران امام از جای خود به یک بلندی در میان صفوف برود وخطبه را بخواند، جائز است یا مکروه؟

جواب: ظا هر آن است که اینکار بدون کرا هیت جائز است زیرا به آن ضرورت می باشد.

در عیدگاه به آواز بلند یکجای تکبیر گفتن درست نیست: سوال: ۳۵۲ به عیدگاه رفتن وطوری تکبیر گفتن که اول یک نفرتکبیر بگوید بعد دیگران به آواز یکجای وبه طور متفق تکبیر بگویند واین سلسله تا نماز دوام کند آیا اینکار با کراهیت جائز است یا بدون کراهیت؟

جواب: اینکار جائز نبوده ودر آن کراهیت وجود داشته ودر احادیث چنین وارد شده: (عن ابن عباس وجابر بن عبدالله قالالم یکن یوذن یوم الفطر ولا یوم لاضحی ثم سألته (یعنی عطا) بعد حین عن ذلک فاخبرنی قال اخیرنی جابر بن عبدالله ان لا اذان للصلوة یوم الفطر حین یخرج الامام ولا اقامة ولانداء ولاشی ولانداء یومئذ ولا اقامة [۱] رواه مسلم).

اگر کسی درتکبیرات زوائد نماز عید ارسال نکند چه حکم دارد: سوال: ۳۵۳ امام در نماز عید فطر پنج تکبیر زائده خواند ودر هر تکبیر ارسال نکرد بلکه دست ها را بر ناف بست او خطبه ونماز را در محراب خواند ومیان دو تکبیر درود شریف خواند ودعا نمود ودر خطبه قرائت غلط نمود نماز او درست خواهد بود یانه؟

جواب: اموری که از امام مذکور صادر شده وجب فساد نماز نبوده اما خلاف سنت می باشد پس درآینده باید بر او تاکید کرد که در هر رکعت سه تکبیر بگوید وهنگام تکبیر ارسال کند ومطابق به آنچه در کتب فقه حنفی آمده عمل نماید [۲].

(۱) مشکوٰة باب العیدین فصل ثالث ص ۱۲۷. ظفیر

(۲) ویرفع یدیه فی الزوائد الخ ولیس بین تکبیراته ذکرمسنون ولذا یرسل یدیه (درمختار) ای فی اثناء التکبیرات ویضعهما بعد الثالثة کما فی شرح المنیة لان الوضع سنة قیام طویل فیه ذکر مسنون (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۸۲ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷۴ — ۱۷۵). ظفیر

بعد ازنماز عید دعا از پیامبر (ﷺ) ثابت است یانه: سوال: ۳۵٤ پس ازنماز عیدین یاپس ازنماز خطبه دعا کردن از پیامبر (ﷺ) ثابت است یانه؟ عن ام عطیة ان رسول الله (ﷺ) کان یخرج الابکار والعوائق ... فی العیدین (الحدیث) زید می گوید که از این حدیث دعا بعد از نماز عیدین وخطبه ثابت می گردد این قول صحیح است یانه؟

جواب: از این حدیث دعا پس از خطبه وغیره ثابت نمي گردد، زیرا مراد از (دعوة المسلمین) اجتماع مسلمانان غرض خطبه وغیره بوده البته دعا بعد از نماز عیدین ازعموم احادیثی ثابت می شود که دعا بعد ازهر نماز رامستحب می داند وبرای مستثنی کردن نماز عیدین از آن هیچ دلیلی وجود ندارد واحادیث مذکور در حص حصین وغیره کتب مذکور می باشد [1] اما بعد از خطبه دعا کردن نه به شکل عمومی ونه به شکل خصوصی وارد شده است.

درمورد تکبیرات تشریق قول امام صاحب احوط است یا از صاحبان: سوال: ۳۵۵ در مورد تکبیرات تشریق مذهب امام صاحب آن است که مقیم بوده ودر شهر باشد ونماز را به جماعت بخوانْد، تکبیرات تشریق بر چنین شخصی واجب است وصاحبان آنرا مطلقاً واجب می دانند خواه مرد باشد یا زن خواه منفرد باشد یا مسافر، صورت احوط کدام است

جواب: ظاهر آن است که قول صاحبان احوط می باشد وعمل بر آن مختار واحوط است اما در مورد وجوب اکثر علما مذهب امام را اختیار کرده اند یعنی تکبیرات تشریق با شروط مذکور واجب می گردد، اما اگر منفرد، مسافر وغیره نیز تکبیرات را بگویند حرجی نیست زیرا بر آن فتوی داده شده است [2].

---

(۱) عن ثوبان رضی الله عنه قال کان رسول الله ﷺ اذا انصرف من صلٰوته استغفر ثلاثا وقال اللهم انت السلام ومنک السلام تبارک یا ذا الجلال والاکرام . رواه مسلم (مشکوٰة ص ۸۸). ظفیر

(۲) ویجب تکبیر التشریق الخ علی امام مقیم بمصر وعلی مقتد مسافر او قروی او امراۃ بالتبعیة الخ والا بوجوبه فورکل فرض مطلقا ولو منفردا اومسافرا او امراۃ لانه تبع للمکتوبة الخ وعلیه الاعتماد والعمل والفتوٰی فی عامة الامصار وکافة الاعصار (درمختار) قوله: لانه تبع للمکتوبة فیجب علی کل من تجب علیه الصلٰوة المکتوبة قوله وعلیه الاعتماد الخ هذا بناءاً علی انه اذا اختلف الامام وصاحباه فالعبرة لقوة الدلیل وهو =

فقط با نیت بدون عمل نماز نمی شود: سوال: ۳۵۶ چند نفر وقتي به عیدگاه رسیدند که نماز خوانده شده بود، امام صاحب گفت چون شماً به نیت نماز خواندن آمده بودید نماز شما شده است وایشان نماز نخواندند آیا با نیت کردن نماز اداء می شود یانه وآیا درعیدگاه دوباره می توان نماز خواند یانه؟

جواب: قول مفتی به آن است که تعدد نماز عیدین درست است یعنی دریک شهر یا یک قصبه در چند محل نماز عیدین اداء می شود پس مردمی که پس از نماز عید رسیدند برای آنها جائز بود که غیر از عیدگاه در جای دیگر چون میدان یا مسجد نماز عید را اداء کنند زیرا در عیدگاه که نماز عید خوانده شده دوباره خواندن آن مکروه می باشد این نکته غلط است که به محض نیت کردن نماز اداء می شود، پس کسانیکه نماز نخوانده اند نماز ایشان نشده است مگر اکنون قضایی هم ندارد وامام غلطی کرده که چنین سخنی گفته است [1].

در نماز عیدین تفریق جماعت به خاطر امامت درست نیست: سوال: ۳۵۷ برای امام شدن در نماز عیدین جماعت را دوحصه کردن درست است یانه وآیا نماز این دو گروه می شود یانه؟

جواب: تفریق جماعت کار خوبی نیست اگر چه به این دلیل که تعدد نماز عیدین در یک شهر جائز است یعنی دریک شهر می توان چند جانماز جمعه راخواند نماز هردوگروه شده است[2].

دلیل وجوب نماز عیدین وقضایی نداشتن آن: سوال: ۳۵۸ نماز عیدین واجب است یا نفل وچرا قضا ندارد، در حالیکه وتر قضایی دارد.

جواب: نماز عیدین واجب [3] است واگر از شخصی جماعت عیدین فوت شود قضایی ندارد

= الاصح (ردالمحتار، باب العیدین مطلب فی تکبیر التشریق ج۱ ص ۷۸٤ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۷ — ۱۸۰). ظفیر

(۱) ولا یصلیها وحده ان فاتت مع الامام ﷺ ولوامکنه الذهاب الی امام أخر فعل لانها تؤدی بمصر واحد بمواضع کثیرة اتفاقا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۷٦). ظفیر

(۲) لانها تؤدی بمصر واحد بمواضع کثیرة اتفاقا (ایضا، ط. س. ج۲ ص۱۷٦). ظفیر

(۳) تجب صلاتهما فی الاصح علی من تجب الجمعة علیه بشرائطها المتقدمة سوی الخطبة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب =

زیرات جماعت در آن شرط می باشد در حالیکه در وتر جماعت شرط نیست ودر آن تهدید وقت وجود ندارد [۱].

قبل از نماز عیدین یا بعد از آن نوافل نیست: سوال: ۳۵۹ قبل یا بعد از نماز عیدین نماز های نفل جائز است یانه؟

جواب: نه [۲].

نماز عید فطر به علت عذر در روز دوم درست است: سوال: ۳۶۰ هلال عید فطر روز جمعه به علت ابر آلود بودن هوا دیده نشد اما صبح روز شنبه محقق گردید که عید است لذا مردم فطر نمودند اما مردم دهات به دلیل آنکه این خبر به ایشان نرسید، نماز عید را روز یکشنبه خواندند آیا این نماز ایشان شده است یانه؟

جواب: نماز عید فطر را می توان به علت عذر در روز دوم خواند پس روز یکشنبه نماز ایشان شده است، طوریکه در (الدر المختار) آمده: (وتوخر بعذر کمطر الی الزوال من الغد..) ودر شامی آمده: (قوله کمطر دخل فیه ما اذا لم یخرج الامام وما اذا غم الهلال فشهدوا به بعد الزوال او قبله بحیث لایمکن جمع الناس [۳]).

اگر در نیت نماز عید سنت گفته شود نماز می شود یانه: سوال: ۳۶۱ اگر کسی نماز عید را این طور نیت کند: (نیت کردم نماز سنت عید فطر را همراه شش تکبیر) در اینصورت نماز می شود یانه؟

= العیدین ج۱ ص ۷۷٤، ط. س. ج۲ ص۱٦٦). ظفیر

(۱) ولا یصلیها وحده ان فاتت مع الامام الخ ولوامکنه الذهاب الی امام اخر فعل لانها تؤدی بمصر واحد بمواضع کثیرة اتفاقا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۸۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۷٦). ظفیر

(۲) ولا یتنفل قبلها مطلقا الخ وکذا لا یتنفل بعدها فی مصلاها فانه مکروه عند العامة وان تنفل بعدها فی البیت جاز (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷۷ – ۷۷۸ ط. س. ج۲ ص ۱٦۹ ۱۷۰-). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۷٦. ظفیر

جواب: با این نوع نیت نماز درست است زیرا بعضی از فقها نماز عید را سنت گفته اند اما صحیح آن است که واجب می باشد [۱] لذا احوط آن است که لفظ واجب گفته شود اما اگر سنت بگؤید باز هم نماز درست است.

برای نماز عید نیز پاک بودن فرش ضرور است: سوال: ۳۶۲ در جایی که غیر محفوظ بوده وپاک وصاف نباشد نماز عید درست است یانه؟

جواب: پاک بودن جا برای صحت نماز شرط است اگر نماز عید وغیره در جای ناپاک خوانده شود صحیح نیست [۲].

چهار رکعت نفل به جماعت خواندن پس از نماز عید غلط است: سوال: ۳۶۳ در جایی که ما هستیم پس از نماز عیدین چهار رکعت نفل به جماعت خوانده می شود این نفل خواندن جائز است یانه؟

جواب: پس از نماز عیدین خواندن نفل به جماعت درست نیست [۳].

نماز عیدین درقریه صغیره درست نیست: سوال: ۳٦٤ یک قریه که دارای چهل پنجاه منزل ویک مسجد پخته وقدیمی می باشد که در آن همیشه نماز های پنجگانه وعیدین اداء می شود اکنون مردم محل می خواهند که برای نماز های عیدین عیدگاه بسازند اینکار جائز است یانه؟

---

(۱) وتجب صلاتهما فی الاصح (درمختار) قوله: فی الاصح، مقابله القول بانها سنة وصححه النسفی فی المنافع لکن الاول قول الاکثرین کمافی المجتبی ونص علی تصحیحه فی الخانیة والبدائع والهدایة والمحیط والمختار الکافی للنسفی وفی الخلاصة هو المختار لانه ﷺ واظب علیها وسماها فی الجامع الصغیر سنة لان وجوبها ثبت بالسنة ، حلیه الخ (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص۷۷٤، ط. س. ج۲ ص ۱٦٦). ظفیر الدین غفر له

(۲) والشرط الخ شرعا ما یتوقف علیه الشيء ولا یدخل فیه هی ستة طهارة بدنه الخ من حدث بنوعیه وخبث مانع الخ وثوبه الخ ومکانه ای موضع قدمیه او احدیهما الخ وموضع سجوده اتفاقا فی الاصح الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۳۷۳ – ۳۷٤ ، ط. س. ج۱ ص۴۰۲). ظفیر

(۳) ولا یتنفل قبلها مطلقا الخ وکذا لا یتنفل بعدها فی مصلاها فانه مکروه عند العامة (ایضا باب العیدین ج۱ ص۷۷۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۹ – ۱۷۰). ظفیر

جواب: اینکار جائز نیست زیرا در چنین جایی نماز های جمعه وعیدین صحیح نمی باشد [۱].

اگر خطر غرق شدن عیدگاه باشد آیا می توان مواد تعمیراتی آنرا به جای دیگر انتقال داد: **سوال**: ۳۶۵ یک عیدگاه در کنار دریا قرار دارد واگر امسال سیلاب بیاید امکان شهید شدن عیدگاه وجود دارد زیرا به علت سیلاب همیشه بخشی از زمین در دریا می رود در اینصورت آیا می توان خشت ودیگر مواد تعمیراتی آنرا انتقال داد تا جای دیگری عیدگاه ساخته شود یانه؟

جواب: در حالیکه یقین است که عیدگاه غرق خواهد شد مسلمانان می توانند سامان آنرا انتقال داده ودر جای دیگر عیدگاه بسازند [۲] اما اگر این عیدگاه سابقه غرق نگردد کما کان وقف بوده و درآن هیچگونه تصرفی جائز نیست [۳].

در عیدگاهی که در قبرستان ساخته شده نماز جائز است یانه: **سوال**: ۳۶۶ در عیدگاهی که در قبرستان ساخته شده نماز جائز است یانه؟

جواب: جائز است [٤].

ضحی صحیح است یا اضحی: **سوال**: ۳۶۷: ضحی یا اضحی کدام یک صحیح است اگر کسی ضحی گفته نماز بخواند، نماز او می شود یانه؟

---

(۱) ولایصلی الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان ای یکره ذلک ولو علی سبیل التداعی (ایضا باب الوتر والنوافل ج۱ ص ۳۶۳ ، ط. س. ج۲ ص ٤۸). ظفیر

(۲) وتقع فرض فی القصبات والقری الکبیرة التی فیها اسواق الخ وفیما ذکرنا اشارة الی انه لا تجوز فی الصغیرة التی لیس فیها قاض ومنبر الخ ولو صلوا فی القری لزمهم اداء الظهر (ردالمحتار باب الجمعة ج۱ ص ۷٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۳۸) . ظفیر

(۳) کالمسجد اذا خرب واستغنی عنه اهل القریة فرفع ذلک الی القاضی فباع الخشب وصرف الثمن الی مسجد اخر جاز الخ فمنهم من افتی بنقل بناء المسجد ومنهم من افتی بنقله ونقل ماله الی مسجداخر الخ (ردالمحتار، کتاب الوقف احکام المسجد، مطلب فی نقل انقاض المسجد ونحوه ج۳ ص٥١٤، ط. س. ج۲ ص ۳٥۹). ظفیر

(٤) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة ومزبلة ومجزرة ومقبرة الخ (درمختار) ولاباس بالصلاة فیها (ای المقبرة) اذاکان فیها موضع اعد للصلاة ولیس فیه قبر ولا نجاسة کما فی الخانیة (ردالمحتار ج۱ ص ۳٥۳ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸). ظفیر

جواب: برای این عید در عربی (یوم الاضحی [۱]) استعمال می گردد و(الاضحی) به معنای قربانی می باشد پس این عید را (الضحی) یا (ضحی) گفتن غلط است اما نماز می شود.

شخصی در دو جا در نماز عید امامت کرد کدام یک جائز است: **سوال**: ۳۶۸ زید در دوجا در نماز عید امامت نمودا از آن دو نماز از کدام یک درست است؟

جواب: زید نمی تواند در نماز جمعه یا عیدین در دوجا امامت کند اما اگر چنین بنماید نماز کسانیکه در مرتبه دوم عقب او نماز خوانده اند نمی شود زیرا که نماز دوم او نفل بوده وعقب کسی که نفل می خواند. نماز کسی که فرض می خواند نمی شود [۲].

در مقابل اجوره امامت در نماز جمعه وعیدین جائز است یانه: **سوال**: ۳۶۹ در نماز های جمعه وعیدین امامت در مقابل اجوره جائز است یانه؟

جواب: فقها نوشته اند که گرفتن اجوره در بدل امامت جائز است [۳].

در عیدین چه وقتی دعا جائز است بعد از نماز یا بعد از خطبه: **سوال**: ۳۷۰ در عیدین چه وقتی دعا شود بعد از نماز یا بعد از خطبه؟

جواب: بعد از نماز عیدین مانند سائر نمازها دعا نمودن مستحب است اما بعد از خطبه استجاب دعا از هیچ روایتی ثابت نیست واستجاب دعا بعد از نماز عیدین از همان احادیث وروایاتی معلوم میگردد که در آنها دعا بعد از عموم نماز ها وارد شده ودعا بعد از نماز مقبول می باشد این احادیث در (حصن حصین) موجود بوده ومعمول بزرگان ما نیز چنین بوده است وبه نظر من قول آنعده از علما که دعا بعد از نماز عیدین را بدعت وغیر ثابت می گویند صحیح نیست زیرا

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۵ ص ۲۷۱ ، ط. س. ج۲ ص ۳۱۱ – ۳۱۲ . ظفیر

(۲) ولا مفترض بمتنفل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص۵٤۲، ط.س. ج۱ ص۵۷۹). ظ

(۳) ویفتی الیوم بصحتها لتعلم القرآن والفقه والامامة والاذان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الاجارة جلد پنخم ، ط. س. ج ۶ ص ۵۵). ظفیر

عموماً بعد از نمازها استحباب دعا ثابت می باشد [1] که در کتب معروف ومشهور حدیث چون مشکوٰة حصن حصین وغیره احادیث مذکور وارد شده وبرای مستثنی قرار دادن نماز عیدین از آن هیچ دلیلی وجود ندارد.

نماز عیدین درمسجد جائز است یانه: سوال: ۳۷۱ کسانیکه نماز عیدین را در مسجد جمعه می خوانند نماز ایشان منی شود یانه؟

جواب: نماز می شود مگر خواندن نماز در عیدگاه سنت است وبدون عذر نخواندن نماز عیدین در عید گاه خلاف سنت می باشد.

این سخن غلط است که خواندن خطبه عیدین بر منبر درست نیست: سوال: ۳۷۲ این سخن غیر مقلدین که می گویند خطبه عیدین بر منبر درست نیست بلکه باید روی زمین ایستاد وخطبه عیدین را خواند چطور است؟

جواب: مذهب احناف این است که خواندن نماز عیدین در عیدگاه وصحرا افضل ومستحب بوده ودر مؤرد انتقال منبر به آنجا اختلاف نقل شده است علامه شامی نوشته که انتقال منبر به عیدگاه مکروه می باشد اما اگر در عیدگاه منبر ساخته شود حرجی نیست پس این قول غیر مقلدین که می گویند خواندن خطبه بر منبر نا جائز می باشد غلط است.

نوافل روز عید: سوال: ۳۷۳ در روز عید حکم خواندن نوافل چیست؟

جواب: قبل ازنماز عید خواندن نوافل مطلقاً مکروه می باشد وبعد از نماز عید حکم آن این است که در عیدگاه نخواند واگر بعد از بازگشت به خانه بخواند درست است، در الدر المختار آمده: (ولا ینتفل قلبها مطلقاً .... وکذا لا ینتفل بعدها فی مصلاها فانه مکروه عند العامة وان تنفل بعدها

---

(۱) ویستحب ان یستغفر ثلاثا الخ ویدعو ویختم بسبحان ربک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة ج۱ ص ٤۹٥ ، ط. س. ج۱ ص ٥۳۰). ظفیر

فی البیت جاز) [۱].

پس ازنماز عید دوباره خواندن آن به نیت نفل چه حکم دارد: سوال: ۳۷٤ زید در نماز عید اضحی امامت نمود وپس به جای دیگر نزدیک از بزرگان خود رفت در آنجا یک روز بعد عید شد، پس زید در نماز عید به نیت نفل اقتدا نمود، او آیا با اینکار گنهگار شده است یانه؟

جواب: با نیت نفل شرکت در جماعت برای زید باعث گناهی نیست زیرا در شریعت در بعضی موارد به آن امر شده است، چنانچه درکتب فقه آمده که اگر کسی که نماز ظهر یا عشا را خوانده به وقت اقامت در مسجد باشد از مسجد بیرون نشود بلکه به نیت نفل در جماعت شرکت کند [۲].

نماز عید درمساجد متعدد: سوال: ۳۷۵ نماز های جمعه وعیدین درمساجد متعدد اداء می شود یانه؟

جواب: می توان نماز های مذکور را در مساجد متعدد خواند زیرا حکم چنان است که در یک آبادی که نماز جمعه وعیدین جائز باشد درآنجا خواندن آنها در چند مسجد نیز جائز می باشد [۳] البته بهتر آن است که نماز های جمعه وعیدین دو یکجا خوانده شوند.

وخواندن نماز عیدین برون از آبادی در صحرا سنت می باشد [٤].

بستن دست ها درتکبیرات زوائد: سوال: ۳۷٦ در تکبیرات زوائدْ نماز عیدین باید دست ها را بست یا نه؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۷ و۷۷۸.

(۲) والا لمن صلی الظهر والعشاء وحده مرة فلایکره خروجه الا عند الشروع فی الاقامة فیکره لمخالفته الجماعة بلا عذر بل یقتدی متنفلا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص ٦٦۸ ، ط. س. ج۲ ص ٥٥). ظفیر

(۳) در الدر المختار آمده: وتؤدی بمصر واحد بمواضع کثیرة مطلقا (برحاشیه ردالمحتار ج۱ ص۸٤۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۷٦). ظفیر

(٤) در الدر المختار آمده: والخروج الیها ای الجبانه سنة وان وسعهم المسجدالجامع هو الصحیح (ج۱ ص ۷۷٦ ، ط. س. ج۲ ص ۱۲۹) سپس جبانه راشرح نموده ومی نویسد ماشیا الی الجبانة وهی المصلی العام ای فی الصحراء (ردالمحتار ج۱ ص۷۷٦). ظفیر

جواب: در تکبیرات زوائد دست ها را نباید بست [۱].

خواندن نوافل بعد از نماز عید بدعت است: **سوال**: ۳۷۷ خواندن نماز های نفل به صورت منفرد یا به جماعت پس از نماز عید شرعاً چه حکم دارد؟

جواب: خواندن نمازها در عیدگاه پس از نماز عید چه به صورت منفرد وچه به جماعت بدعت ناجائز ومکروه تحریمی می باشد [۲].

اعمار عیدگاه از پول رشوت چه حکم دارد: **سوال**: ۳۷۸ عایدات خسر من از درک رشوت وزراعت مخلوط است واو از پول خود عیدگاهی ساخته حکم خواندن نماز دراین عیدگاه چه بوده وخوردن غذای او چه حکم دارد؟

جواب: نماز در عیدگاه مذکور صحیح بوده اما خوردن غذای او خوب نیست [۳].

نماز عیدین درمسجد جامع: **سوال**: ۳۷۹ امام عیدگاه بدعتی می باشد پسر آیا خواندن نماز عید در مسجد جامع درست است یانه؟

جواب: ادای نماز عیدین در مسجد جامع نیز درست می باشد لیکن مسنون وافضل آن است که در صحرا اداء گردد، اگر امام عیدگاه بدعتی می باشد در جای دیگری در صحرا نماز عید را خوانده واین سنت را به جا کنید [٤].

اگر در نماز عیدین بیشتر مقتدیان شافعی مذهب باشند امام چگونه نماز بدهد: **سوال**: ۳۸۰ امام عیدین حنفی مذهب بوده در حالیکه بیشتر ازنصف مقتدیان او شافعی مذهب وکمتر از

---

(۱) ثم یکبر ثلث تکبیرات یفصل بین کل تکبیرتین بسکتة قدر ثلث تسبیحات (الی قوله) ویرفع یدیه عندکل تکبیرة منهن ویرسلهما فی اثنائهن فاذا قام الی الرکعة الثانیة یبتدی بالقراءة ثم یکبر بعدها ثلث تکبیرات علی هیئة تکبیرة فی الاولی (غنیة المستملی ص ٥۲٥). ظفیر

(۲) ولا یتنفل قبلها مطلقا (الی قوله) وکذا لایتنفل بعدها فی مصلها فانه مکروه عند العامة (الدر المختار ج۱ ص۱۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۹ – ۱۷۰ ، باب العید). ظفیر

(۳) أکل الربوا وکاسب الحرام اهدی الیه اواضافه وغالب ماله حرام یقبل ولا یاکل مالم یخبر ان ذلک المال اصله حلال ورثه او استقرضه (عالمگیری مصری ج ٥ ص ۳٥٥ ، ط. م. ج٥ ص ۳٤۳). ظفیر

(٤) والخروج الیها ای الجبانة للصلاة سنة وان وسعهم المسجد الجامع هوالصحیح (الدر المختار ج۱ ص ۱۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۹ ، باب العیدین). ظفیر

نصف ایشان حنفی مذهب اند پس امام باید مطابق کدام مذهب نماز بدهد؟

جواب: امام حنفی مذهب در نماز عیدین مطابق مذهب خویش تکبیرات زوائد را بگوید یعنی بر علاوه تکبیر افتتاح وتکبیر رکوع در هر رکعت سه تکبیر بگوید کسانیکه شافعی مذهب اند اگر نزد ایشان جائز باشد که عقب امام حنفی تکبیرات را تکمیل کنند می توانند تکبیرات را مطابق مذهب خویش پوره نمایند مقصود آنکه برای امام حنفی اتباع مذهب ایشان ضرور نیست اما اگر امام غرض رعایت با ایشان تکبیرات را مطابق مذهب آنها بگوید نیز حرجی نیست زیرا در الدر المختار آمده: (ویصلی الامام بهم رکعتین مثنیا قبل زوائد وهی ثلاث تکبیرات فی کل رکعة ولوزاد تابعه الی ستة عشر لانه ماثور [۱] لکن یندب للخروج من الخلاف لاسیما للامام لکن بشرط عدم لزوم ارتکاب مکروه مذهبه)

عیدگاه در هر سمتی که بیرون از آبادی باشد حرجی نیست: سوال: ۳۸۱ خواندن نماز عیدین در کدام سمتی اولی می باشد در صورتیکه عیدگاه ساخته شود وگرد آن چهار دیواری گردد.

جواب: در شریعت تخصیص سمت برای نمار عیدین وجود ندارد بلکه مسنون صرف آن است که از شهر بیرون رفته ونماز عیدین را إداء نمود دراین نیز حرجی وجود ندارد که عیدگاه بسازید وآنرا چهار دیواری کنید ودرآن نماز اداء کنید [۲].

برای نماز عیدین اذان وغیره وجود ندارد: سوال: ۳۸۲ حکم اذان وتکبیر بالصلاة برای نماز عیدین چیست؟

جواب: عن ابن جریح قال اخبرنی عطا عن ابن عباس وجابر بن عبدالله قالالم یکن یوذن یوم الفطر

---

(۱) الدر المختار باب العیدین ج۱ ص۱۱۵ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۲. ظفیر

(۲) عن ابی سعید الخدری‌ؓ قال: کان النبی ﷺ یخرج یوم الفطر والاضحی الی المصلی (مشکوٰة باب العیدین ص ۱۲۵) بود آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) که بیرون می آمد روز عید فطر وعید قربان به سوی مصلی که جای مشهور است در مدینه بیرون شهر آنجا عید می گذرادند وحالا گرد آن چهار دیواری کشیده اند (اشعة اللمعات ص ۶۳۸ ج۱)

ولا یوم الاضحي ثم سألته یعنی عطا بعد حین عن ذلک فاخبرنی قال اخبرنی جابر بن عبدالله ان اذان للصلاة یوم الفطر حین یخرج الامام ولابعد ما یخرج ولا اقامة ولانداء ولاشی لانداْء یومئذ ولا اقامه رواه مسلم [۱]. ودر الدر المختار آمده: (لایسن لغیر ها کعید [۲]) از این حدیث وروایت فقه معلوم گردید که در عیدین آذان تکبیر نداء الصلاة وغیره چیزی وجود ندارد وطریقه مسنون همین است [۳].

تکبیرات تشریق: سوال: ۳۸۳ هنگامیکه از نماز فرض سلام می گردانند نخست امام به تنهایی تکبیر می گوید و دیگران به خاموشی گوش فرا می دهند وچون امام فارغ شد مقتدیان به جهر وبه آواز یکجایی ووزن واحد تکبیر می گویند ودر مرتبه دوم وسوم نیز اینکار را به همین شکل انجام می دهند وعلمای این سرزمین در مؤرد مسئله مذکور به دو گروه تقسیم شده اند گروهی می گوید که همین شکل مشروع است وگروه دیگر می گوید که چنین روشی در زمان پیامبر (ﷺ) وجود نداشت بلکه کیفیت مشروع این تکبیرات چنان است که هر کسي امام ومقتدی شخصاً وبه شکل مستقل وبدون آواز اجتماعی تکبیر بگوید پس حق در این مسأله با کدام یک از این دو گروه است؟ خداوند بر شما رحم کند.

جواب: به توفیق خداوند عزوجل می گویم که حق با گروْه دوم است که به سنت وتوارث ثابت می باشد وعده ای گفتن آنرا سه بار نوشته اند در الدر المختار به نقل ازحمدی آمده که گفتن آن دو مرتبه خلاف سنت می باشد پس عمل به سنت اولی وواجب واز احداث دور می باشد [٤].

بعد از خطبه دعا ثابت نیست: سوال: ۳۸٤ بعد از نماز عید دعا کردن چه حکم دارد وآیا دعا بعد از خطبه جائز است؟

---

(۱) مشکوٰة باب العیدین ص ۱۲۷. ظفیر

(۲) الدر المختار ج۱ ص ٦۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۵ ، باب الاذان. ظفیر

(۳) ترجمه حدیث مذکور چنین است: (نه بود اقامه ونه آذان دادن چنانکه گویند الصلوة ومانند آن (اشعة اللمعات ص ٦٤٦ ج ۱)

(٤) ردالمحتار باب العیدین في تکبیر التشریق، ط. س. ج۲ ص ۱۷۸. ظفیر

جواب: دعا بعد از نماز عیدین مانند سائر نمازها مسنون ومستحب می باشد اما بعد از خطبه دعا کردن ثابتاً وجائز نیست [۱].

رفتن زنان به عیدگاه: سوال: ۳۸۵ برای زنان مانند مردان رفتن به عیدگاه غرض اداء نماز عید درست است یا نه؟

جواب: در این زمان بلکه از زمان های بسیار سابقه رفتن زنان به مسجد وعیدگاه غرض شرکت در جماعت ممنوع ومکروه است واینکار درهمان زمان صحابه (رضی) ممنوع شده بود طوریکه که موضوع مذکور در احادیث وارد شده است. درالدر المختار آمده: (ویکره حضورهن الجماعة ولو جمعة وعید ووعظ [۲] مطلقاً ولو عجوز دلیلاً علی المذهب المفتی به لفساد الزمان واستثنی الکمال بحثاً العجائز المتفانیة....)

نماز عیدین واجب است یا نفل: سوال: ۳۸۶ یک امام صاحب نماز عیدین را نماز نفل قرار داده وقبل از نماز عید به مردم اعلان نمود که نماز نفل را نیت نموده ونماز واجب را نیت نکنید این مسأله امسال ایجاد گردیده، حکم صحیح چیست؟

جواب: در نماز عید باید نیت واجب شود نه نفل زیرا نماز عید واجب می باشد در الدر المختار آمده: (تجب صلوتها فی الاصح) وشامی گوید: (وقد ذکرنا مراراً انها بمنزله الواجب) ص ۷۷۳ ج۱، پس این جهالت ونادانی امام مذکور است که به مردم حکم داده که نماز نفل را نیت کنند تلاش جهت تبدیل کردن حدود الله سخت جهالت بوده ومعلوم نیست که در این کار چه مفاد بوده است، از اینکار اجتناب کنید ونماز واجب را نیت نمائید.

عیدگاه باید درکجا باشد: سوال:۳۸۷ عیذگاه به طرفت راست شهرباشد بهتراست یابه سمت دیگری؟

---

(۱) عن ام عطیة قالت امرنا ان نخرج الحیض یوم العیدین وذوات الخدور فیشهدن جماعة المسلمین ودعوتهم الخ، الحدیث متفق علیه (مشکوٰة باب العیدین ص ۱۲۵). ظفیر

(۲) الدر المختار باب الامامة ج۱ ص ۸۳ ، ط. س. ج۲ ص ۵٦٦. ظفیر

جواب: برای عیدگاه هیچ سمت شهر تعیین نیست هر جایی که امکان وسهولت آن باشد عیدگاه بسازید.

درعیدگاه به جهر تکبیر گفتن چه حکم دارد: سوال: ۳۸۸ در روز عید قبل از نماز عید در عیدگاه یا مسجد به جهر تکبیر گفتن درست است یانه؟ در بعضی جاها رواج است که تا هنگامی که مردم برای نماز عید جمع می شوند شخصی از میان کسانیکه جمع شده اند به آواز بلند تکبیر می گوید سپس دیگران در جواب او به تکبیر گفتن آغاز می کنند آیا به اساس این رواج به آواز بلند در مسجد یا عیدگاه تکبیر گفتن جائز است یانه؟ اگر جائز نبوده ومکروه باشد آیا می توان کسانی را که به چنین شکلی تکبیر می گویند منع نمود؟

جواب: فقهاءِ کرام در عید فطر درمسجد یا عیدگاه از تکبیر گفتن منع می نمایند ودر مورد عید اضحی روایات مختلف وجود دارد عده ای از فقها می گویند که صرف در راه تکبیر گفته شود وعده ای گویند که در عیدگاه نیز تکبیر گفتن درست است در الدر المختار آمده: (ولا یکبر في طریقها) ودر شامی آمده: (قوله فی طریقها لیس التقید للا حتراز عن البیت او المصلی وانما هو البیان المخالفة بین عید الفطر والاضحی فان السنة فی الاضحی التکبیر فی الطریق کما سیاء تی [1]) در کبیری که شرح منیه است در این باره آثار مختلف نقل گردیده، طوریکه که گوید: (روی الدار قطنی موقوفاً عن نافع ان ابن عمر کان اذ عذاً یوم الفطر والاضحی یجهر بالتکبیر حتی یاتی المصلی ثم یکبر حتی یاتی الامام وقال البیهقی الصحیح وقفه علی ابن عمر وهو قول صحابی قد عارضه قول صحابی آخر روی ابن المنذر عن ابن عباس انه سمع الناس یکبرون فقال لقائده اکبر الامام قیل لا قال افجن الناس ادرکنا مثل هذا الیوم مع النبی (ﷺ) فماکان احد یکبر قبل الامام فیبقی مفاد الایة بلا معارض.. [2]) ومنظور از آیت این آیة مبارکه می باشد: (واذکر ربک فی

(۱) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۷ ، ط. س. ج۲ ص۱٦٦. ظفیر
(۲) غنیة المستملی ص ۵۲۵. ظفیر

نفسک تضرعاً وخیفة ودون الجهر) مگر آنچه که به اجماع خاص شده باشد [۱] سپس به ذکر استدلال ازجواب صاحبان می پردازد ودرالدر المختار آمده: (وقال الجهر به سنة کالاضحی وهی روایة عنه ووجهها ظاهر قوله تعالی: (ولتکملوا العدة ولتکبروا الله علی ماهداکم..) وجه اول این مسأله آنکه: (بلند کردن آواز به ذکر بدعت می باشد) پس به موارد شرعی اکتفا می گردد شامی گوید: (فیقتصر علی مورد الشر او هو ما فی البحر عن القنیة التکبیر جهراً فی غیر ایام التشریق لا یسن الا بازاء العدو واللصوص [۲] خاصه آنکه شکلی که در سوال مطرح گردیده اختراع بوده بأید ترک گردد واز آن ممانعت به عمل آید.

سوال در مورد غیر مقلدین: سوال: ۳۸۹ دلائل غیر مقلدین: الف. در نماز عیدین دردو رکعت دوازده تکبیر گفتن از قول وفعل پیامبر (ﷺ) ثابت است ب- گفتن تکبیرات زوائد در هر دو رکعت نماز عیدین قبل از قرائت از قول وفعل پیامبر (ﷺ) ثابت می باشد

ج: قرائت پیامبر (ﷺ) در نماز های جمعه وعیدین خاص بود نه عام.

د: از پیامبر (ﷺ) خواندن نماز عید فطر وقتی که آفتاب دو نیزه بلند شده بود ونماز عید اضحی وقتی که آفتاب به اندازه یک نیزه بلند گشته بود ثابت است.

دلیل دعوای الف وب: عن عائشة ان رسول الله (ﷺ) کان یکبر فی الفطر والاضحی فی الاولی سبعاً وفی الثانیة خمساً وایضاً روی هذا الحدیث عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده قال قال النبی (ﷺ) التکبیر فی الفطر فی الاولی سبعاً وفی الثانیة خمساً وعن عبدالله بن عمرو بن العاص قال قال النبی (ﷺ) التکبیر فی الفطر سبع فی الاولی وخمس فی الثانیة القرائة بعدهما کلیتهما وروی هذا الحدیث ایضاً عن عمرو بن شعیب.. الخ از این سه روایت در هر رکعت نماز عیدین دوازده تکبیر قبل از قرائت ثابت گردید.

دلیل دعوای ج: عن النعمان بن بشیر رضی الله عنه ان رسول الله ﷺ کان یقرا فی العیدین وفی الجمعة

---

(۱) غنیة المستملی ص ۵۲۵. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۰. ظفیر

(بسبح اسم ربک الاعلی) و (هل اتاک حدیث الغاشیة).

دلیل دعوای د: عن جندب (رضی الله عنه) قال کان النبی (صلی الله علیه وسلم) یصلی بنا یوم الفطر والشمس علی قدر رمحین والاضحی علی قدرمح.

جواب: کذب ودبی ودروغگویی خاصیت غیر مقلدین بدون هیچ دلیلی می گویند که فلان کار خلاف سنت است گویا ایشان همه بر همه کتب حدیث دسترسی دارند ما وقت نداریم که به قصه های غیر مقلدین گوش فرا دهیم ونوشتن جواب سخنان دروغ ایشان از آنجهت بی فایده است که حال ایشان مانند روافض می باشد زیرا چندین مرتبه به اعتراضات ایشان جواب داده شد اما باز هم سخنانی را برای مردم نا اگاه عرضه می دارند پسن بر احناف که پیرو سنت اند ضرور می باشد که از این گروه گمراه وگمراه کننده دوری نمایند و شبهات واعتراضات بی اساس ایشان را نشوند وبه اجمال بدانند که جماعت برزگ احناف که درمیان ایشان فقها وعلمای بسیار بزرگ واولیا الله شامل می باشند نمی توانند خلاف حق وخلاف سنت باشند واین فرقه باطله مصداق (من شذشذ فی النار است) مگر آنعده از احناف قابل تعجب اند که با این مردم رابطه بر قرار کنند ودنبال تحقیق در مسائل ایشان باشند. با این بدانید که مذهب امام ابو حنیفه از قرآن وحدیث مأخوذ بوده ودر هیچ امری مخالف این دو مرجع اصلی احکام شرعی نیست اما هر شخصی قابلیت فهمیدن آنرا ندارد بلکه فقط علمای بزرگ این مسائل را می دانند نه دشمنان عقل پس احناف نباید دنبال چنین اموری باشند بلکه وظیفه ایشان تقلید است واگر مسأله ای را ندانند، در مورد آن از عالم متدینی معلومات حاصل نمایند.

اکنون به صورت مختصر جواب آن همه سوالات نگاشته می شود:

الف و ب: شش تکبیر در هر دو نماز رکعت نماز عیدین مطابق سنت نبوی می باشد از جمله دلائل بسیار صرف یک دلیل مرا می نویسم همچنان در رکعت اول تکبیرات قبل از قرائت ودر

رکعت دوم تکبیرات بعد از قرائت مطابق سنت می باشد.

مصنف فتح القدیرگوید: (وفی ابی داود مایعارضها وهوان سعید بن العاص سال ابا موسی الاشعری وحذیفة بن الیمان کیف کان رسول الله (ﷺ) یکبر فی الاضحی والفطر فقال ابو موسی کان یکبر اربعاً تکبیرة علی الجنائز فقال حذیفة صدق فقال ابوموسی کذلک کنت اکبر فی البصیرة حیث کنت علیهم..... سکت عنه ابو داود قال الترمذی قد روی عن ابن مسعود (رضی الله عنه) قال فی التکبیر فی العید تسع تکبیرات فی الاوْلی خمساً قبل القراءة وفی الثانیة یبداء بالقراءة ثم یکبر اربعاً تکبیرة الرکوع وقد روی عن غیر واحد من الصحابة نحو هذا وهذا اثر صحیح قاله بحضرة جماعة من الصحابة ومثل هذا یحمل علی الرفع لانه مثل نقل اعداد الرکعات ..) فتح القدیر ص ٤٤ ج ۲- واینکه مدعی به فتح القدیر استدلال نموده به نافهمی او دلالت می نماید، زیرا عبارت فتح القدیر بر ادعای او تطبیق نمی شود واز آن این قول پیامبر (ﷺ) نفی نمی گردد ودر ابو داود روایت گردیده که: (ابن عمر بن الخطاب سأل ابا واقد اللیشی ما ذا کان یقرا به رسول الله (ﷺ) فی الاضحی والفطر قال کان یقرأ-- فیهما بقاف والقران المجید واقتربت الساعة وانشق القمر) از این حدیث معلوم گردید که پیامبر (ﷺ) در نماز عیدین سورة قمر وسورة قاف رانیز قرائت می نمود پس گفتن این سخن که قرائت در نماز عیدین به (سبح اسم) و(هل اتاک) مخصوص می باشد غلط است در مورد این مسأله اجماع منعقد گردیده که وقت نماز عیدین از هنگامی که آفتاب یک نیزه یا دونیزه بلند شود تا زوال آفتاب می باشد مصنف الدر المختار گوید که وقت آن از بلند شدن آفتاب به اندازه یک نیزه تا زوال می باشد.

درعیدین گفتن الصلاة الصلاة چه حکم دارد: سوال: ۳۹۰: در عیدین اذان تکبیر ویا الصلاة گفتن چه حکم دارد؟

جواب: عن ابن جریج قال اخبرنی عطا عن ابن عباس وجابربن عبد الله قالا لم یکن یوذن یوم الفطر

ولا یوم الاضحی ثم سألته یعنی عطاء بعد حین عن ذلک فاخبرنی قال اخبرنی جابر بن عبدالله ان لا اذان للصلوة یوم الفطر حین یخرج الامام ولابعدما یخرج ولا اقامة ولانداء ولاشی لانداء یومئذ ولا اقامة رواه مسلم) ودر الدر المختار آمده: (لایسن لغیرها کعید) [۱] از این روایت حدیث وفقه معلوم گردید که در عیدین اذان تکبیر وصدای الصلاة الصلاة وغیره وجود ندارد که طریقه مسنون همین است.

فصل هفدهم : استسقاء

(طریقه طلب باران)

خواندن نماز استسقاء به جماعت مستحب است یا منفرد: سوال: ۳۹۱ خواندن نماز استسقاء به جماعت سنت ومستحب است یا بدون جماعت؟

جواب: در ردالمحتار در باب استسقاء به نقل از شرح منیة نوشته است: (فالحاصل ان الاحادیث لما اختلفت فی الصلوة بالجماعة وعدمها علی وجه لایصح به اثبات السنة لم یقل ابو حنیفة (رح) رحمه الله تعالی بسنیها ولایلزم منه قوله بانها بدعة کما نقله عنه بعض المتعصبین بل هو قائل بالجواز قلت والظاهر ان المراد به الندب والاستحباب بقوله فی الهدایة قلنا انه فعله علیه الصلاة والسلام مرة وترکه اخری فلم یکن سنة ای لان السنة ما واظب علیه وفعل مرة مع ترک اخری یفید الندب [۲]) ودر الدر المختار آمده: (وقالا تفعل کالعید وعلیه العمل [۳]) از این عبارت معلوم گردید که جماعت نماز استسقاء نزد امام صاحب مستحب برده وصاحبان به سنت بودن آن قائل اند لذا باید نماز استسقاء به جماعت خوانده شود.

وقت نماز استسقاء: سوال: ۳۹۲ زیدمی گویدکه چون عصر شود نماز استسقاء رانباید خواند؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص ۳۵۷ ، ط. س. ج۲ ص۳۷۵. ظفیر
(۲) ردالمحتار باب الاستسقاء ج۱ ص۷۹۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۸٤. ظفیر
(۳) ردالمحتار باب الاستسقاء ج۱ ص۷۹۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۸٤. ظفیر

جواب: بهترین وقت نماز استسقاء صبح است بعد از بلند شدن آفتاب که باید نماز خطبه ودعا کرده شود در حدیث آمده که پیامبر (ﷺ) در چنین وقتی برای نماز استسقاء تشریف برده، الفاظ حدیث چنین است: (قالت عائشه فخرج رسول الله (ﷺ) حین بدأ حاجب الشمس [۱]).

آیا بعد ازنماز استسقاء باید باپشت دست دعا نمود: سوال: ۳۹۳ الف: بعد از نماز استسقاء باید با پشت دست دعا نمود یا مانند سائر اوقات با روی دست؟

ب: آیا درنماز استسقاء غیرحاکم، خطیب وقاضی باید شخص دیگری امامت نکند وایا اشتراک آنها شرط است؟

جواب: الف: در دعاهای عام طریقه مسنونه آن است که کف دست به طرف روی باشد ودر حدیث شریف این حکم عام می باشد، طوریکه روایت گردیده: (اذا سألتم الله فاسئلوا ببطون اکفکم) بدین جهت احناف نماز استسقاء را نیز تحت این قاعده عمومی قرار داده اند ودر حدیث هردو طریقه روایت شده، چناچه دریک روایت آمده: (فاشار بظهر کفه الی السماء [۲]) ودر روایت دیگری آمده: (قائما یدعو یستقی رافعاً یدیه قبل وجهه [۳]) پس احناف این حدیث را اصل قرار داده اند وحدیث اول را بر تفاول حمل کرده اند لذا تفاولاً چنین چیزی جائز می باشد واصل سنت است که درهر دعایی ثابت می باشد [۴].

ب: اینکار شرط نیست بلکه هر کسی را که امام بسازند جائز است اما بهتر آن می باشد که شخص صالح، متقی وعالم را امام بسازند.

حکم جماعت خطبه وقلب رداء درنماز استسقاء: سوال: ۳۹۴ در نماز استسقاء شرعاً حکم جماعت چیست؟ وحکم خطبه وقلب رداء بعد از نماز استسقاء چیست؟ قول امام اعظم ابو حنیفه

---

(۱) مشکوٰة باب الاستسقاء فصل ثالث ص ۱۳۲. ظفیر

(۲) فتح القدیر: باب الجنائز ص ٦٨ ج۲.

(۳) مشکوٰة عن ابی داؤد والترمذی والنسائی ، باب الاستسقاء ص ۱۳۱. ظفیر

(٤) هو دعاء واستغفار (درمختار) وذالک ان یدعو الامام قائما مستقبل القبلة رافعا یدیه والناس قعود مستقبلین (ردالمحتار باب الاستسقاء ص ۷۹۰ ج۱). ظفیر

(رح) در این مورد چیست وصاحبان (رح) در این مسأله با او چه اختلافی دارند وفتوی بر قول کیست؟

جواب: امام صاحب (رح) در نماز استسقاء جماعت را مسنون نمی داند، بلکه آنرا مستحب ومندوب می شمارد، طوریکه در شامی آمده: (والظاهر ان المراد الندب والاستجاب لقوله فی الهدایة قلنا انه فعله علیه الصلوة ولسلام مرة وترکه اخری فلم یکن سنة ای لان السنة ما واظب علیه والفعل مرة مع البترک اخری یفید الندب، ص ۷۹۱ ج ۱) لذا چون نماز استسقاء نزد امام صاحب مندوب ومستحب ونزد صاحبان سنت می باشد پس بهتر است که جماعت خوانده شده وخطبه نیز خواند شود شامی گوید: (قال محمد یصلی الامام او نائبه رکعتین کما فی الجمعة ثم یحطب ای یسن له ذلک والاصح ان ابا یوسف مع محمد، ص ۷۹۱ ج ۱).

خلاصه آنکه سنت بودن یا مستحب بودن خطبه به اساس اختلاف دو قول مربوط سنت بودن ویا مستحب بودن جماعت استسقاء می باشد.

نزد امام صاحب جماعت مستحب ومندوب می باشد طوریکه از فعل پیامبر (ﷺ) که یکبار عمل نموده وبار دیگر ترک فرموده آشکار می باشد وچون صاحبان جماعت نماز استسقاء را سنت می گویند پس خطبه را نیز سنت می دانند وچون معلوم گردید که مفتی به قول صاحبان است پس مسنؤن چنان می باشد که نماز استسقاء به جماعت اداء وخطبه نیز خوانده شود اما نماز استسقاء را به جماعت خواندن وخطبه را ترک کردن قول جدیدی می باشد که با هیچ مذهب وقولی مطابقت ندارد.

قلب رداء ثابت است، شامی نقل می کند: (ان فی قلب رداء الفتوی علی قول محمد حیث قال واختار القدوری قول محمد (رح) لانه علیه الصلوة والسلام فعل ذلک نهر وعلیه الفتوی کما فی الشرح درر البحار وفی الدرالمختار فی رسم المفتی واما نحن فعلینا اتباع ما رجحوه وما صححوه کمالو افتوا فی حیاتهم) الدر المختار ص۷۲ وفیه ایضاً واما العلامات للافتاء منقوله وعلیه الفتوی

وبه یفتی وبه نأخذ) مقدمه الدر المختار ص ٦٦ و ٦٧ ودرشامی آمده: (وعن تراهم قد یرجحون قول بعض اصحابه علی قوله کما رجحوا قول زفر (رح) وحده فی سبع عشرة مسئلة فتتبع ما رجحوه لانهم اهل النظر فی الدلیل)

کتاب الجنازة

فصل اول

چگونگی روش باکسی که در حال نزع است

محتضر را به پشت خواباندن چطور است: سوال: ۳۹۵ صاحب هدایة در مورد محتضر می نویسد: (واختار فی بلادنا الاستلقاء لانه ایسر من خروج الروح) آیا اینکار ازحدیث وتعامل صحابه ثابت می باشد وبر آن عمل کردن چطور است؟

جواب: تعامل سلف وتوارث خلف همین است که صاحب هدایة اختیارنموده البته همراه با استلقا (به پشت خواباندن) باید روی به طرف قبله باشد زیرا احادیث تصریحات ودلائل فقها آنرا اقتضاء می کند قید شق ایمن از هیچ حدیث واثری صراحتاً ثابت نمی گردد پس طریقهٔ سالم آن است که توجه به سوی قبله واستلقا هردو صورت گیرد به هر ترتیبی که سهولت باشد اینکار صورت گیرد از این دو یکی را نیز نمی توان خلاف سنت خواند بحر از مبتغی چنین نقل می کند: (و الاصح انه یوضع کما تیسر لاختلاف المواضع والاماکن [1]) ودر محیط آمده: (واختیر الاستلقاء [2]) ودر فتح آمده: (ثم اذا القی علی القفا یرفع راسه قلیلاً یصیر وجهه الی القبلة دون السما [3]) همچنان: (والاول هو السنة اما توجیهه فلانه علیه ﷺ لما قدم المدینة سئل عن البراء بن معرور فقالوا توفی واوصی بثلث لک واوصی ان یوجه الی القبلة لما احتضر فقال علیه ﷺ اصاب

---

(۱) البحر الرائق کتاب الجنائز ج۲ ص۱۷۰. ظفیر

(۲) ایضا. ظفیر

(۳) فتح القدیر باب الجنائز ج۲ ص ٦٨. ظفیر

الفطرة) واما ان السنة كونه على شقه الايمن فقيل يمكن الاستدلال عليه بحديث النوم [1]) لذا معلوم گردید که هیچ نص حدیث در مورد توجیه شق راست وجود ندارد.

حدیث روبه سوی قبله بودن هنگام غسل ومرگ: سوال: ۳۹۶ آیا کدام حدیثی در این مورد وجود دارد که باید متوفی هنگام غسل رو به قبله باشد وروی شخص قریب الموت نیز باید طرف قبله شود اگر چنین حدیثی موجود است لطفاً آنرا بنویسید.

جواب: در مورد توجیه شخص نزدیک به مرگ در شرح منیه این حدیث نقل شده است که در مورد وصیت براء بن معرور می باشد: (واوصى ان يوجهه الى القبلة فقال ﷺ اصاب الفطرة) این حدیث را حاکم روایت نموده وآنرا صحیح دانسته است ودر کبیری صفحه ۵۳۳ چنین آمده است: (والسنة ان يكون على شقه الايمن كما هو السنة فى النوم) ودر مورد رو به سوی قبله نمودن متوفی هنگام غسل حدیثی به نظر نرسید وفقهای کرام نیز دراین مورد حدیثی را نقل نفر موده اند وبه همین جهت در مورد آن اختلاف وجود دارد، در الدر المختار وشامی آمده که اصح آن است که هر سوی غسل دادن آسان باشد به همان پهلو قرار داده شود، طوریکه مرده در قبر گذاشته می شود؟ عبارت الدر المختار چنین است: (ويوضع كما تيسر فى الاصح فى سرير ... وقيل يوضع الى القبلة طولا وقيل عرضاً كما فى القبر...) شامی ص ۱۹٤ ج ۱. ودر شرح منیه چنین آمده: (قال فى المبسوط والبدائع والمرغينانى يوضع على التخت طولاً الى القبلة... قال الاسبيجابى لارواية فيه عن اصحابنا والعرف ان يوضع على قفاه طولاً نحو القبلة هذا ان التسع المكان والا قالاصح ان يوضع كما تيسر قاله صاحب البدائع والمرغينانى).

بحث تلقین لا اله الا الله همراه با محمد رسول الله: سوال: ۳۹۷ مطلب حدیث (لقنوا موتاكم لا اله الا الله) چیست وآیا باید صرف لا اله الا الله را تلقین نمود ویا اینکه همراه با آن تلقین محمد رسول الله نیز صورت گیرد؟

---

(۱) فتح القدير باب الجنائز ج۲ ص ٦٨. ظفير

جواب: در تلقین محمد رسول الله نیز حرجی نیست واگر صرف به تلقین (لا اله الا الله) اکتفاء شود نیز جائز می باشد [۱].

تلقین چه وقتی باید صورت گیرد: سوال: ۳۹۸ تلقین در وقت نزع اولی می باشد یا پس دفن یا درهر دو وقت؟

جواب: نزد احناف تلقین در وقت نزع است طبر ریکه در الدر المختار آمده: (ویلقن ندبا وقیل وجوباً بذکر الشهادتین.... قبل الغر غره...) واگر بعد از دفن نیز تلقین صورت گیرد، مضایقه نیست در شامی آمده: (وانما لاینهی عن التلقین بعد الدفن لانه لاضرر فیه بل فیه نفع لان المیت یستانس بالذکر علی ما ورد فی آلاثار).

دروقت نزع حنا کردن زن ناجائز است: سوال: ۳۹۹ حنا کردن زن هنگام نزع سنت است یانه؟

جواب: اینکار نه مسنون بوده ونه جائز می باشد بلکه نا جائز است [۲].

فصل دوم : غسل دادن میت

کسیکه جنب وفات نموده یک غسل برای اوکافی است یانه ودختر نابالغ را چه کسی غسل دهد: سوال: ٤٠٠ اگر شخصی در حال جنابت بمیرد یک غسل برای اوکافی می باشد یا اینکه نخست غسل جنابت داده شده وسپس غسل میت داده شود همچنان اگر دختر نابالغی بمیرد ودرآنجا زن مرده شوی نباشد آیا او را شوهرش یا یکی از محارمش غسل داده می تواند

---

(۱) ویلقن ندبا وقیل وجوبا بذکر الشهادتین لان الاولی لاتقبل بدون الثانیة عنده قبل الغرغرة (درمختار) قال فی الامداد وإنما اقتصرت علی ذکر الشهادة تبعا للحدیث الصحیح، وإن قال في المستصفی وغیره: ولقن الشهادتین لا إله إلا الله محمد رسول الله، وتعلیله في الدرر بأن الاولی لا تقبل بدون الثانیة لیس علی إطلاقه، لان ذلک في غیر المؤمن، ولهذا قال ابن حجر من الشافعیة: وقول جمع: یلقن محمد رسول الله أیضا لأن القصد موته علی الاسلام ولا یسمی مسلما إلا بهما، مردود بأنه مسلم، وإنما المراد ختم کلامه بلا إله إلا الله ﷺ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۹۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۰). ظفیر

(۲) ولا یسرح شعره ای یکره تحریما ولا یقص ظفره الا المکسور ولا شعره ولا یختن (درمختار) کما فی القنیة ان التزیین بعدها والامتشاط وقطع الشعر لا یجوز (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳، ط. س. ج۲ ص ۱۹۷ – ۱۹۸ . ظفیر

یانه واگر تصادفاً محرمی نباشد آیا نامحرم می تواند او را غسل دهد یانه ویا اینکه به اساس مجبوریت بدون غسل کفن وغیره دفن گردد؟

جواب: یک غسل کافی می باشد اما اگر متوفی جنب باشد باید مضمضه واستنشاق نیز برای او داده شود، طوریکه در الدر المختار آمده: (ولوکان جنباً او حائضاً او نفساء وفعلا امر المضمضة والاستنشاق اتفاقاً [۱]) شامی در این مورد به بحث پرداخته اما باز هم رعایت احتیاط مذکور لازم می باشد [۲]. دختر نابالغ اگر مراهقه نباشد هرمرد وزنی می تواند او را غسل دهد در فتح القدیر آمده: (الصغیر والصغیرة اذا لم یبلغا حد الشهوة یغسلهما الرجال والنساء [۳]) وحکم مراهقه در این مورد مانند حکم بالغه می باشد وزن بالغه را هیچ کسی غیر از زنان نمی تواند غسل دهد، شوهر نمی تواند زن متوفیه خود را غسل دهد اگر محرمی موجود باشد او را تیمم دهد واگر محرمی نباشد، نامحرم تکه ای را بر دست خود پیچانده او را تیمم دهد وکفن کند ونماز خوانده او را دفن نماید، در الدر المختار آمده: (ماتت بین الرجال او هو بین نساء یتمیمه المحرم فان لم یکن فارلاجنبی بخرقه [٤] وهمچنان: (ویمنع زوجها من غسلها ومسها [٥]).

<u>شوهرش نمی تواند زن متوفیه خود را غسل دهد البته می تواند اورا ببیند</u>: سوال: ٤٠١ آیا برای شوهر جائز است که زن متوفیه خود را غسل دهد یانه؟

جواب: شوهر می تواند به سوی زن متوفیه خود را ببیند، اما غسل دادن او برایش جائز نمی باشد درالدر المختار آمده: (ویمنع زوجها من غسلها لامن النظر الیها علی الاصح) وآنچه بر جواز

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۰۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۹۶. ظفیر

(۲) قوله : ولوکان جنبا الخ نقل ابو السعود عن شرح الکنز للشلبي أن ما ذکره الخلخالي: أي في شرح القدوري من أن الجنب یمضمض ویستنشق غریب مخالف لعامة الکتب اهـ. قلت: وقال الرملي أیضا في حاشیة البحر: إطلاق المتون والشروح والفتاوی یشمل من مات جنبا، ولم أر من صرح به لکن الاطلاق یدخله والعلة تقتضیه اهـ. وما نقله أبو السعود عن الزیلعي من قوله: بلامضمضة واستنشاق ولوجنبا، صریح في ذلک، لکني لم أره في الزیلعي. (رد المحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۹۶). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز قبیل مطلب فی الکفن ج۱ ص ۸۰٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۱. ظفیر

(٤) الدر المختار باب صلاة الجنائز قبیل مطلب فی الکفن ج۱ ص ۸۰٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۱. ظفیر

(٥) ایضا ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸. ظفیر

[1] غسل زوجۂ متوفیه از فعل حضرت علی (رضی الله عنه) که حضرت فاطمة الزهرا را پس از وفاتش غسل داده استدلال می نمایند مصنف الدر المختار آنرا چنین جواب داده که فعل حضرت علی (رضی الله عنه) مخصوص به خود ایشان است زیرا علاقه زوجیت ایشان پس از وفات باقی می باشد به دلیل قول پیامبر (صلی الله علیه وسلم) که فرموده: (کل سبب ونسب ینقطع بالموت الاسببی ونسببی [2]) ودرشامی از شرح مجمع نقل کرده که فاطمه (رض) را ام ایمن غسل داده نه حضرت علی (رضی الله عنه).

اگر زنی درحال جنابت بمیرد طریقه غسل او چطور است: سوال: ۴۰۲ اگر زنی در حال جنابت وفات کند، طریقه غسل او چطور می باشد؟

جواب: به واسطه وفات در حال جنابت تفاوتی درغسل روی نمی دهد بلکه او نیز مانند سائر اموات غسل داده می شود، البته الدر المختار از (امداد الفتاح. نقل می کند که به متوفی جنب باید مضمضه واشتنشاق نیز داده شود، اما شامی آنرا رد نموده واز زیلعی نقل نموده که غسل متوفی بدون مضمضه واستنشاق می باشد [3].

سرمه کردن وشانه نمودن سر متوفی چه حکم دارد: سوال: ۴۰۳ پس از کفن سرمه کردن چشم وشانه کردن سر متوفی درست است یانه؟

جواب: درست نیست، در الدر المختار آمده: (ولا یسرح شعره ای یکره تحریماً) ودر شامی از قنیه نقل گردیده: (ان التزئین بعدالموت والامتشاط وقطع الشعر لا یجوز [4]).

---

(۱) الدر المختار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳. ظفیر

(۲) قلنا هذا محمول علی بقاء الزوجیة لقوله ﷺ کل سبب ونسب ینقطع بالموت الا سببی ونسبی، ایضا ج۲ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸. ظفیر

(۳) ویوضأ من یؤمر بالصلاة بلا مضمضة واستنشاق للحرج، وقیل یفعلان بخرقة، وعلیه العمل الیوم، ولوکان جنبا أو حائضا أو نفساء فعلا اتفاقا تتمیما للطهارة کما في إمداد الفتاح (درمختار) نقل ابوالسعود عن شرح الکنز للشبلی انما ذکره الخلخالی ای فی شرح القدوری من ان الجنب یمضض ویستنشق غریب مخالفة لعامة الکتب اهـ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۱ ، ط. س. ج۲ ص ۹۶ و۱۹۵). ظفیر

(۴) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸ و ۱۹۷. ظفیر

آیا شوهر زن وزن شوهر خود را غسل داده می تواند یانه: سوال: ٤٠٤ آیا شوهر زن وزن شوهر خود را غسل داده می تواند یانه طریقه احسن کدام است؟

جواب: زن می تزاند شوهر خود را غسل دهد اما شوهر زن متوفیه خود را غسل داده نمی تواند البته اجازه دارد که اورا ببیند [١].

آیا محرم کی تواند زن متوفیه را غسل دهد یانه: سوال: ٤٠٥ آیا مرد می تواند زنی را که محرمش باشد پس از وفاتش غسل دهد یانه؟

جواب: نه، نمی تواند غسل دهد البته در چنین موردی حکم تیمم است [٢].

مخنث مشکل را چه کسی غسل دهد: سوال: ٤٠٦ مخنث مشکل را چه کسی غسل دهد؟

جواب: مخنث مشکل را هیچ کسی نمی تواند غسل دهد نه مرد ونه زن بلکه تیمم داده می شود، در الدر المختار آمده: (ویتیمم الخنثی المشکل ولو مراهقاً [٣])

کسیکه طریقه غسل دادن را نمی داند اگر غسل بدهد چه حکم دارد: سوال: ٤٠٧ شخصی که طریقه غسل دادن میت را نمی داند اگر غسل دهد چه حکم دارد؟

جواب: شرعاً هیچ گناهی بر اونیست اما حتی الوسع باید کوشش شود که شخص متوفی را غسل دهد که طریقه غسل دادن مسنون را بداند.

آیا برای متوفی در ظروف خانه آب گرم گردن واو را غسل دادن درست است: سوال: ٤٠٨ در این روزگار روش مردم آن است که ظروف پاک خانه خود را برای گرم کردن آب برای غسل دادن متوفی استعمال نمی کنند آیا این رواج صحیح است؟

---

(١) یمنع زوجها من غسلها ومسها لا من النظر الیها علی الاصح وهی لاتمنع من ذلک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج١ ص٨٠٣ ، ط. س. ج٢ ص ١٩٨). ظفیر

(٢) اذا کان للمرأة محرم یممها بیده واما الاجنبی فبخرقة علی یده ویغض بصره (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص٨٠٣ ، ط. س. ج٢ ص٢٠٦). ظفیر

(٣) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٠٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٠٦. ظفیر

جواب: درگرم کردن آب در ظروف خانه وغسل دادن متوفی با آن حرجی نیست. فقط

اگر زن در میان مردان یا مرد در میان زنان بمیرد غسل دادن چه شکلی دارد: **سوال**: ٤٠٩ اگر زن در میان مردان بمیرد وزنی نباشد یا مردی در میان زنان بمیرد ومردی نباشد غسل تکفین وتجهیز چه شکلی خواهد داشت؟.

جواب: در الدر المختار این چنین نوشته شده: (ماتت بین الرجال وهو بین النساء یتیممه المحرم فان لم یکن فالاجنبی بخرفة) یعنی اگر زنی درمیان مردان بمیرد اگر محرمی باشد بدون پوشانیدن تکه بر دست او را تیمم دهد واگر محرمی نباشد شخص تکه ای را به دست خود پیچانیده واو را تیمم دهد.

آیا شوهر می تواند زن متوفیه خودرا غسل دهد یانه: **سوال**: ٤١٠ در فتاوی عالمگیری آمده که شوهر نمی تواند زن متوفیهٔ خود را غسل دهد اما بلوغ المرام به حواله نسائی وابن ماجه می نویسد که پیامبر (ﷺ) فرمود که ای عائشه اگر تو قبل از من وفات کنی من خود بدست خود ترا غسل می دهم) این فرموده پیامبر (ﷺ) چطور است وآیا نوشته عالمگیری صحیح است؟

جواب: طوریکه در عالمگیری است همین طور در الدر المختار شامی وغیره کتب فقه نیز آمده ومذهب احناف چنین است وفرموده حضرت پیامبر (ﷺ) از خصوصیات خود او می باشد طوریکه فعل حضرت علی (رضی الله عنه) مبنی بر غسل دادن حضرت فاطمة الزهرا از خصوصیات خود اوست چنانچه حضرت عبدالله بن مسعود چنین جواب داده است [1].

برای غسل دادن مرده به چه وضعیتی قرار داده شود: **سوال**: ٤١١ اکثراً دیده می شود که متوفی را غرض روبه قبله بودن ازمشرق به سوی مغرب قرار می دهند آیا این طریقه بهتر است

(۱) فتحمل روایة الغسل لعلی رضی الله عنه علی معنی التهیأ والقیام التام باسبابه ولئن تثبت الروایة فهو مختص به الا ترى ان ابن مسعود رضی الله عنه لما اعترض علیه بذلک اجابه اما علمت ان رسول الله ﷺ قال ان فاطمة زوجتک فی الدنیا والآخرة فادعاء الخصوصیة دلیل علی ان المذهب عندهم عدم الجواز (ردالمحتار باب صلوة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۹۸). ظفیر

یا اینکه از شمال به جنوب گذاشه شود، کدام طریقه مسنون است؟

جواب: طوریکه در شامی آمده هر دو طریقه صحیح بوده ومطابق شرع می باشد [۱].

متوفی را توسط شخص غیر متدین غسل دادن خوب نیست: سوال: ٤۱۲ در این روزگار مردم این مساله محکم گرفته اند که متوفی را فقیری غسل دهد در حالیکه در اینجا اکثریت ایشان یعنی کسانیکه به نام فقیر شهرت دارند زانی بوده وبه روزه ونماز حتی نزدیک نمی شوند واحکام غسل را نیز نمی دانند متوفی را توسط چنین اشخاص غسل دادن درست است یانه؟

جواب: غسل دادن متوفی توسط چنین اشخاص خوب نیست غسل دهنده باید شخص صالح باشد [۲].

پای میت هنگام غسل دادن کدام طرف باشد: سوال: ٤۱۳ پای میت وقت غسل دادن کدام سو باشد عده ای از مردم می گویند که طرف قبله باشد؟

جواب: این نیز یک قول است اما بهتر آن است که روی به طرف قبله، سر به جانب شمال وپاهایش به سوی جنوب قرار د اده شود [۳].

میت هنگام غسل به چه وضیعتی باشد: سوال: ٤۱٤ هنگام غسل پای میت به کدام سوم باشد؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ویوضع کما مات کماتیسر فی الاصح علی سریر مجمر...) ودر شامی چنین آمده: (وقیل یوضع الی القبلة طولاً وقیل عرضاً کما فی القبر [۱]) افاده فی بحر کتاب الجنائز ج ۱ص ۵۷۳.

---

(۱) ردالمحتار للشامی ج۱ ص۸۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۵ باب الجنائز. ظفیر

(۲) والاولی فی الغاسل ان یکون اقرب الناس الیٰ المیت فان لم یحسن الغسل فاهل الامانة والورع (غنیة المستملی ص ۵۳۷). ظفیر

(۳) ویوضع کما مات کما تیسر فی الاصح علی سریر مجمر وترا (درمختار) وقیل یوضع الی القبلة طولا وقیل عرضا کما فی القبر افاده فی البحر (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۹۹ — ۸۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۵).

از این عبارت اشکار گردید که عده ای گفته اند که هنگام غسل میت طوری خوابانده شود که پایش به سوی قبله باشد وبعضی گفته اند که طوری گذاشته شود که رویش به سوی قبله باشد اما اصح آن است که هر طوری که آسان باشد به آن عمل شود معمول نزد مردم آن است که روی را سوی قبله می کنند.

هنگام غسل پای پیامبر ﷺ کدام طرف بود: سوال: ٤١٥ هنگام غسل پای پیامبر (ﷺ) کدام طرف بود وسرش کدام طرف؟

جواب: این مسأله نقل نگردیده که هنگام غسل پای پیامبر (ﷺ) کدام سو بود وسرش کدام سو اما فرموده پیامبر (ﷺ) در مورد خانه کعبه که در زندگی ومرگ قبله شما می باشد اشاره بدان دارد که طوریکه میت در قبر گذاشته به همان شکل هنگام غسل نیز قرار داده شود که اکنون معمول نیز همین است.

آیا زن وشوهر می توانند پس از مرگ یکدیگر را ببینند: سوال: ٤١٦ اگر زن وفات کند آیا شوهرش می تواند پس از مرگش او را ببیند یانه همچنان اگر شوهر بمیرد آیا برای زنش جائز است که او را ببیند؟

جواب: اگر زن بمیرد برای شوهرش جائز است که او را ببیند همچنان برای زن جائز است که سوی شوهر متؤفای خود نظر کند چنانچه این موضوع در الدر المختار آمده است (۲).

خنثی را مرد غسل دهد یا زن: سوال: ٤١٧ میتی که هم برای زن ستر است وهم برای مرد چه کسی او را غسل دهد؟

جواب: اگر میت خنثای مشکل باشد نه مرد او غسل دهد ونه زن بلکه تیمم داده شود چنانچه

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ص ۸۰۰ ج۱ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۵. ظفیر

(۲) ویمنع زوجها من غسلها ومسها لا من النظر الیها علی الاصح الخ وهی لاتمنع من ذالک ولوذمیة (الدر المختار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸). ظفیر

در الدر المختار آمده: (ویتمم الخنثی المشکل ولو مراهقاً.. [۱])

<u>مرده را چرا غسل می دهند</u>: سوال: ٤١٨ دلیل غسل دادن مرده چیست؟

جواب: هدف از غسل دادن میت نطافت او واظهار حرمت برایش می باشد [۲].

<u>آیا غیرمسلمان می تواند جسد مسلمانی را لمس کند</u>: سوال: ٤١٩ اگر غیر مسلمان جسد مسلمانی را لمس کند یا برایش طلب مغفرت کند یا نماز جنازه او را بخواند آیا ممانعت او ضروری می باشد؟

جواب: آنچه بر ذمه مسلمانان است چون غسل نماز وغیره آنرا انجام دهند واگر کافری او را لمس کند یا برایش طلب مغفرت نماید یا مطابق مسلک خود نماز جنازه اش را بخواند از آن نه به کسی ضرر می رسد ونه به کسی نفع اگر قدرت داشته باشد منع کنید واگر نه خاموشی اختیار نمائید [۳].

<u>هر کسی می تواند میت را غسل دهد وبرغسل دهنده غسل ضرور نیست</u>: سوال: ٤٢٠ غسل دهنده اموات شخصی معینی باشد یا اینکه هرکسی که به مسائل غسل اگاه است می تواند غسل دهد وآیا بعد از غسل میت غسل کردن غسل دهنده ضرور می باشد یا مسنون؟

جواب: هر شخصی که به مسائل غسل اگاه باشد می تواند میت را غسل دهد وبهتر آن است که شخصی میت را غسل دهد که در مقابل آن عوض واجرتی نخواهد [٤] وبر شخصی که میت را غسل دهد غسل کردن ضرور نمی باشد.

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۱. ظفیر

(۲) دلیل غسل را فقها چنین نوشته اند: لتنجیسه بالموت قیل نجاسة خبث وقیل حدث (درمختار) وقدروی فی حدیث ابی هریره رضی الله عنه سبحان الله المؤمن لا ینجس حیا ولامیتا الخ وقد اخرج الحاکم عن ابن عباس رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ لا تنجسوا موتاکم فان المؤمن لا ینجس حیا ولامیتا، وقال صحیح علی شرط البخاری ومسلم فیترجح القول بانه حدث الخ فانما یطهر بالغسل کرامة للمسلم (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۹۹ ، ط. س. ج۲ ص۱۹٤ و ۱۹۳. ظفیر

(۳) قال الله تعالی وما دعاء الکافرین الا فی ضلال. ظفیر

(٤) والافضل ان یغسل المیت مجانا الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۹). ظفیر الدین غفر الله له

آیا شوهر می تواند به جنازه زن خود دست زند: سوال: ۴۲۱ زن شوهر داری وفات نموده آیا شوهرش می تواند میت او را به قبر بگذارد یا به آن دست زند یانه؟

جواب: بعد از مردن زن شوهر برایش بیگانه مي شود وعلاقه نکاح ایشان قطع می گردد به همین جهت فقها غسل دادن توسط شوهر ودست زدن شوهر به میت زن را منع قرار داده اند طوریکه این موضوع در الدر المختار آمده است اما دیدن وجنازه اش را برداشتن درست است ودر قبر گذاشتن او نیز به اساس ضرورت درست می باشد زیرا هنگام گذاشتن در قبر کفن حائل می باشد، لذا از بالای کفن دست گذاشتن به ضرورت درست است یعنی در صورتیکه محرمی نباشد واگر محرمی باشد بایداو جنازه زن متوفی را در قبر بگذارد در الدر المختار آمده: (ویمنع زوجها من غسلها ومسها لامن النظر الیها....) ودر شامی به نقل از (خانیه) چنین آمده: (انه اذا کان للمرئة مجرم یمسها بیده واما الاجنبی فبخرقه علی یده [1]).

به میت به چه شکل غسل داده شود: سوال: ۴۲۲ در صورت غسل دادن به میت به چه شکل غسل داده شود آیا غسل میت فرض یا واجب یا سنت؟ وچطور غسل داده شود واگر شخصی بدون ترتیب مرده را غسل دهد وخوب آب بر بدنش بریزد واز اصول غسل با خبر نباشد این غسل درست است یانه؟

جواب: کیفیت غسل میت چنان است که پس از استنجاء وضو داده شود وبر سر بر تمام بدن او آب گرم شده توسط آب جوش اداده با برگ سدر انداخته شود وسر وریشش با خطمی شستشو گردد وبه پهلو چپ قرار داده شده وبه طرف چپش آب انداخته شود سپس به پهلو راست قرار داده شد وبه طرف چپش آب انداختده و شسته شود وبعداً به اتکا به چیزی نشانده شده وآهسته آهسته شکمش مالش داده شود واگر نجاستی برون آید شسته شود وسپس خوابانده شده وبر تمام بدنش آب انداخته شود بدین ترتیب فرض وسنت غسل همه اداء می شود البته فرض یکبار

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۹). ظفیر

شستن بدن است باقی تمام امور سنت می باشد اگر بدون ترتیب به میت غسل داده شود درست است اما بهتر آن می باشد که مطابق سنت به شرحی که در فوق نگاشته شد غسل داده شود.

برای غسل میت چه نوع آبی لازم است: سوال: ۴۲۳ مشهور آن است که برای غسل میت اول آب گرم شده با برگ سدر مرتبه دوم آب جوش داده با کافور ومرتبه سوم آب بدون جوش لازم می باشد آیا آنچه نوشتم صحیح است؟

جواب: در شامی راجح به غسل میت چنین تفصیل آمده که آب اول خالص آب دوم جوش داده شده با برگ سدر وآب سوم آمیخته با کافور باشد اما فتح القدیر نقل نموده که بهتر آن است که آب اول ودوم جوش داده شده با برگ سدر وآب سوم آمیخته با کافور باشد [1].

آیا درحالت مجبوریت شوهر می تواند زن متوفیه خود را غسل دهد: سوال: ۴۲۴ اگر زنی موجود نباشد آیا زید می تواند میت زن خود را غسل دهد؟

جواب: در شامی آمده به شوهر زن خود را غسل ندهد بلکه با تکه ای دست خود را پوشانده واو را تیمم دهد (فلا یغسل الرجل المرأة وبالعکس... ونقل عن الخانیة انه اذاکان للمرأة محرم یتممها بیده واما الاجنبی فبخرقة علی یده ویغض بصره عن ذرا عها وکذا الرجل فی امرأة الافی غض البصر ولعل وجهه ان النظر اخف من المس فجاز لشبهة الاختلاف شامی ص۸۰۳ ج۱).

به شخص مبتلا به جذام غسل داده شود یانه: سوال: ۴۲۵ به میتی که به جذام مبتلا بوده غسل داده شود یانه؟

جواب: شخص مصاب به جذام چون وفات کند مانند سائر مسلمانان غسل داده شد، تجهیز وتکفین گردیده، نماز جنازه اش خوانده شود ودفن گردد.

---

(۱) وذكر شيخ الاسلام أن الاولى بالقراح: أي الماء الخالص، والثانية بالمغلي فيه سدر، والثالث بالذي فيه كافور. قال في الفتح: والاولى كون الاوليين بالسدر كما هو ظاهر الهداية، لما في أبي داود بسند صحيح أن أم عطية تغسل بالسدر مرتين والثالث بالماء والكافور. (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۲ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۷). ظفير

غسل دادن حضرت علی (رضی الله عنه) به فاطمه (رض) چگونه بود: **سوال:** ٤٢٦ زید می گوید که حضرت علی (رضی الله عنه) فاطمه (رضی) را غسل داده است ما چرا اینکار را کرده نمی توانیم؟ فرزندان می توانند روی وپیشانی مادر خود را ببوسند، گروه دیگری می گوید که سخنان زید مردود است اینکه حضرت علی (رضی الله عنه) زوجه خود را غسل داده از خصوصیات خود او می باشد.

جواب: علامه شامی قصه غسل دادن حضرت علی (رضی الله عنه) به فاطمه (رضی) را نقل نموده واز شرح مجمع چنان معلوم می شود که حضرت فاطمه را ام ایمن غسل داده است وحضرت علی بدانجهت مجازاً غسل دهنده خوانده شده که لوازم غسل را مهیا کرده بود واگر قبول کنیم که شخص حضرت علی او را غسل داده پس این امر از خصوصیات حضرت علی می باشد، طوریکه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (ان فاطمه زوجک فی الدنیا وآلاخرة) همچنان دلیل خصوصیت حدیث دیگری نیز می باشد که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: (کل سبب ونسب ینقطع بالموت الاسببی ونسبی) بهر حال درست نیست که شوهر زن متوفیه خود را غسل دهد قول زید غلط بوده وقول گروه دوم که غسل زوجه متوفیه وبوسیدن ولمس او را حرام می داند صحیح ومعتبر می باشد.

مؤضوع بوسیدن اطفال مادر خود را از این بحث خارج بوده ودرآن حرجی نیست زیرا مادر محرم فرزندان خود بوده ونمی توان بوسیدن را ممنوع خواند همچنان پدر ومادر می توانند فرزندان خود را ببوسند بهر حال شوهر به هیچ وجه نمی تواند کارهای مذکور را با زوجه متوفیه خود انجام دهد زیرا نادرست می باشد.

فصل سوم : کفن

پس از پوشانیدن کفن رقعه دادن برای امام بی اصل است: **سوال:** ٤٢٧ بعد از پوشانیدن کفن رقعه نوشتن وآنرا با دو دست به امام تقدیم کردن جائز است یا ناجائز؟

جواب: کاملاً بی اصل است از چنین فعل بیهوده ای باید اجتناب نمود [۱].

در زندگی برای خویش ساختن کفن وقبر چطور است: سوال: ۴۲۸ آیا برای شخص جائز است یانه که در زندگی برای خویش کفن وقبر سازد؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ویحفر قبراً لنفسه وقیل یکره والذی ینبغی انه لایکره تهیئه نحو الکفن بخلاف القبر [۲]) وراجح نزد شامی آن است که قبر کندن جائز می باشد: (وفی التتارخانیة ولاباس به ویوجر علیه هکذا عمل عمر بن عبدالعزیز والربیع بن خثیم وغیر هما [۳]).

تعداد کفن پسران ودختران چند است: سوال: ۴۲۹ تعداد کفن پسران ودختران چند است؟

جواب: اگر کفن پسران ودختران خوردسال مطابق کفن بالغان باشد بهتر است اما یکپار چه ودو پارچه بودن آن نیز جائز می باشد چنانچه در الدر المختار آمده: (والمراهق کالبالغ ومن لم یزاهق ان کفن فی واحد جاز) ودر شامی آمده (اقول قوله فحسن اشارة انه لو کفن بکفن البالغ یکون احسن [۴]).

درکفن زن سینه بند بالا باشد یا پائین: سوال: ۴۳۰ آیا مرد می تواند زن متوفیه خود را ببیند یانه؟ آیا می تواند او را به قبر بگذارد یانه؟ همچنان آیا زن می تواند شوهر متوفی خود را ببیند یانه؟ ودراکفن زن سینه بند باید بالا تمام پارچه ها باشد یا پائین پیراهن؟ ومقصود از بالاو پائین چیست؟

جواب: شوهر می تواند زوجه متوفه خود را ببیند واو را در قبر بگذارد وزن نیزمی تواند به سوی شوهر متوفی خود نظر کند. سینه بند باید بالای لفافه سینه وپائین پیراهن باشد یعنی لفافه از همه

---

(۱) قال رسول الله (ﷺ) (من احدث فی امرنا هذا مالیس منه فهو رد متفق علیه (مشکوٰة باب الاعتصام ص ۴۷)

(۲) الدر المختار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۴. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۴. ظفیر

(۴) ردالمحتار ج۱ ص ۸۰۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۴. ظفیر

بالاتر وتحت آن سینه بند واگر سینه بند باید لفافه قرار داده شود باز هم جائز است [(۱)] در الدر المختار آمده: (ویمنع زوجها من غسلها ومسها لامن الینظر الیها علی الاصح... وهی لاتمنع من ذلک [(۲)]).

دوباره نماز جنازه درست است یانه: سوال: ۴۳۱ وقتی که نماز جنازه خوانده شده ومیت دفن گردد سپس بر قبر این میت دوباره نماز جنازه جائز است یانه؟ اگر جائز است کسانیکه یکبار تمام جنازه خوانده اند آیا می توانند دوباره دو نماز جنازه شریک شوند وامامی که بار اول نماز جنازه را داده آیا می تواند دوباوه امامت کند یانه؟

جواب: اگر نماز اول را ولی میت داده باشد یابه اجازه او خوانده شده وخودش شامل جماعت گردیده باشد پس برای شخص دیگری درست نیست که بر میت یا قبرش دوباره نماز جنازه او را بخواند در الدر المختار آمده: (وان صلی هو ای الولی بحق... لایصلی غیره بعده [(۳)]) واگر ولی نماز جنازه را نخوانده باشد حق اعاده آنرا دارد اما کسانیکه بار اول در نماز جنازه شرکت کرده اند دوباره آنرا نخوانند.

تصریح ذیل درمورد کفن درست است یانه: سوال: ۴۳۲ کفن مسنون برای مرد صرف سه پارچه می باشد که عبارت انداز: کفنی ازار وچادر وکفن زن مشتمل بر پنج پارچه می باشد که عبارت می باشد از سه پارچه قبل الذکر همراه با سینه بند وچادر سر اندازه هر یک از پار چه های مذکور عبارت است از کفنی از گردن تا بجلک وازار از سر تا باها وچادر یک دست دراز تر از ازار وعرض ازار وچادر باید آنقدر باشد که میت درآن خوب پیچانده شود وچادر سر برابر طول تمام دست وسینه بند از سینه تا ران ها آیا این تصریح درست است یانه؟

---

(۱) وهی تلبس لدرع ویجعل شعرها الخ (الی قوله) والخمار فوقه ای الشعر تحت اللفافة (درمختار) تربط الخرقة علی الثدیین فوق الاکفان یحتمل ان یرادبه تحت اللفافة وفوق الازار والقمیص وهو الظاهر آهـ (ردالمحتار ج۱ ص۸۰۹ ، ظ. س. ج۲ ص ۲۰۴).

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۳. ظفیر

جواب: تفصیلی که شما در کورد مورد کفن مرد وزن نوشته اید صحیح بوده ومطابق تفصیل کتب فقه می باشد.

چادر بالائی ودستکش درکفن داخل است یانه: **سوال:** ۴۳۳ چادر بالائی ودستکش وغیره که برای مرده شود ساخته می شود آیا در کفن؟ داخل می باشد یانه؟

جواب: چادر بالای چاز پایی ودستکش مرده شو وغیره در کفن داخل نمی باشد اما چادر بالائی از آنجهت مستحسن است که میت باید به عزت برده شود ودستکش به خاطر ضرورت غسل ومس عورت ضرور می با شد [۱].

هنگام کفن کردن دست میت درکجا گذاشته شود: **سوال:** ۴۳۴ هنگام کفن کردن میت دو دستش بر شکم گذاشته شود یا راست گردیده وبه موازات ران هایش قرار داده شود؟

جواب: هر دو دست را راست کرده ودر دوکنارش قرار داده شود [۲].

در کفن عمامه مکروه می باشد: **سوال:** ۴۳۵ برای علما در کفن عمامه دادن درست است یا نه؟

جواب: در الدر المختار آمده (وتکره العمامة للمیت فی الاصح مجتبی واستحسنها المتأخرون للعلما والاشراف) ودر شامی آمده: (واوضح انه تکره العمامة بکل حال [۳]) پس معلوم گردید که کراهیت عمامه راجح می باشد.

درکفن مرد وزن گریبان کدام طرف باشد: **سوال:** ۶۳۶ میت مرد باشد یا زن آیا جائز است که گریبان پیراهن کفنش به طرف پشت گردن باشد یانه؟

---

(۱) ردالمحتار باب صلٰوة الجنائز مطلب فی الکفن ج۱ ص ۸۰۶ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۲۳. ظفیر

(۲) ویوضع یداه فی جانبیه لا علی صدره لانه من عمل الکفار (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلٰوة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۹۸). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلٰوة الجنائز مطلب فی الکفن ج۱ ص ۸۰۶ – ۸۰۷ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۲۳. ظفیر

جواب: اگر در کفن مرد وزن مساوات باشد نیز حرجی نیست زیرا بسیاری از فقها درع وقمیص (پیراهن) را مترادف قرار داده اند وفقهایی که میان آن دو فرق قابل شده انداز آن نیز لزوم ثابت نمی گردد وحتی شرح منیه چنین تصریح می نماید که این امر موقف بر عادت است پس اکنون چون عادت چنان است که شق گریبان کفن مرد وزن هر دو روی سینه می باشد، لذا در کفن هر دو چنین چیزی درست می باشد واگر میان هر دو فرق گذاشته شود نیز حرجی نیست وخلاصه آنکه تفریق لازمی نمی باشد [1].

بالای جنازه چادر انداختن چطور است: سوال: ۴۳۷ بر میت مرد اکثراً بر علاوه کفن مسنون دستار وبر میت زن چادر رنگدار می اندازند که بواسطه آن وارث عزت خویش را آشکار می سازد وآنرا پس از دفن قبر کن می گیرد این پارچه مسنون است یانه؟ همچنان امام پارچه مذکور را گرفته وبر آن نماز جنازه می خواند آیا اینکار جائز است یانه؟

جواب: برعلاوه کفن مسنون در (انداختن) چادر سفید بر جنازه مرد وزن طوریکه رواج می باشد حرجی نیست اما انداختن پارچه رنگدار بر جنازه زن کار خوبی نیست وچون پارچه مذکور پاک می باشد لذا نماز خواندن برآن جائزاست واصولاً برای نماز خواندن به هموار کردن آن ضرورتی نمی باشد وبهتر آن است که پارچه رنگدار گذاشته نشود زیرا مستحب آن است که پارچه سفید بر میت انداخته شود [2].

ازار درکفن چه حکم دارد وپس از گذاشتن درقبر آیا بند باز شود: سوال: ۴۳۸ در کفن برای مرد ازار دادن چطور است وآیا پس از آنکه مرده در لحد گذاشته می شود بند کفن باز

---

(۱) والقمیص من المنکب الی القدم والدرع هو القمیص الا انه الذی یفتح جیبه علی الصدر والقمیص یفتح جیبه علی الکتف وقد کان القمیص من عادة الرجال والدرع من عادة النساء فی الحیاة فکذا فی الموت (غنیة المستملی، فصل فی الجنائز، بحث ثالث تکفینه ص ۵۳۷ – ۵۳۸). ظفیر غفرله

(۲) ولاباس فی الکفن ببرد وکتان فی النساء ومزعفر ومعصفر بجوازه بکل مایجوز لبسه حال الحیاة واحبه البیاض (درمختار) والجدید والغسیل فیه سواء (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ص ۸۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۵). ظفیر

گردد یانه؟

جواب: در کفن مرد سه پارچه سنت می باشد که عبارت انداز پیراهن ازار وچادر یعنی پارچه ای که میت در آن پیچانده می شود بنام چادر یاد می گردد که آنرا گره می زنند [۱] وتمام گره های مذکور در لحد باز کرده می شود چنانچه اکنون رواج نیز چنین است پس همین طریقه مطابق سنت می باشد [۲].

تلقین بعد از تدفین: **سوال**: ۳٤۹ از این روایت الدر المختار (ولا یلقق بعد تلحیده) معلوم می گردد که تلقین کردن ونکردن بعداز دفن برابر می است اما از عبارت شامی معلوم می شود که تلقین نکردن بعد از دفن مذهب معتزله می باشد، عبارت شامی چنین است: (ذکر فی المعراج انه ظاهر الروایة ثم قال وفی..... الکافی عن الشیخ الزاهد الصفار ان هذا علی قول المعتزله لان الاحیاء بعد الموت عندهم مستحیل اما عند اهل السنة فالحدیث ای لقنوا موتاکم.... الحدیث) امید است موضوع را کاملاً شرح نموده وما را مطمئن فرمائید.

جواب: قوله معتزله ممانعت ومستحیل بودن تلقین پس از تلحید است وحاصل مذهب اهل سنت وجماعت چنان است که ممنوع نمی باشد حتی مطابق تحقیق محققین اولی تلقین پس از تلحید است ودر خدیث حقیقت حدیث: (لقنوا موتاکم...) بر مجاز محمول بوده یعنی قریب الموت را میت خوانده اما اگر بر حقیقت حمل شود تلقین پس از تلحید مستحیل نبوده بلکه جائز می باشد وبر عکس آنچه معتزله می گویند [۳] مستحیل وممنوع نیست.

---

(۱) ویسن فی الکفن ازار وقمیص ولفافة (درمختار) قوله ازار هو من القرن الی القدم الخ واللفافة تزید علی ما فوق القرن والقدم لیلف فیها المیت وتربط من الاعلی والاسفل (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی الکفن ج۱ ص۸۰٦ ، ط. س. ج۲ ص۲۰۲)

(۲) ویستحب ان یدخل من قبل القبلة الخ وتحل العقدة للاستغناء عنها ویسوی اللبن علیه والقصب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی دفن المیت ج۱ ص۸۳٦ – ۸۳۷، ط. س. ج۲ ص ۲۳۵). ظ

(۳) ولا یلقن بعد تلحیده وإن فعل لا ینهی عنه. وفي الجوهرة إنه مشروع عند أهل السنة الخ ومن لا یسأل ینبغي أن لا یلقن والاصح أن الانبیاء لا یسألون ولا أطفال المؤمنین (درمختار) قال فی شرح المنیة ان الجمهور علی ان المراد منه مجازه ثم قال وانما لا ینهی عن التلقین بعد الدفن لانه لاضرر فیه بل فیه نفع فان المیت یستانس بالذکر علی ماوردفی الاثار (ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص۷۹۷). ظفیر

جای نماز برای نماز جنازه وحکم آن: سوال: ٤٤٠ حقیقت جای نماز میت در شریعت چیست واینکه امامی که نماز جنازه میت را بخواند این جای نماز را بگیرد وخواه خود آنرا استعمال کند یابه دیگری ببخشد در شریعت چه حکم دارد واگر امام جای نماز میت را گرفته واز آن برای خود لباسی بسازد وآنرا بپوشد با آن لباس نماز می شود یانه ونماز خواندن عقب چنین امامی چه حکم دارد؟

جواب: جای نماز در کفن شامل نیست [۱] پس نباید آنرا جزء کفن دانست پس ولی میت به هرکسی که آنرا ببخشد ملکیت او می گردد، مگر باید دانست که اصولاً به ماندن این جای نماز ضرورتی نیست واگر کسی غلطی کند وآنرا بگذارد پس خود ولی آنرا نگهدارد یا به شخص محتاجی بدهد واگر ولی میت آنرا به امام بدهد وامام از آن برای خود لباس بسازد وآنرا بپوشد نماز عقب او درست است.

کفن ساختن پارچه ای که توسط هندو ساخته شده درست است: سوال: ٤٤١ در هندوستان هندوها ودیگران رخت می سازند آیا کفن دادن از رختی که ایشان ساخته درست است؟ وهمچنان اگر کسی رختی را که ایشان ساخته اند بپوشد نمازش درست می باشد یانه؟

جواب: درست است [۲].

کفن رنگه برای مرد چه حکم دارد: سوال: ٤٤٢ حکم کفن رنگه برای مرد چیست؟

جواب: در الدر المختار آمده: (واحبه البیاض [۳]) یعنی سفید محبوب ترین وپسندیده ترین است

---

(۱) صراحتی که درکتب حدیث وفقه در مورد کفن وجود دارد درآن جای نماز دیده نمی شود: ویسن فی الکفن ازار وقمیص ولفافة الخ. (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۰٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۲). ظفیر

(۲) هرکسی که رخت را ساخته باشد پاک بودن آن شرط می باشد ورخت هایی که ساخته شده ودر بازار به فروش می رسد حکماً پاک هستند مگر آنکه به ناپاکی آن علم حاصل شود: ولو شک فی نجاسة ماء اوثوب اوطلاق اوعتق لم یعتبر وتمامه فی الاشباه (درمختار) فی التتارخانیة من شک فی انائه اوثوبه اوبدنه اصابته نجاسة اولا فهو طاهر الخ وکذا ما یتخذه اهل الشرک او الجهلة من المسلمین کالسمن والخبز والاطعمة والثیاب اهـ ملخصا (رد المحتار کتاب الطهارة قبیل ابحاث الغسل ج۱ ص ۱۲۷). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۵. ظفیر

وشامی مرعقر ومعصفر را برای مرد مکروه نوشته است [۱].

<u>برای میت مرد وزن تعداد پارچه های کفن چند است</u>: سوال: ۴۴۳ چند چند پارچه برای کفن مرد وزن سنت می باشد؟

جواب: برای مردسه پارچه در کفن سنت می باشد که عبارت انداز: قمیص ازار ولفافه وبرای زن پنج پارچه سنت است که عبارت انداز: قمیص ازار خمار لفافه وسینه بند [۲] نخست لفافه هموار می گردد بر پس از آن قمیص وپس از آن ازار ودرکفن زن بر لفافه قمیص گذاشته می شود سپس خمار وپس از آن ازار ومس از آن سینه بند ودر بعضی از کتب فقه نوشته شده که سینه بند بالای قمیص وپائین لفافه باشد [۳].

<u>کفن ساختن از غلاف کعبه وگذاشتن آن در قبر چطور است</u>: سوال: ۴۴۴ از غلاف زیرین کعبه برای میت کفن ساختن جائز است یانه وپارچه ای از غلاف بالانی کعبه را که بر آن کلمه شریف نوشته شده باشد با میت در قبر گذاشتن چطور است؟

جواب: ازاین پارچه متبرکه برای میت کفن ساختن جائز بوده وموجب برکات می باشد وگذاشتن پارچه ای از غلاف کعبه که کلمه شریف بر آن نوشته شده باشد در قبر برشکم میت نیز جائز می باشد اما بهتر آن است که بر سینه میت گذاشته شود زیرا طوریکه در شامی آمده در گذاشتن آن بر شکم خطر تلویث وجود دارد.

---

(۱) ولاباس بالکفن ببرود وکتان وفی النسائی بحریر ومزعفر ومعصفر (درمختار) قوله فی کفن النساء واحترز عن الرجال لانه یکره لهم ذالک (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۹ ، ط. س. ج۲ ص۲۰۵). ظفیر

(۲) السنة ان یکفن الرجل فی ثلثة اثواب ازار وقمیص ولفافة الخ وتکفن المراة فی خمسة اثواب درع وازار وخمار ولفافة وحزقه تربط ثدییها (هدایه فصل فی التکفین ج۱ ص ۱۶۱). ظفیر

(۳) ثم تبسط اللفافة اولاً ثم یبسط الازار علیها ویقمص ویوضع علي الازار ویلف یساره ثم یمین ثم اللفافة کذلک وهي تلبس الدرع ویجعل شعرها ضفیرتین علی صدرها فوقه اي الدرع تربط الخرقة علی الثديين فوق الاکفان یحتمل أن یراد به تحت اللفافة وفوق الازار والقمیص وهو الظاهر اهـ. وفي الاختیار: تلبس القمیص ثم الخمار فوقه، ثم تربط الخرقة فوق القمیص اهـ (ردالمحتار باب الجنائز مطلب فی الکفن ج۱ ص ۸۰۸ – ۸۰۹ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۰۴). ظفیر

رواج تاخیر نماز جنازه میت در روز جمعه غلط است: سوال: ٤٤٥ در میان عوام رواج است که اگر کسی شب جمعه یا صبح جمعه وفات کند به زودی او را تجهیز وتکفین نمی نمایند بدین جهت که نماز جمعه خوانده شود وتعداد زیادی در نماز جنازه او شرکت کنند آیا این رواج شرعاً جائز است یانه؟

جواب: که در تجهیز وتکفین باید عجله گیرد ونباید برای نماز جمعه انتظار کشید [1].

چه چیزی را قمیص می گویند: سوال: ٤٤٦ در کتب فقه در بیان کفن ازار لفافه وقمیص نوشته اند ازار ولفافه عبارت می باشند از دوچادر بزرگ وکوچک پس قمیص چیست وبه چه شکلی وهیئتی می باشد واز کجا تا کجا؟ یک مولوی صاحب می گوید که هدف از قمیص تنبان می باشد ومعنی قمیص چیست؟

جواب: معنای قمیص پیراهن است وتنبان ترجمه ازار است شامی در مورد قمیص نوشته است: (والقمیص من اصل العنق الی قدمین بلاد خریص وکمین [2]) یعنی پیراهن باید ازگردن تا قدمین باشد بدون یخن وآستین وشکل قمیص آن است که حدود سه ونیم گز رخت را گرفته آنرا دور داده ومیانش انقدر پاره گردد که سو درآن داخل شود وباید از گردن تا قدم ها باشد.

کفن مرد وزن: سوال: ٤٤٧ کفن مرد وزن چقدر باید باشد وچادر بالایی اگر مستعاراً افگنده شود چه حکم دارد ومستحق چادر بالایی کیست؟

جواب: در کفن مرد سه پارچه ودر کفن زن پنج پارچه مستحب می باشد [3] وچادری که در بالا افگنده می شود شامل کفن نیست وشخصی که غریب است ونمی تواند چنان چادری بخرد

---

(۱) وکره تاخیر صلاته ودفنه لیصلی علیه جمع عظیم بعدصلاة الجمعة الا اذا خیف فوتها بسبب دفنه (درمختار) والافضل ان یعجل بتجهیزه کله من حین یموت، بحر (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۳، ط. س. ج۲ ص ۲۳۲). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی الکفن ج۱ ص ۸۰۶ ، ط. س. ج۲ ص۲۰۲. ظفیر

(۳) کفن الرجل سنة ازار وقمیص لفافة الخ کفن المرأة سنة درع وازار وخمار ولفافة وخزقة تربط بها ثدیاها (عالمکیری مصری ج۱ ص ۱۵۰). ظفیر

بلکه چادر خود را یا از دیگری را گرفته وبه شکل عاریت می افگند باز هم حرجی نیست که آن چادر را دوباره به مالکش بدهد واگر کسی چادر بخرد وآنرا بیفگند طوریکه در میان مردم رواج است ملکیت هیچ کسی نبوده بلکه ملکیت شخصی می باشد که آنرا افگنده پس اگر بخواهد می تواند آنرا برای خود نگهدارد یا به محتاجی ببخشد.

کسی را که مادرش نصرانی است آیا می تواند او را مطابق دین نصرانیت تکفین کند:

سوال: ٤٤٨ یک زن عیسوی مسلمان شده اما مادرش هنوز هم مسیحی بوده وهمراه همین دختر مسلمان خود زندگی می کند واو به دختر خود وصیت کرده است که چون من وفات کنم مرا مطابق روش دین مسیحت تکفین وتدفین بنما، اگر والده او بمیرد آیا برای دخترش که مسلمان می باشد جائز است یانه که خود به وصیت او عمل کند یا از دیگری بخواهد که اینکار را انجام دهد؟

جواب: در این مورد حکم شریعت آن است که مرد یا زن مسلمان اقارب ووالدین خویش را که برکفر بمیرند مطابق سنت تکفین وتجهیز نکنند بلکه آنها را مانند رختی که ناپاک باشد شسته ودر رختی پیچانده ودر قبری دفن کنند پس در مورد مسأله ای که سوال شده نیز باید همین کارصورت گرفته وبه وصیت او عمل نشود چنانچه در (الدر المختار) آمده: (ویغسل المسلم ویکفن وَیدفن قریبه الکافر الاصلی... من غیر مراعات السنة فیغسله غسل الثوب النجس ویلفه فی خرقه ویلقیه فی حفرة [1])

آیازن وشوهر می توانند بعد ازمرگ یکدیگر را ببینند: **سوال**: ٤٤٩ آیا شوهر وزن می توانند در صورتیکه یکی فوت آنکه زنده است او را ببیند؟

جواب: یکدیگر را دیدن درست بوده ودر الدر المختار آمده (ویمنع زوجها من غسلها ومسها لا

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائزقبیل مطلب فی حمل المیت ج۱ ص۸۳۲ ، ط.س. ج۲ ص ۲۳. ظفیر

من النظر الیها علی الاصح... وهی لاتمنع من ذلک [۱]).

در وقت کفن کردن اگر از مرده نجاست خارج شود ضرورت اعاده غسل نیست: سوال: ۴۵۰ پس از آنکه میت غسل داده شده اگر هنگام کفن کردن از او نجاست خارج شود آیا اعاده غسل لازم است یانه؟

جواب: غسل اعاده نگردد بلکه فقط ناپاکی شسته شود [۲].

زنان نا محرم نمی توانند میت مرد را ببینند: سوال: ۴۵۱ نشان دادن روی میت مرد برای زنان محرم ونا محرم جائز است یانه؟

جواب: برای زنان نامحرم طوریکه در زندگی دیدن روی مرد اجنبی حرام می باشد پس از مردن نیز مصنوع است ودر حدیث ابن ام مکتوم آمده: (فعمیا وانتما الستما تبصرانه [۳])

پول باقی مانده ازتکفین درچه چیزی به مصرف رسد: سوال: ۴۵۲ سال گذشته هنگامی که تب وبا شیوع یافته بود ومسلمانان فقیر بیشتر به آن مبتلا می شدند ووفات می نمودند به دلیل افلاس اولیای ایشان نمی توانستند لوازم تجهیز وتکفین را تدارک بینند لذا عده ای از مسلمانان اعانه جمع کردند تا در تجهیز وتکفین آنعده از فقرای مسلمان که بر اثر تب وبایی مذکور فوت می کنند به مصرف رسد وکسی که تا حِدی استطاعت دارد برای او به نرخ ارزان کفن داده شود اکنون که تب وبایی مذکور از میان رفته مقداری از پول مذکور باقی مانده است آیا مصرف آن در کار خیر دیگری جائز است یانه؟

جواب: پول مذکورمیان فقرا بیوه‌ها ومحتاجان تقسیم گردد زیرامعلوم است که ازطرف کسانیکه

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸. ظفیر

(۲) ولایعاد غسله لا وضوءه بالخارج منه لان غسله ما وجب ترفع الحدث الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الجنائز ج۱ ص۸۰۲ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۷). ظفیر

(۳) مشکوٰة باب النظر الی المخطوبة ص ۲۶۹. ظفیر

اعانه داده اند اجازه مي باشد يا اينكه اولاً در تكفين وتجهيز فقرايى كه وفات مى كنند به مصرف رسد وسپس بافقراء مواد خوراكى ولباس مساعدت شود، هدف آنكه پول مذكور صدقه وخيرات گرديده وبايد در چنين امورى به مصرف رسد اصل آن است كه از مردمى كه اين اعانه را داده اند معلومات گرفته شود ودر هر كارى كه ايشان بخواهند به مصرفاً برسد واما اگر اينكار دشوار باشد چون دلالتاً از طرف ايشان اجازه است لذا مى توان پول مذكور را به فقرا ومساكين تقسيم كرد وهمچنان مى توان آنرا در تجهيز وتكفين فقرا به مصرف رساند زيرا براى چنين مقصدى جمع آورى گرديده بود واين تخصيص در شريعت وجود ندارد كه فقط در تجهيز وتكفين كسانى به مصرف رسد كه در تب وبايى مذكور مرده باشند وچون اكنون آن مرض به فضل خداوند متعال رفع گرديده پس مصرف آن در تكفين وتجهيز عامه فقرا درست مى باشد [1].

دليل آنكه حضرت على (رضي الله عنه) فاطمه (رض) را غسل داده است: سوال: ۴۵۳ مولانا صاحب عبدالحى در كتاب خويش نفع المفتى صفحه ۱۴۲ مى فرمايد: (اذا ماتت الزوجة حرم على الزوج آن يغسلها او يسها) پس حضرت على (رضي الله عنه) فاطمة الزهرا (رضى) را غسل داد وعكس آن نيز جائز مى باشد زيرا ابوبكر صديق (رضي الله عنه) را زوجه اش اسما بنت عميس غسل داده است.

جواب: فقهاى حنفى نوشته كه اينكار از خصوصيات حضرت (رضي الله عنه) بود چنانچه حضرت على (رضي الله عنه) در برابر اعتراض حضرت عبدالله بن مسعود چنين جواب داد: (اما علمت ان رسول الله (صلى الله عليه وسلم) قال ان فاطمة زوجتک فى الدنيا والاخرة [2]). فقط

ودليل جواز عكس آن اين است كه در صورت وفات شوهر بر زن عدت لازم مى باشد كه از

---

(۱) فعلى المسلمين تكفينه فان لم يقدروا سالوا الناس له ثوبا فان فضل شيء رد للمتصدق ان علم والا كفن به مثله والا تصدق به (درمختار) قلت فى مختارات النوازل لصاحب الهداية فقير مات فجمع من الناس الدراهم وكفنوه وفضل شيء ان عرف صاحبه يرد عليه والا يصرف لي كفن فقيرا اخر ويتصدق به (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۰ – ۸۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۶). ظف

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸. ظفير

جمله علامات نکاح می باشد لذا بقای ارتباط ازدواج اقتضاء می کند که زن شوهر متوفی خود را لمس کرده وغسل داده بتواند، در (الدر المختار) آمده: (وهی لا تمنع من ذلک.... ای من تغسیل زوجها دخل بها اولا کما فی المعراج ومثله فی البحر عن المجتبی قلت ای لانها تلزمها عدة اوفات لولم یدخل بها وفی البدائع المراة تغسل زوجها لان اباحة الغسل مستفادة بالنکاح فتبقی مابقی النکاح والنکاح بعد الموت باق الی ان تنقضی العدة بخلاف ما اذا ماتت فلا یغسلها لانتهاء ملک النکاح لعدم المحل فصار اجنبیاً [۱]).

اگر درکفن وغسل نقصی باشد مؤاخذه ای بر میت نیست: سوال: ٤٥٤ اگر در تجهیز وتکفین وغسل میت کدام نوع بی احتیاطی صورت گیرد مثلاً از پول حرام کفن خریده شده باشد یا در آب غسل کدام نوع نجاست بوده باشد مسئولیت آن بدوش چه کسی خواهد بود وکدام نوع مواخذه ای بر میت نخواهد بود واز کسی که این بی احتیاطی صورت گرفته چطور عفو خواهد شد واکنون برای متوفی چطور باید دعا کرد وبرای ایصال ثواب چه نوع تدبیری وجود دارد؟

جواب: از این وجه بر میت هیچگونه مواخذه ای نیست زیرا او مجبور ومعذور است [۲] وازکسیکه بی احتیاطی صادر شده توبه واستغفار نماید وبرای میت دعا نموده وبرای میت ایصال ثواب نماید.

بر میت مرد کفن شده چادر انداختن واو را بردن چطور است: سوال: ٤٥٥ در وقت انتقال جنازه مرد مسلمان چادر وغیره را برای او پرده کردن یعنی بر او چادر هموار کردن واو را بردن درست است یانه؟ اگر ثبوتی براي آن در حدیث وفقه وجود دارد مرا مطلع فرمائید؟

جواب: قال رسول الله ﷺ (ما راه المومنون حسن فهو عندالله حسن) ودر الدر المختار آمده:

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸. ظفیر

(۲) خداوند عز وجل فرموده: (ولا تزر وازرة وزر اخری (القرآن الکریم). ظفیر

(ولا باس بالزيادة على الثلاثة ويحسن الكفن) ودر حديث آمده (حسنوا اكفان الموتى [1] لذا چون در انداختن چادر تحسین واعزاز میت می باشد ومطابق روایت فقه در آن حرجی نیست وامر معروف در میان مسلمانان می باشد لذا درآن حرجی به نظر نمی آید.

مصارف تجهیز وتکفین: سوال: ٤٥٦ زید وفات نموده واز او دو پسر وچهار دختر ویک زن باقی مانده یکی از پسران ودو تن از دخیترانش نابالغ بودند لذا پسر بزرگش تمام مصارف تجهیز وتکفین را از پول شخصی خود نمود همچنان عروسی دو خواهر نابالغ ویک برادر نابالغ خود را از پول شخصی خود کرد پس آیا او از مال متروکه پدر مستحق مصارف تکفین وتجهیز ومصارفی که در عروسی ها مذکور نموده می باشد یانه وبه هر یک از ورثه زید از متروکه چه سهمی می رسد؟

جواب: می تواند مصارف تجهیز وتکفین مطابق سنت را بگیرد [2] اما حق گرفتن مصارف اضافی از قبیل دادن غذا به محتاجان وخویشاوندان وغیره را ندارد همچنان نمی تواند پولی را که در عروسی نابالغان (خوا هران وبرا دران خویش) به مصرف رسانیده بگیرد.

متروکه زید به طور ذیل تقسیم می گردد، پس از ادای حقوق مقدم بر میراث ترکه او به شصت وچهار حصه تقسیم می گردد و از آن هشت حصه به زنش چهارده چهارده حصه به هر یک از دو پسرش وهفت هفت حصه به هریک از چهار دخترش می رسد.

دادن ازار دوخته شده وکلاه درکفن برای میت چه حکم دارد: سوال: ٤٥٧ دادن ازار وکلاه به میت وپوشانیدن هنگام دفن به او چه حکم دارد؟

جواب: از سوال چنان معلوم می گردد که تنبان وکلاه علیحده از کفن مسنون داده شود که کاملاً اضافی وناجائز می باشد زیرا کلاه وتنبان در کفن شامل نبوده وثبوتی برای آن وجود ندارد

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة الجنائز ج۱ ص ۸۰۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۲. ظفیر

(۲) الاول يبدا بتكفينه وتجهيزه من غير تبذير ولا تقتير (سراجی ص ٤). ظفیر

در شرح منیه آمده: (السنة ان یکفن الرجل فی ثلاثه اثواب قمیص وازار ولفافه...) پس تنبان دوخته شده وکلاه در کفن شامل نبوده وباید به میت پوشانده نشود ودوختن با تار خام وتار پخته برابر بوده با هیچ تاری دوخته نشود بلکه ازار بدون دوختن به میت داده شود [۱].

کفن نابالغ: سوال: ۴۵۸: آیا به طفل نابالغ دادن کفن مثل بالغان درست است یانه؟

جواب: درست است [۲].

با چادری که برمیت انداخته می شود چه باید کرد: سوال: ۴۵۹ بعضاً ولی میت چادری را که بر میت انداخته به فقیری که در قبرستان موجود می باشد خیرات می دهد اما بعضاً اولیای میت آنرا به مسجد روان می کنند ومتصدی امور مسجد سال ها چادر مذکور را دُر انتظار میت لاوارثی در صندوق نگهمیدارد که بعضاً موریانه آنرا صدمه رسانیده وسوراخ سوراخ می کند وچون شخص لا وارثی وفات می کند از چادر مذکور برایش کفن می سازند پس چنین کاری شرعاً جائز است یانه؟ عده ای از مردم فتوی می دهند که مستحق چادر مذکور فقیری می باشد که همراه میت به قبرستان می رود اگر چنین چادر یا رختی به امام مسجد، موذن یا طالب العلمی که مسکین باشد داده شود جائز است یانه؟ واگر امام مسجد بدون اجازه متصدی امور مسجد آنرا به طالب مسکینی بدهد جائز است یانه؟

جواب: چادر مذکور ملکیت اولیای میت می باشد یعنی کسیکه به میت کفن می دهد وچادر را بر میت می افگند چادر ملکیت او می باشد پس بهتر نیتی که آنرا به متصدی امور مسجد می فرستد درهمان امر به کار رود، اگر اولیای میت آنرا برای کفن میت لا وارثی روان می کنند

---

(۱) از لفظ ازار نیز تنبان دوخته شده ثابت نمی گردد بدینجهت به نقل یا روایت فقهی ضرورتی نیست هدف ازار دوخته شده می باشد که ب میت پوشانده شود البته اگر عرض آن کم باشد می توان جهت عریض شدن پارچه دیگری را با آن دوخت.

(۲) قوله فحسن اشارة الی انه لوکفن بکفن البالغ یکون احسن لما فی الحلیة عن الخانیة والخلاه الطفل الذی لم یبلغ حد الشهوة الاحسن ان یکفن فیما یکفن فیه البالغ الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۰۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۴). ظفیر

چادر مذکور برای همان کار نگهداشته شود وهر گز در این مورد فکر نگردد که مور یانه آنرا خراب خواهد کرد زیرا نیت وهدف مالک در آن اعتبار دارد واگر مالک مذکور چادر را بدانجهت روان کرده که به طالب العلم مسکینی داده شود مطابق خواست او عمل گردد ونباید از طرف خویش هیچ تصرفی بدون امر واراده مالک نمود واینکه می گویند فقیری که همراه میت به حضیره می رود یا در حضیره ای که میت دفن می گردد اقامت دارد مستحق چادر مذکور می باشد، غلط است هیچ شخص خاصی در آن هیچگونه حق ندارد پس معلوم گردد که هر تصرفی که می گردد به امر واجازه مالک صورت گیرد وهیچ تصرفی بر خلاف امر مالک نشود، اگر مالک چادر تصرف در آنرا به متصدف امور مسجد می گذارد در هر چیزی که او مناسب بیند به مصرف رسد وبرخلاف اجازه او هر نوع تصرفی درآن ناجائز است.

فصل چهارم : برداشتن جنازه

در انتقال جنازه استعمال تابوت تایردار درست است یانه: سوال: ٤٦٠ حضیره شمله از شهر دونیم میل فاصله دارد که انتقال جنازه به آن کارمشکلی می باشد همراه جنازه ثرو تمندان تعداد کثیری از مردم به آنجا می روند اما در جنازه فقرا با وصف اجوره دادن کسی پیدا نمی شود که جنازه را به حضیره انتقال دهد وهمین مشکل هنگام جنازه مردمان بی وارث نیز پیش می آید اکنون عده ای ازمردم فکر کرده اند که تابوتی بسازند که دارای تایر باشد، آیا با در نظر داشت تکالیفی که یاد آوری شد استعمال چنین تابوتی جائز است یانه؟

جواب: در بر داشتن جنازه سنت آن است که جنازه را چهار نفر بردارند وبرشانه های خویش بگذارند، الدر المختار همین طریقه انتقال جنازه را بیان کرده است وانتقال آن بر پشت حیوانات مکروه می باشد وانتقال در موتر نیز همین حکم را دارد [1] اما به اساس ضرورت ومجبوریت

(۱) ویکره عندنا حمله بین عمودی السریر بل یرفع کل رجل قائمة بالید لا علی العنق کالامتعة ولذا کره حمله علي ظهر دابته (الدرالمختار باب صلاة الجنائز مطلب فی حمل المیت ج۱ ص ۳۳ ،۸ ط.س. ج۲ ص ۲۳۱). ظفیر

طوریکه در شامی آمده است درست می باشد [۱].

انتقال جنازه در ریل: سوال: ٤٦١ در اینجا قبرستان از شهر سه میل فاصله دارد، لذا مردم نمی توانند که جنازه را برداشته وپای پیاده بروند وحکومت یک کامیون ریل را غرض انتقال جنازهٔ مسلمانان اختصاص داده است در آن کامیون جنازه را طوری انتقال می دهند که میت را در قسمت پیشروی آن می گذارند وتمام مردم در پشت می نیشنند اینکار جائز است یانه؟ اگر جائز است آیا چهار نفر آنرا درکامیون بلند گرفته نگهدارد وچقدر بلند بگیرند ویا آنرا پائین بگذارند؟

جواب: وقتی که عذری نباشد مستحب وسنت آن است که جنازه را چهار نفر برداشته وانتقال دهند وانتقال سواره آن مکروه می باشد، چنانچه در الدر المختار آمده: (اذا حمل جنازه وضع ندباً علی یمینه ثم موخرها علی یمینه ثم مقدمها علي یساره ثم موخرها... ولذا کره حمله علی ظهر الدابة) [۲] اما اگر ضرورت وعذری باشد، طوریکه در سوال بیان گردیده که حضیره دور بوده وبا پای پیاده جنازه را انتقال دادن دشوار می باشد در حالت مجبوری شکلی که در سوال مطرح گردیده درست است [۳] یعنی میت را در حصه پیشروی کامیون بگذارند وتمام مردم در عقب بشینند جائز می باشد ودر گذاشتن جنازه در کامیون قید چهار نفر ودو نفر وجود ندارد هر چند نفری که می توانند اینکار را انجام دهند وبهتر آن است که همان چهار نفری آنرا در کامیون بگذارند که هنکام رسیدن به حضیره او را ازکامیون پائین کنند وتا قبر انتقال دهند وهنگامی که میت درکامیون می باشد ضرورت نیست که از پاها بلند قرار داشته باشد.

---

(۱) قوله: ربکره عندنا الخ لان السنة التربیع وما نقل عن بعض السلف من الحمل بین العمودین ان ثبت فلعارض کضیق المکان اوکثرة الناس اوقلة الحاملین کما بسطه فی فتح القدیر (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی حمل المیت ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۱). ظفیر الدین غفر الله له

(۲) الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۳ ط.س. ج۲ ص ۲۳۱. ظفیر

(۳) وما نقل عن بعض السلف من العمل بین العمودین ان ثبت فلعارض کضیق المکان اوکثرة الناس اوقلة الحاملین (ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۱). ظفیر

طریقه مسنونه برداشتن جنازه: سوال: ۴۶۲ در اینجا چهل قدمی میت را به دو شکل انجام می دهند یکی آنکه جنازه را بردوش برداشته به اندازه ده قدم می روند پس چهار نفر دیگر پایه ها چهار پایی را می گیرند همچنین ده قدم دیگر پایه های دیگر را می گیرند.

طریقه دیگر آنکه یک نفر پایه هارا تبدیل می کند ودیگران نه وایشان پایه های چار پایی را بر دست می گیرند وبرشانه های خویش نمی گذارند این هر دو صورت جائز است یانه؟

جواب: مستحب آن است که مردم به شیوه بدلیه جنازه را بردارند وهر نفر بردارنده جنازه اول مقدمه جنازه را بردوش یمین خود بردارند وبعد از آن موخر جنازه را بردوش یمین بردارند وبعد از آن مقدم جنازه را بردوش یسار خود بردارند وپس از موخر جنازه را بردوش یسار خود برداشته وده ده قدم ضروری نیست اگر میسر شود بهتر می باشد واگر نه حرجی نیست[1].

شوهر می تواند جنازه زن خود را انتقال دهد: سوال: ۴۶۳ بعد از وفات زن آیا شوهر می تواند او را ببیند یا لمس کند یا پایه جنازه او را بردارد یانه؟

جواب: شوهر می تواند به سوی زن موفیه خود نظر کند اما لمس بدن او بدون پوششی برایش منع می باشد وبرداشتن پایه جنازه اش برایش جائز است[2].

عقب جنازه به آواز بلند خواندن کلمه واشعار درست نیست: سوال: ۴۶۴ یک فتوی از مطبعه حمیدی احمد آباد انتشار یافته ودر آن خواندن کلمه واشعار نعتیه وقران شریف در عقب جنازه مستحب خوانده شده وعبارت کتب معتبر فقه را چنین تأویل نموده که این حکم در مورد سلف بود اما اکنون به اساس آنکه عصر تغیر نموده حکم مذکور باقی نمانده است در این مورد

---

(۱) واذاحمل الجنازة وضع ندبا مقدمها علی یمینه عشرخطوات الخ ثم وضع مؤخره علی یمینه کذلک ثم مقدمها علی یساره ثم مؤخرها الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی حمل المیت ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۱). ظفیر

(۲) ویمنع زوجها من غسلها ومسها لامن النظر الیهاعلی الاصح (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۰۳ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۸). ظفیر

حکم شرعی چیست؟

جواب: در الدر المختار آمده: (کما کره فیها رفع صوت بذکر او قراءة فتح قوله کما کره قیل تحریما وقیل تنزیها کما فی البحر عن الغایة وفیه عنها وینبغی لمن تبع الجنازه ان یطیل الصمت وفیه عن الظهیریة فان اراد ان یذکر الله تعالی یذکره فی نفسه بقول تعالی (انه لا یحب المعتدین) ای الجاهرین بالدعا وعن ابراهیم انه کان یکره ان یقول الرجل وهو یمشی معها استغفروا له غفر الله لکم... قلت واذا کان هذا فی دعا والذکر فماظنک بالغنا الحادث فی هذا الزمان [1]) از اینجا معلوم گردید که سلف صالح فقها ومحققین در این موقع از ذکر جهر وغیره منع فرموده اند.

رفتن با جنازه همسایه غیر مسلمان درست است یانه: سوال: ۴۶۵ اگر کدام نصرانی همسایه کسی باشد یا به وجه دیگری با او ارتباطات داشته باشد آیا پس از مردن او می تواند همراه جنازه اش به گورستان آنها برود یانه؟ به همین ترتیب اگر مسلمان بمیرد آیا دوست نصرانی اش می تواند همراه جنازه او و به حضیره برود یا نه؟

جواب: به ضرورت اینکار جائز است طوریکه روایت گردیده: (ان النبی ﷺ عاد یهودیاً مرض فی جواره [2]) هدایه ودر النوادر آمده: (جار یهودی او مجوسی مات ابن له او قریب ینبغی ان یغریه ویقول اخلفه الله علیک خیرا منه واصلحک [3]) ص ۲۴۸ باب حظر وأباحة.

اگر شخصی درحال روزه بمیرد چه حکم دارد: سوال: ۴۶۶ اگر روزه داری به دلیل روزه بودن بمیرد وافطار نکند مرگ او چطور است؟

جواب: درشامی آمده که اگر روزه دارصبرکند وافطارنماید وبمیرد مستحق ثواب بوده وگنهگار نمی شود [1].

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۳۵. ظفیر

(۲) هدایه اخرین کتاب الکراهیة مسائل متفرقه ج۴ ص ۴۵۸. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ج۵ ص ۳۴۱. ظفیر

شخص ناپاک جنازه را بردارد یانه: سوال: ٤٦٧ برای شخص ناپاک گرفتن پایه چار پایی میت جائز است یانه؟

جواب: درست است [۲].

سر جنازه باید پیش باشد: سوال: ٤٦٨ وقتی جنازه از خانه تا حضیره برده می شود پاهایش پیش وسرش در عقب باشد آیا این روش درست است یانه زیرا امام مسجد شکوه آباد می گوید که بردن جنازه تاحضیره در حالیکه سرش مقدم باشد ممنوع است قول او درست می باشد یانه؟

جواب: سرمقدم بودن مطابق سنت است واینکه با مقدم باشد وسر در عقب درست نبوده وخلاف سنت است [۳].

اعمال بر وزن میت تاثیر نمی کند: سوال: ٤٦٩ اکثراً میت شخص چاق سبک می باشد واز شخص لاغر وزین آیا وزن زیاده نشانه بیشترین اعمال صالحه وکم وزن بودن نشانه زیادی اعمال بد می باشد یا بر عکس آن؟

جواب: به اسابر این گرانی وسبکی نمی توان حکمی نمود این امر به حکم خداوند عزوجل مفوض است که چه کسی خوب وچه کسی بد می باشد.

ولی زن متوفیه عصبه اوست نه شوهرش: سوال: ٤٧٠ به اساس وفات یکی از زن وشوهر ارتباط ایشان قطع می گردد یانه؟ یعنی اگر زن بمیرد آیا شوهرش می تواند او را ببیند وجنازه اش را بردارد یانه؟ ولی زن متوفیه شوهرش می باشد یا پدر وبرادرش؟

جواب: در صورتیکه زن بمیرد ارتباط او با شوهر قطع می شود به همین جهت غسل دادن ولمس کردن او برای شوهر درست نیست مگر فقها اجازه دیدن را داده اند واگر شوهر بمیرد تا

---

(۱) ویوجر لو صبر مثله سائر حقوقه تعالی فافساد صوم وصلاة لخ (ردالمحتار فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج ۲ ص ۱۵۸). ظفیر عفی الله عنه

(۲) برای کسیکه جنازه را می بردارد پاک بودن شرط نیست البته برای نماز پاک بودن ضرور می باشد. ظفیر

(۳) وفی حالة المشی بالجنازة یقدم الراس کمافی المضمرات (عالمگیری مصری باب الجنائز فصل رابع ج۱ ص۱۵۲). ظفیر

سپری شدن عدت ارتباط زنش با او قطع نمی گردد به همین جهت است که زن می تواند شوهر متوفی خود را غسل دهد، برداشتن جنازه هر زنی برای هر مردی جائز است به همین جهت شوهر می تواند جنازه زن متوفیه خود را بردارد. ولی زن متوفیه پدر برادر وغیره عصبه او می باشند نه شوهرش.

جنازه را ده ده قدم بردن ثابت است یانه: سوال: ۴۷۱ هنگام انتقال جنازه مردم ده ده قدم حساب نموده وچهل قدم را پوره می کنند آیا اینکار به اساس حدیث صحیح ثابت است یانه؟

جواب: این حدیث در الدر المختار نقل گردیده: (من حمل جنازة اربعین خطوة کفرت عنه اربعین کبیرة [۱]) وشامی آنرا از زیلعی نقل نموده ودر بحر از بدائع منقول بوده ودر شرح منیه آمده که این حدیث را ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) روایت کرده است [۲] پس اگر حدیث ضعیف هم باشد عمل بر آن د رست است؟

اگر قبرستان سوی مشرق باشد سرمیت کدام سو گذاشته شود: سوال: ۴۷۲ اگر قبرستان به سوی مشرق باشد هنگام بردن جنازه سرش کدام طرف مانده شود؟

جواب: حضیره هر طرفی که باشد خواه سوی مشرق وخواه سوی مغرب یا شمال یا جنوب به هر حال سر باید در پیشروی چار پایی مانده شود یعنی سرمیت باید مقدم باشد [۳].

بردن جنازه با موتر مکروه است: سوال: ۳۷۳ بردن جنازه تا حضیره بر چیزی که تایر داشته باشد چه حکم دارد؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ویکره عندنا حمله بین عمودی السریر بل یرفع کل رجله قائمة بالید لاعلی العنق کالامتعة ولذا کره حمله علی ظهر دابة [۱]) ازاین عبارت معلوم گردید که انتقال

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی حمل المیت ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۱. ظفیر

(۲) ردالمحتار مطلب في حمل المیت ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۲۳۱. ظفیر

(۳) وفی حالة المشی بالجنازة یقدم الراس کذا فی المضمرات (عالمگیری کشوری باب الجنائز ج۱ ص ۱۵۹). ظفیر

میت در چیز تایردار مکروه است زیرا از قول او (کالامتعة) آشکار می باشد اما به ضرورت وعذر آنچه سهل است جائز می باشد.

عقب جنازه بروید: سوال: ٤٧٤ پیشروی جنازه رفتن افضل است یاعقب آن؟

جواب: در الدر المختار آمده: (وندب المشی خلفها [۲]) پس مستحب رفتن به تعقیب جنازه می باشد.

جنازه را از راه دور بردن خوب نیست: سوال: ٤٧٥ مولوی صاحب اسحاق هنگام وعظ فرمود که جنازه را نباید از راه دور ودراز برد این قول او صحیح است یانه؟

جواب: مقتضای الفاظ حدیث (عجلوا به [۳]) وعبارت الدر المختار (ویسرع فی جهازه [٤]) وحدیث ابو هریرة (رضی الله عنه) (اسرعوا بالجنائز [٥]) بدون شک وشبه آن است که بدون ضرورت بردن جنازه از راه دور ودراز که موجب تاخیر دفنش گردد خؤب نبوده وخلاف مستحب است.

هنگام غسل سرمیت درکجا باشد: سوال: ٤٧٦ در وقت غسل سرمیت باید کجا باشد؟

جواب: هنگام غسل هر طوریکه سهل باشد به همان ترتیب میت را بگذارید به هر شکلی درست است خواه سرمیت به طرف قبله باشد یا پایش یا اینکه از شمال به جنوب گذاشته شود زیرا در الدر المختار به همین طوریکه گفتیم آمده است، اما بهتر آن می باشد که مانند قبر رویش بسوی قبله باشد [٦].

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۹۵. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۱. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۷۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۳. ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۹۹ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۳. ظفیر

(٥) مشکوٰة باب المشی بالجنازة ص ١٤٤. ظفیر

(٦) ویوضع کما مات کما تیسر فی الاصح وقیل یوضع الی القبلة طولا وقیل عرضا کما فی القبر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۰ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۵). ظفیر

شوهر نمی تواند میت زن متوفیه خود را ببوسد: سوال: ٤٧٧ اگر زن کسی بمیرد آیا می تواند میت او را ببوسد یعنی آیا شوهر حق دارد که میت زن متوفیه خود را بوسه کند یانه؟

جواب: شوهر نمی تواند زن متوفیه خود را لمس نماید پس بوسه گرفتن از او نیز برایش جائز نمی باشد، چنانچه در الدر المختار آمده: (ویمنع زوجها من غسلها ومسها لامن النظر الهیا علی الاصح [1]).

هیئت میت هنگام غسل: سوال: ٤٧٨ هنگام غسل کیفیت گذاشتن میت طولاً الی القبله وجنوباً وشمالاً منقول بوده وهر دو صورت جائز وثابت می باشد لیکن من در دو مسأله استفتا می نمایم: الف از این دوشکل کدام یک افضل وبیشتر قابل اعتماد می باشد؟ ب: غسل پیامبر (ﷺ) به چه شکلی بود؟

جواب: فقها می گویند که راجح واصح ان است که هر طریقی که سهل باشد اختیار شود، زیرا در الدر المختار چنین آمده در شرح منیه چنین نوشته شده: (والعرف ان یوضع علی قفاه طولاً نحوالقبلة هذا ان اتسع المکان والافا لاصح انه یوضع کما تیسر [2]) وقبل ازآن چنین نوشته شده: (وقال الاسبیجابی لارواية فیه عن اصحابنا [3]) درنقلی که از کیفیت غسل پیامبر (ﷺ) ذکر این مسأله در آن نیست که هنگام غسل او (ﷺ) را به چه وضیعتی قرار داده بودند به همین جهت است که اکثریت فقها فرموده اند که هر شکلی که آسان باشد اختیار شود ودر بلاد مامعروف آن است که حتی الوسع سر رابه سوی شمال وپای رابطرف جنوب قرارمی دهند طوریکه یک شکل نماز مریض می باشد ومطابق حدیث (قبلتکم احیاناً واموتاً [4]). طوریکه در

---

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٠٣ ، ط. س. ج٢ ص ١٩٨. ظفیر

(٢) ویوضع کما مات کماتیسر فی الاصح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٠٠ ، ط. س. ج٢ ص١٩٥). ظفیر الدین غفر الله له

(٣) و(٤) غنیة المستملی فصل فی الجنائز ص ٥٣٤. ظفیر

گذاشتن قبر مراعات می شود وسنت خوانده شده است.

هنگام انتقال جنازه سرمیت مقدم باشد: سوال: ۴۷۹ هنگام بردن جنازه به سوی قبرستان روی جنازه کدام سو باشد یعنی پا هایش کدام طرف باشد وسرش کدام طرف؟

جواب: هر طرفی که برده شود سرمقدم باشد [۱].

هدف بعضی از عبارات: سوال: ۴۸۰ اینکه در عالمگیری در باب حمل جنازه چنین آمده (علی طریق التعاقب) چه شکلی دارد واز مفهوم این عبارت قاضی خان: (لیطوف کل واحد منهم علی جوانبها الاربع....) یکبار طواف به چهار طرف جنازه مسنون به نظر می آید؟

جواب: هدف از آن صرف این است که هر چهار پایه جنازه را بردارد که سنت بوده وبرای آن به دور ضرورت است اینکه مقصود طواف به دور جنازه باشد [۲] واین گمان وهم باطلی می باشد.

برداشتن جنازه زن نامحرم درست است: سوال: ۴۸۱ برداشتن جنازه زن نامحرم چه حکم دارد؟ آیا گرفتن هر چهار پایه چهار پائی ضرور است یانه؟ وهر پایه را چقدر راه بردن احسن است؟

جواب: برداشتن جنازه زن نامحرم نیز مستحب وباعث ثواب است وگرفتن هر چهار پایه مستحب بوده وبردن هر پایه ده قدم بهتر است واگر نه هر قدر که میسر شود درست است [۳].

مردان توانند جنازه زن نامحرم را بردارند: سوال: ۴۸۲ برداشتن جنازه زن نامحرم ازسوی

---

(۱) در الدر المختار آمده: واذاحمل الجنازة وضع ندبا مقدمهاعلی یمینه الخ ثم وضع مؤخرها علی یمینه (درمختار) قوله ندبا لان فیه ایثار الیمین والمقدم علی الیسار والمؤخر (ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۱). ظفیر

(۲) فاذا حمل الجنازة وضع ندبا مقدمها وکذا المؤخر علی یمینه ثم وضع مؤخرها علی یمینه کذلک ثم مقدمها علی یساره ثم مؤخرها کذلک (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۱۲۳ – ۱۲۴ ، ط. س. ج۱ ص ۲۳۱). ظفیر

(۳) واذا حمل الجنازة وضع ندبا مقدمها علی یمینه عشر خطوات الخ ثم مؤخرها الخ ثم مقدمها علی یسارها الخ ومؤخرها الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز، مطلب فی حمل المیت ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۱). ظفیر

مردان چه حکم دارد؟

جواب: برداشتن جنازه زن نامحرم از سوی مردان درست وباعث ثواب است.

بردن جای نماز همراه جنازه اصلی ندارد: سوال: ۲۸۳ بردن جای نماز همراه جنازه چه حکم دارد؟

جواب: جای نماز در کفن نبوده بی اصل است وضرورتی به آن نمی باشد.

رفتن مسلمان همراه میت هندو واشتراک درتکفین وتدفین اومباح است: سوال: ٤٨٤ رفتن مسلمان همراه جنازه هندو واشتراک در تکفین وتدفین او جائز است یا ناجائز وهمچنان رفتن هندو همراه جنازه مسلمان جائز می باشد یا ناجائز؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ویغسل المسلم ویکفن قریه الکافر الاصلی... عند الاحتیاج فلو له قریب فالاولی ترکه لهم [۱]) حاصل این عبارت آن است که مسلمان خویشاوند نزدیک خود را که کافر باشد عند الضرورت می تواند تکفین وتدفین کند ودر جنازه او شرکت نماید اما بدون ضرورت خوب نیست پس چون در مورد خویشاوند چنین باشد در مورد اجنبی این حکم به درجه اولی است اما تا جایی که مربوط به ادای مراسم ایشان می باشد در حرمت آن جایی برای تامل وبحث نیست واگر کدام هندو به سبب دوستی وغیره در جنازه مسلمان بیاید نباید از او جلوگیری کرد، زیرا چنین کاری از اخلاق اهل اسلام بعید است.

بردن قرآن شریف همراه جنازه خلاف سنت است: سوال: ٤٨٥ اینکه همراه میت قرآن شریف را در چار پایی مي گذارند وتاقبرستان می برند چه حکم دارد؟

جواب: این روش خلاف سنت وناجائز بوده وباید کاملاً ترک گردد [۲].

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز قبیل مطلب فی حمل المیت ج۱ ص ۸۳۲ ، ط. س. ج۱ ص ۲۳. ظفیر

(۲) در قران وسنت ثابت نیست ونه فقها چنین نوشته اند بلکه اینکار خلاف طریقه ای می باشد که از پیامبر (ﷺ) وصحابه (رضی) نقل گردیده است.

انداختن چادری که رنگ شوخ دارد برجنازه چطور است: سوال: ٤٨٦ انداختن چادر سرخ زرد وغیره رنگ کلای شوخ برجنازه چه حکم دارد؟

جواب: مکروه است. [۱]

سوال: ٤٨٧ آوردن چارپایی وزین طوریکه هرشخصی نتواند آنرا بلند کند، جائز است یاناجائز؟

جواب: در جواز آن شکی نیست اما بهتر آن است که چهار پایی سبک استعمال گردد تا هر شخصی بتواند آنرا بلند کند وپایه آنرا بردارد.

خواندن نعت، درود وبا قرآن به آواز بلند همراه جنازه ثابت نیست: سوال: ٤٨٨ خواندن کلمه توحید قران شریف درود ویانعت وغیره به آواز بلند همراه جنازه شرعاً ثابت است یانه، اگر ثابت نیست چه حکم دارد؟

جواب: این طریقه از سلف صالح صحابه وتابعین وائمه مجتهدین ثابت نیست لذا بدعت ومکروه بوده واز روی تصریحات وقواعد فقه ممانعت آن به نظر می آید لذا ترک آن لازم است [۲].

بردن جنازه بر زینه بانگسی درست است یانه: سوال: ٤٨٩ بردن جنازه بر تابوت یا چار پایی در دوران پیامبر (ﷺ) رواج داشت یانه؟ در اینجا مردم از بانگس زینه ساخته ومانند اهل هنود میت را توسط آن انتقال می دهند این طریقه بردن میت تا قبرستان درست است یانه؟

جواب: بردن جنازه مسلمان بر زینه بانگسی مانند اهل هنود درست نیست، بلکه جنازه مسلمان باید با عزت واحترام برده شود وبردن میت برچار پایی از زمان پیامبر (ﷺ) تا اکنون رواج دارد وجنازه به تخت وچارپایی گفته می شود که میت درآن باشد ازهری گوید: (لا یسمی جنازه

---

(۱) والمستحب فیه البیاض الخ ویکره للرجل المزعفر والمعصفر والحریر ولا یکره للنساء اعتبارا بحال الحیاة (غنیة المستملی ص ۳۸ فی تکفینه) حکم کفن آن است که چنانچه که بعضی رنگ های مخصوص در زندگی برای مرد مکروه می باشد به همین ترتیب بعد ازمرگ نیز برایش مکروه می باشد.

(۲) پیامبر (ﷺ) فرمود: من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهو ردمتفق علیه (مشکوٰة باب الاعتصام ص ۲۷). ظفیر

حتی یشد المیت علیه مکفنا) [۱].

مسئول مخارج تکفین وتدفین زن کیست: سوال: ۴۹۰ مسؤل مخارج تکفین وتدفین زن متوفیه کیست؟

جواب: مسؤل مخارج تکفین وتدفین زن متوفیه شوهر می باشد، در الدر المختار آمده: (واختلف فی الزوج والفتوی علی وجوب کفنها علیه عندالثانی وان ترکت مالا خانیة ورجحه فی البحر... وذکر فی شرح المنیة عن شرح السراجیة لمصنفها ان قول ابی حنیفة کقول ابی یوسف [۲]).

قرار گرفتن پای میت به طرف قبله هنگام بردن جنازه به طرف مشرق درست است:

سوال: ۴۹۱ اگر جنازه به طرف مشرق برده شود سرمیت به طرف قبله قرار داده شود یا به طرف مشرق زیرا اگر سر به طرف مشرق قرار داده شود پاهایش به طرف قبله خواهد بود؟

جواب: سر میت باید مقدم وهیچ حرجی نیست اگر پایش به سوی قبله قرارگیرد [۳].

فصل پنجم : نماز جنازه

رواج نشستن بعد از نماز جنازه غلط است: سوال: ۴۹۲: بعد از سلام گشتاندن از نماز جنازه اکثراً می نشینند الحمد درود شریف وغیره را خوانده وبه ارواح پاک پیامبر (ﷺ) وصحابه اربعه می بخشند وبه روح میت حاضر نیز ثواب آنرا اهدامی کنند اینکار جائز است یانه؟

جواب: بعد از نماز هیچ دعای دیگر مشروع نیست لذا اینکار پس از نماز جنازه نباید صورت

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۷۹۵ ، ط. س. ج۲ ص۱۸۹. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۰، وعبارتها اذا ماتت المراة ولا مال لها قال ابو یوسف رحمه الله یجبر الزوج علی کفنها الخ وقال محمد رحمه الله لایجبر الزوج والصحیح الاول اهـ (ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸۱۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۶). ظفیر

(۳) فی حالة المشی بالجنازة یقدم الراس کذا فی المضمرات (عالمگیری مصری باب فی حمل الجنازة ج۱ ص ۱۵۲، ط. ماجدیه ج۱ ص ۱۶۲). ظفیر

گیرد [۱].

کسیکه به علت طاعون فرار کند ودر آنجا بمیرد نماز جنازه اش خوانده می شود:

سوال: ۴۹۳ شخص بی نماز یا کسانیکه از طاعون می گریزند اگر در آنجای دیگر بمیرد نماز جنازه او باید خوانده شود یانه؟

جواب: نماز جنازه اش باید خوانده شود [۲].

تارک نماز کافر نیست باید نماز جنازه اش خوانده شود: سوال: ۴۹۴ عمرو مردم را وعظ ونصیحت نمود وبر پابندی به نماز تأکید کرد همه مردم بر غفلت وسستی خویش پشیمان گردیده ووعده کردند که نماز می خوانند اما زید گفت من نماز بخوانم یا نخوانم به تو چه ارتباط دارد، من به دلیل وظیفه اینقدر وقت ندارم که نماز بخوانم، این سخنان زید توهین به امر شرعی است یانه؟ اگر زید قبل از توبه بمیرد نماز جنازه او خوانده شود یانه؟ شیخ عبدالقادر گیلانی در (غنیة الطَالبین) نوشته که چنین شخصی باشمشیر کشته شود ونماز جنازه اش نیز خوانده نشود آیا این سخن صحیح است یانه؟

جواب: شیخ عبدالقادر گیلانی حنبلی مذهب بود یعنی پیرو مذهب امام احمد بن حنبل بود ومذهب ایشان همین است که در غنیة الطالبین نوشته است ومذهب امام اعظم ودیگر ائمه چنان می باشد که تارک نماز فاسق وواجب التعزیر بوده وکافر نیست لذا باید نماز جنازه اش خوانده شود زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: (صلوا علی کل بر وفاجر) پس در اینصورت زید فاسق بوده وبر اولازم است که توبه کند ونماز را شروع نماید وحکم نماز جنازه در فوق ذکر گردیده، البته اگر زجراً کسانی که مقتدا هستند در نماز جنازه او شریک نشوند ودیگران نماز جنازه را

---

(۱) ولایدعوا للمیت بعد صلٰوة الجنازة لانه یشبه الزیادة فی صلاة الجنازه (مرقاة المفاتیح ج۲ ص ۳۲۹). ظفیر

(۲) هی فرض علی کل مسلم (درمختار ج۲ ص ۲۱۰). ظفیر

بخوانند درست است.

طفل زنده متولد گردیده وسپس مرد حکم آن چیست: سوال: ۴۹۵ در خانه شخصی پسری زنده متولد گردید وپس ازسه چهار ساعت مرد، ایشان او را بدون نماز جنازه دفن کردند، در این صورت نماز جنازه چه حکم دارد وبرای مردمی که چنین کرده اند چه جزایی وجود دارد؟

جواب: طفلی که زنده متولد گردد، خواندن نماز جنازه او فرض است [۱] او اینکه او را بدون نماز جنازه دفن کرده اند کسانیکه از مسأله اطلاع داشته اند گنهگار شده اند وحکم جنازه ای که بدون نماز جنازه دفن شده باشد آن است که تا وقتیکه گمان تفسیخ او نباشد نماز جنازه پر قبرش خوانده شود وبعضی از علما گفته اند که مدت آن سه روز می باشد اما صحیح آن است که وقت معینی ندارد بلکه تا وقتیکه گمان تفسیخ او نباشد خواندن نماز جنازه اش فرض است [۲] پس اکنون چون آن مدت سپری شده مردم مذکور گنهکار شده اند وکفاره آن این است که توبه واستغفار نمایند ودرآینده چنین نکنند همین قدر کافی می باشد بیشتر از این تشددی بر ایشان نشود زیرا به علت جهل چنین کرده اند.

در صورتیکه میت بدون غسل ونماز جنازه دفن شده باشد آیا خواندن نماز جنازه بر قبر او درست است: سوال: ۴۹۶: میت را بدون غسل وبدون نماز جنازه دفن کرده اند آیا بدون غسل خواندن نماز جنازه بر قبر او جائز است یانه؟

جواب: به روایت ابن سماعة تاسه روز یا تا عدم ظن تفسخ میت برقبر او نماز اداء کرده شود

---

(۱) ومن ولد فمات يغسل ويصلي عليه الخ ان استهل اى وجدمنه مايدل على حياته بعدخروج اكثره (عالمگيرى مصرى ج۱ ص ۸۲۸ ، ط. م. ج۲ ص ۲۲۷). ظفير

(۲) وان دفن واهل عليه التراب بغير صلاة اوبها بلا غسل الخ صلى على قبره استحسانا مالم يغلب على لظن تفسخه من غير تقدير هوالاصح (درمختار) لانه يختلف باختلاف الاوقات حرا وبردا او الميت سمينا وهزالا وامكنة، بحر، وقيل يقدر بثلاثة ايام وقيل عشرة وقيل شهر (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۴). ظفير

وبعد از آن ساقط می گردد، در الدر المختار آمده: (وبها بلا غسل) ودر شامی آمده: (هذا رواية ابن سماعة والصحيح إنه يصلى على قبره فى هذه الحالة.... ثم قال وقال الكرخى يصلى وهو الاستحسان [1]).

نماز جنازه شخصی که خود کشتی کرده خوانده شود: سوال: ۴۹۷ کسی که خودکشی می کند نماز جنازه اش خوانده شود یانه؟

جواب: در این مورد اختلاف بوده وبه خواندن نیز فتوی می باشد طوریکه در الدر المختار آمده: (من قتل نفسه ولو عمداً يغسل ويصلى عليه به يفتى [2]).

گذاشتن جای سجده میان صفوت نماز جنازه اصل ندارد: سوال: ۴۹۸: مشهور چنان است که هنگامی که برای نماز جنازه صف می بندند درمیان صفوف به اندازه جای سجده جای خالی می گذارند اینکار چه اصلی دارد؟

جواب: اینکار اصلی نداشته وبه آن ضرورتی نیست [3].

آیا زن می تواند جنازه را بخواند: سوال: ۴۹۹ زن می تواند نماز جنازه را امامت کند یانه؟

جواب: ظاهر است که زن نمی تواند امام مردان باشد اما در مورد نماز جنازه نوشته اند که اگر زن در نماز جنازه برای مردان امامت کند اگر چه امامت او صحیح نیست ونماز مردان عقب او نمی شود اما چون نماز خود او می شود لذا فرضیت ساقط می گردد، زیرا که اگر نماز جنازه را فقط یک زن بخواند فرض کفایه اداء می شود، در الدر المختار آمده: (لسقوط فرضها بواحد كما لو امت امراة.... اى امت رجلاً فان صلاتها تصح وان لم يصح الاقتداء بها [4]).

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۶ – ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۴. ظفیر
(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۱. ظفیر
(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۲ ، ط. س. ج۲ ص۲۰۸. ظفیر
(۴) چون در نماز جنازه سجده وجود ندارد پس فایده ماندن جای برای آن چیست؟

آیا دوباره نماز جنازه درست است: **سوال:** ۵۰۰ در مورد دوباره خواندن نماز جنازه چه حکمی وجود دارد ونشان دادن روی مرده هنگام دفن چطور است؟

جواب: دوباره خواندن نماز جنازه درست نیست ودر این مورد تفصیلاتی وجود دارد که در کتب فقه مذکور می باشد وآن اینکه نماز اول را ولی نخوانده وبه اجازه او خوانده نشد باشد بلکه کسانی خوانده باشند که حق تقدم ندارند ولی می تواند دوباره نماز بخواند واگر ولی نماز بخواند باز دیگران اجازه ندارند که مکرراً آنرا بخوانند درالدر المختار آمده: (وان صلی هو ای الولی بحق بان لم یحضر من یقدم علیه لایصلی غیره بعده... وفیه ایضاً لان تکرارها غیر مشروع [1]) ونشان دادن روی میت درست است اما پس از بستن آن در کفن باز کردن چهره خوب نیست. فقط

نماز جنازه شخص حرام کار: **سوال:** ۵۰۱ زید بازن هنده نکاح نمود سپس غیر حقیقی او را نیز نکاح کرد، اکنون هر دو خواطر در نکاح زید هستند ویکی از آنها را هم رها نمی کند پس مسلمانان با او چه نوع معامله کند واگر بمیرد نماز جنازه او را بخوانند یانه؟

جواب: نکاح زید با حفیظن نشده است [2] وبر او لازم می باشد که حفیظن رها نموده وتوبه کند واگر نه عاصی وفاسق بزرگ خواهد بود ومسلمانان باید او را ترک نمود وخورد نوش را نیز با او ترک نمایند وازمیان مردم او را دور سازند البته هر گاه که توبه کند وحفیظن را رها نماید، مسلمانان با او نشست وبرخاست نمایند واگر زید در همین حالت موجوده بمیرد باید نماز جنازه اش بخوانده شود طوریکه در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر) یعنی نماز جنازه هر شخص نیک وبد را بخوانید.

وصیت درمورد نماز جنازه وحکم آن: **سوال:** ۵۰۲ شخصی وصیت نمود که نمازجنازه ام را

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۲۶، ط. س. ج۲ ص ۲۲۳. ظفیر

(۲) خداوند متعال فرموده است: حرمت علیکم امهاتکم الخ وان تجمعوا بین الاختین (النساء) . ظفیر

فلان شخص بخواند اما آن شخص به علتی اینکار را نتوانست وشخص دیگری نماز جنازه او را خواند پس در اینصورت نماز شده است یانه؟

جواب: نماز درست بوده وفرض اداء شده است [۱].

نماز جنازه قادیانی درست نیست: **سوال: ۵۰۳** شخص قادیانی گردید، در صورتیکه بمیرد نماز جنازه اش خوانده شود یانه؟ ودر حضیره مسلمانان دفن گردد یانه؟

جواب: او کافر ومرتد است اگر بمیرد نماز جنازه اش خوانده نشود ودر حضیره مسلمانان دفن نگردد [۲].

بعد از نماز آوردن میت به خانه ودعا کردن نا جائز است: **سوال: ۵۰۴** بعد از نماز جنازه میت را به خانه آورده ودعا می کنند اینکار جائز است یانه؟ .

جواب: وقتی که نماز جنازه میت خوانده شد دوباره به خانه آوردن ودعا کردن بدعت است.

در نماز جنازه چهار تکبیر گفته می شود اما اگر کسی پنج تکبیر بگوید کافر نیست:

سوال: ۵۰۵ شخصی در نماز جنازه پنج تکبیر می گوید آیا او از اسلام خارج است یانه؟

جواب: گفتن پنج تکبیر در نماز جنازه نزد احناف مشروع نیست، در نماز جنازه چهار تکبیر وجود دارد ودر روایتی که پنج تکبیر آمده منسوخ می باشد اما فقط به خاطر پنج بار تکبیر گفتن نباید مسلمان را تکفیر کرد البته بعضی از فقهاء روافض سبی را کافر گفته اند که تفصیل آن در کتب فقه موجود است [۳]. فقط

---

(۱) وفی الکبرٰی المیت اذااوصی بان یصلی علیه فلان فالوصیة باطلة وعلیه الفتوٰی (عالمگیری مصری ج۱ ص۱۵۳)

(۲) اما المرتد فیلقی فی حفرة کالکلب (درمختار) ای لا یغسل ولا یکفن (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۳۰). ظفیر

(۳) وهی اربع تکبیرات الخ یرفع یدیه فی الاولی فقط الخ ویثنی بعدها الخ ویصلی علی النبی ﷺ کما فی التشهد بعد الثانیة الخ ویدعو بعد الثالثة الخ ویسلم بلا دعاء بعد الرابعة الخ ولو کبر امامه خمسا لم یتبع لانه منسوخ (در مختار) لان الاثار اختلف فی فعل رسول الله ﷺ فروی الخمس والسبع والتسع وأکثر من ذلک إلا أن آخر فعله علیه الصلاة والسلام کان أربع تکبیرات فکان ناسخا لما قبله، عن الامداد. وفي الزیلعي: أنه ﷺ حین صلی علی النجاشي کبر أربع تکبیرات، وثبت علیها إلی أن توفي فنسخت ما قبلها (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۷ـ ۸۱۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۲). ظفیر

نماز جنازه نباید بابوت خوانده شود: سوال: ۵۰٦ نماز جنازه بابوت جائز است یانه؟

جواب: چون بوت اعتبار ندارد به همین وجه در حالیکه بوت در پاها باشد نباید نماز جنازه را خواند. (۱)

حکم اذان درگوش ولد الزنا ونماز جنازه او: سوال: ۵۰۷ دادن اذان در گوش ولد الزنا وخواندن نماز جنازه او ضرور است یانه؟

جواب: دادن آذان در گوش او مستحب بوده وخواندن نماز جنازه اش فرض می باشد زیرا در حدیث شریف آمده: صلوا علی کل بر وفاجر (۲) پس طوریکه در کتب فقه آمده باید نماز جنازه ولد الزنا خوانده شود. کذا فی کتب الفقه (۳). فقط

کسی را از نماز جنازه نباید باز داشت :سوال: ۵۰۸ شخصی زن شوهر داری را باخود برد سپس از آن زن طفلی متولد گردید وپس از چند ماه مرد شخص مذکور در نماز جنازه او شرکت نمود آیا بر امام لازم است که او را از نماز جنازه اش باز دارد یانه؟

جواب: نباید از نماز جنازه کسی را منع کرد زیرا فرض کفایی می باشد وهیچ مسلمانی را هر چند فاسق باشد نباید از ادای فرض منع کرد. (٤)

نماز جنازه زنان فاحشه نیز خوانده شود :سوال: ۵۰۹ نماز جنازه زنان فاحشه وبچه های مفعول جائز است یا ناجائز وضرور است یا غیر ضرور؟

---

(۱) ثم الشرط الخ شرعاً ما یتوقف علیه الشيء ولا یدخل فیه هی ستة طهارة بدنه الخ ومکانه ای موضع قدمیه او احدهما ان رفع الاخری وموضع سجود اتفاق فی الاصح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص۳۷۳، ط. س. ج۱ ص۴۰۲). ظفیر

(۲) شرح فقه اکبر للملاعلی قاری ص ۲۹۱. ظفیر

(۳) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع الطریق الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۱٤ ، ط. س. ج۲ ص۲۱۰). ظفیر

(٤) والصلاة علیه فرض کفایة بالاجماع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۱۱ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۰۷). ظفیر الدین غفر الله له

جواب: نماز جنازه ایشان نیز باید خوانده شود زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: صلوا علی کل بر وفاجر.[۱]

کسیکه هیچگاه نماز نخوانده نماز جنازه او نیز ضرور است :سوال: ۵۱۰ شخصی که مردم هر گز نماز خواندنش را ندیده اند خواندن نماز جنازه او جائز است یانه؟

جواب: جائز است بلکه ضروری می باشد.[۲]

کش کردن میت بی نماز غلط است : سوال: ۵۱۱ این سخن مشهور است که شخصی که در عمر خود نماز نخوانده نماز جنازه او را نباید بخوانند مگر آنکه او را تا چهل قدم کش کنند وپس از آن نماز جنازه اش را بخوانند این سخن در حقیقت درست است یانه؟

جواب: این قول غلط مشهور می باشد نماز جنازه هر نیک وبد باید خوانده شود. کش کردن درست نبوده وباید برای او طلب استغفار گردد ونباید او را ذلیل نمود زیرا هر چه باشد مسلمان کلمه گو بوده است.

نماز جنازه در مسجد جماعت مکروه است: سوال: ۵۱۲ نزد احناف درمساجدی که فرائض باجماعت اداء می شود نماز جنازه درحالیکه جنازه در مسجد گذاشته شده باشد جائز است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: قال فی الدر المختار وکرهت تحریما وقیل تنزیهاً في مسجد جماعة هو ای المیت فیه وحده أو مع القوم واختلف فی الخارجة عن المسجد وحده اومع بعض القوم والمختار الکراهة مطلقاً خلاصه، بناءاً علی أن المسجد انما بنی للمکتوبة وتوابعها الخ وهو الموافق لاطلاق حدیث أبی داؤد من صلی علی میت فی المسجد فلا صلاة له، قال فی ردالمحتار قوله فلا صلاة له هذه روایة ابن ابی شیبه وروایة احمد وابی داود. فلا شيء له وابن ماجه فلیس له

(۱) الصلٰوة واجبة علی کل مسلم برا کان اوفاجرا وان عمل الکبائر رواه ابوداود (مشکوٰة باب الامامة ص ۱۰۰). ظفیر
(۲) الصلٰوة واجبة علی کل مسلم برا کان اوفاجرا وان عمل الکبائر رواه ابوداود (مشکوٰة باب الامامة ص ۱۰۰). ظفیر

شيء، وروى فلا اجر له، وقال عبد البر هی خطاء فاحش والصحيح فلا شيء له الخ [۱] من صلى على ميت في مسجد يقتضي كون المصلى في المسجد سواء كان الميت فيه أو لا، فيكره ذلک أخذا من منطوق الحديث، ويؤيده ما ذكره العلامة قاسم في رسالته من أنه روي: أن النبي ﷺ لما نعى النجاشي إلى أصحابه خرج فصلى عليه في المصلى قال: ولو جازت في المسجد لم يكن للخروج معنى آهـ. مع أن الميت كان خارج المسجد. شامی ج۱ ص ۵۹۴ باب صلٰوة الجنائز.

از این روایت واضح گردید که نماز جنازه درمسجد جماعت نزد احناف مکروه بوده ودر این امر که مکروه تحریمی می باشد یا تنزیهی اختلاف است. [۲]

واقعه حضرت سعد وجواب آن: سوال: ۵۱۳: این حدیث مسلم شریف برای ما احناف حجت وواجب العمل می باشد یانه (عن ابی سلمة بن عبدالرحمن ان عائشة لما توفی سعد بن ابی وقاص قال ادخلوا به المسجد) الخ.

جواب: نه حدیث مذکور تاویل گردیده ومبنی بر عذر بوده بر علاوه دیگر حضرات از آن انکار ورزیده اند [۳].

اگر به علت نادانی نماز جنازه طفل ترک گردد چه حکم دارد: سوال: ۵۱۴ طفلی در خانه شخص متولد گردید وپس اندک مدتی مرد به علت نادانی او را بدون نماز جنازه دفن کردند روز چهارم یاپنجم وقتی که مسأله را فهمیدند نمازجنازه اش را خواندند اکنون مردم قریه به علت دشمنی او را تجرید نموده وادیت می کنند در این مورد چه حکم است؟

---

(۱) ایضا ج۱ ص ۸۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٦. ظفیر

(۲) ویظهر ان الاولٰی کونها تنزیها اذا الحدیث لیس هو نصا غیر مصروف ولا قرن الفعل بوعید (حاشیه مشکوٰة ص ۱٤۵) . ددی څخه معلومه سوه چی مکروه تنزیهی لره ترجیح ده. والله اعلم. ظفیر

(۳) حدیث مذکور چنین است: (قالت ادخلوا به المسجد حتٰی اصلی علیه فانکر ذلک علیها فقالت والله لقد صلی رسول الله صلی الله علیه وسلم علی ابنی بیضاء فی المسجد سهیل واخیه، رواه مسلم (مشکوٰة باب المشی بالجنازة والصلاة علیها ص ۱٤۵) وردته عائشة رضی الله عنها یجوز ان یکون ذالک بضرورة دعت الیه وقدیروی ان رسول الله ﷺ کان معتکفا لهذا صلی فی المسجد وایضا قالوا ان مصلی المسجدکان مکانا متصل المسجد فیحتمل ان روایة الصلٰوة فی المسجد باعتبار کونه قریبا من المسجد (اللمعات حاشیه مشکوٰة ص ۱٤۵). ظفیر

جواب: در الدر المختار آمده: که طفلی که زنده پیدا شود وبعد بمیرد باید غسل داده شده ونماز جنازه اش خوانده شود [١] همچنان درهمین کتاب آمده که اگر بدون نماز دفن گردد تا وقتی باید نماز جنازه برقبرش خوانده شود که گمان تفسخ بدنش نباشد واندازه گیری آن در هر جایی فرق می کند، عده ای از فقها گفته اند که تا سه روز می توان بر قبرش نماز جنازه را خواند وعده ای مدت مذکور را ده روز گفته اند [٢] بهر حال تا مدت مذکور باید بر قبرش نماز جنازه خوانده شود این حکم شریعت است پس بدین علت نماز گزاران را طعن کردن وادیت نمودن ومقاطعه وترک نمودن ایشان حرام وناجائز بوده وکننده آن فاسق وگنهگار می باشد.

نماز جنازه در روز جمعه قبل از سنت: سوال:٥١٥ هر وقت جنازه ای به مسجدجامع (انباله) آورده می شود نماز جنازه او را بعد از فرض نماز جمعه وقبل از سنت ها می خوانند وجنازه را برون مسجد گذاشتها ونماز جنازه را می خوانند این کار جائز است یانه؟

جواب: اینکه جنازه برون مسجد باشد ونماز جنازه در داخل مسجد خوانده شود بعضی از فقها آنرا جائز گفته اند اما اصح آن است که این شکل نیز مکروه می باشد که در الدر المختار چنین آمده است واینکه نماز جنازه بعد از فرض جمعه وپیش از سنت های آن خوانده شود، جائز می باشد. فقط

خواندن نماز جنازهٔ شخصی که مردم را از نماز و روزه وحج وتلاوت قرآن کند جائز است یانه: سوال :٥١٦ زید ادعا دارد که صوفی وعارف کامل می باشد ومریدان خود را از نماز، روزه، زکات، حج، تلاوت قران مجید وغیره منع می کند وبه مریدان خود می گوید که به مرشد سجده تعظیمی بنمایند وزنان را به عدم رعایت ستر وحجاب امر می کند وغیره وغیره؟

---

(١) ومن ولد فمات یغسل ویصلی علیه ان استهل ای وجد معه مایدل علی حیاته بعدخروج اکثره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج ١ ص ٨٢٨ – ٨٢٩ ، ط. س. ج٢ ص ٢٢٧). ظفیر

(٢) رد المحتار باب صلٰوة الجنائز ص ٨٢٦ ج١. ظفیر

درمورد چنین شخص چه حکم وجود دارد وخواندن نماز جنازه او ودفن کردنش در حضیره مسلمانان جائز است یانه؟

جواب: دعوای زید مخالف نصوص قطعیه صریحه می باشد واز این سخنان انکار شریعت ظاهر می گردد وانکار نماز روزه زکات وغیره امور قطعی خود کفر است [۱] وتجویز سجده به غیر الله نیز کفر می باشد خداوند متعال فرموده است: (لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدو الله الذی خلقهن [۲] پس چون زید به کلمات کفری قائل وعقاید کفریه محدثه ومحرمه معتقد می باشد او عارف وصوفی نه بلکه ملحد ومضل ومصداق حدیث (اتخذو روساً جهالا فضلوو اضلوا [۳]) است پس او را پیر گرفتن وبیعت کردن به او حرام می باشد : ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست .واگر شخصی مذکور بر این اعتقاد بمیرد باید نماز جنازه اش خوانده نشود ودر حضیره مسلمانان نگردد.

ازدواج با خواهر رضاعی کفر نبوده ونماز جنازه چنین شخصی درست است:

سوال: ۵۱۷ مسلمانی فوت نمود بعضی اشخاص او را کافرگفته ودر نماز جنازه اش اشتراک نکردند وکسانی را که نماز جنازه او را خوانند ملامت نموده وایشان را نیز کافر گفتند ودلیل آنها آین بود که متوفی با پسر خود قطع رابطه نکرده بود وپسر او کافر بود زیرا بازنی که ازدواج کرده شیر مادر اورا خورده است، در این صورت حکم شرعی چه می باشد؟

جواب: در این حالت بر این شخص وپدر او حکم کفر نمی شود، لذا خواندن نماز جنازه او لازم وفرض می باشد زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است صلوا علی کل بر وفاجر [٤] پس کسانیکه نماز

---

(۱) من قال لا اصلی جحودا او استخفافا اوعلی انه لم یؤمر اولیس بواجب فلا شک انه کفر فی الکل (شرح فقه اکبر ص ۲۰۹). ظفیر

(۲) حٰم السجده : ۱۹. ظفیر

(۳) متن کامل حدیث چنین است: حتی اذا لم یبق عالما اتخذ الناس رؤسا جهالا فسئلوا فافتوا بغیر علم فضلوا واضلو، متفق علیه (مشکوٰة کتاب العلم فصل اول ص ۳۳). ظفیر

(٤) شرح فقه اکبر ص ۹۱. ظفیر

جنازه او را خوانده اند مطابق شریعت عمل کرده اند وکسانیکه نماز جنازه او را نخوانده اند وخوانندگان نماز جنازه اورا ملامت کرده اند برغلط بوده وگنهگار می باشند که باید توبه نمایند.

اگر هندو مسلمان یکجا بسوزند نماز جنازه را چگونه باید خواند: سوال:۵۱۸ چند نفر هندو مسلمان یکجا در آتش سوختند وازهیچ عضوی از ایشان معلوم نگردید که کدام یک مسلمان است وکدام یک هندو نماز جنازه را چگونه باید خواند؟

جواب: در شامی آمده که نیت جنازه مسلمان را نموده نماز بخوانید [۱].

اگر میت برچار پایی ساخته شده از ریسمان گذاشته شود نماز جنازه جائز است یانه:

سوال:۵۱۹ اگر میت بر چارپایی ساخته شده از ریسمان که نماز برآن جائز کیست گذاشته شود خواندن نماز جنازه اش جائز می باشد یانه؟ واگر چارپایی مذکور نجس باشد، آیا گذاشتن رخت پاک برآن کفایت می کند یانه؟

جواب: بر چار پایی ساخته شده از ریسمان نماز نیز جائز بوده واگر جنازه بر آن گذاشته شده ودره پیشرو قرار داده شود نماز جنازه نیز صحیح می باشد واگر ناپاک باشد رخت پاک برآن هموار گردد ومنیت درآن گذاشته شود.

نماز جنازه شخصی را که در اسلامش شک بود نخواندند در این مورد حکم چیست:

سوال: ۵۲۰ زن کافری مسلمان گردیده ومدتی بعد دوباره کافر شد وباز مسلمان گردید وباز کافر شد وبه همین ترتیب چند مرتبه اینکار تکرار گردید وچون آخرین بار مسلمان گردید بازهم کاری غیر از شراب خواری وزنا نداشت وهیچ کاری را مطابق شریعت انجام نمی داد وچون

---

(۱) اختلط موتانا بکفار ولا علامة اعتبر الاکثر فان استووا غسلوا واختلف فی الصلٰوة علیهم ومحل وقتهم کدفن ذمیة حبلی من مسلم قالوا والاحوط دفنها علی حدة (درمختار) اختلف فی الصلٰوة علیهم قال فی الحلیة فان کان بالمسلمین علامة فلا اشکال فی اجراء احکام المسلمین علیهم والا فلو المسلمین اکثر صلی علیهم وینوی بالدعاء المسلمین الخ (ردالمحتار باب الاجنائز ج۱ ص ۸۰۵ ، ط. س. ج۲ ص۲۰۰ – ۲۰۱). ظفیر الدین غفر الله له

برادرش مریض شد بزی را برای بتی قربانی نمود وبه او سجد نیز کرد زن مذکور چند روز بیمار گشت ووفات نمود، مردم محله مرا گفتند که نماز جنازه اش را بخوانم من انکار ورزیده ونماز جنازه اش را نخواندم در این مورد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر) یعنی نماز جنازه هر شخص نیک وبد را بخوانید، بدین جهت باید نماز جنازه این زن نو مسلمان خوانده می شد اگر چه فاسقه وفاجره بود پس اگر نماز جنازه او را عده ای از مسلمانان اداء کرده باشند خیر ودر غیر آن همه گنهگار شده اند که باید توبه کنند.

صف های نماز جنازه: سوال: ۵۲۱ در کشور ماشائع است که هنگام خواندن نماز مقتدیان از یکدیگر فاصله می گیرند آیا نماز جنازه با دیگر نمازها در این مورد فرق دارد؟

جواب: در این مورد نماز جنازه با سائر نماز ها فرقی ندارد صف ها باید متصل باشد وفاصله گذاشتن مکروه است [1].

اشتراک در نماز جنازه غیر مقلدین درست است: سوال: ۵۲۲ یک شخص عالم فاضل غیر مقلد وفات نمود وشخص غیر مقلدی در نماز جنازه او امامت نمود ویک عالم حنفی با وجود یکه قبلاً مردم را از نشت وبرخاست با او منع می نمود در نماز جنازه او شرکت کرد آیا بر این عالم حنفی مواخذه ای است؟

جواب: اینکار عالم حنفی که نماز جنازه شخص غیر مقلد را عقب غیر مقلد اداء نمود قابل مواخذه نیست زیرا در حدیث شریف آمده: (صلوا خلف کل بر وفاجر وصلوا علی کل بر [2] وفاجر) یعنی عقب هر شخص نیک وبدی نماز بخوانید ونماز جنازه هر شخص نیک وبد را

---

(۱) وینبغی ان یامرهم بان یتراصوا ویسدوا الخلل ویسووا مناکبهم (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۳۱ ، ط. س. ج۱ ص ۵٦٨). ظفیر

(۲) شرح فقه اکبر ص ۹۱. ظفیر

بخوانید پس چون غیر مقلد کافر نیست که این قدر تشدد شود درست است که باید به اساس فساد عقیده غیر مقلدین حتی الوسع کوشش شودکه ایشان امام نگردند اما اگر اتفاقاً چنین کار صورت گیرد وغیر مقلدی امامت کند وکسی عقب او نماز بخواند خصوصاً نماز جنازه بر شخص حنفی که چنین کرده است طعن وتشیع بیجا وناجائز بوده وتفسیق وتضلیل او ناروا می باشد. فقط

خواندن سوره فاتحه در نماز جنازه: سوال: ۵۲۳ خواندن سوره فاتحه در نماز جنازه جائز است یانه؟ اگر جائز باشد پس از کدام تکبیر خوانده شود؟

جواب: نزد امام ابو حنیفه (رح) خواندن سوره فاتحه در نماز جنازه درست نیست مگر آنکه به نیت دعا خوانده که درست می باشد ومحل آن پس از تکبیر اول است [۱].

اگر هنگام نماز عید جنازه بیاید چه باید کرد: سوال: ۵۲٤ اگر در وقت نماز عید جنازه ای برسد نماز جنازه پس از نماز عید خوانده شود یابعد از خطبه؟

جواب: نماز جنازه باید قبل از خطبه خوانده شود وبعد از فراغت از آن باید خطبه را خواند، زیرا نماز جنازه فرض بوده وخطبه عیدسنت بوده وظاهر است که فرض بر سنت مقدم می باشد شامی گوید: (وتقدم صلوة الجنازة علی الخطبة ودلک بفرضیتها وسنیة الخطبة [۲]).

در عیدگاه نماز جنازه مکروه نیست: سوال: ۵۲۵ در عیدگاه نماز جنازه مکروه است یانه؟

جواب: درکتب فقه تصریح گردیده که نماز جنازه در مسجد جماعت مکروه می باشد یعنی مسجدی که در آن نماز های پنجگانه به جماعت خوانده می شود یا جماعت جمعه صورت می

(۱) وعین الشافعی الفاتحة فی الاولی وعندنا تجوز بنیة الدعاء وتکره بنیة القرآءة لعدم ثبوتها فیها عنه ﷺ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوٰة الجنائز ج۱ ص ۸۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۳ – ۲۱٤). ظفیر

(۲) ردالمحتار الشامی باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷. ظفیر

گیرد، چنانچه در الدر المختار آمده: (وکرهت تحریماً وقیل تنزیهاً فی مسجد جماعة [1]) پس از این قید (مسجد جماعة) معلوم می گردد که در عیدگاه نماز جنازه جائز می باشد لیکن احوط آن است که چون بانی عیدگاه آنرا به خاطر خواندن نماز جنازه نساخته است پس نباید در آن جنازه خوانده شود البته مسجدی که برای خواندن نماز جنازه مخصوص باشد خواندن نماز جنازه در آن درست است.

اگر کسی بگوید نماز جنازه ام را مخوانید کفر نیست باید نماز جنازه اش خوانده شود:

سوال: ٥٢٦ شخصی فوت نمود او در زندگی خود گفته بود که هیچ کسی نماز جنازه مرا نخواند واگرنه در روز قیامت دامنش را خواهم گرفت به این جهت عده ای قسم خورده بودند که نماز جنازه او را نخوانند چنانچه اکثریت از خواندن نماز جنازه او انکار ورزیدند زیرا قول او را کفر گمان می کردند اما من حقیر قول او را به جهالت حمل نموده ونماز جنازه او را خواندم وبه کسانیکه قسم خورده بودند گفتم که کفاره یمین بدهند لطفاً بگوئید که اینکار من درست است یانه؟

جواب: باید نماز جنازه او خوانده می شد زیرا این قول او موجب کفر نیست لذا کسانیکه نماز جنازه او خوانده اند کار درستی کرده اند واگر کسی از جمله اشخاصی که قسم خورده بودند نماز جنازه او را خوانده باشد کفاره یمین بر او واجب است شما درست گفته اید.

نماز جنازه شخصی که عقب اونمازهای پنجگانه را نمی خواند: سوال: ٥٢٧ اگر سه چهار نفری عقب امامی نماز نخوانند آیا نماز جنازه ایشان عقب امام مذکور می شود یانه؟

جواب: عقب او نماز جنازه می شود اما اگر این امام به دلیل عیب ونقص شرعی از امامت کشید شده باشد یعنی دلیل آن فسق باشد تمام نمازها ومنجمله نماز جنازه عقب او مکروه می باشد [2].

---

(۱) الدرالمختار باب الجنائز مطلب صلاة الجنازة فی المسجد ج۱ ص ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص۲۲٤. ظفیر

(۲) ویکره امامة عبدالخ وفاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ٥۲۳ ، ط. س. ج ۱ ص ٥٥۱). ظفیر

اگر نکسی نباشد که بتواند نماز جنازه را بخواند چه باید کرد: سوال: ۵۲۸ اگردر یک قریه شخصی وفات کند وکسی نباشد که بتواند در نماز جنازه امامت کند (هیچ کسی ترتیب خواندن نماز جنازه را ندارد) هر چند کسی باشد که می خواهد نماز جنازه را بخواند اما ترتیب آنرا نمی داند چه باید کرد؟

جواب: نماز جنازه حتماً باید خوانده شود لا اقل باید یک نفر نماز جنازه را بخواند که به این ترتیب فرضیت اداء می شود ودر غیر آن همه گنهگار خواهند شد [1].

نماز جنازه زن به اجازه شوهرش خوانده می شود یا پدرش: سوال: ۵۲۹ زنی وفات نموده وشوهر وپدرش هر دو موجود اند نماز جنازه به اجازه کدام یک از آن دو اعتبار خواهد داشت؟

جواب: در اینصورت پدرش حق دارد که خودش نماز جنازه او را بخواند ویا به دیگری اجازه دهد، در الدر المختار آمده: (ثم الولی بترتیب عصوبة لانکاح... وله... الاذن لغیره فیها لانه حقه فیملک ابطاله. [2]

به دلیل منکرات نباید نماز را ترک کرد: سوال: ۵۳۰ اگر در پیشروی جنازه پیر ومرشدی اهل هنود باجه بنوازند وبا وصف منع اعضای خانواده او منع نشوند در اینصورت عامه مسلمانان وعلما باید در نماز جنازه اش اشتراک کنند یانه؟

جواب: در شامی آمده که نباید اتباع جنازه را به دلیل منکرات ترک کرد بلکه باید از منکرات منع نمود: (ولا تترک لما حصل عندها من منکرات ومفاسد کاختلاط الرجال بالنساء وغیر ذلک لان القربات لا تترک لمثل ذلک بل علی الانسان فعلها وانکار البدع بل وازالتها ان امکن ....

---

(۱) والصلاة علیه الخ فرض کفایة بالاجماع (ایضا ج۱ ص ۸۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۷). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۲ وص ۸۲٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۰. ظ

قلت ویؤید ذلک مامر من عدم ترک اتباع الجنازه وان کان معها نساء نائحات [۱].

نماز به شبه فاسد نمی گردد: سوال: ۵۳۱ زید نماز جنازه را خواند وپس از آنکه چند قدم رفت معلوم گردید که یک قطره بول از ذکرش خارج گردیده پس بعد از دفن میت تنها بر قبرش نماز جنازه خواند، کدام یک از این دو نماز او صحیح است؟

جواب: نماز اول صحیح شده است زیرا با چنین شبهی نماز فاسد نمی گردد [۲] ونباید بر قبر دوباره نماز جنازه خوانده می شد.

نماز جنازه در شب: سوال: ۵۳۲ در شب خواندن نماز جنازه جائز است یانه؟

جواب: در شب نماز جنازه درست است [۳].

بر استخوان های مرده غسل ونماز نیست: سوال: ۵۳۳ شخصی در جنگل وفات یافت ومردم پنج روز بعد از آن اطلاع یافتند اما تمام جسم او پیدا نشد صرف بخشی از استخوان های سر او دستیاب گردید که نزد مسئولین دولتی می باشد در این حالت تجهیز وتکفین وتدفین مرده چه صورت دارد؟

جواب: هیچ صورتی برای غسل وتکفین آن استخوان ها وجود ندارد پس هر وقتیکه آن استخوان ها از نزد حکومت بدست آید آنرا در جایی دفن کنید در الدر المختار آمده: (وجد راءس آدمی او احد شقیه لایغسل ولایصلی علیه بل یدفن الا ان یوجد اکثر من نصفه ولو بلا رأس [۴]). فقط

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸۴۳ ، ط. س. ج۲ ص۲۴۲. ظفیر

(۲) وشک بالحدث اوبالعکس اخذ بالیقین (الدر المختار علی هامش ردالمحتار نواقض الوضو ج۱ ص ۱۴۰ ، ط. س. ج۱ ص ۱۵۰). ظفیر الدین غفر الله له

(۳) وکره تحریما صلوٰة ولو علی جنازة الخ مع شروق واستواء وغروب (درمختار) قوله علی جنازة ای اذا حضرت فی ذلک الوقت (ردالمحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص ...... ، ط. س. ج۱ ص ۳۷۰). ظفیر

(۴) ایضا ج۱ ص ۸۰۴ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷۰. ظفیر

نماز جنازه درحالیکه جنازه بر چاپایی باشد: سوال: ۵۳٤: نماز جنازه در حالیکه جنازه بر چارپایی باشد جائز است یانه؟ واینکه در فتاوی عبدالحیٰ آمده که نماز جنازه پیامبر (ﷺ) در حالی خوانده شد که جنازه اش بر سریر (تخت) قرار داشت آیا هدف از سریر چار پایی می باشد یا تخت ودر جنازه پیامبر (ﷺ) چهاریار کبار همه موجود بودند یانه؟ وچه کسی در نماز جنازه اوامامت نمود؟ مسأله چهار پایی را بدانجهت یاد آوری کردم که علمای کرام در اینجامی گویند که برای خواندن نماز جنازه شرط می باشد، در این مورد هر چه در شامی وسائر کتب فقه آمده باسند تحریر فرمائید.

جواب: طوریکه معمول سلف وخلف می باشد جائز است [۱].

خواندن نماز جناز در مسجد در حالیکه جنازه برون مسجد باشد: سوال: ۵۳۵ نماز گزاران یک مسجد می خواهند که در محراب دروازه کوچکی بسازند ومیت را به روی محراب مسجد گذاشته ودروازه را باز کنند وخود نماز گزاران در داخل مسجد باشیند بدین ترتیب خواندن نماز جنازه درمسجد جائز است یا نه؟

جواب: صحیح ومختار آن سبب که بدین ترتیب کراهیت از میان نمی رود طوریکه در (الدر المختار آمده: (والمختار الکراهة مطلقاً.... ای سواء کان المیت فیه او خارجه هو ظاهر الروایة ...) شامي- وهو الموافق لاطلاق حدیث ابی داود- (من صلی علی میت فی المسجد فلا صلاة له [۲]. فقط

---

(۱) ووضعه وکونه هو اواکثره امام المصلی الخ فلا تصح علی غائب ومحمول علی نحو دابة وموضوع خلفه (در مختار) علی نحو دابة ای المحمول علی ایدی الناس فلا تجوز الا من عذر ؒ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۸) از اینجا معلوم گردید که اگر جنازه بر چار پایی گذاشته شود، نماز جنازه جائز است زیرا چار پایی مانند انسان وحیوان چیز جاندار نیست وبر چار پایی بودن حکما مانند بودن بر زمین است هنگامیکه نماز جنازه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) خوانده شد جسد مبارکش بر سریر قرار داشت اینکه منظور از سریر چیست صراحتاً چیزی معلوم نگردیده است در نماز جنازه پیامبر (ﷺ) هیچ کسی امامت نکرده بلکه به صورت انفرادی خوانده شد واین طریقه را ابوبکر صدیق (رضی) گفته بود. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز. مطلب فی کراهة صلاة الجنائز فی المسجد ج۱ ص ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٤. ظفیر

پس از نماز جنازه دعا مشروع نیست: سوال: ۵۳۶ عن ابی هریرة قال قال رسول الله (ﷺ) اذا صلیتم المیت فاخلصوا فه الدعا (ابو داود وابن ماجه) عن واثلة بن الاسقع قال صلی بنا رسول الله (ﷺ) علی اجل من المسلمین فسمعته یقول اللهم ان فلان فی ذمتک وحبل جوارک فقه من فتنه القبر وعذاب النار واتت اهل الوفا والحق اللهم اغفرله وارحمه انک انت الغفور الرحیم (ابوداود وابن ماجه) با در نظر داشت این احادیث دعا بعد از نماز جنازه مشروع است یانه؟

جواب: دعا پس از نماز جنازه مشروع نیست [۱] ومنظور از دعا در آن احادیث دعای نماز جنازه می باشد یعنی مقصود حدیث اولی آن است که هنگام که شما نماز جنازه رامی خوانید دعای آنرا به اخلاص کنید ودر حدیث دومی آشکارا معلوم است که هدف دعا در داخل نماز جنازه می باشد. فقط

نماز جنازه درمسجد حضیره: سوال: ۵۳۷ در قبرستان ما مسجدی وجود دارد که دارای سه محراب ودو مناره می باشد، کرسی آن قدری بلند بوده وصحن آن پخته است برای بالاشدن در سمت مشرق زینه وجود دارد مگر به علت نبودن سقف درست دومی آنرا چبوتره می نامند واز وقتی که ساخته شده تا اکنون درآن اذان ونماز جماعت خوانده می شود وبه علت ندانستن مسأله ما از سال ۱۳۳۶ هجری تا اکنون نماز جنازه را نیز درآن ادا بهرده ایم، آیا نماز جنازه در آن جائز است یانه؟

جواب: در مورد نزاع مذکور امر مختصر فیصله کن آن است که اگر چبوتره مذکور که دارای محراب ها وغیره می باشد برای ادای نماز های پنجگانه به جماعت ساخته شده وبرای آن وقف باشد پس مطابق اصطلاح فقها مسجد جماعت است ونماز جنازه درمسجد جماعت نزد احناف

---

(۱) ولا یدعوا للمیت بعدصلٰوة الجنازة لانه یشبه الزیادة فی صلاة الجنازة (مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰة المصابیح ج۲ ص۳۲۹). ظفیر

مکروه می باشد؟ طوریکه در الدر المختار آمده (وکرهت تحریماً وقیل تنزیها فی مسجد جماعة هو ای المیت فیه وحده او مع القوم واختلف فی الخارجة علی ان المسجد انما بنی للمکوبة وتوابعها... لاطلاق حدیث ابی داود من صلی علی میت فی المسجد فلا صلاة له [۱] ودر شامی تفصیلات مزید در این باره وجود دارد به آن مراجعه شود.

اما اگر چبوتره برای ادای نماز جنازه ساخته شده باشد نماز جنازه در آن بدون کراهیت درست است طوریکه درکتب فقه آمده (واما المتخذ لصلوة جنازة او عید فهو مسجد فی جواز الاقتداء لا فی حق غیره [۲]) پس از لفظ (المتخد لصلوة الجنازة) جواز نماز جنازه در آن واضح می گردد اما این مسأله باقی می ماند که آیا چبوتره مذکور برای ادای نماز جنازه ساخته شده بود آیا برای ادای نمازها پنجگانه که مربوط به نیت وقف کننده وتعامل آن روزگار وزمان بعد از آن مربوط می باشد، این موضوع را به صورت واضح مردمی می دانند که در همانجا سکونت دارند وهیچ کسی از دور نمی تواند آنرا مشخص سازد اما این قدر می توان گفت که در صورت اشتباه واحتمال هر دو امر احوط آن است که نماز جنازه در آن خوانده نشود زیرا در صورت خواندن نماز جنازه احتمال حصول کراهیت یاد شده ووعید مذکور در حدیث من باشد اما در نخواندن حرج واندیشه ای نبوده بلکه دوری از شبهادت می باشد که در احادیث به آن امر شده است.

اگر هندو ومسلمان دریک خانه بمیرد وهیچ نشانه تشخیص دهنده باقی نماند نماز جنازه چه صورت دارد: **سوال:** ۵۳۸ دو هندو ویک مسلمان در یک خانه زندگی می کردند تصادفاً خانه مذکور آتش گرفت وهمه ایشان سوخته ومردند وهیچ نشانه مشخص کننده ای باقی نماند که معلوم گردد که کدام یک مسلمان است نماز جنازه آن مسلمان چگونه خوانده شود؟

جواب: جنازه هارا درپیشروگذاشته ونیت نمازجنازه مسلمان رانموده ونماز جنازه رابخوانید[۳].

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٤. ظفیر

(۲) ایضا باب مایفسد الصلٰوة مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص ٦۱۵، ط. س. ج۱ ص ٦۵۷. ظفیر

(۳) لولم یدر مسلم ام کافر ولا علامة فان فی دارنا غسل وصلی علیه والا لا (درمختار) ان العلامة مقدمة وعند فقدها یعتبر المکان فی =

پس از نماز جنازه وقبل از دفن دعا جائز است یانه: **سوال:** ۵۳۹ بعد از خواندن نماز جنازه بر میت وقبلً از دفن کردن او دعا برایش جائز است یا بدعت؟ ودر مورد (الفی) درکتب فقه وحدیث ثبوتی وجود دارد یانه؟

جواب: درکتب فقه نوشته شده که نمازجنازه دعا برای میت بوده وپس ازآن هیچ دعایی مشروع نیست در شامی آمده: (فقد صرحوا عن اخرهم بان صلوة الجنازة هی الدعا للمیت... [۱]) ودر خلاصه الفتاوی آمده: (لا یقوم بالدعا بعد صلوة الجنازة [۲]) ودر البزاریه چنین آمده: (لا یقوم بالدعا بعد صلاة الجنازة [۳]) ودر شرح مشکوة چنین آمده: (ولایدعو للصیت بعد صلوة الجنازة لانه یشبه الزیادة فی صلوة الجنازة [٤]) پس معلوم گردید که بعد از نماز جنازه دعا دیگری نشود زیرا خود نماز جنازه برای میت دعا می باشد.

و (الفی) یعنی پیراهن یاقمیص در کفن سنت است (در الدر المختار) آمده: (ویسن فی الکفن له ازار وقمیص ولفافة) ودر حدیث متفق علیه چنین آمده: (اتی رسول الله (ﷺ) عبدالله بن ابی بعد ما ادخل حفرته فامبر به فاخرج فوضعه علی رکبتیه فتفث فیه من ریقه والبسه قمیصه قال وکان کسا عباسا قمیصاً) این حدیث را بخاری ومسلم از جابر (رضي الله عنه) روایت کرده اند [۵] وابن همام از نخعی روایت نموده: ان رسول الله (ﷺ) کفن في حلة یمانیة وقمیص [٦])

نماز جنازه غائبانه جائز نیست: **سوال:** ۵٤۰ نماز جنازه غائبانه چه حکم دارد؟

= الصحیح لانه یحصل به غلبة الظن کما فی النهر عن البدائع وفیها ان علامة المسلمین اربعة الختان والخضاب ولبس السواد وحلق العانة اهـ قلت فی زماننا لبس السواد لم یبق علامة المسلمین (رد المحتار باب صلاة الجنائز قبیل مطلب فی الکفن ج۱ ص ۸۰۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۰ – ۲۰۱) . ظفیر

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج۱ ص۸۱٤ تحت قول ورکنه التکبیرات الخ ط. س. ج۲ ص ۲۱۰. ظفیر

(۲) خلاصة الفتاوی، الفصل الخامس فی الجنائز ج۱ ص ۲۲۵. ظفیر

(۳) الفتاوی البزازیة ص .... ظفیر

(٤) مرقاة شرح مشکوٰة باب المشی بالجنازة والصلاة علیها فصل ثالث ج۱ ص ۳٦۹. ظفیر

(۵) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۲. ظفیر

(٦) مرقاة باب غسل المیت وتکفینه فصل اول ج ۲ ص ۳٤۵. ظفیر

جواب: بر جنازه غائب نماز جنازه نزد احناف درست نیست زیرا در الدر المختار آمده: (فلا تصح علی غائب [۱])

چرا نماز جنازه قطاع الطریقان دزدان وباغیان جائز نیست: **سوال**: ۵٤۱ چرا از نماز جنازه قطاع الطریقان وباغیان ممانعت می شود؟

جواب: غرض از آن عبرت وتنبیه دیگران می باشد در شامی آمده: (وانما لم یغسلوا ولم یصل علیهم اهانة لهم وزجراً لغیرهم عن فعلهم [۲]).

نماز جنازه مرتکب گناه کبیره خوانده شود اما از کافر نه: **سوال**: ۵٤۲ مرتکب گناه کبیره وکافر اگر قبل از توبه بمیرد نماز جنازه اش درست است یانه؟

وآیا برای توبه ضرور است که بدست پیری توبه کند یانه؟

جواب: نماز جنازه مرتکب گناه کبیره خوانده می شود اما نماز جنازه کافر خوانده نمی شود او بر هیچ شخصی که روایت عدم کفر موجود باشد حکم کفر نمی گردد پس باید نماز جنازه اش خوانده شود زیرا در حدیث آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر) واگر ار زبان شخصی کلمه کفر برون شد وپس توبه نمود وتجدید اسلام کرد اگر چه بدست پیری نباشد او مسلمان شده است باید نماز جنازه اش خوانده شود [۳].

اگر دزد درحالت دزدی کشته شود نماز جنازه اش خوانده شود یانه: **سوال**: ۵٤۳ اگر دزد مسلمان در حالت دزدی به قتل برسد آیا ایمان او باقی خواهد ماند وآیا نماز جنازه اش جائز است؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۹. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۹. ظفیر

(۳) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة بغاة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰). ظفیر

جواب: چنین شخصی فاسق بوده وکافر نیست پس باید نماز جنازه اش خوانده شود زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: (صلوا علی کل برو فاجر [1]).

نماز جنازه زانی خوانده شود یانه: سوال: ٥٣٤ اگر مسلمان در حالت زنا بمیرد آیا ایمان او باقی خواهد ماند یانه ونماز جنازه اش جائز می باشد یانه؟

جواب: چنین شخصی فاسق بوده وکافر نیست پس باید نماز جنازه اش خوانده شود.

نماز جنازه میت مسلمان چه وقت خوانده نمی شود: سوال: ٥٤٥ نماز جنازه میت مسلمان به چه دلائل خوانده نمی شود؟

جواب: در مورد باغیان وقطاع الطریقان حکم آن است که نماز جنازه شان خوانده نشود که ایشان چهار گروه اند: باغی، قطاع الطریق، مکابر اهل عصبه وقاتل یکی از والدین: عبارت آن چنین است: وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع الطریق... ومکابر فی مصر لیلاً بسلاح وخناق... وفیه ایضاً من قتل نفسه ولو عمداً یغسل ویصلی علیه به یفتی... لایصلی علی قاتل احد ابویه)

اگر ولی شخص غیر عالمی را امام نماز جنازه بسازد اعاده آن لازم است یانه: سوال: ٥٤٦ اگر ولی در نماز جنازه شخص غیر عالمی را امام بسازد آیا اعاده ان نماز لازم می باشد یانه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق بعد از آنکه ولی نماز جنازه را بخواند راجح واحوط آن است که اعاده نشود طوریکه در شامی آمده: (وان صلی الولی لم یجز لاحد ان یصلی بعد ... ونحوه فی الکنز وغیره فقوله لم یجز لاحد یشمل السلطان ثم رایت فی غایة البیان قال ما نصه هذا علی سبیل

---

(١) نماز جنازه زانی ضرور است که خوانده شود اما نماز جنازه دزد خوانده نمی شود: وهی فرض علی مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع الطریق الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج١ ص ٨١٤ – ٨١٥ ، ط. س. ج٢ ص ٢١٠). ظفیر

العموم حتی لاتجوز الاعاده لا للسلطان ولا غیره [۱]) وچون تکرار نماز جنازه نزد احناف مشروع نیست لذا احوط در صورت اختلاف روایات عدم اعاده است [۲].

نماز جنازه مخنث: سوال: ۵۴۷ خواندن نماز جنازه مخنث جائز است یانه؟

جواب: خواندن نماز جنازه مخنث فرض است [۳].

اگر تنها رافضی نماز جنازه را بخواند فرض ساقط می شود یانه: سوال: ۵۴۸ اگر تنها رافضی نماز جنازه را بخواند فرض کفایی از ذمه اهل سنت اداء می شود یانه واقتدای اهل سنت به رافضی جائز است یانه ودر نماز جنازه حکم صبی اهل سنت چیست؟

جواب: رافضی اگر غالی بوده ورفض او بدرجه کفر رسیده باشد به اینکه او نماز جنازه را بخواند فرض کفایی اداء نمی شود واقتدا به او نیز درست نمی باشد [۴] واقتدا به صبی نیز در هیچ نمازی درست نیست [۵].

اگر قبل از نماز عید جنازه ای بیاید اول باید نماز عید خوانده شود: سوال: ۵۴۹ اگر قبل از نماز عید جنازه ای بیاید اول باید نماز جنازه خوانده شود یا نماز عید؟

جواب: در الدر المختار آمده که نماز عیدین قبل از نماز جنازه اداء گردد وپس از آن نماز جنازه خوانده شود وبعد از آن خطبه (وتقدم صلوتها علی صلوة الجنازة... وتقدم صلوة الجنازه علی الخطبة). فقط

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۴ – ۸۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۳. ظفیر

(۳) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰). ظفیر

(۴) وان انکر بعض ماعلم من الدین ضرورة کفر بها الخ فلا یصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۴ ، ط. س. ج۲ ص ۵۶۱). ظفیر ولا یصح اقتداء رجل بامرة وخنثٰی وصبی مطلقا ولو فی جنازة (درمختار) الصبی اذا ام صلاة الجنازة ینبغی ان لا یجوز وهو الظاهر (ردالمحتار باب الامامة مطلب الواجب کفایة هل یسقط بفعل الصبی وحده ج۱ ص ۵۳۹ ، ط. س. ج۱ ص ۵۷۶ – ۵۷۷). ظفیر

(۵) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰. ظفیر

بعد از غسل دادن میت غسل کردن ضرور نیست: **سوال**: ۵۵۰ یک شخص بی وضو میت را غسل می دهد وپس از آنکه او را غسل داد بدون آنکه خود غسل کند، نماز جنازه می خواند، آیا عقب چنین شخصی نماز های پنجگانه ونماز جنازه جائز است یانه؟

جواب: پس از غسل دادن میت غسل کردن ضرور نیست واگر وضو کند ونماز جنازه را بخواند یا درنماز های پنجگانه امامت کند نماز عقب او درست است [(۱)].

در نماز جنازه گفتن (الدعاء للمیت) ضرور نیست: **سوال**: ۵۵۱ در نماز جنازه گفتن (الدعا لهذا المیت) سنت است یا ضرور؟

جواب: گفتن (الدعا لهذا المیت) ضرور نیست، صرف نیت نماز جنازه کافی می باشد [(۲)].

اگر میتی بدون نماز جنازه دفن گردد تا چند روز اجازه است که نماز جنازه اش خوانده شود: **سوال**: ۵۵۲ اگر میتی بدون آنکه نماز جنازه اش خوانده شود دفن گردد تا چه مدتی می توان نماز جنازه او را خواند، سه روز یا زیادتر؟

جواب: صحیح آن است که قید سه روز وجود ندارد بلکه تا مدتی که گمان تفسخ میت نباشد تا آن وقت می توان نماز جنازه را بر قبرش خواند طوریکه در الدر المختار آمده: (وان دفن بغیر صلوة صلي علی قبره... ما لم یغلب علی الظن تفسخه... من غیر تقدیر [(۳)] هو الاصح).

چند مرتبه خواندن نماز جنازه یک میت چه حکم دارد : **سوال** : ۵۵۳ حکم دو سه بار

---

(۱) ویندب الغسل من غسل المیت (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۲). ظفیر

(۲) ومصلی الجنازة ینوی الصلاة لله تعالی وینوی ایضا الدعاء للمیت لانه الواجب علیه فیقول اصلی لله داعیا للمیت (درمختار) ووجهه ما ذهب إلیه المحقق ابن الهمام حیث قالوا: المفهوم من کلامهم أن أرکانها الدعاء والقیام والتکبیر، لقولهم: إن حقیقتها هي الدعاء وهو المقصود منها ا هـ. وإن قلنا: إنه لیس برکن فیها علی ما اختاره في البحر وغیره الخ فالضمیر في قوله: لانه الواجب یعود علی الدعاء الخ وأما علی القول بالسنیة فلان المراد بالدعاء ماهیة الصلاة لا نفس الدعاء الموجود فیها، لما علمت من أن حقیقتها الدعاء الخ وإن لم یتلفظ بالدعاء قوله: (فیقول الخ) بیان للنیة الکاملة اهـ قلت: وفي جنائز الفتاوی الهندیة عن المضمرات أن الامام والقوم ینوون ویقولون: نویت أداء هذه الفریضة عبادة لله تعالی الخ (ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ، مطلب فی النیة ج۱ ص ۳۹۳ ، ط. س. ج۱ ص ۴۲۳). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۶ – ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۳. ظفیر

خواندن نماز جنازهٔ یک میت چیست؟

جواب: اگر نماز جنازهٔ میت را شخصی خوانده باشد که حق اوست، پس شخص دیگری نمی تواند آنرا دوباره بخواند زیرا الدر المختار آمده: (وان صلی من له حق التقدم... **لا یعید**) شامي ص۸۳٦ ج۱.

پیش ازسلام گشتاندن دست ها باز باشد یا بسته: سوال: ۵۵٤ زید می گوید که پس از تکبیر چهارم نماز جنازه دست ها باید باز (ارسال) شده وسلام گشتانده شود اما عمرو در این باره با زید شدیداً مخالفت می نماید ومی گوید که اینجا ارسال نیست کدام یک از این دو قول صحیح می باشد؟

جواب: قول زید مطابق قاعده فقهی است مولانا عبدالحی مرحوم در جلد دوم (سعایة) در باب صفة الصلوة با تصریح چنین می نویسد: (ومن ههنا یخرج الجواب عمام سئلت فی سنة ست وثمانین ایضاً من انه هل یضع مصلی الجنازه بعد التکبیر الاخیر من تکبیراته ثم یسلم ام یرسل بسلم وهو انه لیس بعد التکبیر الاخیر ذکر مسنون فیسن فیه (الارسال) سعایة مطبوعه مصطفائی ص ۱۵۹ والله اعلم بالصواب.

ابوالقاسم محمد عبدالسلام مدرس انجمن هدایت الاسلام

با طلب استعانت از خداوند متعال می گویم که قول عمرو صحیح بوده وبا تصریح فقها موافق می باشد طوریکه در الدر المختار آمده: (یضع حالة الثنا وفی القنوت وتکبیرات الجنازة) پس لفظ تکبیرات عام بوده که هر چهار تکبیر را در بر می گیرد وتکبیر چهارم را از آن مستثنی ننموده وبا قاعده وضع ید وعمل امت مطابق می باشد.

باید واضح نمود که بعد از هر تکبیر ذکر مسنون وجود دارد بعد از تکبیر اول ثنا، پس از تکبیر دوم درود شریف پس از تکبیر سوم دعا وبعد از تکبیر چهارم تسلیم که هر یک از اینها ذکر

مسنون مي باشد.

درالدرالمختار آمده: (وهو ای الوضع سنة قیام... فیه ذکر مسنون قال فی الشامی فیه ذکل مسنون ای مشروع فرضاً کان او واجباً او سنة) شامی باب صفة الصلوة ص ٤٥٥ ج ١.

در الدر المختار باب الجنائز چنین آمده: (ویسلم بلا دعا بعد الرابعة قال شامی قوله بلا دء ظاهر المذهب وقیل یقول اللهم ربنا اتنا فی الدنیا حسنة... خلاصه اینکه قول زید که ئه ارسا بعد از تکبیر قائل انست از روي روایت ودرایت صحیح نیست وقول عمرو که به وضع قائل مـ باشد صحیح است بعد از تکبیر چهارما در بودن ذکر مشروع بحثی نیست بلکه اختلاف درمور مفشروعیت دعا می باشد وذکر عام است که سلام نیز در آن شامل می شود واینکه فقها تکبیرات جنازه وضع را مسنون فرموده اند دلیل کافی می باشد در حالیکه مخالف آنرا واضـ نکر ده اند پس عمل خلاف آن صحیح معلوم نمی شود- عزیز الرحمٰن.

<u>نماز جنازه فرض کفائی است یا فرض عین</u>: سوال: ٥٥٥ در نماز جنازه نیت فرض عین شود یا فرض کفائی؟ وهنگامی که میت حاضر گردد در آنوقت نماز جنازه فرض کفائی می باشد یا فرض عین می گردد؟

جواب: هنگامیکه جنازه حاضر گردد در آنوقت نیز جنازه همچنان فرض کفائی باقی می ماند در الدر المختار آمده: (والصلاة علیه صفتها فرض کفایة با لاجماع)

<u>هنگامیکه درزندگی عضوی از انسان جدا گردد حکم آن چیست</u>: سوال: ٥٥٦ اگر در حالیکه انسان زنده است عضوی از او جدا گردد، بر آن عضو نماز جنازه خوانده شود یانه؟ واگر جسم علیحده علیحده گردد مثلاً سرجدا وتنه جدا ویکی از آن بدست بیاید ودیگری نه یعنی اگر سر باشد تنه نباشد واگر تنه باشد سر نباشد در این حالت حکم نماز جنازه چیست؟

جواب: چون عضوی از انسان جدا گردد، نماز جنازه بر اونیست واگر تنها سری بدست آید باز

هتم نماز جنازه خوانده نمی شود واگر بدون سر اضافه از نصف تنه بدست آید نماز جنازه آن خوانده می شود ودر غیر آن نه در الدر المختار چنین آمده: (وجد راس ادمی او احد شقیه لا بغسل ولا یصلی علیه الا ان یوجد اکثر من نصفه ولو بلا راس) الدر المختار ص ٨٠٤ ج ١.

شرکت شوهر در نماز جنازه زن جائز است:- **سوال**: ۵۵۷ برای شوهر جائز است که نماز جنازه زن متوفیۀ خود را بخواند یانه؟

جواب: برای شوهر خواندن نماز جنازه زن متوفیه اش درست است وبا ید ضرور آنرا بخواند به دلیل قول پیامبر (ﷺ) که بهٗ ام المومنین عایشة (رضی) گفت: (لومت قبلی فغسلتک وکفتک وصلیت علیک) مشکوٰة ص ٥٤٥.

تکفین وتدفین بچه ای که مرده تولد شده است: **سوال**: ۵۵۸ اگر طفلی مرده تولد گردد ایا باید او را تکفین وتدفین نمود وبر او نام گذاشت یانه؟

جواب: اگر طفلی مرده تولد شود بر او نام بگذارید واو را غسل دهید، در الدر المختار آمده (و الا یستهل غسل وسمی عند الثانی وهو الاصح [1])

در دعای مرد وزن بالغ فرقی وجود ندارد: **سوال**: ۵۵۹ در نماز جنازه بالغان تمیز مرد وزن ضرور است یا نه؟

جواب: در نماز جنازه بالغان تمیز مرو وزن ضرور نیست زیرا دعای مرد وزن یکی می باشد [2].

آیا خواندن نماز جنازه بر تمام حاضران ضرور می باشد: **سوال**: ۵٦٠ زید می گوید که همه کسانیکه همراه جنازه می باشند نماز جنازه را بخوانند خواه وضو داشته باشند یانه وخواه لباس های شان پاک باشد یانه ونماز جنازه فرض کفائی می باشد.

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ......، ط. س. ج۲ ص۲۲۸. ظفیر

(۲) ثم یکبر أخر ویدعوا للمیت وجمیع المسلمین الخ وعن رسول الله ﷺ انه یقول اللهم اغفر لحینا ومیتنا الخ (عالمگیری مصری ج۱ ص ١٦٤) . ظفیر

جواب: این سخن درست که همه حاضرین نماز جنازه را بخوانند زیرا این نماز فرض است یعنی فرض کفائی که چون یک تعدادی آنرا بخوانند از ذمه دیگران ساقط مي گردد اما فرض برهمه است پس لازم است همه حاضرین نماز جنازه را بخوانند اما طهارت لباس وبدن شرط می باشد پس نباید با لباس ناپاک یابی وضو آنرا خواند [۱].

اگر امام به اساس فراموشی بي وضو نماز جنازه را خواند چه باید کرد: سوال: ۵۶۱ اگر امام نماز جنازه را بخواند وبعداً بداند که بی وضو بوده است در این حالت چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در اینصورت نماز جنازه نشده است زیرا در الدر المختار آمده: (فلو ام بلا طهارة والقوم بها اعیدت [۲]) لذا باید نماز جنازه اعاده شود ودر این حالت بعد از دفن جمیت تا وقتی خواندن نماز جنازه بر قبرش لازم است که گمان غالب به تفسخ او نباشد که بعضی از فقها مدت آنرا سه روز تعین کرد اند واگر مدت مذکور گذشته است اکنون هیڅ کار نمی توان کرد [۳].

خواندن سورة فاتحه بجای دعا پس ازتکبیر سوم چه حکمی دارد: سوال: ۵۶۲ در نماز جنازه نابالغ پس تکبیر سوم خواندن سوره فاتحه بجای دعا تا چه حدی صحیح است؟

جواب: طریقه نماز جنازه نابالغ چنین است که پس از تکبیر اول (سبحاک اللهم...) وپس از تکبیر دوم درود شریف وپسی از تکبیر سوم (اللهم اجعله لنا فرطاً...) وپس از تکبیر چهارم سلام گشتانده شود، خواندن سوره فاتحه پس از تکبیر سوم ضرور نشدت واگر سوره فاتحه به نیت دعا خوانده شود درست است [٤].

---

(۱) وشرط صحتها شرائط الصلٰوة المطلقة الخ (غنية المستملى ج۱ ص ۵۳۹). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار جلد اول ص ۸۱۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۸. ظفير

(۳) وان دفن واهيل عليه التراب بغير صلاة الخ صل على قبره استحسانا مالم يغلب عل الظن تفسخه من غير تقدير هو الاصح (درمختار) وقيل يقدر بثلاثة ايام (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٤). ظفير

(٤) وصلاة الجنازة اربع تكبيرات ولو ترک واحدة منها لم تجز صلاته فيكبر للافتتاح ويقول سبحانک اللهم الخ ثم يكبر اخرى ويصلى على النبى ﷺ ثم يكبر اخرى ويدعو للميت وجميع المسلمين الخ فَإِنْ كَانَ الْمَيِّتُ صَغِيراً عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ - رَحِمَهُ اللّٰهُ تَعَالَى - أَنَّهُ يَقُولُ : اللّٰهُمَّ =

شخصی درنماز جنازه به جای ثنا ودعا سوره های (قل هوالله) و(انا اعطینا) را خواند حکم آن چیست: سوال: ٥٦٣ شخص بی علمی در نماز جنازه امامت نمود وبه جای ثنا ودعا (قل هوالله...) وانا اعطینا...) را خواند حکم آن چیست وایا این نماز شده است یانه؟

جواب: در اینصورت نماز جنازه شده است اما او کاری بدی کرده زیرا خواندن آیات وسوره های قران درنماز جنازه مکروه می باشد به استثنای سوره فاتحه که در مورد آن اختلاف است پس در آینده نباید چنین شخصی را اقام ساخت وبرای اونیز لازم است که ثنا ودعای نماز جنازه را یاد گیرد وبرای او جزایی وجود ندارد [1].

امامی به جای چهار تکبیر پنج تکبیر گفت آیا نماز جنازه شده است یانه: سوال: ٥٦٤ شخصی امام نماز جنازه بود وبه جای چهار تکبیر پنج تکبیر گفت نماز او ومقتدیانش صحیح شده است یانه وآیا اعاده نماز بر ایشان لازم است یانه؟

جواب: (ولو کبر امامه خمساً یتبع لانه منسوخ فیمکث الموتم حتی یسلم معه اذا سلم به یفتی رجحه فی فتح القدیر بان البقاء فی حرمة الصلاة بعد فراغها لیفق بخطاء مطلقاً انما الخطاء فی المتابعة فی الخامسة [2] پس معلوم گردید که نماز همه ایشان صحیح است ومقتدیان در تکبیر پنجم از امام متابعت نکنند.

درحالیکه کفشی در پا باشد نماز جنازه درست است یانه: سوال: ٥٦٥ در حالیکه کفش در پا های امام ومقتدیان باشد ویا بر کفشی ها باگذاشته باشند نماز جنازه جائز است یانه؟

= اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا إلخ هَذَا إذَا كَانَ يُحْسِنُ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ لَا يُحْسِنُ يَأْتِي بِأَيِّ دُعَاءٍ شَاءَ ثُمَّ يُكَبِّرُ الرَّابِعَةَ ثُمَّ يُسَلِّمُ تَسْلِيمَتَيْنِ إلخ وَلَا يَقْرَأُ فِيهَا الْقُرْآنَ وَلَوْ قَرَأَ الْفَاتِحَةَ بِنِيَّةِ الدُّعَاءِ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَإِنْ قَرَأَهَا بِنِيَّةِ الْقِرَاءَةِ لَا يَجُوزُ ؛ لِأَنَّهَا مَحَلُّ الدُّعَاءِ دُونَ الْقِرَاءَةِ ، كَذَا فِي مُحِيطِ السَّرَخْسِيِّ (عالمکیری مصری، فصل فی الصلاة علي الميت ج۱ ص ١٥٤، ط. ماجدیه. ج۱ ص ١٥٤). ظفیر

(۱) ولایقرء فیها القرآن ولو قرأ الفاتحة بنیة الدعاء فلا باس به الخ (عالمکیری مصری فی الصلاة على الجنازة ج۱ ص ١٥٤ ، ط. ماجدیه ج۱ ص ١٥٤). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۷ – ۸۱۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱٤. ظفیر

جواب: باکفش مستعمل که در محل ناپاک گذاشته می شود خواندن نماز جنازه جائز نیست ودر حالیکه پا بالای چنین کفشی گذاشته شده باشد نیز خواندن نماز جنازه جائز نمی باشد خلاصه آنکه طوریکه سائر نمازها با بوت مستعمل ناپاک جائز نمی باشد نماز جنازه نیز با آن جائز نیست زیرا پاکی لباس بوت وغیره درنماز شرط می باشد [۱].

کسیکه بعد ازتکبیر دو شامل نماز جنازه گردد چگونه نماز جنازه راتکمیل کند: سوال: ۵٦۷ اگر شخصی هنگامی که امام دو تکبیر نماز جنازه را گفت باشد شامل نماز گردد همراه با امام سلام بگرداند یا دو تکبیر باقی مانده را تکمیل نماید؟

جواب: دو تکبیر باقی مانده را گفته وسلام بگرداند [۲].

اگر مانند اهل حرمین نماز جنازه درمسجد اداء گردد حکم آن چیست: سوال: ۵٦۷ خواندن نماز جنازه در مسجد جائز است یا مکروه اینکه اهل حرمین در صحن مسجد نبوی نماز جنازه می خوانند اگر با تمسک به فعل ایشان در صحن مسجد نماز جنازه خوانده شود بدون کراهیت جائز است یانه؟

جواب: درمسجد جماعت ادای نمازجنازه مکروه است: (بناء علی ان المسجد انما بنی للمکتوبة وتوابعها کنافلة وذکر وتدریس علم [۳] وهو الموافق لاطلاق حدیث ابی داود من صلی علی میت فی المسجد فلا صلاة له پس با وجود تصریح فقهای احناف به کراهیت نماز جنازه در مسجد

---

(۱) ثم الشرط الخ شرعا ما یتوقف علیه الشيء ولا یدخل فیه هی ستة طهارة بدنه الخ من حدث بنوعیه الخ وخبث مانع کذلک الخ ومکانه ای موضع قدمیه الخ وموضع سجوده اتفاقا فی الاصح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص ۳۷۳ – ۳۷٤ ، ط. س. ج۲ ص ٤۰۲). ظفیر

(۲) والمسبوق ببعض التکبیرات لایکبر فی الحال بل ینتظر تکبیر الامام لیکبر مع للافتتاح الخ والمسبوق لا یبدا بما فاته وقال ابو یوسف رحمه الله یکبر حین حضر کما لا ینتظر الحاضر فی حال التحریمة بل یکبر اتفاقا للتحریمة لانه کالمدرک ثم یکبر ان ما فاتهما بعد الفراغ نسقا بلا دعاء (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۲). ظفیر

(۳) وکرهت تحریما وقیل تنزیها فی مسجد جماعة هو ای المیت فیه وحده اومع القوم واختلف فی الخارجة عن المسجد وحده اومع بعض القوم والمختار الکراهة مطلقا بناء علی ان المسجد بنی للمکتوبة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٤ – ۲۲۵) . ظفیر

استدلال به [۱] عمل اهل حرمین شریفین به جواز آن درهمه بلاد صحیح نیست.

وصیت به خواندن نماز جنازه: سوال: ٥٦٨ اگر شخصی در حق کسی گمان تقوی ودیانت داشته باشد واو را وصیت کند که نماز جنازه اش را بخواند، این وصیت صحیح ومعتبر خواهد بود یانه؟

جواب: وصیت کردن براینکه فلان شخص نماز جنازه ام را بخواند، باطل است: (والفتوی علی بطلان الوصیة لغسله والصلوة علیه. [۲]

اجرت بر نماز جنازه جائز است یانه: سوال: ٥٦٩ شخصی در طول عمرخویش نماز نخوانده وروزه نگرفته است، بعد از مردنش عالمی به مشکل پنج روپیه فدیه گرفت ونماز جنازه اش را خواند، آیا چنین فدیه گرفتن در شریعت جائز است یانه؟

جواب: خواندن نماز جنازه این مسلمان بی نماز فرض بود؟ زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: (صلوا علی کل بر وفاجر [۳]) ومعاوضه وفدیه گرفتن از نماز جنازه حرام است، چنین کار جهالت گیرنده بوده وطمع دنیا چشم های او را کور کرده است که به خاطر خواندن نماز جنازه مسلمان اجوره می گیرد، خداوند تعالی او را هدایت کند [٤].

درعیدگاه خواندن نماز جنازه صحیح است: سوال: ٥٧٠ عیدگاهی که در جایی محدود باشد مانند عیدگاه دیوبند در حکم مسجد است یانه وخواندن نماز جنازه در آن جائز است یانه؟ بعضی ازعلماء آنرا مسجد قرارداده اند ومی گویند که عیدگاه نیز درحکم مسجد است وخواندن نماز جنازه را در آن منع قرار داده اند اینکار صحیح است یانه به حواله کتب تحریر فرمائید

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۷. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۸. ظفیر

(۳) شرح فقه اکبر ص ۹۱. ظفیر

(٤) ولا تصح الاجارة لعسب التیس الخ ولا لاجل الطاعات الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب کتاب الاجارة ج٥ ص ٤٦ ، ط. س. ج٦ ص ٥٥). ظفیر

بعضی از قصبات عیدگاه متصل قبرستان قرار دارد، در آنجا هم نمازها وعدین اداء می شود وهم نماز های جنازه واز مدت درازی چنین می شود، اکنون عده ای از حضرات از خواندن نماز جنازه در عیدگاه منع می کنند در این مورد شرعاً چه حکمی وجود دارد؟

جواب: در الدر المختار آمده: (واما المتخذ لصلوة الجنازه او عید فهو مسجد في حق جواز الاقتداء وان انفصل الصفوف وقفاً بالناس لافی حق غیره به یفتی فحل دخوله الجنب وحائض کفناء مسجد ورباط ومدرسة ومساجد حیاض واسواق [۱] وایضاً فیه فی الجنائز وکرهت تحریماً وقیل تنزیها فی مسجد جماعة قوله فی مسجد جماعة ای المسجد الجامع ومسجد المحلة [۲]) از عبارات مذکور معلوم گردید که خواندن نماز جنازه در عیدگاه درست است خصوصاً که برای این دوکار ساخته شده باشد، خواندن نماز جنازه در آن بدون شبه وتردد جائز می باشد اما اگر به این دلیل که عده ای از فقها عیدگاه را از جمیع وجوه در حکم مسجد قرار داده اند طوریکه علامه شامی نقل گرده در ادای نماز جنازه در آن احتیاط شود خصوصاً که محل دیگری برای ادای نماز جنازه موجود باشد، در شامی آمده: (ومقابل هذا المختار ما صححه فی المحیط في مصلی الجنازة انه لیسی له حکم المسجد اصلاً وما صححه تاج الشریعة ان مصلی له حکم المساجد). فقط

نماز جنازه بی نماز چرا خوانده شود: سوال: ۵۷۱ جناب شما نوشته اید که نماز جنازه شخص خوب وبد وبی نماز باید خوانده شود وما این سخن را قبول کرده ایم زیرا در صورت نخواندن گنهگار خواهیم شد، اما در این صورت میان نماز خوان وبی نماز چه فرقی می ماند وکسانیکه بی نماز هستند می گویند که نماز خوان وبی نماز دریک درجه قرار دارند مانصیحت شما را نمی شنویم، اکنون ما چه کنیم؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص ۶۱۵ ، ط. س. ج۱ ص ۶۵۷. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی کراهیة صلاة الجنازة فی المسجد ج۱ ص ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۴ – ۲۲۵). ظفیر

جواب: در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر) یعنی نماز بخوانید بر هر نیک وبد پس چون در حدیث شریف آمده وفقها نیز چنین نوشته اند پس تردد درآن هیچ دلیلی ندارد ودلیل آن این است که فاسق وفاجر را که مسلمان می باشند نباید از رحمت خداوند نا امید گردانید وبعد از مردن باید دعای مغفرت هم برایش شود ونماز جنازه برای میت دعا می باشد ودر حدیث شریف این مضمون آمده است که پس از مردن کسی را بد مگوئید زیرا چیزی که در دنیا کرده است جزای آنرا در آنجا خواهد دید برای زندگان لازم است که برای میت مسلمان دعای مغفرت بنمایند زیرا اگر خداوند تعالی گناه او را ببخشد به کسی چه تکلیفی می رسد ودر قران شریف آمده: (قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم [1]). ترجمه: بگو ای (پیامبر ﷺ) که ای بندگان من کسانیکه ظلم کرده اید بر خویشتن از رحمت خداوند نا امید مشوید بی شک خداوند می بخشد تمام گناهان را به تحقیق که او مغفرت کننده مهربان است.

اما اینکه نوشته اید در مورد آن فکر واندیشه نکنید؟ چیزی که حکم است به آن عمل کنید وبی نماز را به خواندن نماز نصیحت نمائید ودر زندگی او را به هر ترتیبی از عاقبت کارش بترسانید اما چون فوت کرد برایش خیر خواهی کنید وبه خداوند در حقش دعا کنید یعنی باید نماز جنازه اش خوانده شود تا که خداوند متعال از گناهانش درگذرد وگناهان ما رانیز عفوکند.

خواندن نماز جنازه در زمین نجس درست است یانه: سوال: ۵۷۲ نماز جنازه بیرون از مسجد جایی که دایم گندیده گی افتاده می باشد خوانده می شود در حالیکه آنجا پاک نیست آیا در چنین جایی خواندن نماز جنازه جائز است یا نه؟

جواب: زمین با خشک شدن پاک می گردد طوریکه در حدیث آمده: (زکوة الارض یبسها [2])

---

(۱) سورة الزمر. ظفير

(۲) مشكوٰة باب ثواب التسبيح والتحميد والتهليل فصل ثانى ص ۲۰۱. ظفير

پس چون زمین خشک باشد وظاهراً در آن نجاستی نباشد نماز جنازه درآن درست است اگر بر زمین خشک نجاستی افتاده باشد باید نجاست مذکور را از آن دور نمود.

در اوقات سه گانه مکروه نماز جنازه چگونه درست است: سوال: ۵۷۳ یک نقل خط شما به من رسید است که درآن نوشته شده که خواندن نماز جنازه در اوقات ثلاثه مکروهه جائز بوده ودلیل آن این حدیث نیز نوشته شده که ثلاث لایؤخرون) وحدیث عقبه بن عامر را مقابل آن قرار داده وتطبیق وتاویل فرموده اید اما من حقیر در مورد آن شبه دارم که (حدیث ثلاث لایؤخرون) صریحاً دلالت نمی نماید بر اینکه باید در اوقات ثلاثه مکروهه نماز جنازه خوانده شود وحدیث عقبه بن عامر صریحاً دولت می نماید بر اینکه در آن اوقات ثلاثه نماز جنازه خوانده نشود شبه دومی آن است که چون مباح ومنهی مقابل هم قرار گیرند به منهی ترجیح داده می شود پس چطور در اوقات ثلاثه مکروه نماز جنازه بدون کراهیت تنزیهی اداء خواهد شد؟

جواب: مسأله چنان است که چون حضور جنازه که سبب وجوب نماز جنازه می باشد در عین اوقات ثلاثه مکروهه واقع شود، نزد احناف نباید نماز جنازه رامؤخر کرد بلکه افضل آن است که فورا اداء شود واگر حضور جنازه قبل از اوقات ثلاثه واقع شده باشد نزد احناف خواندن نماز جنازه در اوقات ثلاثه مکروه می باشد ووجه فرق آن است که در صورت اولی ناقصاً واجب گردیده واداى آن نیز ناقص شده است ودر صورت دوم وجوب کامل بوده واداى آن ناقص پس بدین جهت مکروه تحریمی می باشد بلکه نزد بعضی از فقها هیچ صحیح نشده است، پس اصل در نماز جنازه آن است که تاخیر نگردد، طوریکه از حدیث (ثلاث لا یؤخرون [1]) معلوم می گردد اما در جایی که مانع وجود داشته باشد تاخیر شود طوریکه در صورت دوم ذکر نمودیم یعنی در صورتی که حضور جنازه قبل از اوقات ثلاثه مکروهه واقع شده باشد حدیث عقبه بن عامر

---

(۱) عن علی ﷺ ان النبی ﷺ قال: یا علی ثلث لا تؤخرها الصلٰوة اذا اتت والجنازة اذا حضرت والایم اذا وجدت لها کفوا رواه الترمذی (مشکوٰة باب تعجیل الصلٰوة فصل ثانی ص ۱۶۱). ظفیر

بر آن حمل می گردد وحدیث (ثلاث لا یؤخرون) بر حالت اول یعنی اینکه حضور جنازه در عین اوقات ثلاثه مکروهه واقع شده باشد یعنی که عموم هر یک از این دوحدیث توسط یک دیگر تخصیص شده است، زیرا تخصیص خبر واحد به خبر واحد می شود وقیاس نیز موافق آن می باشد خلاصه آنکه محل حمل هر دوحدیث معین گردید پس گفتن این سخن درست نیست که حدیث عقبه بن عامر [1] صریح بوده وحدیث ثلاث لا یوخرون صریح نیست زیرا حدیث عقبه (رضی) در ذکر اوقات ثلاثه بدون شبهی صریح می باشد اما در ان این تصریح وجود ندارد که حضور جنازه چه وقت صورت گرفته وحدیث ثلاث لا یؤخرون اگر چه در مورد حضور جنازه صریح می باشد اما در ذکر اوقات ثلاثه صریح نبوده ودر صورت شبه میان اباحت وحرمت به حرمت ترجیح داده می شود وهروقتی که مبیح اومحرم متعارض قرار گیرند ووجهی برای ترجیح مبیح نباشد، چنین حکم می گردد، اما در مسأله مذکور معلوم گردید که در یک صورت مبیح باید ترجیح داده شود ودر صورت دیگر محرم مانند آنکه در بعضی از روایات نماز های فجر وعصر در هنگام طلوع وغروب ممانعت شده ودر بعضی دیگر اباحت آن آمده پس صدر شریعت وغیره علما در مورد نماز فجر حدیث تحریم ودر مورد عصر حدیث اباحت را ترجیح داده اند به همین ترتیب در اینجا نیز اشکالی وجود ندارد اکنون بعضی از عبارات کتب فقهی را نقل می کنم که موجب تصریح مضمون فوق می گردد واین امر نیز واضح می گردد که از جمله سه صورت در صورت اول تاخیر بلاکراهیت جائز بلکه افضل می باشد. قوله علامه ابن والدر المختار که تحت عنوان (وفی التحفة الافضل ان لاتوخر الجنازة) نوشته شده: (ومافی التحفة اقره فی البحر والنهر والفتح والمعراج لحديث ثلاث لا يوخرون منها الجنازة اذا حضرت وقال فی الشرح المنية والفرق بين وبين سجده التلاوة ظاهر لان التعجيل فيها مطلوب مطلقاً الالمانع وحضورها فی وقت

---

(۱) وعن عقبة بن عامر ﷺ قا ل: ثلاث ساعات كان رسول الله ﷺ ينهانا أن نصلي فيهن أو نقبر فيهن موتانا : حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع وحين يقوم قائم الظهيرة حتى تميل الشمس وحين تضيف الشمس للغروب حتى تغرب . رواه مسلم (مشكوٰة باب اوقات النهى فصل اول ص ۹٤). ظفير

مکروه بخلاف سجدة التلاوة لان التعجیل لایستحب فیها مطلقاً) رد المحتار ص ۲۷۵ ج ۱.

اگر جنازه قبل از نماز عید به عیدگاه بیاید نماز جنازه را چه وقت باید خواند: سوال:
۵۷٤ اگر جنازه ای در روز عید قبل از نماز عید به احاطه عیدگاه آورده شده وگذاشته شود نماز جنازه را چه وقت باید خواند، اگر بعد از نماز عید خوانده شود قبل از خطبه خوانده شود یا بعد از آن؟

جواب: در الدر المختار آمده: (وتقدم صلوتها علی صلوة الجنازة اذا جمتعا لانه واجب عینا... وتقدم صلوة الجنازه علی الخطبة [1]) از اینجا معلوم گردید که نماز جنازه بعد از نماز عیدین وقبل از خطبه خطبه خوانده می شود.

خواندن سوره فاتحه درنماز جنازه چه حکم دارد: سوال: ۵۷۵ حکم خواندن سوره فاتحه در نماز جنازه چیست؟ در فتاوی عالمگیری جواز آن نوشته شده وقاضی صاحب ثنا الله قدس سره نیز در وصیت نامه خویش خواندن سوره فاتحه را جائز نوشته است.

جواب: فقها نوشته اند که اگر سوره فاتحه در نماز جنازه به نیت دعاء خوانده شود، درست است ومقصود روایت فتاوی عالمگیری ونوشته قاضی صاحب نیز همین است.

وصیت اشتراک نکردن در نماز جنازه: سوال: ۵۷٦ دو نفر برادر حقیقی یکدیگر اند وبرادر بزرگ به شخصی دیگری وصیت نموده که برادر کوچک من در تجهیز وتکفین من شرکت نکند پس از علمای دین ومفتیان شرع متین می خواهیم که لطف نموده وبگویند که برادر کوچک می تواند در تکفین وتجهیز برادر بزرگ خود اشتراک کند یانه؟

جواب: این وصیت ناجائز وباطل بوده وباید به آن عمل نشود بلکه برادر کوچک باید غرض ادای حقوق اسلامی وصله رحم اگر چه مردم دیگری برای تجهیز وتکفین به اندازه کافی موجود

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷. ظفیر

باشند در آن شرکت ورزدش پیامبر (ﷺ) فرموده است: (حق المسلم علی المسلم خمس ردالسلام وعيادة المريض واتباع الجنازة واجابة الدعوة وتشميط العاطس [۱]) ودر الدر المختار آمده: (اوصی بان يصلی عليه فلان..... او يطين قبره اويضرب علی قبره قبة اولمن يقرأ علی قبره شيئاً فهی باطلة [۲]).

تکرار نماز جناؤه درست نیست: سوال: ۵۷۷ آیا می توان نماز جنازه را مکرراً خواند یانه؟

جواب: تکرار نماز جنازه درست نیست یعنی چون یک بار ولی نماز جنازه را بخواند یا به اجازه او خوانده شود نماز شده پس اکنون باید دوباره نمازش خوانده نشود مذهب احناف چنین است.

بچه یک ماهه را بدون نماز وتکفین کردن درست نیست: سوال: ۵۷۸ شخصی پسر یک ماهه خود را بدون غسل وبدون نماز جنازه دفن کرد پس از آن شخصی دیگری نیز پسر خود را به همین ترتیب زیر خاک نمود برای چنین اشخاص چه جزایی وجود دارد؟

جواب: حکم شرعی آن است که غسل ونماز جنازه چنین اطفالی ضرور می باشد مردمانی که چنین کرده اند باید تنبیه گردند وبه تاکید به ایشان گفته شود که در آینده چنین نکنند واز آنچه کرده اند توبه نمایند وجزایی برای ایشان مقرر نیست [۳].

خواندن نماز جنازه مرد وزن یکجا درست است یانه: سوال: ۵۷۹ یک میت مرد ویک میت زن که هر دو بالغ باشند خواندن جنازه ایشان یکجا جائز است یانه؟ زید جنازه هر دو میت را در پیشرو گذاشت ونماز جنازه را خواند اما بکر گفت میت مونث را علیحده نمود ونماز جنازه اش را خواند؟

---

(۱) مشکوٰة باب عيادة المريض ص ۱۲۳. ظفير

(۲) الدرالمختار کتاب الوصايا ج۲ ص ۳۲۲ ، ط. س. ج۱ ص ٦٦٦. ظفير

(۳) اگر گمان غالب بر آن باشد که جسدش تفسخ ننموده در این حالت بر قبرش نماز جنازه خوانده می شود اما بعد از آن نه زیرا در الدر المختار آمده: وان دفن واهيل عليه التراب بغير صلاة اوبها بلا غسل اوممن لا ولاية له صلی علی قبره مالم يغلب علی ظنه تفسخه من غير تقدير هو الاصح (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٤). ظفير

جواب: خواندن نماز جنازه هر دو یکجا درست است اگر چه بهتر آن است که علیحده علیحده خوانده شود اما در صورت کثرت اموات وشیوع وبا در عمل بر جواز حرجی نیست در الدر المختار آمده: (واذ اجتمعت الجنائز فافراد الصلوة... اولی وان جمع جاز [1]) پس چون بر هر دو جنازه یکبار نماز خوانده شده بود پس اعاده نماز زن که از سوی بکر صورت گرفت خلاف مشروع است زیرا چون نماز جنازه یکبار خوانده شود حکم دوباره خوانده آن نیست [2] پس اینکار نتیجه بی خبری بکر می باشد.

اگر امام پس ازنماز جنازه برلباس خود لکه ای راببیند حکم آن چیست: سوال: ۵۸۰ شخصی در نماز جنازه امامت نمود وپس از آن بر لباس خود لکه ای دید ومعلوم شد که باید غسل کند دراینصورت نماز درست شده یا باید دوباره آنرا بر قبرش بخواند؟

جواب: در اینصورت نماز نشده پس باید آنرا دوباره بخواند واگر دفن شده باشد باید نماز جنازه را بر قبرش اداء کند یعنی قبل از تفسخ جسد او که بعضی از فقها مدت آنرا سه روز تعین کرده اند یعنی تا مدت سه روز نماز جنازه بر قبرش درست بوده وپس از آن صحیح نمی باشد.

یکجا خواندن نماز جنازه چندین میت: سوال: ۵۸۱ خواندن نماز جنازه دو سه میت یکجا درست است یا نه؟

جواب: جائز می باشد، زیرا در الدر المختار آمده: (و اذا اجتمعت الجنائز فافراد الصلوة علی کل واحدة اولی من الجمع.... وان جمع جاز [3]).

نماز جنازه ولد الزنا باید خوانده شود: سوال: ۵۸۲ خواندن نماز جنازه ولد الزنا درست است یانه؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۸. ظفیر

(۲) وان صلی الولی لم یجز لاحد ان یصلی بعده (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۳. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۸ ظفیر

جواب: باید خوانده شود [۱].

کسی که به دلیل غسل جمعه درنماز جنازه شرکت نکند آیا گنهگار می شود: سوال: ۵۸۳ شخصی به دلیل غسل روز جمعها وضروریات دیگر نتوانست درنماز جنازه شرکت کند پس آیا اوگنهگار شده است یانه؟

جواب: نماز جنازه فرض کفائی می باشد پس اگر بعضی اشخاص نماز جنازه را اداء کرده باشند شخصی که درآن شرکت ننموده گنهگار نشده [۲]، اما حقیقتاً که از ثواب محروم مانده است.

نماز جنازه قبل ازخطبه عید خوانده شود یا بعد از آن: سوال: ٥٨٤ اگر شخصی در روز عید فطر یا عید اضحی وفات کند وجنازه اش وقتی به عیدگاه برسد که نماز عید خوانده شده است، در خواندن نماز جنازه قبل از خطبه عیبی وجود نخواهد داشت؟ در اینجا نماز جنازه را بعد از خطبه خواندند نماز شده است یانه؟

جواب: در الدر المختار نوشته شده که نماز عیدین قبل از نماز جنازه خوانده شود ونماز جنازه پیش از خطبه خوانده شود [۳].

نماز جنازه زنی که در خانه شخص کافری مرده ورسوم کفری را انجام میداد خوانده شود یانه؟ سوال: ٥٨٥ زنی که با کافری مطابق رسم ورواج کفر ازدواج نمود ویا آن کافر زندگی کرد وبه بتخانه ایشان رفته ورسوم بت پرستی را انجام میداد، در صورت مردن این زن خواندن نماز جنازه او ودفن کردنش حضیره مسلمانان جائز است یانه؟

---

(۱) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱٤ ، ط. س. ج۲ ص۲۱۰). ظفیر

(۲) والصلاة علیه فرض کفایة بالاجماع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۷). ظفیر الدین غفر الله له

(۳) وتقدم صلوتها علی صلوة الجنازة اذا اجتمعا لانه واجب عینا الخ وتقدم صلوة الجنازة علی الخطبة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷). ظفیر

جواب: چون در تکفیر مسلمان احتیاط لازم است وحتی الوسع باید هیچ مسلمانی را تکفیر نکرد تا جايي که فقهاء تصریح نموده اند که اگر نودنه فیصد وجوه کفر باشد وصرف یک فیصد وجه اسلام باشد وآنهم ضعیف باید شخص مذکور رامسلمان دانست وباید با او معامله اهل اسلام رانمود، اگر چه نزد خداوند (ج) کافر باشد اما بر ما لازم است که با او معامله مسلمانان را بنمائیم طوریکه در الدر المختار آمده: (روی الطحاوی عن اصحابنا لا یخرج الرجل من الایمان الا جحود ما ادخله فیه ثم تیقن انه ردة یحکم بها وجما یشک انه ردة لایحکم بها اذا الاسلام الثابت لا یزول بالشک مع ان الاسلام یعلو وینبغی للعالم اذا رفع الیه هذا ان لایبادر بتکفیر اهل الاسلام مع انه یقتضی بصحة الاسلام المکره... وفی الفتاوی الصغری الکفر شی عظیم فلا اجعل المومن کافراً متی وجدت روایة انه لا یکفر....) ودر خلاصه وغیر آن آمده: (اذا کان فی المسئلة وجوه توجب التکفیر ووجه واحد یمنعه فعلی المفتی ان یمیل الی الوجه الذی یمنع التکفیر [۱])

وروایات کثیر دیگری نیز به این معنی وجود دارد پس تا جایی که مرتد بودن این زن به یقین معلوم نگردد وخود را مسلمان بخواند پس در صورتیکه بمیرد باید نماز جنازه اش خوانده شود ودر حضیره مسلمانان دفن گردد، در حدیث شریف امده: (صلوا علی کل بر وفاجر) درشرح منیه گوید: (رواه الدار قطنی وعلله بان مکحولاً لم یسمع من ابی هریرة ومن دونه ثقات وحاصله انه مرسل وهو حجة عندنا وعند مالک وجمهور الفقهاء) ص ٤٧٩.

مرد که مسلمان اند باید نماز جنازه ایشان خوانده شود ومی توانند به مسجد بیایند:

سوال: ٥٨٦ مردمی که حرفه دایی ایشان بهری است وبر علاوه وقتی گاو وغیره حیوانات بمیرد پوستش را کشیده دباغت کرده به فروش می رسانند، قوم مذکور نهایت رذیل شمرده می شوند، لذا مردم ایشان را در خورد ونوش ونماز های جمعه وعیدین حق اشتراک نمی دهند، در این

(۱) ردالمحتار باب المرتد ج۳ ص ۳۹۳ ، ط. س. ج٤ ص ۲۲۳ – ۲۲٤ . ظفیر

مورد چه حکمی وجود دارد وخواندن نماز جنازه چنین قومی جائز است یانه وبرکسانیکه نخوانده اند چه حکمی وجود دارد وکسانی که آنها را طعن وتشنیع می نمایند ودشنام می دهند در مورد ایشان چه حکمی وجود دارد؟

جواب: چون مردم مذکور مسلمان می باشند نباید ایشان را از نماز های جمعه وجماعت واز آمدن به مسجد منع نمود وگرنه کسانیکه منع می کنند مصداق این وعید خداوند متعال خواهند شد: (ومن اظلم فمن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه وسعی فی خرابها [۱]) خراندن نماز جنازه میت ایشان ضرور لازم است، زیرا در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر) رواه الدراقطنی [۲] ودر الدر المختار آمده: (وهی فرض طی کل مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع طریق [۳] پس چون معلوم است که مسلمانان مذکور نه باغی هستند ونه قطاع طریق وغیره پس مطابق فرموده فقها نماز جنازه ایشان فرض می باشد وعالمی که نماز جنازه ایشان را اداء نموده ماجور بوده وایشان را بد گفتن ودشنام دادن فسق ومعصیت است طوریکه در مسلم آمده: (سباب المسلم فسوق...) [٤] پس کسانیکه ایشان را طعنه می دهند فاسق وفاجر هستند که باید توبه کنند.

خواندن نماز جنازه فاحشه درست است: **سوال**: ۵۸۷ یک مولوی صاحب نماز جنازه یک فاحشه را خواند ودر مقابل مقدار پولی نیز بدست آورد چند روز بعد مولوی صاحب مذکور در وعظ قبل از نماز جمعه در تائید اینکار خود گفت که من نمی دانستم که این زن کیست پس پولی که به عوض آن برای من داد شده آنرا در کارهایی از همان قبیل خرج خواهم کرد مثلاً آنرا به هندویی خواهم داد که مواد غائطه مردم از خانه های ایشان می برد، ما تیردان هستیم که

---

(۱) سورة البقرة رکوع ۱٤. ظفیر

(۲) شرح فقه اکبر ص ۹۱. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰ ظفیر

(٤) مشکوٰة باب حفظ اللسان والغیبة والشتم ص ٤۱۱. ظفیر

بواسطه تیر ازغرق نجات می یابیم، اما جاهل نمی تواند نجات یابد شرعاً در این مورد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: خواندن نماز جنازه آن فاحشه مسلمان شرعا ضرور بوده است، زیرا در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر [۱]) یعنی نماز جنازه هر شخص نیک ودبدی را بخوانید وپولی که به مولوی مذکور داده شده اگر از عاید حرام بوده به هیچ ترتیبی جائز شده نمی تواند، پس این سخن او غلط است که پول حرام را بدست آورده برای هندوی پاک کننده بیت الخلاها بدهد، زیرا چه در خوردن به مصرف رسد چه در لباس وچه در اصلاح موی داده شود وچه در اجوره پاک کردن بیت الخلاء وغیره همه برابر ونا جائز می باشد، اگر چه بعضی از فقها این حیله رانوشته اند که قرض گرفته وچیزی بخرید وباز قرض را خواه از عاید حلال اداء کنید یا از عاید حرام آنچه از پول قرض خورده اید حلال است اما عده دیگری از علما آنرا مطلقاً حرام گفته اند، همچنان باید گفت که این سخن مولوی صاحب مذکور غلط است که ما تیردان هستیم یعنی پول حرام به ما ضرر نمی رساند حقیقتاً که این گمان خیال بیهوده ای می باشد [۲].

فریضه مقتدی در نماز جنازه: سوال: ۵۸۸ در نماز جنازه فریضه مقتدی چیست؟

جواب: مقتدی نیز همان چیزی را می خواند که امام می خواند، ترتیب نماز جنازه را در رساله ای بخوانید مختصر آنکه پس از تکبیر اول (سبحانک اللهم...) بعد از تکبیر دوم درود شریف بعداز تکبیر سوم دعا وپس از تکبیر چهارم سلام گشتاندن [۳].

زن زانیه مسلمان که ازهندوطفل تولد نموده اگر آن طفل بمیرد نمازجنازه اش خوانده

---

(۱) شرح فقه اکبر ص ۹۱. ظفیر

(۲) المکاس مثلا یاخذ من احد شیئا من المکس ثم یعطیه اخر ثم یاخذه من ذالک الاخر آخر فهو حرام.(رد المحتار باب البیع الفاسد مطلب الحرمة تتعدد ج٤ ص ۱۸۰ ، ط. س. ج٥ ص ۹۸). ظفیر

(۳) فیکبر للافتتاح ویقول سبحانک اللهم الخ ثم یکبر اخری ویصلی علی النبی ﷺ ثم یکبر اخری ویدعو للمیت وجمیع المسلمین (الی قوله) ثم یکبر الرابعة ثم یسلم تسلیمتین (عالمگیری کشوری ج۱ ص ۱٦۱ ، ط. ماجدیه ج۱ ص ۱٦٤). ظفیر

شود یانه: سوال: ۵۸۹: زن زانیه مسلمان نزد هندویی به سر می برد طفلی که از او تولد شده اگر بمیرد نماز جنازه اش خوانده شود یانه؟

جواب: خوانده شود زیرا (اولاد المسلمین تبعاً لامهم)

ترک نماز جنازه بی نماز چه حکم دارد: سوال: ۵۹۰ ترک نماز جنازه شخص بی نمازبه خاطر تنبیه چطور است وایا خواندن آن منع است یا چطور؟

جواب: ممانعت از نماز جنازه تارک نماز در هیچ جایی به نظر نرسید بلکه از روی اقوال فقها وحدیث (صلو علی کل بر وفاجر) ثابت می شود که باید نماز جنازه اش خوانده شود.

عبرتاً نخواندن نماز جنازه بی نماز چطور است: سوال: ۵۹۱ به خاطر عبرت نخواندن نماز جنازه بی نماز واو را بدون نماز دفن کردن چه حکم دارد آیا مستحسن است یانه؟

جواب: اینکار جائز ومستحسن نیست بلکه حرام وترک فرض می باشد، خواندن نماز جنازه بی نماز مانند نماز فرض است، زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده (صلوا علی کل بر وفاجر) فقها (رح) کسانی را که از نماز جنازه مستثنی قرار داده اند آنها عبارت اند از باغیان وغیره ودر آن جمله فاسقان وبی نمازان را حساب نکرده اند پس ترک فرض به گمان عبرت درست نیست.

نماز جنازه کسی که بنگ آب می نوشد جائز است یانه: سوال: ۵۹۲ بته بنگ نشه آور است اما نشه آن از شراب اندکی کم تر است خوردن ونوشیدن چنین اشیائی چه حکم دارد، وحکم خوردن ونوشیدن باکسی که بنگ آب می نوشد چیست وآیا خواندن نماز جنازه کسی که بنگ آب می نوشد جائز است یانه؟

جواب: خوردن ونوشیدن چیز نشه آور حرام است ونباید با چنین اشخاص نشست وبرخاست نمود اما باید نماز جنازه اش خوانده شود [1].

---

(۱) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة الخ (درمختار ، ط. س. ج۲ ص۲۱۰). ظفیر

نماز جنازه سود خور: سوال: ۵۹۳ داد وستد به اساس سود چه حکم دارد وشخصی که سود می گیرد حکم نماز جناز اش چیست ونشست وبرخاست باچنین شخصی چه حکم دارد؟

جواب: نماز جنازه اش خوانده شود گرفتن ودادن سود حرام است وباید از شخص سود خوار دوری نمود.

نماز جنازه کودک نابالغ هندو خوانده نمی شود: سوال: ۵۹٤ خواندن نماز جنازه کودک نابالغ هندو از روی حدیث ثابت است یانه؟

جواب: نه [۱].

نماز جنازه پس از بد بوشدن میت: سوال: ۵۹۵ میتی که به علت دو سه روز دفن نشدن بدبو شده باشد خواندن نماز جنازه اش جائز است یانه؟

جواب: اگر نماز جنازه اش قبلاً خوانده نشده باشد، فرض است که نماز جنازه اش خوانده شود [۲]. فقط

نماز جنازه میان عصر ومغرب درست است: سوال: ۵۹٦ خواندن نماز جنازه میان عصرو مغرب درست است یانه؟

جواب: خواندن نماز جنازه میان عصر ومغرب مکروه نیست طوریکه در الدرالمختار آمده: (قضا فائتته.. وصلاة جنازة [۳]). فقط

کش کردن جسد بی نماز جائز نیست: سوال: ۵۹۷ شخصی که درتمام عمر هیچگاهی نماز نخوانده وفات نمود او راچهل قدم توسط ریسمان کش نموده وسپس نمازجنازه اش را خواندند،

---

(۱) وشرطها ای لصلاة الجنازة ستة، اسلام المیت ﷺ کصبی سبی مع احد ابویه لا یصلی علیه لانه تبع له ای فی احکام الدنیا لا العقبی لما مر انهم خدم اهل الجنة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۷). ظفیر

(۲) وان دفن واهیل علیه التراب بغیر صلاة صلی علی قبره مالم یغلب علی الظن تفسخه من غیرتقدیر هوالاصح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۲٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰٤). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص ۳٤۸ ، ط. س. ج۱ ص ۳۷۵. ظفیر

برای مردم مذکور چه حکمی وجود دارد؟

جواب: کش کردن جسد مسلمان بی نماز حکم شریعت نیست باید چنین نشود کسانی که چنین کرده کرده اند باید توبه واستغفار نمایند وباید نماز جنازه مسلمان بی نماز خوانده شود زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: (صلوا علی کل بر وفاجر [۱])

نماز جنازه میت روزه دار: **سوال**: ۵۹۸ اگر شخصی بی روزه داری ناگهان به مرضی مبتلا گردد وروزه خرد را افطار نکند وبمیرد بکر می گوید که نماز جنازه اش خوانده نشود، قول او صحیح است یانه؟

جواب: نماز جنازه چنین شخصی باید خوانده شود قول بکر غلط است، او گنهگار نشده است در شامی نقل گردیده که چنین شخصی مأجور می باشد: (ویوجر لو صبر ومثله سائر حقوق الله تعالی کافساد صوم وصلوة [۲]).

بنجاره مسلمان است می تواند درجماعت شرکت کند وباید نماز جنازه اش خوانده شود: **سوال**: ۵۹۹ در سر زمین نمر اکثر مسلمانان بنجاره ونداف هستند ایشان در نمازهای عیدین شرکت می نمابند اما در اعیاد هندوها چون (هولی) (دیوالی) وغیره نیز با شوق ورغبت تمام شرکت می کنند وبت ها را عبادت می نمایند ولباس هندو ها را می پوشند وافتخار می نمایند که ما کاملاً مانند هندو ها هستیم، مردم مذکور از روزه نماز وکلمه کاملاً بی بهره اند، مراسم عروسی را مانند هندو ها انجام می دهند آیا خواندن نکاح ایشان وخواندن نماز جنازه آنها شرعاً جائز است یانه؟

جواب: چنین مردم جاهلی را باید به تدریج کلمه واحکام اسلام را آموخت خداوند متعال فرموده است: (ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی احسن [۱]) مفهوم این

---

(۱) شرح فقه اکبر ص ۹۱. محمد ظفیر الدین الصدیقی

(۲) ردالمحتار کتاب الصوم فصل فی العوارض المبیحة لعدم الصوم ج۲ ص ۱۵۸ ، ط. س. ج۲ ص ۴۲۱. ظف

آیة مبارکه آن است که با حکمت ونصیحت حسنه مردم را) به سوی دین دعوت کنید وبه شیوه نیکو ایشان را بفهمانید، پس لازم است که ایشان از رسوم وعادات کفری وشرکی نجات داده شوند وباید نماز جنازه ایشان خوانده شود وباید همچنان عقد نکاح ایشان صورت گیرد وقبل از نکاح باید ایشان را از معاصی کفر وشرک توبه داد باید همیشه کوشش نمود که توبه نمایند تاکه در نماز جنازه ایشان هیچ تردیدی باقی نماند.

نماز جنازه بدون وضو جائز نیست: **سوال**: ۶۰۰ شخصی می گوید که اگر کسی نماز جنازه را بی وضو بخواند هم حرجی نیست آیا واقعاً چنین چیزی جائز است یانه؟

جواب: این قول غلط است که نماز جنازه بدون وضو یا تیمم صحیح می باشد خواندن نماز جنازه بدون وضو وتیمم گنا کبیره است اما البته اگر امام برای خواندن نماز جنازه ایستاده شود ویک یا چند نفر در وقتی برسند که اگر وضو کنند تکبیرات از نزد ایشان بگذرد برای ایشان تیمم کردن وشرکت در نماز جنازه درست است، طوریکه در الدر المختار آمده: (وجاز لخوف فوت صلاة جنازة ای کل تکبیراتها...) ودر شامی آمده: (وجاز لخوف فوت صلوة جنازه ای ولو کان الماء قریباً .... [۲]).

احکام اطفال: **سوال**: ۶۰۱ طفل مشرک که قبل از بلوغ بمیرد.

سوال: ۶۰۲ پسری که زید خویشاوند نزدیک ویا دور است مگر پدر ومادر او پس از تولدش مرتد شده اند.

سوال: ۶۰۳ طفلی که بعد از پیدا شدن او یکی از والدینش در حال اسلام وفات نمود ودیگری مرتد شده است. اکنون این اطفال فوق الذکر تابع چه کسی هستند در حالیکه به اثر تربیه زید هرسه طفل مذکور به خوبی کلمه طیبه رامی خوانند اما آنقدر عقل وهوش ندارندکه شروط اسلام

---

(۱) سورة النحل: رکوع ۱۶. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب التیمم ج۱ ص ۲۲۳، ط.س. ج۲ ص ۲۴۱. ظفیر

را بدانند واگر این هر سه طفل قبل از بلوغ بمیرند تجهیز وتکفین ایشان مانند مسلمانان صورت گیرد یانه وآیا احکام آن هر سه یکسان است یا تفاوت هایی دارند؟

جواب: پاسخ به سوال های ۶۰۳، ۶۰۲، ۶۰۱ یکجا داده شده است.

طفل نابالغ در کفر واسلام تابع والدین خود می باشد طوریکه در الدر المختار آمده: (قوله لتبیعته لابویه) وشامی گوید: (ای فی اسلام والردة) واگر یکی از والدین طفل مسلمان باشد طفل تابع او شمرده شده ومسلمان دانسته می شود طوریکه در الدر المختار آمده: (والولد یتبع خیر الابوین دیناً [۱]) وطفل کافر اگر به سن تمیز یعنی هفت سال برسد اسلام آوردن او صحیح ومعتبر است چنانچه در الدر المختار گوید: (او اسلم الصبی وهو ابن سبع سنین [۲]) وهمچنان گوید: (والعاقل الممیز وهو ابن سبع سنین [۳]) پس طفل اول که والدینش مشرک هستند اگر هفت ساله باشد وکلمه اسلام را خوانده باشد وبمیرد، مسلمان شمرده شده وتجهیز وتکفین او مانند مسلمانان صورت گیرد.

طفل دومی به سبب ارتداد والدین خود در مرتد بودن تابع ایشان است اما اگر هفت ساله بوده وکلمة اسلام را بخواند مسلمان شده واگر در این حالت بمیرد تکفین وتجهیز اومانند مسلمانان صورت گرفته ونماز جنازه اش خوانده می شود. وطفل سومی خیر الابوین یعنی یکی از والدینش که مسلمان شمرده شده ومسلمان دانسته میشود وتجهیز وتکفین ونماز جنازه او مانند مسلمانان صورت می گیرد.

اگر نماز جنازه خوانده وشخصی به علتی نتواند درآن شرکت کند قابل ملامت نیست:

سوال: ۶۰۴ یک میت به میدانی آورده شد که شاگردان مدرسه بکثرت در آن بازی می کنند

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب نکاح الکافر ج۲ ص ۵۴۱ ، ط. س. ج۳ ص ۱۹۶. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۰. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ص ۴۲۳ ج۳.

میدان مذکور به علت بارش تر ونمدار بود در پاهای من موزه بود وبه خاطر حفاظت از آن در نماز جنازه شرکت نکردم اینکار من گناه است یانه؟

جواب: نماز جنازه فرض کفایی می باشد، اگر دیگر مسلمانان نماز جنازه را خوانده باشد بر تارک آن ملامت ومواخذه ای نیست [1] اما باید دانست که صرف غرض حفاظت از موزه ها از نماز جنازه کنار کشیدن کار خوبی نیست در آینده احتیاط کنید.

مقتدی درنماز جنازه همراه با امام دعا وغیره را بخواند: سوال: ۶۰۵ در نماز جنازه مقتدی به متابعت امام ثنا، صلوة ودعا بخواند یا فقط سکوت کند؟

همچنان بعد از فراغت از نماز جنازه در حالیکه صفوف به همان شکل باشد یا شکل صفوف تغیر داده شود بدور میت حلقه زدن ودست بالاکردن وسه مرتبه مکرراً برای میت دعاکردن جائز است یانه؟ مطابق مذهب حنفی با ثبوت سند آنرا تشریح فرمائید بعضی از علما به استناد روایت فتاوی عالمگیری که در فصل پنجم ص ۱۷ چاپ مصر آمده: (والامام والقوم فیه ای فیما ذکر قبل من التکبیرات ودعا الافتتاح والصلاة صلی النبی (ﷺ) والدعا وغیر ذلک سواء کذا فی الکافی) به مقتدی نیز حکم متابعت داده وبه استناد روایات ذیل از دعا منع نموده، در خلاصة الفتاوی قلمی چنین آمده: (لا یقوم بالدعا بعد صلاة الجنازة) ودر فتاوی بزاریه آمده (لا یقوم بالدعا بعد صلوة الجنازة) ملا علی قاری در شرح مشکوة می فرماید: (ولا یدعو للمیت بعد صلوة الجنازه لانه شبیه الزیادة فی الصلوة الجنازة) به همین ترتیب روایاتی در نور الانوار انوار حنیفه، جامع الرموز ومحیط موجود می باشد، در روایات مذکور دعای بعد از جنازه مطلقاً ممنوع قرار داده شده است خواه به هیئت صفوف باشد یانه، آیا این هر دو استناد در ارتباط به هر دو مسأله درست است؟

(۱) الصلوة علی الجنازة فرض کفایة اذاقام به البعض واحدا کان اوجماعة ذکرا کان اوانثی سقط عن الباقین واذا ترک الکل اثموا هکذا فی التاتارخانیة (عالمکیری مصری باب الجنائز فصل خامس ج۱ ص ۴۵۲ ، ط. ماجدیه ج۱ ص ۱۶۲). ظفیر

جواب: این هر دو استناد در ارتباط به هر دومسأله صحیح است در نماز جنازه مقتدی نیز مانند امام ثنا صلاة ودعا را بخواند وپس از نماز جنازه دست بالانمودن ودعا کردن ثابت نیست وفقها از آن منع کرده اند وبه قول ملا علی قاری (رح) شبه زیادت در نماز جنازه پیش می آید در حالیکه نماز جنازه خود دعا برای میت می باشد پس دعای دیگری بعد از آن مشروع نیست.

امامت در نماز جنازه حق کیست: سوال: ۶۰۶ یک شخص حنفی امام یک مسجد است او دعوی نموده ومی گوید که هیچ کسی نمی تواند در نماز جنازه غیر از من امامت کند، آیا شخص مذکور بر ولی میت نیز مقدم است؟ این دعوی چه حکمی دارد وبه امامت نماز جنازه چه کسی مستحق است؟

جواب: درکتب فقه حنفی درامامت نماز جنازه چنین نوشته شده: (ویقدم فی الصلوة علیه السلطان ان حضر او نائبه وهو امیر المصر ثم القاضی... ثم امام الحی ثم الولی [۱]) یعنی به امامت نماز جنازه مقدم ازهمه پادشاه است اگر موجود باشد یا نائب او بعد از آن قاضی بعد از آن امام محله وپس از آن ولی در الدر المختار چنین آمده که تقدم امام محله برولی استحباباً می باشد و اگر با وجود امام محله ولی درنماز جنازه امامت کند باز هم درست است [۲]

هنگام طلوع استواء وغروب آفتاب نماز جنازه جائز است یانه: سوال: ۶۰۷ اگر در وقت طلوع، استواء ویا غروب آفتاب جنازه حاضر شود خواندن نماز جنازه در وقت مذکور بدون انتظار وقت مباح جائز است یانه؟ اگر جائز است بدون کراهیت جائز است یا با کراهیت؟

جواب: اگر جنازه در این اوقات حاضر شود بدون انتظار وقت مباح گزاردن نماز جنازه بدون کراهیت تحریمی جائز است ودر شامی گفته که کراهیت تنزیهی دارد وغیر اولی بوده وبهتر آن

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۹. ظفیر

(۲) وتقدیم امام الحی مندوب فقط بشرط ان یکون افضل من الولی والا فالولی اولی کما فی المجتبی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۵۳۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۰). ظفیر

است که در وقت مباح نماز گزارند در الدر المختار چنین آمده: (فلو وجبتا فیها لم یکره فعلهما (ای تحریماً) قوله ای تحریماً افاد ثبوت الکراهة التنزیهة وفي التحفة ما یدل علی نفی الکراهة التنزیهه ایضاً [۱]).

بعد از نماز جنازه دست بالاکردن ودعا نمودن چطور است: سوال: ۶۰۸ بعد از نماز جنازه دست بالاکردن ودعا نمودن جائز است یانه ومقتدیان باید دعا کنند یانه؟

جواب: نماز جنازه خود دعا برای میت می باشد وبعد از آن هیچ دعائی ماثور ومنقول نیست [۲] امام ومقتد یان همه آنرا ترک کنند، زیرا التزام فعل خلاف سنت درست نیست.

رفتن به منطقه طاعون غرض خواندن نماز جنازه ورفتن طبیبان به انجا درست است یانه: سوال: ۶۰۹ در محلی که طاعون شیوع یافته باشد رشتن جهت خواندن نماز جنازه درست است یانه ورفتن طبیبان به آنجا چه حکم دارد؟

جواب: در الدرالمختار امده: (واذا خرج (او دخل فیها شامی) من بلدة بها الطاعون فان علم ان کل شی بقدرة الله فلا باس بان یخرج ویدخل وان کان عنده انه لو خرج نجا ولو دخل ابتلی کره له ذلک فلا یدخل ولایخرج صیانة لاعتقاده وعلیه حمل النهی فی الحدیث شریف مجمع الفتاوی [۳]) از این عبارت معلوم گردید که کسی را که اعتقادش درست باشد وخروج از محل طاعون راسبب نجات ودخول راسبب ابتلا وهلاک نداند در حق او خروج ودخول ممنوع نمی باشد واداى نماز جنازه فرض کفایی می باشد ورفتن به آنجا غرض اداى نماز جنازه ضروری مي باشد در صورتیکه بداند که اگر نرود نماز جنازه خوانده نمی شود به همین ترتیب رفتن طبیبان به آنجا نیز غرض معالجه درست است. فقط

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص ۳٤۷ ، ط. س. ج۲ ص ۳۷٤. ظفیر

(۲) ویسلم بلا دعاء بعد الرابعة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص ۸۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۳)

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار مسائل شتی ج۵ ص .... ، ط. س. ج٦ ص ۷۵۷. ظفیر

اگر تعدادی ازمردم نماز جنازه را نخوانند چه حکم دارد: **سوال:** ۶۱۰ اگر دختر نابالغه ای فوت کند وهمه مردم برای نماز جنازه جمع شده باشند وعلمایی که به ستر او را تنبیه می کردند نیز جمع باشند امابه جنازه حاضر نشده نماز جنازه رانخوانند وواپس بروند در این صورت چه حکمی وجود دارد؟

جواب: نماز جنازه بالغ ونابالغ فرض کفایی می باشد که اگر عده ای آنرا اداء کنند فرضیت آن از ذمه دیگران ساقط می گردد پس اگر نماز جنازه این نابالغه خوانده شده باشد کسانی که در آن شرکت نکرده اند گنهگار نشده اند اما اگیر نماز جنازه این نابالغه هیچ خوانده نشد باشد کسانیکه موجود بوده اند وکسانیکه ازمرگ او اگاهی داشته اند ونماز نخوانده اند همه گنهگار شده اند، در الدر المختار آمده: (والصلوة علیها صفتها فرض کفایة...) ودر رد المختار آمده: (وما شروط وجوبها فهی شروط بقیة الصلوة من القدرة والعقل والبلوغ والاسلام مع زیادة العلم بموته تامل [۱]) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع طریق .... [۲]) ومعلوم است که کسانیکه ستر نمی کنند در آن چهار گروه داخل نیستند خصوصاً نابالغه که به ستر مکلف نیست پس ترک نماز جنازه اونهایت قبیح می باشد وپیامبر (ﷺ) فرموده است: (صلوا علی کل بر وفاجر). فقط

کسانیکه نماز جنازه را نمی دانند آیا نماز ایشان صرف به تکبیر واقتدا می شود یانه:

سوال: ۶۱۱ اگر مقتدی در نماز جنازه به علت ندانستن یا از روی فراموشی ثنا صلوة ودعا را نخواند فقط با امام بعد از نیت اقتدا تکبیرات اربعه را بگوید نماز او به وجه ضرورت مانند نماز مسبوق درست خواهد شد یا نه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ورکنها شیئان التکبیرات الاربع والقیام [۳]) پس معلوم شد که به

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۱، ط. س. ج۲ ص ۲۰۷. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱٤، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰. ظفیر

(۳) ایضا ج۱ ص ۸۱۳، ط. س. ج۲ ص ۲۰۹. ظفیر

اساس این روایت نمازش صحیح است، همچنان به شامی مراجعه کنید وآنچه راکه تحقیق قول محقق ابن الهمام گفته مطالعه نمائید.

نماز جنازه شیعه درست است یانه: سوال: ٦١٢ برای اهل سنت وجماعت خواندن نماز جنازه شیعه جائز است یانه؟

جواب: شیعه ای که غالی باشد تکفیر شده اند نماز جنازه ایشان را وکسانی را که تبراگو هستند مخوانید.

خواندن نماز جنازه درسائبان مسجد درست است یانه: سوال: ٦١٣ در مسجدی که پنج وقت نماز به جماعت خوانده می شود در داخل این مسجد یا در سائبان آن میت را گذاشتن وخواندن نماز جنازه اش به این ترتیب نماز می شود یانه؟ واگر در قبرستان مسجدی باشد ودر آن نماز پنج وقت خوانده نمی شود وبرای خواندن نماز جنازه ساخته شده خواندن نماز جنازه در آن جائز است یانه؟

جواب: خواندن نماز جنازه در مسجد جماعت مکروه می باشد طوریکه در الدر المختار آمده (وکراهته تحریماً وقیل تنزیها فی مسجد جمعه هو المیت فیه وحده او مع القوم [۱]) ومسجدی که برای خواندن نماز جنازه ساخته شده در حقیقت حکم مسجد را ندارد خواندن نماز جنازه در آن درست است طوریکه در الدر المختار آمده: (واما المتخذ لصلوة جنازة او عید فهو مسجد فی حق جواز الاقتداء لافی حق غیره به یفتی [۲]).

نماز جنازه میت غائب درست نیست : سوال: ٦١٤ خواندن نماز میت غائب درست است یانه؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۵-۲۲٤. ظفیر
(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ج۱ ص ٦۱٥ ، ط. س. ج۱ ص ٦٥۷. ظفیر

جواب: نزد احناف نماز جنازه میت غائب درست نیست [۱].

اگر قسمتی از جسم بسوزد آیا غسل داده شود ونماز جنازه اش خوانده شود یانه:

سوال: ۶۱۰ اگر به علت آتش سوزی اکثریت قسمت بدن میت سوخته باشد وقسمت های باقی مانده نیز مانند ذغال سیاه گردیده باشد آیا غسل وکفن داده شود ونماز جنازه اش خوانده شود یانه؟ در صورت جواز غسل وغیره اگر امام مسجد جسد این میت را در رختی پیچانده ودفن کرده باشد اقتدا دو نماز به این امام چه حکم دارد؟ در صورت عدم جواز غسل وکفن ونماز جنازه جزایی شخصی که این امام را که جسد مذکور رابدون غسل وکفن ونماز جنازه دفن نموده می خواهد تحقیر کند چیست؟

جواب: مسأله دراین مورد چنان است که اگر اکثریت حصه جسد باقی باشد یعنی اعاده ازنصف، غسل داده می شود ونماز جنازه اش خوانده می شود واگر قسمت بیشتر بدنش سوخته وخاکستر شده باشد وحصه کم باقی باشد غسل ونماز جنازه لازم نیست در الدر المختار آمده: (وجد راس آدمی او احد شقیه لا یغسل ولا یصلی علیه بل یدفن الا ان یوجد اکثر من نصفه ولو بلا راس [۲]) پس چون اکثر حصه جسد این میت سوخته وخاکستر شده غسل ونماز واجب نبوده وبدون آن دفن شود وامامی که چنین کرده واو را بدون غسل ونماز جنازه؟ دفن نموده موآخذه ای بر اونیست ودر امامت او خلل وکراهیتی نمی باشد واعتراض بر کار او اگر به سبب خود غرضی وعداوت باشد گناه ومعصیت سخت است که باید از آن توبه شود واگر به علت جهل باشد معذور است اما جاهل باید در مورد مسأله از عالمی معلومات حاصل کند وخود حکم ننماید زیرا (فانما شفاء الحی السوال) یعنی شفای جهل پرسیدن است وخداوند (ج) می فرماید: (فاسئلوا اهل

---

(۱) فلا تصح علی غائب ومحمول علی دابة الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۹). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰٤ ط. س. ج۱ ص ۲۰۰. ظفیر

الذکر ان کنتم لا تعلمون [۱]) .

نماز جنازه گروه چوهره درست است یانه؟ سوال: ٦١٦ نکاح وجنازه چوهره (گروهی هندو ها) جائز است یا ناجائز؟

جواب: جائز نیست باید مسلمان از آن اجتناب کند [۲].

خوردن غذا درخانه صاحب تعزیت در ایام تعزیت چه حکم دارد: سوال: ٦١٧ در روز های سه گانه تعزیت خوردن ونوشیدن در خانه صاحب تعزیت جائز است یانه در کشمیر عام مسلمانان آنرا مساوی می دانند در الدر المختار آمده: (ویحل لمن طال مقامه او مسافته لالمن لم یطل) مسأله مذکور مفتی به است یا نه؟

جواب: علامه شامی دراین مورد فرموده است: (اقول قدما ان القول الاول وهو الاصع وظاهره الاطلاق ویؤید ما فی اخر الجنائز من فتح القدیر حیث قال ویکره اتخاذ الضیافة من الطعام من اهل المیت لانه شرع فی السرور وهی بدعة مستقبحة [۳]) پس معلوم گردید که حکم (ویحل لمن طال مقامه) متفرع بر قول غیر اصح بوده وجسب تصریح علامه صاحب فتح القدیر این خوردن طعام مکروه وبدعت قبیح است.

فاصله میان صفوف در نماز جنازه: سوال: ٦١٨ در نماز جنازه چقدر فاصله میان صفوف لازم است؟

جواب: در نماز جنازه گذاشتن فاصله زیاد میان صفوف ضرور نیست بلکه باید صفوف نزدیک هم باشند [٤].

---

(۱) سورة النحل. ظفیر

(۲) والصلاة علیه فرض کفایة ... وشرطها ستة : اسلام المیت وطهارته (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۷). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤۱ – ۸٤۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۰. ظفیر

(٤) چون به سجده ضرورتی نیست لذا احتیاجی به گذاشتن فاصله میان صفوف وجود ندارد. ظفیر

نماز غائبانه پیامبر (ﷺ) بر نجاشی: **سوال:** ۶۱۹ خواندن نماز جنازه غائبانه جائز است یانه؟

جواب: خواندن نماز جنازه غائبانه درست نیست واینکه پیامبر (ﷺ) نماز جنازه نجاشی را غائبانه خوانده جنازه او برایش روبه روساخته شده بود یا اینکه کار مذکور خصوصیت پیامبر (ﷺ) بود وبرای دیگر نمی باشد چنانکه این مسأله در الدر المختار آمده است [۱]

خواندن سوره فاتحه بعد از تکبیر سوم وگفتن یارب یارب به جای دعا: **سوال:** ۶۲۰ در نماز جنازه اگر پس از تکبیر سوم به نیت دعا سورۀ فاتحه خوانده شود آیا نزد احناف بدون کراهیت جائز است یانه؟ با تصریح تحریر فیرمائید همچنان اگر به جای ادعیه پس از تکبیر سوم یا رب یارب گفته شود به جای دعا کفایت می کند، آیا در کتابی در مورد این مسئله چیزی نوشته شده است یانه؟

جواب: خواندن سوره فاتحه به نیت دعا در نماز جنازه نزد احناف مکروه نیست ومکروه وخواندن آن به نیت قرآن مکروه می باشد وجای آن پس از تکبیر اول است [۲] (والظاهر انها حيئذ تقوم بعد الثناعلى ظاهر الرواية من انه يسن بعد الاولى التحميد.... [۳]) پس بعد از تکبیر سوم محل آن نیست واگر دعای ماثوره مثلاً اللهم اغفرلنا.... طوریکه قبلاً از شاهی ذکر نمودیم [۴] کسی یاد نداشته باشد، به یا رب یا رب گفتن اکتفا در هیچ کتابی نیامده است واگر چه به آن

(۱) فلا تصح على غائب الخ وصلاة النبى ﷺ على النجاشى لغوية وخصوصية (درمختار) قوله: لغوية أي المراد بها مجرد الدعاء وهو بعيد. قوله: (أو خصوصية) أو رفع سريره حتى رآه عليه الصلاة والسلام بحضرته فتكون صلاة من خلفه على ميت يراه الامام وبحضرته دون المامومين، وهذا غير مانع من الاقتداء. (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۳ ، ط. س. ج۲ ص۲۰۹). ظفير

(۲) وعين الشافعي الفاتحة فى الاولى وعندنا تجوز بنية الدعاء وتكره بنية القراءة لعدم ثبوتها فيها عنه ﷺ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۷، ط. س. ج۲ ص ۲۱۳ و۲۱٤). ظفير

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۷ ، ط. س. ج۲ ص۲۱۳ و۲۱٤ ظفير

(٤) ثم افاد ان من لم يحسن الدعاء بالماثور يقول اللهم اغفرلنا ولوالدينا وله وللمومنين والمؤمنات (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۲). ظفير

شکل نماز جنازه خواهد شد، سنت دعا بدست نخواهد آمد، در شامی آمده: (ویدعو بعد الثالثه ای لنفسه وللمیت وللمسلمین لکی یغفرله فیستجاب دعاه فی حق غیره ولان من السنة الدعا ان یبدأ بنفسه قال تعالی: (رب اغفرلی ولوالدی [۱]).

ترتیب نماز جنازه چطور است ومقتدی چه چیز هایی را بخواند: سوال: ۶۲۱ در جایی که ما هستیم وقتی امام در نماز جنازه الله اکبر گفته نیت می بندد مقتدی نیز تکبیر گفته دست های خود را می بندد وپس از وقتیکه امام پسر از تحمید الله اکبر می گوید، مقتدی هم آنرا به اشاره می گوید سپس امام درود شریف را خوانده والله اکبر می گوید مققدی باز همچنان می کند بعد از آنکه امام پس از درود شریف الله اکبر گفت اگر میت بالغ باشد یا نابالغ مذکر باشد یا مونث دعایی که خوانده می شود امام آنرا خوانده الله اکبر می گوید وسلام می گوید، مقتدی نیز همچنین می کند به این ترتیب نماز جنازه دادن واینکه مقتدیان به غیر از (الله اکبر) چیز دیگری نگویند جائز است یانه؟

جواب: در نماز جنازه پس از تکبیر اول (سبحانک اللهم) پس از تکبیر دوم درود شریف وپس از تکبیر سوم دعای ماثوره که درکتب نوشته شده خوانده می شود وبعد از چهارم سلام گشتانده می شود وتمام اینکار ها را امام مقتدیان همه باید انجام دهند مقتدی نیز چیزی راکه امام می خواند همرایش بخواند [۲] البته کسی که دعای مأثور را یاد ندارد به جای آن اللهم اغفرلنا ولوالدینا وللمومنین والمومنات را بخواند [۳]. فقط

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۲. ظفیر

(۲) وهی اربع تکبیرات الخ فیکبر للافتتاح ویقول سبحانک اللهم الخ ثم یکبر اخری ویصلی علی النبی ﷺ ثم یکبر اخری ویدعو للمیت وجمیع المسلمین الخ ولیس بعد التکبیرة الرابعة قبل السلام دعاء الخ والامام والقوم فیه سواء (عالمگیری مصری باب حادی عشر ج۱ ص ۱۵٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦٤). ظفیر

(۳) فان لا یحسن یاتی بای دعاء شاء ثم یکبر رابعة (ایضاً) ثم افاد ان من لم یحسن الدعاء بالماثور یقول: اللهم اغفر لنا ولوالدینا وله وللمؤمنین والمؤمنات (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۱٦، ط. س. ج۲ ص۲۱۲). ظفیر

خواندن نماز جنازه فاجره درست است: سوال: ٦٢٣ یک زن نامنهاد مسلمان به حیث زوجه یک هندو سال ها زندگی نمود وچندین سال با او همبستر بود وبه شراب وکباب وکفر وشرک که رسم هنود است سال ها مبتلا بود ودر چنین وقتی بمرد هیچ مسلمانی حاضر نشد که نماز جنازه او را بخواند اما یک آغا صاحب که قاضی هم گفته می شود به خاطر طمع نفسانی نماز جنازه او را خواند برای چنین شخصی چه حکمی وجود دارد؟

جواب: زنا با کافر ومسلمان گناه کبیره می باشد به همین ترتیب شراب خوردن نیز حرام قطعی بوده ومرتکب افعال مذکور فاسق بوده وکافر نمی باشد واگر کسی پرستش بت ها وعبادت غیر الله ثابت شود پسی باید نماز جنازه اش خوانده نشود [۱] واگر مسأله چنین بوده قاضی صاحب خط گرده که باید از آن توبه نماید اما قاضی صاحب با اینکار کافر نشده که نکاحش فسخ گردد پهلوی دیگر این مسأله آن است که اگر از آن زن مسلمان پرستش بتا ها ثابت نیست وصرف به گمان وقیاس چنین چیزی گفته شده پس باید نماز جنازه اش خوانده می شد، زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: (صلوا علی کل بر وفاجر) یعنی نماز جنازه هر شخص نیک وبد را بخوانید [۲].

دوباره خواندن نماز جنازه گناه است یانه: سوال: ٦٢٣ اگر مسلمانی در قریه ای وفات کند وهمانجا نماز جنازه اش را بخوانند وچون جنازه اش به قریه ای که محل سکونت خودش می باشد برده شود اگر مسلمانان آنجا از روی همدردی دوباره نماز جنازه اش رابخوانند آیا این عمل نامشروع می باشد آیا با این دوباره خواندن مرتکب گناه می شوند واگر گناه باشد صغیره است یا گناه کبیره ویا اینکه مستحق ثواب می شوند؟

جواب: دوباره خواندن نماز جنازه غیر مشروع وناجائز می باشد واشکار است که مرتکب کار غیر مشروع وحرام گنهگار می شود نه اینکه مستحق ثواب گردد وفعل حرام گناه گبیره می باشد

---

(۱) وشرطها اسلام الميت وطهارته الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۷). ظ

(۲) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع الطريق الخ (ايضا ج۱ ص ۸۱٤ ط. س. ج۲ ص ۲۱۰).

ودرکتب فقه آمده: (ولا یصلی علی میت الامرة واحدة والتنفل بصلوة الجنازة غیر مشروع [1]).

خواندن نعت همراه جنازه بدعت است: سوال: ۶۲۴ خواندن نعت پیامبر (ﷺ) همراه جنازه مسلمان چه حکم دارد؟

جواب: خواندن اشعار نعتیه وغیره همراه جنازه غیر مشروع وبدعت بوده وترک آن لازم میباشد [2]. فقط

جنازه طفل وقتی که معلوم نباشد پسر است یا دختر: سوال: ۶۲۵ **سوال:** ۶۲۵ نماز جنازه طفل وقتیکه برای مسبوق معلوم نباشد که میت پسر است یادختر برایش چگونه دعا کند؟

جواب: اللهم اجعله لنا فرطا) را به صیغه مذکر بخواند زیرا به تاویل شخص به مونث نیز راجع شده می تواند وخواندن به ضمیر مونث نیز درست است به تاویل نفس [3].

اگر کفن را هندو بدهد حکم آن چیست: سوال: ۶۲۶ مسلمانی وفات نمود وقیمت کفن او را یک هندو که دوستش بود پرداخت آیا درکار خللی رونما نشده است؟

جواب: نه هیچ خللی نیست.

آیادر ساختن خانه ای در قبرستان برای ادای نماز جنازه ممانعتی است: سوال: ۶۲۷ ساختن خانه در قبرستان برای ادای نماز جنازه وخواندن نماز جنازه درآن وهنگام دفن میت در آنجا نشستن جائز است یانه وآیا در آن تشبه ممنوعی وجود دارد یانه؟

جواب: اگر فقط برای خواندن نماز جنازه وغرض محافظت از آفتاب باران وغیره برای نشستن خانه ای در قبرستان ساخته شود در آن هیچ حرجی نبوده وتشبه ممنوعه ای وجود ندارد اما برای

---

(۱) عالمکیری مصری باب حادی عشر فی الجنائز فصل خامس ج۱ ص ۱۵۳ ، ط. م. ج۲ ص ۳۶۳. ظفیر

(۲) وعلی متبعی الجنازة الصمت ویکره لهم رفع الصوت بالذکر وقرآءة القرآن (عالمکیری باب حادی عشر فی الجنائز فصل رابع ج۱ ص ۱۵۲ ، ط.م. ج۲ ص ۱۶۲). ظفیر

(۳) ولایستغفر للصبی ولکن یقول اللهم اجعله لنا اجرا الخ (هدایه باب الجنائز فصل ج۱ ص ۱۶۳). ظفیر

جواز نماز جنازه در قبرستان این نکته ضرور است که روبروی قبر نباشد وبهتر آن است که نماز جنازه در جای دیگری خوانده شود [١].

درعقب جنازه تهلیل وغیره درست نیست: سوال: ٦٢٨ در ذکر عقب جنازه تهلیل قرائت سوره ملک وغیره مفتی به است یانه؟

جواب: چنین چیزی ثابت نیست وبه شکل اجتماعی جهر به ذکر خلاف عمل سلف صالحین است لهذا باید ترک گردد [٢].

سوال: ٦٢٩ عقب طفل نابالغ نماز جنازه جائز است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده (ولا یصح اقتداء رجل بامراة وخنثی وصبی مطلقاً ولو فی جنازة ونفل علی الاصح [٣]) از اینجا معلوم می گردد که نماز جنازه عقب نابالغ صحیح نیست.

دعا بعد از نماز جنازه: سوال: ٦٣٠ در دعا بعد از نماز جنازه با بلند کردن دست میان علما اختلاف وجود دارد، طوریکه عده ای آنرا سنت حسنه دانسته وتارک انرا فاسق می گویند وعده ای آنرا مکروه می دانند مسئله را واضح سازید خداوند شما را اجر دهد [٤].

جواب: در شامی آمده: (فقد صرحوا عن آخرهم بان صلوة الجنازه هی الدعا للمیت اذ هو المقصود [٥]) واز سلف دعا بعد از آن به شکل اجتماعی روایت نشده پس اقتصار بر آن اولی بود، وفاعل ان فاسق نمی باشد وچگونه می توان تارک بدعت را فاسق گفت در حالیکه فاسق به

---

(١) ولا باس بالصلٰوة فیها (ای فی المقبرة) موضع اعد للصلٰوة ولیس فیه قبر ولا نجاسة کما فی الخانیة ولا قبلة الی قبر، حلیه (ردالمحتار کتاب الصلاة قبیل مطلب فی الصلاة فی الارض المغصوبة ج١ ص .... ، ط. س. ج١ ص ٣٨٠).

(٢) کره کما کره فیها رفع صوت بذکر اوقرآئت (درمختار) وینبغی لمن تبع الجنازة ان یطیل الصمت وفیه عن الظهیریة فان اراد ان یذکر الله تعالی فی نفسه الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج١ ص ٨٣٥ ، ط. س. ج٢ ص ٢٣٣).

(٣) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج١ ص ٥٣٩ ، ط. س. ج١ ص ٥٧٦ و٥٧٨. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨١٤ ، ط. س. ج٢ ص ٢١٠. ظفیر

(٥) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی صلاة الجنائز ج١ ص ٨١١ ، ط. س. ج٢ ص ٢٠٧. ظفیر

به فسق منسوب می باشد.

خواندن نماز جنازه از روی کتاب: سوال: ٦٣١ چند نفر مسلمان نماز جنازه را از روی کتاب می خوانند آیا جائز است یانه؟

جواب: بدین ترتیب نماز جنازه نمی شود اگر کسی دعائی را یاد ندارد محض تکبیرات رابهفته وهمراه با امام سلام بگرداند، با خواندن دعا از روی کتاب نماز نمی شود طوریکه درشامی آمده: (واما الشروط التی ترجع الی المصلی فهی شروط بقیة الصلوة .... [1])

مسلمانی هندو یسری را خرید وطفل مذکور مرده نماز جنازه تکفین وتدفین او درست نیست: سوال: ٦٣٤ یک زن هندو پسر چهار ماهه را خود را در بدل ده روپیه به یک مسلمان فروخت چهارده روز بعد طفل مذکور مرد مسلمان موصوف نماز جنازه او را خواند در اینصورت بر کسی که نماز جنازه راخواند چه حکم شرعی وجود دارد وبیع انسان در هندوستان جائز است یا نه؟

جواب: در اینصورت نماز جنازه آن طفل درست نبوده زیرا که والدینش کافر بوده اند، البته اگر یکی از والدینش هم مسلمان می بودند نماز جنازه اش واجب می بود همچنان خریدن این طفل صحیح نبوده ینکار خلاف شرع به اساس جهالت از آن مسلمان صادر شده آینده چنین نکند واز کاری که کرده توبه نماید در الدر المختار آمده: (کصبی سبی مع احد ابویه لا یصلی علیه).

آیا در نماز جنازه پنج تکبیر جائز است: سوال: ٦٣٣ پنج تکبیر در نماز جنازه جائز است یانه؟

جواب: پنج تکبیر در نماز جنازه درست نمی باشد، زیرا منسوخ شده است از چهار تکبیر زیاده مگوئید اگر چه امام زیادتر هم بگوید از او اتباع نکنید بلکه خاموش باشید، زیرا در الدر المختار

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۸ و۲۲۹. ظفیر

آمده: (ولوكبر امامه خمساً لم يتبع لانه منسوخ فيمكث الموتم حتى يسلم معه اذا سلم به يفتي[١]). فقط

نماز جنازه بدعتی ها خوانده شود: سوال: ٦٣٤ مسلمانان جاهل این دیار در رسوم کفار مبتلا می باشند واز عادات ورسوم کفار پیروی می کنند مگر کلمه گو هستند وخود را مسلمان می گویند نه کافر، نماز جنازه ایشان اداء کردد شود یانه؟

جواب: مسلمانان جاهل را که در رسوم کفار مبتلا بوده واز عادات ورسوم کفار پیروی می کنند مگر کلمه گوهستند وخود را مسلمان می دانند کافر نباید گفت وباید نماز جنازه ایشان را اداء نمود ودر اصلاح ایشان باید کوشید.

یک هندو یک مسلمان در خانه ای سوختند چگونه باید نماز جنازه را اداء نمود: سوال: ٦٣٥ دو نفر در یک خانه زندگی می کردند که یکی هندو ودیگری مسلمان بود به تقدیر خداوند عزوجل خانه مذکور طعمه مذکور گردید وهر دو نفر سوختند وگوشت وپوست ایشان باقی نماند ووارثان ایشان نتوانستند ایشان را شناسائی کنند که کدام یک هندو است وکدام یک مسلمان ووارثان هر دو اتفاق دارند که اگر شناخته شوند هر یک را مطابق دین خویش تجهیز وتکفین می کنند، لذا خواهشمندیم که به اساس شریعت برای ما علامه ای بگوید که هیچ شکی باقی نماند؟

جواب: در صورتی که سوال شده چون هیچ علامه ای باقی نمانده در این مورد حکم شریعت آن است که اگر قابل غسل باشند به هر دو غسل داده شود وهر دو تکفین گردند ونماز جنازه به نیت نماز جنازه مسلمان خوانده شود هریک از آن دو که مسلمان باشد، نماز جنازه اش اداء می گردد نه از هندو ترتیبی را که ذکر نمودیم تحقیق علامه شامی می باشد در الدر المختار آمده:

---

(١) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨١٧ ، ط. س. ج٢ ص ٢١٤. ظفير

(اختلط موتانا بکفار ولا علامة اعتبر الاکثر فان استووا غسلوا واختلف فی الصلوة علیهم) شامی بعد ذکر تفصیل از شرح طحاوی گوید: (قوله اعتبر الاکثر لکن یغسلون ویکفنون... ثم قال قوله واختلف فی الصلوة علیهم فقیل لایصلی علیهم ... وقیل یصلی علیهم ویقصد المسلمین [۱])

شرابی وزانی را از شرکت در نماز جنازه نباید منع کرد: سوال: ۶۳۶ شخص شارب الخمر خورنده مال دزدی، زانی، تارک نماز ومانع زکات از شرکت در نمار جنازه مسلمان منع شود یانه وهمراه با او خورد ونوش صورت گیرد یانه یک مولوی صاحب که نماز جنازه را دعا می داند چنین شخصی را از نماز جنازه برون کرد مولوی صاحب دیگر که نماز جنازه را عبادت می داند فتوی می دهد که نباید چنین شخصی را از نماز جنازه وسائر عبادات مانع شد آیا نماز جنازه دعا است یا عبادت ودر این صورت حکم شرعیت چیست؟

جواب: نماز جنازه هم دعا است وهم عبادت بودن آن آشکار می باشد، زیرا نماز جنازه فرض کفایی است پس چیزی که فرض است چگونه عبادت نخواهد بود واین مسأله اظهر من الشمس می باشد ومانع شدن از ادای فرض جائز نیست هر چند شخص فاسق ومرکب کبائر مثل دزدی زنا شراب وغیره کارهای ناجائز باشد [۲] لذا منع کردن چنین شخصی از نماز جنازه وسائر عبادات جائز نیست واگر او خودش بمیرد بر مسلمانان لازم است که نماز جنازه اش را بخوانند زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده: (صلوا علی کل بر وفاجر [۳]).

اگر میت بر چارپایی باشد خواندن نماز جنازه اش جائز است یانه: سوال: ۶۳۷ خواندن نماز جنازه میتی که بر چهار پایی گذاشته شده باشد جائز است یانه؟

جواب: جائز بلکه اولی می باشد زیرابه حال حمل او قیاس می گردد در الدر المختار آمده: (وان

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج ۱ ص ۸۰۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۰ – ۲۰۱. ظفیر

(۲) فعلی المسلمین تکفینه ﷺ والصلاة علیه صفتها فرض کفایة بالاجماع فیکفر منکرها لانه انکر الاجماع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۱۱، ط. س. ج۲ ص ۲۰۶-۲۰۷). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۱۱، ط. س. ج۲ ص ۲۰۶ – ۲۰۷ . ظفیر

کان کبیراً حمل علی الجنازة...) شیخ ابن الهمام تصریح نموده که پیامبر (ﷺ) نماز جنازه معاویه مزنی را در جایی خواند که جسدش بر سریر بود همچنان شیخ ممدوح در حاشیه هدایه در فصل الصلوة علی المیت می آورد: (واما صلوته ﷺ محلی النجاشی فلانه رفع سریره له حتی راه ﷺ بحضرته فیکون صلوة من خلفه علی میت یراه الامام بحضرته دون المامومین وهذا غیر مانع من الاقتداء [۱] ودر حواشی کنز آمده: (ثم المراد بالمکان الذی اشترطت طهارته اما الجنازة والارض ان لم یکن جنازه فطهارة لارض تشترط اذا وضع المیت بدون الجنازة اما بالجنازة فعدم اشتراط طهارة الارض) وجنازه به سریر میت گفته می شود ودر ترمذی شریف در باب (این یقوم الامام من الرجل والمراة) می آرد: حدثنا عبدالله ابن منیر عن سعید بن شامر عن همام عن غالب قال صلیت مع انس بن مالک علی جنازة رجل فقال حیال رأسه ثم جاو بجنازة امراة من قریش فقالوا یا ابا حمزه صل علیها فقام حیال وسط السریر فقال له العلاء بن زیاد هکذا رأیت رسول الله (ﷺ) قام علی الجنازة مقامک منها ومن الرجل مقامک منه، قال نعم فلما فرغ قال احفظوا [۲]) وکسانیکه فتوی می دهند که میت را از سویر پائین نموده وبر زمین نهاده ونماز جناره را بخوانند شاید این مطالطه ناشی از بعضی از عبارات مبهم تعدادی او متقدمین باشد که آورده اند مثلاً: (وضعه ای علی الارض او علی ایدی قریباً منه بالاعلی محمول علی دابة او غیرها لاختلاف المکان بالمیت کالامام) در حالیکه مراد از (وضع علی الارض) اعم است چه حقیقی باشد یا حکمی ومراد از محمول آن است که بر چیزی جاندار که هنوز او را به زمین ننهاده اند باشد مانند آنکه میت بر دابه باشد که توسط گاو اسپ ویا خر کشیده می شود ویا اینکه بر شانه های مردان بوده واورا بر زمین نگذاشته باشند واینکه میت را مانند امام می گویند مشابه بودن آن از بعضی وجوه است نه از تمام وجوه واگر نه نماز جنازه زنان وکودکان برای مردان جائز نمی بود

---

(۱) فتح القدیر مصری ج۱ ص۴۵۶. ظفیر الدین المفتاحی

(۲) ترمذی باب ماجاء این یقوم الامام ج۱ ص ۱۳۴. ظفیر

چرا که امامت زن وکودک برای مرد صحیح نیست، در کبیری آمده: (هو کالامام من بعض الوجوه) مفتی علامه هما یونی نورا لله مضجعه در فتاوی خود (المراد) گوید: (بوضع المیت علی الارض اعم من یکون حقیقةً او حکما اما الوضع الحقیقی فکما اذا کان نفس المیت موضوعا علی الارض واما الوضع الحکمی فکما اذا کان سریر المیت موضوعاً علی الارض ووزان السریر مع المیت ووزان الکوز مع الما ووزان الصندوق مع المتاع ووزان الحقة مع الدرة فاذا وضع الکوز او الصندوق علی شی فالوضع وان تعلق حقیقة بالکوز والصندوق لکنه تعلق بالماء والمتاع ایضاً حکما ولذا تری العلما ینسبون السرعه والوضع عن اعناق علی المیت وان تعلق حقیقة بالسریر قال العلامه العینی فی شرح الکنز فی فصل الصلوة علی المیت ویجعل به ای یسرع بالمیت وقت المشی بحدیث لا یظطرب علی الجنازة بلا خبب وهو عدو سریع وبلا جلوس قبل وضعه ای قبل وضع المیت علی اعناق الرجال) در غایة الاوطار ترجمه الدر المختار آمده: (پس درست نیست نماز مرده غائب به سبب نبودن شرط وجود ونه بر آنکه مانند سواری بر چیزی بالا کرده شده باشد بر چیزی تایردار یا جانور یا بر شانه های مردم به سبب موجود نشدن شرط گذاشتن برزمین) لذا از این روایات واحادیث صحیحه معلوم شد که نماز جنازه بر میتی که بر سریر گذاشته شده باشد بدون کراهیت جائز بلکه اولی می باشد.

جواب: ازسوی عزیز الرحمٰن صحیح وحق آن است که نماز جنازه بر میتی که بر سریر گذاشته شده باشد وسریر بر زمین باشد جائز است طوریکه در عامه سرزمین ها معروف ومعمول می باشد. فقط

نماز جنازه در چپری مسجد درست است یانه: سوال: ۶۳۸ خواندن نماز جنازه در چپری مسجد جائز است یانه؟

جواب: جواب نماز جنازه در صحن مسجد مکروه است، باید کاملاً برون از مسجد باشد.

هنگام خواندن نماز جنازه اجازه ولی درست است: سوال: ۶۳۹ اینکه در زقت نماز جنازه

از ولی اجازه می گیرند، درست است یانه؟

جواب: کسانیکه در حال موجود بودن ولی حق امامت در نماز جنازه را ندارند باید از ولی اجازه بگیرند.

کسی که تنها نماز های عدین را می خواند بی نماز است اما خواندن نماز جنازه اش درست می باشد: **سوال:** ٦٤٠ خواندن نماز جنازه بی نماز درست است یانه؟ کسیکه تنها نمازهای عیدین را می خواند بی نماز است یا با نماز؟

جواب: خواندن نماز جنازه شخص بی نماز ضرور می باشد، بطور خلاصه باید بگویم که نماز جنازه هر مسلمان گنهگار باشد یانه باید خوانده شود هر چند زانی شراب بی نماز وفاسق باشد وکسیکه صرف نماز عیدین را می خواند نه نماز های پنجوقتی را بی نماز است [1]

اگر کسی بدون نماز جنازه دفن گردد تا چند روز می توان نماز جنازه اش را خواند:

سوال: ٦٤١ اگر نماز جنازه کسی خوانده نشده باشد تاچند روز بعد از دفنش می توان نماز جنازه اش را خواند؟

جواب: تاسه روز حکم نماز خواندن است [2].

اگر در وقت نماز جنازه ای برسد چه باید کرد: **سوال:** ٦٤٢ اگر هنگام نماز ظهر یا در وقت نماز دیگری جنازه ای آورده شود، نخست باید فرض وسنت را خواند وبعد از آن نماز جنازه راو یا اینکه نماز جنازه قبل از سنت خوانده شود؟

جواب: نخست: (الدر المختار چنین نقل نموده که نماز جنازه بر سنت ها مقدم شود ودر شامی آمده که ازقبل از سنت های ظهر عشا وجمعه خوانده شود، سپس الدرالمختار چنین می نویسد:

---

(۱) هی صلاة الجنازة) فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة الخ (درمختار ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰). ظفیر

(۲) ومن دفن ولم یصل علیه صلی علی قبره ما لم یغلب علی الظن انه تفسخ (غنیة المستملی ص ٥٤٦) وقیل یقدر بثلاثة ایام وقیل عشرة وقیل شهر، ط عن الحموی (ردالمحتار باب الجنائز ج۲ ص ۲۲٤). ظفیر

(لکن فی البحر عن الحلبی الفتوی علی تاخیر الجنازة عن السنة [١]) حاصل اینکه فتوی بر آن است که تمام جنازه پس از سنت اداء شود سپس باز بر آن شبه شده است خلاصه انکه در این موضوع اختلاف می باشد پس طوریکه ضرورت باشد همانطور کنید حرجی نیست.

نماز جنازه طفلی که معلوم نگردد که زنده تولد شده یامرده: سوال: ٦٤٣ طفلی بعد از سپری شدت مدت کامل حمل تولد گردیده اما معلوم نشد که زنده تولد گردیده یا مرده نماز جنازه او خوانده شود یانه؟

جواب: اگر کدام علامه ای دیده شود که به زنده تولد شدنش دلالت کند نماز جنازه اش را بخوانید ودر غیر آن نه؟

طفلی که مرده تولده شد نماز جنازه ندارد: سوال: ٦٤٤ یک زن حامله پس از انقضای مدت کامل حمل درد ایمان دبد وطفلش تولد گردید، اما فهمیده نشده که مرده متولد شده یا زنده طفل مذکور بینی، گوش، یک دست، پا، ناخن وغیره مثل سائر انسان ها داشت اما چشم هایش بند بود، طفل مذکور را در زباله ها انداختند، آیا باید چنین طفلی مطابق قواعد شرعی تکفین می شد، نماز جنازه اش خوانده می شد ودفن می گردید یانه؟

جواب: اگر چنین طفلی مرده تولد شود نماز جنازه اش خوانده نمی شود [٢] لیکن باید تکفین وتدفین گردد نه اینکه در زباله ها انداخته شود [٣].

نماز جنازه قوم هیجر باید خوانده شود: سوال: ٦٤٥ نماز قوم هیجر جنازه خوانده شود یانه واگر خوانده شود چطور خوانده شود؟

---

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج١ ص ...... ، ج٢ ص ١٦٧. ظفیر

(٢) ومن ولد ومات یغسل ویصلی علیه الخ ان استهل ای وجد منه مایدل علی حیاته بعد خروج اکثره الخ والا غسل وسمی الخ وادرج فی خرقة ودفن ولم یصل علیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٢٨ – ٨٢٩ – ٨٣١ ، ط. س. ج٢ ص ٢٢٧ – ٢٢٨). ظفیر

(٣) ومن ولدفمات یغسل ویصلی علیه ان استهل والا ای لایستهل غسل وسمی وادرج فی خرقة ودفن ولم یصل علیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج١ ص ٨٢٨ ، ط. س. ج٢ ص ٢٢٧ – ٢٢٨) . ظفیر

جواب: خوانده شود وطوری خوانده شود که از سائر مسلمانان خوانده می شود [١].

تکرار در نماز جنازه مشروع نیست: سوال: ٦٤٦ پیامبر (ﷺ) هفتاد بار یا چندین مرتبه نماز جنازه حمزه (رضی الله عنه) را خواند یا دعا نمود وصحابه هفتاد مرتبه یا چندین بار نماز پیامبر (ﷺ) را خواندند یا دعا نمودند وقاضی بغداد پس از غسل دادن امام اعظم (رح) شش مرتبه قبل از دفن وپس از دفنش تا بیست روز نماز بر نماز خواند؟ بر جنازه شماه عبدالعزیز پنجاو پنج مرتبه نماز جنازه خوانده شد، آنچه در فوق نوشته ام صحیح است یانه؟ در چهار موردی بهه در بالانگاشتم نماز اول فرض کفائی است وباقی مستحب یانه؟ اگر مستحب است اجتماع واهتمام دعا ودعا بر دعا کردن از دلائل فوق ثابت می گردد یا نه؟ آیا فعل پیامبر (ﷺ) وصحابه (رضی) چه معمول وچه تصادفی گاهی بدعت سیه شده می تواند؟

جواب اول: نزد احناف تکرار نماز جنازه مشروع نیست، در الدر المختار آمده: (وان صلی من له حق التقدم کقاض او نائبه او امام الحي او من لیس له حق التقدم وتابعه الولی لایعید.... وان صلی هو ای ولی بحق بان لم یحضر من یقدم علیه لایصلی غیره بعده... [٢]) وکمی پیتشر از آن آمده (ولذا قلنا لیس لمن صلی علیها ان یعید مع الولی لان تکرار ها غیر مشروع ...) همچنان (وان صلی الولی لم یجز لا حد ان یصلی بعد... [٣]) و در هامش رد المختار آمده: (ان تاویل صلوة الصحابة علی النبی (ﷺ) ان ابا بکر (رضی الله عنه) کان مشغولاً بتسویة الامور وتسکین الفتنه فکانوا یصلون علیه قبل حضوره وکان الحق له فلما فرغ صلی علیه ولم یصل احد بعد [٤]).

از این عبارت تأویل نماز صحابه معلوم گردید اما نماز پیامبر (ﷺ) چند بار حمزه (رضی الله عنه) اگر

---

(١) وهی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع طریق الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨١٤، ط. س. ج٢ ص ٢١٠). ظفیر

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلٰوة الجنائز ج١ ص ٨٢٦. ط. س. ج٢ ص ٢٢٣. ظفیر

(٣) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٢٦. ط. س. ج٢ ص ٢٢٣. ظفیر

(٤) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص٨٢٥، ط. س. ج٢ ص ٢٢٢. ظفیر

ثابت شود خصوصیت پیامبر (ﷺ) می باشد وبرای دیگران مشروع نیست خداوند متعال فرموده است: (ان صلوتک سکن لهم) وبر جنازه امام اعظم یا حضرت شاه عبد العزیز اگر بالفرض نماز تکرار شده باشد به تکرار کنندگان مربوط بوده وبر احناف حجت نیست. والله اعلم- عزیز الرحمن مفتی دار العلوم دیوبند.

جواب دوم: تکرار نماز بر پیامبر (ﷺ) خصوصیت خود ایشان است وبر حمزه (رضی الله عنه) اصلاً نماز تکرار نشده است ، یکبار نماز جنازه او خوانده شد سپس از سائر شهدا اما جنازه حمزه (رضی الله عنه) همانجا گذاشته شده بود بدین جهت بی راوی آنرا به هفتاد نماز تعبیر کرده است ومراد از نماز را تکبیر گرفته است، غیر از این در سوال روایت دیگر حدیثی یا مذهبی نیست که به آن جواب داده شود، احقر انورشاه کشمیری عفا الله عنه.

شخصی مسلمان شده اما اسلام خود را ظاهر نکرده مسلمان است یانه: سوال: ٦٤٧ یک نفر هندو به طور پنهانی مسلمان گردیده، نماز ودیگر احکام شریعت را انجام می دهد اما در ظاهر همچنان هندو می باشد ودر خانه والدین خود که هندو هستند زندگی می کند وهمراه با ایشان خورد ونوش می نماید اما به دلیل ازدواج یا تقسیم جایداد یا وجه دیگری ظاهراً مسلمان شده است، آیا او مستحق مسلمان گفتن است واگر بمیرد خواندن نماز جنازه او درست می باشد یا نه؟

جواب: چون اوکلمه توحید را خوانده واحکام اسلام را قبول گرده مسلمان است او نزد خداوند مسلمان می باشد، او باید مسلمان شمرده شود ونماز جنازه اش اداء گردد [1].

طفلی که زنده تولد گردد تکفین ونماز جنازه اوضرور می باشد: سوال: ٦٤٨ طفلی فقط بعد ازسپری شدن شش ماه متولد گردید. وهنگام تولد زنده بود وبعد از کمی حرکت ویک مرتبه

---

(۱) والایمان هو الاقرار ای بلسانه بالتحقیق والتصدیق ای بالجنان (شرح فقه اکبر ص ۱۰۳). ظفیر

گریه چند دقیقه بعد مرد والدینش او را در ظرفی گذاشته وبدون غسل وکفن دفن کردند، آیا غسل تکفین وخواندن نماز جنازه چنین طفلی واجب است یانه؟ وبرای والدین او چه حکمی وجود دارد؟

جواب: غسل تکفین وخواندن نماز جنازه این طفل ضرور بود، والدینش غلط کرده اند واکنون کفاره آن توبه واستغفار می باشد.

اگر هنگام ظهر جنازه آورده شود اول نماز ظهر خوانده شود یا نماز جنازه: سوال:

٦٤٩ در اینجا دختر یک کارمند عالیرتبه دولتی فوت نمود برای نماز جنازه وغیره ساعت ۹ صبح تعین شده بود چنانچه مردم به وقت مبین آمدند اما برخلاف انتظار چند ساعت پیشتر سپری گردید، بسیاری از مردم چون غذا خوردند نرفتند، بعد ازساعت یازده جنازه برداشته شد وساعت دوازده به حضیره رسید قبر آماده بود اکثریت مردم می خواستند که اول نماز جنازه خوانده شود اما زید پافشاری نمود که اول باید نماز ظهر خوانده شود وپس از آن نماز جنازه ایا در حالی که ساعت دوازده باشد ومردم چند ساعت انتظار کشیده وخسته شده باشند وقبر نیز آماده باشد اول خواندن نماز جنازه بهتر است یا نماز ظهر؟

جواب: در این مورد هر دو قول وجود دارد، تقدیم فرض وقت بر نماز جنازه وتقدیم نماز جنازه بر فرض وقت، در الدر المختار آمده: لکن فی البحر قبیل الاذان عن الحلبی الفتوی علی تأخیر الجنازة عن السنة واقره المصنف کانه الحاقاً لها بالصلوة لکن فی آخر احکام دین الاشباه وینبغی تقدیم الجنازة والکسوف حتی علی الفرض مالم یضق وقته [1] بدین ترتیب هر دو قول در شامی مذکور می باشد وعده ای به تقدیم فرض وسنت مؤکده حکم می کنند پس طوری که موقع وضرورت باشد می توان عمل کرد، لذا به شکلی که سوال شده بهتر بود که نماز جنازه اول اداء

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷. ظفیر

شد زیرا وقت نماز ظهر بسیار باقی مانده بود ودر جنازه بسیار تاخیر شده بود.

نماز جنازه شیعه: سوال: ٦٥٠ خواندن نماز جنازه شیعه جائز است یانه؟ ودر مورد نشست وبرخاست با او چه حکمی است؟

جواب: آن فرقه شیعه که سب شیخین ننماید وصحابه را بد نگوید وبه (افک) ام المومنین عایشه صدیقه قائل نباشد وکدام عقیده شرکی دیگر نداشته باشد، نماز جنازه شان خوانده می شود واگر اهل سنت هم در نماز جنازه شان اشتراک یا امامت کند حرجی نیست وهیچ ضرری بر او نمی باشد وهمچنان نشست وبرخاست با ایشان منع نیست.

اگر چندین جنازه از مردان، زنان وکودکان شده باشد نماز جنازه را چگونه باید خواند: سوال: ٦٥١ اگر چندین جنازه از مردان، زنان پسران ودختران در یکجا جمع شده باشد نماز جنازه آن همه را چگونه باید خواند؟

جواب: بهتر آن است علیحده محلیحده خوانده شود واگر نماز جنازه همه یکجا خوانده شود بازهم درست است واگر جنازه بالغان ونابالغان هر دو باشد هر دو دعا را بخوانید [1].

گذاشتن میت به امانت درقبر: سوال: ٦٥٢ گذاشتن میت به امان در قبر برای هر مدتی که باشد طریقه مسنونه است یانه؟

جواب: این طریقه مسنون نبوده ودرست هم نیست.

نماز جنازه عقب شیعه وشافعی مذهب درست است یانه: سوال: ٦٥٣ اقتدای مقتدی حنفی مذهب در نماز جنازه به امام شافعی مذهب یا شیعه در است یانه؟

جواب: برای حنفی مذهب اقتدا به امام شافعی درست بوده وبه امام شیعه درست نیست. فقط

---

(۱) واذا اجتمعت الجنائز فافراد الصلاة علی کل واحدة اولی من الجمع وان جمع جاز الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۱۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۸). ظفیر

چرا در روز چهارم نماز بر قبر جائز نیست: **سوال**: ٦٥٤ تا سه روز بر مرده در قبر نماز خوانده می شود روز چهارم چرا خوانده نمی شود؟

جواب: چون بعد از این مدت غالباً جسم مرده سالم نمی ماند لذا چنین حکم شده است [1].

نماز دو جنازه یکبار: **سوال**: ٦٥٥ نماز دوجنازه را یکجا منی توان خواند یانه طوریکه یکی مرد ودیگری زن یا یکی زن ودیگری پسر یا دختر ویا یک مرد ودیگری پسر یا دختر؟

جواب: بهتر آن است که نماز جنازه هر یک جداگانه خوانده شود واگر یکجا خوانده شود هم درست است [2].

نماز جنازه بعد ازنماز عید وقبل از خطبه: **سوال**: ٦٥٦ بعد از ادای نماز عید وقبل از خطبه نماز جنازه به کراهیت جائز است یا بدون کراهیت یاخلاف اولی است؟

جواب: درالدر المختار آمده که نماز عید قبل ازنماز جنازه خوانده شود ونماز جنازه قبل از خطبه پس مقدم کردن نمازجنازه بر خطبه عیدین ضرور است [3].

درنماز جنازه پس ازتکبیر سوم یک سلام گشتانده وپس از تذکر دوباره تکبیر گفت حکم آن چیست: **سوال**: ٦٥٧ در نماز جنازه بدون گفتن تکبیر اخیر امام سلام گشتاند وباز از یاد دهانی تکبیر اخیر را گفت وبعد از آن دوباره سلام گشتاند، آیا نماز شده است؟

جواب: در این صورت نماز شده است [4].

---

(۱) صلی علی قبره استحسانا ما لم یغلب علی الظن تفسخه (درمختار) انه دار الامربین التفسخ المقتضی عدم الصلٰوة وبین عدمه الموجب لها الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٤). ظفیر

(۲) اذا اجتمعت الجنائز فافراد الصلاة علی کل واحدة اولی من الجمع الخ وان جمع جاز (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸۲۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۸). ظفیر

(۳) وتقدم صلاتها علی صلاة الجنازة إذا اجتمعا لانه واجب عینا والجنازة کفایة وتقدم صلاة الجنازة علی الخطبة وعلی سنة المغرب وغیرها والعید علی الکسوف، لکن في البحر قبیل الاذان عن الحلبي الفتوی علی تأخیر الجنازة عن السنة، واقره المصنف ؒ قوله: علی الخطبة أي خطبة العید وذلک لفرضیتها وسنیة الخطبة، وکذا یقال في سنة المغرب (ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵، ط. س. ج۲ ص۱٦۷). ظ

(٤) ورکنها شیئان التکبیرات الاربع الخ والقیام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱۳ ، ط. س. ج۲ =

نماز جنازه ای که به اجوره خوانده شود جائز می گردد یانه: سوال: ٦٥٨ اگر نماز جنازه به اجوره خوانده شود اداء می شود یانه واز نماز گزاران فرض کفایه ساقط می گردد یانه؟

جواب: نماز جنازه اداء می شود وفرضیت ساقط می گردد اما گرفتن اجوره در حق گیرنده حرام ومعصیت است وآنچه معروف می باشد اگر به حکمی مشروط شد حرام می گردد [۱].

از شدت گرمی اگر نماز بر فرش مسجد خوانده شود، درست است یانه: سوال: ٦٥٩ در روز جمعة الوداع ماه مبارک رمضان در مسجد جامع جنازه ای آورده شد تعداد نماز گزاران نهایت زیاد بود، اگر نماز جنازه برون از مسجد خوانده می شد به علت موجودیت قبر ها ودرختان صفوف راست نمی شد وآفتاب اذیت کننده بود در اینصورت خواندن نماز جنازه بر فرش مسجد جائز است یانه وموجب حصول ثواب خواهد شد یانه؟

جواب: صحیح آن است که نماز جنازه بر فرش مسجد مکروه می باشد ودر حدیث آمده که با خواندن نماز جنازه در مسجد ثواب حاصل نمی گردد [۲].

با وجود عذر اگر کسی نماز جنازه را در برون بخواند چه حکم دارد: سوال: ٦٦٠ اگر با وجود تکالیفی که در سوال قبلی ذکر شد کسی جنازه را از مسجد بیرون نموده ودر بیرون نماز جنازه اش را بخواند چه حکم دارد؟

جواب: حکم شریعت همچنین است که جنازه را از مسجد بیرون کرده ونمازش را اداء نماید

= ص ۲۰۹)،. ظفیر

(۱) ولا یجوز اخذ الاجرة علی الطاعة کالمعصية، وفيه أن اخذ الاجرة على الطاعة لا يجوز مطلقا عند المتقدمين، وأجازه المتأخرون على تعليم القرآن والاذان والامامة للضرورة، كما بين في محله، ومقتضاه عدم الجواز هنا وإن وجد غيره لانه طاعة تعين او لا، ولا يختص عدم الجواز بالواجب نعم الاستنجار على الواجب غير جائز اتفاقا لخ وعبارة الفتح ولا يجوز الاستنجار على غسل الميت، ويجوز على الحمل والدفن، وأجازه بعضهم في الغسل أيضا (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ٨٠٤ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۹ — ۲۰۰). ظفير

(۲) وكرهت تحريما وقيل تنزيها فى مسجد جماعة هو اى الميت فيه وحده اومع القوم واختلف فى الخارجة عن المسجد وحده اومع بعض القوم والمختار الكراهة مطلقا الخ رهو الموافق لاطلاق حديث ابى داود من صلى على ميت فى المسجد فلا صلاة له (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ٨٦٧ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٤ — ۲۲٥). ظفير

واز جمله عذرهای مذکور هیچ یک سبب جواز نماز جنازه در مسجد شده نمی تواند، مذهب صحیح احناف همین است که نماز جنازه در هر حالی در مسجد مکروه می باشد.

بدون عذر خواندن نماز جنازه در مسجد درست است یانه: سوال: ٦٦١ اگر هیچ عذری نباشد بلکه تصادفاً نماز جنازه در مسجد خوانده شود نماز جنازه می شود یانه؟

جواب: نماز جنازه اداء می شود وفرض کفایه ساقط می گردد اما ثواب حاصل نمی شود [۱].

درجایی که چهار طرف قبر باشد خواندن نماز جنازه ونماز فرض مکروه است: سوال: ٦٦٢ درجایی که پیشرو وپشت سر بلکه چهار طرف قبرباشد خواندن نماز جنازه یا فرض مکروه است یانه؟

جواب: در چنین جایی خواندن نماز مکروه است [۲].

خواندن نماز جنازه هیجر وتدفین ایشان در قبرستان مسلمانان جائز است یانه: سوال: ٦٦٣ خواندن نماز جنازه مردم قوم هیچر وغیره که از لواطت وغیره پول بدست می آورند ودفن ایشان در قبرستان مسلمانان وگرفتن خیرات آنها جائز است یانه؟

جواب: در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر) از اینجا معلوم می گردد که باید نماز جنازه هرشخص نیک وبدی خوانده شود فقها نیز نوشته اند که به استثنای باغیان وغیره کل فقها آنها را مستثنی قرارداده اند، باید نماز جنازه هر مسلمانی خوانده شود [۳] اگر چه فاسق وبدکار

---

(۱) من صلی علی میت فی المسجد فلا صلاة له (درمختار) ورواية أحمد وأبي داود فلا شئ له وابن ماجه فليس له شئ وزِوي فلا اجر له وقال ابن عبد البر: هي خطأ فاحش، والصحيح فلا شئ له الخ وليس الحديث نهيا غير مصروف ولا مقرونا بوعيد، لان سلب الاجر لا يستلزم ثبوت استحقاق العقاب الخ لانه علم قطعا أنها صحيحة فهي مثل لا صلاة لجار المسجد إلا في المسجد (رد المحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۲۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲٦). ظفير

(۲) وكذا تكره في اماكن كفوق كعبة وفي طريق ومزبلة ومجزرة ومقبرة ومغتسل وحمام الخ (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار كتاب الصلاة ج۱ ص ۳٥۲). ظفير

(۳) وهي فرض على كل مسلم مات خلا اربعة بغاة وقطاع طريق الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۱٤، ط. س. ج۲ ص۲۱۰). ظفير

باشد پس چون هیجر از جمله اقوام مسلمان می باشد، باید نماز جنازه ایشان خوانده شود اگر چه به علت انجام افعال شغیه فاسق هستند وباید پس از خواندن نماز ایشان در قبرستان مسلمانان دفن گردند وغیر از این باید در مجالس ایشان شرکت نکرد ودعوت ایشان به طعام غیره درست نیست صرف تجهیز وتکفین آنها که حق اسلام می باشد انجام شود ودر غیر آن از ایشان دوری گردد ودر قبرستان مسلمانان دفن شوند؟

طفلی که مذکر بودن وموںث بودنش معلوم نشد چه دعائی برایش خوانده شود: **سوال:** ٦٦٤ زنی در جنگل ولادت نمود ودر حالیکه مادر بیهوش بود جانور طفل او را طوری درید که معلوم نگردید که پسر است یا دختر پس در نماز جنازه اش دعا پسر خوانده شود یا از دختر؟

جواب: دعا پسر خوانده شود اگر دعای دختر خوانده شود نیز جائز می باشد [1].

اگر نماز جنازه خوانده شود وپس از آن چند نفر برسند نمی توان دوباره نماز خواند:

سوال: ٦٦٥ کسی که در نماز جنازه امامت نمود پس از آن ده، پنج نفری بی خبر برسند آیا می تواند دوباره با ایشان نماز بخواند یانه؟

جواب: نمی تواند دوباره بخواند زیرا نماز جنازه تکرار نمی شود [2].

کسانیکه نماز جنازه را یاد ندارند در نماز جنازه شرکت کنند یانه: **سوال:** ٦٦٦ کسانیکه نماز جنازه را یادندارند در نماز جنازه شرکت کنند یانه واگر شرکت کنند چه بخوانند؟

جواب: کسانی که ترتیب نماز جنازه را نمی دانند هم در نماز جنازه شرکت کنند وهمراه با تکبیر امام تکبیر بگویند و اگر دعای ماثوره را یادندارند به جای آن (اللهم اغفرلنا ولوالدینا وله وللمومنین والمومنات) را بخوانند درست است [1].

---

(١) ولایستغفر للصبی ولکن یقول اللهم اجعله لنا فرطاً واجعله لنا اجراً وذخرا الخ (هدایه باب الجنائز فصل فی الصلوٰة ج١ ص ١٦٣) برآی آنکه ضمیر مذکر به سوی میت برمی گردد وضمیر مونث به تاویل به سوی نفس رجعت می کند.

(٢) وان صلی الولی لا یجز لاحد ان یصلی بعده الخ حتٰی لایجوز الاعادة لا لسلطان ولالغیره (ردالمحتار باب الجنائز ج١ ص ٨٢٦ ، ط. س. ج٢ ص ٢٢٣). ظفیر
=

در جنازه تاخیر بهتر نیست: سوال: ۶۶۷ در تیار کردن جنازه عمداً تأخیر چه حکم دارد؟

جواب: درالدرالمختار آمده: (واذامات تشد لحیاه وتغمض عیناه... ویسرع فی جهاز ودر حدیث ابو داود آمده: (فاذا مات فاذ نونی حتی اصلی علیه وعلجوا به [۲]) پس معلوم گردید که درتجهیز وتکفین نباید تأخیر کرد زیرا عجله مستحب است.

نماز جنازه شخصی که خود کشی می کند: سوال: ۶۶۸ شخصی که خود کشی می کند خواندن نماز جنازه اش جائز است یانه؟

جواب: در الدرالمختار آمده: (من قتل نفسه ولو عمداً یغسل ویصلی علیه [۳]، یعنی کسیکه خود را کشت اگر چه عمداً چنین کرده باشد غسل داده شود ونماز جنازه اش خوانده شود.

اول نماز ظهر خوانده شود یا نماز جنازه: سوال: ۶۶۹ بعد از زوال اول نماز ظهر خوانده شود یا نماز جنازه وخصوصاً برای ولی اولی کدام است؟

جواب: اول نماز ظهر همراه را سنت بخوانید بعد از آن نماز جنازه را بخوانید وحکم برای ولی غیر ولی برابر است اما اگر گاهی به اساس ضرورت اول نماز جنازه خوانده شود حرجی نیست اما بهتر چنان می باشد که نخست نماز ظهر خوانده شود، چنانچه در الدر المختار همچنین آمده است. [۴] فقط

صف نماز جنازه باید متصل باشد: سوال: ۶۷۰ مقتدیان در نماز جنازه به فاصله از یکدیگر ایستاده شوند یا مانند نماز های وقتیه متصل هم بایستند؟

---

(۱) ثم الفاد ان من لم یحسن الدعاء بالماثور یقول اللهم اغفرلنا ولوالدینا وله وللمومنین والمومنات (ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸۱۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۲). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۹۸ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۳. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج۱ ص۸۱۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۱. ظفیر

(٤) وتقدم صلاتها علی صلاة الجنازة اذا اجتمعا الخ لکن فی البحر قبیل الاذان عن الحلبی الفتوٰی علی تاخیر الجنازة عن السنة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب العیدین ج۱ ص ۷۷۵، ط. س. ج۲ ص ۱٦۷). ظفیر

جواب: صف باید متصل باشد مانند جماعت فرائض وقتیه.

نماز دو چهار جنازه یکجا: سوال: ٦٧١ با خواندن نماز دو چهار جنازه یکجا نماز می شود یانه؟ اگر یک دو تکبیر نماز جنازه از مقتدی فوت شود بعد از سلام گرداندن امام تنها تکبیر بگوید یا دعا هم بخواند؟

جواب: یکجا خوّاندن نماز جنازه دوچهار، ده وبیست میت صحیح می باشد ونماز همه اداء می شود اگرچه بهتر علیحده علیحده خواندن می باشد، در الدرالمختار آمده: (واذا اجتمعت الجنائز فافراد الصلوة علی کل واحدة اولی.... وان جمع جاز) [1] و کسیکه بعداً در نماز جنازه داخل می شود، بعد از فراغت امام صرف تکبیرات راگفته وسلام بگرداند واگر تشویش برداشتن جنازه باشد طوریکه اکثراً چنین می باشد دعا نکند وچنین چیزی در الدر المختار آمده است [2].

درمیان تکبیر چهارم وسلام دعائی نیست: سوال: ٦٧٢ در نماز جنازه درمیان تکبیر چهارم وسلام خواندن دعا جائز است یانه؟ در بعضی از کتب احناف آنرا جائز نوشته اند وبعضی دیگر ناجائز؟

جواب: ظاهر مذهب احناف آن است که بعد از تکبیر چهارم دعائی نیست لهذا ترک آن احوط است اگر چه در جواز آن نیز روایاتی وجود دارد، در الدر المختار آمده: (ویسلم بلا دعاء) ودر شامی: (قوله بلا دعاء هو ظاهر المذهب [3].

هنگام غروب آفتاب نماز جنازه دوست است یانه: سوال: ٦٧٣ شخصی نماز جنازه را هنگام غروب می خواند آیا شخصی مذکور مصیب است و آیا در نماز جنازه اجری است واعاده نماز جنازه لازم است یانه؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٦۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۸. ظفیر

(۲) ثم یکبر ان مالاتهما بعد الفراغ ان خشیا رفع المیت علی الاعناق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب الجنائز ج۱ ص ۸۲۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱٦). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلوة الجنائز ج۱ ص ۸۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۳. ظفیر

جواب: آن شخص در ادای نماز جنازه مصیب است واجر نماز جنازه را حاصل می کند وحاجت اعاده نیست بلکه اعاده جائز نیست ودر شامی از شرح منیه نقل گردیده: (بخلاف ظهور ها فی وقت مکروه ... ای تجوز الصلوة علیها فی هذا الصورة بلا کراهة [۱]).

اگر در اوقات مکروهه جنازه بیاید چه حکمی وجود دارد: سوال: ٦٧٤ اگر جنازه در وقت مکروه بیاید آیا رسیدن مذکور در حکم (اذا حضرت) د اخل است یانه؟

جواب: داخل نیست.

صرف زنان می توانند نماز جنازه را بخوانند یانه واشتراک ایشان درجماعت مردان چه حکم دارد: سوال: ٦٧٥ آیا صرف زنان می توانند نماز جنازه را بخوانند یانه؟ واشتراک زنان در جماعت مردان درست است یانه؟

جواب: درشامی از فتح القدیر منقول است که جماعت زنان تنها در نماز جنازه مکروه نیست [۲] ونماز جنازه اداء می شود حتٰی اگر یک زن تنها نماز جنازه را بخواند باز هم فرض ساقط می گردد: (واعلم ان جماعتهن لاتکره فی صلوة الجنازه [۳]، وحاضر شدن زنان درجماعت مردان مطلقاً مکروه می باشد طوریکه در الدر المختار آمده: (ویکره حضورهن الجماعة [٤]).

فصل ششم : قبر، دفن ومسائل مربوط به آنها

در زمین ریگی ساختن لحد ازخشت خام چه حکم دارد: سوال: ٦٧٦ در زمین ریگی قبر درست نمی ماند بلکه پس تیار شدن یا هنگام انداختن خاک می افتد، درچنین حالتی اگر لحد از خشت خام ساخته شود شرعاً جائز است یانه؟

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصلٰوة تحت قوله: وفی التحفة الافضل ان لاتؤخر الجنازة ج۱ ص ٣٤٦ ، ط. س. ج۲ ص ۱٦٧. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الامامة تحت قوله ویکره تحریما جماعة النساء ولوفی التراویح فی غیر صلاة الجنازة لانها لم تشرع مکررة ج۱ ص ٥٢٨ ، ط. س. ج۲ ص ٥٦٥. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص ٥٢٩ ، ط. س. ج۲ ص ٥٦٦. ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ٨٣٧ ، ط. س. ج۲ ص ٥٦٦. ظفیر

جواب: در چنین حالتی ساختن لحد از خشت خام جائز بوده وسنت لحد توسط آن اداء می شود وهیچ کراهیتی نخواهد داشت، زیرا حکم گذاشتن خشت خام وبستن دهن لحد توسط آن از حدیث وفقه ثابت می باشد ودر قبر پیامبر (ﷺ) خشت خام استعمال گردیده است پس اگر به اساس صورت مذکور درهر طرف لحد خشت خام گذاشته شود بدون شبه جائز ومستحب می باشد طوریکه از عبارات کتب فقه ظاهر است: (ویسوی اللبن علیه [1]) الدر المختار (ای علی اللحد بان یسد من جهة القبر ویقام اللبن فیه....) شامی ولاباس من اتخاذ تابوت ولومن حجر او حدید له عند الحاجة کرخاوة الارض.... الدر المختار ودر ردالمختار آمده: ولاباس باتخاذ تابوت.... ای یرخص ذلک عندالحاجة والاکره کما قدمناه آنفاً قال فی الحلیة نقل غیر واحد عن الامام ابن الفضل انه جوزه فی ارا ضیهم لرخاوتها وقال لکن ینبغی ان یفرش فیه التراب وتطین الطبقة الالی ممایلی المیت ویجعل اللبن الخفیف علی یمین المیت اویساره لیصیر بمنزلة اللحد والمراد بقوله ینبغی یسن [2]) از بخش آخر این عبارت شامی معلوم می شود که حصه ای که در سوال درج است عیناً مطابق سنت بوده وشبه هیچ نوع کراهیتی در آن وجود ندارد، زیرا که چنین چیزی حقیقتاً خود لحد است وصرف به خاطر نیفتادن لحد هر طرف خشت خام گذاشته شده که خلاف سنت نیست پس با اینکار عمل به سنت به خوبی حاصل می گردد که مطلوب می باشد. فقط

از ورثه میت خط گرفتن که فاتحه ونشانه قبر نباشد چه حکم دارد: سوال: ۶۷۷ یک قبر در جایی قرار دارد وقبر مذکور کاملاً جدید می باشد ومردم آنجا از ورثه میت به جبر خط گرفته اند که به این شرط اجازه دفن است که اجازه فاتحه وغیره داده نشود ونشانه قبر نیز قصداً طوری از بین برده شود که هیچ علامه باقی نماند تا مردم آنجا نماز نخوانند وتا قبر مانع رفت

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۶. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۶ ، ط.س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

وآمد مردم نگردد ودرنماز خواندن مشکل پیش نکند، لذا از میان بردن علامه قبر به دلائل مذکور وخط گرفتن از ورثه میت به جبر به اساس شریعت جائز است یانه وکسیکه علامه قبر جدید را ازمیان می برد شرعاً خاطی است یانه؟

جواب: قبر را مسنم یعنی به شکل سنام (کوهان) اشتر ساختن مسنون ومستحب است وعده ای آنرا لازم وواجب گفته اند صاحب بدائع گوید: (وفی الظهیریة وجوباً قدر شبر ای اکثر شیئا قلیلا) ودر شامی آمده: (قوله ویسنم ای یجعل ترابه مرتفعاً علیه کسنام الجمل بماروی البخاری عن سفیان النمار انه رأی قبر النبی (ﷺ) مسنما.... [1]) همچنان در الدر المختار چنین آمده: (ویخیر المالک بین اخراجه ومساواته بالارض [2]) از اینجا معلوم می گردد که اگر در زمین ملکیت کسی بدون اجازه مالک میت دفن گردد پس مالک اختیار دارد که میت مذکور را از آنجا برون کند یا زمین را هموار نماید که شکل قبر باقی نماند، پس اگر در زمین ملکیت کسی اراده دفن کردن میت باشد مالک زمین می تواند چنین شرط هایی را بگذارد، اما در قبرستان موقوفه هیچ کسی نمی تواند چنین کند یا بر چنین شرایطی خط بگیرد والله اعلم.

بعد از دفن نمی توان میت را از قبر کشید: **سوال**: ٦٧٨ آیا در بعضی حالات می توان مرده را از قبر کشید یانه، اگر می توان چنین کاری کرد در چه حالاتی خواهد بود؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ولا یخرج منه بعد اهالة التراب الالحق آدمی کان تکون الارض مغضوبة واخذت بشفعة ویخیر المالک بین اخراجه ومساواته بالارض کما جاز زرعه والبناء علیه اذا بلی وصار ترابا [3]) مفهوم این عبارت آن است که بعد از خاک انداختن میت را نمی توان از قبر برون کرد مگر به دلیل حقوق العباد مثلاً اینکه زمین مغضوبه باشد یا در زمین شخصی بدون

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳٦. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤۰ ج۲ ص ۲۳۸. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤۰ . ط. س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

اجازۂ مالک دفن شده باشد در آنصورت مالک اختیار دارد که میت را از آنجا برون کند یا زمین را هموار نماید ونگذار که برای قبر نشانه بسازند، پس همین عبارت جواب سوال مذکور می باشد. فقط

تدفین در زمین دیگران بدون اجازه: سوال: ۶۷۹ اگر شخصی بدون آنکه ازمالک بپرسد میت را در زمین کسی دفن کند، در این حالت شرعاً چه حکمی وجود دارد ومرده عذاب خواهد شد، یانه ومالک زمین مستحق اجر وثواب خواهد بود یانه؟

جواب: اگر در زمین کسی بی اجازه مرده دفن گردد، مالک زمین می تواند میت را ازآن بکشد یا زمین را هموار کند وازآن کار گیرد. مرده با اینکار عذاب نمی شود واگر مالک به رضا اجازه دهد ثواب حاصل می کند در الدر المختار آمده: (ویخیر مالک بین اخراجه ومساواته بالارض کما جاز زرعه والبناء علیه اذا بلی وصادر تراباً [1]).

تکفین وتدفین زن شیعه: سوال: ۶۸۰ اگر در خانه شخص سنی زن شیعه باشد وبمیرد، آیا لازم است که تکفین وتدفین گردد ونماز جنازه اش خوانده شود یانه؟

جواب: شیعه چندین نوع است عده ای شیعه غالی هستند که تکفیر شده اند، پس اگر آن زن از این فرقه باشد نماز جنازه وهیچ کار دیگری نشود بلکه مانند کفار در جایی دفن گردد اما اگر چنان نبوده وفقط از جمله تفضیلیه باشد، باید مانند مسلمانان تجهیز وتکفین گردد ونماز جنازه اش خوانده شود [2].

قبری بنشیند ثبوت خاک انداختن بر آن چیست: سوال: ۶۸۱ قبری که بنشیند یا کاملاً با زمین یکسان شود وفرق نگردد آیا خاک انداختن بر آن مستحب است تا از زمین فرق گردد واز

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

(۲) بخلاف ما اذا کان یفضل علیا اویسبب الصحابة فانه مبتدع لا کافر (ردالمحتار باب المحرمات ج۲ ص ۳۹۸ ، ط. س. ج۳ ص ۴۶ ظفیر الدین غفر الله له

اهانت یعنی راه رفتن بر آن وغیره حفاظت شود سند این مسأله را از شامی وغیره کتب فقه لطف نمائید.

جواب: چنین تصریحی در شامی وغیره کتب فقه به نظر نرسید که خاک انداختن بر آن مستحب باشد البته جواز آن از علت ثابت شده می تواند که در جواز کتابت بر قر منقول است در شامی آمده: (وان احتیج الی الکتابة حتی لا یذهب الاثر ولا یمتهن فلا باس [1]) همچنان در شامی وشرح منیه چنین آمده: (ولا یزاد علی التراب الذی خرج من القبر وتکره الزیادة وعن محمد لا باس بها [2]) اگر چه روایت (حشی التراب فی القبر) آمده اما از عموم آن این استدلال شده می تواند که خاک دیگری را بر قبر انداختن مطابق روایت امام محمد در (لاباس) داخل می باشد.

اگر زن حامله ای بمیرد آیا می توان شکمش را درید وطفل را بیرون آورد یانه: سوال:

٦٨٢ اگر زن درحالی که چهار ماهه شش ماهه، هفت ماهه یا نه ماهه حامله باشد وبمیرد آیا می توان شکمش را درید وطفل را بیرون آورد یانه:

جواب: در الدرالمختار نوشته شده که اگرزن حامله بمیرد ودر شکمش طفل زنده باشد وحرکت گند شکمش پاره شود وطفل از آن برون آورده شود، پس وقتی که ازحمل مدتی بگذرد که طفل به حرکت آغاز کند ومادرش بمیرد وپس از مردن مادر بازهم حرکت واضطراب داشته باشد حکم آن چنان است که گفتیم وبرای آن قید مدت وجود ندارد بلکل اگر حامله نه ماهه هم باشد وحرکت طفل در شکمش معلوم نباشد نباید شکمش دریده شود بلکه مدار زنده بودن طفل برحرکت واضطراب می باشد نه بر مدت حمل چنانچه عبارت الدر المختار چنین می باشد: (حامل ماتت وولدها حی یضطرب شق بطنها من الایسر ویخرج ولدها [3]) یعنی اگر زن حامله

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

(۲) غنیة المستملی شرح منیة المصلی ص٥٥٤، ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳٦.

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸٤٠ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸. ظفیر

بمیرد وطفل درشمکش زنده بوده وحرکت کند از کنار چپ شکم زن را شق کرده وطفل ازآن کشیده شود.

وسعت وارتفاع لحد چه قدر است: **سوال**: ٦٨٣:لحد قبر به چه اندازه وسعت وارتفاع داشته باشد؟

جواب: درباره لحد همین قدر حکم است که به اندازه ای وسیع وفراخ باشد که مرده به خوبی درآن خوابانده شود اما حدی برای آن تعین نشده ومشهور آن است که ارتفاع آن به اندازه ای باشد که بتوان میت را در آن نشاند اما شرط ضروری نیست [۱].

استعمال سنگ به جای تخته درقبر چه حکم دارد: **سوال**: ٦٨٤ استعمال سن به جای تخته در قبر جائز است یانه؟

جواب: به ضرورت جائز است [۲].

رواج غلط در ارتباط باقبر: **سوال**: ٦٨٥ در وقت دفن میت خاک دست مسلمانان را در زیر سرو خاک دست امل هنود را ز یر با گذاشتن وبر آن تخته نهادن وقبر تیارکردن جائز است یانه؟

جواب: برای مسلم ساختن لحد مسنون می باشد واگر به علت نرم بودن زمین لحد ساخته نشود، میان قبر مانند صندوق شق گردد ومیت در آن نهاده شده وبالایش تخته گذاشته شود بازهم درست است، امور دیگر که خلاف سنت می باشد باید ترک گردند.

اطراف قبر را پخته نمودن ونصب سنگ برآن چه حکم دارد: **سوال**: ٦٨٦ زید برای حفاظت ونشانه اطراف قبر پدر مرحوم خود را پخته نموده ومیان آنرا خام گذاشته وبر سن مرمر

---

(۱) واللحد، ان یحفر فی جانب القبلة من الارض حفیرة فیوضع فیها المیت وینصب علیها اللبن ویلحد لانه السنة وصفته یحفر القبر ثم یحفر فی جانب القبلة منه حفیرة فیوضع فیها المیت ویجعل ذلک کالبیت المسقف (رد المحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۵ - ۸۳٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۵ - ۲۳٦) . ظفیر

(۲) ویسوی اللبن علیه والقصب لا الاجر المطبوخ والخشب لو حوله اوفوقه فلا یکره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳٦). ظفیر

تاریخ را کنده کاری نموده، آیا صورتی برای جواز آن وجود دارد یانه؟

جواب: شامی از صحیح مسلم این حدیث را ن قل نموده: (نهی رسول الله (ﷺ) عن تخصیص القبور وان یکتب علیها وان یبنی علیها [۱]) یعنی منع موده پیامبر (ﷺ) از پخته کردن قبر ها واز نوشتن برآن واز تعمیر کردن آن پس چیزی که در سوال پرسیده شده شرعاً درست نیست.

هموار کردن قبر پخته چطور است: سوال: ۶۸۷ در صحن دوکان زید یک قبر خامه سابقه وجود داشت، بعضی از مردم بدون اگاهی زید آنرا پخته نمودند ومعلوم است که پس از این بر آن چراغ روشن خواهد شد وآنرا پرستش خواهند نمود آیا شرعاً بر زید واجب است که قبر مذکور را هموار کند؟

جواب: زید می تواند این قبر را ویران نموده وهموار کند وانجام اینکار درست بوده وپخته گذاشتن آن جائز نیست [۲].

ازقبری که استخوان برآید آیا می توان میت را در آن دفن کرد: سوال: ۶۸۸ در جایی قبر کنند از آن استخوان مرده برآمد دفن کردن مرده جدید در آن جائز است یانه؟

جواب: استخوان ها را یک طرف گذاشتن ودفن نمودن میت جدید در آن درست است [۳].

زمین وقف قبرستان رابه کرایه دادن وزن را برای جارو کشی مقرر کردن درست نیست:

سوال: ۶۸۹ هنده به حیث جاروکش در قبر یک شخصیت بزرگ کار می کند نزدیک این

---

(۱) مشکوٰة باب دفن المیت ص ۱۴۸، وردالمحتار باب صلوٰة الجنائز ج۱ ص۸۳۸، ط.س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

(۲) ولا یطلی للنهی عنه ولایرفع علیها بناء (درمختار) ای لایطلی بالجص بالفتح قوله لایرفع ای یحرم لو للزنیة ویکره لو للاحکام بعد الدفن (ردالمحتار ج۱ ص ۸۳۹، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷) لمافی صحیح مسلم عن جابر قال نهی رسول الله ﷺ ان یجصص القبر وان یبنی علیه (ایضا ج۱ ص ۸۳۸، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷). ظفیر

(۳) کما جاز زرعه والبناء علیه اذا بلی وصار ترابا (درمختار) زرعه ای القبر ولو غیر مغصوب وکذا یجوز دفن غیره علیه (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۰، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸) قال في الفتح: ولا یحفر قبر لدفن آخر إلا إن بلي الاول فلم یبق له عظم إلا أن لا یوجد، فتضم عظام الاول ویجعل بینهما حاجز من تراب الخ فالاولی إناطة الجواز بالبلاء، إذا لا یمکن أن یعد لکل میت قبر لا یدفن فیه غیر وإن صار الاول ترابا لا سیما في الامصار الکبیرة الجامعة، وإلا لزم أن تعم القبول السهل والوعر، علی أن المنع من الحفر إلی أن لا یبقی عظم عسر جدا الخ (ردالمحتار مطلب فی الدفن ج۱ ص ۸۳۵، ط. س. ج۲ ص۲۳۳). ظفیر

زیارت قبر های مسلمانان قرار دارد، قبر های مسلمانان را ویران نمودن وزمین را هموار کرده وبرای گرداندن آسیا توسط ماشین آنرا به کرایه دادند، آیا اینکار جائز است؟ آیا مقرر کردن زن درمقبره بزرگان به حیث جاروکش جائز است یا ناجائز؟

جواب: فقها نوشته اند که درست است که قبرهای سابقه هموار گردد ودر آن تعمیر وزراعت صورت گیرد [(۱)] اما در قبرستان موقوفه هموار کردن قبرها وبه کرایه دادن آن درست نمی باشد [(۲)] زن را به حیث جاروکش در مقابر درست نیست [(۳)].

مرده را جای دیگری بردن ودفن کردن جائز است یانه؟ **سوال**: ۶۹۰ مرده ای را که درجای دیگر مرده باشد آیا می توان به اساس وصیتش به وطن خودش برده ودفن نمود در حالیکه وطن خودش از آنجا پنجاه میل فاصله داشته باشد، آیا اینکار کاملاً حرام است یا مکروه تحریمی یا مکروه تنزیهی؟ دربعضی از احادیث ثبوت آن دیده می شود عبدالرحمن بن ابی بکر (رضی) را صحابه به مکه آورده ودفن گردند، آیا این عمل صحابه برای جواز حجت کافی می باشد یانه؟ شامی والدر المختار نوشته اند که (لاباس به) منظور من آن است که در این مورد فتنه بزرگی برپا شده است لهذا جواز یاعدم جواز هرطرفی که راجح باشد طور مفصل تحریر فرمائید.

جواب: در شرح منیه آمده: (ویستحب فی القتیل والمیت دفنه فی المکان الذی مات فیه مقابر اولئک القوم وان نقل قبل الدفن قدر میل اومیلین فلا باس به قیل هذا التقدیر عن محمد یدل علی ان نقله من بلد الی بلد لایجوز او مکروه ولان مقابر بعض البلدان ربما بلغت هذه المسافة ففیه

---

(۱) کما جاز زرعه والبناء علیه اذا بلی وصار ترابا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸). ظفیر

(۲) فاذا تم ولزم لایملک ولایعار ولایرهن (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الوقف ط. س. ج۲ ص ۵۳۱). ظفیر

(۳) وبزیارة القبور وهو للنساء (درمختار) وقیل تحرم علیهن الخ وان کان للاعتبار والترحم من غیر بکاء الخ فلا باس اذا کن عجائز ویکره اذا کن شواب کحضور الجماعة فی المساجد اهـ وهو توفیق حسن (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۲) از اینجا معلوم می شود که جارو کشی زن در زیارت به درجه اول جائز نخواهد بود زیرا امکان فتنه است، والله اعلم. ظفیر

ضرورة ولا ضرورة فی النقل الی بلد آخر وقیل یجوز ذلک مادون السفر لما روی ان سعد بن وقاص مات فی قریه علی اربعة فراسخ من المدینه فحمل علی اعناق الرجال الیها وقیل لایکره فی مدة السفر واما بعد الدفن فلایجوز اخراجه [۱]، وشامی در شرح این قول الدر المختار که گوید: (فلا باس بنقله قبل دفنه) گوید (قیل مطلقاً وقیل الی مادون مدة السفر وقدره محمد بقدر میل او میلین لان مقابر البلاد ربما بلغت هذه المسافة فیکره فیما زاد قال فی النهر عن عقد الفراید هو الظاهر [۲] از این عبارات معلوم است که قبل ازدفن در انتقال میت اختلاف است، عده ای ازعلما آنرا جائز می دانن وتعداد ناجائز ومکروه وظاهراً مراد از مکروه مکروه تحر ی می باشد واینکه مصنف نهر آنرا (هوالظاهر) می گوید ترجیح آنرا اقتضا می نماید.

رو سوی قبله کردن وخواباندن به دست راست در قبر: سوال: ۶۹۱ در قبر روی میت را به سوی قبله نمودن ضرور است یا به پهلوی راست خواباندن سنت است؟

جواب: در کتب فقه نوشته شده: (ویوجه الیها وجوباً) یعنی میت را به سوی قبله متوجه گردانده می شود واینکار واجب است ودر شامی آمده: (فی التحفة بانه السنة [۳]) یعنی (تحفها تصریح نموده که اینکار یعنی روی میت را به سوی قبله کردن سنت است ودر الدر المختار آمده: (وینبغی کونه علی شقه الایمن [۴]) یعنی شائسته است بودن او به دست راست؟

بعد از دفن هفتادَ قدم عقب رفتن ودعا کردن بدعت است: سوال: ۶۹۲ پس از دفن میت هفتاد قدم عقب رفتن ودعا کردن چه حکم دارد؟

جواب: پس از دفن میت هفتاد قدم عقب رفتن ودعا کردن بدعت، مذموم وناجائز می باشد.

---

(۱) غنیة المستملی ص ۵۶۳ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸۴۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۹. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۷ – ۸۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۶. ظفیر

(۴) شامی ، ایضاً حواله بالا. ظفیر

نوشتن کلمه بر کفن: **سوال:** ۶۹۳ برکفن میت با خاک کلمه شریف را می نویسند ودرقبر می گذارند، پس از آن با چوب در خیشت خام کلمه شریف را نوشته نزدیک سر میت به طرف مغرب می گذارند همچنان یکی از حاضرین بر چند مشت خاک چهار قل شریف را می خواند وخاک های مذکور را با میت در لحد می اندازند، این امور جائز است یانه؟

جواب: تمام این امور خلاف شریعت بوده واصلی ندارد وباید ترک گردند.

درتخته قبر دادن کنده از گل پخته چه حکم دارد: **سوال:** ٦٩٤ در الدر المختار آمده: (ویسوی اللبن علیه والقصب الاجر المطبوخ والخشب لو حوله اما فوقه فلا یکره) از این عبارت واضح می گردد که گذاشتن خشت پخته وکنده پخته شده در آتش در اطراف قبر مکروه می باشد واگر ضرورت باشد درست است مشایخ بخارا گفته اند: (لا یکره الاجر فی بلدتنا للحاجة الیه لضعف الاراضی) شامی.

در زمینی که بول ومواد فاضله دیگر باشد خاک انداختن وقبر ساختن چه حکم دارد:

سوال: ۶۹۵ در زمینی که ازمدت ها بول ومواد فاضله افتاده باشد خاک انداختن وبعد از آن میت را در آن دفن نمودن درست است یانه؟

جواب: در حدیث شریف آمده (زکوة الارض یسبها) یعنی زمین نجس با خشک شدن پاک مدی گردد، پس اگر در چنین جایی خاک انداخته شود وزمین خشک باشد پاک بوده ودفن میت در آن درست است.

اذان دادن برقبر بدعت می باشد: **سوال:** ٦٩٦ اذان برقبر میت مسنون است یا بدعت سیئه تحریمیه؟ اگر مسنون باشد عبارت عبارت (الدر المختار باب الاذان وباب الجنائز) وعبارت (مائة مسائل) وعبارت تفسیر (مظهر العجائب) وعبارت (توشیح) وعبارت (درالبحار) را با حروف وصفحه نقل فرموده وبه تصریح جواب بدهید واگر بد عت سیئه تحریمیه باشد پس وجوهاتی را

که زید ذکر می کند مثلاً می گوید اذان تلقین بعد از دفن است، اذان هنگام آمدن منکر ونکیر نفع می دهد، اذان تکبیر است که قبر سعد بن معاذ شده واز احادیث اذا رأیتم الحریق فکبروا ثابت می باشد، اذان دعا است، اذان عمل صالح است، اذان سبب اجابت دعا است، اذان ذکر رسول الله است اذان سبب رحمت است، اذان دافع وحشت میت می باشد، اذان دافع غم وهم می باشد؟

جواب: اذان گفتن بر قبر خلاف سنت وبدعت سیئه می باشد طوریکه ازتصریحات فقها ثابت است ووجوهی که زید بیان می کند همه باطل اند وبرعدم تدبر وجهل او دلالت می نماید اذانِ بی شک ذکر است اما برای هر ذکری جایی را که شارع (علیہ السلام) تعین نموده وباید در همانجا نگهداشته شود وگر نه تعدی از حدود الله خواهد بود وخداوند عزوجل فرموده است: (ومن یتعدد حدود الله فاولئک هم الظالمون) احداث در دین همین است که کسی از رای وقیاس خود تخیصات وتقیدات مقرر کند ودر موقعی که جای ذگری نیست آنرا بر آنجا معمول به بسازد، چنانچه در حدیث روایت شده: (عن نافع ان رجلاً عطس الی جنب ابن عمر فقال الحمد لله والسلام علی رسول الله قال ابن عمر وانا اقول الحمد لله والسلام علی رسول الله ولیس هکذا علمنا رسول الله (صلی اللہ علیہ وسلم) ان نقول الحمد الله علی کل حال [1]) صاحب لمعات در شرح این روایت می نویسد: (قوله لیس هکذا ای لکن لیس المسنون فی هذه الحالة هذا القول وانما الذی علمنا فیه ان نقول الحمد الله علی کل حال فقط من غیر زیادة السلام فیه الی ان قال فالزیادة فی مثله نقصان فی الحقیقة کما لایزاد فی الاذان بعد التهلیل محمد رسول الله وامثال ذلک کثیرة [2]) پس معلوم گردید که چنین اختراعات از جانب خود در حقیقت ساختن شریعت جدید می باشد، این قیاسات زید در حقیقت مانند آن است که مثلاً کسی در نماز شام به جای سه رکعت چهار رکعت تعیین کند که در قرائت قران، رکوع، سجده، تسبیح، تحمید وغیره که همه اذکار وعبادت اند می باشد. فقط

---

(۱) مشکوٰۃ المصابیح باب العطاس والتثاؤب فصل ثالث ٤٠٦. ظفیر

(۲) حاشیه مشکوٰۃ باب العطاس والتثاؤب ص ٦٠٤ ظفیر

خلاصه آنکه حال مبتدعین همچنین است که یادلائل بیجا امور محدثه مخترعه در دین را جائز می گویند به همین جهت است که پیامبر (ﷺ) بدعت ومبتدع را نهایت مذمت فرموده است، چنانچه می فرماید: (ما احدث قوم بدعة الارفع مثلها من السنة فتمسک بسنة خیر من احداث بدعة [1]) وعن ابراهیم بن میسره قال قال رسول الله (ﷺ) من وقر صاحب بدعة فقد اعان علی هدم الاسلام: رواه البیهقی فی شعب الایمان مرسلاً [2]) پس اذان گفتن بر قبر به اساس قیاسا ت فاسده خود احداث در دین است، در شامی آمده: (تبینه فی الاقتصار علی ذکر من الوارد واشارة الی انه لا یسق الاذان عند ادخال المیت فی قبره کما هو المتعاد الان وقد صرح ابن حجر فی فتاواه بانه بدعة وقال من ظن قیاسا علی ندبها للمولود الحاقاً لخاتمة الامر بابتدائة فلم یصب وقد صرح بعض علمائنا وغیرهم بکراهة المصافحة المتعادة عقب الصلوٰت مع ان المصافحة سنة وما ذاک الا لکونها لم تؤثر فی خصوص هذا الموضع فالمواظبة علیها فیه توهم العوام بانهاسنة فیه ولذا منعوا عن الاجتماع لصلوة الرغائب التی احدتها بعض المتعبدین لانها لم توء تر علی هذه الکیفیة فی تلک اللیالی المخصوصة وان کانت الصلوة خیر موضوع [3]).

در خاک انداختن بر قبر کهنه مضایقه ای نیست. سوال: ۶۹۷ اگر قبری بنشیند یا بیفتد آنرا از سر نو درست کردن جائز است یا ناجائز؟

جواب: در اینکار حرجی نیست.

اگر بعد از مکمل شدن قبر کسی بیاید وبر آن خاک بیندازد چه حکم دارد: سوال: ۶۹۸ اگر بعد از خاک انداختن بر میت کسی بیاید برای او خاک انداختن جائز است یانه؟

جواب: پس من از تکمیل شدن قبر به خاک انداختن ضرورت نیست.

---

(۱) مشکوٰة باب الاعتصام بالکتاب والسنة فصل ثالث ص ۳۱. ظفیر

(۲) ایضا . ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب دفن المیت ج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۶. ظفیر

<u>دفن میت در قبر سابقه چطور است</u>: سوال: ۶۹۹ اگر تصادفاً در قبر هنگام لحد کندن استخوان ها یا نعش مرده بیرون شود مرده در آن لحد گذاشته شود یا قبر دیگری کنده شود ودر آن دفن گردد همچنان دیده ودانسته میت را در قبر کهنه دفن کردن چه حکم دارد؟

جواب: دیده ودانسته قبر سابقه را در حال موجود بودن صیت بدون ضرورت کندن جائز نیست واگر تصادفاً در قبری که کنده می شود از آن استخوان ها مرده بیرون آید آنرا یکطرف کنید ودرمیان فاصله ای بسازید ومیت دومی را دفن کنید جائز است، زیرا بعد از پوشیده شدن مرده حکم جواز آن مختار است چنانچه شامی بعد از نقل اقوال علما می نویسد (فالاولی اناطة الجواز بالبلاء اذ لا یمکن ان یعد لکل میت قبر لایدفن فیه غیره [1]) وقبل از (البلاء) اینکار را نا جائز قرار داده چنانچه می نویسد: (وما یفعله جملة الحفارین من نبش القبور التی لم تمل اربابها وادخال اجانب علیهم فهو من المنکر الظاهر)

<u>طفلی که مرده تولد شده چگونه دفن گردد</u>: سوال: ۷۰۰ طفلی که مرده تولد گردیده آیا در قبر برایش لحد ساخته شود یا اینکه در چقوری مانند کفار زیر خاک گردد؟

جواب: چقوری کندن ومرده را در آن انداختن صرف برای کافر یا مرتد گفته شده برای اولاد مسلمان که مرده تولد شده باشد چنین کار کردن در هیچ جایی از نظر نگذشته صرف در ارتباط نماز جنازه وکفن گفته شده: (ادرج فی خرقة ودفن ولم یصل علیه [2]) بلکه اطلاق کلمه دفن ونگفتن حفر مشعر بر آن است که منظور دفن معمول می باشد.

<u>ارتفاع لحد در قبر به چه اندازه باشد</u>: سوال: ۷۰۱ قبر دارای لحد باشد یا صندوق، لحد یا صندوق باید آنقدر ارتفاع داشته باشد که انسان بتواند در آن بنشیند لطفاً از روی سند بگوئید که بالا از لحد یا صندوق باید به چه اندازه عمق داشته باشد مفصلاً تحریر فرمائید که جنگی رفع

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی دفن المیت ج۱ ص ۸۳۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳٤. ظفیر

(۲) ایضا ط. س. ج۲ ص ۲۳۳. ظفیر

گردد.

جواب: در حدیث شریف در این مورد چنین آمده: (واحفروا واوسعاو واعمقوا واحسنوا) یعنی قبر بکنید وآنرا وسیع سازید وعمیق سازید وخوب بسازید، در کتب فقه نوشته شده: (وحفر قبره مقدار نصف قامة فان زاد فحسن [۱]) یعنی عمق قبر به اندازه نصف قد باشد واگر برابر قد باشد بسیار خوب است خلاصه درجه ادنی آن است که به اندازه نصف قد باشد ودرجه اعلی آن است که برابر قد باشد، ودر مورد لحد فقط آمده که وسیع باشد که میت در آن خوابانده شود واین قید نیز ضروری نیست که آنقدر ارتفاع داشته که میت در آن نشانده شود، اگر به این اندازه باشد بهتر است وگر نه حرجی نیست ودر مذهب ما بودن لحد افضل می باشد یعنی در داخل قبر در یک سمت لحد حفر گردد که میت در آن گذاشته شود ودر اینکار جایی یرای جنگ نیست مختصر آنکه قبر را حفر گنید ودر آن لحد بسازید بهتر است واگر به علت نرم بودن زمین داخل قبر شق گردد ودر آن حفره دیگر ساخته شده ومیت در آن گذاشته شود بالای آن بانگس یا خشت خام بگذارید که با آن مسدود گردد این هم درست است وسپس بر آن خاک بیندازید این است طریقهٔ ساختن قبر که جایي برای جنگ درآن وجود ندارد.

قبری که باز شود چطور باید آنرا مسدود کرد: سوال: ۷۰۲ در مناطق کوهستانی قبر ها را به شکل صندوق می سازند وتخته ای که بر می گذارند شش ماه یا یک سال بعد می شکند واجساد اکثراً از قبر ها برون می شود این قبرها را چطور باید مسدود کرد، باید چوب گذاشت وبر آن خاک ریخت یا اینکه مستقیماً به روی جسد خاک انداخته شود؟

جواب: بهتر آن است که چوب یاسنگ گذاشته شده وبر آن خاک انداخته شود [۲].

([۱]) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۸. ظفیر

([۲]) ولا باس باتخاذ تابوت ولو حجر اوحدید له عند الحاجة کرخاوة الارض الخ وتحل العقدة الخ ویسوی اللبن علیه والقصب لا الاجر المطبوخ والخشب لو حوله اما فوقه فلا یکره (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی دفن المیت ج۱ ص ۸۳٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳٤). ظفیر

نهادن سنگ به جای تخته در منطقه بارانی: سوال: ۷۰۳ چون تخته ای که بر قبر ها گذاشته می شود به سبب کثرت بارش به زودی می شکند اگربه جای آن تخته سنگی های هموار گذاشته شود جائز است یا نه؟

جواب: جائز است [۱].

اگر بعد از دفن قبر بنشیند چه باید کرد: سوال: ۷۰۴ اگر هنگام دفن میت هنگامي که نصف قبر تیار شده قبر بنشیند چه باید کرد؟

جواب: در اینصورت در جای دیگر قبر حفر شود ویا همانجا را مجدداً صاف ودرست نمایند.

اگر قبر بعد از گذاشتن میت بنشیند چه باید کرد: سوال: ۷۰۵ اگر قبر بعد از گذاشتن میت وپس از آن خاک افگنده شد، بنشیند آیا مرده را باید از قبر برون کرد وقبری دیگری ساخت؟

جواب: در اینصورت باید میت از قبر کشیده نشود بلکه خاک بالای آن درست گردد، زیرا کشیدن میت از قبر به این وجه درست نیست طوریکه در الدر المختار آمده: (ولا یخرج منه بعد اهالة التراب الالحق آدمی .... [۲]).

در قبر سابقه دفن میت جائز است یانه: سوال: ۷۰۶ در قبر سابقه دفن کردن میت جائز می باشد یانه؟

جواب: درقبر سابقه ای که درآن نشان میت باقی نمانده باشددفن کردن میت دیگر درست است طوریکه درشامی آمده: (وقال زیلعی ولو بلی المیت وصار تراباً جاز دفن فی قبر.... [۳])

---

(۱) ولا باس باتخاذ تابوت ولو حجر اوحدید له عند الحاجة کرخاوة الارض الخ وتحل العقدة الخ ویسوی اللبن علیه والقصب لا الاجر المطبوخ والخشب لو حوله اما فوقه فلا یکره (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی دفن المیت ج۱ ص ۸۳۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۴). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۳۷. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب في دفن المیت ج۱ ص ۸۳۵ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۳۳. ظفیر

در خانه شخص دیگری میت را غسل دادن چطور است: سوال: ۷۰۷ خانه ای ساخته شده بود مگر دروازه نداشت در نزدیک آن خانه در راه زن دیوانه ای وفات کرد، چند نفر مسلمان میت مذکور را برداشته وبه آن خانه برده واو را غسل داده وتکفین کردند وبردند، اجازه اینکار از مالک خانه گرفته نشده بود، اینکار چه حکم دارد زیرا مالک خانه را نهایت آزرده ساخته است؟

جواب: اینکار امر ضروری وبرذمه تمام مسلمانان فرض بود آزردگی صاحب خانه بسیار بیجامی باشد با اینکار چه نقصی به خانه او رسیده است.

به دلیل عذری میت را در تابوت گذاشتن ودفن نمودن وسپس به جای دیگری بردن ودفن کردن چه حکم دارد: سوال: ۷۰۸ اگر به علت عذری میت را در تابوت گذاشته ودر خانه دفن شود وبعد از زائل شدن عذر تابوت برون آورده شود ودر جای دیگری دفن گردد جائز است یانه؟

جواب: بعد از دفن برون آوردن میت یا تابوت درست نیست زیرا در الدر المختار آمده: (ولا یخرج منه بعد اهالة التراب الا لحق آدمی کان تکون الارض مغضوبة او اخذت بشفعة [1]).

هر شخص بر میت چقدر خاک بیندازد: سوال: ۷۰۹: هنگام دفن میت هر نفر باید چقدر خاک بر او بیندازد؟

جواب: دراین مورد محدودیتی وجود ندارد، بهتر آن است که هر نفر سه لپ خاک بیندازد [2].

انداختن خاک بر میت خلاف سنت است: سوال: ۷۱۰ در این مناطق میت را طوری دفن می کنند که یک حفره می کنند ومیت را در آن رو به قبله می گذارند، لحد، شق وغیره نمی نمایند، بلکه مستقیماً برمیت خاک می اندازند، اینکار تا چه حدی درست است؟

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

(۲) ویستحب حثیه من قبل راسه ثلاثا (درمختار) حثیه ای بیدیه جمیعا (ردالمحتار ج۱ ص۸۳۸ ، ط. س. ج۲ ص۲۳۶). ظفیر

جواب: در الدر المختار آمده: (یلحد ...) قوله ویلحد لانه سنة شامی [1] پس معلوم گردید که لحد کندن سنت است ودر صورت متعذر بودن لحد باید داخل قبر شق گردد، بدون لحد وبدون شق مستقیماً بر میت خاک انداختن خلاف سنت است، پس کسانیکه چنین می کنند تارک سنت هستند که باید طریقه سنت به ایشان گفته شود ونصیحت گردند که در آینده چنین نکنند بلکه مطابق طریقه سنت دفن کنند تعلیم دادن احکام شریعت به نادانان بر ذمه علما می باشد این غفلت از علمایی است که طریقه تدفین مطابق سنت را به ایشان تعلیم نکرده اند.

درمورد پخته کردن قبر وساختن قبه شریعت چه می گوید: سوال: ۷۱۱ پخته کردن قبر وساختن قبه بر آن از احادیث ثابت است یانه واگر به اندازه یک بالش بطور آثار ساخته شود در آن حرجی نخواهد بود، واگر ساخته شده باشد ویران کردن چه حکم دارد؟ روضه مبارک چه وقت ساخته شده ؟

جواب: ممانعت از پخته ساختن قبر وساختن چیزی بر آن در حدیث شریف آمده الفاظ حدیث چنین است (نهی رسول الله ﷺ) عن تجصیص القبور وان یکتب علیها وان یبنی علیها) رواه مسلم ودر شامی نقل گردیده (وقیل لایکره البناء اذا کان المیت من المشائخ والعلما والسادات [2]) اما فقها در هیچ جایي حکم انهدام قبور را نکرده اند وابن بعضی از آثار ثبوت قبه معلوم می شود چنانچه منقول است که حضرت عمر (رضی الله عنه) به قبر حضرت ابراهیم (علیه السلام) رسیده در آنجا دو رکعت نفل خوان وحکم انهدام قبه را نفرمود، لذا امر انهدام قبات را هرکسی نموده خوب نکرده وبر قبر علامه ای نهادن از فعل خود آنحضرت (ﷺ) ثابت مي باشد طوریکه در صحاح آمده [3] واز اثر حضرت عمر (رضی الله عنه) معلوم گردید که در آن زمانه نیز قبه وجود داشت وتفصیل

---

(1) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۵. ظفیر

(2) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۳. ظفیر

(3) اخرجه ابوداود باسناد جید ان رسول الله ﷺ حمل حجراً فوضعه عند راس عثمان مظعون وقال: اتعلم به قبر اخی وادفن الیه من مات من اهلی (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸). ظفیر

آن در کتب سیر وجود دارد.

<u>نزدیک سر وپای میت بعضی آیات مخصوص را خواندن چه حکم دارد</u>: سوال: ۷۱۲ هنگامی که مرده ر در قبر می گذارند وقبر آماده می گردد، در این وقت دو نفر یکی به طرف سر مرده ایستاده شده سه آیت اول سوره بقره را می خواند وبا انکشت اشاره نیز می کند ودیگری به طرف پای مرده ایستاده شد ورکوع آخر سوره بقره را می خواند آیا از اینکار ثوابی به مرده می رسد یانه؟ از حدیث ثبوتی برای آن وجود دارد یانه؟ با انگشت به سوی قبر اشاره کردن چطور است وکسانی که نمی خوانند مورد عتاب قرار می گیرند یانه کسیکه تارک آن است گنهگار می باشد یانه؟

جواب: از حضرت عبدا لله بن عمر (رضي الله عنه) روایت شده که طرف سر قبر خواندن سه آیت اول سوره بقره وبه طرف پای او خواندن آیات اخیر همین سوره مستحب می باشد در شامی آمده: (وکان ابن عمر یستحب ان یقرأ علی القبر بعد الدفن اول سوره البقرة وخاتمها [1]) ودر مشکوٰة شریف این روا یت به شکل مرفوع آمده یعنی از پیامبر (صلى الله عليه وسلم) روا یت شده وسپس از بیهقی نقل می کند که صحیح آن است که این روایت بر ابن عمر (رضي الله عنه) موقوف می باشد [2] بهر حال از این روایت استحباب اینکار ثابت می گردد اما هیچ ثبوتی برای گذاشتن انگشت بر قبر وجود ندارد وچون معلوم گردید که اینکار مستحب است پس اگر کسی آنرا انجام ندهد موجب طعن و عتاب نبوده وتارک آن گنهگار نمی باشد.

<u>اگر زن حاهله ای بمیرد چطور باید او را دفن کرد</u>: سوال: ۷۱۳ وقتی که زن حاهله ای بمیرد آیا او را باید با طفلش دفن کرد یا اینکه شک اورا پاره کرده وطفل را ازآن برون آورد؟

جواب: اگر زن حاهله بمیرد دیده شود که اگر طفل تکمیل بوده زنده باشد وحرکت کند پس

([1]) ردالمحتار باب صلاة الجنائز تحت قوله ویستحب حثیه الخ ج۱ ص ۸۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

([2]) فقد ثبت انه صلى الله عليه وسلم قرأ اول سورة بقرة عند راس میت واخرها عند رجلیه (ردالمحتار ج۱ ص ۸٤۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷). ظفیر

شکم زن متوفیه را پاره کرده وطفل از آن برون کشیده شود واگر روح در طفل نیفتیده باشد یا روح افتاده اما مرده باشد وحرکت نکند زن متوفیه حاهله همراه طفل دفن گردد، الدر المختار آمده (حاهل ماتت وولدها یضطرب شق بطنها من الایسر ویخرج ولدها ولو بالعکس وخیف علی الام قطع واخرج [۱]).

حکم وصیت درمورد دفن چیست وبردن جسد ازیکجا به جای دیگر درست است یانه:

سوال: ۷۱٤ برادر من از مدت درازی بیمار بود وبیماری اش تا حدی شدت اختیار کرد که از زندگی نا امید شده ودر همین حالت بیماری وصیت کرد که مرا در باغ خودم دفن کنید من دنبال حکیم رفته بودم وبرادر من در حالیکه من موجود نبودم وفات یافت وچون من موجود نبودم مردم قوم بر خلاف وصیتش او را در جای دیگری دفن نمودند آیا اکنون من می توانم که قبر برادر خود را حفر کنم وجسد او یا استخوان های او را هر چه باشد به موجب وصیتش در باغ دفن کنم یانه؟ واگر نمی توانم اینکار را بکنم در روز قیامت به موجب این وصیت مورد مواخذه قرار خواهم گرفت وگنهگار خواهم شد یانه؟

جواب: در اینصورت کشیدن جسد ویا استخوان ها ردفن کردن آن در باغ درست نیست، قبر میت را بدین سبب حفر کردن وویران نمودن حرام است [۲] چنین وصیتی را اعتباری نیست، وبه علت دفن کردن در جای دیگری هیچ گناهی بر شما نیست [۳].

اذان بعد از دفن درست نیست: **سوال**: ۷۱۵ مرده را دفن کردن وباز بر قبر اذان دادن درست است یانه؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤۰ ، ط. س. ج۲ ص ٦۳۸ ظفیر

(۲) واما نقله بعد دفنه فلا مطلقا (ردالمحتار باب صلوٰة الجنائز ج۱ ص ۸٤۰ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۹) ولا یخرج منه بعد اهالة التراب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص ۸۳۹). ظفیر

(۳) اوصی بان یصلی علیه فلان اویحمل بعدموته الی بلد أخر اویکفن فی ثوب کذا الخ فهی باطلة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الوصایا ج۵ ص ۵۸٤ ، ط. س. ج٦ ص ٦٦٦). ظفیر

جواب: طوری که درشامی آمده درست نیست [۱].

تلقین بعد از دفن درست است یانه: سوال: ۷۱۶ تلقین پس ازدفن جائز است یانه اگر جائز است چطور؟

جواب: تلقین بعد از دفن را فقها جائز دانسته اند [۲].

عذاب قبر: سوال: ۷۱۷ عذاب قبر حق است یانه وعذاب قبر چه وقت می باشد؟

جواب: عذاب قبرحق است ووقتی شروع می گردد که میت رادفن می کنند وبازمی گردند [۳].

دعا بعد از دفن: سوال: ۷۱۸ در حق میت دعا کردن که در جواب منکر ونکیر ثابت قدم باشد وبرای تخفیف کلمه خواندن بعد از دفن جائیز است یانه؟

جواب: جائز است کلمه بخوانید وبرای مرده دعا کنید که در جواب منکر ونکیر ثابت قدم باشد [۴]. فقط

اگر هندو ومسلمان در یک خانه بسوزند وفرقی باقی نماند چه باید کرد: سوال: ۷۱۹ پنج ده نفر هندو وپنج ده نفر مسلمان در یک خانه زندگی می کردند خانه مذکور آتش گرفت وهمه سوختند ونشانی باقی نمانده که شناخته شوند اکنون چه باید کرد؟

جواب: اگرتعداد مسلمانان زیاد باشد همه مرده هارا مانندمسلمان تکفین کنید نماز جنازه ایشان

---

(۱) فی الاقتصار علی ماذکر من الوارد انه لایسن الاذان عند ادخال المیت فی قبره کما هو المعتاد الان وقد صرح ابن حجر فی فتاویه بانه بدعة (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۵). ظفیر

(۲) قال فی شرح المنیة الجمهور علی ان المراد محازة ثم قال وانما لاینهی عن التلقین بعد الدفن لانه لاضررفیه بل فیه نفع الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی التلقین بعد الموت ج۱ ص ۷۹۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۱). ظ

(۳) وضغطة القبر حق الخ وعذابه ای ایلامه حق للکفار کلهم اجمعین وبعض المسلمین ای عصاة المسلمین فقد ورد ان القبر روضة من ریاض الجنة اوحفرة من حضرت النیران رواه الترمذی (شرح فقه اکبر ص ۱۲۲). ظفیر

(۴) ویستحب حثیه من راسه ثلاثا وجلوس ساعة بعد دفنه للدعاء وقرآءة بقدر ما ینحر الجزور ویفرق لحمه (در مختار) لمافی سنن ابی داود کان النبی ﷺ اذا فرغ من دفن المیة وقف علی قبره وقال استغفروا لاخیکم واسئلوا الله التثبیت فانه الان یسئل (ردالمحتار باب الجنائز ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۶). ظفیر

را بخوانید اما صرف نیت نماز جنازه مسلمانان را کنید ودر قبرستان مسلمانان ایشان را دفن کنید واگر تعداد کفار زیاد باشد نیز همین معاهله را بنمائید مگر آنها را در مقابر مشرکین دفن کنند واحتیاط در آن است که اگر ممکن باشد قبرستان علیحده ای برای ایشان ساخته شود [۱].

اگر هندو ومسلمان در یک خانه بسوزند: سوال: ۷۲۰ چون هندو ومسلمان دریک خانه بسوزند شما نوشته اید که در قبرستان مسلمانان دفن گردند مگر هندو می گوید که مرده ما را بدهید، اکنون چه باید کرد؟

جواب: اگر هندو می گوید مرده مارا بدهید به او بگوئید که مرده خود را شناسایی کرده وببرد.

تدفین در قبرستان شیعه وهیجر: سوال: ۷۲۱ زمینی که به قیمت خریده شده ودفن درآن بر اساس فرقه ومذهب صورت می گیرد، حنفی صاحب عزت را در جایی که شیعه ها وهیجر ها دفن اند، دفن کردن چه حکم دارد؟

جواب: به ضرورت درست است اما اگر قرب صالحین نصیب شود بهتر است [۲].

طفل تابع والدین می باشد: سوال: ۷۲۲ زید را شیعه دانسته ونگذاشتند که در قبرستان دفن کنند، زید فقط سه سال داشت، او معصوم بود یانه؟ اگر معصوم بود در دفن او چه حرجی بود؟

جواب: چنین طفلی تابع والدین خود دانسته می شود اگر یکی از والدینش هم مسلمان وسنی باشند، مسلمان وسنی گفته می شود [۳].

ساختن مزار وقبه ودفن در داخل خانه چه حکم دارد: سوال: ۷۲۳ اینکه بر قبور سلاطین واولیای کرام قبه ها ساخته اند موافق کتاب است یا اینکه در آن بحثی وجود دارد؟ واگر به

---

(۱) اختلط موتانا بکفار ولا علامة اعتبر الاکثر فان استووا غسلو واختلف فی الصلاة علیهم ومحل دفنهم کدفن ذمیة حبلی من مسلم قالوا والاحوط دفنها علی حدة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۰۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۱). ظفیر

(۲) والافضل الدفن فی المقبرة التی فیها قبور الصالحین (عالمکیری مصری ج۱ ص ۱۵۶، فصل فی الدفن ، ط. م. ج۲ ص ۱۶۶). ظفیر

(۳) والولد یتبع خیر الابوین دینا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب نکاح الکافر ج۲ ص ۵٤۱ ، ط. س. ج۳ ص ۱۹۹). ظفیر

پیروی قبه مزار پرنور آنحضرت (ﷺ) بر قبور بزرگان قبه ساخته شود جائز خواهد بود یانه ودفن میت یا شخصیت بزرگی در داخل خانه مسقف جائز است یانه؟

جواب: قبه ساختن یا در خانه دفن کردن غیر از انبیاء (علیهم السلام) برای دیگری جائز نیست در جلد اول صفحه- ٦٦٠ - شامی آمده: (ولا ینبغی ان یدفن المیت فی الدار ولو کان صغیراً لاختصاص هذه السنه بالانبیاء....ویهال التراب علیه وتکره الزیادة علیه من التراب لانه بمنزلة البناء [۱]) فی صحیح مسلم عن جابر قال نهی رسول الله ﷺ ان یجصص القبر وان یبنی علیه [۲]).

ساختن چهار دیواری برای حفاظت از قبرچه حکم دارد: سوال: ۷۲٤ اگر قبر شخص بزرگی در جایی قرار داشته باشد که در آنجا راه رفت وآمدن عوام الناس حیوانات وغیره باشد اگر برای حفاظت از آن در چهار طرفش دیوار پخته ساخته شود یا جنگله نصب گردد طوریکه در چهار کنجش ستون ها پخته اعمار شده ودر میان چوب گذاشته شود، این دو صورت جائز است یانه؟ اگر جائز است کدام یک از آن دو اولی می باشد وبه اساس ضروریات دیگر چهار طرفش نیز پخته وسنت گردد جائز است یانه؟

جواب: در شامی آمده: (وعن ابی حنیفة یکره ان یبنی علیه بناء من بیت او قبة او نحو ذلک لما روی جابر نهی رسول الله (ﷺ) عن تجصیص القبور وآن یکتب علیها وان یبنی علیها [۳]) رواه مسلم وغیره. پس دراطراف قبر ساختن دیوار پخته، چپری پخته ویا ستون پخته مکروه می باشد.

در قبر گل ساختن ودفن کردن غلط است: سوال: ۷۲۵ در لحد قبر یک مسلمان آب انداخته شد سپس بر آن خاک انداخته وآنرا مخلوط کردند باز در آنجا بوریا انداخته ومیت را برآن خواباندند قاضی صاحب می گوید که بااین ترتیب دفن کردن حساب وکتاب قبر باقی نماند

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۵. ظفیر

(۲) مشکوٰة باب دفن المیت ص ۱٤۸. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی دفن المیت ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

شرعاً برای قاضی صاحب چه حکمی وجود دارد؟

جواب: نظر قاضی صاحب غلط بوده وبه اینکار ضرورتی نیست کل لحد گل شود ودر آن بوریا هموار گردد ومیت بر آن گذاشته شود وگمان گردد که با این ترتیب دفن کردن حساب وکتابی با مرده صورت نمی گیرد، این سخن کاهلاً بی اصل است، خیال جاهلانه بوده وثبوتی ندارد وبه این عقیده به طریق مذکور دفن کردن درست نیست. فقط

بدون رضایت کسی نباید در ملکیتش میت را دفن کرد: **سوال**: ٧٢٦ در یک قریه که ملکیت زمینداری می باشد بدون دادن قیمت دفن کردن میت جائز است یانه وحاکم حکم می کند که میت را بدون دادن قیمت دفن کنید اما زمیندار را ضی نیست پس گذاشتنش بدون قیمت جائز است یانه؟ اگر چند نفر زمینداران راضی باشند وچند نفر نه باز هم بدون قیمت جائز است یانه؟

جواب: زمین ملکیت هر کسي که باشد در صورت رضایت او می توانید میت را دفن کنید کسانی که راضی هستند ایشان در حصه خود اجازه اینکار را بدهند تا جایی برای انکار باقی نماند حکام می توانند که حصه هر زمیندار را علیحدکنند تا کسانیکه راضی هستند مرده ها در حصه ایشان دفن گردند. فقط

حکم تجدید قبر خاک شده چیست: **سوال**: ٧٢٧ مولانا صاحب عبدالرحمن در ٢٢ صفر ١٣٣٦ به مرض طاعون وفات کرد اکنون پدرش قبر او را حفر نمود وگفت که نه کفن است ونه استخوان وقبر خالی را مجدداً ساخت آیا بر قبر خالی خواندن فاتحه درست است یانه؟ درظرف یک ونیم سال مرده چه حالتی را به خود می گیرد، در انجام اینکار گناهی نخواهد بود؟

جواب: آشکار است که در چنین مدتی استخوان جسم وکفن مرده باقی نمی ماند بلکه همه خاک می گردد چونکه قبر مولوی صاحب همان است که دفن گردیده اگر چه خاک شده است

تجدید نشان آن به غرض علامت وفاتحه خوانی درست است [۱].

حیات النبی وتطبیق تکفین وتجهیز: سوال: ۷۲۸ حیات بودن آنحضرت (ﷺ) از جمله مسلمات اهل سنت وجماعت می باشد اما قبض روح تجهیز وتکفین وتدفین وغیره امور منافی حیات می باشد اگر حیات انبیاء مانند حیات شهدا عندالله گفته شود، مابین این دو چه فرقی وجود دارد؟

جواب: حیات انبیاء کرام علیهم الصلوة والسلام از حیات شهداء قوی تر وتمام ترمی باشد ومراد از آن حیات دنیایی ظاهری نمی باشد طوریکه باریتعالی فرموده است: (انک میت وانهم میتون) لهذا احکام ظاهری اموات همه بر ایشان جاری می گردد. برای تحقیق کاهل این مسأله (آب حیات) تصنیف حضرت مولانا محمد قاسم قدس سره را مطالعه کنید.

وقت مردن اعتبار دارد: سوال: ۷۲۹ شخصی هنگام عصر وفات کرد وساعت یازده شب او را به خاک سپردند کدام روزی را می توان حساب کرد؟

جواب: علت سوال معلوم نگردید مثلاً اگر جنجال بر آن باشد که ثواب جمعه به او می رسد یانه؟ در این مسأله وقت مردن اعتبار دارد [۲] وبرای مرده حساب روز وشب هر دو جائز می باشد وازوقتی که وفات نموده شمارمی شود وحساب کردن دانه ها برای سوم چهارم ودهم گناه است.

آمدن مسلمان به مسجد نماز جنازه وتکفین وتدفین او در قبرستان: سوال: ۷۳۰ آیا کلمه گوی حلال خورمی تواند به مسجد بیاید یانه وخواندن نماز جنازه او واشتراک درآن ودفن

---

(۱) وفی شرح المنیة عن منیة المفتی المختار انه لا یکره التطیین (ردالمحتار باب صلاة الجنازه ص ۸۳۹) قوله وفی شرح المنیة عن منیة المفتی المختار انه لا یکره التطیین (ردالمحتار باب صلاة الجنازه ص ۸۳۹).

(۲) در سوال مذکور وقت عصر اعتبار دارد (ابتداء العدة فی الطلاق عقیب الطلاق وفی الوفات عقیب الوفات (عالمکیری مصری، باب العدة ج۱ ص ٤٧٥، ط.م. ج۱ ص ٥٣١). ظفیر

اودرقبرستان مسلمانان درست است یانه؟ اورادعوت دادن ودردعوت غذا دادن واگرصاف وپاک باشند ایشان را در دستر خوان باخود نشاندن وبا ایشان غذا خوردن درست است یانه؟

جواب: او را نباید از آمدن به مسجد مانع شد، باید نماز جنازه او را خواند وباید در نماز جنازه او اشتراک نمود [۱] وباید او را در قبرستان مسلمانان دفن کرد ودعوت او را قبول کردن وخوردن درست بوده وهمچنان او را به خانه خود دعوت کردن وغذا دادن درست می باشد وقتی که دستش پاک وصاف می باشد در دستر خوان او را با خود غذا دادن جائز است [۲] وتمام این امور از فقه وحدیث ثابت می باشد.

پسری که پدرش مسلمان ومادرش کافر است اگر بمیرد چه حکم دارد: سوال: ۷۳۱ یک پسر یک ساله که پدرش مسلمان می باشد ومادرش کافر وفات کرد آیا می توان او را در قبرستان مسلمانان دفن کرد یا نه؟

جواب: آن پسر مسلمان دانسته می شود (لان الولد یتبع خیر الابوین) [۳] لذا باید او در قبرستان مسلمانان دفن گردد.

گذاشتن شاخ سدر بر قبر چه حکم دارد: سوال: ۷۳۳ بعد از دفن مرده به موازات سینه او در قبر غرس شاخ سدر درست است یانه؟

جواب: درست است [٤].

کلمهٔ شهادت بر دیوار قبر: سوال: ۷۳٤ قبل از گذاشتن مرده در قبر با انگشت شهادت در

([۱]) خداوند متعال فرموده است (انما المؤمنون اخوة، او: ان اکرمکم عندالله اتقاکم (الحجرات : رکورع ۲). ظفیر

([۲]) قال الله تعالی: ومن اظلم ممن منع مساجدالله ان یذکر فیها اسمه الخ (بقرہ) وقال رسول الله ﷺ صلوا علی کل بر وفاجر (شرح فقه اکبر) وفی الدرالمختار علی هامش ردالمحتار وهی فرض علی کل مسلم خلا اربعة وقطاع طریق الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۱٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۰). ظفیر

([۳]) ردالمحتار باب صلاة الجنائز تحت قوله کصبی سبی مع احد ابویه ج۱ ص۸۳۱ ، ط.س. ج۲ ص ۲۲۹. ظفیر

([٤]) اگر نفعی از آن مد نظر باشد. ظفیر

دیوارهای قبر نوشتن کلمه شهادت درست است یانه؟

جواب: بدون سیاهی وغیره اگر صرف با انگشت اشاره کند طوری که نشان حروف در دیوار ها نباشد حرجی نیست ودرشامی به نقل از فوائد سروجی آمده: (ان فما یکتب علی جبهة المیت بغیر مداد بالمسبحة بسم الله الرحمن الرحیم وعلی الصدر لا اله الله محمد رسول الله [1]) یعنی نوشتن با انگشت مسبحه در پیشانی میت بدون رنگ بسم الله الرحمٰن الرحیم وبر سینه اش لا اله الا الله محمد رسول الله حرجی نیست پس این نسبت در نوشتن بر دیوارها اولی می باشد.

حکم دفن مسلمان درجایی که مسیحی وسک دفن باشند: سوال: ٧٣٥ در قبرستانی که هندو ومسلمان سک ومسیحی دفن باشند، دفن کردن مسلمان وخواندن نماز جنازه در آنجا جائز است یانه، در صورت عدم جواز مکروه است یا حرام؟

جواب: دفن کردن میت مسلمان در جایی که هندو سک ومسیحی مدفون باشند، خوب نیست یعنی مکروه می باشد البته در صورتیکه جای دیگری برای علیحده دفن کردن وجود داشته باشد ودر صورت مجبوری طوریکه غیر از قبرستان مذکور که مخلوط است جای دیکر نبوده وقبرستان خالص مسلمانان وجود نداشته باشد پس به اساس مجبوریت در آنجا دفن شود وخواندن نماز جنازه نیز در آنجا مکروه می باشد اما اگر در آنجا قسمتی صاف بوده ونشانی از قبر در آنجا نبوده وپیشرو به سوی قبله قبری نباشد خواندن نماز جنانره در همان قسمت دُرست است، در شامی آمده: (لا باس بالصلوة فیها ان کان فیها موضع اعد للصلوة ولیس فیه قبر ولانجاسة کما فی الخانیة ولاقبلة الی قبر [2]). فقط

بعد از دفن میت نصیحت کردن به مردم درست است یانه: سوال: ٧٣٦ در فتح الباری این روایت آمده (عن انس (رضي الله عنه) قال اتی النبی (ﷺ) بجنازة فلما قام یکبر سأل (ﷺ) هل علی

([1]) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٤٧ – ٨٤٨ ، ط.س. ج٢ ص ٢٤٧. ظفیر

([2]) ردالمحتار کتاب الصلوة قبیل مطلب تکره الصلوٰة فی الکنسیة ج١ ص ٣٥٣ ، ط.س. ج٢ ص ٣٨٠. ظفیر

صاحبکم دین قالوا نعم دیناران فعدل النبی (ﷺ) وقال صلوا علی صاحبکم فقال علی (رضی الله عنه) دینه علی رهانک کما فککت رهان اخیک انه لیس من میت یموت وعلیه دین الا وهو مرتهن بدینه من فک رهان میت فکّ الله رهانه یوم القیامة فقال بعض القوم یا رسول الله هذا لعلی خاصة ام للمسلمین عامة قال بل للمسلمین عامة) به اساس این حدیث بعد از نماز جنازه وقبل از دفن وعظ ونصیحت وتعلیم کسانیکه موجود باشند سنت است یانه؟

جواب: از تعلیم مسائل دین در هیچ وقتی کسی نمی تواند ممانعت کند لیکن دعا بعد از نماز جنازه به شکل مرسومه از این حدیث به هیچ ترتیبی ثابت نمی شود بلکه اي جاد اختراع والتزام مالا یلزم بوده وثابت نیست که رسول الله (ﷺ) بعد از نماز جنازه دعا کرده باشد [1].

فان صلوة الجنازة هو دعا للمیت وفیها دعا جامع ماثور لایساویه الدّعا.

دعا بعد از دفن میت: **سوال**: ۷۳۷ رسم عام است که بعد از فراغت از دفن میت جمله حاضرین ایستاده شده وبابسط الیدین فاتحه می خوانند این رسم مسنون بوده وبا حدیث ثابت است یانه؟

جواب: در این مورد فقط این حدیث شریف آمده: (وعن عثمان قال کان النبی (ﷺ) اذا فرغ من دفن المیت وقف علیه وقال استغفرو الاخیکم واسئلوا الله له الثبت فانه الان یسئل) رواه ابوداود وغیره [2]).

میت در قبر به چه ترتیب خوابانده شود: **سوال**: ۷۳۸ در شامی وغیره کتب فقه نوشته اند که میت در قبر به پهلوی راست رو به قبله خوابانده شود در حالیکه در اینجا تعاهل وتوارث چنان است که میت تخته به پشت خوابانده رویش را بطرف قبله می کنند، دومسأله رامی خواهم بدانم

([1]) ویدعو بعد الثالثة الخ ویسلم بلا دعاء بعد الرابعة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸۱۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۱۲ – ۲۱۳). ظفیر

([2]) مشکوٰة باب اثبات عذاب القبر فصل ثانی ص ۲۶. ظفیر غفر له الله ذنوبه الخفی والجلیّ

اول انکه تعاهل در آنجا چیست ودوم اینکه اگر تعاهل درست است ثبوت آن چیست؟

جواب: تعاهل در اینجا چنان است که تخته به پشت خوابانده ورویش را به سوی قبله می کنند (ویوجه القبلة بذلک امر رسول الله (ﷺ [۱]) ودر تنویر الابصار متن الدر المختار آمده: (ویوجه الیها) والدر المختار این لفظ را زیاده نمود (وینبغی کونه علی شقه الایمن [۲]) از لفظ (یوجه الیها) صرف همین قدر ثابت می گردد که روی به وسوی قبله متوجه باشد چه پهلو داده شود وچه نه وبه حدیثی که در این مورد استدلال شده الفاظ آن هم به همین مسأله دلالت می نماید که رو بطرف قبله باشد زیرا الفاظ آن چنین است: (قبلتکم احیاً او امواتا [۳]) یعنی خانه کعبه را قبله احیا واموات فرموده است به همین دلیل باید روی میت به سوی قبله باشد اما اینکه میت کاهلاً به پهلوی راست خوابانده شود بدون شک بهتر است طوریکه فقها بدان تصریح کرده اند اما اگر رو به طرف قبله وخواباندن به پهلوی راست دشوار باشد همین توجه بسوی قبله یعنی روی را بطرف قبله کردن کافی معلوم می شود در فتاوی عالمگیری نیز درمورد خواباندن به پهلوی راست صراحت وجود دارد: (ویوضع فی القبر علی جنبه الایمن مستقبل القبلة) عالمگیری مصری باب بیست ویکم ص ۱۵۵ ج ۱.

شیعه را عضو شوری ساختن ودفن او درقبرستان مسلمانان چه حکم دارد: سوال: ۷۳۹

در منطقه (تیله) کشور برما انجمن مسلمانان نماز است که اهداف ومقاصد آن تا کنون صرف تنظیم وتجهیز اموات مسلمانان نادار ومسافر می باشد این انجمن پنج نفر عضو دارد که یک عضو آن شیعه می باشد، آیا چنین شخصی را عضو مجلس ساختن ودر قبرستان مسلمانان دفن کردن جائز است یانه؟ در فتاوی مولانا عبدالحی وفتاوی مولانا صاحب عبدالشکور نوشته شده که بادشنام دادن شیخین کفر لازم نمی گردد این سخن درست است یانه؟

---

(۱) هدایه باب الجنائز ج۱ ص ۱۶۲. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجنائز مطلب فی دفن المیت. ط. س. ج۲ ص ۲۳۶. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الجنائز مطلب فی دفن المیت تحت قوله ویوجه الیها وجوبا ، ط. س. ج۲ ص۲۳۶. ظفیر

جواب: روافضی راکه شیخین راسب وشتم می نمایند بسیاری ازفقهاء کافر نوشته اند [۱] ورروافضی که به افک ام المومنین عائشه قائل بوده ویا منکر صحابیت حضرت ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) ویا قائل الوهیت حضرت علی (رضی الله عنه) باشند به اتفاق کافر اند [۲] پس جائز نیست که چنین روافضی در قبرستان مسلمانان دفن گردند ویا عضو مجلس شوند.

تدفین شیعه در قبرستان مسلمانان وخواندن نماز جنازه اش درست است یانه: سوال: ۷۴۰ اگر میت شیعه اثناعشری بی وارث باشد آیا می توان تجهیز وتکفین او را از پول انجمن که برای همین کار جمع آوری شده انجام داد وآیا می توان او را در قبرستان خویش دفن نمود وآیا می توان از شیعه اثنا عشری برای انجمن اعانه گرفت واو را عضو انجمن ساخت یانه؟

جواب: آن فرقه روافض که به علت سب شیخین وتکفیر صحابه کافر اند مساعدت در تجهیز وتکفین ایشان، خواندن نماز جنازه آنها ودفن ایشان در قبرستان مسلمانان درست نیست، باید با آنها کاهلاً مقاطعه صورت گیرد تا تنبیه گردیده وسنی شوند [۳].

رواج گذاشتن سنگریزه ها درقبر غلط است: سوال: ۷۴۱ رواج عمومی در اینجا آن است که همراه با میت در قبر سنگریزه ها را می گذارند به این نیت که میت به منکر ونکیر چنین جواب دهد که ببینند وارثان من برایم اینقدر ختم قران کرده اند ومن بخشیده شده ام، شما بروید، این مسأله اصلی دارد یانه؟

جواب: هیچ ثبوتی برای گذاشتن سنگریزه ها وجود ندارد واینکار بدعت است [۱] وگمان هایی

---

(۱) وقدذکرفی کتب الفتاوٰی ان سب الشیخین کفر، وکذا انکار امامتهما کفر (شرح فقه اکبر) ج۱ ص ۱۸۸. ظ

(۲) وبهذا ظهر ان الرافضی ان کان ممن یعتقد الالوهیة فی علی رضی الله عنه وان جبریلؑ غلط فی الوحی اوکان ینکر صحبة الصدیق رضی الله عنه ویقذف السیدة الصدیقة رضی الله عنها فهو کافر لمخالفة القواطع المعلومة من الدین بالضرورة (رد المحتار کتاب النکاح فصل فی المحرمات ج۲ ص ۳۹۸ ، ط. س. ج۳ ص ٤٦). ظفیر

(۳) وبهذا ظهر ان الرافضی ان کان ممن یعتقد الالوهیة فی علی رضی الله عنه وان جبریلؑ غلط فی الوحی اوکان ینکر صحبة الصدیق رضی الله عنه ویقذف السیدة الصدیقة رضی الله عنها فهو کافر لمخالفة القواطع المعلومة من الدین بالضرورة (رد المحتار کتاب النکاح فصل فی المحرمات ج۲ ص ۳۹۸ ، ط. س. ج۳ ص ٤٦). ظفیر

=

را که در مورد گذاشتن سنگریزه ها می کنند مبنی بر جهالت بوده وهیچ نفعی در اینکار نیست.

پس از دفن مرده را دوباره کشیدن درست نیست: سوال: ٧٤٢ یک میت را در جایی به طور امانت دفن کردند پس از چند روز اورا کشیده به جای دیگری برده ودفن کردند، این مسأله در هیچ جایی از نظر من نگذشته است مهر بانی نموده تحریر فرمائید که این صورت در کدام کتابی آمده واینکار درست است یا نه؟

جواب: شرعاً کشیدن میت پس ازدفن از قبر ودر جایی دیگری او را دفن کردن درست نیست، طوریکه در الدر المختار آمده: (ولا یخرج منه بعد اهالة التراب.... [٢]) یعنی پس از دفن کشیدن میت درست نیست واین حکم عام است چه امانتاً دفن شود یانه وامانتاً دفن کردن از شریعت ثابت نیست.

بیرون ازمسجد به طرف قبله ساختن قبرستان درست است یانه: سوال: ٧٤٣ برون از مسجد به طرف قبله به فاصله ده یا پانزده گز ساختن قبر جائز است یانه؟

جواب: برون از دیوار غربی مسجد در زمینی که از اوقاف مسجد خارج باشد قبر ساختن مکروه نیست. فقط

بر بانگس بوریا گذاشتن وخاک انداختن درست است: سوال: ٧٤٤ میت را بر قبر ماندن وبرآن بوریا گذاشتن وخاک انداختن جائز است یانه؟ در هدایة آمده: ولا باس بالقصب) ودر جامع الصغیر آمده: (ویستحب اللبن والقصب لانه (ﷺ) جعل قبره علی طن) لفظ (طن) چه معنی دارد؟

جواب: این شکل دفن صحیح ومعنای طن (خرقة من القصب) می باشد در الدر المختار [٣] آمده:

([١]) من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهو رد، متفق علیه (مشکوٰة باب الاعتصام ص ٢٧). ظفیر

([٢]) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٣٧ ، ط. س. ج٢ ص ٢٣٦. ظفیر

([٣]) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٣٧ ، ط. س. ج٢ ص ٢٣٦. ظفیر

(ویسوی اللبن عفیه والقصب لا الاجر...) (ونصوا علی استجاب القصب فیها کاللبن).

جسد شخص مبتلا به جذام درکجا دفن شود: سوال: ۷٤۵ جسد شخص مبتلا به جذام در قبرستان مسلمانان دفن گردد یا در جای علیحده؟

جواب: در قبرستان مسلمانان دفن گردد [۱].

سوختاندن جسد شخص مبتلا به جذام جائز نیست: سوال: ۷٤٦ ایا باید جسد شخص مبتلا به جذام را نمک زد وسوختاند؟

جواب: چنین حکمی در شریعت وجود ندارد باید مانند دیگر اموات اهل اسلام دفن گردد [۲].

بر قبر ساختن شکل خانه درست نیست: سوال: ۷٤۷ آهن چادر یک قبر که برای حفاظت آن از برف وباران گذاشته شده بود در اثر وزش باد کنده شد، اکنون دوباره گذاشتن آن آهن چادر بر قبر مذکور درست است یانه؟ ویا دادن اهن چادر مذکور به مسجد وغیره جائز می باشد یا نه؟

جواب: چون از ساختن بنا بر قبر ممانعت می باشد لذا آهن چادر مذکور را دوباره نصب نکنید بلکه ملکیت کسی می باشد که آنرا گذاشته او هر جایی که بخواهد می تواند آنرا نصب کنید ودر هر کاری که بخواهد استعمال نماید [۳].

---

(۱) زیرا او نیز مسلمان است باید فکر کرد که آیا امکان دارد که در آنجا نیز مرض جذام به دیگر مرده ها سرایت کند چون چنین امکانی وجود ندارد پس چنین فکر غیر از توهم مشرکانه چیز دیگری نیست، به همین ترتیب سوختاندن تاثیر رسم مشرکان است وبرای مسلمان دفن کردن می باشد، ظفیر الدین مرتب کتاب.

(۲) وعن عائشة ﷺ ان رسول الله ﷺ قال کسر عظم المیت کسره حیا، رواه مالک وابوداود وابن ماجه (مشکوٰة باب الدفن ص ۱٤۹) قال الطیبی اشارة الی انه لایهان المیت کما لایهان فی حیاته الخ وقداخرج ابن ابی شیبه عن ابن مسعودؓ اذی المؤمن فی موته کاذاه فی حیاته ذکره فی المرقات (حاشیه مشکوٰة ص ۱٤۹) از اینجا معلوم گردید که سوختاندن جسد هیچ مسلمانی درست نیست.

(۳) ولا یجصص للنهی ولایطین ولا یرفع علیه بناء وقیل لاباس به وهوالمختار (درمختار) قوله لایرفع علیه بناء: أي یحرم لو للزینة، ویکره لو للاحکام بعد الدفن، وأما قبله فلیس بقبر ؒ وعن أبي حنیفة یکره أن یبنی علیه بناء من بیت أو قبة أو نحو ذلک، لما روی جابر: نهی رسول الله ﷺ عن تجصیص القبور، وأن یکتب علیها، وأن یبنی علیها رواه مسلم وغیره (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷). ظفیر

دفن کردن جسدی را که دریا برده درجای دیگر: سوال: ۷٤۸ اگر قبر را دریا ببرد میت را از آن کشیدن ودر جای دیگری دفن کردن جائز است یانه؟

جواب: در الدر المختار آمده: (ولا یخرج منه بعد اهالة التراب احق آدمی کان تکون الارض مغضوبة او اخذت بشفعة) پس معلوم گردید که در صورتی که سوال شده کشیدن میت درست نیست. فقط

بعد از دفن کردن میت اول و آخر سوره بقره چطور خوانده شود: سوال: ۷٤۹ اینکه بعد از دفن خواندن اول وآخر سوره بقره مسنون است به جهر خوانده شود یابدون جهر؟

جواب: به جهر خوانده شود. فقط

ساختن چهار دیواری پخته بر قبر شخص متقی درست نیست: سوال: ۷۵۰ یک شخصیت بزرگ متقی وفات نموده، آیا یک چهار دیواری پخته ویک خانه کوچک بر قبر او ساخته شود یانه؟ عده ای از مردم اعتراض می کنند که اگر چنین چیزی ساخته شود شاید بدعت آغاز گردد.

جواب: ساختن چهار دیواری پخته بر قبر نا جائز است [1] واین اندیشه صحیح است که رفته رفته بدعت هایی آغاز خواهد شد وبر بانی چهار دیواری نیز بخشی از گناه خواهد رسید.

در ساختن قبر قبل از فوت مضایقه ای نیست: سوال: ۷۵۱ اگر در حالت مریضی آماده گی قبر، کفن وغیره به قصد سهولت طوری صورت گیرد که مریض اگاه نگردد، گناه دارد یانه؟

جواب: درآماده کردن قبر وکفن از قبل حرج وگناهی نیست [1].

---

(۱) ولا یجصص للنهی عنه ولایطین ولا یرفع علیه بناء وقیل لا باس به وهوالمختار (درمختار) قوله لایرفع علیه بناء: أي یحرم لو للزینة، ویکره لو للاحکام بعد الدفن، واما قبله فلیس بقبر لخ وعن أبي حنیفة یکره أن یبنی علیه بناء من بیت أو قبة أو نحو ذلک، لما روی جابر: نهی رسول الله ﷺ عن تجصیص القبور، وأن یکتب علیها، وأن یبنی علیها رواه مسلم وغیره (ردالمحتار باب صلٰوة الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷). ظفیر

بعد از پائین کردن در قبر نشان دادن روی میت چطور است: سوال: ۷۵۲ بعد از پائین کردن میت در قبر نشان دادن روی او جائز است یانه؟

جواب: بعد از پائین کردن میت در قبر نباید روی او را نشان داد.

کسی که شب یا جمعه وفات کند معطل کردن جنازه او برای جماعت جمعه مکروه است: سوال: ۷۵۳ اگر صبح جمعه مسلمانی وفات کند دفن کردن او قبل از نماز جمعه اولی می باشد یا اینکه به گمان زیادت ثواب نماز جنازه اش عقب جماعت جمعه خوانده شود؟

جواب: در الدر المختار آمده که اگر شخصی شب یا صبح جمعه بمیرد باید در تجهیز وتکفین او عجله شود وتأخیر برای اینکه پس از جماعت جمعه جمع کثیری نماز جنازه او را بخوانند مکروه می باشد، حتی الوسع قبل ازنماز جمعه دفن شود البته اگر وقت نماز جمعه نزدیک شده باشد ودر قبل ازنماز جمعه دفن کردن خطر فوت شدن نماز جمعه باشد پس بعد از نماز جمعه نماز جنازه اش را خوانده ودفنش کنند، عبارت الدر المختار چنین است: (وکره تأخیر صوته ودفنه لیصلی علیه جمع عظیم بعدصلوة الجمعة الا اذا خیف فوتها بسبب دفنه) [۲].

دفن میت در خانه درست اما بهتر نیست: سوال: ۷۵٤ دفن میت در منزل مسکونی درست است یانه؟

جواب: دفن میت در منزل مسکونی هم جائز است مگر بهتر آن است که در قبرستان موقوفه دفن گردد [۳].

---

(۱) یحفر قبر النفسه وقیل یکره والذی ینبغی ان لایکره، ینبغی ان لایکره تهینة نحو الکفن بخلاف القبر (در مختار) قوله یحفر الخ وفی التتارخانیة لاباس به ویوجر علیه هکذا عمل عمر بن عبدالعزیز والربیع بن خیثم وغیرهما (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸٤٥ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٤). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۲. ظفیر

(۳) ولاینبغی ان یدفن المیت فی الدار ولوکان صغیرا لاختصاص هذه السنة بالانبیاء (درمختار) قوله فی الدار: کذا فی الحلیة عن منیة المفتي وغیرها، وهو أعم من قول الفتح، ولا یدفن صغیر ولا کبیر في البیت الذي مات فیه فإن ذلک خاص بالانبیاء، بل ینقل إلی مقابر المسلمین اهـ. ومقتضاه أنه لا یدفن في مدفن خاص کما یفعله من یبني مدرسة ونحوها، ویبني له بقربها مدفنا، تأمل (ردالمحتار باب صلاة الجنائز =

<u>برای مرد وزن یک قبرستان درست است</u>: سوال: ۷۵۵: در بعضی مناطق برای زنان قبرستان علیحده از مردان می سازند واطراف آنرا احاطه می کنند، برای اینکار چه حکمی وجود دارد؟

جواب: به اینکار ضرورتی نیست، قبرهای مردان وزنان مسلمان می تواند در یک قبرستان باشد.

<u>در صندوق گذاشتن ودفن کردن</u>: سوال: ۷۵٦ بعضی اشخاص میت را پس ازکفن کردن در یک صندوق چوبی گذاشته دفن می کنند وبه زمین می سپارند وگمان می کنند که تا مدتی که او را می سپارند جسدش سالم می ماند، آیا برای اینکار درشریعت اصلی وجود دارد یانه؟ ودر صندوق گذاشتن ودفن کردن جائز است یانه؟

جواب: در شریعت برای اینکار اصلی وجود ندارد وانجام آن نیز جائز نیست وکسانیه به اعتقاد مذکور چنین می کنند گنهگار هستند، البته در زمین هایی که نرم وسست باشد گذاشتن میت در تابوت جائز است واجازه نیز از روی ضرورت می باشد ودر غیر ضرورت مکروه است (کما فی الخانیة وحکی عن الشیخ الامام ابی بکر محمد بن فضل انه جوز اتخاذ التابوت فی بلادنا لرخاوة الارض [1]). فقط

<u>دفن میت در زمین مسجد درست نیست,اما میتی که دفن گردیده کشیده نشود</u>: سوال: ۷۵۷ دراین شهر یک مسجد جامع وجود داشته ومقداری زمین در نزدیک آن ملکیت همان مسجد می باشد، رئیس این مسجد شخصی بنام منشی عبدالله بود که اکنون فوت نموده وبه طور علنی سود خوار بود، بعضی از مردم فاسق وفاجر مانند خودش به معاون صاحب گفتند که عامه مسلمانان راضی می باشند او را در زمین ملکیت مسجد به شیوه نصاری یعنی در صندوق چوبی

= ج۱ ص ۸۳٦ – ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۵). ظفیر

(۱) ولاباس باتخاذ تابوت ولوحجر اوحدیدله عند الحاجة کرخاوة الارض (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳٤). ظفیر

گذاشته دفن کردند، آیا در زمین مسجد دفن کردن میت جائز است یانه؟

جواب: دفن در زمین مسجد جائز نبوده است اما پس از دفن نباید از انجا کشیده شود، البته در صورت ضرورت مسجد هموار کردن قبر جائز می باشد وپس از مدتی که میت خاک می گردد، در آنجا ساختن خانه وغیره نیز برای مسجد درست است واین قول در الدر المختار وشامی آمده است [۱].

پیشروی مسجد دفن کردن چه حکم دارد: **سوال:** ۷۵۸ دفن مرده ها در پیشروی مسجد وساختن قبور درآنجا جائز است یانه؟

جواب: اگر در نزدیکی مسجد محل خاصی بر دفن مرده ها ساخته شده باشد در دفن ایشان در آنجا مضایقه ای نیست ودفن باید در جایی شوند که مخصوص همین امر باشد [۲].

اگر درتهداب منزل جسد برون آید چه باید کرد: **سوال:** ۷۵۹ هنگام حفر تهداب یک منزل جسد مرد مسلمانی به صورت سالم آشکار گردیده، آیا جسد در همانجا مدفون بماند یا به قبرستان منتقل گردیده ودفن شود؟

جواب: جسد باید در همانجا باقی بماند، زیرا انتقال آن از جایی که دفن است بدون ضرورت شدید جائز نمی باشد، طوریکه در شامی آمده: (واما نقله بعد دفنه فلا مطلقاً [۳]) اما اگر ماندن جسد مذکور در آنجا دشوار وخوف بی حرمتی باشد مثلاً اینکه جسد مطلقاً در خود تهذاب باشد ویا مجبوریت دیگری باشد در آنصورت جائز است که جای دیگری برده شده ودر قبرستان دفن گردد تا احترام میت باقی بماند.

---

(۱) قال الزيلعي ولوبلي الميت وصار ترابا جاز دفن غيره في قبره وزرعه والبناء عليه أهـ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۳). ظفير

(۲) ويستحب في القتيل والميت دفنه في المكان الذى مات فيه في مقابر اولئک القوم الخ (غنية المستملي مسائل متفرقه ص ۵٦۳). ظفير

(۳) ردالمحتار باب صلاة الجنائز قبيل مطلب في الثواب على المصيبة ج۱ ص۸٤۰، ط.س. ج۲ ص۲٤۰. ظفير

شال انداختن بر جنازه وگرفتن چیزی غرض سایه برآن چه حکم دارد: سوال: ۷۶۰ برمیت مرد شالی انداختن وغرض حفاظت از آفتاب تا قبرستان چتری گرفتن بر او درست است یا نه؟

جواب: این امور بدعت وناجائز بوده وچنین تکلفاتی بامیت جائز نیست، سایه برای میت از اعمالش می باشد، طوریکه روایت شده: (انما یظله عمله) پس برای میت ضرورتی به سایه چتری نیست وبدعت وناجائز می باشد وانداختن شال وغیره بر میت رواج کفار ورسوم جاهلیت است: وعن علی (رضی الله عنه) قال قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لاتغالوا فی الکفن فانه یسلب سلبة سریعاً رواه ابو داود [1]. فقط

درچنین حالتی نماز جنازه خوانده شود یانه: سوال: ۷۶۱ در وضیعتی که در سوال فوق ذکر شده خواندن نماز جنازه درست است یانه وعمل مذکور را بدعت گفتن چطور است وبه دلیل اینکار نماز گزاران را تکفیر نمودن جائز است یانه جائز؟

جواب: خواندن نماز نجنازه در این حالت درست است وبدعت گفتن اینکار درست می باشد اما به این دلیل فسق وتکفیر مسلمان درست نیست.

ممانعت از نماز جنازه جائز نیست: سوال: ۷۶۲ یک عالم به علت فوق خود هم نماز جنازه را نخواند ودیگران را نیز از آن مانع شد واز جواز نماز در چنین حالتی انکار نمود، شرعاً چه حکمی وجود دارد؟

جواب: عالم مذکور غلط نموده، خواندن نماز جنازه او جائز بلکه ضرور بود، زیرا پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: (صلوا علی کل برو فاجر [2]).

---

(۱) مشکوٰة باب غسل المیت وتکفینه ص ۱٤٤. ظفیر

(۲) شرح فقه اکبر ص ۹۱. ظفیر

گرم کردن برای غسل میت درظروفی که غذا پخته می شود جائز یانه: **سوال**: ۷٦۳:
گرم کردن آب برای غسل میت در ظروفی که غذا پخته می شود جائز است یانه؟

جواب: جائز است.

بعد از دفن در قبرستان دوباره کشیدن میت درست نیست: **سوال**: ۷٦٤: از وفات زید سه چهار سال می گذرد، او در زمین مغضوبه نه بلکه در قبرستان عام دفن گردیده بود، اکنون او را از قبر کشیده، جسد واستخوان هایش را تکفین نموده ونماز جنازه اش را خوانده وبه فاصله هفت، هشت میل برده ودر جای دیگری دفن نمودند، این فعل چطور است وکسی که اینکار را انجام داده بیعت به او وامامت او درست می باشد یانه؟

جواب: فقها در این مورد نوشته اند که میت را بعد از دفن در غیر از چند صورت نباید از قبرش کشید، چنانچه در الدر المختار آمده: (ویخرج منه بعد اهالة التراب الا لحق آدمی کان تکون الارض مغضوبة او اخذت بشفعة [1]) ودر شامی چنین آمده: (وکما اذا سقط فی القبر متاع او کفن بثوب مغضوب او دفن معه مال قالوا ولو کان المال درهما) -بحر- قال الرملی واستفید منه جواب حادثة الفتاوی امرأة دفنت مع منتها من المصاغ والامتعة المشترکة ارثاً عنها بغیبة الزوج انه ینبش لحقه [2]) خلاصه کشیدن میت پس از دفن به اساس فقط چند وجه مصالح می تواند باشد لذا شخص بزرگی که اینکار را نموده مصلحت این عمل را از او بپرسید شاید وجهی برای جواز یا مصلحتی بوده باشد، درکتب حدیث روایت شده که حضرت جابر بن عبدالله پدر خویش را چند ماه بعد از وفاتش از قبر کشید وعلیحده دفن نمود وعلت آن بود که او با میت دیگری در یک قبر دفن شده بود خلاصه آنکه چنین واقعات از صحابه نیز منقول می باشد لذا بدون فهمیدن عذر در اعتراض عجله نکنید.

([1]) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸. ظفیر
([2]) ردالمحتار باب الجنائز ایضا . ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸. ظفیر

غرس درخت میوه دارو خوردن میوهٔ درختی که بر قبر است چه حکم دارد: سوال: ۷۶۵ درغرس درخت میوه دار برقبرهایی که درقبرستان هموارمی گردد وخوردن اشیای خوردنی از آن چه حکم دارد؟

جواب: بر قبور سابقه انجام اینکار درست است ودر خوردن میوه از درخت به این وجه که بر سر خود قبر باشد حرجی نیست [۱] اما اگر قبرستان وقفت باشد در مورد خوردن شرط وتعاهلی که در ارتباط به آن موجود است رعایت شود مثلاً اگر شرط فروش باشد بدون پرداختن قیمت خورده نشود واگر برای فقرا وقف باشد شخص غنی از آن نخورد.

پرده برای زنان هنگام دفن: سوال: ۷۶۶ وقتی زنی وفات می کند هنگام دفن او پرده می گیرند، این حکم فقط برای زنان مستوره است یا برای تمام زنان؟

جواب: این حکم یعنی گرفتن پرده هنگام دفن برای تمام زنان عام است [۲].

عمق قبر به چه اندازه باشد: سوال: ۷۶۷ عمق صندوق قبر را که نصف قامت گفته اند هدف عمق تمام قبر می باشد یا چیز دیگری؟

جواب: هدف فقها از نصف قامت عمق تمام قبر می باشد واین درجه ادنی است واگر به اندازه قامت پوره کنده شود بهترمی باشد وعلت آن است که بدبوبرون نیاید وازحیوانات درنده محفوظ باشد: (والمقصود منه المبالغة فی منع الرائحة ونبش السباع [۳]).

آیابه خاطر فرشته ها عمق قبر رازیاد می سازند: سوال: ۷۶۸ آیابه خاطر فرشته هایی که

(۱) ولوبلی المیت وصار ترابا جاز دفن غیره فی قبره وزرعه والبناء علیه کذافی التبیین (عالمکیری مصری فصل فی القبر والدفن ج۱ ص ۱۵۶، ط. ماجدیه ج۱ ص ۱۶۶). ظفیر

(۲) ویسجی ان یغطی قبرها ولو خنثی لاقبره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۶). ظفیر الدین غفر الله له

(۳) ردالمحتار باب صلٰوة الجنائز ج۱ ص ۸۳۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٤. ظفیر

به قبر می آیند واز میت می پرسند عمق قبر را زیاد می سازند؟

جواب: علت عمیق ساختن قبر طوریکه در شامی نقل گردیده این امر نیست ودر آن جهان برای اینکار به عمق ضرورت نیست، زیرا آن جهان مانند این جهان نمی باشد.

اذان بعد از دفن درست نیست: **سوال**: ۷۶۹ اذان دادن بعد از دفن میت چه حکم دارد؟

جواب: در جلد اول رد المحتار چنین آمده: (فی الاقتصار علی ما ذکر من الوارد اشارة الی انه لا یسن اذان عند ادخال المیت فی قبره [۱]) از این عبارت واضح گردید که اذان بعد از دفن مشروع نه بلکه بدعت می باشد.

عطر زدن به میت چه حکم دارد: **سوال**: ۷۷۰ عطر زدن به میت در قبر چطور است؟

جواب: حرجی نیست [۲].

کشیدن میت از قبر ودوباره خواندن نماز جنازه ممنوع است: **سوال**: ۷۷۱ از وفات پدر زید پانزده سال گذشته است، غسل، تجهیز وتکفین او مطابق دستور شریعت انجام شده بود، بعد از سپری شدن مدت مذکور زید جسد پدر خود را بدون ضرورتی از قبر برون کرد ودوباره نماز جنازه اورا خواند ومی گوید که اینکار جائز است وکسی را که او را ازاینکار منع می نماید، وهابی می گوید، شرعاً در این مورد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: بدون ضرورت کشیدن جسد از قبر ممنوع می باشد [۳] بوده وهر گز درست نیست [۴] پس اینکار شخص مذکور بسیار بد است ومنع کننده را بد گفتن یامشرک ووهابی گفتن جهالت

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۵. ظفیر

(۲) ویوضع الحنوط فی راسه ولحیته وسائر جسده (عالمگیری مصری ج۱ ص ۱۶۱، ط. ماجدیه ج۱ ص ۱۶۶). ظفیر

(۳) ولایخرج عنه عند اهالة التراب الا لحق آدمی کان تکون الارض مغصوبة الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸). ظفیر

(۴) ولا یصلی علی میت الا مرة واحدة والتنفل بصلاة الجنازة غیر مشروع کذافی الایضاح (عالمگیری مصری باب صلاة الجنازة ج۱ ص ۱۵۳ ، ط. ماجدیه ج۱ ص ۱۶٤). ظفیر

وگمراهی می باشد توبه لازم بوده ودر آینده باید چنین کاری را نکند.

بعد از دفن میت اگر دست خاک آلوده شده باشد شستن آن درست است: سوال: ۷۷۲ بعد از گذاشتن میت در قبر وخاک انداختن شستن دست جائز است یانه؟ بکر آنرا جائز وزید آنرا نا جائز می داند.

جواب: در این مورد قول (بحر) صحیح است که درشستن دست در اینصورت شرعاً حرجی نبوده واز آن ممانعتی نیست وآنرا ناجائز گفتن دلیلی ندارد.

میت را چرا جنوباً وشمالاً دفن می کنند: سوال: ۷۷۳ چرا میت را جنوباً وشمالاً دفن می کنند؟

جواب: دفن مرده شمالاً وجنوباً طوریکه رویش به سولی قبله باشد، مسنون است، زیرا در حدیث شریف آمده که کعبه مکرمه در زندگی وپس از مردن قبله شمامی باشد قبلتکم احیاءً وامواتاً [1] واز روی تفاول نیز است زیرا که بر مسلمان باید این گمان باشد که بر ایمان واسلام وفات کرده است.

انداختن سه مشت خاک هنگام دفن: سوال: ۷۷٤ هنگام دفن میت سه مشت خاک انداختن بر قبر چه حکم دارد؟

جواب: در عالمگیری آمده سه مشت خاک انداختن برقبر برای تمام حاضرین مستحب می باشد [2]. فقط

---

(۱) ویوجه الیها وجوبا وینبغی کونه علی شقه الایمن (درمختار) بحدیث ابوداود والنسائی ارجلا قال یارسول الله ﷺ مالکبائر قال هی تشرع فذکر منه استحلال البیت الحرام قبلتکم احیاء وامواتا اهـ قلت وجهه ان ظاهره التسویة بین الحیاة والموت فی وجوب استقباله (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۷۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۵ – ۲۳٦). ظفیر

(۲) ویستحب لمن شهد دفن المیت ان یحثو فی قبره ثلث حثیات من التراب بیدیه جمیعا ویکون من قبل رأس المیت ویقول في الحثیة الاولی: منها خلقناکم، وفی الثانیة: وفیها نعیدکم، وفی الثالثة: ومنها نخرجکم تارة اخری، کذافی الجوهرة النیره (عالمگیری کشوری باب صلاة الجنائز فصل سادس ج۱ ص ۱٦۳، ط. ماجدیه ج۱ ص ۱٦٦). ظفیر

نزدیک سرمیت (قل هوالله)خواندن وخاک انداختن چه حکم دارد: سوال: ۷۷۵ نزدیک سر میت خواندن (قل هوا لله) وسپس خاک انداختن چه حکم دارد؟

جواب: درست نبوده وثابت نیست [۱].

گذاشتن شاخه خرما در قبر جائز است یانه: سوال: ۷۷۶ گذاشتن شاخه خرما در لحد همراه میت چه حکم دارد؟

جواب: ضرورتی به آن نبوده وعلمای محقق از آن منع فرموده اند.

کسیکه در دهلی وفات کند می توان او را در دیوبند دفن کرد: سوال: ۷۷۷ اگر کسی در دهلی وفات کند، انتقال او مثلاً به دیوبند ودفن کردن او در آنجا جائز است یانه؟

جواب: درست است [۲].

بعد ازدفن میت غرس شاخ درخت برقبر چه حکم دارد: سوال: ۷۷۸ بعد از دفن میت غرض تخفیف عذاب غرس شاخ درخت جائز است یانه؟ برقبر پیامبر (ﷺ) شاخ درخت غرس شده بود یانه؟

جواب: علماء حنفی ومحققین اینکار را مخصوص آنحضرت (ﷺ) دانسته اند ورفع عذاب را به برکت او مخصوص دانسته اند لذا احوط ترک آن است [۳]. غرس شاخ برقبر پیامبر (ﷺ) ثابت نیست. فقط

---

(۱) مستحب آن است که از جانب سرسه مشت دو دسته خاک بیند ازد ودروقت انداختن مشت اول خاک بگوید (منها خلقنکم ددوهمی لیی سره، وفیها نعیدکم، اوددریمی سره دی، ومنها نخرجکم تارة اخرٰی وروایی، ویستحب حثیة من قبل راسه ثلاثا لما في ابن ماجه عن أبي هريرة: أن رسول الله ﷺ صلى على جنازة ثم أتى القبر فحثا عليه من قبل رأسه ثلاثا شرح المنية. قال في الجرهرة: ويقول في الحثية الاولى: (منها خلقناكم) وفي الثانية: (وفيها نعيدكم) وفي الثالثة: (ومنها نخرجكم تارة أخرى). (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳٦). ظفير .

(۲) ولاباس بنقله قبل دفنه (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸٤۰ ط. س. ج۲ ص ۲۳۹). ظ

(۳) يؤخذ من ذلک ومن الحديث ندب وضع ذلک للاتباع، ويقاس عليه ما اعتيد في زماننا من وضع أغصان الآس ونحوه، وصرح بذلک أيضا جماعة من الشافعية، وهذا أولى مما قاله بعض المالكية من أن التخفيف عن القبرين إنما حصل ببركة يده الشريفة ﷺ أو دعائه لهما =

فصل هفتم : تعزیت

پس ازباز گشت از قبرستان تلقین صبربه ورثه میت چه حکم دارد: سوال: ۷۷۹ در اینجا همیشه رواج چنان بوده است که چون پس از دفن میت از قبرستان اباز می گردند به خانه وارث میت رفته او را تسلی داده وتلقین صبر نمایند، اکنون عده عالیجنابان می فرمایند که پس ازدفن میت به خانه وارث میت رفتن بدعت است این قول صحیح است یانه؟

جواب: در شامی چنین نوشته شده: (ویکره له الجلوس فی بیته حتی یاتی الیه من یعزی بل اذا فرغ ورجع الناس من الدفن فلتیفرقوا ویشغل الناس باموارهم وصاحب البیت بامره [۱]).

غم حضرت فاطمه بر وفات پیامبر (ﷺ): سوال: ۷۸۰ درمرگ شخص دیگری غیر از شوهر اضافه از سه روز غم برای زن جائز نیست اما جگر گوشه رسول حضرت فاطمة الزهرا (رضی) بر وفات پیامبر (ﷺ) شش ماه پیهم غم نمود، توجیه اینکار چیست؟

جواب: رنج وغم اختیاری نبوده ودر آن محدودیتی وجود ندارد وممنوع نیز نمی باشد ممنوع آن است که لباس سوگ وغیره بپوشد.

اجازه تعزیت به مسافر بعد ازسه روز: سوال: ۷۸۱ در کتاب (بهشتی گوهر) نوشته شده که تعزیت بعد از سه روز مکروه است مگر برای کسیکه در سفر باشد کراهیت ندارد، این قول از کتاب کدام منقول است؟

جواب: این قول در کتاب الدر المختار است: (وتکره بعدها الا لغائب [۲]).

= فلا یقاس علیه غیره. وقد ذکر البخاري في صحیحه أن بریدة بن الحصیب رضي الله عنه أوصی بأن یجعل في قبره جریدتان، والله تعالی أعلم . (ردالمحتار قبیل باب الشهید مطلب وضع الجدید ج۱ ص ۸۴۶ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۵). ظفیر

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۱. از اینجا معلوم می گردد که بطور رواج آمدن ونشستن مکروه است اما اگر کسی به اساس ارتباط خود غرض تلقین صبر بیاید مکروه نخواهد بود. والله اعلم (ظفیر)

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز بعد مطلب کراهیة الضیافة ج۱ ص ۸۸۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۱. ظفیر

آیا تعزیت دوباره مکروه است وپس از خط تعزیت شفاهی چه حکم دارد: سوال: ۷۸۲ همچنان در کتاب (بهشتی گوهر) آمده که تعزیت دوباره مکروه است اما اگر بذریعه خط تعزیت داده شده باشد بار دیگر تعزیت به لسان بلاکراهیت جائز است یا با کراهیت؟

جواب: در الدر المختار آمده: (وتکره التعزیة ثانیاً) این حکم عام است چه اول به کتابت باشد وثانیاً به لسان یا بر عکس.

مدت تعزیت تا وقت است: سوال: ۷۸۳ فاتحه خوانی وتعزیت تا چند روز وبا چه الفاظی برای عزاداران در مسجد یا خانه مسنون است؟

جواب: تعزیت تا سه روز بوده وبعد از آن مکروه می باشد اما شخصی که در آنوقت باشد می تواند بعداً تعزیت کند، در تعزیت باید کلمات تسلی آمیز بکار رود مثلاً صبر کن خداوند ترا اجر رامی دهد، وبرای تعزیت در مسجد نشستن مکروه است بلکه باید در خانه باشد [1].

فصل هشتم : زیارت قبور وایصال ثواب

برای زنان نرفتن به قبرها بهتر است: سوال: ۷۸٤ اگر کسی زنان را همراه خود به حضیره ببرد تا قبور را زیارت کنند، در این مورد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: قول صحیح آن است که زنان به قبر ها نروند که صبرا در ایشان ضعیف است ودر انجا جزع وفزع می کنند، هر چند این مسئله اختلافی می باشد اما راجح آن است که زنان به زیارت قبور نروند [2]. فقط

---

(۱) ولاباس الخ بالجلوس لها فی غیر مسجد ثلاثة ایام اولها افضلها وتکره بعده لغائب ویقول عظم الله اجرک واحسن عزاءک وغفر لمیتک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز قبیل مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸٤۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۱). ظفیر

(۲) وبزیارة القبور ولو للنساء لحدیث کنت نهیتکم عن زیارة القبور الا فزوروها (درمختار) قوله ولوللنساء وقیل تحرم علیهن والاصح ان الرخصة ثابتة لهن بحر وجزم فی شرح المنیة بالکراهة الخ فلاباس اذاکن عجائز ویکره اذاکن شباب کحضورالجماعة فی المساجد (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸٤۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۲). ظفیر

<u>**ایصال ثواب پس از نماز جنازه**</u>: **سوال**: ۷۸۵ پس از نماز جنازه وپیش از دفن اولیای میت به نماز گزاران می گویند که سه سه بار سوره اخلاص را خوانده وثواب آنرا به میت بفرستید؟

جواب: در ایصال ثواب حرجی نیست پس اگر بعد از نماز جنازه تمام مردم یا بعضی از ایشان سوره اخلاص رابخوانند وثواب انرا به میت بفرستند حرجی نیست [۱] البته دعا بعد از نماز جنازه ر فقها مکروه نوشته اند، زیرا نماز جنازه خود برای میت دعامی باشد [۲] لذا پس از آن دعای دیگری مشروع نیست.

<u>**ایصال ثواب یک عمل به اشخاص متعدد**</u>: **سوال**: ۷۸۶ اگر ثواب تلاوت قران مجید یا غذا یا لباس یک وقت به یک شخص ایصال شود وسپس به شخص دومی ودر وقت سوم به شخص سوم این ثواب به آن هر سه نیت خواهد رسید یا به میت اول رسیده ومنقطع خواهد گشت وبه شخص دوم وسوم چیزی نخواهد رسید.

جواب: اگر در یک وقت به چند میت ایصال ثواب گردد به همه می رسد اما اگر اول آن ثواب به یک میت ایصال شود باز در وقت دیگر ثواب همین صدقه یا تلاوت قران مجید به میت دومی نخواهد رسید به میت اولی رسیده است [۳].

<u>**با ایصال ثواب به چند نفر ثواب تقسیم می شود یا به همه پوره می رسد**</u>: **سوال**: ۷۸۷ در **ایصال ثواب به ارواح اموات تقسیم است یا مساوات، مثلاً یکبار قران مجید را ختم می نماید وثواب آنرا به روح سه نفر ایصال می نماید، آیا به هر یک علی السویه وپوره پوره ثواب ختم قران مجید می رسد یا ثواب یک ختم میان آن هر سه تقسیم می گردد؟**

---

(۱) ویقرا یٰس وفی الحدیث من قرأ الاخلاص احدعشر مرة ثم وهب اجرها للاموات اعطی من الاجر بعدد الاموات (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی القرآءة للمیت ج۱ ص ۸٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۲)، ظفیر

(۲) مصلی الجنازة ینوی الصلٰوة لله تعالی وینوی ایضا الدعاء للمیت الخ (ایضا باب شروط الصلاة ج۱ ص۳۹۳) ظفیر

(۳) نعم اذافعله لنفسه ثم ینوی جعل ثوابه لغیره لم یکف الخ (ردالمحتار ج۱ ص ۸٤٤ . ط. س. ج۲ ص ۲٤۳)، ظفیر

جواب: در شامی هردو قول نقل گردیده ومطابق قیاس ثواب باید تقسیم گردد، عبارت رد المحتار چنین است: (یوضحه انه اهدی الکل الی اربعة یحصل لکل منها ربعة فکذا لو اهدی الربع لواحد ابقی الباقی لنفسه) [۱] سپس از این حجر مکی نقل نموده که جماعتی چنین فتوٰی داده اند که به هر یک ثواب کاهل می رسد واین قول شایسته وسعت فضل الهی می باشد [۲].

اگر در ثواب با والدین دیگر تمام مردم را شریک کنید ثواب به همگان می رسد: سوال:

۷۸۸ اگر شخصی سورۂ فاتحه یا سوره دیگری یا دو رکعت نماز نفل بخواند وثواب آنرا به روح پدر یا مادر یا پیر یا استاد خویش به همراه همه مومنین ومومنات ببخشد، ثواب مذکور را فقط به روح پدرش ایصال کرده یابه روح همه یعنی اگر فقط نام پدر یا استاد را بگیرد در انصورت ثواب کاهل به او خواهد رسد.

جواب: اگر به روح همه ایصال کند برهمه می رسد [۳] وبهتر همین شریک کردن در ایصال ثواب است [٤].

اگر به بی نماز هم ایصال ثواب شود به او می رسد: سوال: ۷۸۹ اگر شخصی بی نماز بمیرد وبه روح او ثواب صدقه وغیره ایصال گردد آیا ثواب به او می رسد یانه؟

جواب: به هر مسلمانی که مرده است ثواب می رسد، به مسلمان بی نماز نیز می رسد [۵].

درایصال ثواب گفتن فلان ابن فلان ضرور است یا تنها گرفتن نا کافی می باشد: سوال:

([۱]) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۳. ظفیر

([۲]) لکن ابن حجر المکی عما لو قرا لاهل المقبرة الفاتحه هل یقسم الثواب بینهم اویصل لکل منهم ثواب ذالک کاملا فاجاب بانه افتی بالثانی وهو اللائق بسعة الفضل (ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸٤۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٤). ظفیر

([۳]) سئل بن حجر مکی عمالو قرا لاهل المقبرة الفاتحة هل یقسم الثواب بینهم اویصل لکل منهم مثل ثواب ذالک کاملا فاجاب بانه افتی بالثانی وهو اللائق بسعة الفضل (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ص ۸٤۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٤). ظفیر

([٤]) بل فی زکوٰة التتارخانیة عن المحیط الافضل لمن یتصدق نفلا ان ینوی لجمیع المؤمنین والمؤمنات لانها تصل الیهم ولاینقص من اجره شیئ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی القرآة للمیت ج۱ ص ۸٤٤ ، ط.س. ج۲ ص ۲٤۳). ظفیر

([۵]) وفی البحر من صام اوصلی اوتصدق وجعل ثوابه لغیره من الاموات والاحیاء جاز ویصل ثوابها الیهم عند اهل السنة کذا فی البدائع (ردالمحتار ج۱ ص ۸٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۳). ظفیر

۷۹۰ آیا در ایصال ثواب گفتن فلان ابن فلان ضرور است یا تنها گرفتن نام کفایت می کند اگر نام پدرش را یاد نداشته باشد چه طریقه ای برای ایصال ثواب وجود دارد؟

جواب: گفتن نام فلان ابن فلان مناسب است اما اگر نام پدرش را یاد نداشته باشد تنها گرفتن نام خودش کافی می باشد، هر چه در نیت باشد برای خداوند متعال معلوم است، اگر نام پدرش معلوم نباشد حرجی نیست [۱].

خیرات به چه کسی داده شود: سوال: ۷۹۱ به شخص که غذا یا پول نقد یا لباس داده شود دارای چه صفتی باشد، پابند نماز وروزه باشد یا چیزی ضرور نیست با دادن به شخص بی نماز وبی روزه نیز ایصال ثواب صورت می گیرد یانه؟ وبه دادن یا خوراندن به کافر یا صاحب نصاب نیز ایصال ثواب صورت می گیرد یانه؟

جواب: در دادن به هر محتاجی ثواب است اما در دادن به مسلمان پابند نماز وروزه ثواب بیشتر است [۲] تفصیلات بیشتر این مسأله در کتب وجود دارد، شفاهی از عالمی بپرسید.

انتساب یک قول غلط به شاه عبد العزیز در ارتباط به سماع موتی: سوال: ۷۹۳ به اساس کتاب های کفایة، عنایة، فتح، شامی وغیره در مسأله سماع موتی مذهب احناف انکار بوده وشوافع به آن قائل اند حدیث قلیب بدر را تاویل بعیدی می نمایند لهذا شاه عبدالعزیز در فتاوی خود تحریر می فرماید که انکار سماع موتی قریب به کفر است، مفهوم این عبارت چیست؟

جواب: تاویل حدیث قلیب بدر رابعید گفتن نهایت قبیح می باشد، زیرا این تاویل درزمان صحابة شده است، حضرت ام المومنین عائشه صدیقه آنرا تاویل فرموده، اگر برای تطبیق حدیث به آیت

---

(۱) فی الحدیث من قرأ الاخلاص احد عشر مرة ثم وهب اجرها للاموات (درمختار) وفي شرح اللباب ویقرأ من القرآن ما تیسر له من الفاتحة واول البقرة الی المفلحون الخ ثم یقول اللهم اوصل ثواب ما قرأناه الی فلان او الیهم اهـ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز، مطلب فی القراءة للمیت واهداء ثوابها له ج۱ ص ٨٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۲). ظفیر

(۲) قا ل النبی ﷺ فاطعموا طعامکم الاتقیاء واولو معرفکم المؤمنین، رواه البیهقی (مشکوة باب الضیافة ص ۳٦۹). ظفیر

قرانی قرین قیاس ومنقول از صحابه تاویل صورت گیرد چگونه می توان آنرا بعید خواند [۱] یا للعجب ویا لضیعة الادب وانتساب این قول به حضرت شاه عبدالعزیز که شما نقل کرده اید غلط است هیچ یک چنین فتوایی به سند معتبر از حضرت شاه صاحب ثابت نیست شخصیت بزرگی چون شاه صاحب چطور می تواند ازمسأله ای که در آن صحابه وائمه مجتهدین اختلاف داشته ونصوص متعارض می باشند انکار کند وانکار سماع موتی را قریب به کفر بداند پس انتساب قول مذکور به شاه صاحب غلط محض وبی اساس بوده وچنین سخنی هر گز از زبان او خارج نشده وباید آنرا غلط دانست.

آیا اشتراک در ایصال ثواب مناسب نیست: سوال: ۷۹۳ من از گذشته ها به اساس معلومات سابقه خویش ثواب تلاوت قران را به روح پاک پیامبر (ﷺ) به اشتراک دیگر انبیاء وبزرگان دین ودوستان وآشنایان وخویشاوندان اهدا می کرده ام اکنون چیزی را مطالعه کرده ام که به اساس آن اشتراک بهتر نبوده وافراد بهتر می باشد، لطفاً مکتوب شماره- ۱۸- جلد سوم از مکتوبات شیخ احمد سرهندی مجدد الف ثانی را ملاحظه فرمائید ومن در آینده کدام طریقه را اختیار کنم؟

جواب: آنچه شما نوشته اید مضمون مکتب نمبر- ۱۸- نه بلکه از مکتو شماره- ۲۸- صفحه- ۷٦- جلد سوم می باشد که به پیامبر (ﷺ) **به طور مستقل وبدون شرکت غیر ایصال ثواب صورت گیرد وبه دیگر اموات به واسطه او (ﷺ) ایصال ثواب صورت گیرد بهتر است اما این مساله که شرکت در ایصال ثواب درست می باشد [۲] یانه واضح است که به هر طریقی جائز بوده ودرآن بحثی نیست. فقط**

---

(۱) واجابوا عن هذا الحديث تارة بانه مردود عن عائشة رضي الله عنها قالت كيف يقول رسول الله ﷺ ذالک والله يقول وما انت بمسمع من في القبور، انک لاتسمع الموتی الخ (مرقاة المفاتیح ج٤ ص ٢٤٦). ظفیر

(۲) قال يستحب اهداءها له ﷺ قلت وقول علمائنا له ان يجعل ثواب عمله لغيره يدخل فيه النبی ﷺ فانه احق بذلک الخ (ردالمحتار باب صلوة الجنائز مطلب في اهداء ثواب القراءة للنبی ﷺ ج١ ص ٨٤٥ ، ط.س. ج٢ ص ٢٤٤). ظفیر

طواف قبور درست نیست: سوال: ٧٩٤ زید می گوید که طواف قبور جائز است ودر استدلال خود قول حضرت شاه ولی الله قدس سره را بیان می کند آیا قول زید صحیح است یانه، عبارت شاه صاحب چیست؟ همچنان زید می گوید اگر شخص کاهلی طواف قبور بنماید به اهل قبر فایده می رسد، این سخن نیز صحیح است یانه وطواف کننده وکسیکه آنرا جائز می گوید گنهگار به وعید است یانه؟

جواب: قول زید غلط بوده وطواف عبادت مختص به کعبه شریفه است وطواف غیر کعبه جائز نیست وعبارت شاه ولی الله صاحب در نزد من نیست ونه کتاب او نزد من موجود می باشد که آنرا مطالعه کنم، بهر حال کتاب او در تصوف است واگر در آن چیزی باشد هم نمی توان از آن به مسائل شرعی استدلال نمود ومعلوم نیست که قول مذکور در چه محلی وبکدام شیوه ای است واو آنرا جائز نوشته یانه به ما حکم شده که از شریعت پیروی کنیم وظاهر است که در شریعت طواف غیر از خانه کعبه بدور چیز دیگری جائز نیست، خداوند متعال فرموده است: (وعهد نا الی ابراهیم واسمعیل ان طهرا بیتی للطائفین والعاکفین والرکع السجود [1]).

استمداد از اهل قبور جائز نیست: سوال: ٧٩٥ آیا صورتی برای جواز استمداد از اهل قبور نزد احناف موجود است؟

جواب: اگر استمداد از اهل قبور توام با این عقیده باشد که ایشان متصرف در امور اند طوزیکه عوام عقیده دارند، درست نیست بلکه در آن خوف کفر می باشد، در شامی آمده: (ومنها انه ظن ان المیت یتصرف فی الامور دون الله تعالی واعتقاده ذلک کفر) [2].

حکم ایصال ثواب چیست: سوال: ٧٩٦ نشستن قاری بر قبور که صاحب فتح القدیر آنرا اختیار نموده ص ٣٠١ فتاوی قاضی خان ص ٧٨، فتاوی عالمگیری ١٣٣ ج، ص ١٨٨ مجمع

---

[1] البقرة : رکوع ١٥. ظفیر

[2] ردالمحتار قبیل باب الاعتکاف ج٢ ص ١٧٥ مطلب فی النذر الذی یقع للاموات ط.س. ج٣ ص٧٣٩. ظفیر

الانهار ص ۸۸ ۱ دررالحکام ص ۱۶۸، ص ۳۴۴ خلاصة القاری، ۳۴۴ فتاوی غیاثیه، ص ۴۵ فوائد سمیه، ص ۱۴۴ فوائد کبیری، ص ۵۶۴ فوائد صغیری، روح البیان، فتاوی مصریه در المختار وغیره کتب فقه علامه فتوی مذکور است، آیا این مسأله صحیح است یا غلط؟

جواب: خاص به رضای خداوند تلاوت قرآن شریف ایصال ثواب آن به میت بسیار با ار زش است وهیچ کسی درآن اختلافی ندارد اما اجاره تلاوت طوریکه مروج است درست نمی باشد، چنانچه در شامی آمده: (فی الو لو الجیة لو زار قبر صدیق او قریب له وقرأ عنده شیئا من القران فهو حسن اما الوصیة بذلک فلا معنی لها ومعنی ایضاً لصلة القاری لان ذلک شبیه استیجاره علی قرائة القران وذلک باطل ولم یفعله احد من الخلفا) (۱) پس به اساس این وجوه در زمأنه ما از اجلاس قاری منع می نمایند.

سوال در مورد بعضی از روایات: **سوال**: ۷۹۷ (تصدقوا لموتاکم قبل الدفن.... تفدو لموتاکم بعد الدفن) این قول در شرح بر زخ، زاد الاخره وغیره کتب فقه آمده است، در اینجا رواج آن است که ورثهٔ میت حسب قدرت خویش حافظان، قاریان، علماء، طلبا ودیگر فقرا ومساکین را جمع نموده وگاهی بعد از دفن، گاهی قبل از دفن، گاهی بعد از نماز جنازه وگاهی قبل از نماز جناز به خاطر آسانی ورسیدن فایده به میت خیرات می دهند ودر طحطاوی شرح مراقی الفلاح آمده: (والسنة ان یتصدق ولی المیت قبل مضی اللیلة الاولی بما تیسر....) آیا ابن روایات صحیح اند وآیا صورت سوال شده جائزمی باشد؟

جواب: این روایات بی اصل بوده وعیب اجاره به تلاوت قرآن شریف در اینجا نیز وجود دارد ودر اینجا مسأله مشروط کردن معروف می باشد وبا این ترتیب خواندن ثوابی حاصل نمی گردد طوریکه علامه شامی در مورد آن تحقیق که نموده که مزید بر آن نمی توان چیزی گفت.

---

(۱) ردالمحتار کتاب الاجارة مطلب فی الاستیجار علی الطاعات ج۵ ص ۴۷ ، ط. س. ج۶ ص ۵۷. ظفیر

<u>تصدیق یک مسأله در ارتباط با مظاهر حق</u>: سوال: ۷۹۸ درکتاب مظاهر حق جلد دوم باب النذور آمده که فاتحه بزرگان دین ونذر ونیاز به آنها جائز بوده وخوردن چنین غذائی روامی باشد، این مسأله صحیح است یا غلط؟

جواب: در استحباب ایصال ثواب برای اموات جای ترددی نیست، ایصال ثواب به اموات بدون قیود رسوم مخترعه جائز می باشد، مطلب مظاهر حق همین است.

<u>اگر کسی ثواب یک لک وبیست وپنج هزار مرتبه درود شریف را به- ۲۵- نفر ببخشد به چه اندازه ثواب به آنها می رسد</u>: سوال: ۷۹۹ اگر شخصی یک لک وبیست وپنج هزار مرتبه درود شریف بخوانده وثواب آنرا به- ۲۵- میت ببخشد، لطف نموده بفرمائید که به هرمیت ثواب یک لک وبیست وپنج هزار مرتبه درود شریف می رسد یا به هر کدام یک یک بر بیست وپنج حصه آن؟

جواب: به هر میت یک بر بیست وپنج حصۀ آن یعنی پنج هزار ثواب می رسد وعده ای از علما گفته اند که به هر یک ثواب پوره خواهد رسید وطوریکه شامی می گوید قول اول قیاس بوده وقول دومی اوسع می باشد [1].

<u>ایصال ثواب تلاوت قرآن شریف چگونه صورت می گیرد</u>: سوال: ۸۰۰ آیا ایصال ثواب تلاوت قرآن شریف نیز به همین ترتیب صورت می گیرد؟

جواب: به همین صورت است.

<u>ثواب چگونه به مرده ها می رسد</u>: سوال: ۸۰۱ ثواب به چه وسیله ای به اموات می رسد؟

جواب: بواسطه ملائک یا به هر واسطه ای که خداوند تعالی بخواهد.

---

[1] وفی البحر من صام اوصلی اوتصدق وجعل ثوابه لغیره من الاموات والاحیاء جاز ویصل ثوابها الیهم عند اهل سنة والجماعة کذا فی البدائع (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی القرآنت للمیت ج۱ ص ۸٤٤ ،ط. س. ج۲ ص ۲٤۳). ظفیر

ایصال ثواب به ارواح موتی: سوال: ۸۰۲ هنگام ایصال ثواب به مردگان غیر از تفریح دیگر چیزی معلوم می شود؟

جواب: هر نوع ثوابی که از اعمال صالحه باشد به ایشان میرسد.

آیا به میت گفته می شود که این ثواب از طرف فلان شخص است: سوال: ۸۰۳ آیا به میت نیز گفته مي شود که این تحفه را فلان دوست یا خویشاوند تو فرستاده است وگوینده چه کسی می باشد، فرشته یا کس دیگری؟

جواب: چنین نیز آمده که به میت گفته می شود وگوینده فرشته می باشد.

آیا قبل از قیامت روح انسان درقبر می باشد: سوال: ۸۰٤ زید می گوید که پس از مردن تا قیامت روح انسان در قبر به سر می برد آیا این سخن درست است یانه؟

جواب: روح باقبر نیز در ارتباط می باشد امامحل استقرار اصلی آن علیین یاسجین می باشد [1].

پس ازمردن روح عذاب می بیند یاجسم یا هردو: سوال: ۸۰۵ بعد از مردن روح تعذیب می شود یا جسم یا هر دو؟

جواب: عذاب باروح مع جسم می باشد طوریکه از ظاهر حدیث ثابت است [2].

نوشتن عهدنامه وگذاشتن آن در قبر با میت چطور است: سوال: ۸۰٦ عهد نامه وغیره

---

(۱) قاضی ثنا الله بعد از نقل تمام چنین احادیث می نویسد: (وحافظ ابن حجر عسقلانی گوید که ارواح مسلمانان در علیین وارواح کفار در سجین وهر یک را با جسد خود اتصال باشد معنوی که مشابه آن اتصال نیست که درحیات دنیا بود بلکه اگر مشابهت داده شود بحال خفته داده شود لیکن از اتصال خفته قوی تر است شیخ جلال الدین سیوطی گفته که با این تقریر آنچه درحدیث آمد که جای قرار شان در علیین وسجین است وآنچه ابن عبدالبر از جمهور نقل کرده که نزدیک قبور اند جمع می شود.... (تذکرة الموتی والقبور ص ۲۸) ثم اعلم ان الروح لها بالبدن خمسة انواع الخ والرابع تعلقها به فی البرزخ فانها وان فارقته وتجردت عنه فانها لم تفارقه فراقاً کلیا بحیث لا یبقی لها الیه التفات البتة فانها واردة الیه وقت سلام المسلم علیه وورد انه یسمع خفق نعالهم حین یولون عنه وهذا الرد اعادة خاصة لا یوجب حیاة البدن قبل یوم القیامة (شرح فقه اکبر ص ۱۵٤). ظفیر

(۲) والحاصل ان احکام الدنیا علی الابدان والارواح تبع لها واحکام البرزخ علی الارواح والابدان تبع لها واحکام الحشر والنشر علی الارواح والاجساد جمیعا (شرح فقه اکبر ص ۱۵٤). ظفیر

نوشتن وآنرا در قبر با میت ماندن جائز است یانه؟

جواب: جائز نبوده واز خوف آلوده شدن بانجاست فقها از آن منع کرده اند وتفصیل آن در شامی وجود دارد [۱].

ایصال ثواب بعد از نماز جنازه واصرار برکار مباح: **سوال**: ۸۰۷ در صفحه- ۵٤۸- جلد پنجم مرقاة شرح مشکوٰة چاپ مصر آمده: (وفی روایة لهما وانه وضع عمر علی سریره فتکفنه الناس یدعون ویثنون ویصلون علیه قبل ان یرفع وانا فیهم لم یرعنی الاجل قد اخذ منکبی من ورائی فالتفت فاذا هو علی ابن ابی طالب فترحم علی (رضی الله عنه) عمر (رضی الله عنه)....درکفایة باب الجنائز آمده: (روی ان رجلاً فعل هکذا بعدالصلوة فرأه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فقال ادع استجب لکم....)

در عنایة باب الجنائز آمده: (روی ان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) رای رجلاً فعل هکذا بعد الفراغ من الصلوة فقال ادع....) در جزء چهارم قسطلانی بر شرح مسلم امام نووی صفحه -۳۰٦- چاپ مصر چنین آمده: (قوله حفظت من دعائه ای علمینه بعد الصلوة فحفظته) - صفحه- ۲۰-- رد وهابیه وهمچنان در شرح برزخ ارقام نموده تصدیق وخواندن قران مجید برمیت ودعا درحق او قبل از برداشتن جنازه وپیش از دفن سبب نجات از احوال آخرت وعذاب قبر است.

در صفحه ۹٤ رفاه المسلمین روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هنگام گذاشتن مرده ها در قبر این دعا را می خواند: (اللهم اغفرله وارحمه وعافه واعف عنه) در جوهر نیره آمده: (حتی یودوا حقه بالصلوة علیه والدعا له) در شامی آمده: (وصول القراءة للمیت اذا کانت بحضرته او دعی له عقبها ولو غائباً لان محل القرأة تنزل الرحمة والبرکة والدعا عقبها اوحی للقبول) قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اقرؤا "یس" علی موتاکم - در نماز مترجم مولانا صاحب بشیر در صفحه -۸۵- چنین آمده: (بعد ازنماز جنازه همه مردم نشسته -قل هوالله- را یازده بار والحمد شریف راده بار خوانده

---

(۱) وفی فتاوٰی المحقق ابن الحجر المکی الشافعی عن کتابة العهد الخ هل یجوز ولذالک اصل؟ فاجاب الخ قد أفتی ابن الصلاح بانه لایجوز الخ خوفامن صدیدالمیت الخ (ردالمحتار قبیل باب الشهید ج۱ ص ۸٤۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٦). ظفیر

به روح میت ببخشند.

در تنبیه الغافلین صفحه - ۷۳- آمده که بهترین طریقه ایصال ثواب برای میت آن است که قبل از دفن هر قدر که شود کلمه یا قرآن شریف یا درود یا سوره ای را بخواند وبه روح اوببخشد - درکتاب مظاهر حق در باب الجنائز تحت حدیث ابن عباس آمده که یعنی سورۂ فاتحه را درنماز جنازه بخوانید طوریکه در حدیث ابن عباس گذشت وبعد از نماز یا قبل از نماز آنرا به قصد تبرک تلاوت کنید.

امام محمود بدر الدین عینی در شرح صحیح بخاری تحت باب موعظة المحدث عند لغیر فرموده: (مصلحة المیت آن یجتمعوا عنده لقراءة القران والذکر فان المیت ینفع به)

درصفحه بر۱۱٦ مشکوٰة این حدیث آمده: (عن ام سلمه قالت قال رسول الله ﷺ اذا حضرتم المریض او المیت فقولوا خیراً فان الملائکة یؤمنون علی ما تقولون) در صفحه ۱۳۲ جواهر النفیس شرح در الکیس آمده: (وفی نافع المسلمین رجل رفع یدیه بدعا الفاتحه للمیت قبل الدفن جاز) به اساس دلائل فوق ایصال ثواب به سورۂ فاتحه واخلاص بعد از سلام از نماز جنازه سنت ثابت می شود یا مستحب یا بدعت حسنه یا بدعت سیئه؟ صرف می خواهم با اهتمام تمام ثبوت مسئله را بدانم.

جواب: امور مستحبه ومباحه با اصرار والتزام به بدعت مبدل می گردند- عن عبد الله بن مسعود لا یجعل احدکم للشیطان شئیاً من صلوته یری ان حقا علیه ان لاینصرف الاعن یمینه لقد رایت رسول الله (ﷺ) کثیراً ینصرف عن یساره) در مرقاة در شرح این حدیث آمده: (من اصر علی امر مندوب وجعله عزماً ولم یعمل بالرخصة فقد اصاب منه الشیطان من الاضلال فکیف من اصر علی بدعة ومنکر [1]). فقط

[1] مرقاة المفاتیح ج۲ ص ۱٤. ظفیر

در فتاوی عالمگیری آمده: (وما یفعل عقیب الصلوة مکروه لان جهال یعتقدونها سنة واجبة وکل مباح یوذی الیه فمکروه...) والله تعالی اعلم.

ایصال ثواب: **سوال**: ۸۰۸ ثواب صدقه وخیرات به میت می رسد یانه ودعای زندگان برای مردگان نافع می باشد یانه؟

جواب: به میت ثواب صدقه خیرات وتلاوت قرآن شریف وغیره می رسد، اهل سنت وجماعت در مورد اصل ایصال ثواب اتفاق دارند واختلاف میان ایشان در مورد عبادات بدنیه می باشد، امام شافعی وامام مالک به عدم وصول آن حکم کرده اند ودرمورد صدقات مالی همگان اتفاق داشته واختلافی در آن نیست.

دلائل ایصال ثواب الی المیت واینکه ثواب دعا، صدقه، خیرات، تلاوت قران شریف وغیره که زندگان می نمایند به مردگان می رسد بسیار زیاد است مثلاً از آیت قرآنی: (رب ارحمهما کما ربیانی صغیراً) (رب اغفرلی ولوالدی ولمن دخل بینی مومناً وللمومنین والمومنات) (ربنا اغفرلنا وخواننا الذین سبقونا بالایمان) واما احادیث: عن سعد بن عبادة فانه قال یا رسول الله ان ام سعد ماتت فای الصدقة افضل قال ﷺ الماء فحفر بیراً وقال هذا لام سعد- اخرجه ابوداود ونسائی (مشکوٰة) قال القونوي والاصل فی ذلک عنداهل البیت ان الانسان ان یجعل ثواب عمله لغیره صلوة او صوماً او حجاً اوصدقة او غیرها، والشافعی (رح) جوز هذا الصدقة والعباده المالیة وجوزه فی الحج واذا قراء علی القبر وللمیت اجراً لمستمع ومنع وصول ثواب القران الی الموتی وثواب الصلوة والصوم وجمیع الطاعات والعبادات ذیر المالیة وعندابی حنیفة واصحابه (رح) یجوز ذلک ویصل ثوابه الی المیت وتمسک المانع من ذلک بقوله تعالی (وان لیس للانسان الا ماسعٰی وبقوله ﷺ (اذا مات ابن آدم انقطع عمله..... الحدیث) والجوا ب ان الأیة لنا لان الذی اهدی ثواب عمله لغیره سعی فی ایصال الثواب الی ذلک الغیر فیکون له ما سعی هذه الایة ولا

یکون له ما سعی الابوصول الثواب الیه فکانت الایة حجة لنا لا علینا واما الحدیث یدل علی انقطاع علمه ونحن نقول به وانما الکلام فی وصول الثواب غیره الیه والموصل للثواب الی المیت فوالله تعالی سبحانه لان المیت لا یسمع بنفسه والقرب والبعد سواء فی قدرة الحق سبحانه) شرح فقه اکبر.

درقبر ها دعا کردن درست یانه: سوال: ۸۰۹ اینکه در قبور فقرا واولیاء پس از فاتحه مردم دعا می کنند درست است یانه؟

جواب: بدین ترتیب دعا کردن درست است که بگوید با الله به برکت بندگان نیکی خود حاجتم را بر اورده فرما [۱].

زن اجازه رفتن به قبر را دارد یانه: سوال: ۸۱۰ قبره همشیره من در محل مردانه قرار دارد آیا مادر من از محل زنانه که بسیار نزدیک است می خواهد به آنجا برود، آه فریاد وبی صبری نخواهد کرد آیا رفتن او جائز است یانه؟

جواب: بعضی از فقها اینکار را اجازه داده اند به شرط آنکه ناله وفریاد نکنند اما احوط نرفتن است [۲]. فقط

اگر ثلث قرآن سه بار خوانده شود وایصال ثواب گردد ثواب تمام قرآن خواهد بود یانه: سوال: ۸۱۱ اگرشخصی که تمام قرآن را یاد ندارد وده پاره را یاد دارد وهمان ده پاره سه مرتب بخواند دراینصورت ثواب تمام قران شریف به میت خواهدرسید یاصرف ثواب ده پاره؟

---

(۱) ویجوز التوسل الی الله تعالی والاستغاثة بالانبیاء والصالحین بعد موتهم (بریقه محمودیه ج۱ ص ۲۷۰). ظ

(۲) وبزیارة القبور ولو للنساء لحدیث کنت نهیتکم عن زیارة القبور الا فزوروها (درمختار) قوله: بزیارة القبور ای لاباس بها بل تندب الخ وقوله: ولو للنساء، وقیل تحرم علیهن. والاصح أن الرخصة ثابتة لهن. بحر. وجزم في شرح المنية بالكراهة وقال الخير الرملي: إن كان ذلک لتجديد الحزن والبكاء والنَدب على ما جرت به عادتهن فلا تجوز الخ وإن كان للاعتبار والترحم من غير بكاء والتبرک بزيارة قبور الصالحين فلا بأس إذا كن عجائز. ويكره إذا كن شواب كحضور الجماعة في المساجد (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸۴۳ ، ط. س. ج ۲ ص ۲۴۲). ظفیر

جواب: بدین ترتیب ثواب خواندن تمام قرآن شریف حاصل نخواهد شد البته ثواب سه چند ده پاره حاصل خواهد گشت، بهر حال اگر نتواند تمام قرآن شریف را تلاوت کند همین ده پاره را بار بار بخواند وایصال ثواب کند، ثواب به میت خواهد رسید.

سوال: ۸۱۲ آیا ثواب نفل رابه میت می توان ایصال کرد؟

جواب: می توان [1].

تذکر نیکی های میت به طور رواج پس از نماز جنازه چطور است: **سوال:** ۸۱۳: اگر شخصی از اهل اسلام بمیرد وبعد از نماز جنازه به سبب جهالت وعدم تعارف ورثۂ میت ازمسائل شرعیه مولوی صاحب بدستور دلالت علی الخیر وتبلیغ حکم شرعیه وارث مرده را بر این امر تلقین دهد که نیکی مرده را رو بروی جماعت موجوده بیان کن وهمه را برسعادتش گواه کن پس وارث مرده برخاسته افعال جمله او را یاد کند وبر اعمال حسنۂ او همه حاضرین را شاهد گرداند اگر چه در زندگی چندان عمل خیر از او مصدر نشده باشد بلکه گاهی گاهی این جائز است یانه ؟ چنانچه حضور علیه خیراً فوجبت له الجنة وهذا اثنیتم علیه شراً فوجبت له النار انتم شهداء الله فی الارض (مشکوة باب المشی الجنازة)

جواب: حاصل این حدیث که از مشکوٰة شریف نقل کرده شد این است که میتی که مردمان بر او ثنا خیر کنند واز او نیکی یاد کنند او جنتی است وآن میت که او را مردمان بد گویند آن بد است ودوزخی است واین هم در دیگر روایات است که محاسن مردگان ذکر کرده شوند نه بدی او شان ولیکن این تکلفات که درسوال مذکور است که به تصنع وتکلف آنچه میت از کار های خیر نکرده است بد ونسبت کرده شوند وارتکاب کذب بی وجه کرده شود ماذون شرعی نیست البته آن میت آنچه از کارهای نکو کرده است اگر تذکر او شود وآن امور را ذکر کرده شود نه

---

(۱) وفی البحر من صام اوصلی اوتصدق وجعل ثوابه لغیره من الاموات والاحیاء جاز ویصلی ثوابها الیهم عند اهل السنة (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۳). ظفیر

مبالغه در آن کرده شود ونه کتمان حق کرده شود پس این تلقین که مولوی صاحب به ورثای میت می کند ثابت نیست ودر تکلیف داخل است که نهی از آن درکلام الهی مذکور است (وما انا من المتکلفین).

دست بلند کردن ودعا کردن بر قبر: سوال: ۸۱٤ بر قبر ایستادن دست بلند کردن ودعا نمودن چه حکم دارد؟

جواب : در شرح شرعة الاسلام آمده: (قال فی الاحیا والمستحب فی زیارة القبور ان یقف مستدبر القبلة مستقبلاً لوجه المیت......) [۱] از این روایت واحادیثی که در مورد زیارت قبور وارد شده دست بلند کردن در وقت ایصال ثواب ثابت نیست.

برای فاتحه بزرگان د ن تعیین تاریخ ضرور نیست: سوال: ۸۱۵ فاتحه بزرگان دین باید در تاریخ معینی صورت گیرد یا هر وقتی که ممکن باشد یا با فاتحه در تاریخ خاص ثواب بیشتر می رسد؟

جواب: به تاریخ خاصی ضرورت نیست [۲] ونه در آن افزایش ثواب ثابت می باشد.

ایصال ثواب کدام روز افضل است: سوال: ۸۱٦ برای ایصال ثواب به میت روز اول افضل است یا دوم یا سوم وغیره یا تمام ایام در ایصال ثواب برابر اند ویا اینکه قید سوم و دهم بدعت می باشد؟

جواب: باید قید روز اول روز سوم، روز دهم، چهل وغیره شکستانده شوند در شریعت این تخصیصات برای ایصال ثواب وارد نگردیده لهذا بدعت وحرام اند، بدون قید تاریخ وروز هر وقتیکه بخواهیدایصال ثواب کنید، روزچهارم، روز پنجم، هفتم ویاهرروز دیگری بدون تخصیص

---

(۱) شرح شرعة الاسلام فصل فی سنن العبادة وحقوق المیت ص ۵۸۰. ظفیر

(۲) ویکره اتخاذ الطعام فی الیوم الاول والثالث وبعد الاسبوع الخ واتخاذ الدعوة لقرآنت القرآن وجمع الصلحاء لاجل الاکل یکره (ردالمحتار باب صلاة الجنائز قبیل مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸٤۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۰). ظفیر

غذا وغیره به فقراء بدهید، رسوم وتخصیصاتی که عوام مقرر کرده اند هیچ اساسی ندارد هر روزی برای ایصال ثواب برابر است [۱].

ایصال ثواب بعد از نماز جنازه: سوال: ۸۱۷ بعد از نماز جنازه وقبل از دفن اگر چند تن از نماز گزاران برای ایصال ثواب یکبار سوره فاتحه وسه بار سورهٔ اخلاص را به آواز آهسته بخوانند وامام یا شخص متقی دیگری دست ها را بلند کرده مختصر دعا کند آیا شرعاً درست است یانه؟

جواب: در اینکار حرجی نیست اما اگر به رسم تبدیل شود ومانند واجبات التزام گردد طوریکه فقها تصریح کرده اند به بدعت مبدل می شود.

ایصال ثواب در ماه رجب: سوال: ۸۱۸ اکثراً خانواده ها واقارب در ماه رجب با خواندن سوره مبارکه (تبارک) به مردگان خویش ایصال ثواب می کنند، اینکار اصلی دارد یانه وطریقه صحیح چیست؟

جواب: اصلی ندارد، بدون قید روز هر وقتی که بخواهید به فقرا غذا وپول نقد داده وثواب انرا به میت ایصال کنید [۲].

رواج واداشتن دیگران به قراءة قرآن: سوال: ۸۱۹ در سمت ما رواج است که چون شخصی بمیرد پس دفن او تعدادی را تابه روز جمعه به قرائة قرآن غرض ایصال ثواب به او وامی دارند ودلیل ایشان برای ایکار آن است که ملا صاحب فتوی داده است که به این ترتیب تا روز قیامت حساب منکر ونکیر وضغط قبر از میت مذکور رفع می گردد آیا بعد از دفن دیگران را بر

---

(۱) ویکره اتخاذ الطعام فی الیوم الاول والثالث وبعد الاسبوع ونقل الطعام الی القبر فی المواسم واتخاذ الدعوة لقراءة القرآن وجمع الصلحاء والقراء للختم اولقراءة سورة الانعام او الاخلاص الخ (ردالمحتار باب الجنائز ج۱ ص ۸٤۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۰). ظفیر

(۲) صرح علمائنا فی باب الحج عن الغیر بان للانسان ان یجعل ثواب عمله لغیره صلاة اوصوما اوصدقة او غیرها (ردالمحتار صلاة الجنائز ج۱ ص ۸٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۳). ظفیر

قبر میت به خواندن قرآن واداشتن اصولاً جائز است یانه؟

جواب: اجرت معروف یا مشروطی که به اساس آن عده ای را به خواندن قرآن شریف وآ میدارند محققان درمورد آن نوشته اند که ثواب آن به میت نمی رسد، زیرا کسی که خود قرائت می کند به دلیل نیت خویش مستحق اجر وعوض نمی شود تاچه رسد که ثواب آن به میت برسد [۱] البته اگر شخصی خاص به رضای خداوند تعالی قرآن شریف بخواند ثواب آن انشاء الله به میت خواهد رسید چه در خانه بخواند وثواب آنرا به میت ایصال وخواه بر قبرش ثواب آن برایش می رسد.

واسطه کردن پیامبر (ﷺ) در ایصال ثواب: سوال: ۸۲۰ در ایصال ثواب پیامبر (ﷺ) واسطه شود یانه یعنی او را واسطه نموده وثواب طعام یا قرائت قران ایصال شود یانه؟

جواب: ایصال ثواب به هر دو طریق جائز است وبه هر یک از آن ثواب می رسد.

آیا با ایصال ثواب تمام گناهان عفو می شود: سوال: ۸۲۱ شخصی که وفات نموده ودر زندگی مرتکب گناهان صغیره وکبیره شده است اگر اولادش بی شمار ختم قرآن نموده وکلام های پر برکت دیگر را لک ها مرتبه خوانده ونواب آنرا به او ایصال کنند وصدقه وخیرات زیاد بدهند آیا گناهان صغیره وکبیره او هر دو عفو خواهد شد یا تنها گناهان صغیره اش؟

جواب: در الدر المختار آمده: (قال عیاض اجمع اهل السنة والجماعة ان الکبائر لا یکفرها الا التوبة ولا قائل بالسقوط الدین ولو حقاً لله تعالی کدین الصلوة والزکاة....) در این مورد نیز اتفاق وجود دارد که طاعات وحسنات سبب کفاره صغائر می گردند نه کبائر طوریکه در حدیث آمده: (الصلوات الخمس والجمعة الی الجمعة ورمضان الی رمضان مکفرات لما بینهن اذا اجتنبت

---

(۱) وان القرآنت لشیئ من الدنیا لاتجوز وان الاخذ والمعطی أثمان الخ (ردالمحتار مطلب فی بطلان الوصیة بالختمات والتهلیل ج۱ ص ....، ط. س. ج۲ ص ۵۷). ظفیر

الکبائر کما قال الله تعالی ان الحسنات یذهبن السیئات فالمراد بها السیئات الصغائر وعفو الکبائر محول الی مشیة الله تعالی کما قال الله تعالی ان الله لایغفر ان یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء). فقط

رواج خواندن بر نخود در روز سوم: سوال: ۸۲۲ اینکه در روز سوم برای میت بر نخود خوانده شود وختم قرآن دو مرتبه یا بیشتر صورت می گیرد ودر مورد آن چه حکمی وجود دارد واگر به جای روز سوم مثلاً روز چهارم یا روز دوم بر نخود خوانده شود باز هم به رواج مبدل خواهد شد در آن وقت چه حکمی خواهد داشت بر غذا را پیش رو گذاشتن ودعا کردن ویازدهم کردن جائز است یانه؟

جواب: رسم خواندن بر نخود وختم قرآن در روز سوم از خیر القرون ثابت نیست واکنون التزام به آن درجه رسیده، که عوام آنرا ضروری می پندارند، لذا باید ترک گردیده واین رسم شکستانده شود واگر سپس روز دیگری لازمی گشته وبه رسم مبدل شود ترک آن نیز ضروری می گردد وطریقه ای که از سلف ثابت نیست لازم گردانیدن آن هر چند اعتقاد نباشد وفقط به شکل عملی باشد واجب الترک است [1] همچنان غذا را پیشروی گذاشتن وفاتحه خواندن نیز جائز نیست وبه همین ترتیب یازدهم نیز جائز نمی باشد، تمام رواج های از این قبیل که از شارع (علیه السلام) صحابه وائمه مجتهدین آنرا نکرده وحکم آنرا نداده اند ناجائز وبدعت بوده مگر کفر وشرک نمی باشند.

فاتحه از مال حرام: سوال: ۸۲۳ اگر کسی از مال حرا م برای اولیای کرام فاتحه کند وامید ثواب داشته باشد حکم آن چیست؟

جواب : مال حرام را صدقه دادن وامید ثواب داشتن معصیت است چنین شخصی گنهگارمی

---

(۱) وفی البزازیة ویکره اتخاذ الطعام فی الیوم الاول والثالث الخ واتخاذ الدعوة لقرآنت القرآن الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص۸۴۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۰). ظفیر

گردد [۱].

<u>**نوشتن کلمه شهادت بر کفن**</u>: **سوال**: ۸۲٤ نوشتن کلمه شهادت با انگشت بر کفن میت جائز است یانه؟

جواب: نوشتن کلمه شهادت با انگشت برکفن سینه ویا پیشانی میت بعد از غسل وقبل از تکفین جائز است در صفحه ٦٦٦ جلد اول شامی آمده: (نعم نقل بعض المحشین عن فوائد السروجی ان مایکتب علی جبهة المیت بغیر مداد بالاصبع المسبحة بسم الله الرحمٰن الرّحیم، وعلی الصدر لا اله الا الله محمد رسول الله- وذلک بعد الغسل وقبل التکفین [۲].

<u>**گذاشتن شجره در قبر درست نیست**</u>: **سوال**: ۸۲۵ گذاشتن شجرهٔ پیران عظام همراه بامیت در قبر جائز است یانه جائز یا موجب بی ادبی؟

جواب: گذاشتن شجره پیران بزرگ در قبر جائز نبوده واصولاً گذاشتن چیز دیگر غیر از کفن با میت در قبر جائز نمی باشد، در صفحه ٦٥٩ جلد اول شامی آمده: (ولا یجوز ان یوضع فیه مضربه [۳]).

<u>**سماع موتی**</u>: **سوال**: ۸۲٦ در مورد سماع موتی مذهب محقیقن حنفی چیست واز قرآن وحدیث چه چیزی ثابت می گردد؟

جواب: از (انک لاتسمع الموتی) وغیره نصوص عدم سماع موتی ظاهر است، زیرا عدم شنواندن مستلزم عدم شنیدن بوده وقول محقیقن احناف چنین است.

<u>**طریقهٔ ایصال ثواب عبادات بدنی چگونه است**</u>: **سوال**: ۸۲۷ طریقه ایصال ثواب عبادات بدینه چگونه است وآیا ثواب عبادات بدنی به میت می رسد یانه؟

---

(۱) لایقبل الله الا الطیب (مشکوٰة باب الصدقة ص ۱٦۷). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فیما یکتب علی کفن المیت ج۱ ص ۸٤۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۲. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳٦ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۲. ظفیر

جواب: نزد احناف ثواب طاعات بدنی مانند تلاوت قرآن شریف وتسبیح وتهلیل از احیا به اموات می رسدی پس صورت ایصال ثواب چنان است که ولی میت به قاریان وغیر هم بگؤید که شما خاص به رضای خداوند ثواب کلام الله را به فلان میت ببخشید ویا اینکه آنها بدون امر ولی ثواب تلاوت قرآن شریف وغیره را به اموات ببخشید اما باید هدف قاریان از ایصال ثواب به اموات اخذ معاوضه واجوره از ولی نباشد وگرنه ثوابی نیست.

نوشتن عهد نامه برکفن چه حکم دارد: سوال: ۸۲۸ نوشتن عهد نامه بر کفن میت ثابت است یانه اگر است به رنگ بهتر است یا باخاک؟

جواب: علامه شامی از بزازیه نقل نموده که: (وقد افتی ابن صلاح بانه لایجوز ان یکتب علی الکفن (یٰس) (لکهف) ونحوها خوفاً من صدید المیت فالمنع هنا الاولی) پس معلوم گردید که اگر می خواهند عهدنامه وغیره را بنویسند با رنگ ننویسند بلکه با انگشت بدون رنک بنویسند طوریکه در شامی آمده: (ایضاً یکتب علی جبهة المیت بغیر مداد بالاصبع بسم الله الرحمٰن الرحیم) شامی ص ۸۹۵. آیا روح به خانه می آید وطریقه ایصال چطور است:

سوال: ۸۲۹ آیا روح میت به خانه می آید یانه واینکه به فقر غذا داده شود چگونه ثواب آن به میت ایصال گردد؟

جواب: روح به خانه نمی آید زیرا ثبوتی برای آن وجود ندارد، چنین خیال وعقیده ای نداشته باشد وغرض ایصال ثواب قرآن مجید وکلمه طیبه را خوانده وبه فقرا غذا بدهید وثواب آنرا به میت ببخشید وطریقه آن این است که غذا را پخته وبه فقرا داده وبه خداوند تعالی دعاکند که ثواب آنرا به روح فلان میت برسان، دراینمورد صرف نیت ایصال ثواب کافی می باشد همچنان لباس پول نقد وغیره رابه فقرا داده وقران مجید وکلمه طیبه راقرائت نموده ونیت کنب که ثواب آن به میت برسد[1].

---

(۱) صرح علمائنا فی باب الحج عن الغیر بان للانسان ان یجعل ثواب عمله لغیره صلاة اوصوما اوصدقة او غیرها (الی قوله) وفی البحرمن =

یک رسم غلط: سوال: ۸۳۰ در اکثر مواضع چالگام رسم است که مردم چون بعد از دفن میت ازکار قبر فارغ شدند پس شخصی جانب شمال نزدیک سر میت می ایستد وشخص دیگری به سمت غرب در حصه میانه قبر ایستاده شده وظرف پر آب بدست گرفته وبه اشاره شخص اول سه مرتبه از کف خود آب بر قبر می افشاند، ترتیبش چنان است که شخص اول دعائی خوانده از جانب سر میت با انگشت خود بطرف پای او اشاره می کند پس شخص دوم مطابق اشاره او حدود ثلث آب را می افشاند شخص اول باز به طور سابق دعائی خوانده واشاره می کند وشخص دوم بقیه آب را می افشاند، خلاصه آنکه این عمل عمل سه بار تکرار می گردد، گمان مردم در مورد افشاندن آب این است که بدین ترتیب عذاب میت تخفیف خواهد شد این رسم جائز است یا نه؟

جواب: این رسم واین طریقه آب افشاندن بر قبر از رسول الله (ﷺ) وصحابه وتابعین وائمه دین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین ثابت نشده پس ناگزیر طریق محدثه است که لازم الترک بوده وآنچه در احادیث در مورد انداختن آب بر قبر آمده است نه به این طریق ورسم خاص است ونه خواندن چیزی در وقت انداختن آب وارد شده پس لاجرم مجموعه این رسم محدث بوده وانداختن آب بر قبر ممکن است که برای جلوگیری از خاک وغبار باشد وهمین قول راجح بوده والدر المختار آنرا اختیار نموده وممکن برای تفاول به نزول رحمت باشد بهر حال خواندن چیزی دروقت انداختن آب ثابت نشده است ودر خود انداختن آب بر قبر مضایقه نیست بلکه مندوب می باشد (ولا باس برش الما حفظاً لترابه [1]) وخواندن اول سوره بقره به جانب سر وآخر سوره بقره به جانب پا از عبد الله بن عمر (رضی الله عنه) منقول بوده ومستحب است امانه به کیفیتی که

= صام اوصلی اوتصدق وجعل ثوابه لغیر من الاموات والاحیاء جاز ویصل ثوابها الیهم عند اهل السنة والجماعة کذافی البدائع (ردالمحتار ج۱ ص ۸۴۰) به درمختار کی دی وفی الحدیث من قرا الاخلاص احدعشرة مرة ثم وهب اجرها للاموات اعطی من الاجر (شامی ج۱ ص ۸۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۳).

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۳۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۷. ظفیر

در سوال آمده خلاصه کیفیتی که در سوال است بدعت ومحدث می باشد [۱].

کسیکه ایصال ثواب می کند به خودش هم ثواب می رسد یانه: سوال: ۸۳۱ زید قرآن شریف را تلاوت نمود وبه نام عمرو ایصال ثواب کرد اکنون به خود زید از این تلاوت چقدر ثواب می رسد؟

جواب: ثواب تلاوت قرآن شریف به عمرو می رسد اما زید که کاری نیکی را انجام داده ده چند بلکه ثواب بیشتر حاصل می کند، البته اخلاص شرط می باشدر وبدون اخلاص هیچ عملی مقبول نیست چنانچه خداوند متعال فرموده است: (الا لله الدین الخالص) وهمچنان فرموده: (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها)

گذاشتن حمائل در قبر: سوال: ۸۳۲ هنگام دفن یک شخص متقی شخصی در قبر همراه او یک حمائل شریف ویک مهر نقره ای را گذاشت، شرع شریف در این مورد چه هدایت فرموده است؟

جواب: کار بدی صورت گرفته باید قرآن شریف ومهر از قبر کشیده شود، کسیکه چنین نموده فعل بدی را مرتکب شده زیرا اینکار ناجائز است، چون درشامی آمده: (وکما اذا سقط فی القبر متاع او کفن بثوب مغضوب او دفن معه مال وقالوا ولو کان المال درهما... [۲]).

به قبور اولیاء رفتن ودعا کردن جائز است یانه: سوال: ۸۳۳ به درگاه بزرگان دین رفتن وگفتن که شما مستجاب الدعوات هستید برای مادعاکنید که خداوند عالم فلان کار را بسر رساند اینکار درشریعت اصلی داردیانه واولیای ازاینکه کسی برقبرایشان برود آگاه می شوند یانه؟

جواب: در این مورد مشروع آن است که هنگام زیارت بطریقه معروف اسلام نماید وبرای اهل

---

(۱) پیامبر (ﷺ) فرموده: من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهورد رواه مسلم (مشکوٰة باب الاعتصام ص ۲۷).

(۲) ردالمحتارج۱ اول ص ۸۳۹ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۸. ظفیر

قبور دعای مغفرت کندد واگر چیزی بخواند وبه روح ایشان ایصال نماید بسیار بهتر است واگر چیزی دعامی کند به خداوند متعال دعا نماید مثلاً این طریق که یا الله از برکت ایشان حاجتم را بر آورده ساز، باید به آن بزرگان گفته نشود شما دعا کنید سماع موتی خود مسأله مختلف فیه می باشد، احناف سماع موتی را قبول ندارند ومذهب ام المومنین عائشه صدیقه (رضی) نیز چنین است وآیات قرآنی نیز بر آن دلالت دارد، لذا باید به ایشان خطاب نگردد وگفته نشود که شما دعا کنید بلکه به خداوند متعال برای آنها دعای مغفرت ورفع درجات را ننمائید واگر به واسطه ایشان برای رسیدن به حاجت های خویش هم دعا کنید مضایقه نیست، در حص حصین آمده که به واسطه صالحین مستحب است که حق تعالی به برکت ایشان دعا را قبول فرماید [۱].

رواج خواندن سوره اخلاص ازنماز جنازه غرض ایصال ثواب: سوال: ۸۳٤ در جایی که ما هستیم بعد از نماز جنازه سه مرتبه سوره اخلاص را خوانده وثواب آنرا به میت اهداء می کنند تا که برای او ثواب ختم قرآن شریف برسد، اینکار جائز است یانه؟

جواب: فقها نوشته اندکه دعا پس از نماز جنازه مکروه وممنوع می باشد [۲] زیرا که نماز جنازه خود برای میت دعا می باشد ودر آن ضرورت به هیچگونه ایجاد واز دیادی نیست لذا پس از نماز جنازه فوراً به التزام سه بار سوره اخلاص خواندن وثواب آنرا به میت ایصال کردن کاری خوبی نیست پس باید در وقت دیگری یا در دل بدون اعلان والتزام با خواندن هر سوره ای که ایصال ثواب کند مضایقه نیست.

روایت یک لک وبیست هزار مرتبه خواندن کلمه وایصال ثواب درکجاست: سوال: ۸۳۵ اگر یک لک وبیس وپنج هزار مرتبه کلمه شریف خوانده شود وثواب آن به میت ایصال گردد امید مغفرت است، این روایت درکدام کتاب آمده آیا تنها (لا اله الا الله) خوانده شود ویا (محمد

---

(۱) وان یتوسل الی الله تعالی بانبیائه والصالحین من عباده (حصن حصین اداب الدعاء ص ۱۸). ظفیر

(۲) ولایدعو للمیت بعد صلاة الجنازة لانه یشبه الزیادة فی صلاة الجنازة (مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰة المصابیح ج۲ ص ۳۶۹). ظفیر

رسول الله) نیز با آن یکجا گردد؟

جواب: این روایت در هیچ کتاب حدیث از نظرم نگذشته اما بعضی از مشایخ آنرا نقل کرده اند، لذا عمل برآن درست می باشد ومعمول خواندن (لا اله الا الله محمد رسول الله) نیست بلکه صرف (لا اله الا الله) می باشد وگاهگاهی هم یکجا کردن (محمد رسول الله) با آن است ودر حدیث ترمذی وابن ماجه آمده: (افضل الذکر لا اله الا الله[1]).

از مرده درخواست دعا جائز است یانه: **سوال**: ۸۳۶ یک جناب می گوید که از مرده هر چند نبی یا ولی باشد طلب دعا کردن یا از او مدد خواستن بدعت است وهنگام استدلال این حدیث را حجت می گیرد که یک مرتبه بعد از وفات پیامبر (ﷺ) هنگام قحط حضرت عمر (رضی الله عنه) نزد حضرت عباس (رضی الله عنه) رفت وگفت وقتی که حضرت پیامبر (ﷺ) زنده بود در چنین وقتی توسط او دعامی کردیم اکنون او زنده نیست شما کاکای او هستید با ما رفته ودعا کنید به همین ترتیب هر وقت واقعه ای پیش می آمد امیر معاویه (رضی الله عنه) توسط صحابه دعای می نمود، اگر توسط مرده دعا کردن بدعت نباشد ویا به ان حکم شده است چرا حضرت عمر (رضی الله عنه) به مقبره پیامبر (ﷺ) غرض دعا کردن توسط او نرفت.

جواب: از سنت وطریق سلف ثابت چنان است به هنگام زیارت قبور برای ایشان دعا گردد وتوسط اعمال حسنه برای آنها ایصال ثواب صورت گیرد نه اینکه به اهل قبور بگوید که برای من دعا بنمائید ویا اینکه فلان کارم را بسر رسانید، چنین چیزی ثابت نیست نهایت امر آن است که به خداوند متعال توسط ایشان دعا کند که یا الله به برکت فلان شخصیت بزرگ صاحب این قبر حاجتم را بر آورده ساز ودعایم را قبول کن.

آیا مرده ازفاتحه وقرائت با خبرمی شود: **سوال**: ۸۳۷ الف: هنگامی که فاتحه به وابستگان

---

(۱) مشکوٰة باب ثواب التسبیح والتحمید فصل ثانی ص ۲۰۱. ظفیر

میت فاتحه داده می شود ایا میت از آن با خبر می گردد یانه؟

سوال: ۸۳۸ ب: وقتی که وابستگان میت به قبرستان رفته وبرای او دعا می کنند آیا میت میداند اند یا نه؟

سوال: ۸۳۹ ج: اگر از طرف میت قربانی یا حج صورت کیرد ایا او با خبر می گردد یانه که فلان وابسته من اینکار را کرده است؟

جواب: الف: اگر بداند بداند قابل تعجب نیست [۱].

ب: از بعضی روایات چنین معلوم می گردد [۲].

ج: در بعضی از روایات آمده که میت با خبر می گردد یعنی ملائک به او می گویند.

طریقه نجات دادن از عذاب چیست: سوال: ۸۴۰ اگرمیت به عذاب مبتلا باشد وایستگان او غرض نجاتش باید چه کاری را انجام دهند؟

جواب: قرآن شریف وکلمه طیبه را تلاوت نموده وصدقه وخیرات نموده وثواب آنرا به او ایصال کنید به این ترتیب به میت نفع خواهد رسید [۳].

دعا برای میت در چه اوقاتی درست است: سوال: ۸۴۱ از مدت ها قبل در اینجا چنان رسم ورواج است که پس از تکفین میت را در جنازه گذاشته جمع گردیده وبا اهتمام فاتحه می خوانند باز پس از فراغت از نماز جنازه وقبل از برداشتن جنازه مردم را باز داشته همراه با امام فاتحه می خوانید سپس ببعد از دعایی که متصل فراغت از دفن خوانده می شود باز هم مردم را توقف داده وفاتحه می خوانند وهنگام بازگشت از قبرستان چون به دروازه قبرستان می رسند نیز

---

(۱) وانما الکلام فی وصول ثواب غیره الیه والموصل للثواب الی المیت هو الله تعالٰی سبحانه لان المیت لا یسمع بنفسه والقرب والبعد سواء (شرح فقه اکبر ص ۱۵۹). ظفیر

(۲) وفی شرح اللباب لملا علی القاری" ثم من اداب الزیارة ماقالوا من انه یاتی الزائر من قبل رجلی المتوفی لا من قبل راسه لانه اتعب لبصر المیت (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸۴۳ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۲). ظفیر

(۳) وفی البحر من صام اوصلی اوتصدق وجعل ثوابه لغیره من الاموات والاحیاء جاز ویصل ثوابها الیهم عند اهل السنة والجماعة الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی القرآئت للمیت ج۱ ص ۸۴۴ ط. س. ج۲ ص۲۴۳). ظ

چنین می کنند وگاهگاهی چنان نیز می شود که چون میت را برای غسل می گذارند هم به چنان شکل فاتحه می خوانند وبعد از دروازه قبرستان چون به خانه باز پس می رسند در خانه نیز فاتحه خوانده می شود، یعنی در سه موضع اول رواج فاتحه خواندن عام است ودر دو موضع اخیر عام نمی باشد یعنی گاهی خوانده می شود وگاهی نه اما اکنون یک عالم صاحب تشریف آورده وچون در این مورد از او پرسیده شد، فرمود که در آن اوقات مختلف به این کیفیت فاتحه خواندن بدعت وخلاف سنت است خصوصاً که تارک را قابل ملامت می دانند وچنین استدلال می کند که حسب تصریح علامه شامی وغیره نماز جنازه خود برای میت دعامی باشد چنانچه در ردالمحتار آمده: (فقد صرحوا عن آخرهم بان الصلوة الجنازه هی الدعا للمیت اذ هو المقصود منها) وفاضل بزرگ علامه ملا علی مکی حنفی (رح) در مرقاة شرح مشکوٰة در باب الجنائز تحت حدیث مالک بن میسره تحریر فرموده: (ولایدعی للمیت بعد صلوة الجنازة لانه یشبه الزیادة فی صلوة الجنازة) لانه بعضی کتب از محیط نقل کرده اند (یقوم الرجل بالدعا بعد الصلوة الجنازة) واز کبیری چنین نقل گردیده: (فی السراجیة اذا فرغ من الصلوة لا یقوم بالدعا) وهمچنان می گوید که دعا بر قبر متصل دفن به اساس کتب حدیث از پیامبر (ﷺ) ثابت بوده وثبوت سائر ادعیه مروجه از کتب حدیث فقه واقوال علمای محقق ثابت نیست پس لطف نموده وبفرمائید که این اقوال عالم مذکور صحیح است یانه ومطابق حکم خداوند وپیامبرش (ﷺ) از وقت مردن تا فراغت از دفن وباز پس گشتن به خانه درچه مواقعی جمع شدن ودعا کردن از شرع ثابت می باشد یا اینکه هر شخص بر علاوه نماز جنازه وبدون التزام واهتمام وفکرا اجتماعی به خوشی خود هر وقتی که بخواهد برای میت دعای خیر کند؟

جواب: قول آن عالم صاحب صحیح بوده وموافق قواعد ونصوص وتصریحات فقها می باشد ومزید این قول آن است که نماز جنازه خود برای میت دعا می باشد وغیر از آن هیچ موقعی دعا کردن اجتماعی ثابت نیست در صفحه -۳٦۵- جلد چهارم مسند امام احمد از عبدالله بن ابی

اوفی روایت گردیده: (ثم کبر علیها اربعاً ثم قام بعد الرابعة قدر ما بین التکبیر تین یدعو ثم قال کان رسول الله (ﷺ) یضع فی الجنازة هکذا) ودر صفحه -۱۲۲- جلد یازدهم فتح الباري چنین آمده: (وفی حدیث ابن مسعود (رضی الله عنه) رایت استقبل القبلة وفیه لما فرغ من دفنه استقبل القبلة رافعاً یدیه) اخرجه ابو عوانة فی صحیحه.

ایصال ثواب ثابت است اما تعین روزبه طور رسم درست نیست: سوال: ۸۴۲ در مورد دادن خیرات وتلاوت قرآن مجید به نیت ایصال ثواب به مردگان در قرآن وحدیث چه حکمی وجود دارد واگر کسی به نیت ایصال ثواب به مردگان خیرات بدهد ویا قرآن مجید را تلاوت کند آیا واقعاً ثواب آن به مردگان می رسد وموجب تخفیف عذاب یاحصول درجات عالیه می شود وآیا این موضوع از قرآن وحدیث ثابت است؟ همچنان آیا روز تعین کردن وفاتحه گرفتن عرس سه ماهی شش ماهی وغیره نمودن واز قبور بزرگان استمداد ومراد خواستن درست است وآیا مردگان در آن جهان تصرفاتی کرده می توانند؟

جواب: ایصال ثواب صدقات وتلاوت قرآن مجید به مردگان واینکه از دعا واستغفار زندگان به ایشان نفع می رسد از قرآن واحادیث ثابت می باشد چنانچه در کتب فقه به تفصیل آمده وانکار از آن جهل گناه وپاره کردن اجماع می باشد [1] البته برای ایصال ثواب در شریعت روزی تعین نشده لذا دهم، چهلم، شش ماهه، سال، عرس وفاتحه خوانی مروجه همه خلاف شریعت وبدعت بوده واز قبور استمداد وطلب مراد همه ناجائز اند، غیر از خداوند تعالی هیچ کسی هیچگونه تصرف واختیاری ندارد.

مفهوم صحیح آیت (لیس للانسان) وایصال ثواب:سوال: ۸۴۳ ازآیات مبارکه (لیس للانسان

---

(۱) ویقراء یس وفی الحدیث من قرا الاخلاص احد عشر مرة ثم وهب اجرها للاموات اعطی من الاجر بعدد الاموات (درمختار) قوله: (ویقرأ یس) لما ورد: من دخل المقابر فقرأ سورة یس خفف الله عنهم یومئذ، وکان له بعدد من فیها حسنات الخ صرح علماؤنا في باب الحج عن الغیر بأن للانسان أن یجعل ثواب عمله لغیره صلاة أو صوما أو صدقة أو غیرها، کذا في الهدایة الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۴۴ . ط.س. ج۲ ص ۲۴۲) ظفیر

الا ما سعی) و (قد خلت لها ماکسبت ولکم ما کسبتم) و(من عمل صالحاً فلنفسه ومن اساء فعلیها) بطلان ایصال ثواب به مردگان ثابت می گردد یانه؟

جواب: درشرح فقه اکبر این اعتراض (مربوط آیت لیس للانسان...) را نقل نموده وچنین جواب داده که ازاین آیت ایصال ثواب ثابت نمی گردد زیرا چون فرمود که برای هر انسان همان چیزی است که سعی می کند پس کسیکه ایصال ثواب می نماید سعی می کند غرض رساندن ثواب اعمال صالحه به مردگان لذا به اساس این آیت سعی او به هدر نمي رود وبرای کسیکه ایصال ثواب می نماید می رسد [۱] ونیز چنین جواب داده اند که منظور از سعی همانا سعی ایمانی می باشد یعنی هر کسیکه ایمان آورد ومومن وفات کرد؛ برای او با ایصال ثواب از سوی دیگران ثواب می رسد نه به کافر چون از احادیث صحیحه رسیدن ثواب به موتی ثابت گردید جایی برای اینگونه شبهات واهی وجود ندارد زیرا پیامبر (ﷺ) معنی قرآن شریف را خوب می دانست وهمچنان گفته شده به مراد از (الانسان) کافر می باشد یعنی به کافر ثواب نمی رسد.

تلاوت قرآن شریف برقبر چهار دارد: سوال: ٨٤٤ تلاوت قرآن شریف برقبر جائز است یانه؟

جواب: غرض ایصال ثواب به میت تلاوت قرآن شریف بر قبرش وایصال آن طوریکه درشامی آمده درست است [۲].

اینکه دفن کنندگان میت غذا همان روز را درخانه میت بخورند چه حکم دارد: سوال: شخصی وفات نمود کسانیکه او را دفن کرده اند آیا می توانند غذای همان روز را در منزلش بخورند؟

---

(۱) اختلف فی العبادات البدنية كالصوم والصلاة وقراءة القرآن والذكر فذهب ابوحنيفة واحمد وجمهور السلف رحمهم الله الى وصولها الخ واستدلاله بقوله سبحانه: وان ليس للانسان الا ما سعى مدفوع بانه لم ينف انتفاع الرجل بسعي غيره وانما نفى ملكه بغير سعيه وبين الامرين فرق بين فاخبر الله تعالى انه لا يملك الا سعيه واما سعي غيره فهو ملك لسعبه فان شاء ان يبذله لغير وان شاء يبقه لنفسه وهو سبحانه لم يقل لا ينتفع الا بما سعى الخ (شرح فقه اكبر ص ١٦٠. ظفير

(۲) وبزيارة القبور الخ يقول السلام عليكم الخ وقرا يٰس (درمختار) لما ورد من دخل المقابر فقرا سورة يٰس خفف الله عنهم يومئذ الخ (ردالمحتار باب صلوٰة الجنائز مطلب في زيارة القبور ج١ ص ٨٤٣ ، ط. س. ج٢ ص ٢٤٢). ظف

جواب: غذایی از خانه خویشاوندان به خانه میت می رسد خوردن آن به خانواده میت جائز است نه اینکه دفن کننده گان خانواده میت را به پختن غذا مجبور ساخته وآنرا بخورند مکروه می باشد [۱]. فقط

آیا ایصال ثواب به تمام مسلمانان درست است: **سوال:** ٨٤٦ زید پس از تلاوت قرآن مجید ثواب آنرا توسط پیامبر (ﷺ) وازواج مطهرات (رضی) وجمله بزرگان دین به مردگان خانواده خویش وجمله مومنین ومومنات بخشید، چنین کاری جائز است یانه وطریقه بهتر ایصال ثواب چیست؟

جواب: این طریقه ایصال ثواب که زید می نماید خوب بوده ودر آن حرجی نیست وبه زید نیز ثواب می رسد [۲].

اگر کسی سه مرتبه (قل هو الله) را بخواند وثواب آنرا ببخشد آیا ثواب قرآن حاصل می شود: **سوال:** ٨٤٧ یک مولوی صاحب وعظ می نمود که اگر کسی یک مرتبه سوره فاتحه وسه مرتبه سوره اخلاص را بخواند وثواب آنوا به جمله مؤمنین ببخشد به هر یک علیحده علیحده ثواب ختم قرآن مجید می رسد، این سخن صحیح است یانه؟

جواب: در این مورد دو قول از فقها نقل گردیده یکی آنکه به هر میتی ثواب کاهل می رسد وروایت دیگر آن است که ثواب تقسیم گردیده به ایشان خواهد رسید وقول دوم را [۳] مطابق

---

(۱) وترتیبهم فی الصبر وباتخاذ طعام لهم (درمختار) قال فی الفتح ویستحب لجیران اهل المیت والاقرباء الاباعد تهینة طعام لهم یشبعهم یومهم ولیلتهم لقوله ﷺ اصنعوا لال جعفر طعاما فقدجاءهم مایشغلهم حسنه الترمذی وصححه الحاکم ولانه بر معروف الخ وقال ایضا وقال یکره اتخاذا الضیافة من الطعام من اهل المیت لانه شرع فی السرور لافی الشرور وهی بدعة مستقبحة الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۲۱۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤٠). ظفیر

(۲) ویقرا من القرآن وماتیسر له من الفاتحة الخ ثم یقول اللهم اوصل ثواب ماقرأناه الی فلان اوالیهم ؒ الافضل لمن یتصدق نفلا ان ینوی لجمیع المؤمنین والمؤمنات لانها تصل الیهم ولاینقص من اجره شیئ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ، مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ٨٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۲). ظفیر

(۳) والافضل لمن یتصدق نفلا ان ینوی لجمیع المومنین والمومنات لانها تصل الیهم ولاینقص من اجره شیئ (ردالمحتار صلاة الجنائز مطلب فی القرآنة للمیت ج ۱ ص ٨٤٤ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۳) سئل ابن حجر المکی عما لوقرا لاهل المقبرة الفاتحة هل یقسم الثواب =

قیاس نوشته واز فیض خداوند بعید نیست که به هریک ثواب پوره را برساند ودر حدیث شریف آمده که با یک مرتبه تلاوت سوره (قل هو الله) برابر ثلث قرآن مجید قواب حاصل می شود [۱].

نوشتن کلمه برکفن بی ادبی است: سوال: ۸۴۸ نوشتن کلمه شریف بر کفن میت چه حکم دارد؟

جواب: نوشتن کلمه شریف بی ادبی بوده وملوث کردن آن با نجاست می باشد به همین جهت محققین از آن منع کرده اند [۲].

هنگام رسیدن به قبرستان چه باید کرد: سوال: ۸۴۹ هنگام رسیدن به قبرستان چه باید خواند ودرود شریف خوانده شود یانه زیرا عده ای گمان می کنند که درود مخصوص پیامبر (ﷺ) می باشد؟

جواب: درود شریف را نیز می توان خواند وطریقه مشروع زیارت قبور آن است که بگوید: (السلام علیکم یا اهل القبور انتم لنا سلف وانا ان شاء الله بکم لاحقون یغفر الله لنا ولکم) واگر پس از آن قل هوا لله وغیره راخوانده وایصال ثواب کند خوب است [۳].

هنگام ایصال ثواب به زبان چه باید گفت : سوال : ۸۵۰ در وقت ایصال ثواب اگر چه نیت

= بینهم اویصل لکل منهم ثواب ذالک کاملا فاجاب بانه افتٰی جمع بالثانی وهو اللائق بسعة الفضل (ایضا ج۱ ص ۸۴۵ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۳). ظفیر

(۱) وعن ابن عباس وانس بن مالک قالا قال رسول الله ﷺ : اذا زلزلت تعدل نصف القرآن وقل هو الله احد تعدل ثلث القرآن وقل یاایها الکافرون تعدل ربع القرآن رواه الترمذی (مشکوٰة کتاب فضائل القرآن ص ۱۸۸). ظفیر

(۲) وفی فتاوٰی المحقق ابن حجر المکی الشافعی سئل عن کتابة العهد علی الکفن وهو لااله الا الله ﷺ والقیاس المذکور ممنوع لان القصد ثم التمیز وهناک التبرک الخ فلایجوز تعریضها للنجاسة (ردالمحتار مطلب فیما یکتب علی کفن المیت ج۱ ص ۷۴۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۶). ظفیر

(۳) قال في الفتح: والسنة زيارتها قائما، والدعاء عندها قائما، كما كان يفعله (ص) في الخروج إلى البقيع ويقول: السلام عليكم الخ. وفي شرح اللباب ويقرأ من القرآن ما تيسر له من الفاتحة وأول البقرة إلى المفلحون وآية الكرسي وآمن الرسول وسورة يٰس وتبارک الملک وسورة التكاثر والاخلاص اثني عشر مرة. أو عشرا أو سبعا أو ثلاثا ثم يقول: اللهم أوصل ثواب ما قرأناه إلى فلان أو إليهم (ردالمحتار باب صلوٰة الجنائز مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸۴۳ – ۸۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۲). ظفیر

کافی می باشد اما چیزی که به زبان هنگام ایصال ثواب گفته شود کدام الفاظ است؟

جواب: بگوید یا الله ثواب این عمل را به فلان برسان [۱].

اگر کسی در زندگی خود کلمه وقرآن بخواند وانرآ برای بعد ازمرگ خود بگذارد آیا ثواب آن برایش خواهد رسید: **سوال**: ۸۵۱ اگر شخصی در زندگی خود یک لک وبیست وهزار مرتبه درود شریف ویک ختم قرآن بنماید وثواب آنرا برای مغفرت خود بعد از مرگ بگذارد آیا ثواب مذکور به او خواهد رسید [۲].

کسی که ایصال ثواب کند خود نیز مستحق ثواب می شود: **سوال**: ۸۵۲ برای کسیکه ایصال ثواب می کند چیزی از نیکی وثواب می رسد یانه؟

جواب: ثواب برایش می رسد [۳].

سجده به قبر حرام است: **سوال**: ۸۵۳ زید پیرو شریعت است اما بکر یک مرتبه به چشم خود او را دید که چون به زیارت قبر یک شخصیت بزرگ رفت وجانب پاهای قبر سر خود را گذاشت وپس از مدتی سر بلند کرد وبه جانب راست قبر ایستاده وفاتحه خواند آیا اینکار زید جائز است یانه؟

جواب: اینکار زید بدون شبه نا جائز وحرام بوده وبرای هیچ خاص وعامی درست نیست [۴].

---

(۱) ویقرء من القرآن ماتیسر من الفاتحة الخ ثم یقول اللهم اوصل ثواب ماقرأناه الی فلان اوالیهم (ردالمحتار باب الجنائز مطلب زیارة القبور ج۱ ص ۸۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۲). ظفیر

(۲) وفي البحر: من صام أو صلى أو تصدق وجعل ثوابه لغيره من الاموات والاحياء جاز، ويصل ثوابها إليهم عند أهل السنة والجماعة، كذا في البدائع، ثم قال: وبهذا علم أنه لا فرق بين أن يكون المجعول له ميتا أو حيا. والظاهر أنه لا فرق بين أن ينوي به عند الفعل للغير أو يفعله لنفسه بعد ذلك يجعل ثوابه لغيره (ردالمحتار باب الجنائز مطلب فی القرآئت للمیت ج۱ ص ۸۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۳). ظفیر

(۳) وفی الحدیث من قراء الاخلاص احد عشر مرة ثم وهب اجرها للاموات اعطی من الاجر بعدد الاموات (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب في القرآئت للمیت ج۱ ص ۸۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۲). ظفیر

(۴) وكذا ما يفعلونه من قبيل (الارض بين يدي العلماء) والعظماء فحرام، والفاعل والراضي به آثمان لانه يشبه عبادة الوثن، وهل يكفران؟ على وجه العبادة والتعظيم كفر، وإن على وجه التحية لا، وصار آثما مرتكبا للكبيرة. وفي الملتقط: التواضع لغير الله حرام (درمختار) وقال شمس الائمة السرخسی ان کان السجود لغیرالله تعالی علی وجه التعظیم کفر آهـ، قال القهستانی وفی الظهیریه یکفر بالسجدة مطلقا (ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی الاستبراء ج۵ ص ۲۴۲ ، ط. س. ج۲ ص ۳۸۳). ظفیر

درجایی که اطفال اهل هنود دفن اند خواندن چیزی درست نیست: **سوال**: ۸۵۴ اگر در جایی که اطفال اهل هنود دفن اند مسلط بی برسد. چیزی بخواند یا خاموش باشد؟

جواب: به خواندن چیزی در جایی که اطفال اهی هنود دفن اند ضرورت نیست [۱].

اطفال اهل هنود جنتی اند یا دوزخی: **سوال**: ۸۵۵ اطفال اهل هنود که در طفولیت مرده اند جنتی هستند یا دوزخی؟

جواب: آنعده اطفال اهل هنود که در طفولیت مرده اند جنتی هستند [۲].

زیارت قبور در شب جائز است یانه: **سوال**: ۸۵۶ هنگام شب زیارت قبور وخواندن چیزی غرض ایصال ثواب به آنها جائز است یانه؟

جواب: جائزاست به دلیل قول پیامبر (ﷺ) که فرمود: (الا فزوروها [۳]) فیصله یا قول محمد بن واسع چنین درج است: (فقد قال محمد بن الواسع الموتی یعلمون بزو رهم یوم الجمعة ویوماً قبله ویوماً بعده) شامی باب زیارة القبور، همچنان این عبارت در طحطاوی علی المراقی الفلاح وشرح الصدور للعلامه السیوطی وفتح القدیر نیز آمده است اما غیر از علامه شامی در کتب دیگر لفظ (بلغنی) آمده که دلالت بر آن دارد که قول شخص دیگری به محمد بن واسع رسیده ودرشامی لفظ (بلغنی) وجود ندارد که نشان میدهد که فیصله یا حکم خود محمد بن واسع می باشد، ازعبارت شامی چنین مفهوم گرفته می شود که (فقد قال محمد بن واسع ناقلاً عن السلف [۴]) بدین ترتیب هیچ تعارضی میان عبارت شامی وسائر کتب باقی نخواهد ماند که به اساس آن کسی در مغالطه افتد بلکه هر دو با هم تطبیق خواهد شد وظاهر آن است که محمد بن واسع این

---

(۱) حکم خواندن صرف در قبرستان مسلمانان است.

(۲) وتوقف الامام الاعظم فی سوال اطفال الکفرة ودخولهم الجنة وغیره حکم بذالک فیکونون خدم اهل الجنة (شرح فقه اکبر ص ۱۲۱، ظفیر الدین غفر الله له

(۳) مشکوٰة باب زیارت القبور فصل اول ص ۱۵۴، ردالمحتار ط. س. ج۲ ص ۲۴۲. ظفیر

(۴) برای دیدن عبارتی که درسوال آمده ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی زیارة القبور ج۱ ص ۸۴۳. ظفیر

قول را از سلف نقل فرموده واز خود نگفته است پس باید لفظ (بلغنی) به حال خود باقی مانده وعبارت اولی تاویل گردد.

دادن غذا به نیت ثواب به شخصی که صاحب نصاب است: سوال: ۸۵۸ یک مولوی ویک حافظ صاحب نصاب اند اگر کسی ایشان را شخصیت بزرگ دانسته وبه نیت ثواب به ایشان غذا بدهد وثواب آنرا به پیامبر (ﷺ) وخلفای راشدین وبه ارواح دوستان خویش ایصال کند آیا ثواب آن به ایشان می رسد یانه؟

جواب: در دادن غذا به فقرا اگر با اخلاص نیت باشد ثواب بیشتر است.

پخته کردن اطراف قبر:. سوال: ۸۵۹ پخته کردن اطراف قبر در حالیکه لحد خام گذاشته شده باشد جائز است یانه؟

جواب: عن جابر قال نهی رسول الله (ﷺ) آن یجصص القبور وان یکتب علیها وان توطأ) رواه الترمذی [1] ودر الدر المختار آمده: (ولا الاجر المطبوخ [2]) از این حدیث وعبارت کتاب فقه معلوم گردید که پخته کردن قبر درست نمی باشد همچنان لحد را خام گذاشتن واطراف آنرا پخته کردن نیز جائز نیست.

اعمار مسجد درپهلوی قبر چه حکم دارد: سوال: ۸۶۰ حکم اعمار مسجد در پهلوی قبر وساختن حجره برای فیض برندگان چیست؟

جواب: در قرار داشتن مسجد وحجره آن در نزدیکی قبر حرجی نیست، اگر قبر زو بروی نماز گزاران نباشد در خواندن نماز در قبرستان ممانعتی نیست.

قبر بزرگان دین را چرا پخته می سازند: سوال: ۸۶۱ مقابر متقدمین وبزرگان دین که درسر

(۱) ترمذی باب ماجاء فی کراهیة تجصیص القبور والکتابة علیها . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الجنائزج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۲. ظفیر

زمین عرب وهند قرار داشته وپخته می باشند علما پخته بودن آنها را چگونه جائز می فرمایند؟

جواب: ازحدیث (نهی رسول الله (ﷺ) ان یجصص) روایت الدر المختار (ولا آلاجر المطبوخ) مسئله واضح می گردد وعلامة شامی از بدائع چنین نقل می کند: (قوله المطبوخ صفة کاشفة قال فی البدائع لانه یستعمل للزینة ولاحاجة للمیت الیها ولانه مماسته النار فیکره ان یجعل علی المیت تفاولاً [1]) از این روایت بدائع واضح گردید که گذاشتن خشت پخته بر قبر به دو وجه مکروه می باشد یکی آنکه میت به زینت وآرایش ضرورتی ندارد ودیگر آنکه چیزی که در آتش پخته شده تفاولاً نزدیک میت گذاشته نشود ومورد پسند بزرگان دین نیست اگر شخص دیگری قبر شخصیت بزرگی را پخته کند در اینکار هیچ مواخذه ای بر ذمه کسی که در آن دفن است نخواهد بود.

هدیه کتب تفسیر جهت ایصال ثواب: سوال: ۸۶۲ سعیده که زن بیوه است می خواهد به روح شوهر متوفای خود ایصال کند، لذا اگر او قرآن مجید وکتب تفسیر وحدیث را خریده و به عالم حافظ یا طالب العلمی ببخشد وتوسط آن ایصال توابی کند جائز است یانه واگر مقداری پول جهت ترمیم مسجد ویا مدارس اسلامی بدهد وتوسط آن ایصال ثواب نماید ویا بدون تعیین تاریخ علماء حافظان ونماز گزاران را دعوت طعام بدهد جائز است یانه ویا طریقه ای که مناسب باشد چنان کند؟

جواب: این طریقه ایصال ثواب بسیار خوب ومستحسن می باشد چه جهت مساعدت به طالبان فقیر مدارس دینی پول نقد، لباس وغیره بدهد ویا کتب تفسیر، حدیث وفقه را خریداری نموده وبه مدرسه ای وقف کند تا که طالبان همیشه از آن نفع برند وهمیشه ثواب ان به میت برسد همچنان بدون تعیین تاریخ وروز به فقراء طعام دادن وایصال ثواب آن درست می باشد وتواب آن

---

(1) ردالمحتار باب الجنائز مطلب فی دفن المیت ج۱ ص ۸۳۷ ، ط. س. ج۲ ص ۲۳۶. ظفیر

به میت خواهد رسد همچنان خواندن قرآن شریف وکلمه طیبه وایصال ثواب آن نیز بسیار خوب است [۱].

<u>کسیکه قبل ازدفن میت ازقبرستان می رود آیا برای او اجازه گرفتن از ورثه میت ضرور است</u>: سوال: ۸۶۳ بعد از خواندن نماز جنازه وقبل از دفن میت اگر شخصی بخواهد از قبرستان برود آیا برای او اجازه گرفتن از ورثه میت ضرور است یانه؟

جواب: اجازه گرفتن ضرور نیست اما کسیکه قبل از دفن می رود ثواب او نسبت به کسیکه بعد از دفن می رود کم می گردد [۲].

<u>قید روز سوم برای تلاوت قرآن وایصال ثواب ضرور نیست</u>: سوال: ۸۶۴ در روز سوم میت قران خواندن جائز است یانه؟

جواب: اصل آن است که قرآن شریف بدون معاوضه خوانده شده وثواب آن ایصال گردد ثواب آن به میت می رسد [۳] اما تعیین وتخصیص روزی صورت نگیرد واگر چنان گردد طوریکه در روزگار ما مروج است که در روز سوم توسط اطفال وبزرگان تلاوت کرده ومیان ایشان پول تقسیم کند جائز نمی باشد، توسط آن ثوابی به میت نمی رسد [۴].

❊ ❊ ❊

---

(۱) صرح علمائنا الخ بان للانسان ان یجعل ثواب عمله لغیره صلوٰة اوصوما اوصدقة اوغیرها کذافی الهدایة (رد المحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی القرآنت للمیت ج۱ ص ۸۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۳). ظفیر

(۲) لما فی ابن ماجه عن ابی هریره‌ؓ ان رسول الله ﷺ صلی علی جنازة ثم اتی القبر فحثی علیه (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج۱ ص ۸۳۸) وعن أبي هريرة ؓ قال : قال رسول الله ﷺ : من اتبع جنازة مسلم إيمانا واحتسابا وكان معه حتى يصلي عليها ويفرغ من دفنها فإنه يرجع من الأجر بقيراطين كل قيراط مثل أحد ومن صلى عليها ثم رجع قبل أن تدفن فإنه يرجع بقيراط. متفق عليه (مشکوٰة باب المشی بالجنازة الخ ص ۱۴۴). ظفیر

(۳) وفی شرح اللباب ان یقرا من القرآن ماتیسر له من الفاتحة واول البقرة الی المفلحون وآیة الکرسی وآمن الرسول وسورة یٰس الخ ثم یقول اوصل ثواب ماقراناه الی فلان والیهم (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی القرآنت للمیت ج۱ ص ۸۴۴ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۳). ظفیر

(۴) ویکره اتخاذ الطعام فی الیوم الاول والثالث وبعد الاسبوع الخ واتخاذالدعوة القرآنت القرآن الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۴۲ ، ط. س. ج۲ ص ۲۴۰). ظفیر

فصل نهم : مسائل متفرقه

ایستاده شدن غرض تعظیم میت چه حکم دادر: سوال: ۸۶۵ ایستاده شدن جهت تعظیم میت درست است یانه؟

جواب: ایستاده شدن هنگام دیدن میت در حدیث شریف آمده: لذا در آن حرجی نیست [۱].

گذاشتن گل برقبر جهت تزئین چه حکم دارد: سوال: ۸۶۶ اگر شخصی جهت تزئین بر قبر گل بگذارد درآن حرجی است یانه؟

جواب: نباید بر قبر گل وغیره چیزها را گذاشت [۲].

اگر ادای قرض چند روزی پس از وفات صورت گیرد چه حکم دارد: سوال: ۸۶۷ زید وفات نمود قرض به ذمه اش باقی ماند وورثه او پس از گذشتن مدتی قرض او را ادا کردند آیا به اساس عدم ادای قرض قبل از آن عذاب شده است یانه؟

جواب: اگر قبل از ادای دین عذابی در قبر بوده باشد ان شاء الله پس از ادای آن رفع شده است حتی الوسع باید در ادای دین میت ازسرعت کار گرفته شود، زیرا در احادیث در مورد دین وعید شدید وارد شده است [۳].

---

[۱] عن عبدالرحمن بن ابی لیلی قال کان سهل بن حنیف وقیس بن سعد* قاعدین بالقادسیة فمر علیهما بجنازة فقاما، فقیل لهما انها من اهل الذمة، فقال: ان رسول الله ﷺ مرت به جنازة فقام فقیل له انها جنازة یهودی، فقال الیست نفسا متفق علیه (مشکوة باب المشی بالجنازة ص ۱۴۷) بر علاوه احادیث زیادی در این مورد در این باب وارد شده که به اساس آنها معلوم می گردد که در ابتداء حکم ایستاده شدن بود وسپس منسوخ گردید اما باز جواز باقی ماند واین ایستاده شدن در حقیقت برای تعظیم خالق نفس وملائک می باشد والله اعلم.

[۲] در گذاشتن گل بر قبر مضایقه ای نیست (وضع الورد والریاحین علی القبور حسن وان تصدق بقیمة الورد کان احسن (عالمگیری کتاب الکراهیة باب السادس عشر ص ۳۶۳ ج ۵) از اینجا معلوم گردید که بهتر (آن است که قیمت آن به نیت ایصال ثواب صدقه گردد وچون در روزگار ما رواج هموار کردن چادر گل است و آنرا کار ثواب می پندارد لذا در جمله بدعات داخل بوده واجتناب از آن ضرور می باشد والله اعلم.

[۳] ان رسول الله ﷺ قال قتل مطل الغنی ظلم متفق علیه (باب مشکوة الانظار والافلاس فصل اول) ای تاخریه اداء الدین عن وقته الی وقت ظلم فان المطل منع اداء ما استحق اداءه وهو حرام من المتمکن (مرقاة شرح مشکاة، باب ایضاً ج ۳ ص ۳۳۷). ظفیر

قصداً به قبر کدام ولی رفتن چطور است: سوال: ٨٦٨ قصداً اراده رفتن به قبر کدام شخصیت بزرگ ولی ویا پیر چه حکم دارد؟

جواب: بدون تعیین روز اگر گاهی برود مضایقه ای نیست [١] رفتن بر قبور اولیا از برکت خالی نمی باشد.

جهت زیارت قبر والدین رفتن به خارج چه حکم دارد: سوال: ٨٤٩ آیا پسر می تواند جهت زیارت قبر والدین خویش به خارج سفر کند؟

جواب: می تواند [٢].

روایت آمدن روح به خانه محقق نیست: سوال: ٨٧٠ شاه عبدالعزیز محدث دهلوی در (مفید المفتی) در مورد تعلق روح می فرماید که امام رازی (رح) نوشته است که ابوهریره (رضی الله عنه) روایت نموده: (اذا مات المؤمن دار روحه حول داره شهراً فینظر الی خلفه من ماله کیف یقسم ماله وکیف یؤدی دینه فاذ اتم شهر رد الی حضرته فیدور حول قبره حولاً وینظر روحه من یدعوله ویحزن علیه فاذا تم سنة رفع الی حیث یجمع الخلائق الی یوم ینفخ فی الصور) ومولانا صاحب عبدالحی به جواب استفتای شماره -٣١٧- نوشته که از ظاهر احادیث چنان معلوم می شود که روح بعد ازقبض به علیین می رود در روایت بزاریه آمده: (فاذا خرجت روحه وضعت علی ذلک المسک والریحان وذهب به الی علیین) واینکه چهل روز خانه ویکسال در قبر بوده وباز علیین برود ثابت نیست؟ از جمله این دو قول کدام یک محقق است؟

---

(١) بزیارة القبور ولو للنساء لحدیث کنت نهیتکم عن زیارة القبور الا فزروها ویقول السلام علیکم دار قوم مؤمنین وانا انشاء الله بکم لاحقون ویقرأ یٰس الخ (درمختار) قوله: بزیارة القبور ای لا باس بها بل تندب کما فی البحر الخ وتزار فی کل سبوع کما فی مختارات النوازل، قال فی شرح اللباب المناسک الا ان الافضل یوم الجمعة والسبت والاثنین والخمیس الخ وفیه ویستحب ان یزور شهداء جبل اُحُد الخ قلت استفید منه ندب الزیارة وان بعد محلها الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی فی زیارة القبور ج١ ص ٨٤٣، ط. س. ج٢ ص ٢٤٢). ظفیر

(٢) بزیارة القبور ولو للنساء لحدیث کنت نهیتکم عن زیارة القبور الا فزروها ویقول السلام علیکم دار قوم مؤمنین وانا انشاء الله بکم لاحقون ویقرأ یٰس الخ (درمختار) قوله: بزیارة القبور ای لا باس بها بل تندب کما فی البحر الخ وتزار فی کل سبوع کما فی مختارات النوازل، قال فی شرح اللباب المناسک الا ان الافضل یوم الجمعة والسبت والاثنین والخمیس الخ وفیه ویستحب ان یزور شهداء جبل اُحُد الخ قلت استفید منه ندب الزیارة وان بعد محلها الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی فی زیارة القبور ج١ ص ٨٤٣، ط. س. ج٢ ص ٢٤٢). ظفیر

جواب: از این جمله دو قول فوق محقق همان است که از مولوی صاحب عبدالحی نوشته است [۱]. فقط

اگر فاسق در روز جمعه بمیرد با او حساب خواهد شد یانه: **سوال**: ۸۷۱ اگر فاسقی در روز جمعه بمیرد با او حساب منکر ونکر وضغط قبر صورت خواهد گرفت یانه وپس روز جمعه آن محاسبه باز خواهد گشت یانه؟

جواب: در حدیث شریف آمده: (مامن مس لم یموت یوم الجمعة او لیلة الجمعة الاوقاه الله فتنه القبر [۲]) قاری در شرح مرقاة گوید: (فتنه القبر ای عذابه وسواله وهو یحتمل الاطلاق و لتقید الاول هو الاولی بالسبة الی فضل الموتی [۳]، وپس از این شارح مذکور چند روایت را در این مورد نقل می نماید وظاهر آن است که عذاب مذکور باز نخواهد گشت ودر شامی نقل گردیده که چون عذاب در روز جمعه قطع شود باز نخواهد گشت [٤].

روح میت به خانه می آید یانه ودرخواب چگونه می آید: **سوال**: ۸۷۲ روح میت به خانه می آید یانه؟ اگر نمی آید پس در خواب چگونه به نظر می رسد؟

جواب: به نظر آمدن هیچ میتی در خواب مقتضی آن نیست که روح وی به خانه بیاید، زیرا به نظر آمدن آن در خواب به دلیل ارتباط روحانی می باشد وبه آمدن روح به خانه هیچگونه ارتباطی ندارد بسیاری از مردم زنده که در جاهای دور زندگی می کنند، در خواب دیده می شوند، پس حساب خواب علیحده است واتصال ظاهری اجسام برای ان ضرور نمی باشد وجهان ارواح جهان دیگری است.

---

(۱) اخرج البزاز بسند صحیح عن ابی هریرة رفعه الخ ان المومن تصعد روحه الی السماء فتاتیه ارواح المومنین الخ عن الحسن قال قال رسول الله ﷺ اذامات العبد تلقی روحه المومنین (شرح الصدور ص ٦٠). ظفیر

(۲) مشکوٰة باب الجمعة عن الترمذی وغیره . ظفیر

(۳) مرقات شرح مشکوٰة باب الجمعة ج۲ ص ۱۱۲. ظفیر

(٤) ثم ذکران من لایسئل ثمانیة الشهید الخ والمیت یوم الجمعة اولیلتها (ردالمحتار باب الجنائز مطلب ثمانیة لایسئلون فی قبورهم ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۲). ظفیر

نماز جنازه شخص بی نماز را هم بخوانید واو را بر زمین کش نکنید: سوال: ٨٧٣ در بعضی از دهات وشهرها نماز جنازه شخص بی نماز را نمی خوانند، بلکه او را به ریسمان بسته وبرزمین کش می کنند، این عمل در شریعت درست است یانه؟

جواب: در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر [١]) یعنی نماز جنازه هر شخص نیک وبدی را بخوانید، پس اینکار آن مردم که بی نماز را بر زمین کش می کنند وبدون نماز جنازه دفن می کنند. درست نبوده وحرام می باشد.

از صاحب قبر طلب دعا جائز است یانه: سوال: ٨٧٤ الف: به اساس مذهب حنفی رفتن به مقابر بزرگان دین وبه حضور ایشان عرض کردن که شما مقبول در بار خداوند هستید برای ما دعا کنید که فلان حاجت ما بر آورده گردد جائز است یانه؟

نزد امام اعظم بزرگان دین پس از وفات می شنوند یانه: سوال: ٧٨٥ ب: نزد امام صاحب بزرگان دین پس از وفات سخنان زائرین را می شنوند یانه؟

آیا امام صاحب کسی را از التجا کردن به قبری مانع شده بود: سوال: ٨٧٦ ج: آیا این سخن صحیح است که امام صاحب شخصی را بر قبری دید که چیزی عرض می کند، پس فرمود به کسی التجامی کند که نمی شنود؟

آیات واحادیثی که درتائید نظر امام صاحب وجود دارد بنوسید: سوال: ٤٧٧ د: اگر کدام آیت وحدیثی در تائید قول امام صاحب وجود داشته باشد آنرا تحریر فرمائید؟

جواب سوالات: ٨٧٤ الی ٨٧٧: در مورد سماع موتی اختلاف بوده واین اختلاف از دوران صحابه باقی می باشد بسیاری از ائمه به سماع موتی قابل می باشند ودر کتب حنفی مسائلی دیده می شود که از آن عدم سماع موتی استنباط می گردد، اما از امام صاحب هیج تصریحی در این

---

(١) شرح فقه اکبر ص ٩١. ظفیر

مورد نقل نشده است وبه محکم سماع موتی از آیت: (لاتسمع الموتی) وغیره استدلال صورت می گیرد وکسانیکه به سماع موتی قائل اند به حدیث (ما انتم باسمع منهم) وحدیث قرع نعال) استدلال نموده اند وخلاصه آنکه این مسأله مختلف فیه می باشد وگفتن قول قاطع در این مورد دشوار است پس در هر حالیکه علماء در این مورد دچار تردد اند برای عوام لازم است که در مورد آن سکوت نمایند ودلائل هر دوطرف موجود است وچون سماع موتی مورد اختلاف است پس این مسأله نیز مختلف فیه می گردد که آیا در قبور بزرگان دین چنین گفته شود یانه که به خداوند دعا کن که فلان حاجتم را بر آورده سازد البته احوط آن است که گفته شود خداوند به برکت بنده نیک دعایم را قبول وحاجتم را بر آورده فرما [1].

عقیده غلط درمورد ملائک: سوال: ٨٧٨ شخصی در حال سکته بود عزرائیل (علیه السلام) روح او را قبض نموده وبه دوزخ انداخت پس از آن خداوند به عز رائیل گفت که تو غلط کرده ای شخص دیگری به این نام است روح او را قبض کن وروح این شخص را رها نما مگر فرشته ها او را رها نکردند، مرده مطلع گردید وبه ناله وفریاد پرداخت سرانجام فرشته ها نانی را که همراه جنازه برون می کنند در رشرت گرفته وروح او را رها کردند آیا فرشته ها از حکم خداوند سر پیچی می کنند وآیا رشوت می گیرند وآیا چنین غلطی می نمایند؟

جواب: خداوند عزوجل درمورد ملائک می فرماید: (لا یعصون الله ما امرهم ویفعلون ما یؤمرون [2]) یعنی در هیچ امری خلاف حکم خداوند نمی کنند وبه آنچه امرمی شوند انجام می دهند پس در مورد ایشان چنین اعتقادی باطل کذب وافترا می باشد.

روح بعد از مرگ درکجامی باشد وسوال وجواب درقبر: سوال: ٨٧٩ **سوال:** وغیره که

([1]) وکره قوله بحق رسلک وانبیائک واولیائک اوبحق البیت لانه لاحق للمخالق علی الخالق تعالی (درمختار) قوله کره الخ هذا لم یخالف فیه ابو یوسف رحمه الله بخلاف مسئلة المتن السابقة الخ وجاء فی الآثار ما دل علی الجواز (رد المحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ج٥ ص ٣٤٩ ، ط. س. ج٦ ص ٣٩٧). ظفیر

([2]) سورة التحریم : رکوع ٢ ظفیر

پس از مرگ صورت می گیرد در حالیکه روح به آسمان می رود آیا دوباره به قبر آورده می شود ودر جسم بند می گردد یا چطور؟

جواب: ارتباط جسم با روح باقی می ماند [۱].

ارواحیوانات: **سوال:** ۸۸۰ ارواح حیوانات در کجا بسر می برند؟

جواب: در حدیث آمده که حیوانات پس از انتقام گرفتن از یکدیگر نابود می شوند [۲].

عقائد بوهره وچند سوال درمورد ایشان: **سوال:** ۸۸۱ در اینجا فرقه ای وجود دارد که آنرا بوهره می گویند ایشان شیعه داودی می باشند اکنون در میان ایشان گروهی ظهور نموده ومصروف جد وجهد می باشند تا آن مردم اصلاح گردند، فرقه بوهره مذکور تحت فرمان ملا طاهر سیف الدین قرار دارند که نعوذ بالله در زیر آسمان خدا پنداشته می شود اکنون گروه اصلاح طلب علیه ملای مذکور علم بغاوت بر افراشته لذا فرقه مذکور را از جماعت خویش خارج کرده اند، افکار این گروه اصلاح طلب به صورت اجمالی قرار ذیل است:

- مکمل دانستن قرآن
- تبرا از صحابه گناه بزرگ است.
- مقام بیشتر از انسان به ملای مذکور قائل شدن معصیت است.
- این گمان که غیر از بیعت به ملای مذکور کسی داخل جنت نمی شود، لغو وبیهوده است

خلاصه آنکه فرقی که میان ایشان واهل سنت باقی مانده فقط آن است که به هیچ یک از ائمه

---

(۱) واختلاف کرده اند که عذاب قبر به زنده گردانیدن میت است یا در مقابله داشتن روح باوی یابه نوعی دیگر که پروردگار تعالی نخواهد وما را بدریافت کنه حقیقت آن راه نباشد وحق آن است که به احیاء است چنانچه ظاهر احادیث دال است برآن.. (اشعة اللمعات جلد اول ص ۱۳ ، باب اثبات عذاب القبر). ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ لتؤدن الحقوق الی اهلها یوم القیامة حتی یقاد للشاة الجلحاء من الشاة القرناء رواه مسلم (باب الظم ص ٤٣٥) وهذا تشریح بحشر البهائم یوم القیامة واعادتها کما اهل التکلیف من الأدمین والاطفال ؒ واما القصاص من القرناء للجلحاء فلیس من قصاص التکلیف بل هوقصاص المقابلة الخ (مرقاة ج٤ ص ٧٦١). ظفیر

اربعه ارتباط ندارند بر علاوه از جمله مؤیدین وفعالان سر گرم تحریک خلافت می باشند، گروه اصلاح طلب مذکور در اینجا صرف یک خانه دارند وچند روز قبل زنی از جمله ایشان وفات یافت، زن مذکور خود نیز از جمله اصلاح طلبان بود وچون قوم آنها با ایشان مقاطعه گرده اند لذا هیچ کسی در جنازه اونیامد لذا اهل سنت به اقتضای اخوت اسلامی در تجیهز وتکفین میت شرکت ومساعدت کردند ونماز جنازه او را نیز خواندند، ما عقب ولی میت نماز جنازه را خواندیم که رهبر گروه اصلاح طلب است کیفیت مختصر نماز جنازه ای که او خواند طوری بود که امام به کتاب می دید ودعامی خواند، سپس نیت نماز را نمود ونماز را با پنج تکبیر اداء نمود وبه همین ترتیبی که ما نماز می خوانیم نماز خواند صرف با این تفاوت که کتاب را بدست گرفته بود ومی خواند، مردم بر اینکه او پنج تکبیر گفت اعتراض می کنند که کسانیکه عقب او نماز جنازه را خوانده انداز اهل سنت وجماعت خارج شده اند اموری را که می خواهیم بدانیم قرار ذیل اند:

۱- آیا مساعدت درتکفین وتجهیز میت بر ما فرض بود یانه؟

۲- کسیکه دارای چنین عقایدی باشد که یاد آور شدیم عقب او نماز های فرض، سنت وجنازه می شود یا نه؟

۳- عقب شیعه نماز فرض ونماز جنازه می شود یانه؟

٤- در صورت جواز برای کسانیکه طعن ولعن می کنند چه حکم است؟

٥- در صورت عدم جواز کسانیکه آن نماز جنازه را خوانده اند کافر اند یا گنهگار؟

جواب: نزد اهل سنت وجماعت برای نماز جنازه همان شروطی وجود دارد که برای سائر نماز ها می باشد بدون قرائت رکوع وسجده که در کتب فقه ذگر شده اند واموری دیگر نماز ها را فاسد می ساقند، نماز جنازه را نیز فاسد می کنند، طوریکه در شامی آمده: (وفی البحر ویفسدها

ما یفسد الصلوة الا المحاذات [۱] پس کتاب را بدست گرفتن وبه آن دیدن وخواندن مفسد نماز است، لذا نماز جنازه مذکور نشده است، اما آنچه در سوال راجح به عقاید ونظریات گروه اصلاح طلب نوشته شده صحیح بوده وتاجایی به اهل سنت وجماعت نزدیک می باشد اما عدم تقلید از ائمه اربعه هم وسیله ای برای آزادی می باشد وعدم تقلید اکثراً موجب مخالفت با اهل سنت وجماعت می گردد به هره حال آنچه اصلاح شده باید در جهت آن کوشش صورت گیرد تا جمله مدارج را طی نموده وجز اهل سنت وجماعت شوند واینکه در جنازه اصلاح طلب اهل سنت وجماعت مساعدت نموده اند شرعاً ممنوع نیست بلکه در حالت مذکور ضروری بوده وچنین مساعدتی در آنوقت براهل سنت وجماعت لازم بود که در تجهیز وتکفین میت نمودند اما امام ساختن شخصی که به طریقه مذکور نماز خواند شرعاً جائز نبوده وباید شخص مذکور به طریقه اهل سنت وجماعت نماز جنازه را می خواند ودر غیر آن باید اهل سنت وجماعت عقب او نماز نمی خواندند به هر حال آنچه شد، شد به طعن ولعن ضرورتی نیست آئنده باید در چنین اموری احتیاط شود وچون جماعت اصلاح طلب همت کرده اند که خود را اصلاح نمایند باید کاهلاً اصلاح شوند زیرا فرقه ناجیه فقط اهل سنت وجماعت می باشد [۲] وبه اساس حدیث شریف باید یک سر مواز این فرقه جدا نبود:

فراق دوست اگر اندک اندک نیست میان دیده اگر نیم موست بسیار است

ایصال ثواب برای شیعه وبوهره واشتراک در نماز جنازه ایشان جائز است یانه: سوال:

۸۸۲ برای اهل سنت وجماعت خواندن نماز جنازه شیعه یا بوهره وقرآن خواندن غرض ایصال ثواب به ایشان یا هنگام تعزیت دعای مغفرت کردن ویا با جنازه ایشان تا قبرستان رفتن جائز است یانه؟

---

(۱) ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی صلاة الجنازة ج۱ ص ۸۱۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۰۷. ظفیر

(۲) ان بنی اسرائیل تفرقت علی ثنتین وسبعین ملة وتفترق امتی علی ثلث وسبعین ملة کلهم فی النار الاملة واحدة قالوا من هی یارسول اللہ؟ قال: ما انا علیه واصحابی رواه الترمذی (مشکوٰة باب اعتصام ص ۳۰). ظفیر

جواب: خواندن نماز جنازه ودعای مغفرت برای ایشان جائز نیست ودر رفتن ونرفتن به قبرستان واظهار وعدم اظهار تعزیت مطابق مصالح وضروریات خویش عمل کنید [١].

گذاشتن جنازه شیعه رسماً بر زمین چطور است: سوال: ٨٨٣ وقتی که شیعه ها جنازه را به قبرستان می برند راه را منحرف نموده وبرای حدود پنج دقیقه جنازه را بر زمین می گذارند، اینکار جا ئز است یانه؟

جواب: این توقف بدون وجود وجه شرعی درست نیست، زیرا در احادیث حکم شده که جنازه به سرعت برده شود [٢].

برای تخویف کردن به آنکه کسیکه نماز های پنجوقتی را نخوانده نماز جنازه اش جائز نیست: سوال: ٨٨٤ من برای متوجه ساختن مردم به سوی نماز حکمی کشیده ام وآن اینکه نماز جنازه تارک نماز را مخوانید چنین حکم نمودن برای تخویف وتهدید جائز است یانه؟

جواب: چنین حکمی درست نیست، زیرا در حدیث شریف آمده: (صلوا علی کل بر وفاجر) وظاهر است که تارک نماز نزد جمهور فاسق وفاجر بوده وکافر نیست واینکه فقهاء باغی وغیره را مستثنی قرار داده اند، بی نماز در آن جمله شامل نمی باشد، لذا بدون نماز جنازه دفن کردن مسلمانان جائز نیست همچنان دفن کردن کنیزان وغلامانی که مسلمان هستند بدون نماز جنازه ویا دفن نکردن ایشان در قبرستان مسلمانان جائز نیست البته برای عبرت می توان چنان کرد که پیشوایان نمازجنازه فساق وتارکان نماز را نخوانند وبه عوام بگویند که شما نمازجنازه را نخوانید

---

(١) وبهذا ظهر ان الرافضی ان کان ممن یعتقد الالوهیة فی علی رضی الله عنه وان جبریل غلط فی الوحی اوکان ینکر صحبة الصدیق رضی الله عنه ویقذف السیدة الصدیقة رضی الله عنها فهو کافر لمخالفة القواطع المعلومة من الدین بالضرورة (رد المحتار کتاب النکاح فصل فی المحرمات ج٢ ص ٣٩٨، ط. س. ج٣ ص ٤٦). ظفیر

(٢) ویسرع بها بلاخبب ای وکره تاخیرصلاته ودفنه لیصلی علیه جمع عظیم بعدصلاة الجمعة (درمختار) للحدیث أسرعوا بالجنازة، فإن کانت صالحة قدمتموها إلی الخیر، وإن کانت غیر ذلک فشر تضعونه عن رقابکم (رد المحتار باب صلاة الجنائز مطلب فی حمل الجنازة ج١ ص ٨٣٣ ، ط. س. ج٢ ص ٢٣١). ظفیر

تا که موجب عبرت تارکان نماز گردد طوریکه در حدیث آمده است [۱].

بحث درسماع موتی: سوال: ۸۸۵ فتوای شما رسید در جواب عرض می گردد که میت ادراک دارد واز آمدن زائر با خبر می گردد وسماع ندارد پس این امر چنان عقیده لاینحلی می باشد که ازدائره فهم من خارج است میت از آمدن زائر با خبر گردد وادراک هم داشته باشد اما نشنود عجب تماشایی زیرا بدون دیدن یاشنیدن ادراک امکان نداردپس مردگان چطور می دانند؟

جواب: در این مورد من همان چیزی را نوشته ام که حضرت ام المومنین عائشه فرموده است چون بٔه او گفتند که پیامبر (ﷺ) در مورد اهل قلیب بدر فرمود: (ما انتم باسمع منهم) که شما بیشتر از مردگان شنونده نیستید حضرت عایشه فرمود که معنی این حدیث آن است که ما انتم با علم منهم) یعنی اینکه شما بیشتر از ایشان نمی دانید ومقصود آن بود که افوات علم دارند، اما سماع ندارند واینکه چطور می توان گفت که بدون شیندن علم دارند مانند آن است که کرها علم وادراک دارند اما نمی شنوند پس دنبال این قصه ها مروید ومسأله را از عالمی بیاموزید وبدانید که در قرآن شریف از سماع فوتی انکار گردیده لذا تاویل در حدیث شریف مناسب است [۲]. فقط

بحث درمورد سماع موتی: سوال: ۸۸۶ در مورد شماره ۲۸۳ شمامی نگارم که جای شک در آن است که تمام فقهای حنفی مسأله عدم سماع موتی را تحریر می نمایند وشما نیز در یک

---

(۱) وعن سلمة بن الأكوع قال: كنا جلوسا عند النبي ﷺ إذ أتي بجنازة فقالوا: صل عليها فقال : هل عليه دين ؟ قالوا : لا فصلى عليها ثم أتي بجنازة أخرى فقال: هل عليه دين ؟ قالوا: نعم فقال: فهل ترک شيئا ؟ قالوا: ثلاثة دنانير فصلى عليها ثم أتي بالثالثة فقال: هل عليه دين ؟ قالوا: ثلاثة دنانير قال: هل ترک شيئا ؟ قالوا : لا قال : صلوا على صاحبكم قال أبو قتادة: صلى يا رسول الله وعليٌ دينه فصلى عليه. رواه البخاري (مشكوٰة باب الانظار والافلاس ص ۲۵۲). ظفير

(۲) واجابوا هذا الحديث بانه مردود من عائشة رضي الله عنها قالت كيف يقول رسول الله ﷺ ذلک والله تعالى يقول: ما انت بمسمع من فى القبور، وانک لا تسمع الموتٰى، اقول: والحديث المتفق عليه لا يصح ان يكون مردوداً، لا سيما ولا منافاة بينه وبين القرآن فان المراد من الموتى الكفار والنفى منصب على نفى النفع لا على مطلق السمع كقوله تعالى: صم بكم عمى فهم لا يعقلون، اوعلى نفى الجواب المترتب على السمع (مرقاة باب حكم الاسراء ج٤ ص ٢٤٦). ظفير

جا فرمودید که عدم سماع موتی مذهب امام صاحب می باشد وپس از آن قول واسطی را نقل نمودید که همان قول فقها را نقل می کنند وبر آن هیچ نوع جرح وتعدیلی نکردید که نشان دهنده آن است که سماع موتی درست می باشند وعدم سماع موتی غلط لهذا محمد بن واسع ناقل عن السلف است وچه کسی وپیرو کدام مذهب می باشد؟

جواب: محمد بن واسع از جمله تابعین می باشد که قبل از روزگار ائمه مجتهدین زندگی کرده اند لهذا نمی توان ایشان را حنفی یاشافعی یا چیزی دیگرئی گفت طوریکه در مورد صحابه چنین چیزی نمی گوئیم واینکه موتی بدانند که چه کسی به زیارت ایشان آمده دلیل سماع موتی شده نمی تواند، زیرا سماع چیزی دیگری وعلم وادراک چیزی دیگر می باشد خود ام المومنین عایشه صدیقه که به دلیل این قول خداوند (انک لاتسمع الموتی [1]) و(ما انت بمسمع من فی القبور [2]) سماع موتی را قبول ندارد، حدیث (ما انتم باسمع منهم [3]) را که در مورد اهل قلیب بدر وارد شده وآنرا برای سماع موتی دلیل می گیرند تأویل نموده (با علم منهم) معنی کرده است. فقط

<u>اگر قسمتی از طفل از شکم مادر برون شود وبمیرد</u>: سوال: ۸۸۷ از بطن زنی یک پای طفل برون آمد وهر ودو مردند آیا طفل از شکم او کشیده شود یا یک غسل وکفن ودفن برای هر دو کافی می باشد؟

جواب: طفل ازشکم او کشیده نشود، فقط غسل کفن وخواندن نماز جنازه زن کافی می باشد.

---

(١) سورة النمل: رکوع ٦. ظفیر

(٢) فاطر: ٣. ظفیر

(٣) قال النبی ﷺ والذی نفس محمد بیده ما انتم باسمع لما اقول منهم وفی روایة ما انتم باسمع منهم ولکن لا یجیبون وفی شرح مسلم للنووی قال المازری قیل ان المیت یسمع عملا بظاهر هذا الحدیث وفیه نظر انه خاص فی حق هؤلاء ورد علیه القاضی وقال یحمل سماعهم علی ما یحمل علیه سماع الموتی فی احادیث عذاب القبر وفتنته التی لا مدفع لها وذلک باحیائهم او احیاء اجزاء منهم یعقلون به ویسمعون فی الوقت الذی یریده الله قال الشیخ هذا هو المختار قال ابن الهمام فی شرح الهدایة اعلم ان اکثر من مشائخ الحنفیة علی ان المیت لا یسمع الخ (مرقات ج٤ ص ٢٤٦). ظفیر

بحث درمورد کسیکه درعشره محرم وفات کند: سوال: ۸۸۸ مشهور است که کسیکه در عشره محرم وفات کند، در این ده روز عذاب قبر وحساب نمی باشد وحساب بعد از این ده روز خواهد بود، این سخن صحیح است یانه؟

جواب: غلط است درمورد کسیکه در عشره محرم وفات می کند چنین روایتی نرسیده است که تا ده روز عذاب قبر نخواهد بود، البته در مورد کسانیکه در رمضان وروز جمعه وفات می کنند این بشارت در حدیث آمده است [1].

آمدن روح در روز پنجشنبه به خانه متحقق نیست: سوال: ۸۸۹ از زبان بسیاری از علما شنیده ایم که روح روز پنجشنه به خانه نزدیکان خویش می آید وآرزومند رسیدن ثوابی می باشد وپس از خواندن نماز جعه واپس می رود، این سخن صحیح است یانه؟

جواب: این سخن متحقق نیست.

طفل کافر که در نزد مسلمان بمیرد: سوال: ۸۹۰ یک پسر که پدر ومادرش کافر بودند، نزد سلمانی پرورش می یافت زیرا آن مسلمان پسر نداشت وطفل مذکور را فرزندی گرفته بود پدر ومادر طفل که کافر بودند به دلیل افلاس وعدم استطاعت پرورش اومقداری پول گرفته وخود رفته بودند وطفل کاملاً خورد سال وبی شعور بود ودر همان حال چند روز بعد مرد آیا بر طفل مذکور نماز خوانده شود ودر قبرستان مسلمانان دفن گردد یانه؟

جواب: مطابق قاعده فقهی طفل مذکور کافر شمرده می شود زیرا برای مسلمان شمرده طفل اسلام یکی از والدینش که تبعیت گفته می شود، شرط می باشد یا اینکه خود طفل در حال شعور وتمیز اسلام می آورد وچون یکی ازاین وجوه هم وجود نداشت لذاطفل مذکورمطابق قواعد فقهی

---

(۱) ثم ذکر ان من لایسئل ثمانیة الشهید الخ والاطفال والمیت یوم الجمعة اولیلتها (ردالمحتار ج۱ ص ۷۹۷ ، ط. س. ج۲ ص ۱۹۲). ظفیر الدین غفر الله له

طوریکه در الدر المختار آمده مسلمان شمرده نمی شود [۱].

فصل دهم : احکام شهید

کسی که درمریضی بمیرد شهید است یانه: سوال: ۸۹۱ خورشید خان ولد رحمان خان از قوم پشتون در یک بیماری عادی وفات نمود زوجه خورشید خان که خورشید خان مذکور شوهر دومش بوده از رحمان خان یعنی پدر خورشید خان که حدود یک صد سال عمر دارد یک خط در مورد وقف اراضی نور پور به مضمون ذیل گرفت که باغی که خورشید خانه در آن دفن است عایدات آن وقف روشنی باشد وپس از خود این سخن را به نواسه دختری گفت سوال که می خواهم مطرح کنم این است که آیا کسی را که در یک مریضی عادی مرده باشد می توان شهید گفت یانه وبر خورشید لفظ شهادت اطلاق می گردد یانه ودیگر اینکه روشن کردن بر قبر جائز است یانه؟

جواب: کسیکه در یک بیماری عادی مرده باشد نمی توان او را شهید خواند وبر او حکم شهادت نمی گردد [۲] در قبر روشنی چه قبر شهید باشد یا غیر شهید وچه قبر ولی باشد یا عاصی درست نیست [۳] وچون نهایت وقف آن است که به مصرف فقرا برسد لذا این وقف صحیح بوده وکسی را که رحمان خان پس از خود متولی ساخته متولی خواهد بود.

حضرت پیامبر (ﷺ) را سید الشهداء گفتن درست است یانه وحیات او (ﷺ) از شهداء بلند تر است یا نه: سوال: ۸۹۲ حضرت پیامبر (ﷺ) سیدالشهدا است یانه واینکه خداوند

---

(۱) کصبی سبی معی احد ابویه لایصلی علیه لانه تبع له ای فی احکام الدنیا الخ وان سبی بدونه فهو مسلم تباع للدار اوللسابی اوبه فاسلم اواسلم الصبی وهو عاقل ای ابن سبع سنین صلی علیه (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلاة الجنائز قبیل مطلب حمل المیت ج۱ ص ۸۳۱ ، ط. س. ج۲ ص ۲۲۸). ظفیر

(۲) ثم الاحسن فی تعریف الشهید الحکمی علی قول ابی حنیفه رحمه الله انه مسلم مکلف طاهر علم انه قتل ظلما قتلاً لم یجب به مالا ولم یرتث (غنیة المستملی ص ۵۵۵). ظفیر

(۳) وما یؤخذ من الدراهم والشمع والزیت ونحوها الی ضرائح الاولیاء الکرام تقربا الیهم فهو بالاجماع باطل وحرام (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصوم مطلب فی النذر الذی یقع للاموات ج٤ ص ۱۷۵ ، ط. س. ج٤ ص ۴۳۹). ظفیر

متعال در قرآن مجید راجع به شهدا فرموده که ایشان را مرده مگوئید آیا این قول فقط مخصوص شهدا می باشد یانه وپیامبر (ﷺ) در این نوع حیات از شهدا افضل است یانه؟

جواب: آنحضرت (ﷺ) افضل الانبیاء والمرسلین بوده، از تمام انبیاء (علیهم السلام) واز تمام صدیقین وشهداء برتر بوده وسردار همه است ودر این امر جای هیچگونه شک وتردیدی نمی باشد چنانچه گفته شده: (بعد از خدا بزرگ تویی قصه مختصر) اما ظاهراً پیامبر (ﷺ) شهید نگردیده که لفظ سید الشهدا برای شان استعمال گردد وطوریکه در احادیث آمده [١] پیامبر (ﷺ) به حضرت حمزه (رضی الله عنه) که شهید شده بود لقب سید الشهدا ء را عطاء فرموده است پس چنین سوال نشان دهنده قلت علم وتدبر شمامی باشد نباید چنین سوال کرد وحیات انبیاء (علیهم السلام) خصوصاً خاتم الانبیاء (ﷺ) از حیات شهدا افضل واعلی بوده واین بحث طویل است.[٢]

شهادت حکمی: سوال: ٨٩٣ زید مسلمان پابند صوم وصلوة ومتدین اما غریب بود او به مرض نمونیا مبتلا گردیده وشش روز در حالت سفر تنهایی وبیماری به سر برد ووفات نمود، چنین مرگی مرگ غربت گفته می شود یا زید شهید گفته می شود زیرا ابن ماجه روایت نموده: (موت الغربة شهادة)

جواب: در این صورت ان شاء الله مصداق حدیث شریف: (موت الغربة شهادة) بود وزید شهادت حکمی را حاصل کرده ا ست [٣].

دعا برای زنده شدن مرده: سوال: ٨٩٤ زید وفات نموده وبرادرزید عقیده داردکه دعا دارای نیرو واثر قوی می باشد لذا به خداوند متعال دعامی کند که زید را دوباره زنده سازد تا به اقارب

---

(١) عن علی‌ؓ قال رسول الله ﷺ سید الشهداء حمزة ابن عبد المطلب (فتح الباری تحت باب قتل حمزة بن عبد المطلب ج١ ص ٤٨٢). ظ

(٢) نبی الله حی یرزق، رواه ابن ماجه (مشکوٰة باب الجمعة فصل ثالث). ظفیر

(٣) فالمرتث شهید الأخیرة وکذا الجنب الخ والغریق والحریق والغریب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الشهید ج١ ص ٨٥٢ ، ط. س. ج٢ ص ٢٥٢). ظفیر

ودوستان خویش ملحق شود این گمان برادر زید درست است یانه؟

جواب: این گمان برادر زید صحیح نیست ونباید چنین دعایی بنماید، طوریکه در حدیث شریف امده که شهدا از خداوند متعال تمنا می نمایند که دوباره زنده شده وبه دنیا رفته وباز در راه خداوند شهید شوند خداوند متعال در جواب ایشان می فرماید که کسیکه مرد دوباره به دنیا نمی رود. فقط

کسیکه درآب غرق شود یا درجهاد کشته شود ویابه مرض اسهال وطاعون بمیرد چه حکم دارد: **سوال:** ۸۹۵ شهیدی که در آب غرق شود وبمیرد وکسیکه در جهاد شهید شود ویا به مرض اسهال ویا طاعون بمیرد آیا غسل داده شده وتکفین گردند یانه؟

جواب: شخصی که در آب غرق شده وبمیرد ویابه مرض اسهال ویا طاعون وفات کند شهید حکمی بوده وباید غسل داده شده وتکفین گردد وشهید حقیقی یعنی کسیکه در جهاد في سبیل الله شهید شده حسب شرایط فقها غسل داده نشده وتکفین نمی گردد [1].

دیوانه ای با کراهی به فرق زن خود زده او را شهید ساخت آیا زن مذکور غسل داده شود یانه: **سوال:** ۸۹۶ دیوانه ای با کراهی زن خود را زد سر زن شکست ووفات نمود به آن زن غسل داده شود یانه؟

جواب: زن مذکور شهید است به او غسل داده نشود وبدون غسل نماز جنازه اش خوانده شده ودفن گردد زیرا در حدیث آمده: (زملوهم بکلومهم ودمائهم) رواه احمد- شامی [2].

کسیکه زیرا دیوار بمیرد باید غسل داده شود: **سوال:** ۸۹۷ یک زن مسلمان پاک از حیض

---

(۱) فینزع عنه ما لا یصلح للکفن، ویزاد إن نقص الخ وینقص إن زاد لأجل أن یتم کفنه المسنون ویصلی علیه بلا غسل ویدفن بدمه وثیابه الخ وکل ذلک في الشهید الکامل، وإلا فالمرتث شهید الآخرة، وکذا الجنب ونحوه، ومن قصد العدو فأصاب نفسه، والغریق والحریق والغریب والمهدوم علیه والمبطون والمطعون الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الشهید ج۱ ص ۸۵۱ – ۸۵۲). ظفیر

(۲) ویصلی علیه بلاغسل ویدفن بدمه وثیابه لحدیث زملوهم بکلومهم (درمختار) بقوله ﷺ فی شهداء احد زملوهم بکلومهم ودمائهم (رواه احمد کذافی شرح المنیة، ردالمحتار باب الشهید ج۱ ص ۸۵۱). ظفیر

ونفاس درحالیکه مواد آتش بازی را میده کرد منزل آتش گرفت وفقط چند دقیقه قبل از آن چهار نفر از خدام خلافت در نهر غسل نموده وبه خانه مذکور آمده بودند، در اثر حریق آن زن وچهار مرد مذکور بمردند، ایشان را بدون غسل دفن نمودند مگر غرض دعای مغفرت نماز جنازه ایشان خوانده شد اینکار صحیح است یانه؟

جواب: کسیکه درآتش بمیرد یا غرق گردد یا دیوار بر او بیفتد وبمیرد همه اینها شهدای آخرت می باشند وغسل دادن ایشان لازم است واگر غسل ممکن نباشد تیمم داده شوند ودر جایی که بدون غسل دفن گردیده بودند حکم چنان است که پس از دفن دوباره نماز جنازه ایشان بر قبر شان خوانده شود زیرا نمازی که بدون غسل خوانده شد اعتبار ندارد وچون پس از دفن غسل متعذر است لذا ساقط شده است اما حکم نماز برقبر قبل ازتفسخ میت می باشد که عده ای مدت آنرا سه روز دانسته اند واصح عدم تعیین وقت است زیرا مدت تفسخ نظر به زمان ومکان فرق می کند در الدر المختار آمده: (وان دفن واهیل علیه التراب بغیر صلاة او بها بلا غسل صلی علی قبره استحساناً مالم یغلب علی الظن تفسخه من غیر تقدیر وهو الاصح (الدر المختار) لانه یختلف باختلاف الاوقات حراً وبرداً والمیت سمناً وهزالاً والامکنه (بحر) وقیل یقدر بثلاثه ایام شامی)[1] ودر باب شهید در الدر المختار آمده: (وکل ذلک فی الشیهد الکاهل... قوله فی شهید الکاهل وهوشهید الدین والأخرة وشهاد الدنیا بعدم الغسل الانجاسة اصابته غیر دمه وشهادة الاخرة بنیل الثواب الموعود للشهید[2] از اینجا معلوم گردید که برای شهید اخرت ثواب موعود در آخرت حاصل خواهد شد ودر دنیا احکام شهید بر او جاری نمی شود.

<u>غسل دادن مرده ای که زخمی است چه حکم دارد</u>: سوال: ٨٩٨ غسل دادن مرده ای که به علت به قتل رسیدن جسمش مجروح باشد جائز است یانه؟

---

(١) ردالمحتار باب صلاة الجنائز ج١ ص ٨٢٦ – ٨٢٧ ، ط. س. ج٢ ص ٢٢٤. ظفیر

(٢) ردالمحتار باب الشهید ج١ ص ٨٥٢ ، ط. س. ج٢ ص ٢٥٠ و٢٥١. ظفیر

جواب: اگر ظلماً کشته شده باشد باید غسل داده نشده ونماز جنازه اش خوانده شود [١].

کسی را که دزدان بکشند شهید است یانه: **سوال:** ٨٩٩ شخصی که غرض انجام امور منزل خویش به قریه می رفت به قتل رسید مقتول مسلمان می باشد او را می توان شهید گفت یانه ودر مورد غسل ونماز جنازه او چه حکم است؟

جواب: شخص مذکور شهید است باید غسل داده نشده ونماز جنازه اش خوانده شود، زیرا در الدر المختار آمده: (ویصلی علیه بلا غسل ویدفن بدمه وثیابه [٢])

منکر ونکیر ازکدام مردم سوال نمیکنند: **سوال:** ٩٠٠ آیا منکر ونکیر از کسانیکه شهادت صغری یافته اند سوال می کنند یانه؟

جواب: درشامی آمده که ازشش نفر منکر ونکیر سوال نمی کنند که ازآن جله یکی شهید است ودیگری کسی که در طاعون مرد باشد ودیگری مرابط وغیره [٣].

جسم کسانیکه شهادت اخروی یافته اند تفسخ می کند یانه: **سوال:** ٩٠١ کسی شهادت صغری یافته جسمش در قبر تفسخ نموده ومیده میده می شود یانه؟

جواب: در حدیث شریف در مورد پیامبران علیهم السلام چنین آمده است: (ان الله حرم علی الارض آن تأکل اجساد الانبیاء) غیر از پیامبران (علیهم السلام) چنین چیزی در مورد هیچ کس دیگری روایت نشده است [٤].

آیاجسم شهید حقیقی هم تفسخ می کند: **سوال:** ٩٠٢ درموردجسم کسیکه شهادت کبری

---

(١) الشهید هوکل مکلف مسلم طاهر قتل ظلما ولم یجب بنفس القتل مال والی قوله ویصلی علیه بلا غسل ویدفن بدمه وثیابه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج١ ص ٨٥١ ، ط. س. ج٢ ص٢٤٧). ظفیر

(٢) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج١ ص ٨٥١ ، ط. س. ج٢ ص ٢٥٠. ظفیر

(٣) ذکر أن من لا یسأل ثمانیة: الشهید، والمرابط، والمطعون والمیت زمن الطاعون بغیره إذا کان صابرا محتسبا، والصدیق، والاطفال، والمیت یوم الجمعة أو لیلتها، والقارئ کل لیلة تبارک الملک الخ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز مطلب ثمانیة لایسئلون فی قبورهم ج١ ص ٧٩٧ – ٧٩٨ ، ط. س. ج٢ ص ١٩٢). ظفیر

(٤) مشکوٰة باب الجمعة فصل ثانی ص ١٢٠.

یافته چه حکمی وجود دارد؟

جواب: پاسخی که به سوال شماره ۸۹۷ داده شده جواب این سوال نیز می باشد.

مسلمانی که در راه جلوگیری از شرارت کفار کشته شود شهید است یانه: سوال: ۹۰۳

الف: اکنون که کفار درهندوستان مي خواهند مسلمانان را خوار وذلیل ساخته واسلام را محو کنند ودر امور مذهبی مسلمانان مداخله می نمایند اگر مسلمانی در راه جلوگیری از شرارت های شان به قتل برسد شهید خواهد بود یانه؟

اگر درمحرم یاعرس هندوها حمله کنند ومسلمانی بمیرد چه حکم دارد: سوال: ۹۰٤

ب: اگر در محرم یا عرس یا میله هندو ها حمله کنند ومسلمانی ضایع شود چه حکم دارد؟

اگر مسلمانان مخفیانه توسط هندو ها کشته شوند شهید هستند یانه: سوال: ۹۰۵ ج:

اگر هندوها مخفیانه ویا از عقب حمله نمایند ومسلمانان را بکشند چه حکم دارد؟

جواب: الف ب، ج: در تمام این حالات مسلمانی که کشته شود شهید است زیرا مسلمانی که ظلماً بدست کافران به قتل برسد، شهید گفته می شود [1].

اولیاء الله پس ازمرگ زنده می باشند یانه: سوال: ۹۰٦ حضرات اولیاء الله پس از وفات زنده می باشند یانه در هر صورتی دلیل چیست؟

جواب: همگان می میرند چنانچه خداوند متعال فرموده است: (انک میت وانهم میتون) ودر حیات روحانی درجات انبیاء (علیهم السلام) ازهمه بلند تر بوده وبعد از آن شهداء وسپس تمام مؤمنین ومؤمنات درجه بدرجه قرار دارند ونصوص صرف در مورد ا نبیاء (علیهم السلام) وشهداء وارد شده چنانچه در حدیث شریف آمده: (ان الله حرم علی الارض آن تأکل اجساد الانبیاء فنبی

---

(۱) هوكل مكلف مسلم طاهر الخ قتل ظلم بغير حق بجارحة الخ وكذا يكون شهيدا لوقتله باغ اوحربى اوقاطع طريق ولو تسبباً اوبغير آلة جارحة فان مقتولهم شهيدا الخ (الدرالمختار على هامش دالمحتار باب الشهيد ج۱ ص ۸٤۸ ، ط. س. ج۲ ص ۲٤۷). ظفير

الله حی یرزق) ودر مورد شهدا در قران مجید آمده: (ولاتحسبن الذین قتک فی سبیل الله امواتی بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین بما آتا هم الله من فضله) اما هیچ چنین تصریحی با لفظ اولیاء الله وارد نشده اما چون تصریح حیات در مورد شهدا وجود دارد وشهدا نیز اولیاء الله می باشند به این وجه می توان گفت که این تصریح در مورد اولیاء نیز می تواند باشد یعنی می توان گفت که چون تصریح حیات در مورد شهداء صورت گرفته وچون اولیاء نیز در حکم شهدا بوده وبعضی از اولیاء الله از شهدا برتر می باشند چنانچه صدیقین که گروهی از اولیاء الله عند از شهدا افضل می باشند که ثبوت آن این آیة مبارکه است : (اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبین والصدیقین والشهداء والصالحین) در این آیت بعد از انبیاء وقیل از شهدا ذکر صدیقین آمده که به ظاهر ترتیب مقتضی فضلیت صدیقین بر شهداء می باشد لذا این حیات خاص حسب مراتب برای اولیاء الله نیز ثابت است.

<u>فیوض اولیاء الله بعد از مرگ باقی می باشد</u>: سوال: ٩٠٧ تصرفات وفیوض وبرکات وانوار اولیاء الله پس از وفات نیز باقی می باشد یا بعد از مرگ ظاهری ختم می گردند؟

جواب: فیوض وبرکات ایشان بعد از مرگ نیزا باقی می باشد مثلاً اینکه از زیارت ونزدیکی به ایشان به زائرین برکات حاصل می گردد وبر او نیز درود ورحمت الهی می باشد زیرا چون اولیاء لله مورد رحمت الهی می باشند شخصی که به زیارت ایشان می رود نیز حسب مراتب از آن برکات مستفیض می گردد اما اینکه ایشان تصرفات می توانند یا نه وچیزی اختیار به ایشان داده شده یانه، در این مورد عقیده را سالم نگهداشتن ضرور است، متصرف عالم خداوند متعال بوده وما سوای الله تعالی وحده لاشریک له هیچ کس تصرفی نداشته ویک زره بدون حکم او حرکت کرده نمی تواند وهر چه را حق سبحانه وتعالی برای هر کسی که مقرر فرمؤده همان می شود وبر خلاف آن هیچکاری انجام نمی گیرد در خدایی او هیچ کس شریکش نیست وهیچ کسی هیچ نوعی اختیاری ندارد. ختم شد

کمپوزنگ

مولانا حافظ نور احمد الحقاني